



قال الله عزوجل:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ
این کتاب مبارکی است که آنرا بسوی تو فرو فرستاده ایم تا در آیات آن تدبر کنند
وخردمندان عبرت گیرند. سورة ص، آیه: ۲۹

جزء سی ام

تفسیر د هشکری

برخی از ویژگی های این تفسیر:

۱ - ذکر موضوع آیه ها .

۲ - بیان مقصد سوره ها .

۳ - استنباط احکام و رهنمایی ها .

۴ - مستند به احادیث و آثار صحیح .

۵ - داشتن منابع معتبر و موثق .

نویسنده: مولوی محمد گل حقدوست دهشکری

استاد دارالعلوم عالی جامع شریف و خطیب مسجد جامع خاتم الانبیاء، هرات افغانستان

شماره تماس: ۰۰۹۳-۷۹۸۶۹۸۸۵۹

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ، وَنُسْتَعِينُهُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أما بعد:

یگانه عاملی که مانع تحقق اهداف والای مسلمانان در این برهه از زمان گردیده، کوتاهی شمار زیاد از آنها در حق قرآن مجید است، این تقصیر سبب شد که مسلمانان عظمت و قدرتی را از دست دهند که بشریت مثل آنرا ندیده بود، این امت بیش از (۱۲۰۰) سال در جهان حرف اول را میزد، اعاده آن عزت و کرامت دیروز امت اسلامی بتوفیق الله عزوجل آسان است، هرگاه همه مسلمانان اعم از مردان و زنان بسوی کتاب پروردگار شان در فراگرفتن، تلاوت نمودن، به دیگران تعلیم دادن، تدبر نمودن و عمل کردن به آن مراجعه نمایند، در آن صورت است که مشمول وعده الله عزوجل میگردند که در قرآن مجید داده است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^۱

(الله به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتما آنان را در زمین جانشین خواهد کرد طوریکه آنانی را که پیش از ایشان بودند جانشین ساخت و آن دینی را که برایشان پسندیده است به نفع ایشان پابرجا و برقرار خواهد ساخت و قطعاً بایم شانرا به ایمنی تبدیل خواهد کرد، چون مرا پرستش می کنند و چیزی را بامن شریک نمی سازند. و هر کس پس از این کافر شود. پس این گروه همان فاسقان اند.)

نویسند: مولوی محمد گل حقدوست دهشکری فرزند ملا جمعه گل دهقان دهشکری متولد در قریه دهشکر ولسوالی پشتون زرغون ولایت هرات، افغانستان.

۱. سورة نور آیه (۵۵).

معرفی مختصری از این جزء:

این جزء از قرآن مجید مشتمل بر (۳۷) سوره است که اغلباً مکی می باشند. اکثریت محتوای این سوره ها مشتمل است در برپاساختن دلایل توحید الله عزوجل، حقانیت قرآن کریم، اثبات رسالت رسول الله ﷺ، بعث وحشر، جنت و دوزخ و بیان اسباب ورود به آنها، نعمت های الله عزوجل بر مردمان، پاداش مومنان، مجازات تکذیب کنندگان و غیره، موارد ذکر شده بر یک اسلوب و روش اعجاز آوری بیان گردیده است که قلب ها و نفس ها را به لرزه و کرنش در می آورد، این جزء مثل دیگر اجزاء قرآن کریم احکام، آداب و اخلاقی را برای بشریت عرضه می کند، که تمام منافع و مصالح شان درگرو فهم و عمل به آن می باشد، برخلاف قوانین وضعی بشری، احکام این کتاب در هر زمان و مکان قابلیت و لزوم تطبیق و تعمیل را دارد، قرآن کریم برای تمام ابعاد زندگی انسانها برنامه های منظم و سنجیده داشته و پاسخگوی تمام نیازمندی های شان می باشد، از ناحیه فصاحت و بلاغتش چنان زیبا، موثر مطابق به مقتضای حال، جذاب و شیرین است که تمام سخندانان و سخنوران عرب و عجم را شگفت زده کرده است، از بُعد اعجاز علمی؛ حقایق روشنی را برای جهانیان تقدیم داشته و می دارد که به سبب آن محققان منصف، گروه گروه به پذیرش این کتاب گردن می نهند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: نبأ

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۴۰

تعداد کلمات: ۱۷۳

اعداد حروف: ۷۷۰ - ۱

وجه نامگذاری این سوره: «نبأ» به معنای خبر مهم میباشد، از جهت اینکه در این سوره از خبر مهم و بزرگ (حقانیت قرآن کریم و وقوع قیامت) یاد آوری شده به این نام مسمی گردیده است.

اجمالاً برخی مطالبی که این سوره در برگیرنده آنست:

- ۱- اثبات روز رستاخیز و توحید با دلایل مختلف.
- ۲- بیان نشانه های قدرت الله عزوجل در کاینات.
- ۳- بیان معین بودن روز رستاخیز نزد الله عزوجل.
- ۴- بیان انواع عذابهای که برای کافران آماده شده است.
- ۵- بیان انواع نعمت های که برای پرهیزگاران آماده شده است.
- ۶- بیان برخی از اوصاف و احوال روز قیامت

۱ این ارقام برگرفته شده از: کتاب مراحل لبید لکشف معنی القرآن المجید المؤلف: محمد بن عمر نووی الجاوی البنتی إقلیما، التناری بلدا (المتوفی: ۱۳۱۶هـ) المحقق: محمد أمين الصناوي الناشر: دار الكتب العلمية بیروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۷ هـ

از مقاصد این سوره:

- ۱- سرزنش و توبیخ کسانی که بدون علم در مورد قرآن کریم داوری می کنند.
 - ۱- اثبات روز رستاخیز و جزا با دلایل قاطع عقلی.
 - ۳- بیان سختی های روز قیامت.
 - ۴- وجوب آمادگی برای روز قیامت پیش از فرارسیدنش در انجام اعمال نیکوی که همراه با اخلاص و پیروی از روش رسول الله ﷺ باشد.
 - ۵- بیان تقسیم مردم در روز قیامت به دو فریق و مرجع هر کدام از آنها.
- آنچه در مورد فضیلت این سوره وارد است:
- ابوبکر صدیق رضی الله عنه برای رسول الله ﷺ گفت: ای رسول خدا یقیناً پیرشیدید! رسول الله ﷺ فرمودند: سوره های؛ هود، واقعه، مرسلات، عم یئتساءلون، واذا الشمس کورت، من را پیر ساخت^۱ - ملا علی قاری هروی - رحمه الله - در مورد تاثیر گذاری این سوره ها در پیری زود رس برای رسول الله ﷺ چنین می نویسد: بخاطر اینکه در این سوره ها:
- ۱- خبر از سختی های قیامت داده شده است.

- ۲- حوادث و بلاهای که بر بالای امت های گذشته فرود آمده بیان گردیده است،
- ۳- برای رسول الله ﷺ فرمان به استقامت و پایداری در آنچه فرمان یافته اند، داده شده است. بنابراین: یادآوری دو مورد فوق؛ انسان با احساس را غمگین و پریشان می سازد و او را به جستجوی راه نجات وادار می کند، این پریشانی ها و تلاشها سبب پیری زود رس برایش می گردد، همچنان تداوم و همیشگی در مورد سوم که مطالبه استقامت در راه راست است بدون افراط و تفریط در اعتقادات، اعمال ظاهری و باطنی دشوار می باشد، این کار مجاهده و تلاش می خواهد. پس تحمل این

۱ سنن ترمذی (۳۲۹۷)، السلسله الصحیحه (۹۵۵)،

سختیها و پایداری بر این تلاشها نیز تاثیرات خاص خود را بر جسم و روح انسان می گذارد^۱

این سوره مبارکه به شش بخش زیر تقسیم می شود:

بخش اول: سوال مشرکان از خبر مهم و بزرگ است که مشتمل بر چند موضوع می باشد.

موضوع: ۱- هشدار و توبیخ بر منکران روز رستاخیز

قرآن کریم: {عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ} {۱}

(در باره چه چیز از یکدیگر می پرسند) (۱)

تفسیر: هنگامیکه رسول الله ﷺ مشرکان قریش را به سوی توحید دعوت نمود و برای شان خبر داد که بعد از مرگ جهت محاسبه اعمال زنده می شوید و قرآن کریم را بر آنها تلاوت می نمود، آنها از یکدیگر خود پرسان می کردند که: محمد چه چیزی آورده است؟ سپس الله عزوجل نازل فرمود: کافران از همدیگر از چه می پرسند؟^۲ - امام نسفی - رحمه الله - در تفسیرش می نویسد: ...ضمیر در «یتساءلون» راجع به سوی اهل مکه می شود، آنها در بین خود از یکدیگرشان در مورد زنده شدن بعد از مرگ سوال می کردند و سوال آنها از مومنان در مورد زنده شدن بعد از مرگ به شکل تمسخر آمیز بود. پایان نقل، بنابراین: الله عزوجل آنها را بخاطر طرح این سوالهای مغرضانه و تمسخر آمیز شان سرزنش نمود.

موضوع: ۱- رستاخیز روزیست بزرگ، ۲- عظمت قرآن مجید،

قرآن کریم: {عَنِ النَّبِیِّ الْعَظِیْمِ} {۲} (از آن خبر بزرگ) (۲)

تفسیر: از خبر مهم و بزرگ می پرسند؟ علامه سعدی - رحمه الله - در تفسیرش چنین می نویسد: الله عزوجل در این آیت آنچه را که از یکدیگر می پرسیدند بیان نمود، امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیرش «النبا العظیم» را به زنده شدن بعد از مرگ و قرآن کریم تفسیر نموده است^۳ - بلی؛ تمامی ذهن ها، قلب ها و فکرها باید متوجه

۱ مرقاة المفاتیح شرح مشکوٰۃ المصابیح باب البكاء والخوف، ج: ۸، ص: ۳۳۵۶، با تصرف مختصر

۲ به تفاسیر ابن جریرطبری، قرطبی، بغوی والوسیط طنطاوی، مراجعه شود.

۳ قتاده وابن زید آنها (نبا عظیم) به زنده شدن بعد از مرگ تفسیر کرده اند و مجاهد به قرآن کریم تفسیر نموده است، مراجعه شود به تفسیر ابن کثیر.

این خبر بزرگ که وقوع قیامت و حقانیت قرآن مجید است گردیده و از شنیدن آن متأثر شوند، طوریکه این تأثیر باید در اعضای ظاهری بدن نیز مشهود و محسوس گردد.

موضوع: موجودیت اختلاف بین حق و باطل و عدم اتفاق بین آنها

قرآن کریم: { الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ } { ۳ } (که در باره آن با هم اختلاف دارند) (۳)-

تفسیر: این خبر بزرگ همان خبری است که در باره اش اختلاف دارند، کسانی از آنها زنده شدن بعد از مرگ و حقانیت قرآن کریم را تصدیق می کنند و سوال آنها در این موارد بخاطر تقویت و ازدیاد ایمان است، شماری از آنها وقوع قیامت و حقانیت قرآن کریم را تکذیب می نمایند و سوال آنها در این موارد بخاطر استهزا و تمسخر می باشد، ولی با دلایل قاطع و شواهد انکار ناپذیر، حقیقت امر و انصاف اینست که: در وقوع قیامت و حقانیت قرآن مجید هیچ شبه و تردیدی وجود ندارد^۱.

موضوع: ۱- وجوب رد منکر، ۲- وجوب انذار (بیم دادن)، ۳- هشدار برکافران

قرآن کریم: { كَلَّا سَيَعْلَمُونَ } { ۴ } (نه! به زودی خواهند دانست) (۴)

تفسیر: نه، چنین نیست؛ انکار مشرکان از زنده شدن بعد از مرگ صحیح نیست. به زودی این کافران منکرستائیز می دانند که الله عزوجل با آنها چگونه معامله می کند. این آگاهی زمانی است که الله عزوجل آنها را بعد از مرگ دو باره زنده می سازد و بر اعمال زشتی که در دنیا مرتکب آن شده بودند مجازات می کند. یا اینکه کافران به زودی حقانیت قرآن مجید را خواهند دانست که چگونه با سرعت تمام برقلب ها و سر زمین های عرب و عجم مسلط و غالب شده، بساط شرک و فساد را بر می چینند، با احکام و فرامینش بشریت را از ذلت، بردگی و زندگی حیوانی رهایی بخشیده و در اوج عزت، کرامت، سر بلندی، رفاه، و امنیت قرار می دهد. و این وعده به زودی تحقق یافت، طوریکه دین اسلام به سرعت از طرف شرق به شبه قاره هند رسید و از طرف غرب تا دروازه های اروپا گسترش یافت، امید وار هستیم که بار دیگر با

۱ در تفسیر الوسیط لطینطاوی چنین ذکر شده است: در صورتیکه مرجع ضمیر در یثساء لون بسوی کافران باشد اختلاف آنها اینگونه بود که: بعضی از آنها بعث را انکار می کردند و بعضی دیگر در آن تردید داشتند- این یک نوع اختلاف است- اگر مرجع ضمیر بسوی مسلمانان و کافران باشد سوال مومنان جهت ازدیاد ترس و آمادگی برای قیامت بود و سوال کافران جهت تمسخر بود - و اختلاف بین این دو گروه هم واضح است.

ایجاد خلافت اسلامی بر منهج رسول الله ﷺ این قرآن بر تمام روی این کره زمین حاکم شود و غیر از اسلام دینی باقی گذاشته نشود و غیر از الله عزوجل هیچ کس و هیچ چیزی عبادت نشود، { وما ذا لك على الله بعزیز. }^۱ (و این کار بر الله عزوجل دشوار نیست)

موضوع: ترساندن کافران و هشدار بر آنها (هشدار دومی از اولی سخت تراست)

قرآن کریم: { ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ } { ۵ }

(دیگر باری گویم: نه! بزودی خواهند دانست) (۵)

تفسیر: نه، چنین نیست که این کافران می پندارند که: زندگی ای بعد از مرگ نیست، و در برابر کفر خود مجازات نمی شوند، بلکه آنها به زودی بعد از مرگ زنده گردیده و در مقابل گفتارها، کردارها و باورهای کفری و شرکی شان مجازات می گردند؛ امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیرش می نویسد: این آیه تهدید سختی و هشدار سنگینی برای منکران قیامت می باشد. امام ابن جریر طبری رحمه الله این آیه کریمه را چنین تفسیر نموده است: مومنان نیز عاقبت تصدیق خود را به زودی می دانند،

بخش دوم: ذکر آیات تکوینی:

موضوع: زمین و منافع آن از نشانه های قدرت الله عزوجل است

قرآن کریم: { أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا } { ۶ } (آیا زمین را گهواره ای نگردانیدیم) (۶)

تفسیر: سپس الله عزوجل (۹) دلیل را ذکر نمود که همه دلالت کننده بر اثبات زنده ساختن بعد از مرگ است، زیرا: ذاتی که قادر بر ایجاد این اشیای عجیبه باشد، بر باز گرداندن حیات مجدد برای انسان نیز قادر و توانا است. چنانچه در این آیه مبارکه فرمود: زمین را بستر آرامش برای شما گردانیدیم، همچنان منافع و مصالح شما را مثل: زراعت، صناعت، بنای مسکن و غیره در زمین قرار دادیم، این آیه دلیل اول بر قدرت الله عزوجل و اثبات زنده ساختن بعد از مرگ میباشد.

۱ سورة ابراهيم آية (۲۰)

موضوع: کوه ها و منافع آن از نشانه های قدرت الله عزوجل است

قرآن کریم: { وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا } { ۷ } (و کوهها را میخهایی قرار ندادیم) (۷)

تفسیر: و کوه ها را میخ های برای زمین قرار دادیم تا زمین شما را نلرزاند، به هر اندازه که کوه ها بلند و به طرف آسمان برافراشته اند، به مقدار دوسوم بلندی شان به عمق زمین فرو رفته اند، دیگر از فواید کوه ها اینست که:

۱- توازن و همسنگی زمین را با سیارات دیگر حفظ میکند، زیرا: اگر زمین کمتر از حجم وضخامت فعلی را می داشت به آفتاب نزدیک گردیده و ذوب می شد، و اگر زمین بیشتر از حجم وضخامت موجود را می داشت از آفتاب فاصله می گرفت و کاملاً منجمد می گردید.

۲- کوه ها زمین را در برابر فشار ناشی از مواد مذاب درونی اش، و طوفانهای بزرگ بحر ها و اقیانوسها، حفظ می نماید.

۳- کوه ها از منابع بزرگ آب، نفت، گاز، ذغال سنگ، مس، طلا و... به شمار می رود،

۴- وجود کوه ها به عنوان مخلوقات بزرگ الله عزوجل و از نشانه های قدرتش، تاثیر خاصی در روح و روان بشریت می گذارد. این آیه دلیل دوم بر قدرت الله عزوجل و اثبات زنده ساختن بعد از مرگ می باشد.

موضوع: زوجیت بین انسانها از نشانه های قدرت الله عزوجل است

قرآن کریم: { وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا } { ۸ } (و شما را جفت آفریدیم) (۸)

تفسیر: و از نشانه های قدرت ما اینست که: شما را جفت (نروماده) آفریدیم، تا اینکه: ۱- توالد و تناسل تداوم یابد و نسل بشریت منقرض نشود،

۲- امور زندگی از طریق فایده گرفتن هریک از زوجین از دیگرش در زمین تنظیم شود، طوریکه قوه تمایل و گرایش در نروماده را نسبت به یکدیگر به وجود آورده است، همچنان توازن و سنجش دقیق که بین آفرینش مرد و زن بر قرار ساخته از دلایل دیگر قدرت الله عزوجل می باشد، چنانچه: اگر برای «زید» دو پسر و یک دختر داده است، برای «بکر» دو دختر و یک پسر عطا نموده است، تا این توازن حفظ شود،

از جهت دیگر در اختلاف چهره ها، رنگها و صدا های انسانها مصلحت های زیادی نهفته است، اگر این اختلاف ها نمی بود و همه انسانها دارای یک رنگ و یک چهره می بودند، نزاع ها و خصومت های زیادی در ملکیت ها، فرزندان، ازدواج ها، آمریت ها و ماموریت ها و... به وجود می آمد که نظام زندگی بشریت را کاملاً مختل می کرد. بنابراین: آفرینش بشر به روش موجود و انتظامش و دوام این حالت هرگز نمی تواند تصادفی و خود به خودی باشد، اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله. این آیه دلیل سوم بر قدرت الله عزوجل و اثبات زنده ساختن بعد از مرگ است.

موضوع: خواب از نشانه های قدرت الله عزوجل است

قرآن کریم: { وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُباتًا } { ۹ } (و خواب شما را مایه آسایش گردانیدیم) (۹)

تفسیر: و خواب تان را مایه آرامش، آسایش و پایانی کارهایتان گردانیده ایم، خواب نشانه ای قدرت الله متعال و نعمتی از نعمت های اومیباشد. الله متعال در سرشت انسان نیروی قرار داده است که او را به دنبال جستجوی روزی و دیگر حوائج زندگی و به طرف استراحت هدایت میکند تا رفع خستگی از کارها و تلاشهای فکری و جسمی نموده و به تجدید قوا برای فعالیت های دوباره خود بپردازد، هنگام خواب بخش مهمی از فعالیت های فکری و مغزی انسان تعطیل میشود و تنها بخشی از دستگاهها و قسمتی از مغز به فعالیت خود ادامه میدهند که برای حیات موجودات زنده لازم و ضروری است. اطبا میگویند: ملیون ها سلول در مغز رابطه ایشان در حالت خواب از مرکز آن قطع میشود و در وقت بیداری دوباره اتصال پیدا میکند. ایجاد و پیدایش، توقف و آغاز کار مجدد این دستگاه ها و فعالیت منظم آنها آیه و نشانه ای از نشانه های قدرت الله متعال و دلیل بر اثبات زنده شدن بعد از مرگ میباشد برای کسانی که گوش شنوا و چشم بینا دارند، فرد مؤمن باید در برابر این آیه خاشع باشد، تسبیح و تحمید الله متعال را بگوید و اقرار کننده بر ربوبیت والو هیت الله متعال باشد و از جهتی خواب نشان دهنده ضعف و عجز انسان است که باتوان و نیروی خود اگر حفاظت الله متعال نباشد، آفات و بلیات را از خود دور ساخته نمیتواند، الله متعال نگهبان و تدبیر کننده امور وی و کائنات است، خواب امتنانی است از جانب الله متعال برای مردم به آفرینش نظام خواب در وجود ایشان، تا اینکه راحتی

درجسم و فکر ایشان حاصل شود، دروقت خواب دستگاه های بدن بازسازی میشود و دوباره آماده تلاش و حرکت می شوند. خواب لطفی است برای انسان، زیرا: منافع و مصالح جسمی و فکری وی درآن نهفته میباشد. همانطوریکه مادر دلسوز یا پدر مهربان وقتی کودک بازی گوش را میخواهد بخواباند تا سلامت و نشاطش محفوظ بماند و دربازی بیش از حد قوایش را به هدر ندهد، رویش را بابتویالحنای می پوشاند، الله سبحانه و تعالی که مهربان تر از مادر و پدر است انسانها را با پوشاک نیلگون شب، فرو میپوشد تا از مشاغل، خستگی و تلاش در پی معاش آنها بیش از حد لزوم، جلو گیری شود و همچنان بخشی از شب را در دعا، نماز، و آمرزش، به الله متعال تقرب بجویند و دلهای خود را به یاد او آرام سازند از فواید معنوی و اخلاقی خواب انقطاع از این عالم است که ما را بطور منظم به یاد آخرت و مرگ می اندازد، زیرا: شخص نمیداند شاید این بار آخر باشد که چشم هارا میبندد، خواب برادر مرگ است. انسان در خواب مانند مرده ای قدرت تحرک و تصرف در امور و اجابت چیزی را در اطراف خود ندارد. این آیه دلیل چهارم بر قدرت الله عزوجل و اثبات زنده ساختن بعد از مرگ است.

موضوع: شب از نشانه های قدرت الله عزوجل است

قرآن کریم: { وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا } { ۱۰ } (و شب را برای شما پوششی قرار دادیم)
(۱۰)

تفسیر: و شب را برای شما مانند پوشاکی قرار دادیم، که شما را زیرپوشش خود قرار داده و در آن احساس راحتی و آرامش می کنید و این نعمت دیگر است برای شما، این آیه دلیل پنجم بر قدرت الله عزوجل و اثبات زنده ساختن بعد از مرگ می باشد.

موضوع: روز از نشانه های قدرت الله عزوجل است

قرآن کریم: { وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا } { ۱۱ } (و روز را وسیله برای معاش قرار دادیم)
(۱۱)

تفسیر: و روز را اغلباً زمان کسب معاش و ارزاقی که قسمتتان نمودیم قرار دادیم. بلی؛ الله عزوجل روز را به نور آفتاب روشن گردانیده تا بندگان برای حصول مصالح دینی و دنیوی خود تلاش کنند. و از جهت دیگر آفتاب در پختگی غلجات و میوه جات

نقش اساسی دارد و این امر به معاش ارتباط می گیرد که در جریان روز تحقق می یابد. امام طبری به سند صحیح از مجاهد در تفسیر «وجعلنا النهار معاشا» می نویسد: در جریان روز از فضل الله عزوجل طلب می کنند، یعنی: طلب رزق؛ طلب فضل الله عزوجل است. این آیه دلیل ششم بر قدرت الله عزوجل واثبات زنده ساختن بعد از مرگ است.

موضوع: آسمانها از نشانه های قدرت الله عزوجل

قرآن کریم: { وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا } { ۱۲ }

(و بر فراز شما هفت آسمان استوار بنا کردیم) (۱۲)

تفسیر: در بالای سر شما آسمانهای هفتگانه را باینای محکم و استوار بنا کردیم. که باگذشت زمان شکاف و خللی در آن رونما نمی شود. این آیه دلیل هفتم بر قدرت الله عزوجل واثبات زنده ساختن بعد از مرگ است.

موضوع: آفتاب از نشانه های قدرت الله عزوجل

قرآن کریم: { وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا } { ۱۳ } (و چراغی فروزان گذاردیم) (۱۳)

تفسیر: وخورشید را مانند چراغ روشنی در آسمان پدید آوردیم که بر اهل زمین نور افگنی می کند، درحرکت آن خللی نبوده و در طلوع و غروبش ناهماهنگی وجود ندارد، آیا تا به اکنون تفکرکرده اید که آفتاب نور وحرارت خود را از کجا به دست می آورد؟ چگونه نورش باسپری شدن ملیونها سال از آفرینش او، خاموش نگردیده است؟ زندگی بشریت، حیوانات، گیاهان، وپیدایش غلجات در گرو نعمت آفتاب است. پاک است ذاتی که زمین را به آفتاب روشن ساخت، این آیه دلیل هشتم بر قدرت الله عزوجل واثبات زنده ساختن بعد از مرگ است.

موضوع: ابرها از نشانه های قدرت الله عزوجل

قرآن کریم: { وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا } { ۱۴ }

(و از ابرهای متراکم آبی ریزان فرود آوردیم) (۱۴)

تفسیر: واز ابرهای باران زا و افشارنده آب فراوان وریزنده نازل کردیم، امام طبری به سند حسن از ابن عباس رضی الله عنهما روایت می کند که «المعصرات» به معنای:

ابر هاست، و «ثجاجا» به معنای: بسیار ریزنده و بارنده می باشد - الله عزوجل این نه دلیل را بر اثبات زنده ساختن بعد از مرگ اقامه نمود، هیچ عاقلی توانایی انکار آنها را ندارد. زیرا: این ها همه دلایل محسوس وقناعت بخش می باشند، بنابر این: جای برای اختلاف در بعث و وارد ساختن سوال از آن باقی نمی ماند، پس از همدیگرشان از چه می پرسند؟ از چیزی که اثبات آن، روشن، بدیهی و آفتابی است! این آیه دلیل نهم بر قدرت الله عزوجل و اثبات زنده ساختن بعد از مرگ می باشد. موضوع: بیرون ساختن غلجات و گیاهان از زمین از نشانه های قدرت الله عزوجل و نعمت هایش می باشد.

قرآن کریم: {لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا} {۱۵} (تا بدان دانه و گیاه برویانیم) (۱۵)

تفسیر: تا به سبب آن آب ریزان از ابرها، غلجات و گیاهان زیادی را برویانیم. آیا تاحال تفکرکرده اید که چگونه از بین زمین ساق ضعیف گیاه بیرون می شود و بعد از مدتی باردار گردیده جهت بقا و تامین منافع توی انسان در اختیارت قرار می گیرد؟ چرا این ساق به عمق زمین فرو نمی رود؟ اگر چنین می شد در روی زمین هیچ انسان و حیوانی باقی نمی ماند. آیا ممکن است این امور با این سرو سامان، تداوم و شگفتی هایش تصادفی و خود بخودی باشند؟ دیدگاه تصادفی بودن این امور را هیچ انسان منصف و عاقلی نمی پذیرد، بلکه آنرا مسخره، مضحک، بی بنیاد، غیر منطقی و غیر عقلانی می داند.

موضوع: باغستانها از نشانه های قدرت الله عزوجل است

قرآن کریم: {وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا} {۱۶} (و باغهای در هم پیچیده و انبوه) (۱۶)

تفسیر: و نیز به سبب آن آب باغهای را که بعضی بر بعضی دیگر درهم پیچیده و انبوه اند، پدید آوردیم که دارای میوه های لذیذ و متنوع می باشند. ذاتی که چنین توانایی دارد که زمین مرده را به رو یانیدن گیاه و نبات در هر فصلی از سال زنده کند، بر زنده ساختن مردگان نیز توانا است. پس هیچ دلیل معقولی جهت انکار برای شما در زنده ساختن بعد از مرگ باقی نماند. برعکس؛ همه این دلایل معقول، محسوس وقناعت بخش شمارا بر اثبات زنده شدن بعد از مرگ رهنمایی کرد. و پیوسته الله عزوجل تصاویر گوناگونی را در اثبات رستاخیز برای شما به نمایش می گذارد.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- اثبات عقیده روز رستاخیز، جزا، توحید، و رسالت به دلایل عقلی قاطع

۲- نشانه های قدرت الله عزوجل در کاینات

بخش چهارم: از حوادث و رخداد های روز قیامت.

موضوع: اثبات داوری الله عزوجل بین بندگان

قرآن کریم: { إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا } { ۱۷ } (قطعاً وعدگاه ما با شما روز داوری است) (۱۷)

تفسیر: بیگمان روز داوری الله عزوجل در بین مردمان به هنگام معینش فرامی رسد، امام طبری به سند حسن از قتاده در تفسیر این آیه مبارکه می نویسد: روزی است که الله عزوجل بین اولین و آخرین در مورد اعمالشان داوری می کند.

موضوع: اثبات دمیدن در صور (نفخه دوم)

قرآن کریم: { يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا } { ۱۸ }

(روزی که در صور دمیده شود و گروه گروه بیایید) (۱۸)

تفسیر: آن روز داوری روزی است که: در صور دمیده می شود و شما از قبرهای تان بیرون شده و گروه گروه به سوی میدان محشر جهت محاسبه اعمال حاضر می شوید. و هیچ یک از شما توانایی تخلف از آن مکان را ندارید.

موضوع: خبر از پدید آمدن شکاف در آسمانها

قرآن کریم: { وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا } { ۱۹ }

(و آسمان شکافته می گردد و به صورت درهای در می آید) (۱۹)

تفسیر: آن گاه آسمان شق می شود و برای نزول فرشتگان که بخاطر اجرای فرامین پروردگار فرود می آیند، دروازه، دروازه می گردد. ۱- آیه (۲۵) سورة فرقان نیز چنین خبری دهد: و به یاد آور روزی را که آسمان همراه با ابرها و غبار غلیظی که از اثر

انفجار سیارات به وجود می آید شکافته و پاره پاره می گردد و فرشتگان با سرعت تمام پیای فرود آورده شوند.

موضوع: سرانجام کوه ها

قرآن کریم: { وَ سَيُزِيتُ الْجِبَالُ فَاَكَاثَ سَرَابًا } { ۲۰ }

(و کوهها روان کرده شود و [چون] سرابی گردند) (۲۰)

تفسیر: و کوه ها به حرکت افکنده می شوند و بعد از برکنده شدن از جای شان، مانند سرابی می گردند، یعنی: کوه ها در هوا به مثل غبار و گردی پراکنده می شوند، «سراب» عبارت است از: نمایش آب در هوای گرم به شکل چیز بی حقیقت، در آن روز زمین کوه ها ازجا برکنده می شوند و در هم کوبیده و متلاشی می گردند و سرانجام این گونه می شود: بیننده می پندارد که آنجا کوهی است ولی درحقیقت کوهی نمی باشد بلکه غباری است.

موضوع: دوزخ در انتظار و کمین کافران است

قرآن کریم: { إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا } { ۲۱ } (بی گمان جهنم کمین گاهی است) (۲۱)

تفسیر: بیگمان دوزخ کمینگاه بزرگی برای کافران می باشد، هیچ کدام از آنها توانایی گریختن از آنرا ندارند. مثل اینکه دشمن در کمین دشمنش است، جهنم در کمین کافران است. در کتاب «القرآن تدبر وعمل» در تفسیر این آیه مبارکه چنین ذکر گردیده است: کسی داخل جنت نمی شود مگر اینکه از (بالای) جهنم رد شود و عبور کند، اگر همراه او گذرنامه (دستاویزی از اعمال نیکو) بود نجات پیدا می کند ولی اگر گذر نامه نداشت محبوس می گردد.

موضوع: از اسباب ورود به جهنم:

قرآن کریم: { لِلظَّالِمِينَ مَا بَأْسًا } { ۲۲ } (که برای سرکشان باز گشتگاهی است) (۲۲)

تفسیر: آتش جهنم مکان باز گشت برای سرکشان میباشد، امام طبری رحمه الله در تفسیر این آیه چنین می نویسد « آنها کسانی بودند که در دنیا سرکشی کردند از حدود الله عزوجل تجاوز نمودند و از اجرای فرامین پروردگار سر باز زدند، پس

بازگشتگاه شان جهنم است. امام ابن کثیر در تفسیر «طاغین» چنین می نویسد: آنها کسانی می باشند که از اجرای فرمان های انبیا مخالفت نمودند.

موضوع: همیشه بودن کافران در جهنم:

قرآن کریم: { لَا يَثْبِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا } { ۲۳ }

(روزگاری دراز در آن ماندگاراند) (۲۳)

تفسیر: این سرکشان در جهنم زمانه های بدون انقطاع را ماندگار اند، امام طبری به سند حسن به نقل از قتاده در تفسیر این آیه می نویسد: آنها در جهنم زمانه های بدون انقطاع را طی میکنند، یعنی: زمانهای که نهایی برای آنها نیست. و جهنم فناشدنی نیست.

موضوع: از احوال کافران در جهنم:

قرآن کریم: { لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا } { ۲۴ }

(در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی) (۲۴)

تفسیر: در آنجا نه چیز خنکی می چشند که گرمی آنها را تخفیف کند و نه نوشیدنی می نوشند که تشنگی آنها را رفع بسازد.

موضوع: نوشابه کافران در جهنم:

قرآن کریم: { إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا } { ۲۵ } (جز آب جوشان و چرکابه ای) (۲۵)

تفسیر: جهنمیان آب جوش و خونابه زخم دوزخیان را می نوشند، امام ابن کثیر در تفسیرش «غساق» را چنین تعریف نموده است: آنچه از زردابه ها، عرقها، اشکها، وزخمهای اهل دوزخ یکجا شود. بلی؛ نوشابه که ترکیبش از مواد ذکرشده باشد به عنوان شربت برای دوزخیان داده می شود.

موضوع: عدالت الله عزوجل

قرآن کریم: { جَزَاءٌ وَفَاقًا } { ۲۶ } (کیفری مناسب با جرم آنها) (۲۶)

تفسیر: این مجازاتی می باشد که با کردارها، باورها، و گفتارهای زشت و پلشت آنها برابری دارد، این آیه مبارکه بیان کننده عدالت الله عزوجل در مورد این اشخاص است، الله عزوجل به آنها ستم نکرده است، آنها بودند که در ارتکاب معاصی به نفس های خود ستم نمودند. مقاتل می گوید: این عذاب با گناه آنها برابر است، زیرا: هیچ گناهی بزرگتر از شرک نیست و هیچ عذابی بزرگتر از آتش نمی باشد، الله عزوجل می دانیست که اگر برای آنها درد دنیا زندگی همیشگی داده میشد از شرک دست بردار نمی شدند.

موضوع: از باورهای زشتیکه صاحبانش را برای همیشه محبوس جهنم گردانید:
قرآن کریم: { إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا } {۲۷} (آنان بودند که به روز حساب امید نداشتند) (۲۷)

تفسیر: یکی از اسباب عذاب همیشگی شان در جهنم اینست که: آنها امید باز پرسی و حسابرسی را نداشتند و به آن باورمند نبودند، در کتاب «الصحيح المسبور من التفسير بالماثور» به سند صحیح به نقل از مجاهد در تفسیر این آیه مبارکه چنین نوشته شده است: آنها نسبت به محاسبه اعمال بی پروا بودند و ترسی از حساب نداشتند.

موضوع: پیامد تکذیب آیات الهی همیشه ماندن در جهنم است.
قرآن کریم: { وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا } {۲۸} (و آیات ما را سخت تکذیب میکردند) (۲۸)
تفسیر: علت دیگر عذاب آنها در آخرت اینست که: هرآنچه را که رسول ما برای شان آورد، به شدت انکار کردند. و جلو انتشار دعوت پیامبر ما را گرفتند.
موضوع: فراخی علم الله عزوجل:

قرآن کریم: { وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا } {۲۹} (و ما همه چیز را در کتاب لوح محفوظ به شمارش نوشتیم) (۲۹)

تفسیر: همه چیز را از کم و زیاد، کوچک و بزرگ، نیک و بد در لوح محفوظ در نوشته به شمار آورده و ثبت کرده ایم. پس گناهکاران گمان نکنند که ما آنها را در برابر اعمالی عذاب نمودیم که مرتکب آن نشده بوده اند.

موضوع: سخت ترین آیه برکافران:

قرآن کریم: { فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا } {۳۰} (پس بچشید که جز عذاب هرگز چیزی بر شما نمی افزایم) (۳۰)

تفسیر: پس طعم تلخ عذاب را که در نتیجه کفر، فسق و نافرمانی شما دامن گیرتان گردیده بچشید، چیزی جز عذاب بر شما نمی افزایم. عبدالله پسر عمرو می گوید: از این آیه مبارکه بر کافران سخت تر نازل نگردیده است، زیرا: در این آیه خبر داده می شود که: بر آنها پیوسته و همیشه عذاب فزونی می یابد. یعنی: به صورت دائمی و همیشگی عذاب لحظات بعدی برکافران در جهنم از عذاب لحظات قبلی سخت تر و شدید تر است.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- داوری الله عزوجل در روز قیامت

۲- نکوهش سرکشی و بیان جزای ستمکاران

۳- بیان ثبوت، ضبط و شمارش اعمال بندگان و مجازات و مکافات آنها

۴- همیشگی عذاب آخرت برای کافران

۵- بیان حال بدبختان و چگونگی استقرارشان در جهنم.

بخش پنجم: پاداش پرهیزگاران:

موضوع: فضیلت پرهیزگاری:

قرآن کریم: إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا {۳۱} (مسلماناً پرهیزگاران را رستگاری است) (۳۱)

تفسیر: از روش قرآن کریم اینست که: در بیان سرانجام خوبان و بدان برا بری برقرار می کند، در این سوره بعد از بیان سرانجام بدکاران، سرانجام پرهیزگاران را ذکر می کند. هشدار و امید یک منهج و روش از روشهای موثر تربیوی می باشد، بنابراین: گویا الله تبارک و تعالی در این آیه مبارکه چنین فرموده است: به یقین برای پرهیزگاران که نفس های خود را از آنچه پروردگارشان راضی نیست حفظ کردند، رستگاری بزرگی است.

موضوع: از پادا شهای پرهیزگاران:

قرآن کریم: { حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا } {۳۲} (باغچه ها و تاکستانها) (۳۲)

تفسیر: باغستانهای سرسبز و خرم که دارای انواع میوه های لذیذ می باشد و همچنان مشتمل است بر تاک های انگور،

موضوع: از پاداشهای پرهیزگاران:

قرآن کریم: (وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا) {۳۳} (و دخترانی همسال با سینه های برجسته) (۳۳)

تفسیر: برای آنها در جنت دخترانی به عنوان همسر داده می شود با این اوصاف:

۱- نوجوانانی که پستانهای آنها تازه برآمده است، برجسته می باشد و فرو افتاده نیست،

۲- در سن و سال خود برابراند مثل اینکه همه در یک زمان متولد شده باشند،

۳- جز به همسران خود عشق نمی ورزند و تنها به شوهران شان چشم می دوزند.

۴- پیش از آنان کسی از انسانها و جنیات با ایشان نزدیکی و همبستری نکرده است.

موضوع: از پاداشهای پرهیزگاران:

قرآن کریم: { وَكَأْسًا دِهَاقًا } {۳۴} (و پیاله های لبالب) (۳۴)

تفسیر: برای جنتیان جام های لبریز از شرابی که اوصاف زیر را دارد آماده شده است:

۱- نشه آور نیست،

۲- درد سر ایجاد نمی کند و عقل را زایل نمی سازد،

۳- گوارا است،

۴- سفید است،

۵- لذت بخش است،

موضوع: برخی از اوصاف جنت و اهل آن:

قرآن کریم: { لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدًّا } {۳۵}

(در آنجا نه سخن بیهوده ای شنوند و نه دروغی) (۳۵)

تفسیر: بهشتیان در آنجا نه سخن بیهوده، پوچ و بی فایده را می شنوند و نه هم دروغ و دروغ شمردن را،

چنانچه الله عزوجل در سوره مریم فرموده است: (لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا) (در بهشت هیچ سخن بیهوده نمی شنوند، بلکه تنها سلام و درود می شنوند، و روزی شان در بهشت هر صبح و شام آماده است) ^۱ همچنان در سوره واقعه فرموده است: (لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا) (در جنت نه سخن یاه می شنوند و نه سخن گناه آلود) (إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا) ^۲ (و در جنت تنها سخنی می شنوند که سراسر سلام و درود و پاک از هر عیب و نقص است)

رسول الله ﷺ فرمودند: ... کسی که ایمان به الله عزوجل و روز رستاخیز دارد سخن نیکو بگوید و یا خاموش باشد ^۳

رسول الله ﷺ فرمودند: ... من ضمانت می کنم برقصری در وسط جنت برای کسی که دروغ را ترک کند اگرچه در مزاح کردن هم که باشد... ^۴

موضوع: مالک و دهنده این پاداشها کی است؟

قرآن کریم: { جَزَاءٌ مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا } { ۳۶ } (این است پاداشی از پروردگار تو عطایی از روی حساب) (۳۶)

تفسیر: آنچه را ذکر نمودیم پاداش نیکو از سوی پروردگار تو است و بخشی بسنده کفایت کننده، فراگیر و بی نهایت زیاد می باشد که برای آنها به فضل و رحمت خود آماده کرده است.

موضوع: بزرگی و عظمت پروردگار، ۲- اثبات دو اسم «رب» و «رحمن» برای الله عزوجل.

قرآن کریم: { رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا } { ۳۷ }

۱ سوره مریم آیه (۶۲)

۲ سوره واقعه آیه (۲۵) و (۲۶)

۳ صحیح البخاری (۶۰۱۸)

۴ سنن ابی ناود (۴۸۰۰) شعب الایمان (۷۶۵۳) صحیح الجامع الصغیر و زیاده (۱۴۶۴) - (۶۵۱) حسن. صحیح الترغیب والترهیب (۱۳۹) - (۲)

(پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، بخشایشگری که هیچ کس را یارای خطاب با او نیست.) (۳۷)

تفسیر: ذاتی که این پاداشها را برای پرهیزگاران آماده کرده است، پروردگار مهربان آسمانها و زمین و همه مخلوقات می باشد که در میان این دو (آسمان و زمین) قرار دارد و اندازه آنها را غیر از او کسی نمی داند، و هیچ کسی بدون اجازه اش باوی توان سخن زدن را ندارد، چنانچه در سوره هود ذکر شده است: (يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ)^۱ (و هنگامیکه آنروز فرا رسد هیچ کسی جز به اجازه او سخن نمی گوید و در چنین روزی مردمان دو گروه بیش نیستند، دسته از آنان بدبخت اند و دسته دیگر خوشبخت می باشند).

بخش ششم: بیان برخی دیگر از اوصاف روز قیامت و آرزوی کافران در آن روز: موضوع: بزرگی پروردگار، ۲- ارزش گفتار نیکو، ۳- فرمان پذیری و ادب فرشتگان، ۴- اثبات رستاخیز و قیامت

قرآن کریم: {يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا} {۳۸}

(روزی که روح و فرشتگان به صف می ایستند و مردم سخن نگویند مگر کسی که خدای رحمان به او رخصت دهد و سخن راست گوید) (۳۸)

تفسیر: روزی که جبرئیل علیه السلام، فرشتگان و انسانها^۲ در نزد پروردگارشان باتواضع، فروتنی، و ادب به صف می ایستند، و هیچ کس سخن نمی گوید. نه جبرئیل، نه سایر فرشتگان و نه هم غیر از آنان مگر شخصی که پروردگار مهربان به او اجازه دهد و این شخص در دنیا ضمن گفتن سخن های نیکو، راست و درست به توحید نیز شهادت داده باشد. یعنی: هیچ شخص حتی انبیا علیهم السلام جرئت شفاعت کردن را در آن روز ندارند مگر بعد از اذن او، ناگفته نباید گذاشت که شفاعت و شروط آن ان شاء الله در سوره های بعدی ذکر می گردد.

۱ سوره هود آیه (۱۰۵)

۲ امام ابن کثیر در ادامه تفسیر «الروح» می نویسد: دیدگاه اولی تر - والله اعلم - اینست: آنها فرزندان آدم می باشند.

بلی؛ این روز (قیامت) همان روزی است که کافران آنرا انکار ورزیده و بر روش تمسخر آمیز از وقوع آن سوال می کنند.

موضوع:

۱- دعوت الله عزوجل از عموم بندگان در بازگشت به سویش

۲- اثبات رستاخیز و قیامت

۳- اثبات اسم «رب» برای الله عزوجل

قرآن کریم: { ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا } { ۳۹ }

(آن روز حق است، پس هر کس که بخواهد بازگشت گاهی به سوی پروردگارش برگزیند) (۳۹)

تفسیر: فرا رسیدن آن روز واقعیت داشته و قطعی می باشد، هیچ شکی در وقوع اش نیست، پس هر کس که بخواهد همین امروز می تواند بپذیرش توحید و انجام عبادات به سوی پروردگارش بازگشته رضایت و خشنودی او را به دست بیاورد، ولی این کار باید همین امروز انجام یابد، زیرا: فردا دیر است، ممکن؛ فرصت از دست رود، تدارک و بازگرداندن آن غیر ممکن شود.

موضوع:

۱- وجوب بیم دادن.

۲- نزدیک بودن قیامت.

۳- لزوم محاسبه نفس.

۴- آرزوی کافر در روز قیامت.

قرآن کریم: { إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا } { (۴۰) }

(ما شما را از عذاب نزدیک هشدار دادیم روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است بنگرد و کافر گوید کاش من خاک بودم) (۴۰)

تفسیر: ما شما را از عذاب نزدیکی بیم دادیم که به زودی در حال فرا رسیدن است، در آن روز انسان به سوی همه کارهایش از خیر و شر که با دستانش پیش فرستاده می نگرد، و هر کافری می گوید: ای کاش من در دنیا خاک می بودم و به عنوان بشر آفریده نمی شدم، امام طبری به سند حسن از قتاده در تفسیر این آیه مبارکه می نویسد: این شخص هلاک شونده و تقصیرکننده ای است که با الله رحمن روبه رو شده در حالیکه الله عزوجل براو خشمگین است، این شخص در آن روز آرزوی مرگ را می کند در حالیکه در دنیا چیزی زشت تر از مرگ در نزدش نبوده است. عبد الله پسر عمرو و ابو هریره می گویند: در روز قیامت چهار پایان، حیوانات وحشی و پرندگان جمع کرده می شوند تا از یکدیگر قصاص کشی می کنند، طوریکه حیوان بی شاخ از حیوان شاخ دار قصاص می گیرد، سپس الله عزوجل برای آنها می گوید: خاک شوید، آنها به خاک تبدیل می شوند، در این زمان کافر چنین آرزو می کند: ای کاش من خاک می بودم! - این آیه مبارکه دلالت بر این نیز می کند که: انسان باید در هر شب و روز به محاسبه اعمالش پردازد، اگر در جدول اعمال خود، کردارها، گفتارها و باورهای خیر را مشاهده کرد، الله عزوجل را حمد گوید و ستایش او را بنماید، ولی اگر در آن جدول کردارها، گفتارها و باورهای را مشاهده می نمود که سبب خشم الله عزوجل می گردید، بدون تاخیر توبه نموده و بسوی پروردگارش باز گردد تا از شر چنین روزی در امان بماند.

رهنمایی ها، احکام و عمل

- ۱- بیان کرامت پرهیزگاران و فضیلت تقوی.
- ۲- بیان اوصاف نعمت های زیبای جنت.
- ۳- زشتی دروغ و بیهوده گویی و لزوم اجتناب از آنها.
- ۴- اثبات عقیده روز رستاخیز و جزا.
- ۵- ترغیب بر عمل نیک و هشدار از ارتکاب گناه.
- ۶- لزوم محاسبه نفس.
- ۷- نزدیک بودن روز قیامت.

۱ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، (۳۲۳۱) سلسلة الاحادیث الصحیحة وشی من فقها، ج: ۴، ص: ۶۰۷ - مسند اسحاق ابن راهویه، ج: ۱، ص: ۸۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: نازعات.

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۴۶

تعداد کلمات: ۱۷۳

اعداد حروف: ۹۵۳

وجه نامگذاری این سوره: «نازعات» عبارت از فرشتگانی اند که ارواح کافران را به شدت از وجودشان می کشند^۱، بخاطر اینکه الله عزوجل در آغاز این سوره به این فرشتگان سوگند یاد کرده است، این سوره به این نام مسمی گردیده است.

اجمالاً برخی از مطالبی که در این سوره ذکر گردیده عبارت است از:

- ۱- بیان احوال کشیدن ارواح کافران ومومنان از اجساد آنها
- ۲- سخن از روز رستاخیز ودشواری که در آن روز متوجه انسانها می شود.
- ۳- بیان دلایل عقلی بر اثبات زنده شدن بعد از مرگ واحوال مردم در آن روز
- ۴- سر انجام وپیامد سرکشی و ذکر یکی از سران سرکش وعاقبت امر آن
- ۵- علم به وقوع قیامت تنها نزد الله عزوجل است، حتی رسول الله ﷺ زمان وقوع آنرا نمی داند.

۱ به تفسیر امام بغوی وامام قرطبی در همین سوره مراجعه شود، اگرچه امام ابن جریر در تفسیرش می نویسد: دیدگاه صحیح در نزدمن اینست که : الله عزوجل به کشندگان سوگند یاد کرده است ، گشندۀ را از گشندگان خاص نساخته است، پس هر گشندۀ از قبیل : فرشته ، مرگ ، ستاره و... را شامل می شود.

از مقاصد این سوره:

۱- کوبیدن قلوب تکذیب کنندگان به قیامت و جزا از خلال مشاهده مرگ،

۲- اثبات روز قیامت به ذکر دلایل عقلی

۳- یاد آوری از حال کسی که قیامت را تکذیب نمود

این سوره به پنج بخش تقسیم می شود

بخش اول: ارایه تصویری از فرا رسیدن مرگ و روز قیامت

موضوع: ۱- اثبات وجود فرشتگانی برای نزع ارواح کافران، ارزش این فرشتگان و فرمان پذیری شان در اجرای وظیفه محوله، ۲- سخت گیری با کافران هنگام نزع روح آنان

قرآن کریم: { وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا } { ۱ }

(سوگند به فرشتگانی که جان { کافران } را به شدت بیرون می کشند) (۱)

تفسیر: سوگند به فرشتگانی که ارواح کافران را با قوت، سختی، سنگدلی و درشتی به گونه اغراق آمیز^۱ (تمام و کمال) از اجساد آنها همراه توبیخ و هشدار بیرون می کشند. رسول الله ﷺ فرمودند: ... هرگاه بنده کافر عمرش تمام شود و به طرف آخرت روی آورد، فرشتگانی سیاه چهره از آسمان به سویش فرود می آیند و لباسهای خشنی را به همراه دارند، این فرشتگان در اطراف وی به اندازه دید چشمانش می نشینند، سپس فرشته مرگ (ملک الموت) فرود می آید و در کنار سرش می نشیند و می گوید: ای نفس خبیث؛ به سوی خشم و غضب الله عزوجل بیرون شو! روح در جسدش (از ترس اخراج) پراکنده می شود، این فرشته روح او را به درشتی و قوت از جسدش بیرون می کشد، مثل اینکه سیخ آهنی که گوشت را به آن بریان می کنند، بی نهایت داغ گردد و از بین پشم های تر بیرون کشیده شود.^۲ این فرشته مرگ، روح کافر را از جسدش می کشد، هنگامیکه این فرشته روح را کشید، فرشتگان دیگر به اندازه یک چشم بر هم زدن روح را به دستش باقی نمی گزارند تا اینکه آن را از وی می گیرند و در همان

۱ غرقاً: روح را به تمام و کمال و شدت از همه اجزای بدن حتی از موی، ناخن و استخوان می کشند.

۲ طیبی می گوید: نزع روح کافر را که از نهایت رگهایش بیرون کشیده می شود به نحوی که از رگها همراه وی چیزی قرار می گیرد تشبیه گردیده به سیخ آهنی که گوشت را به آن بریان می کنند و همراه آن چیزی باقی می ماند و هنگامیکه در نهایت داغ بودن آن از میان پشم های تر بیرون کشیده شود چیزی از آن باقی می ماند

لباس های خشن که به همراه داشتند قرار می دهند، از این روح کافر در هنگام خروج از جسد بد بویی بد تر از لاشهٔ مردار که در روی زمین باشد، بیرون می شود. آنرا به طرف بالا می برند، عبور نمی کنند برهیچ جماعتی از فرشتگان مگر اینکه آنها می پرسند: این روح خبیث از کی می باشد؟ فرشتگان موظف می گویند: فلان پسر فلان، با زشت ترین نامهای که در دنیا نامیده می شد. تا اینکه او را به آسمان دنیا بلند می برند، فرشتگان موظف می خواهند تا دروازه باز شود، ولی دروازه باز نمی شود، سپس رسول الله ﷺ این آیه مبارکه را تلاوت نمودند: {... لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ}¹

(بی گمان کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و در برابر آن سرکشی و تکبر ورزیدند، در های آسمان هرگز برای شان گشوده نمی شود، و به بهشت داخل نخواهند شد مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن در آید، و اینچنین، گناه کاران را کیفر می دهیم)

سپس الله عزوجل می گوید: کتاب او را در سجین در زمین هفتم بنویسید! بعداً روحش به زمین افکنده می شود، سپس رسول الله ﷺ این آیه مبارکه را خواندند: (وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ)²

(وکسی که به الله شرک آورد پس گویی که از آسمان سقوط کرده است. آنگاه پرندگان گوشت خوار او را می ربایند، یا باد او را به جای بسیار دور پرتاب می کند) سپس روحش در جسدش باز می گردد، دو فرشته به نزدش می آیند و آنرا می نشانند، و برایش می گویند: پرور دگارت کیست؟ وی می گوید: هاه، هاه.³ نمی دانم!

رسول الله ﷺ فرمودند: آن دو فرشته می گویند: دین تو چه است؟ آن شخص می گوید: هاه، هاه؛ نمی دانم، رسول الله ﷺ فرمودند: آن دو فرشته می گویند: آن مردی که در میان شما مبعوث به رسالت شد کیست؟ این شخص می گوید: هاه، هاه، من نمی دانم، ندا کننده از آسمان صدا می کند که: دروغ گفت، برایش از آتش بستری هموار کنید، و دروازه از جهنم به سویش باز کنید، تا از گرمی آن به وی برسد، قبر وی را طوری فشار می دهد که قبرقه هایش (استخوانهای پهلوی وی) درهم می

۱ سورة اعراف آیه (۴۰)

۲ سورة حج آیه (۳۱)

۳ کلمه است که هنگام درد مند شدن ورنجور گردیدن گفته می شود.

شکند، در همین وقت مردی باهیکل وچهره زشت و بدبو، حاضر می شود وبرایش می گوید: برایت از چیزی خبر می دهم که ترا بدحال سازد، این همان روزی است که وعده داده شدی، این شخص می گوید: تو کی هستی؟ وی می گوید: من عمل زشت تو می باشم؛ این شخص می گوید: یا الله قیامت را برپا نساز! زیرا: می داند که مصایب و سختی های شدید تری در انتظارش است.

موضوع: ۱ - اثبات وجود فرشتگانی برای نزع ارواح مومنان، ارزش این فرشتگان و فرمان پذیری شان در اجرای وظیفه محوله، ۲ - آسان گیری بامومنان هنگام نزع روح آنان

قرآن کریم: { وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا } { ۲ }

(و سوگند به فرشتگانی که جان [مؤمنان] را به آرامی گیرند) (۲)

تفسیر: سوگند به فرشتگانی که ارواح مومنان را به نرمی، آسانی، چابکانه، مهربانانه، همراه با بشارت به جنت واکرام می گیرند. رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه بنده مومن عمرش تمام شود و به طرف آخرت روی بیاورد، به سوی فرشتگانی با چهره های سفید و منور از آسمان فرود می آیند، چهره های آنها در روشنی مثل آفتاب می درخشد، به همراه آنها کفنی از کفن های جنت می باشد، و همچنان از خوشبویی جنت نیز همراه شان وجود دارد، این فرشتگان به اندازه دید چشمانش در نزدش می نشینند، سپس فرشته مرگ (ملک الموت) می آید، تا اینکه در کنار سرش می نشیند، وی می گوید: ای نفس پاکیزه، به سوی آمرزش الله عزوجل و رضای او بیرون شو! روح از جسدش مثل قطره آبی که از دهان مشک می چکد بیرون می شود، و آن را می گیرد، فرشتگان دیگر به اندازه یک چشم برهم زدن روح را به دستش باقی نمی گزارند مگر اینکه این روح را از دستش می گیرند و از این روح خوشبو تر در روی زمین یافته نمی شود، آنرا به سوی آسمان بلند می برند، برهیچ جماعتی از فرشتگان عبور نمی کنند مگر اینکه می پرسند، این روح پاکیزه از کیست؟ این فرشتگان همراه می گویند: از فلان پسر فلان به بهترین نامهای که در دنیا نامیده می شد، تا اینکه او را به آسمان دنیا بلند می برند، و خواستار باز شدن دروازه برایش می شوند، دروازه باز می شود، از هر آسمان فرشتگان مقرب این روح پاکیزه را همراهی می کنند، تا اینکه به آسمان

۱ مسند امام احمد (۱۸۵۵۷)، (۱۸۵۳۴) المستدرک علی الصحیحین للحاکم (۱۰۷)، صحیح الترغیب والترهیب (۳۵۵۸) صحیح الجامع الصغیر و زیاده (۱۶۷۶ - ۷۴۱ - ۱)

هفتم می رسد، الله عزوجل می فرماید: کتاب بنده ام را در علین بنویسید، و او را به سوی زمین باز گردانید، زیرا من وی را از زمین آفریدم و در آن باز می گردانمش و آنرا مرتبه دیگر از زمین بیرون می کنم، رسول الله ﷺ فرمودند: روحش به جسدش باز گردانده می شود، بعداً دو فرشته به نزدش می آیند و از وی می پرسند: پروردگارت کیست؟ این شخص می گوید: پروردگارم الله عزوجل است، این دو فرشته می گویند: دین تو چیست: این شخص می گوید: دینم اسلام است، سپس این دو فرشته می گویند: این مردی که در بین شما مبعوث به رسالت شد کیست؟ آن شخص می گوید: او رسول الله ﷺ است، آن دو فرشته برایش می گویند: از کجا دانستی؟ آن شخص می گوید: کتاب الله عزوجل را خواندم به آن ایمان آوردم و تصدیقش نمودم، آوازی از آسمان شنیده می شود که: بنده ام راست گفت، برایش بستری از جنت هموار بسازید و از لباس جنت وی را بپوشانید، و دروازه از جنت به سوی او باز کنید، رسول الله ﷺ فرمودند: از بوی خوش جنت به وی می رسد، و به اندازه دید چشمانش قبرش فراخ می شود، در همین زمان یک مرد خوب صورت با لباسهای زیبا و بوی خوش نزدش می آید و برایش می گوید: برای تو چیزی را بشارت می دهم که خوشحالت کند، این روزی است که تو آنرا وعده داده شدی، این شخص می گوید: تو کی هستی؟ چهره ات خیر می آورد، وی می گوید: من عمل نیکوی تو می باشم، این شخص می گوید: پروردگارم قیامت را برپا بساز! تا به خانواده و مالم بازگردم^۱، زیرا: وی می داند که: بهترین نعمت ها در انتظارش می باشد. و اگر مسلمانی پیش از نزع روح با دشواری روبه رو شود، بخاطر پاک ساختن وی از گناهان و رفع درجات اش میباشد، این موضوع را باید یاد آورشد که: حالت نزع روح با تکالیف پیش از آن فرق دارد. یا الله گناهان ما را پیش از نزع روح مورد آمرزش قرار بده و درجات ما را پیش از حالت جان کندن بلند بساز، در همین جا خواندن کتابی بنام «احکام الجنائز» از علامه محمد ناصر الدین الالبانی رحمه الله را برای طلاب علوم دینی توصیه می کنم.

موضوع: اثبات وجود فرشتگانی با وظایف خاص که از آسمان به سرعت بطرف زمین فرود می آیند و از زمین به سرعت بطرف آسمان بالا می روند. و ارزش آنها

قرآن کریم: (وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا) {۳} (و سوگند به فرشتگانی که شناورند) {۳}

۱ مسند امام احمد (۱۸۵۳۴)، المستدرک علی الصحیحین للحاکم (۱۰۷)، صحیح الترغیب والترهیب (۳۵۵۸).

تفسیر: سوگند به فرشتگانی که از آسمان به سوی زمین به امر الله عزوجل شناورند، این سوگند به طایفه سوم از فرشتگان است که با سرعت تمام برای اجرای فرمان الله عزوجل می شتابند، وهمچنان تسبیح، تحمید، تکبیر، وتهلیل اورا می گویند. امام ابن جریر به نقل از قتاده در تفسیر این آیه می نویسد: مقصود ستارگانی اند که در مدار و فلک شان شنا می کنند، و در ادامه می نویسد: صحیح اینست: که الله عزوجل به شناوران از مخلوقاتش سوگند یاد نموده و از میان آنها هیچ نوعی را خاص نساخته است. یعنی: این شناوران فرشتگان، ستارگان، کشتی ها و غیره را شامل می شود.

موضوع: اثبات وجود فرشتگانی که در اجرای اوامر از یکدیگر پیشی میگیرند و ارزش آنها

قرآن کریم: { فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا } { ۴ }

(و سوگند به فرشتگانی که در اجرای اوامر الهی بر یکدیگر سبقت می گیرند) (۴)

تفسیر: سوگند به فرشتگانی که در انجام وظایف محوله بر یکدیگر پیشی می گیرند و سبقت می جویند، این طایفه چهارم از فرشتگان است که در فرمان برداری بردیگران سبقت می گیرند، چنانچه در صفات مومنان نیز این وصف آمده است:

(أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ)^۱ (چنین کسانی در راه نیکی ها شتاب می ورزند و از دیگران زود تر حسنات و نیکی ها را انجام می دهند و جلوتر به آن می رسند)

موضوع: اثبات وجود فرشتگان دیگر و ماموریت خاص ایشان و ارزش آنها

قرآن کریم: { فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا } { ۵ }

(و سوگند به فرشتگانی که به امر الهی کارها را تدبیر می کنند) (۵)

تفسیر: سوگند به فرشتگانی که به فرمان الله عزوجل برای تدبیر اموری مثل: فرود آوردن وحی، نوشتن اعمال بندگان، قبض ارواح، ترتیب و تنظیم امور جنت، دوزخ و... گماشته شدند، این طایفه پنجم از فرشتگان است که به آنها سوگند یاد شده

است. جواب قسم محذوف می باشد، یعنی: سوگند به همه این مخلوقات شگفت آور جهان که: شما دوباره زنده می شوید و قیامت برپا می گردد.

موضوع: زمان نابودی دنیا:

قرآن کریم: {يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ} {۶} (آن روز که لرزاننده بلرزاند)

تفسیر: روزی که لرزاننده (دمیدن نخست اسرافیل علیه السلام در صور) همه چیز را بلرزاند، که در نتیجه؛ همگان بمیرند و دنیا نابود گردد. رسول الله ﷺ فرمودند: چگونه در دنیا خوشگذرانی و خوشحالی نمایم در حالیکه صاحب صور (اسرافیل) شاخ (صور) را در دهان گرفته، پیشانی اش را خم نموده، منتظر است که چه وقت فرمان دمیدن به او داده می شود تا در صور به دمد، یاران گفتند: پس ما چه کاری انجام دهیم؟ رسول الله ﷺ فرمودند: بگوئید: حسبنا الله ونعم الوکیل علی الله توکلنا^۱ - پرهیزگار ترین مخلوق از وقوع قیامت این قدر ترس و بیم داشتند، من و تو چه؟ و چرا؟ - بلی؛ گفتن حسبنا الله... از عوامل فرود آمدن مدد الله عزوجل بر بندگان بوده و پریشانی ها را دور می سازد.

موضوع: ۱- زمان رستاخیز، ۲- اثبات نفخه دوم

قرآن کریم: {تَتَّبِعَهَا الرّادِفَةُ} {۷} (و از پی آن لرزه ای دگر افتد) (۷)

تفسیر: به دنبال آن لرزاننده دیگر (دمیدن دوم در صور) رخ می دهد که مردگان همه زنده می شوند، قیامت برپا می شود و جهان همیشگی آغاز می یابد، چنانچه الله عزوجل فرموده است: {وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَبَقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ} (و در صور دمیده می شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند می میرند مگر کسی که الله عزوجل بخواهد، و آنگاه دوباره در صور دمیده می شود و ناگهان همگی در حالیکه نظاره گر اند به پا می خیزند). رسول الله ﷺ هرگاه دوسوم شب سپری می شد بر می خاستند و می فرمودند: ای مردم! الله عزوجل را ذکر کنید، الله عزوجل را ذکر کنید، دمیدن نخست فرا رسید به تعقیب آن دمیدن دوم نیز آمد، مرگ با هر آنچه در خود دارد،

۱ مسند امام احمد (۳۰۱)، صحیح الجامع الصغیر و زیاده (۴۵۹۲-۱۵۸۰) التعليقات الحسان علی صحیح ابن حبان (۸۲۰) ذکر الامر لمن انتظر النفخ فی الصور آن یقول: حسبنا الله ونعم الوکیل. شعب الایمان (۳۴۶)

فرا رسید. مرگ با هر آنچه به همراه دارد فرارسید^۱ - امام طبری به سند حسن از ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده است که «راجفه» نفخه اول و «رادفه» نفخه دوم است.

موضوع: حالت برخی افراد در آن روز

قرآن کریم: { قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ } {۸} (در آن روز دلهایی سخت هراسانند) (۸)

تفسیر: دلهای در آن روز از شدت آنچه می بیند و می شنود سخت تپنده، پریشان و هراسان اند. امام طبری به سند حسن از ابن عباس روایت می کند که «واجفه» به معنای خوار و ذلیل می باشد. امام قرطبی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: مراد؛ قلب های کافران است.

موضوع: برخی از دشواری های آن روز

قرآن کریم: { أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ } {۹} (دیدگان آنها فرو افتاده) (۹)

تفسیر: چشمان این گروه از ترس فرو افتاده و به ذلت و حیرت گرفتار گردیده است، تاسف و ندامت بر آنها چیره شده است. ولی دلهای مومنان در آن روز به فضل و رحمت الله عزوجل در امان و اطمینان می باشد، چنانچه الله عزوجل در مورد ایشان فرموده است: { لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَرَقُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ }^۲ (رنج و سختی بزرگ رستاخیز آنها را اندوه گین نمی کند و فرشتگان به استقبال شان می آیند و می گویند: این همان روزی است که وعده آن را به شما می دادند)

موضوع: ۱- از گفته های کافران در مورد رستاخیز، ۲- نکوهش سوالهای عنادی، ۳- لزوم اجتناب از کلمه های کفری

قرآن کریم: { يَقُولُونَ إِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ } {۱۰}

(گویند: آیا ما به حال اول بازگردانده می شویم ؟) (۱۰)

۱ سنن ترمذی (۲۴۵۷) صحیح الترغیب (۱۶۷۰)

۲ سورة انبیا آیه (۱۰۳)

تفسیر: کافران در دنیا می گفتند: آیا ما پس از مرگ دو باره زنده می گردیم و به حال اول باز گردانیده می شویم. این سخن خلاف واقع است، بلکه ما می میریم و نابود می شویم،

موضوع: ۱- از گفته های کافران در مورد رستاخیز:

قرآن کریم: {إِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً} {۱۱}

{آیا وقتی ما استخوان ریزه های پوسیده شدیم} (۱۱)

تفسیر: آیا آنگاه که استخوانهای ما پوسیده شود، و اعضای جسم ما ذره ذره شود و به خاک تبدیل شویم، دوباره به زندگی برمی گردیم و سر از نو حیات مجدد پیدا می کنیم؟ چنین کاری ممکن نیست.

موضوع: ۲- از گفته های کافران در مورد رستاخیز: ۲- تمسخر به دین از روش مشرکان بود

قرآن کریم: {قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ} {۱۲} (گویند: آنگاه بازگشتی زیانبار است) (۱۲)

تفسیر: کافران از روی تمسخر و ریشخند می گویند: اگر زندگی پس از مرگ وجود داشته باشد این چنین بازگشتی واقعاً زیان آور است ما را به خساره می افکند.

موضوع:

۱- رد گفته های کافران

۲- نشانه وقوع قیامت

۳- آسانی برپاساختن قیامت نزد الله عزوجل.

قرآن کریم: {فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ} {۱۳} (پس آن بازگشت تنها یک بانگ مهیب است) (۱۳)

تفسیر: ای رسول ما! برای آنها بگو: این بازگشت دوباره، تنها یک بانگ بزرگ است و بس. در انجام آن بر ما کدام زحمتی و مشقتی ایجاد نمی شود، آنان را مثل آفرینش اول بار زنده می سازیم و برای شان حیات مجدد می بخشیم.

وجهت محاسبه بر اعمال شان آنها را در جای معین گرد می آوریم «زجرة» عبارت است از بانگ و آوازی که باخشم همراه باشد.

موضوع: مکان حشر

قرآن کریم: { فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ } { ۱۴ } (پس ناگهان همگی بر عرصه زمین محشر ظاهر می شوند) (۱۴)

تفسیر: پس ناگهان وبدون تاخیر همه آنان روی زمین هموار محشر حاضر می گردند، امام طبری رحمه الله به سند حسن از قتاده در تفسیر این آیه مبارکه روایت می کند که: مردمان از قبرهای خود بیرون می شوند وبرروی زمین قرار می گیرند.^۱

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- سوگند الله عزوجل بر پنج طایفه از فرشتگان بر اینکه قیامت ورستاخیز حق است

۲- ذکر کارها وفرمان پذیری فرشتگان که ایمان به آنها یکی از ارکان ایمان است، مومن را به فرمان برداری بیشتر پروردگارش می کشاند

۳- بیان اینکه الله عزوجل بر هریک از مخلوقاتش که بخواهد سوگند یاد می کند تا ارزش آن مخلوق را بیان نماید ولی برای بنده جایز نیست که به غیر از پروردگارش سوگند یادکند.

۴- به الله عزوجل پناه ببر از اینکه سرانجام وعاقبتت به بدی رقم خورد و از او بخوا تا سوء خاتمه را از تو دور سازد و این آیه مبارکه را همیشه یاد آور شو! «وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا { ۱ }»

۵- از الله عزوجل بخوا تا پایان کار وعاقبتت را به خوبی رقم زده وحسن خاتمه را نصیب تو بفرماید واین آیه مبارکه را همیشه یاد آور شو! «وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا { ۲ }»

۶- اثبات عقیده رستاخیز و جزا

بخش دوم: قصه موسی علیه السلام همراه فرعون

۱ به الصحيح المسبور من التفسیر بالمأثور مراجعه شود.

موضوع: ۱- اثبات رسالت رسول الله ﷺ، ۲- دلجویی از رسول الله ﷺ و تربیه ایشان
قرآن کریم: { هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى } { ۱۵ } (آیا سرگذشت موسی بر تو آمد) (۱۵)

تفسیر: ای رسول ما! آیا سرگذشت و داستان موسی به تو رسیده است؟ موسی نیز مثل تو در دعوت فرعون دشواری های زیادی را متحمل شد، فرعون از کفار قریش نیرومند تر بود، هنگامیکه بر موسی سرکشی کرد به عذاب سخت ما گرفتار گردید، پس هرگاه این مشرکان قریش در سرکشی باتو اصرار ورزند، الله قهار آنها را به کیفر اعمال زشت و باور های پلشت شان سخت مجازات می کند.

موضوع: اثبات رسالت موسی علیه السلام

قرآن کریم: { إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى } { ۱۶ }

(آنگاه که پروردگارش او را در وادی مقدس طوی ندا در داد) (۱۶)

تفسیر: آن وقت که پروردگارش او را در وادی پاک «طوی» صدا زد و ندا داد، امام طبری به سند صحیح از امام مجاهد روایت می کند که: «طوی» نام وادی است، پایان نقل، این وادی در سرزمین شام بین مدین و مصر در پایین کوه طور سینا موقعیت دارد و محلی است که الله عزوجل با موسی علیه السلام سخن زد و او را به رسالت خود برگزید.

موضوع: ۱- ماموریت موسی علیه السلام، ۲- تجاوز از حد صفت فرعون است.
۳- دعوت دادن سرکشان واجب است.

قرآن کریم: { اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ } { ۱۷ }

(به سوی فرعون برو که وی سر برداشته است) (۱۷)

تفسیر: و برای موسی دستور داده شد که بسوی فرعون برو که او در کفر، غرور و نافرمانی از حد گذشته است. در تفسیر الوسیط چنین ذکر گردیده است: فرعون لقبی بود برای هرملکی که در آن زمان در مصر فرمانروایی می کرد، و گفته اند: فرعونی که موسی علیه السلام به سویش فرستاده شده بود، ولید پسر مصعب پسر ریان نام داشت^۱ - طنطاوی در تفسیر الوسیط می نویسد: وی منفتاح پسر رمسیس دوم بود،

۱ تفسیر امام ابن کثیر رحمه الله، ج: ۱، ص: ۱۶۱

پیام اساسی این آیه مبارکه اینست که: دعوتگران مسلمان مکلف اند تا انسانهای را به هر درجه از طغیان و سرکشی که رسیده باشند، دعوت دهند. -والله اعلم.

موضوع: ۱- از روش های پسندیده دعوت به سوی الله عزوجل، ۲- تزکیه از طریق عمل به دساتیر پیامبر تحقق می یابد،

قرآن کریم: { فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى } {۱۸} (و بگو آیا می خواهی پاکیزه شوی) (۱۸)

تفسیر: با نرمی و ملایمت برایش بگو: آیا تمایل و رغبتی داری تا از فساد های عقیدتی و عملی پاک شوی، آیا گرایشی برای دریافت رضایت پروردگارت داری؟ امام طبری به نقل از عکرمه در تفسیر این آیه می نویسد: آیا رغبتی به گفتن: لا اله الا الله، داری! پیام اساسی این آیه مبارکه اینست که: دعوتگران اسلام غیر مسلمانان را به اسلوب و روش سنجیده و حکیمانه دعوت دهند.

موضوع: از روش های پسندیده دعوت به سوی الله عزوجل، ۲- خشیت و ترس از الله عزوجل از طریق عمل به دساتیر پیامبر زمان ممکن است.

قرآن کریم: { وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى } {۱۹}

(و تو را به سوی پروردگارت رهنمایی کنم تا بترسی) (۱۹)

تفسیر: و برای تو عوامل خشنودی الله عزوجل و خشم او را بیان می کنم، تا از او بترسی و دست از سرکشی بر داری. ولی فرعون از پذیرش حق سر باز زد. این دو آیه فوق بهترین روش را جهت دعوت به سوی حق براساس موعظه حسنه می آموزاند، در آیه مبارکه اشاره براین امور است که:

۱- ترس از الله عزوجل بدون شناخت از او ممکن نیست.

۲- شناخت از الله عزوجل تنها از طریق رهنمایی های پیامبر زمان ممکن است.

۳- اگر توفیق هدایت از جانب الله عزوجل برای انسان نباشد، از دست انبیا علیهم السلام هم کاری ساخته نیست،

موضوع: ضرورت به کارگیری اسباب هدایت

قرآن کریم: { فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى } {۲۰} (پس معجزه بزرگ را به او نشان داد) (۲۰)

تفسیر: پس موسی علیه السلام معجزه بزرگ را برای فرعون نشان داد، امام طبری به سند صحیح از قتاده روایت می کند که: «آیه الکبری» عصا و دست درخشان بود، پایان نقل، موسی علیه السلام عصایش را نزد فرعون افکند به ازدهای تبدیل شد که حرکت می کرد، و دست خود را در گریبان خود فرو برد، سپس سفید درخشان و بدون عیب بیرون آورد.

موضوع: ۱- واکنش و عکس العمل فرعون، ۲- برخی از صفات فرعون:

قرآن کریم: { فَكَذَّبَ وَعَصَى } { ۲۱ } (ولی فرعون تکذیب نمود و عصیان ورزید) (۲۱)

تفسیر: پس فرعون، موسی علیه السلام را دروغگو نامید، رسالت او را انکار کرد و در آنچه به او از فرمان بر داری و ترس دستور داده شد، نافرمانی نمود.

موضوع:

۱- ادامه واکنش های فرعون:

۲- از صفات فرعون:

قرآن کریم: { ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَى } { ۲۲ }

(سپس پشت کرد و به کوشش و تلاش علیه او پرداخت) (۲۲)

تفسیر: سپس از هدایت رو گشتاند و در فساد و تبه کاری عقیدتی و عملی تلاش کرد، فرعون از تکذیب و نافرمانی پا فراتر گذاشت طوریکه از حق اعراض نمود و تلاش های را نیز عملاً جهت ابطال آن به راه انداخت، امام ابن جریر طبری به سند صحیح از مجاهد در تفسیر «ثم ادبر یسعی» می نویسد: فرعون در انجام فساد تلاش می کرد. فرعون تنها به تکذیب و نافرمانی بسندگی نکرد و از آن پا فراتر گذاشت طوریکه تلاشهای را جهت مقابله با موسی علیه السلام به راه انداخت حتی کار را به جای کشانید که ادعای ربوبیت نمود، زیرا وی می ترسید که اگر سکوت کند برای دعوت موسی علیه السلام خریداران بیشتری پیدا می شود و بازار پذیرش سخن های موسی علیه السلام پر رونق تر و گرم تر می گردد.

موضوع: از واکنشهای فرعون:

قرآن کریم: { فَحَشَرَ فَنَادَى } { ۲۳ } (پس قومش را جمع کرد و ندا در داد) (۲۳)

تفسیر: سپس فرعون اقوام و پیروانانش را جمع کرد و در میان شان فریاد بر آورد و به آواز بلند برای آنها آنچه را در آیه بعدی ذکر می شود اعلان نمود، ذکر: (فا) در «فنادی» به این خاطر است که: فرعون به مجردیکه آنها را جمع کرد از آنها خواست تا به ربوبیت وی اعتراف کنند،

موضوع:

۱- ازواکنش های فرعون:

۲- میزان سرکشی و از حد گذری فرعون:

قرآن کریم: { فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى } { ۲۴ } (و گفت پروردگار بزرگتر شما منم) (۲۴)

تفسیر: ... و آنگاه فرعون احمق به دروغ برای مردم گفت: من؛ پروردگار برتر شما هستم، پس مردمان نیز سخن او را باور کردند و به باطل او اقرار نمودند، زیرا: وی قومش را به سبک سری و بی خردی کشانده بود و آنها را از فرهنگ و رشد فکری باز داشته بود.

موضوع: سرانجام نافرمانی و مخالفت از امر پیامبر

قرآن کریم: { فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى } { ۲۵ } (پس الله او را به عذاب دنیا و آخرت گرفتار کرد) (۲۵)

تفسیر: پس الله عزوجل او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار کرد، همین تفسیر را امام طبری به سند صحیح از قتاده رضی الله عنه نقل نموده است. بلی، در دنیا او و پیروانش در آب غرق گردیدند، در برزخ آتش جهنم بر آنها پیش می شود و در آخرت نیز به سوی عذاب درد ناک و سوزان همیشگی دوزخ رانده می شوند و گرفتار می گردند.

موضوع: پند پذیری از فواید و آثار ترس از الله عزوجل است.

قرآن کریم: { إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى } { ۲۶ } (بی گمان در این واقعه عبرتی است برای کسی که از الله بترسد) (۲۶)

تفسیر: بی گمان در این داستانی که خبر از نجات موسی علیه السلام و هلاکت فرعون داده شد، پند و عبرت بزرگی است برای کسی که از الله عزوجل بترسد و پند گیرند،

مقصود از بیان این قصه: دلجویی برای رسول الله ﷺ و هشدار برای مشرکان است. از این آیه مبارکه دانسته می شود که: کسی که ترس الله عزوجل از او کوچ کرده باشد، آیات قرآن مجید سودی برایش ندارد. زیرا: وی سرشت دین پذیری را که در وجودش قرار داشته به سبب اعمال زشتش از بین برده است.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- دلجویی از دعوتگران به سوی الله عزوجل.

۲- اثبات مناجات موسی با پروردگارش و سخن زدن الله عزوجل با او بدون واسطه

۳- اثبات اینکه تزکیه نفس تنها در عمل به آنچه پیامبر آورده باشد، تحقق می یابد.

۴- وجود معجزات مستلزم ایمان نیست، زیرا: فرعون بزرگترین معجزات را مشاهده کرد ولی ایمان نیاورد،

۵- هشدار برای کسی که مردمان را به سوی عبادت خود دعوت نماید.

بخش سوم: وجوب تفکر در آفرینش این سه مخلوق: انسان، آسمانها، زمین و سنجش تفاوت بین آنها و اثبات رستاخیز به دلایل عقلی قاطع

موضوع: سرزنش منکران رستاخیز

قرآن کریم: { أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا } { ۲۷ }

(آیا آفرینش شما دشوارتر است یا آسمانی که [او] آن را برپا کرده است) (۲۷)

تفسیر: ای منکران قیامت و رستاخیز! بر اساس معیار و سنجشی که پیش شما هست خودتان منصفانه داوری و قضاوت کنید که: آیا آفرینش مجدد پس از مرگ شما سخت تر است یا آفرینش آسمان که الله عزوجل آنرا بنا نهاده است؟ کافران منصفانه داوری نمی کنند، آفرینش مجدد خود را بزرگتر می شمارند، این فیصله و داوری ظالمانه، غیر منصفانه و غیر عاقلانه است، الله عزوجل پاسخ آنرا داده است که واقعیت امر نیز گواه بر اینست که: آفرینش آسمان بزرگتر است، چنانچه فرموده است: (لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ)^۱ (بی گمان آفرینش آسمانها و زمین، از آفرینش مردم بزرگتر است، ولی بیشتر مردم نمی

دانند) همچنان ضعف انسان را در آیه دیگری بیان نموده است، چنانچه فرموده :
(فَاسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ)^۱

(از آنان پرس: آیا آفرینش ایشان دشوار تر و سخت تر است یا آفرینش مخلوقات که آفریدیم؟ (مثل آسمانها، زمین، فرشتگان، کوه ها و...) ما انسان را از گل چسبنده آفریدیم). بلی؛ ذاتی که قادر بر آفرینش و تدبیر این مخلوقات بزرگ باشد از آفرینش مجدد انسان عاجز نیست.

موضوع: از شگفتی های قدرت الله عزوجل در آفرینش آسمان

قرآن کریم: {رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا} {۲۸} (سقفش را بر افراشت پس به آن شکل و نظم داد) (۲۸)

تفسیر: سقف آسمان را بر افراشت، برایش رفعت و بلندی بخشید و آنرا درست و منظم ساخت که نه در آن خللی است و نه کجی و انحرافی، و نه هم سستی و شگافی در آن موجود می باشد، بلی؛ این آفرینش بر شیوه است که بشریت را شگفت زده کرده است، بدون شک هرگاه انسان در آسمان و کهکشانهای بزرگش بیندیشد، به آفرینش مجدد این نوع از مخلوق (انسان) در سنجش عقلانی اش تردید نمی کند و آنرا قطعی و یقینی می داند.

موضوع: ۱- از نشانه های قدرت الله عزوجل در آسمان: ۲- فرمان پذیری شب و روز
قرآن کریم: {وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا} {۲۹} (و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید) (۲۹)

تفسیر: شب این آسمان را به سبب غروب آفتابش تاریک کرد و روزش را به سبب طلوع آفتابش نمایان گردانید و آشکارا ساخت، نسبت شب و روز به آسمان داده شده است، زیرا: این دو، به سبب غروب و طلوع آفتابی که در آسمان است به وجود می آید.

موضوع: از نشانه های قدرت الله عزوجل در زمین

قرآن کریم: {وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا} {۳۰} (و پس از آن زمین را با غلتانیدن گسترده)
(۳۰)

تفسیر: الله عزوجل در این آیات بعدی انسان را متوجه آفرینش زمین و شگفتی هایش می سازد که دلالت کننده بر قدرت الله تبارک و تعالی، علم، حکمت، و تدبیرش میباشد و همچنان زنده ساختن بعد از مرگ را برای انسان به نمایش می گذارد، چنانچه می فرماید: پس از آفریدن آسمان زمین را غلتاند، هموار ساخت و به شکل بیضی در آورد و آنرا برای زندگی انسان آماده کرد، قابل ذکر است که: زمین در پیدایش خود جلوتر از آسمان آفریده شده است چنانچه در آیات (۹- الی ۱۱) سورة حم السجده به آن اشاره شده است، ولی غلتاندن و هموار کردن زمین بعد از آفرینش آسمان صورت گرفته است،

موضوع: فرمان پذیری زمین

قرآن کریم: {أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا} {۳۱} (آبش و چراگاهش را از آن بیرون آورد)
(۳۱)

تفسیر: از آن زمین دریاها، بحرها، چاه ها، چشمه ها و کاریزهای آب را پدید آورد و منفجر گردانید، و از زمین گیاهان، چمن زار، و چراگاهش را نیز بیرون آورد تا مورد استفاده انسانها و حیوانات قرار گیرد.

موضوع: آفرینش کوه ها از نشانه های قدرت الله عزوجل

قرآن کریم: {وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا} {۳۲} (و کوهها را لنگر آن گردانید) (۳۲)

تفسیر: کوه ها را محکم و استوار گردانید و بر مبنای حکمتش آنها را در اطراف زمین توزیع نمود تا زمین شما را نلرزاند. و از طرف دیگر آفرینش مخلوقاتی با این بزرگی نشانه دیگری بر قدرت الله عزوجل، علم و حکمت او می باشد. آفرینش کوه ها اثر بلیغی در نفوس انسانها داشته و به نوبه خود دلیل دیگری بر اثبات رستاخیز نیز هست.

موضوع: بیان علت آفرینش موارد ذکرشده

قرآن کریم: { مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ } { ۳۳ } (همه اینها برای بهره گیری شما و چهار پایان تان است) (۳۳)

تفسیر: این همه را برای آن آفرید تا منفعت و بهره مندی برای شما و چهار پایانتان باشد. و این بهره گیری برای شما تا زمان معینی است، این سلسله ادامه پیدا می کند تا زمانی که مرگ به سراغ شما بیاید و شما این منافع و مصادر آنرا برای نسل بعد از خود باقی می گذارید و یا اینکه قیامت برپا می شود و در این وقت دنیا نابود می گردد و آخرت پدیدار می گردد.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- اثبات عقیده رستاخیز و جزا با ذکر دلایل عقلی قاطع

۲- بیان احسان الله عزوجل بر انسانها

۳- غفلت از بزرگترین موانع برای پذیرش حق است، پس باید دور ساخته شود

بخش چهارم: رخدادهای روز قیامت و احوال مردم در آن روز

موضوع: بیان یکی از اوصاف روز قیامت

قرآن کریم: { فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى } { ۳۴ } (پس آنگاه که آن حادثه بزرگ دررسد) (۳۴)

تفسیر: پس هنگامیکه حادثه و رخداد بزرگ قیامت فرا رسد، « طامة » اسمی است برای مصیبت بزرگ و بلای است فوق همه بلاها، امام طبری رحمه الله به سند حسن از ابن عباس رضی الله عنهما روایت می کند که : « الطَّامَّةُ الْكُبْرَى » اسمی از اسمهای روز قیامت است، الله عزوجل آنرا بزرگ خوانده و بندگان را از وی می ترساند. امام بغوی رحمه الله در تفسیرش پیرامون این آیه مبارکه می نویسد: یعنی: نفخه دوم که در آن رستاخیز و قیامت تحقق می یابد.

موضوع: ۱- انسان درگرو تلاشهایش، ۲- هشدار و بشارت، ۳- وجوب توبه پیش از مرگ.

قرآن کریم: {يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى} {۳۵} (در آن روز انسان تلاشهای خود را به یاد می آورد) (۳۵)

تفسیر: در آن روز انسان همه تلاشها و کوشش های را که در دنیا از خیر و شر کرده باشد به یاد می آورد، زیرا: وی اعمالش را درکار نامه اش مشاهده می کند که در آن از هیچ کوچک و بزرگ فرو گذار و فرو گذاشت نشده است. و برایش این قدر ترس و وحشت ایجاد می شود که به وصف نمی گنجد.

موضوع: آشکار شدن دوزخ برای همه

قرآن کریم: {وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى} {۳۶} (و جهنم برای هر که بیند آشکار گردد) (۳۶)

تفسیر: و دوزخ برای هر بیننده ای آشکار ساخته می شود، و بر هیچ کسی پوشیده نمی ماند، از ظاهر این آیه مبارکه دانسته میشود که: هر بیننده اعم از مومن و کافر جهنم را به چشم سر می بیند، هرگاه مومن آنرا دید، قدر نعمت الله عزوجل را به سبب نجات از آن می شناسد، و هرگاه کافر آنرا دید، اندوه و پریشانی او زیاد تر گردیده و در حسرت و ندامتش افزون می شود.

موضوع: از اسباب ورود به دوزخ:

قرآن کریم: { فَأَمَّا مَنْ طَغَى } {۳۷} (اما هر که طغیان کرد) (۳۷)

تفسیر: پس کسی که از حد گذشته باشد، امر پروردگارش را نافرمانی کرده و از عبادت او سر پیچی نماید. ابوبکر الجزیری در تفسیرش «طغی» را به کفر و ستم تفسیر نموده

موضوع: از اسباب ورود به دوزخ:

قرآن کریم: { وَآثَرَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا } {۳۸} (و زندگی دنیا را برگزید) (۳۸)

تفسیر: زندگی دنیا را برگزیده باشد و آنرا بر حیات همیشگی آخرت ترجیح داده باشد، طوریکه بهره گرفتن از متاع دنیای فانی را با پیروی از شهوات نفسانی بر نعمت های

همیشگی آخرت مقدم کرده باشد، امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: دنیا را بر امر دین و آخرتش مقدم ساخته باشد.

موضوع: جایگاه مرتکبان دو عمل فوق (سرکشان و دنیا پرستان)

قرآن کریم: { فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى } { ۳۹ } (پس جایگاه او همان آتش است) (۳۹)

تفسیر: پس به یقین دوزخ جایگاه او می باشد، امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: خوراک این شخص از درخت زقوم و نوشیدنی اش از آب جوش می باشد، امام ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیرش می نویسد: آتش الله عزوجل که نامش جحیم است مقروجاگاه او می گردد...

موضوع: از اسباب ورود به جنت:

قرآن کریم: { وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى } { ۴۰ }

(و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس باز داشت) (۴۰)

تفسیر: اما کسی که دارای این صفات آتی است:

۱- از ایستاد شدن جهت محاسبه اعمال در حضور پروردگارش می ترسد،

۲- با ایمان و عمل صالح برای آن روز آمادگی میگیرد،

۳- نفسش را از ارتکاب گناه باز می دارد،

۴- خواهشات و هوس های آن از چیزی پیروی می نماید که رسول الله ﷺ آورده اند.

۵- با شهوتی که او را از انجام خیر باز می دارد و یا وی را به غفلت می کشاند، مبارزه میکند.

موضوع: جایگاه دارندگان اوصاف فوق:

قرآن کریم: { فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى } { ۴۱ } (پس جایگاه او همان بهشت است) (۴۱)

تفسیر: پس بی گمان به زودی بهشت برای همیشه جایگاه و قرارگاه او میگردد.

بخش پنجم: سوال مشرکان از زمان وقوع قیامت، پاسخ آنها و احوالشان در آن روز

سبب نزول آیه بعدی (۴۲): امام قرطبی در تفسیرش می نویسد: مشرکان مکه از رسول الله ﷺ زمان و وقوع قیامت را پرسان می نمودند که این آیه نازل گردید.

موضوع: سوال سرکشان از زمان وقوع قیامت

قرآن کریم: {يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا} {۴۲} (در باره رستاخیز از تو می پرسند که فرارسیدنش چه وقت است) (۴۲)

تفسیر: ای رسول ما! از تو در باره زمان وقوع قیامت می پرسند که چه زمانی واقع می شود؟ و چه زمانی مردگان از قبرها جهت محاسبه کردارها و باورهای شان زنده می شوند؟

موضوع: بیان عدم آگاهی رسول الله ﷺ از زمان وقوع قیامت.

قرآن کریم: {فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا} {۴۳} (تورا به یاد آوری این سخن چه کار است؟) (۴۳)

سبب نزول: ام المومنین عایشه رضی الله عنها روایت می کند که: رسول الله ﷺ پیوسته از وقت وقوع قیامت سوال می کردند، تا اینکه الله عزوجل این آیات را نازل فرمود^۱

تفسیر: تو در چه جایگاهی هستی که زمان وقوع قیامت را یاد کنی؟ امام ابن کثیر رحمه الله در ادامه تفسیر این آیه می نویسد: ای رسول ما! نه تو زمان وقوع قیامت را می دانی و نه هم غیر از تو از سایر مخلوقات علم به وقوع قیامت دارند، الله عزوجل در سوره اعراف فرموده است:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (از تو در باره قیامت می پرسند که چه زمانی روی می دهد؟ بگو: علمش تنها نزد پروردگار من است، و تنها پروردگار، قیامت را به هنگامش آشکار می کند، علم وقوع آن از اهل آسمان و زمین برنیاید، جز ناگهان بر سر شما واقع نشود، از تو به گونه در باره قیامت می پرسند که انگار در باره وقوعش

۱ الصحيح المسند من اسباب النزول المؤلف: مُقْبِلُ بْنُ هَادِي بْنِ مُقْبِلِ بْنِ فَائِذَةَ الهمداني الوادعي (المتوفى: ١٤٢٢هـ) الناشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة الطبعة: الرابعة مزيدة ومنقحة، ١٤٠٨هـ - ١٩٨٧م عدد الأجزاء: ١ - همین سوره

کنجکاو نموده ای و از آن خود را آگاه کرده ای، بگو: علمش تنها نزد الله عزوجل است، و من نیز زمان وقوع آنرا نمی دانم؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند که علم قیامت مخصوص الله عزوجل است)

موضوع: زمان وقوع قیامت را تنها الله عزوجل می داند، نه غیر او.

قرآن کریم: {إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا} {۴۴} (علم آن با پروردگار تو است) (۴۴)

تفسیر: سرانجام و منتهای آگاهی آن نزد پروردگار هست، وقت وقوع آنرا غیر از او کس دیگری نمی داند، فقط الله عزوجل از زمان برپایی قیامت آگاه است و بس.

موضوع: از وظایف رسول الله ﷺ و امتشان:

قرآن کریم: {إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مَّنْ يَخْشَاهَا} {۴۵} (تو فقط بیم دهنده کسانی هستی که از آن می ترسند) (۴۵)

تفسیر: ای رسول ما! تو فقط بیم دهنده کسانی هستی که از وقوع قیامت می ترسند و برای آن روز آمادگی می گیرند، از این آیات کسانی فایده می گیرند که از وقوع رستاخیز ترس داشته باشند اما غیر از آنان دعوت به گوش آنان رسانیده می شود ولی آنها به آن توجه نمی کنند، این آیه مبارکه نشان دهنده شایستگی و فضیلت مومنان و تحقیر کافران است.

بلی؛ وظیفه توشناخت زمان برپایی قیامت نیست، تو فرستاده شدی تا مردم را از عذاب الله عزوجل بترسانی، پس کسی که از تو پیروی نمود رستگار میگردد و کسیکه از تونافرمانی نمود در زیان واقع می شود. اینها از تو چیزی را پرسیان می کنند که از وظیفه تو خارج است،

البته در آیات فرضیت جهاد و قتال با کافران و مشرکان ان شاء الله بیان میگردد که هرکسی مانع نشروپخش دعوت و رساندن آن به جهانیان شود و از آن جلوگیری کند، باید از سر راه برداشته شود. یعنی: تبلیغ بخشی از وظیفه رسول الله ﷺ است.

موضوع: حال مشرکان در آن روز

قرآن کریم: {كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا} {۴۶}

(روزی که آن را می بینند گویی که آنان (در دنیا) جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند)

تفسیر: روزی که این کافران از قبرهای شان برخیزند و شاهد وقوع قیامت شوند از شدت ترس و وحشت احساس می کنند که در دنیا جز شامگاهی و یا صبحگاهی درنگ نکردند.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- اثبات عقیده رستاخیز و جزا

۲- تقسیم مردم در روز قیامت به دو فریق و بیان مرجع هر کدام

۳- علم زمان وقوع قیامت تنها نزد الله عزوجل است حتی رسول الله ﷺ از آن آگاهی ندارد

۴- بیان یک مورد از وظایف رسول الله ﷺ و امت ایشان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: عبس.

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۴۱

تعداد کلمات: ۱۳۳

اعداد حروف: ۵۳۳

وجه نامگذاری این سوره: این سوره «عبس» نامیده شده زیرا در آغاز آن از ترش روی رسول الله ﷺ در مقابل عبد الله ابن ام مکتوم و عتاب ایشان ذکر به میان آمده است.

سبب نزول: این سوره در شان عبد الله بن ام مکتوم نازل گردید^۱، قضیه از این قرار بود که: رسول الله ﷺ مصروف دعوت بزرگان قریش، مثل: عتبه، وشیبه پسران ربیعہ، ابو جهل پسر هشام، عباس پسر عبد المطلب، امیه پسر خلف، و ولید پسر مغیره به سوی اسلام بودند، تعالیم اسلام را برای آنها شرح می دادند و امید وار بودند تا آنها مسلمان شوند، وبا اسلام آنها قبایل و مردمان زیادی آئین یکتا پرستی را بپذیرند، امام ترمذی رحمه الله در سننش روایت نموده است که: رسول الله ﷺ برای یکی از بزرگان قریش می فرمودند: آیا در آنچه برایت می گویم مشکلی وجود دارد؟ وی می گفت: نخیر!^۲ - در همین هنگام عبد الله ابن ام مکتوم آمد و گفت: ای رسول خدا! از آنچه الله عزوجل برایت آموخته آموزش ام ده! ونمی دانست که رسول الله ﷺ به دعوت سران قریش مشغول اند، رسول الله ﷺ از اینکه عبد الله سخن شان را قطع نمود خوش ایشان نیامد، به طرف وی ترش روی کردند (چهره در هم کشیدند) و از وی روی گردانیدند، - هنوز رسول الله ﷺ به خانه باز نگشته بودند که این سوره نازل گردید، بعد از نزول این سوره، رسول الله ﷺ عبد الله را بیشتر گرامی می داشتند، و هرگاه او را می دیدند می فرمودند: مرحبا برای کسی که

۱ امام آلوسی رحمه الله می نویسد: این پسر مامای (ام المومنین) خدیجه بود. ام مکتوم کنیه مادرش بود نامش عاتکه دختر عبد الله مخزومی بود...
 ۲ سنن ترمذی (۳۳۱) - وصحه الالبانی رحمه الله فی صحیح السیره النبویه، ص: (۲۰۲)، ومقبل الوادعی فی صحیح المسند من اسباب النزول، ص: (۲۶۴ - ۲۶۵).

پروردگارم به خاطر او من را سرزنش کرد، و بهترین ادب را برایم آموخت و برایش می فرمودند: چه حاجتی داری؟ آیا چیزی می خواهی؟^۱، رسول الله ﷺ وی را دو مرتبه به عنوان والی مدینه جانشین خویش قرار دادند، برخی از سلف رحمهم الله می گویند: اگر رسول الله ﷺ از آیات قرآن کریم چیزی را می پوشیدند و برای مردم بیان نمی کردند، این آیات را می پوشیدند، بنابراین: رسول الله ﷺ هیچ چیزی را از آنچه به سوی ایشان وحی فرستاده شده است نپوشیدند،

اجمالاً مطالبی که این سوره در برگیرنده آنست:

۱- بیان اثبات رسالت رسول الله ﷺ

۲- بیان میزان حق پذیری رسول الله ﷺ

۳- بیان جایگاه رفیع قرآن کریم

۴- بیان اینکه ارزش انسان درگرو عمل و پیروی وی از هدایت آسمانی است

۵- برپاساختن دلایل بر قدرت و وحدانیت الله عزوجل در آفرینش انسان و گیاه

۶- بیان اثبات رستاخیز

۷- بیان سختی های روز قیامت و فرار انسان از اقارب نزدیکش.

۸- بیان احوال نیکبختان و بد بختان در این روز

از مقاصد این سوره:

۱- بیان حقانیت دعوت قرآن مجید.

۲- بیان کرامت و ارزش کسیکه از قرآن کریم فایده می گیرد

۳- بیان فرومایگی، خواری، پستی و حقارت کسی که از قرآن کریم روی برمی گرداند و فاصله می گیرد.

۱ به این تفاسیر مراجعه شود: نسفی، ابن جریر، بغوی، قرطبی با تعلیقی، المنیر، الوسیط لطینطاوی، آرشیف ملتقی اهل التفسیر (۲۲۶۶)، دراسات وتوجهات اسلامیه فی التریبه والسلوک، ج: ۱، ص: ۲۷۷، ایسر التفاسیر، سنن الترمذی (۳۳۳۱) باختصار،

این سوره به سه بخش زیر تقسیم می شود

بخش اول: سرزنش نرم دوست

موضوع: ۱- نهی از ترش روی در مقابل مسلمانان: ۲- رسول الله ﷺ در لغزش شان باقی گذاشته نشدند.

قرآن کریم: {عَبَسَ وَتَوَلَّى} {۱} (چهره در هم کشید و روی گردانید...)

تفسیر: رسول الله ﷺ جهت مصروفیت به دعوت بزرگانی از قریش به طرف عبد الله ام مکتوم رضی الله عنه روی ترش نمود و از وی روی برگردانید و به سوالش گوش فرا نداد،

موضوع: ۱- ترغیب بر طلب علم ولو در شرایط دشوار، ۲- علت ترش روی و روی گردانی

قرآن کریم: {أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى} {۲} (از اینکه نابینایی نزدش آمد)

تفسیر: به سبب اینکه شخص نا بینا (عبد الله بن ام مکتوم) به نزدش آمد چهره درهم کشید، در قرآن کریم از افراد زنده که با رسول الله ﷺ معاصر بود تنها نام دو نفر ذکر گردیده است، یکی مومن و دیگری کافر، اما شخص مومن؛ زید پسر حارثه می باشد که در سوره احزاب آیه (۲۷) ذکر گردیده است و فرد کافر ابو لهب است که در آیه اول سوره مسد ذکر شده است، زیرا: در قرآن کریم بیشتر بر اوصاف و اعمال ترکیز شده است، نه بر اشخاص.

فوایدی که در ذکر وصف عبد الله به «نابینا» در این آیه مبارکه مرتب است قرار زیر می باشد:

۱- تا عبد الله مورد سرزنش دیگران قرار نگیرد، زیرا وی سخن رسول الله ﷺ را قطع نمود پس بیان این وصف یک نوع عذری برایش می باشد.

۲- عبد الله ابن ام مکتوم از ترش روی رسول الله ﷺ اذیت نشد و احساس حقارت نکرد، زیرا: چهره مبارک رسول الله ﷺ را دیده نمی توانست، و رسول الله ﷺ غیر از ترش رویی برایش چیزی نگفتند، این حالت به صورت ناگهانی بر رسول الله ﷺ پیش شد قصد آنرا نداشتند. والله اعلم.

۳- عجز وضعف نباید انسان را از فراگیری علم و دانش باز دارد.

موضوع: علم سبب تزکیه می شود

قرآن کریم: { وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكِّي } {۳} (تو چه می دانی؟ چه بسا او پاک می شد)

تفسیر: ای رسول ما! تو چه می دانی؟ شاید این نابینا به سبب آنچه از تو می آموزد از گناهان و آثار نادانی پاک گردد، این آیه مبارکه دلیل بر اینست که:

۱- انسان از طریق عمل به رهنمایی های رسول الله ﷺ تزکیه می شود،

۲- فراگیری قرآن و حدیث سبب محو گناهان می گردد.

موضوع: فایده تنها در مادیات محصور نیست

قرآن کریم: { أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى } {۴} (یا پند و اندرز می گرفت و این پند و اندرز، به او نفع می داد)

تفسیر: یا اینکه او از سخت پند گیرد، و این پندبرایش فایده برساند، مراد از «ذکر» قرآن مجید است، زیرا:

۱- الله عزوجل در آیه (۵۲) سورة قلم از قرآنکریم به «ذکر» تعبیر نموده است،

۲- قرآن مردم را از آنچه غافل اند پند می دهد و به وسیله هدایاتش رهنمایی می کند،

۳- عبد الله ابن ام مکتوم هم از رسول الله ﷺ خواست تا آیاتی از قرآن کریم را برایش بخواند. بلی؛ در میان امت اسلامی از افراد نابینا کم نیست کسانی که به وسیله فراگیری قرآن کریم به درجه امامت در دین رسیدند، مثل: عبد الله ابن ام مکتوم رضی الله عنه، امام ترمذی رحمه الله، امام عبدالعزیز ابن باز رحمه الله، و...

موضوع: نکوهش کسی که خود را از توصیه شدن بی نیاز می داند

قرآن کریم: { أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَى } {۵} (اما کسی که خود را بی نیاز می داند)

تفسیر: ای رسول ما! اما آن کسی که به سبب داشتن ثروت زیاد خود را از ایمان و رهنمایی های تو بی نیاز می داند، ابن عاشور در تفسیرش می نویسد: این شخص، ولید پسر مغیره مخزومی بود، امام ابن جریر طبری به نقل از مجاهد در تفسیرش می نویسد: این آیه مبارکه در مورد، عتبه پسر ربیع و شیبه پسر ربیع می باشد،

موضوع: تلاش بی وقفه رسول الله ﷺ بر هدایت کافران

قرآن کریم: { فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى } {۶} {تو، به او روی می آوری}

تفسیر: تو بخاطر هدایتش به سوی او روی می آوری و به حرف های او گوش فرا می دهی، در حالیکه او هیچ رغبتی به رهنمایی تو نشان نمی دهد، از این جا یک قاعده کلی به دست می آید که: هیچگاه امر مشخصی به خاطر امر موهومی ترک نگردد و مصلحتی که تحقق یافته است نباید بخاطر مصلحتی که گمان تحقق آن می رود رها شود.

موضوع: ۱- رفع حرج از رسول الله ﷺ، ۲- دلجویی از رسول الله ﷺ

قرآن کریم: { وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّيَّ } {۷} {در حالیکه اگر او، خود را پاک نسازد، بر تو تکلیفی نیست}

تفسیر: ای رسول ما! نیست گناهی بر تو اگر او خود را به وسیله ایمان پاک نسازد؟ تو بخاطر ایمان نیاوردن او مورد باز پرس قرار نمی گیری، بیان این تعبیر یک نوع نرمی و مهربانی از جانب الله عزوجل بر رسول الله ﷺ می باشد.

موضوع: تقدیر از تلاشی که جهت کسب علم باشد

قرآن کریم: { وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى } {۸} {ولی کسی که شتابان نزدت آمد}

تفسیر: اما کسی که شتابان و با علاقه مندی تمام به سوی تو در طلب خیر، هدایت و علم می آید، و آن شخص همین نابینا می باشد که نداشتن چشم وی را از آموختن علم باز نداشته است.

موضوع: خدا ترسی از اسباب کسب علم و رفع درجات است

قرآن کریم: { وَهُوَ يَخْشَى } {۹} {در حالیکه خدا ترس بود}

تفسیر: در حالیکه او (عبد الله بن ام مکتوم) از عذاب الله عزوجل می ترسد و به پاداشش امید وار است.

موضوع: ۱- سرزنش نرم دوست، ۲- حقانیت قرآن مجید

قرآن کریم: { فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى } { ۱۰ } (... تو از آن غافل شدی)

تفسیر: تو از او غافل می شوی، به سوالش پاسخ نمی دهی و به دیگری مشغول می گردی، ابن عاشور در تفسیرش می نویسد: این سرزنش برای رسول الله ﷺ بخاطر ترش روی و اعراض شان بود، نه به خاطر تاخیر در رهنمایی ابن ام مکتوم...^۱

آنچه از این آیات دانسته می شود:

۱- اثبات اجتهاد برای رسول الله ﷺ

۲- الله عزوجل پیامبرش را بر خطا باقی نمی گذاشت

۳- رسول الله ﷺ نمی دانستند که این مشرکان ایمان نمی آورند، یعنی: رسول الله ﷺ به علم غیب آگاه نبودند.

موضوع: پند را از قرآن باید گرفت

قرآن کریم: { كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ } { ۱۱ } (هرگز چنین مکن! بی شک این آیات مایه پند است)

تفسیر: ای رسول ما! دوباره این کار از تو تکرار نشود، زیرا: آیات قرآن پند و خیرخواهی برای همه است، بر تو لازم است که در نشر علم و رساندن پیام آسمانی بین همه انسانها برای ابروی ایجاد کنی، توانگر را بر فقیر ترجیح ندهی. بلی؛ هرکسی که میخواهد پند پذیر شود به قرآن کریم مراجعه کند، زیرا: از مهمترین اسباب نجات از فتنه ها تمسک به قرآن و سنت صحیح است، برهمگان واجب است که به طرف این کتاب روی بیاورند، در تلاوت، تدبر، حفظ، عمل و دعوت به سوی آن، حق آنرا ادا کرده و سعادت دارین را نصیب شوند، امام قرطبی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: آنچه در اینجا از رسول الله ﷺ صادر شد، ترک اولی بود. اگر برگناه صغیره نیز حمل شود بعید نیست.^۲

۱ تفسیر ابن عاشور با اختصار و تصرف مختصر

۲ به تفسیر قرطبی مراجعه شود، در تفسیر همین سوره

موضوع: این قرآن پند برای همه است

قرآن کریم: { فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ } { ۱۲ } (هر کس بخواهد از آن پند می گیرد)

تفسیر: پس هر کسی که می خواهد تا از نصایح و اندرز های قرآن پند گیرد، چنین کاری را انجام دهد و نفس خود را با وحی آسمانی تزکیه و تربیت کند. این آیه مبارکه تهدیدی برای کسانیست که از ارشادات قرآن کریم اعراض می کنند.

موضوع: جایگاه قرآن کریم:

قرآن کریم: { فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ } { ۱۳ } (در صحیفه های گرانقدر است)

تفسیر: این نصایح در برگه ها و نامه های بزرگوار و ارز شمنی در نزد الله عزوجل نگهداری می شود، چون: لوح محفوظ، صحیفه های که قرآن کریم در آنها نوشته شده و در اختیار ما انسانها می باشد نیز ارزشمند است، زیرا: در آنها سخن ذاتی که کریم می باشد نوشته شده است، حامل و عامل این سخن نیز ارزشمند و عزتمند می گردد. بلی، این کتاب (قرآن کریم) چنانچه که در صفحات اوراق ثبت است در صفحات اذهان مردان مومن و زنان مومنه نیز ثبت و ضبط می باشد که برای آنها عزت نمدی دنیوی و اخروی می بخشد. امام ابن عاشور در مورد «صحف» چنین می نویسد: مراد؛ کاغذها، پوستها، شانه ها و سنگ های که قرآن کریم را بر روی آنها می نوشتند.

موضوع: بلندی مقام این کتاب (قرآن کریم)

قرآن کریم: { مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ } { ۱۴ } (در الواح بلند پایه و پاکیزه...)

تفسیر: این صحیفه ها و نامه ها دارای مقام بلند بوده و منزّه است از هر نوع پلیدی و تغیر، این کتاب از دستبرد شیاطین و کفار محفوظ بوده و از زیادت و نقصان به دور است.

موضوع: حاملین این کتاب:

قرآن کریم: { بِأَيْدِي سَفَرَةٍ } { ۱۵ } (... که در دستان سفیران وحی است) (۱۵)

تفسیر امام طبری به سند حسن از قتاده چنین روایت میکند: آنها قاریان اند، امام ابن کثیر به نقل از وهب ابن منبه چنین می نویسد: آنها اصحاب محمد ﷺ اند، امام

طبری رحمه الله در تفسیرش می نویسد: صحیح اینست که «سفره» فرشتگانی اند که سفیران بین الله عزوجل و بندگان می باشند و این صحیفه ها در دست آنها است.^۱ - بنده ضعیف می گوید: عالمان و قاریانی که بندگان الله عزوجل را به سوی عقیده و عمل به قرآن کریم دعوت میکنند در مصداق این آیات داخل اند که الله عزوجل از آنها به نیکی صفت نموده است.

موضوع: صفات حاملین این کتاب

قرآن کریم: {کِرَامٍ بَرَرَةٍ} {۱۶} (بزرگوار و نیکوکار)

تفسیر: آنها سفیران وحی می باشند که نزد پروردگارشان از او صاف والای زیر بر خور دار اند،

۱- گرامی و عزتمند اند،

۲- زیاد فرمان برداری باشند. «بررة» جمع: بر، و آن کسی است که زیاد فرمان بردار الله عزوجل بوده و نهایت خشوع را برای الله عزوجل داشته باشد، بنابراین: عموم مومنان به این کتاب نیز باید او صاف ذکر شده را داشته باشند مخصوصاً عالمان و قاریان.

سوال: آیا برای شخص جنب وزن حایض تلاوت قرآن کریم جواز دارد؟

جواب: در این مورد سه دیدگاه وجود دارد.

دیدگاه اول: برای شخص جنب وزن حایض تلاوت قرآن کریم جواز ندارد، زیرا: علی رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ پیوسته قرآن کریم را برای یاران شان تعلیم می دادند، هیچ چیزی مانع از فراگیری قرآن برای آنها نمی شد غیر از جنابت^۲

همچنان پیروان این دیدگاه از حدیثی که امام ترمذی در سنن خود روایت نموده استدلال می کنند که رسول الله ﷺ فرموده است: زن حایض و شخص جنب چیزی را از قرآن نخواند^۳

۱ به تفسیر امام ابن جریر طبری مراجعه شود

۲ سنن ترمذی (۱۴۶)

۳ سنن ترمذی (۱۳۱) سنن ابن ماجه (۵۹۶)

دیدگاه دوم: برای شخص جنب وزن حیض تلاوت قرآن کریم جایز است^۱ -

دیدگاه سوم: از آنجائیکه حیض ونفاس برای مدت طولانی استمرار پیدا می کند، پس برای زنانیکه بی نمازی پیش شده ویا وضع حمل نمودند مناسب نیست که در این مدت قرآن کریم را ترک کنند وتلاوت نکنند، این دیدگاه امام مالک وشيخ الاسلام ابن تیمیه رحمهما الله می باشد، بنابراین: زنیکه عادت ماهوار برایش پیش شده است وزنی که نوزاد ولادت کرده می توانند قرآن کریم را بامراعات روش های زیر بخوانند: ۱- از طریق حفظ، ۲- از گوشه مبایل، ۳- از کتب تفسیر، ۴- از روی مصحف همراه دست کش، چنانچه خواندن تمامی اذکار مثل: تسبیح، تحمید استغفار وسایر ادعیه مسنونه وغیر از طواف، انجام تمام اعمال ومناسک حج برای آنها مشروع می باشد، ولی برای شخص جنب خواندن قرآن کریم جایز نیست، نه از مصحف ونه هم از حفظ^۲ - در سند حدیثی که امام ترمذی در سننش روایت نموده ودر فوق ذکرشده، شخصی بنام اسماعیل ابن عیاش و جود دارد که محمد ابن اسماعیل بخاری رحمه الله در موردش می گوید: اسماعیل ابن عیاش از اهل حجاز و اهل عراق احادیث منکری را روایت می کند. بنده ضعیف دیدگاه سوم را ترجیح می دهد، والله اعلم.

رهنمایی ها، احکام وعمل

۱- بیان مقام رسول الله ﷺ که شریفترین وبلند ترین جایگاه را داشتند، طوریکه الله عزوجل ایشان را دراسلوب شخص غایب سرزنش نرمی نمود تا اینکه درد ناک نشوند وبعد از اینکه وحشت را از ایشان دور ساخت مستقیماً مخاطب شان ساخت وفرمود: «ومایدریک...»

۲- الله عزوجل پیامبرش ﷺ را ادب داد ونیک ساخت تعلیم وپرورش ایشان را^۳

۱ این دیدگاه داود وامام ابن حزم می باشد که برای جنب خواندن قرآن کریم را جایز می دانند، به فتاوی الزهر، جز (۸) صفحه (۸۸) مراجعه شود.
۲ به فتاوی امام ابن باز رحمه الله - جزء (۵) صفحه (۴۳۰)، فتاوی اللجنة الدائمة جزء (۴) صفحه (۲۳۲)، فتاوی اسلامیة جزء (۴) صفحه (۳۰) فتاوی الشیخ الاسلامیه رقم الفتوی (۴۶۸۷) مراجعه شود.

۳ ولی این عبارت به عنوان حدیث؛ فقدضعفه الالبانی رحمه الله فی ضعیف الجامع الصغیر وزيادته (۲۴۹)، لکن قال بعضهم المعنى صحيح، كما قال شيخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله فی المجموع، (۳۷۵-۱۸) نگاه: ایسر التفاسیر، مجله المنار (ج: ۱۳ - ص: ۷۱۳) موسوعة المفاهيم الإسلامية العامة (ج: ۱ - ص: ۱۲) دراسات وتوجيهات إسلامية (ج: ۱ - ص: ۲۷۷) مجلة البحوث الإسلامية (ج: ۵ - ص: ۱۵۰) مجلة الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة (ج: ۳ - ص: ۴۵۳ - ج: ۱۴ - ص: ۱۰۵ - ج: ۱۴ - ص: ۱۲۱) والله اعلم.

۳- رسول الله ﷺ در تعلیم، پرورش، اخلاق و ادب به درجه رسیده بودند که هیچ بشری به آن درجه نرسیده است.

۴- وجوب برابری در تبلیغ بین ثروتمند و فقیر، نابینا و بینا...

۴- ناممکن بودن کتمان وحی از جانب رسول الله ﷺ، ام المومنین عایشه صدیقه رضی الله عنها می فرماید: اگر رسول الله ﷺ چیزی را از وحی می پوشانید، سرزنشی که در این سوره به جناب ایشان متوجه می شد می پوشیدند.

۵- همین امروز انسان ضعیفی را ملاقات نموده و آنرا با دادن صدقه خوشحال بساز

۶- همین امروز کار نیکوی انجام بده و آرزوکن که در روز قیامت ثوابش را به دست آوری.

۷- هرشب پیش از خواب نفس خود را مورد محاسبه قرار بده

۸- سرزنش الله عزوجل پیامبرش را در آیاتی که تا قیامت تلاوت می شود بزرگترین دلیل بر صدق رسالت رسول الله ﷺ بوده و بیان کننده اینست که: این کتاب از جانب الله عزوجل می باشد.

۹- مصلحتی که ثابت و متحقق باشد بخاطر مصلحتی که گمانی باشد ترک نمی شود

۱۰- فضیلت طلب علم و نکوهش عالمانی که طالب العلمان را از نزد خود می رانند

۱۱- قرآن مجید کتاب پند، موعظه و عمل می باشد

بخش دوم: وجوب تدبر و تفکر در انفس و آفاق

موضوع: اظهار تعجب از کفر انسان

قرآن کریم: { قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ } { ۱۷ } { مرگ بر (این) انسان چه قدر ناسپاس است }

تفسیر: نفرین باد بر این انسان و کشته باد! چه قدر خدا ناشناس و ناسپاس است، امام طبری در تفسیرش می نویسد: مراد از انسان در این آیه مبارکه شخص کافر است، وی در ادامه می نویسد: در « ما اکفره » دو تفسیر است، ۱- تعجب از کفر انسان همراه احسان الله عزوجل برایش، ۲- چه چیز او را کافر ساخته است، یعنی:

چه چیز او را باعث ساخته تا زنده شدن بعد از مرگ را انکار کند؟ امام ابن کثیر در تفسیرش به نقل از قتاده می نویسد: چه چیز او را از رحمت الله عزوجل دور ساخت و ملعونش گردانید؟-پایان نقل، از این تعبیر « قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ » برای کسیکه ناسپاسی نعمت های الله عزوجل را بنماید؛ درشت تر، خشن تر، خشمناک تر، جامع تر در سرزنش، کوتاه تر در لفظ، کوبنده تر در شنوایی و موثرتر در نفس یافته نمی شود.

موضوع: وجوب تفکر در آفرینش انسان

قرآن کریم: { مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ } { ۱۸ } (او را از چه چیزی آفریده است)

تفسیر: این انسان کافر و بزرگ منش را از چه آفرید؟ جواب: از ضعیف ترین اشیا، چنانچه عنصر آفرینشش را در آیه بعدی ذکر نمود.

موضوع: عنصر آفرینش انسان

قرآن کریم: { مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ } { ۱۹ } (او را از نطفه آفرید آنگاه او را موزون ساخت)

تفسیر: الله عزوجل او را از آب نا چیز آفرید و او را انسانی گردانید که دارای ساختار دقیق می باشد، دست ها، پاها و چشم هایش را متناسب به حال او آفرید و در خدمت اش گمارد. «نطفه» آب اندکی که از مرد بیرون گردیده و در رحم زن می ریزد.

موضوع: ایجاد سهولت ها برای انسان

قرآن کریم: (ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ) { ۲۰ } (سپس راه را بر او آسان گردانید) (۲۰)

تفسیر: بعد از اینکه الله عزوجل انسان را در بهترین صورت آفرید، راه دست یابی به حق را برایش آسان ساخت، برایش عقل را داد تا بیندیشد و به وسیله آن حق و باطل، خیر و شر، هدایت و گمراهی را از یکدیگر تفکیک نموده و مسیر درست را که با فطرت بشری نیز سازگار است انتخاب نماید، امام ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیرش نوشته: صحیح در نزد من اینست که: زمینه خروج وی را از شکم مادرش آسان نمود^۱

موضوع: دفن نمودن مردگان در قبر از مزایای ادیان آسمانی است

قرآن کریم: { ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ } { ۲۱ } (آن گاه او را میراند و در گور نهاد)

۱ به تفسیر امام ابن جریر طبری مراجعه شود

تفسیر: سپس انسان را می میراند و با دفنش گرمی می دارد، او را مثل حیوانات نگردانید که اجساد آنها در روی زمین افکنده می شود تا درندگان و پرندگان لاشه اش را بخورند در آیه مبارکه اشارت بر اینست که: دفن کردن مردگان از دساتیر و محاسن اسلام است موضوع: اثبات رستاخیز در زمان معینش

قرآن کریم: { ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ } { ۲۲ } (وهرگاه بخواهد زند اش می کند)

تفسیر: بعد از میراندن و دفن کردن هرگاه بخواهد جهت محاسبه زنده اش می کند و او را از قبرش بر می انگیزد، او به تنهایی در تدبیر امور انسان پرداخته کسی با او شریک نیست. در این آیه مبارکه ردیست بر خواسته کافرانی که از روی تمسخر رستاخیز را به شتاب می طلبیدند، الله عزوجل آنها را آگاه ساخت که هر زمانی که وی بخواهد قیامت واقع می شود نه در زمانیکه آنها بخواهند.^۱

موضوع: نکوهش از عدم اجرای فرمان الهی

قرآن کریم: { كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ } { ۲۳ }

(چنین نیست که او می پندارد، آنچه را که به او الله فرمان داده بود انجام نداد)

تفسیر: قضیه چنین نیست که این کافر می پندارد، این انسان منکر و مغرور آنچه را الله عزوجل به او دستور داده به اجرا نگذاشته است، در سرکشی و عناد خود استمرار می ورزد، افراد پر ادعا و سطحی نگر چنین فکر می کنند که وظایف خود را در برابر الله عزوجل به انجام رسانیده اند ولی این آیه مبارکه پندار شانرا نادرست قلمداد می کند، مقصود این آیه مبارکه: ۱- توبیخ این انسان منکر و مغرور ، ۲- بیان سبب این توبیخ که عبارت است از بی توجهی وی نسبت به حقوق خالقش.

موضوع: وجوب تفکر در آفرینش نعمت خوراک

قرآن کریم: { فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ } { ۲۴ } (انسان باید به خوراکش بنگرد)

۱ به تفسیر ابن عاشور مراجعه شود

تفسیر: این انسان باید به خوراکش که مایهٔ حیاتش میباشد، بنگرد و بیندیشد. از این آیهٔ مبارکه بر اثبات رستاخیز و زنده شدن بعد از مرگ چنین استدلال می شود: ذاتی که قادر بر زنده ساختن زمین خشک و بی گیاه باشد برزنده ساختن اجسام پوسیده و پراکنده نیز توانا می باشد، این سوالات آتی را از خود پرسان کند:

۱- چگونه این حبوبات جامده از زیر خاک به طرف آسمان سر بیرون می آورد، و سبزی می شود؟

چگونه این دانه به درخت تبدیل میشود و در هر شاخهٔ آن دانه های بیشماری به وجود می آید. اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له.

۲- چگونه این حبوبات با جسم انسان سازگاری دارد؟

۳- چگونه جسم انسان آنرا هضم می کند، چگونه ملیون ها دستگاه در بدن انسان و حیوان نصب شده که با فعالیت های منظم، دقیق، پیچیده و سنجیدهٔ شان از آن خوراک فواید بیشماری را گرفته و در تمام اجزای بدن به اندازهٔ ضرورت آن تقسیم می کنند؟

۵- چگونه باقی مانده و تفالهٔ آن از وجود بیرون می شود؟

هرگز این کار تصادفی و خود بخودی انجام یافته نمی تواند، اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله

موضوع: وجوب تفکر در آفرینش نعمت آب و ریختن آن به شکل منظم از آسمان

قرآن کریم: { اَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا } { ۲۵ } { ما آب را فراوان فرو ریختیم }

تفسیر: یقیناً ما از آسمان آب فراوانی فرو می ریزیم، آبی که زندگی انسانها، حیوانات و نباتات به آن بستگی دارد

موضوع: فرمان پذیری زمین از الله عزوجل

قرآن کریم: { ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا } { ۲۶ } { سپس زمین را به خوبی شکافتیم }

تفسیر: سپس ما زمین را به شکل شگفت آوری می شکافیم تا ساق گیاه از آن بیرون شود، اگر الله عزوجل زمین را نشکافد ساق ضعیف گیاه توانایی شکافتن زمین و دور ساختن موانع از سر را هیش را ندارد. بلی؛ ساق ضعیف گیاه بعد از عبور از ده ها موانع دشوار به قدرت الله تبارک و تعالی از زمین بیرون می شود. آیا تا اکنون فکر کرده اید که چرا این ساق گیاه به بطرف آسمان بیرون می شود و به طرف عمق زمین فرو نمی رود و چرا ریشه آن به طرف عمق زمین فرو می رود و به طرف آسمان بیرون نمی شود؟ اگر چنین می شد غذا و بقای برای بشریت و حیوانات نبود.

موضوع: بیان نشانه قدرت الله عزوجل در آفرینش غلجیات از زمین

قرآن کریم: { فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا } { ۲۷ } (آن گاه در آن دانه رویانیدم)

تفسیر: سپس در زمین دانه های گندم، جو، جواری و... را رویانیدیم که از آنها می خورید و تا به زمان نیازمندی خود ذخیره می کنید.

موضوع: بیان نشانه قدرت الله عزوجل در آفرینش انگور و سبزیجات از زمین

قرآن کریم: { وَعَيْنَبًا وَقَصْبًا } { ۲۸ } (و انگور و سبزیجات)

تفسیر: به وسیله همین آبی که از آسمان نازل کردیم برای شما انگور و سبزیجات پدید آوردیم، امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیرش می نویسد: «قضب» علف های تازه است که چهار پایان می خورند. الله عزوجل رحم کند به حال کسی که این آیات را با تفسیر آنها برای عموم مخصوصاً برای دهقانان (کشاورزان) می خواند تا بزرگی قدرت الله عزوجل در قلب های آنها بیشتر زنده شود، واقعاً انسان را متاثر و خاشع می سازد. سبحان الله!

موضوع: بیان نشانه قدرت الله عزوجل در آفرینش زیتون و خرما از زمین

قرآن کریم: { وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا } { ۲۹ } (وزیتون و درختان خرما)

تفسیر: و همچنان درختان زیتون را رویانیدیم که دارای روغن و میوه است و در ترکیب خیلی از دوا ها نیز به کار گرفته می شود، به همین گونه درخت خرما را رویانیدیم که داری مواد غذایی می باشد و به صحت بدن نیز سودمند است، انسانها از هر جزء آن فایده می گیرند، عبد الله پسر عمر رضی الله عنهما می گوید که رسول الله ﷺ در بین

جمعی از مردم فرمودند: از میان درختان درختی می باشد که برگهای او نمی ریزد و این درخت (در بسیار بودن و همیشه بودن مفاد آن) همانند مسلمان است، بگوئید که این کدام نوع درخت است؟ مردمان نام درختان صحرایی را گرفتند، که این پاسخ صحیح نبود، من دانستم که آن درخت خرما است ولی حیا برایم مانع شد که آنرا اظهار کنم، سپس مردم گفتند: ای رسول خدا برای ما بگوئید که این کدام درخت است؟ رسول الله ﷺ فرمودند: آن درخت خرما می باشد، ...^۱

موضوع: بیان نشانه قدرت الله عزوجل در آفرینش باغهای پرمفعت از زمین

قرآن کریم: { وَحَدَائِقَ غُلْبًا } {۳۰} (و باغ های پر درخت و انبوه)

تفسیر: و باغ های پر درخت و فراخی را پدید آوردیم که درختان تنومند دارد، این باغها دارای میوه های لذیذ بوده و خوشنما می باشد

موضوع: بیان نشانه قدرت الله عزوجل در آفرینش میوه جات و چراگاه ها از زمین

قرآن کریم: { وَفَاكِهَةً وَأَبًّا } {۳۱} (و میوه و چراگاه)

تفسیر: و میوه مثل: انگور، انجیر، انار به اشکال مختلف و مزه های گوناگون پدید آوردیم، همچنان علف ها و چراگاه ها را آفریدیم.

موضوع: بیان هدف از آفرینش آنچه در زمین است

قرآن کریم: { مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ } {۳۲} (برای بهره مندی شما و چهار پایانتان)

تفسیر: این هشت نوع نبات را برای استفاده شما و چهار پایان تان آفریدیم، پس به پاس این نعمت های گوناگون، پروردگار تانرا شکرگزاری کنید، به عبادت او روی بیاورید، کسی را با او شریک نسازید و اخبار او را تصدیق نمایید.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- بیان دلایل قدرت الله عزوجل، علم و حکمتش که انسان را به سوی ایمان به قرآن مجید رهنمایی می کند.

۱ صحیح البخاری (۶۱) صحیح مسلم (۲۸۱۱)

۲- اسلام آمد تا انسان را گرامی بدارد و به بلند ترین درجات انسانیت او را ارتقا دهد از همین جهت وی را در حالت زندگی و مرگش اکرام نمود، بنابراین: این انسان باید سپاس گزاری نعمت های الله عزوجل را در برپاساختن دینش در روی زمین انجام دهد.

دکتر وهبه الزحیلی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: خلاصه اینکه مقصود از ذکر این اشیا (در این سوره) سه چیز می باشد

۱- بیان شواهدی که دلالت بر توحید الله عزوجل می کند

۲- بیان دلایلی که دلالت بر قدرت الله عزوجل در اثبات زنده ساختن بعد از مرگ می کند

۳- ترغیب و تشویق به ایمان و طاعت، زیرا: برای انسان خردمند سزاوار نیست که از فرمان برداری الله عزوجل که این همه نعمت های بزرگ را برایش بخشیده و قدرت فایده گرفتن را نیز به او داده، سرکشی نماید.

بخش سوم: بیان روزی که هر انسان پیش رو دارد (روز تو... روز تو)

موضوع: خبر از وقوع رخداد بی نهایت سنگینی در قیامت

قرآن کریم: {فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ} {۳۳} (پس هنگامیکه آن صدای هولناک قیامت فرا رسد)

تفسیر: پس هنگامیکه آن صدا و بانگ گوش خراش روز قیامت فرارسد، این همان نفخه صور دوم است که بعد از آن تمام انسانها جهت محاسبه اعمالشان از قبرها بیرون می شوند^۱،

امام ابن جریر طبری رحمه الله به سند حسن از ابن عباس رضی الله عنه روایت می کند که: «صاخه^۲» یکی از نامهای قیامت است که الله عزوجل بندگان را از آن می ترساند.

۱ به تفسیر قرطبی مراجعه شود
۲ یعنی: آواز سخت که گوش را کرکند،

موضوع: بیان برخورد انسان با برادر نسبی اش در قیامت

قرآن کریم: { يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ } { ۳۴ } (روزی که انسان از برادرش بگریزد)

تفسیر: در آن روز هر کس برای نجات خود تلاش می ورزد حتی از نزد برادر نسبی خود می گریزد، علت های فرار انسان از اقارب نزدیکش می تواند موارد زیر باشد:

۱- از ترس اینکه مبدا ازوی چیزی را مطالبه کنند،

۲- می داند که آنها هیچ فایده برایش نمی رسد، و فکر می کند که: با فرار و گریز می تواند محیط امنی را پیدا کند، در حالیکه این فرار هیچ فایده برایش نمی رساند،

۳- وحشت و اضطراب او را بی خود می سازد،

۴- از همه اقارب بیزاری می جوید و به نفس خود مشغول گردیده و برای نجاتش چاره اندیشی میکند، همین مورد اخیر راجح تر است، امام نسفی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: گفته شده که اولین کسی که از برادرش می گریزد هابیل پسر آدم علیه السلام می باشد.

موضوع: برخورد انسان با مادر و پدرش در قیامت

قرآن کریم: { وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ } { ۳۵ } (و از مادر و پدرش می گریزد)

تفسیر: وحشت در آن روز به اندازه است که انسان از مادر و پدرش فرار می کند، امام نسفی در تفسیرش می نویسد: گفته شده که اولین کسی که از پدر و مادرش فرار می کند ابراهیم علیه السلام است، در کتاب: صحیح المسبور من التفسیر بالمأثور- چنین ذکر گردیده است: حتی در روز قیامت عیسی علیه السلام می گوید: از الله عزوجل بجز از خلاصی نفس خود چیزی نمی خواهم، در مورد مادرم مریم که من را تولد نموده از او سوال نمی کنم^۱، بلی؛ این شدت ترس و هول در لحظات نخستین قیامت برای همگان حتی برای انبیای الهی نیز می باشد، این ترس برای انبیا و صالحان عارضی است و به زودی از بین می رود. ناگفته نباید گذاشت که: اصل شفاعت باذن الله عزوجل برای اهل توحید در آن روز به تواتر ثابت است.

۱ به کتاب الصحیح المسبور من التفسیر بالمأثور المؤلف: أ. د. حکمت بن بشیر بن یاسین الناشر: دار المآثر للنشر والتوزیع والطباعة- المدینة النبویة الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م عدد الأجزاء: ۴. مراجعه شود.

موضوع: بیان برخورد انسان بازوجه و پسرانش در قیامت

قرآن کریم: { وَصَاحِبَّتِهِ وَبَنِيهِ } { ۳۶ } (و نیز از همسر و فرزنداناش)

تفسیر: از همسر و فرزنداناش می گریزد، در حالیکه این گروه از مخصوص ترین اقارب و سزا و ارترین آنها به مهربانیش می باشند، امام نسفی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: گفته شده اولین کسانی که از زوجه ایشان می گریزند نوح و لوط علیهما السلام می باشند و اولین کسی که از پسرش فرار می کند نوح علیه السلام است،

موضوع: بیان سبب فرار

قرآن کریم: { لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ } { ۳۷ }

(در آن روز هر کسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می دارد)

تفسیر: در آن روز هرکس از برادر، مادر، پدر و زوجه را کاری می باشد که او را به خود مشغول می دارد و به فکر کسی دیگری نیست، رسول الله ﷺ فرمودند: در روز قیامت شما همه پای برهنه، بدن عریان، پای پیاده و ختنه ناشده حشر می شوید، عایشه رضی الله عنها از ایشان پرسید: آیا بعضی از ما عورت بعض دیگر را می نگریم؟ رسول الله ﷺ این آیه مبارکه را تلاوت نمودند: { لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ } (در آن روز هرکس را کاری است که او را به خود مشغولش دارد و به هیچ امر دیگری پرداخته نمی تواند)، من بنده ضعیف نمونه این وحشت، ترس و اضطراب را در زلزله های هرات در سال (۱۴۴۴) هـ - ق، مطابق سال (۱۴۰۲) هـ ش - بارها مشاهده کردم. طوریکه خیلی از انسانها همه چیز را رها می کردند و تنها به فکر نجات نفس خود بودند.

موضوع: نشانه نیک بختان در آن روز

قرآن کریم: { وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ } { ۳۸ } (در آن روز چهره هایی درخشانند) (۳۸)

تفسیر: چهره های زیادی در آن روز درخشان، تابناک، و بشارش می باشند و این حالت زمانی برای شان تحقق می یابد که فرشتگان به خوبی از آنها استقبال کرده و به نجات و نعمت دست پیدا می کنند،

موضوع: نشانه دیگر از نیک بختان در آنروز

قرآن کریم: {ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ} {۳۹} {خندان و شادانند} (۳۹)

تفسیر: خندان، خوشحال و شادمانند، اثر نعمت بر آنها مشاهده می شود و این چهره ها، چهره های مومنان است در آن روز.

موضوع: نشانه بد بختان در آن روز

قرآن کریم: {وَوُجُوهُ يُومِئِدُ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ} {۴۰}

(و در آن روز چهره هایی است که بر آنها غبار نشسته) (۴۰)

تفسیر: وبسیاری از چهره ها در آن روز ذلیل، غبار نشسته، دود آلود و بد منظر می باشد، وحشت، غم، اندوه و پریشانی آنها را زمین گیر و فلج میکند و این چهره های کافران است در آن روز.

موضوع: نشانه دیگر بدبختان در آن روز

قرآن کریم: {تَرْهَقَهَا قَنَرَةٌ} {۴۱} (و آنها را تاریکی ها پوشانده است) (۴۱)

تفسیر: تیرگی و سیاهی گناهان و پریشانی ها آن رخسارها را فرو می پوشاند^۱.

موضوع: بیان سبب بد بختی آنها

قرآن کریم: {أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ} {۴۲} (آنان همان کافران بدکارند) (۴۲)

تفسیر: صاحبان چهره های غبار آلود و سیاه، کافران بد کار اند، آنها به نعمت های الله عزوجل کفر ورزیده و آیات او را انکار کردند، چهره های اهل جهنم همین گونه است، زیرا: در باورها، گفتارها و کردارهای آنها فساد وجود داشته است،

۱ اقول وبالله التوفيق: الفرق بين الغبرة والقنرة: ان القنرة ما ارتفع من الغبار فلحق بالسماء، والغبرة ما كان اسفل في الارض.

رهنمایی ها، احکام و عمل

- ۱- بیان شدت وحشت و سختی روز قیامت طوریکه هر انسان از نزدیکترین اقاربش فرار می کند و به نفس خودش مشغول گردیده و برای نجاتش چاره اندیشی میکند.
 - ۲- سختی های روز قیامت فراموش انسان می سازد که به عورت دیگری نگاه کند
 - ۳- ایمان و تقوی سبب خوشحالی، شادمانی و نور در موقف قیامت می گردد
 - ۴- کفر و بدکاری سبب سیاهی چهره و تاریکی در موقف قیامت می شود
 - ۵- وجوب آمادگی کامل برای روز رستاخیز
- نسأل الله- تعالی- أن يجعلنا جميعا من أصحاب الوجوه المسفرة، الضاحكة
المستبشرة. آمين
وصلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله وصحبه وسلم ...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: تکویر

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۲۹

تعداد کلمات: ۱۰۴

اعداد حروف: ۵۳۳

وجه نامگذاری این سوره: «تکویر» به معنای درهم پیچیدن، بخاطر اینکه در این سوره خبر از درهم پیچیدن خورشید و نابود شدن نور و روشنی آن داده شده به این نام مسمی گردیده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره در برگیرنده آنست:

۱- بیان دوازده رخداد بزرگ که شش از آن در دنیا و شش دیگر در آخرت تحقق می یابد^۱،

۲- جایگاه قرآن مجید

۳- اثبات نبوت، رسالت، و امانت رسول الله ﷺ در تبلیغ وحی

۴- دیدن امین زمین (رسول الله ﷺ) امین آسمان (جبرئیل علیه السلام) را به صورت اصلی اش.

۵- بیان گمراهی مشرکان.

۶- قرآن پند و مصدر هدایت برای تمام جهانیان است.

۱ ابوبکر الجزایری رحمه الله در تفسیر ایسر التفاسیر می نویسد: رخداد های که در دنیا می شود عبارت اند از: ۱- درهم پیچیده شدن خورشید، ۲- تیره شدن و فروریختن ستارگان، ۳- به حرکت در آمدن و نابود شده کوه ها، ۴- رها نمودن شتران بار دار، ۵- جمع شدن و مردن جانوران وحشی بنا بر یک دیدگاهی از مفسران، ۶- شعله ور شدن دریاها، و شش رخداد روز قیامت عبارت اند از: ۱- پیوست شدن جانها با همسانشان، ۲- سوال شدن از دختر زنده به گور شده، ۳- گشوده شدن نامه های اعمال، ۴- برکنده شدن آسمان، ۵- شعله ور شدن دوزخ ۶- نزدیک شدن جنت به استقبال مومنان،

رسول الله ﷺ در مورد تاثیر گذاری این سوره در روح و جسم شان چه فرمودند؟
 ابو بکر صدیق رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا! شما پیر شدید، رسول الله ﷺ فرمودند: من را سوره های، هود، واقعه، والمرسلات، عم يتساءلون واذالشمس کورت پیر ساخت^۱
 از مقاصد این سوره:

بیان وجوب آمادگی برای روز قیامت، اثبات حقانیت وحی، وآگاهی یافتن وعقیده نمودن به رخداد های که در آن روز به وقوع می پیوندد.
 این سوره به دو بخش تقسیم می شود که هر بخشی از آن اثبات کننده حقیقت بزرگی از حقایق عقیده است.
 بخش اول: حقیقت قیامت:

موضوع: سرنوشت آفتاب و ختم مأموریت آن

قرآن کریم: {إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ} {۱} {هنگامیکه خورشید در هم پیچیده شود}

تفسیر: هنگامیکه خورشید درهم پیچیده شود ومهتاب بی نور گردد وهر دو در آتش افکنده شود، رسول الله ﷺ فرمودند: در قیامت آفتاب ومهتاب (درهم پیچیده شده) مثل دو گاو نر به آتش افکنده می شوند، حسن - رحمه الله - برای ابوهریره رضی الله عنه گفت: گناه آنها چیست؟ ابوهریره رضی الله عنه گفت: از رسول الله ﷺ برای تو سخن می گویم، حسن رحمه الله سکوت کرد^۲ - حکمت افگندن آنها در آتش - والله اعلم - بخاطر تعذیب آنها نیست، بلکه توبیخ وسرزنش برای کسانی می باشد که آنها را عبادت وسجده نمودند. همچنان بعید نیست که آفتاب ومهتاب وسیله وآله تعذیب نیز برای اهل جهنم قرار بگیرند، مثل سنگها. والله اعلم.

۱ سنن ترمذی (۳۲۹۷) وصححه الالبانی فی السلسله الصحيح (۹۵۵)

۲ مشکوه المصابیح با تحقیق علامه البانی رحمه الله (۵۶۹۲) صحیح - در روایت دیگر: آفتاب ومهتاب مثل دو گاو نری که دست وپایشان قطع شده باشد، یعنی: زخمی وناتوان باشند - به دوزخ قرار داده می شوند، به صحیح الجامع الصغیر وزیادته شماره حدیث: (۱۶۴۳) مراجعه شود. علمای علم معانی این را تشبیه بلیغ می گویند.

موضوع: سر نوشت ستارگان و ختم ماموریت آنها

قرآن کریم: { وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ } {۲} (وهنگامیکه ستارگان تیره گردند)

تفسیر: وهنگامیکه ستارگان سیاه و تیره گردیده از جایگاه های خود برکنده شده و بر زمین فروریزند، هنگامیکه نفخه اول در صور دمیده شود کسانی که در روی زمین زنده باشد می میرد و ستارگان فرو می ریزند^۱

موضوع: سر نوشت کوه ها

قرآن کریم: { وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ } {۳} (وهنگامیکه کوه ها به حرکت در آورده شود)

تفسیر: وهنگامیکه کوه ها از جای برکنده شوند و مثل ریگ به حرکت در آیند و سپس مثل پشم رنگین حلاجی شده گردیده و مثل غباری به هوا بالا روند و نابود گردند.

موضوع: سر انجام نفیس ترین و با ارزشترین مال ها

قرآن کریم: { وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ } {۴} (وهنگامی که ماده شتران بار دار رها شوند)

تفسیر: در آن روز مردم ارزشمند ترین مالهای خود را که شتران بار دار ایشان می باشد و در سخت ترین حالات از آنها مواظبت میکردند، رها سازند «عشار» شتران بارداری اند که ده ماه از حمل آنها گذشته باشد، از شدت ترس و وحشت در آن روز، صاحبان شان آنها را به دست فراموشی می سپارند. این حالت می تواند از علامات قیامت و مقدمات پیش از وقوع آن باشد، و همچنان می تواند در روز قیامت باشد طوریکه صاحبان این شتران آنها را می بینند ولی شدت و وحشت قیامت آنها را بخود مشغول کرده که هیچ گونه اهمیتی به این اموال ارزشمند نمی دهند.

موضوع: سرانجام جانوران

قرآن کریم: { وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ } {۵} (وهنگامی که جانوران وحشی گرد آورده شوند)

تفسیر: و آنگاه که جانوران وحشی در روز قیامت گرد آورده شوند، تا الله عزوجل قصاص برخی را از دیگری بگیرد، رسول الله ﷺ فرمودند: در روز قیامت حقوق به صاحبان آن باز گردانیده می شود، حتی قصاص گوسفند بی شاخ از شاخدار (نیز)

۱ به تفسیر امام قرطبی رحمه الله مراجعه شود

گرفته می شود^۱- امام قرطبی رحمه الله در تفسیرش به نقل از ابن عباس رضی الله عنهما می نویسد: همه چیز حشر می شود حتی مگس ها- پایان نقل^۲، وبعد از قصاص کشی به خاک تبدیل میگردند،

موضوع: سرانجام دریاها

قرآن کریم: { وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ } {۶} (وهنگامی که دریا ها افروخته شود)

تفسیر: وآنگاه که دریاها سراسر شعله ور گردیده و آتشی فروزان شوند، ممکن وجود کوه های آتشفشان، پترول ها و گاز های درون زمین به اذن الله عزوجل انفجارهای هولناک را پدید آورد و آنها به قدرت الله عزوجل به آتش تبدیل گردد، از جهت دیگر آب از هیدروژن و اکسیژن تشکیل شده است، هیدروژن گازی قابل اشتعال است، اکسیژن نیز به عمل سوختن کمک می کند، هرگاه الله عزوجل این ارتباط سرد را از میان آنها از بین ببرد، دریا به توده از آتش تبدیل می شود، در همین چند سال قبل یک سونامی در جنوب شرق آسیا (در اندونیزیا به سال: ۲۰۰۵، م) به وقوع پیوست و دریا آتش گرفت، تحقق این رخداد تاییدی بر صدق آنچه قرآن خبر داده می باشد.

موضوع: سر انجام نفس ها

قرآن کریم: { وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ } {۷} (وهنگامی که جانها را قرین سازند)

تفسیر: وآنگاه که هرکس باهم کیش وهم آئین خود پیوند داده می شود، یهودی با یهودی، نصرانی با نصرانی، آتش پرست با آتش پرست، منافقان با منافقان، مومنان با مومنان، پیوست می گردند، عمر رضی الله عنه می گوید: مرد نیکوکار با مرد نیکوکار در جنت همنشین میگردد و مرد بدکار با مرد بدکار در جهنم یکجا و همنشین می شود، ربیع پسر خثیم می گوید: شخص باکسی که دوستش دارد یکجای می شود، عطا و مقاتل می گویند: مومنان با حوران بهشتی یکجا می شوند و کافران با شیاطین جمع می گردند، عکرمه میگوید: ارواح با اجساد متصل می شوند، امام ابن جریر رحمه الله در تفسیرش این دیدگاه را ترجیح داده است: کسانی که در خیر و شر باهم همانند بودند در آن روز با هم مثلش جفت و قرین ساخته می شوند^۳

۱ صحیح مسلم- ۶۰ (۲۵۸۲)

۲ به تفسیر قرطبی مراجعه شود

۳ به تفاسیر امام طبری، امام بغوی و امام نسفی رحمه الله در تفسیر همین سوره مراجعه شود

موضوع: ارزش دختران و زنان در اسلام

قرآن کریم: { وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ } {۸} {وآن گاه که از دختر زنده به گور شده بپرسند}

تفسیر: وآنگاه که از دختر زنده به گور شده جهت سرزنش کشنده آن پرسیده شود، حکمت سوال از مقتول- والله اعلم- در اینست که: تا اینکه پاسخ این مقتول شهادت بر علیه قاتل اش باشد که من مقتول شخص بیگناهی بوده ام، پس چرا من را ظالمانه به قتل رساندی؟ پس در این وقت جرم کشنده سنگین تر و شدیدتر می شود. امام ابن کثیر می نویسد: هرگاه از مقتول سوال شود، حال ظالم چگونه خواهد بود؟

موضوع: بزرگی جرم قتل

قرآن کریم: { بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ } {۹} {به کدامین گناه کشته شده است}

تفسیر: این دختر به سبب ارتکاب چه جرمی کشته شده است؟، سبب قتلش چه می باشد؟ علت قتل دختران در نزد عربهای که این عمل شنیع را مرتکب می شدند متعدد بود، عده از آنها می گفتند: فرشتگان دختران الله عزوجل است پس دختران را به او پیوست کنید، برخی دیگر بخاطر تنگدستی و فقر، دختران را می کشتند،

شماری از آنها از ترس ننگ و عارزنا، وهراس از به اسارت در آمدن دختران در جنگها، آنها را به قتل می رسانیدند، البته این امر (کشتن وزنده به گورکردن دختران) در تمامی قبایل عرب معمول نبود، مثلاً: قریش این کار را نمی کردند، ارتکاب این جرم در قبایل: ربیع، کنده و تمیم بیشتر مشهور بود، ولی یک نوع رضایت همگانی در ارتکاب این قتل نزد همه محسوس بود، از همین جهت حکم به صورت عام در مورد همه اهل جاهلیت وارد شد^۱- امام نسفی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: از این آیه کریمه دانسته می شود که اطفال مشرکان (کسانیکه زمان بلوغ را در نیافته باشند و وفات کرده باشند) عذاب نمی شوند^۲

۱ به تفاسیر قرطبی، والوسیط = طنطاوی، مراجعه شود،

۲ به تفسیر امام نسفی مراجعه شود

حکم جلوگیری از بار داری زنان:

جلوگیری از بار داری زنان بدون ضرورت حاد حرام است، تحدید نسل یک مکر ونیرنگ غرب است تا از قوت وشوکت مسلمانان بکاهند واین در حالی است که خود آنها برای مجتمع های خود به زاد وولد بیشتر تشویق می کنند، زیرا: بعلت فساد وفحشای زیاد جوانان آنها از ازدواج فاصله گرفتند، ولی اگر طبیب مورد اعتماد، آگاه متخصص، وامین برای زن توصیه می نمود که بخاطر ضرر مؤکدی که برای زن یاطفل عارض می شود از بار دار شدن جلوگیری نماید، در این صورت جلوگیری از بار داری مشروع می باشد، ولی بخاطر فقر و مشکلات اقتصادی این عمل جایز نمی باشد، زیرا: اسلام برای پیروانانش ازدواج وکثرت نسل را توصیه نموده است، جلوگیری از بار داری وتعقیم با مقاصد شریعت منافات دارد، همچنان این کار بافطرت بشر نیز سازگار نیست^۱

فضیلت کفالت از دختران در احادیث:

۱- مادر مومنان عایشه صدیقه رضی الله عنها می گوید: زنی همراه دو دختر (کوچکش) نزد آمد، از من خواست تا چیزی به او بدهم، ولی در خانه من غیر از یک دانه خرما چیزی دیگری یافت نشد، آنرا برایش دادم، آن زن دانه خرما را بین دو دخترش مناصفه تقسیم کرد وخودش از آن چیزی نخورد برخاست ورفت، سپس رسول الله ﷺ به خانه تشریف آوردند، موضوع را برای ایشان گفتم، رسول الله ﷺ فرمودند: کسی بخاطر این دختران در چیزی مورد ابتلا واقع شود وبه آنها نیکی کند، این دختران - باذن الله - مانع داخل شدن وی به جهنم می گردند،^۲ - سبحان الله، چه فضیلتی بزرگ!

۲- رسول الله ﷺ فرمودند: نیست کسی از امت من که کفالت سه دختر ویا سه خواهر را نموده وبه آنها نیکی کرده باشد مگر اینکه این دختران - باذن الله - مانع ورودش به دوزخ می شوند^۳

۱ جهت تحقیق بیشتر به فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والافتاء، س: ما حکم منع الحمل او تحدید النسل، جز: (۱۹)، ص: (۲۹۸) و، ص: (۳۱۸)، مراجعه شود،

۲ مختصر صحیح البخاری (۲۳۱۴)، صحیح مسلم، ۱۴۷ (۲۶۲۹)، مسند احمد (۲۴۰۵۵)، سنن ترمذی (۱۹۱۵).

۳ صحیح الجامع الصغیر وزیادته (۵۳۷۲)

۳- رسول الله ﷺ فرمودند: کسی برایش دختری تولد شود آنرا زنده به گور نکرده و مورد اهانت قرار نداده باشد و پسرش را بروی ترجیح نداده باشد، الله عزوجل وی را به جنت داخل می کند^۱

۴- رسول الله ﷺ فرمودند: کسی کفالت سه دختر را عهده دار شود، آنها را تربیت کند، به از دواجشان در آورد، و به آنها نیکی کند، جنت از آن وی می گردد^۲.

۵- در روایت دیگر این پاداش در تربیه دو دختر و یا دو خواهر نیز جنت ذکر شده است^۳. درمسند امام احمد از ابوهریره رضی الله عنه چنین روایت شده است: پاداش تلاش و صبر بر تربیه یک دختر نیز جنت ذکر شده است - والله اعلم^۴

موضوع: سر انجام پرونده های اعمال

قرآن کریم: { وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ } { ۱۰ } (وآن هنگام که نامه های اعمال، گشوده شود)

تفسیر: وآن هنگامیکه پرونده های اعمال نیک و بد برای حساب گشوده و منتشر گردد، این همان پرونده های است که فرشتگان اعمال را در آنها ثبت و ضبط کرده بودند و در وقت مرگ درهم پیچیده شده بود و در روز رستاخیز گشوده شده و هریک به صاحب آن داده میشود، برای برخی از پیش رو به دست راست شان داده می شود و برای برخی دیگر از پشت سر به دست چپش می دهند، و برایش گفته می شود: کار نامه ات را بخوان امروز خودت برخویشتن به عنوان حسابرس کافی هستی، در این وقت این شخص می گوید: کارنامه ام را چه شده که از هیچ (گناه) کوچک و بزرگی فروگذار نکرده و همه را برشمرده است؟

۱ این حدیث را علامه الالبانی رحمه الله و شیخ شعبی الارنؤوط رحمه الله ضعیف دانسته اند ولی در فتاوی الشبکه الاسلامیه هنگامیکه از صحت این حدیث سوال می شود، در جواب بیان می شود که : این حدیث را ابوداود، (۵۱۴۶) احمد، (۱۹۵۷) ابن ابی شیبہ، بیہقی وابن ابی الدنیا در کتاب العیال روایت کرده است، و همچنان حاکم روایت نموده و آنرا صحیح خوانده است و ذہبی نیز با او موافق می باشد، دوکتور نجم خلف در تحقیق کتاب العیال می گوید: رجاله ثقات، ... فتاوی الشبکه الاسلامیه، ج: ۳، ص: ۱۴۱۷- آرشیف ملتقی اهل الحدیث، ج: ۱۰۷، ص: ۱۹۸- معالم السنن، ج: ۴، ص: ۱۵۱- عون المعبود، ج: ۱۴، ص: ۳۸- بئدة ضعیف این حدیث را حسن لغیره می داند، والله اعلم.

۲ سنن ابوداود (۵۱۴۷)

۳ سنن ابوداود (۵۲۴۸)

۴ مسند احمد (۸۴۲۵) حسن لغیره

موضوع: سر انجام آسمان

قرآن کریم: {وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ} {۱۱} (وآن گاه که آسمان پاره پاره و پوست کنده شود)

تفسیر: وآنگاه که پرده از روی آسمان برگرفته شود، و مانند پوست حیوان برکنده شده و دور ساخته شود، بر شکل فعلی خود باقی نماند و کاملاً نابود گردد، امام بغوی رحمه الله و امام نسفی رحمه الله به نقل از زجاج در تفسیرهای شان می نویسند: آسمان مثل سقف برکنده می شود، الله عزوجل در آیه (۱۰۴) سوره انبیا از درهم پیچیدن آسمان خبری دهد و می فرماید: روزی که آسمان را چون طوماری نوشته شده درهم می پیچیم...

موضوع: اثبات وجود جهنم

قرآن کریم: {وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ} {۱۲} (وآن گاه که دوزخ، شعله ور گردد)

تفسیر: وآنگاه که آتش دوزخ برافروخته و شعله ور گردد، چنان افروختگی که پیش از آن تا اکنون با این شدت بر افروخته نشده بوده است، امام طبری به سند حسن از قتاده روایت می کند که: آتش جهنم را خشم الله عزوجل و گناهان فرزندان آدم شعله ور گردانیده است^۱

موضوع: اثبات وجود جنت

قرآن کریم: {وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ} {۱۳} (وآن گاه که بهشت، نزدیک شود)

تفسیر: وآنگاه که بهشت برای پرهیزگاران نزدیک و مزین ساخته شود، چنانچه الله عزوجل در سوره: ق، آیه (۳۱)، فرموده «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ» (و بهشت به پرهیزگاران نزدیک گردانیده می شود و فاصله چندان از آنان نخواهد داشت)^۲ - امام نسفی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: این دوازده خصلت (واقع و حالت) است که شش (اول) از آن در دنیا و باقی در آخرت تحقق می یابد^۳

۱ الصحيح المسبور من التفسير بالمأثور

۲ يقال: تزلف فلان الى فلان اذا تقرب منه،

۳ به تفسیر امام نسفی در همین سوره آیه (۱۳) مراجعه شود.

موضوع: ۱- آگاهی یافتن انسان از اعمالش، ۲- بشارت و بیم

قرآن کریم: {عَلِمْتُ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرْتُ} {۱۴} (هرکسی می داند که چه حاضر کرده است)

تفسیر: بلی! در آن هنگام، هرکس از نیکوکاران می داند که از اعمال نیکو چه چیزی را حاضر و آماده ساخته است، یعنی: هر مکلف با اعمال نیکی که در دنیا از خود جلوتر روان کرده است روبه رو میشود و آن اعمال از وی به گرمی استقبال میکنند، و به سبب آنها به طرف بهشت رهنمایی می شود، و همچنان هر مکلف از بدکاران می داند که از اعمال بد چه چیزی را حاضر و آماده نموده است، یعنی: با اعمال بدی که در دنیا از خود جلوتر روان کرده باشد برخورد میکند و آن اعمال مثل دشمنانی نشسته در کمین با دیدنش براو حمله کرده و وی را با همراهی فرشتگان عذاب که در انتظارش هستند به شدت تمام بطرف جهنم می رانند.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- بیان اثبات عقیده روز رستاخیز

۲- بیان برخی از رخدادهای روز قیامت که یاد آوری آنها قلب ها را به تپش افکنده، و خرد مندان را به آمادگی وادار می سازد.

۳- ترغیب در ایمان و عمل صالح، همین امروز عمل نیکی را انجام بده و آرزو کن تا روز قیامت نزدت حاضر ساخته شود،

۴- روز حساب را یاد آور شو و برایش آمادگی بگیر!

۵- هشدار از شرک و گناه.

۶- برکسی که از تو کوچکتر است مهر بانی داشته باش!

۷- برای همه مسلمانان لازم است که باورها، گفتارها و کردارهای خویش را با آنچه رسول الله ﷺ از جانب الله عزوجل آوردند سنجش نمایند و برابر سازند تا از تأثیری که قرآن کریم بر رسول الله ﷺ می گذاشت محروم نشوند.

بخش دوم: حقیقت وحی

موضوع: ارزش ستارگان

قرآن کریم: { فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ } { ۱۵ } (پس به ستارگانی که باز می گردند سوگند می خورم)

تفسیر: بعد از اینکه کافران در عرصه استدلال در برابر پیامبر ﷺ و قرآن کریم عاجز شدند و شکست خوردند، شروع به بستن اتهامات بیجا و نسبت های نا درست به رسول الله ﷺ و قرآن مجید زدند، کافران گاهی اوقات در مورد قرآن کریم چنین می گفتند: این کتاب، کهانت است، برخی اوقات می گفتند: این کتاب شعر می باشد، زمانی آن را سحر می خواندند، و در برابر رسول الله ﷺ هم روش آنها همین گونه بود، و بریک موقف ثابت نمی ماندند، الله عزوجل سخنان آنها را رد نمود که آنچه شما در مورد قرآن و پیامبر می گوید کاملاً بی اساس بوده و صحیح نیست، سپس به ستارگانی سوگند یاد نمود که در هنگام شب آشکار می شوند و در جریان روز با طلوع خورشید پنهان شده و به چشم غیر مسلح دیده نمی شوند،

موضوع: ماموریت و فرمان پذیری ستارگان

قرآن کریم: { الْجَوَارِ الْكُنَّسِ } { ۱۶ } (... ستارگانی که حرکت می کنند و پنهان می شوند)

تفسیر: ستارگانی که در برج های خود به بطور منظم در حرکت اند، در هنگام روز در روشنی آفتاب از دیدگان مخفی و پنهان میگردند، بنابر این: مراد از کنوس ستارگان؛ بازگشت آنها، و مراد از کنوس؛ پنهان شدن آنها می باشد. امام ابن جریر طبری رحمه الله به سند صحیح از علی رضی الله عنه در تفسیر (فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ) { ۱۵ } الْجَوَارِ الْكُنَّسِ می نویسد: مراد ستارگان است که در روز آشکار و در شب پنهان می گردند^۱

موضوع: ارزش شب و فرمان پذیری آن

قرآن کریم: { وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ } { ۱۷ } (سوگند به شب آن گاه که پشت کند)

۱ الصحيح المسبور من التفسير بالمأثور، همین سوره

تفسیر: به شب سوگند یاد می کنم آنگاه که پشت کند، تاریکی اش بر چیده شود و زندگان به حرکت در آیند، این تغییر از نشانه های قدرت الله عزوجل و تدبیرش می باشد.

موضوع: ارزش صبح و فرمان پذیری آن

قرآن کریم: { وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ } { ۱۸ } (و سوگند به صبح هنگامی که می دمدم...)

تفسیر: و سوگند یاد می کنم به صبح بدان گاه که بدمد و جهان را با نور و درخشش خود روشنی و زیبای بخشد. و فرمان پذیری اش را برای انسانها و جنیات به نمایش گذارد.

موضوع: توصیف جبرئیل علیه السلام به بزرگواری

قرآن کریم: { إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ } { ۱۹ } (که به یقین قرآن، گفتار فرستاده بزرگوار است)

تفسیر: این جواب قسم است: بدون شک این قرآن؛ کلام الله عزوجل میباشد که توسط فرستاده بزرگوار (جبرئیل علیه السلام) برای محمد ﷺ پسر عبد الله نازل گردیده است. در تعبیر از جبرئیل به رسول اشاره براینست که: آنچه را که این رسول برای توی محمد ﷺ تبلیغ می کند، سخن خودش نیست، بلکه رسالتی از جانب الله عزوجل است که بر ابلاغ آن مامور شده است، نسبت گفتار به جبرئیل علیه السلام داده شده است، زیرا: وی واسطه در تبلیغ وحی به سوی رسول الله ﷺ میباشد. الله عزوجل جبرئیل علیه السلام را بخاطر اخلاق نیک و خصلت های ستوده شده اش به بزرگواری توصیف نمود، وی از برترین فرشتگان است و مقامش از همه بالاتر می باشد. کمال گوینده دلالت بر راستی سخنش می کند، الله عزوجل به اشیای ذکر شده سوگند یاد نمود، زیرا: آنها در حرکت های مختلف شان از آشکار شدن، غایب شدن، روی آوردن و پشت کردن، دلالت واضح بر قدرت الله عزوجل، علم، حکمت و تدبیر او می کند،

موضوع: موقف جبرئیل علیه السلام نزد پروردگار

قرآن کریم: { ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ } { ۲۰ }

(نیرومندی که نزد صاحب عرش دارای مقام والایی است)

تفسیر: جبرئیل علیه السلام فرشته توانمند است، نزد صاحب عرش (الله عزوجل) دارای مقام بلند و جایگاه والایی می‌باشد، جبرئیل علیه السلام هم قوت حقیقی (توانمندی جسمی) دارد و هم قوت مجازی که عبارت است از ثبات و استقامت در ادای آنچه فرستاده شده.

موضوع: موقف جبرئیل علیه السلام بین فرشتگان

قرآن کریم: { مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ } { ۲۱ } (آنجا مورد اطاعت و امین است)

تفسیر: او در آسمان مورد اطاعت فرشتگان بوده و امانت دار وحی است، آیه مبارکه امین وحی (جبرئیل علیه السلام) را به پنج صفت زیر توصیف نمود،

۱- کریم: بزرگوار، گرامی، خوب صورت است.

۲- توانمند و نیرومند می باشد.

۳- نزد الله عزوجل دارای مقام بلند و منزلت رفیع می باشد.

۴- اطاعت شونده است، فرشتگان مقرب از او فرمان بر داری می کنند.

۵- امانت دار است، وحی را بدون زیادت و نقصان برانبیا علیهم السلام فرود می آورد،

امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیرش چنین مینویسد: الله عزوجل رسول مَلکی خود (جبرئیل علیه السلام) را به اوصاف فوق تزکیه نمود، در آیات بعدی رسول بشری خود (محمد ﷺ) را با اوصاف زیر تزکیه می کند:

موضوع: دفاع الله عزوجل از پیامبر ﷺ

قرآن کریم: { وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ } { ۲۲ } (وهمنشین شما دیوانه نیست)

تفسیر: ای مردمان! یار، همدم و همنشین شما (محمد ﷺ پسر عبدالله) دیوانه نیست، همه شما او را راستگو و امانت دار نامیده بودید، مقصود آیه مبارکه: دفاع الله عزوجل از رسولش ﷺ در نفی دیوانگی از وی به کامل ترین وجه، و سرزنش دشمنانش می باشد که او را به این وصف توصیف نمودند، مشرکان از روی عناد این وصف را بر رسول الله ﷺ نسبت میدادند، ولی به پیش نفس خود بر راستگویی، امانت داری، پرهیزگاری و خویشتن داری رسول الله ﷺ باورمند بودند، زیرا: رسول الله ﷺ عمری را در میان ایشان سپری کرده بودند، اخلاق نیکو، صفات پسندیده و صحت عقلی و جسمی ایشان بر همگان نمایان بود.

موضوع: دیدار بین محمد ﷺ و جبرئیل علیه السلام

قرآن کریم: {وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ} {۲۳} (وبه راستی او، جبرئیل را در افق روشن دیده است)

تفسیر: وبه راستی محمد ﷺ جبرئیل علیه السلام را به همان شکل و صورت حقیقی اش در کناره آشکار آسمان به چشم سر دید، این همان دیدار اولی است که در «بطحا» (نام منطقه در مکه مکرمه است) اتفاق افتاد،

ام المومنین عایشه صدیقه رضی الله عنها میفرماید: ... کسیکه گمانش بر این باشد که رسول الله ﷺ پروردگارش را دیده است، بزرگترین افترا را بر الله عزوجل بسته است، هنگامیکه از تفسیر این دو آیه مبارکه {وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ} [التکویر: ۲۳]، و {وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى} [النجم: ۱۳] از ایشان (ام المومنین) پرسان شد، چنین فرمودند: من اولین فردی از این امت هستم که از رسول الله ﷺ در مورد این آیات پرسان نمودم و رسول الله ﷺ فرمودند: او جبرئیل میباشد، وی را در صورتیکه بر آن آفریده شده غیر از این دو مرتبه ندیدم، او را در حال فرود آمدن از آسمان مشاهده کردم که بزرگی آفرینش اش بین آسمان و زمین را بسته بود^۱ - عبد الله پسر مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ جبرئیل علیه السلام را دیدند که ششصد بال داشت^۲

۱ صحیح مسلم، ۲۸۷ (۱۷۷)

۲ صحیح البخاری (۳۲۳۲)

موضوع: ۱- عدم کوتاهی رسول الله ﷺ در تعلیم و تبلیغ دین. ۲- نفی بخل از رسول الله ﷺ. ۳- دفاع الله عزوجل از رسولش ﷺ.

قرآن کریم: { وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ } { ۲۴ } (و او بر ابلاغ اخبار آسمانی بخیل نیست)

تفسیر: رسول الله ﷺ بر رساندن وحی بخیل نیست، و هر چیزی که به او وحی شود برای شما می آموزاند، آنرا نمی پوشد، بر تعلیم و تبلیغ آن کوتاهی نمی کند. علاقه مند است که آنرا از وی فراگیرید^۱، جناب ایشان مانند ساحران و کاهنان نیست که داشته ها و آموخته هایش را همگانی نکند^۲، این آیه کریمه ردی بر مبتدعان نیز می باشد، زیرا آنها اعمالی را دین می دانند که از رسول الله ﷺ صحت آن در اصل و یا در وصف ثابت نیست.

موضوع: دفاع الله عزوجل از قرآن کریم

قرآن کریم: { وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ } { ۲۵ } (و قرآن کلام شیطان رانده شده نمی باشد)

تفسیر: و قرآن کریم که بر محمد ﷺ نازل گردیده است، سخن شیطان رانده شده نیست، بلکه سخن الله عزوجل است، تحریف و دیگرگونی از هیچ سو به آن راه نمی یابد، از سوی پروردگار حکیم و ستوده نازل شده است. در این آیه مبارکه رد دیگری بر زعم مشرکانی است که قرآن کریم را کھانت و رسول الله ﷺ را کاهن می دانستند.

موضوع: ۱- نهی از منکر، ۲- بیان شکست کافران در باب استدلال

قرآن کریم: { فَأَيِّنَ تَذْهَبُونَ } { ۲۶ } (پس به کجا می روید؟)

تفسیر: با بیان دلایل قاطع مبنی بر صدق رسول الله ﷺ، دیگر تمام راه های بهتان بر روی شما بسته شد و برای شما واضح گردید که قرآن کلام الله عزوجل است، نه سخن دیوانه است و نه هم سخن کاهن! زیرا: هیچ عاقلی این را نمی پذیرد که این قرآن سخن دیوانه و کاهن باشد، بعد از این چه ادعای کنید؟ پس به کدام سو روان

۱ دیدگاه ذکر شده اختیار شیخ مفسران امام ابن جریر طبری رحمه الله می باشد.
۲ به تفسیر آلوسی رحمه الله مراجعه شود.

هستید؟ جز مسیر قرآن و پیامبر ﷺ هر کجا بروید بیراهه است، هرگاه کسی راه راست را ترک کند و به طرف بیراهه برود، وی را اینچنین ندا می کنند: باخبر! کجا داری می روی؟

موضوع: قرآن دستور زندگی تمام جهانیان

قرآن کریم: {إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ} {۲۷} (قرآن برای جهانیان جز پند نیست)

تفسیر: قرآن کریم برای انسانها و جنیات جز رهنمایی، موعظه، نصیحت، بیدار باش و هوشیار باش نیست، در این آیه مبارکه رد دیدگاههای باطل مشرکان است که قرآن کریم را سخن ساحر، شاعر و کاهن می خواندند، بنابر این: انسانها و جنیات باید درستی اعتقادات، روش عبادات، اصلاح اخلاق، صحت معاملات و خلاصه نقشه زندگی خود را از قرآن کریم بگیردند. و از جانب دیگر: این کتاب (قرآن کریم) تنها بر عرب ها نازل نگردیده است، بلکه برای عموم بشریت و جنیات نازل شده است،

موضوع: اثبات مشیت و اراده برای بنده عاقل

قرآن کریم: {لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ} {۲۸} (برای آن کس از شما که بخواهد راه راست را در پیش گیرد)

تفسیر: این پند بزرگ برای کسانی از شما میباشد که اراده هدایت را داشته باشد، بلی، این کتاب پند و رهنما است برای هر کسیکه در جستجوی حق باشد و به آن عمل نماید، و به خواهد که راست کردار شود. آنانیکه پند نگرفتند خود شان نخواستند، اگر می خواستند پند می گرفتند، بلکه خود آنها کجروی، زشتی کردار و باور را برای نفس های شان انتخاب کردند. آیه مبارکه صریح است در اثبات مشیت برای انسان عاقل.

موضوع: ۱- جاری بودن مشیت الله عزوجل در همه چیز: ۲- سبقت مشیت الله عزوجل بر مشیت بنده:

قرآن کریم: {وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ} {۲۹}

(و شما پیمودن راه راست را نمی خواهید مگر آنکه الله، پروردگار جهانیان بخواهد و اراده کند)

تفسیر: شما به تنهایی و قدرت خود نمی توانید که راه راست را در پیش گیرید، مگر اینکه الله، پروردگار جهانیان بخواهد، خواست الله عزوجل برخواست بنده سبقت دارد، آیه مبارکه هردو خواست و مشیت را ثابت می کند، بنده بر اساس خواست خود قدرت و توانایی بر انجام کارهای را که الله عزوجل بخواهد دارد، و بر مبنای آن مورد محاسبه قرار می گیرد، اگر بنده بر انجام آن کارها مجبور باشد محاسبه نمی گردد، کسانیکه خواست و مشیت بشر را ملغی و نفی می کنند، جبریه نامیده میشوند، کسانیکه خواست و مشیت الله عزوجل را ملغی و نفی می کنند، قدریه مسمی میگردند آنها (قدریه) می گویند: بنده خالق افعالش می باشد، ولی باور اهل سنت اینست که: بنده کاسب و الله عزوجل خالق افعال می باشد، تصمیم کار بنده و توفیق کار الله عزوجل می باشد، بلی، فرمان و خواست الله عزوجل بر همه چیز نافذ و جاری است، الله عزوجل حکم می کند، هیچ چیز و هیچ کس رد کننده و باز دارنده حکمش نیست. امام بغوی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: در این آیه مبارکه آگاهی براینست: هیچ کسی کارخیری را انجام نمی دهد مگر به توفیق الله عزوجل و هیچ کسی کار بدی را مرتکب نمی شود مگر اینکه الله عزوجل او را خوار ساخته است.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- الله عزوجل جهت بیان اهمیت و ارزش مخلوقاتش به آنها سوگند می خورد^۱ ولی برای انسانها و جنیات سوگند خوردن به غیر الله عزوجل جایز نیست.

۱- اثبات وحی و نبوت رسول الله ﷺ

۲- بیان صفات جبرئیل علیه السلام، که عبارت است از: ۱- امانت داری، ۲- توانمندی، ۳- بلندی مقام، ۴- اطاعت شونده، ۵- بزرگواری

۳- دفاع الله عزوجل از پیامبرش ﷺ

۴- از الله عزوجل استقامت را طلب کن.

۴- مقدم بودن خواست و مشیت الله عزوجل برخواست بندگان.

۱ شاید حکمت سوگند الله عزوجل به مخلوقات دانسته نشود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: انفطار

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: (۱۹)

تعداد کلمات: (۸۰)

اعداد حروف: (۳۲۷)^۱

وجه نامگذاری این سوره: «انفطار» به معنای شکافتن می باشد، بخاطر اینکه در این سوره خبر از شکافته شدن آسمان داده شده است به این نام مسمی گردیده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره در بر گیرنده آنست:

- ۱- خبر از انقلاب، تغییر و دیگر گونی هستی که در روز قیامت به وجود می آید
- ۲- بیان انکار انسان نعمت های پروردگارش را و ذکر سبب آن
- ۳- ثبت وضبط تمامی اعمال و نگهداری آنها
- ۴- یادآوری انسان از کردارهایش
- ۵- تقسیم مردم به دو فریق نیکوکاران و بدکاران و بیان جایگاه هر کدامشان
- ۶- هشدار از روز جزا.
- ۷- وسیله نجات در آن روز تنها ایمان و عمل صالح است
- ۸- مخصوص بودن فرمانروایی، حکم و داوری در آن روز برای الله عزوجل

۱ این موضوعات در تمام این تفسیر مبارک از کتاب (مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید) گرفته شده است.

فضیلت این سوره:

رسول الله ﷺ فرمودند: هر کس دوست دارد که به سوی روز قیامت نگاه کند چنان که گویی آن روز را به چشم سرمشاهده می کند، پس باید سوره های: (إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ) و (إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ) و (إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ) را بخواند^۱

از مقاصد این سوره:

اثبات روز قیامت و بیان راه نجات.

این سوره به چهار بخش تقسیم می شود:

بخش اول: بیان برخی از علامات وقوع قیامت و اثبات رستاخیز

موضوع: فرمان پذیری آسمان

قرآن کریم: { إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ } { ۱ } (آن گاه که آسمان بشکافد)

تفسیر: آنگاه که برای برپا ساختن قیامت و نزول فرشتگان به اراده الله عزوجل آسمان شکافته شود، ابن عاشور در تفسیرش چنین می نویسد: این رخداد پیش از وقوع قیامت تحقق می یابد و یکی از علامات قیامت است. ولی «کشط» که در آیه (۱۱) سوره تکویر ذکر شده از رخدادهای دیگر آسمانی است که در روز حشر به وجود می آید.

موضوع: فرمان پذیری ستارگان

قرآن کریم: { وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ } { ۲ } (و هنگامی که ستارگان پراکنده گردند)

تفسیر: آنگاه که ستارگان از مدارهای خود خارج گردند، پراکنده شوند و فروریزند، یقیناً امری که ستارگان را به فرو ریختن باعث سازد، نهایت بزرگ و هولناک است، و این از پیامدهای اختلال در قوت جاذبه است که نظام شمسی عالم بر آن بنا شده است.^۲

۱ سنن ترمذی (۳۳۳۳)، صحیح الجامع الصغیر و زیاده (۶۲۹۳) و (۲۱۱۵)، مسند احمد (۴۸۰۶)
۲ به تفسیر ابن عاشور مراجعه شود

موضوع: فرمان پذیری دریاها

قرآن کریم: { وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ } {۳} (وهنگامی که دریاها به هم آمیزند و روان شوند) تفسیر: آنگاه که دریاها روان و به هم پیوسته گردند، موانع و حجابها از بین آنها برداشته شود، طوری که همه آنها به یک دریا تبدیل شوند، دریاهای شیرین نیز با دریاهای شور یکجا شوند و سیل بزرگی در نتیجه آن به شدت تمام به راه افتد.

موضوع: فرمان پذیری قبرها

قرآن کریم: { وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ } {۴} (وهنگامی که قبرها، شکافته و زیرورو گردند) تفسیر: وهنگامیکه قبرها شکافته و زیر و رو گردند و مردگان جهت محاسبه اعمالشان شتابان بیرون آیند و در موقف حساب جمع شوند و همچنان در آن وقت زمین تمام دفاین و گنجینه های خود را نیز بیرون افکند.

موضوع: بشارت و بیم

قرآن کریم: { عَلِمْتُ نَفْسٌ مَّا قَدَّمْتُ وَأَخَّرْتُ } {۵} (هرکسی خواهد دانست آنچه را که پیش فرستاده و آنچه را که بازپس داشته است)

تفسیر: هر نفس مکلف آنچه را از اعمال نیکی که انجام داده و یا عمل بدی را که مرتکب آن شده می داند، و همچنان روشها و سنتهای زشتی مثل: دعوت به سوی شرک و بدعت که از خود در دنیا بجا گذاشته باشد و به سیئه آنها اشخاص دیگر گمراه شده باشند نیز به او نشان داده می شود و می داند، در آنجا است که هرکس سود و زیان خود را می داند، امام بغوی رحمه الله در تفسیرش چنین می نویسد: «ماقدمت» آنچه را که از اعمال نیک و یا بد پیش فرستاده باشد، «ما اخرت» روش نیک و یا بدی را که از خود به جا گذاشته باشد، ... مقصد اساسی از این آیات اینست که : هرگاه این رخدادها ی چهارگانه که دو نوع از آن به آسمان و دو نوع دیگر به زمین تعلق دارد تحقق یافت، قیامت برپا می شود، در آن وقت تکالیف انقطاع پیدا می کند، جهان تخریب گردیده و دنیا فنا می شود، آغازین لحظات آخرت و زندگی بعد از مرگ شروع میگردد.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- تبدیل و تغییر این نظام هستی حتمی است، بدون شک روزی فرا می رسد که: آسمانها شکافته می شود، ستارگان فرومی ریزند، دریاها یکجاگردیده و آتش می گیرند، گورها شکافته شده، مردگان زنده گردیده و برای حساب آماده می شوند، پس برای آن لحظات دشوار آمادگی بگیرید.

۲- هشدار از ایجاد و باقی گذاشتن سنتهای سیئه (روش های زشت)، زیرا: چنین امری سبب می شود که انسان وفات نموده و در قبرش قرار می گیرد ولی بازهم براو گناه نوشته میشود.

۳- به زیارت قبرها جهت پندگرفتن و دعا برای مردگان برطریق مشروع آن برو و کسانی را که برطریق شرکی به قبرستانها می روند نصحیت نموده و بیم بده.

۴- هشدار از ارتکاب گناه، ترغیب و مبادرت برانجام اعمال نیک.

۵- گناهی را که مرتکب آن شدی یاد آور شو و از الله عزوجل آمرزش طلب کن.

بخش دوم: هشدار از فریفته شدن به دنیا و فراموش نمودن اصل خلقت و هدف از آفرینش.

موضوع: هشدار برای انسانی که به کرم پروردگارش فریب بخورد و بر ارتکاب گناه دوام دهد.

قرآن کریم: { يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ } { ۶ }

(ای انسان! چه چیزی تو را نسبت به پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته است؟)

تفسیر: ای انسان! چه چیز ترا نسبت به پروردگار بزرگوارت فریب داده که او را نا فرمانی میکنی؟ «کریم» از نام های الله عزوجل می باشد، و به معنای: صاحب فضل زیاد و سخاوتمندی که عطا و بخشش او تمام نمی شود و پیوسته بر مخلوق فرود می آید، بنابراین: کرم پروردگارت از تو می طلبد تا از او سپاس گزاری کرده و فرمانبر داری کنی، علامه سعدی رحمه الله در تفسیرش چنین می نویسد: در این آیه مبارکه الله عزوجل انسانی را که در ادای حقوقش کوتاهی می کند و بر ارتکاب گناه جرات می نماید، سرزنش کرده است. دوکتور وهبه زحیلی رحمه الله در تفسیر المنیر چنین می

نویسد: «سرزنش و توبیخ» در این آیه مبارکه شامل تمامی گناه کاران می شود، امام ابن کثیر رحمه الله می نویسد: ... مناسب نیست که: با الله کریم به کردارهای زشت مقابله شود. پایان نقل، یعنی: نعمت ها و برکات الله عزوجل پیوسته بر انسان فرود می آید پس عاقلانه و منصفانه نیست که انسان به جای شکر به مخالفت و ناسپاسی الله عزوجل پردازد و نیکی هایش را نادیده بگیرد.

موضوع: وجوب تفکر در آفرینش انسان

قرآن کریم: (الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ } ۷ {

(همان ذاتی که تو را آفرید و اندامت را درست هماهنگ ساخت)

تفسیر: الله عزوجل ذاتی است که تو را آفرید و اندامت را درست و هماهنگ ساخت، قامت نیکو و حسن صورت بخشید، اعضای تو را معتدل و متناسب قرار داد، طوریکه یک دست و یا یک پایت از دست و پای دیگری بلند تر نیست، و آنها را آماده برای کسب منافع و مصالح تو گردانید، آیا شایسته است که تو به نعمت های او ناسپاسی کرده، احسان او را فراموش نموده و به عبادت غیر او مشغول شوی؟ - «تعدیل» عبارت از تناسب بین اجزای بدن است، اگر یکی از دستهای انسان برپهلویش می بود و دست دیگری به پشت سر قرار می داشت عملکرد آنها مختل می شد، اگر چشم ها به پشت سر انسان موقعیت می داشت، استفاده از دید در حال راه رفتن ممکن نبود، همچنان، گزینش موقعیت مناسب در اعضای باطنی انسان مثل: حلق، معده، جگر، گرده ها، ششها، قلب و دماغ نیز مراعات گردیده است، اگرماکن آنها متفاوت می بود، مثلاً: قلب و یا دماغ درکف پا می بود، زندگی برای بشریت چگونه ممکن می شد؟ و یا اینکه اگرچشم ها و یادهان درکف پا می بود چه اتفاقی رخ می داد؟ پس این ساختار بدن هرگز نمی تواند اتفاقی، تصادفی و خود بخودی باشد، اشهدان لا اله الا الله موضوع: اختلاف چهره ها از نشانه های قدرت الله عزوجل و مصلحت های بشریت است.

قرآن کریم: (فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ } ۸ {

(و تو را در هر نقش و صورتی که خواست، ترکیب کرد)

تفسیر: وتورا در هر نقش و صورتی از سفید، سیاه، دراز، کوتا، مرد، زن که خواست ترکیب کرد، در اختلاف چهره ها و رنگ های انسانها مصلحت های زیادی نهفته شده است، اگر این اختلاف ها نمی بود همه انسانها دارای یک رنگ و یک چهره می بودند، نزاع ها و خصومت های زیادی در ملکیت ها، نسل ها، ازدواج ها، آمریت ها و ماموریت ها... به وجود می آمد که نظام زندگی بشریت را کاملاً مختل می کرد. بنابراین: با تکرار بیان می کنم که آفرینش بشر به روش موجود، انتظام و تدوام این حالت هرگز نمی تواند تصادفی و خود به خودی باشد، اشهدان لاله الا الله وحده لاشریک له و اشهد ان محمدا عبده ورسوله. این آیه دلیل سوم بر قدرت الله عزوجل است.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- هشدار از غرور و فریب.

۲- وجوب تفکر در آفرینش انسان و شکر نعمتها و کمالاتی که در وجودش بخاطر تحصیل منافع و مصالحش به شکل منظم و دقیق به ودیعت گذاشته شده است، پس آیا برای این انسان بعد از این قدر اکرام سزاوار است که ناسپاسی نعمت دهنده اش را بکند و احسان او را انکار کند؟

۳- الله عزوجل را بر حسن آفرینش خود سپاسگزاری کن

بخش سوم: پیامد غرور و غفلت، نوشتن اعمال، جایگاه نیکوکاران و بدکاران

موضوع: تکذیب روز جزا از اوصاف کافران است

قرآن کریم: { كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ {۹}}

(هرگز چنین نیست که شما گمان می کنید، بلکه شما روز جزا را انکار می کنید)

تفسیر: ای کافران! باور و اعتقادی که شما بر عبادت غیر الله عزوجل دارید، شرعاً، عقلاً و فطرتاً صحیح نیست و باطل می باشد، با وجود دلایل روشن تنزیلی و تکوینی، خواندنی و دیدنی بر اثبات رستاخیز، شما از روی غرور و عنادی که دارید بر تکذیب روز جزا اصرار می ورزید. بلی؛ غرور و تکبر انسان را به تکذیب قیامت می کشاند، پس باید از آن ها اجتناب کرد.

موضوع: همراهی فرشتگان با انسان

قرآن کریم: {وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ} {۱۰} (وبی شک نگهبانانی بر شما گماشته شده اند)

تفسیر: وبدون شک الله عزوجل بر شما فرشتگانی گمارده است که اعمال شما را بر می شمارد، آنها ثبت ونگهبانی می کنند، پس شایسته است که شما فرشتگان را با خود داری از ارتکاب گناه گرامی داشته وحرمت گذاری کنید، زیرا آنها با شما همراه اند،

موضوع: ۱- نوشتن اعمال، ۲- از اوصاف فرشتگان همراه:

قرآن کریم: {كِرَامًا كَاتِبِينَ} {۱۱} (نویسندگان بزرگوار هستند)

تفسیر: در جریان هر روز و شب اعمال خود را محاسبه کنید، زیرا: الله عزوجل فرشتگانی گرانقدر، بزرگوار، ومحترمی بر شما گمارده که گفته ها وکردارهای تان را می نویسند، و شما بر مبنای آن نوشته ها مکافات ومجازات می شوید، رسول الله ﷺ فرمودند: الله عزوجل نیکیها وبدیها را می نویسد، سپس در ادامه چنین بیان نمودند: کسی که به انجام عمل نیکی قصد کند و آنرا عملی هم نسازد، الله عزوجل برای او نزد خود نیکی کاملی می نویسد، اگر به انجام کار نیکو قصد کرده و آنرا عملی نماید، الله عزوجل برای او در نزد خود ده نیکی تا هفصد وبالا تر از آن می نویسد، و هرگاه کسی به ارتکاب گناهی قصد کند و آنرا عملی نسازد، الله عزوجل برای او نزد خود یک نیکی کاملی می نویسد، واگر وی به ارتکاب گناهی قصد کند و آنرا عملی بسازد، الله عزوجل برای او یک گناه می نویسد^۱ - بلی؛ سایر اعمال وعبادات قلبی نیز مثل خوف، امید و توکل نوشته می شود و ثواب هم بر آن مرتب است، ولی وسوسه های که برانسان پیش می گردد نوشته نمی شود و هیچ گناهی هم بر آن مرتب نیست.

موضوع: ۱- آگاهی فرشتگان همراه از کردارها، ۲- اثبات اختیار در اعمال برای بنده ورد دیدگاه جبریه

قرآن کریم: {يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ} {۱۲}

(هر عملی که انجام می دهید، می دانند و یاد داشت می کنند)

۱ صحیح البخاری، (۶۴۹۱)، صحیح مسلم (۱۲۸)

تفسیر: این فرشتگان بر اعمال خوب و بدتان آگاهی حاصل نموده و کردارهای شما را مشاهده می نمایند، و تمام کوچک و بزرگ آنرا ثبت می کنند، الله عزوجل این فرشتگان را به چهار چیز صفت نمود:

۱- نگهبانانی که اعمال را برمی شمارند و نگهداری می کنند و هیچ چیزی از آن ضایع نمی شود،

۲- بزرگواران و گرامیانی که در نزد الله عزوجل از منزلت والای برخوردار اند،

۳- نویسندگانی که اعمال را در دفاتر و صحایف مخصوص ثبت و ضبط می کنند،

۴- آنچه انجام داده میشود می دانند، یعنی: این نوشتن از روی تخمین، حدس، خیال و گمان نیست، بلکه از روی علم و دانش میباشد.

رسول الله ﷺ فرمودند: پی در پی فرشتگانی بر شما در شب و فرشتگانی در روز فرود می آیند، و در نماز صبح و نماز عصر باهم یکجا می شوند، سپس فرشتگانی که شب را در میان شما گذرانیده بودند بالا می روند، الله عزوجل از آنها در مورد شما پرسان می کند در حالیکه به حال بندگان آگاه تر است، بندگانم را چگونه ترک کردید؟ فرشتگان می گویند: آنها را باقی گذاشتیم در حالیکه نماز (صبح را) می خواندند، و هنگامیکه نزد ایشان رفتیم نیز مشغول ادای نماز (عصر) بودند^۱، پس مسلمان باید در خود داری از ارتکاب گناه این دو فرشته را اکرام کند، هرگاه به همراه انسان شخص نیکی باشد، از وی حیا کرده و دست به ارتکاب گناه نمی زند، پس انسان باید از این دو فرشته گرانقدر و محترمی که همراه وی می باشند حیا کند و دست به ارتکاب هیچ نوع گناهی نزند،

از طرف دیگر ما می دانیم که در شریعت اسلام برای همسایه حقوق زیادی در نظر گرفته شده و به نیکی کردن با وی توصیه صورت گرفته و از اذیت و آزار رسانیدن به وی هشدار سخت داده شده است، چنانچه رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که ایمان به الله و روز آخرت دارد همسایه اش را مورد آزار و اذیت قرار ندهد^۲، - در شریعت اسلامی مسلمان مکلف به برخورد نیک و عدم رسانیدن ضرر با همسایه شده که بین او و همسایه اش حایل و دیواری از گل و سمنت وجود دارد. پس این دو فرشته

۱ صحیح البخاری (۵۵۵) صحیح مسلم (۶۳۲)

۲ صحیح البخاری (۶۱۳۶)

همراه که بین آنها و انسان هیچ دیوار و مانعی هم وجود ندارد، سزاوارتر به اکرام، حسن همجواری و همسایگی خوب می باشند، پس انسان نباید در ارتکاب گناه این دو فرشته گرامی را مورد آزار و اذیت قرار دهد.

موضوع: پاداش نیکوکاران و فواید نیکی ها

قرآن کریم: { إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ } { ۱۳ } (به یقین نیکان در نعمت خواهند بود؛)

تفسیر: نیکوکاران عبارت از کسانی اند که: حقوق الله عزوجل و بندگانش را به جای می آورند و در اعمال قلبی و باطنی مثل: اخلاص در کردارها و گفتارها، ترس از الله عزوجل، امید به رحمت و عفو او، توکل به او پایبند هستند. و از ارتکاب گناه خود داری می کنند، پاداش ایشان اینست که: در بین نعمت های روحی و جسمی در دنیا، برزخ (از وقت مرگ تا روز قیامت) و آخرت استقرار می یابند.

موضوع: ۱- مقربدکاران، ۲- پیامد بدی ها

قرآن کریم: { وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ } { ۱۴ } (و به یقین بدکاران در دوزخ اند)

تفسیر: بدکاران کسانی اند که: در ادای حقوق الله عزوجل و بندگانش کوتاهی نمودند و اعمال قلبی و باطنی خود را به فساد آلوده ساختند، سزای آنها اینست که: در دوزخ استقرار خواهند یافت و در دنیا، برزخ و روز آخرت به انواع عذابهای روحی و جسمی گرفتار خواهند گردید، امام ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیر این آیه مبارکه می نویسد: آنها کسانی اند که به پروردگار خود کفر ورزیدند.

موضوع: زمان دخول آنها به جهنم

قرآن کریم: { يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ } { ۱۵ } (روز جزا وارد دوزخ می گردند)

تفسیر: روزی که اعمال محاسبه می شود و بدکاران به عذاب شدید گرفتار می گردند و در جهنم داخل می شوند روز جزا نام دارد، امام ابن جریر رحمه الله در تفسیرش می نویسد: «یوم الدین» از نامهای روز قیامت است که الله عزوجل امر آنرا بزرگ دانسته و بندگانش را از آن بیم داده است،

موضوع: همیشگی عذاب جهنم

قرآن کریم: { وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ } { ۱۶ } (و آنان از دوزخ غایب نمی شوند)

تفسیر: این بدکاران از دوزخ غایب نمی شوند و همیشه در آنجا محبوس گردیده و به عذابهای گوناگون گرفتار می شوند، غیابت به یکی از امور آتی تحقق پیدا می کند:

۱- بیرون شدن از آنجا، ۲- مرگ در آنجا، ۳- فناء آن مکان، همه موارد ذکر شده از جهنم منتفی می باشد، نه از آنجا بیرون میشوند، نه مرگ به سراغ آنها می آید و نه هم جهنم فنا می شود، ما اهل سنت و جماعت براین عقیده هستیم که: همیشه ماندن در جهنم جزای کافران است، مومنان گناه کار برای همیشه در جهنم باقی نمی مانند. دایمی بودن جنت همراه نعمت ها و اهلش از باورهای ما است.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- هشدار از تکذیب به روز رستاخیز، زیرا: تکذیب به رستاخیز از بزرگترین عامل شروفساد در دنیا و واجب کننده عذاب سخت در آخرت به شمار می رود.

۲- اثبات عقیده کتابت اعمال نیک و بد و محاسبه بر مقتضای آنها

۳- وجوب اکرام فرشتگانی که اعمال را می نویسند و حسن جوار با آنها

۴- بیان احوال نیکوکاران و بدکاران در روز قیامت و مقرر هر کدامشان

۵- نعمت ها و عذابها در هر سه دار به انسان تعلق می گیرد: الف: دار دنیا. ب: دار برزخ. ج: دار آخرت. آرامش روحی و لذت بردن از عبادات را نباید از شمار نعمت ها حذف کرد، چنانچه اضطراب و تعلق گرفتن قلب به غیر الله عزوجل در شمار عذابها جای دارد.

۵- دایمی بودن عذاب آخرت برای کافران

بخش چهارم: دشواری روز حساب و برخی از اوصاف آن:

موضوع: ۱- بزرگی امر روز حساب، ۲- عدم آگاهی رسول الله ﷺ از امور غیبی

قرآن کریم: { وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ } { ۱۷ } { و تو چه می دانی روز جزا چیست }

تفسیر: الله عزوجل جهت بیان بزرگی امر روز قیامت برای پیامبرش ﷺ می فرماید: تو چه می دانی که روز جزا چیست؟ مقصود استفهام اینست: به حقیقت آن روز کسی آگاهی ندارد و ماهیت آنرا کسی شناخته نمی تواند.

موضوع: بزرگی رخداده قیامت

قرآن کریم: { ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ } { ۱۸ } (باز چه می دانی روز جزا چیست)

تفسیر: سپس الله عزوجل با تاکید بیشتر جهت بیان بزرگی امر روز قیامت برای رسولش ﷺ می فرماید: باز چه می دانی که روز جزا چیست؟ تنها من هستم که شدت عذاب، وحشت و دشواری های آن روز را می دانم و برای تو گوشه از سختی های که در آن روز واقع می شود خبر می دهم تا انسانها و جنیات را بیم بدهی و آنها در ایمان و انجام اعمال نیکو برای آن روز آمادگی بگیرند.

موضوع: ۱- اثبات بعث، ۲- برخی از اوصاف روز قیامت

قرآن کریم: { يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ } { ۱۹ }

(روزی که هیچ کسی نمی تواند به دیگری فایده ای برساند و حکم و فرمانروایی در آن روز از آن الله است)

تفسیر: آن روزی است که هیچ کس نمی تواند به دیگری فایده برساند، مگر اینکه الله عزوجل برای کسی که بخواهد واز او راضی باشد، اجازه شفاعت کردن را برایش بدهد تا کسانی را که با عقیده توحیدی وفات کرده باشند شفاعت کند، در آن روز حکم، تصرف و فرمانروایی تنها از آن الله عزوجل می باشد، در دنیا نیز امر و فرمانروایی از الله عزوجل است ولی در آن روز کسی با او منازعه نمی کند و او در روز قیامت بین بندگان داور می کند، حق مظلوم را از ظالم می گیرد، بنابراین: آنچه در آن روز برای شخص فایده می رساند ایمان، عمل نیک و پرهیز از گناه است که از دنیا همراه خود آورده باشد.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- بیان بزرگی امر روز قیامت و وجوب آمادگی برای آن.

۲- یگانه چیزی که در روز قیامت برای انسان فایده می رساند توحید و طاعت است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: مطففین

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۳۶

تعداد کلمات: ۱۹۹

اعداد حروف: ۷۸۰ - ۱

وجه نام گذاری این سوره: در آغاز این سوره «مطففین» یعنی: کاهندگان حقوق مردم و کم فروشان مورد هشدار و تهدید قرار گرفتند، به همین جهت این سوره به این نام مسمی گردیده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره مبارکه در برگیرنده آنست:

۱- توجه به بهبود اخلاق اجتماعی در حرمت کاستن از حقوق مردم در پیمان، ترازو، متراژ و هشدار به عذاب شدید برای کم فروشان و ترازوزنان.

۲- یاد آوری از روز قیامت و ایستاد شدن همه مردم نزد پروردگارشان

۳- بیان محل پرونده اعمال بدکاران و نیکان، ذکر احوال، اوصاف و نتیجه کردار هر کدام از ایشان.

از مقاصد این سوره:

۱- بیان اینکه: زیاده جویی از حق؛ از اخلاق زشت تاجران است.

۲- هشدار از کاستن حقوق مردم در معاملات جهت بهبود وضعیت اقتصادی جامعه.

۳- حمایت از مظلومین و ستم دیدگان.

۴- ترغیب بر رفتن در مسیر نجات یافتگان از عذاب و هشدار از رفتن در مسیر بدکاران و هلاک شدگان به بیان احوال آنها در روز آخرت،

سبب نزول: عبد الله پسر عباس رضی الله عنهما می گوید: هنگامیکه رسول الله ﷺ به مدینه تشریف آوردند، برخی از مردم آن از خبیث ترین افراد در پیمانه شان بودند، پس الله عزوجل نازل فرمود: (وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ)، آنها بعد از نزول این آیات پیمانه شان را نیکو ساختند^۱ - این سوره به چهار بخش زیر تقسیم می شود:

بخش اول: اعلان جنگ با کم فروشان:

موضوع: حرمت کاستن از حقوق مردم

قرآن کریم: { وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ } {۱} (وای بر حال کاهندگان)

تفسیر: وادی و گودالی که در آن ریم، چرک و خون اهل جهنم روان می باشد در انتظار کاهندگان حقوق مردم و کم فروشان است^۲، همچنان عذاب و هلاکت درد دنیا به سراغ آنها می رسد، آنها کسانی اند که از حقوق مردم در پیمانه و ترازو می کاهند و کم می کنند.

«تطفیف» دلالت بر این می کند که: هرگاه کسی حق دیگری را به اندازه اندکی هم که به ناحق بگیرد، مجازات می شود. پس چگونه خواهد بود حال کسانی که حقوق دیگران را بدون رضایت شان به مقدار زیاد می گیرند،

برخی از هشدارهای که پیرامون این موضوع در احادیث صحیح ذکر گردیده است:

۱: رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که حق مسلمان را به سوگند خود بگیرد، الله عزوجل جهنم را بر وی واجب می سازد و جنت را بر او حرام می گرداند، مردی گفت: ای رسول خدا! اگر آن حق اندک هم که باشد؟ رسول الله ﷺ فرمودند: اگر چه آن چوب مسواکی باشد^۳ - این هشدار و توبیخ در حق خاص میباشد که تعلق به یک

۱ سنن ابن ماجه، (۲۲۲۳) صحیح الترغیب والترهیب (۱۷۱۰) - همچنان در مدینه مردی بود دو پیمانه داشت یکی بزرگ و دیگری کوچک به این اشیا را می داد و به آن می گرفت، در تفسیر ابن عاشور چنین ذکر گردیده است: اهل مکه به ترازو معامله میکردند و اهل یثرب به پیمانه.

۲ به تفسیر ابن جریر طبری مراجعه شود

۳ صحیح مسلم، ۱۳۷ - این شخص در دخول اولی همرا رستگاران از ورود به جنت محروم می شود، به مرقاة المفاتیح شرح مشکوٰۃ المصابیح مراجعه شود.

نفر داشته باشد، حال کسانی که حقوق عامه را که مربوط به همه مسلمانان است گرفته، حیف و میل می کنند، چگونه خواهد بود؟

۲: ابوهریره رضی الله عنه می گوید: ماهمراه رسول الله ﷺ به سوی خیر بیرون شدیم، الله عزوجل ما را پیروز گردانید، طلا و نقره از اهل آن غنیمت نگرفتیم، بلکه کالا، طعام و لباس را به عنوان غنیمت از آنها گرفتیم، به طرف دره روان شدیم، همراه رسول الله ﷺ برده وجود داشت و آنرا مردی برای ایشان بخشیده بود، آن برده با تیری مورد اصابت قرار گرفت و کشته شد، مایان گفتیم: این شهادت برایش گوارا باد، رسول الله ﷺ فرمودند: نخیر! سوگند به آن ذاتی که نفس محمد به دست اوست، شالی که از غنایم بدون تقسیم گرفته بود آتش دوزخ را بروی شعله ور می سازد، مردم ترسیدند، مردی یک یادو بند کفش آورد و گفت: ای رسول خدا! این را روز خیر گرفتم، رسول الله ﷺ فرمودند: این یک بند کفش از آتش ویا دوبند کفش از آتش میباشد! ببینید! جهاد کردن و خدمت نمودن به رسول الله ﷺ و قتال همراه یهود مانع عذاب از این برده نگردید، و به سبب گرفتن شال کم ارزش که حقوق عامه به وی تعلق گرفته بود عذاب شد، احوال برخی از مجاهدان امروز را مشاهده کنید که به سبب گرفتن و تصاحب حقوق عامه به چی ثروت ها دست یافتند، این دارایی ها ملکیت پدر شان نیست، این افراد از الله عزوجل بترسند، حقوق مردمان را به آنها باز گردانند، در غیر آن؛ منتظر شعله های آتش جهنم که خودشان بر خود روشن کردند، باشند.

۳: مردی از رسول الله ﷺ چنین سوال نمود: هرگاه من در راه الله عزوجل کشته شوم گناهانم آمرزیده می شود؟ رسول الله ﷺ فرمودند: بلی؛ هرگاه تو در راه الله عزوجل کشته شدی درحالی که صابر بودی و نیت ثواب را داشتی، بر دشمن روی آورنده بودی نه فرار کننده، گناهانت بخشیده می شود، سپس رسول الله ﷺ برای سوال کننده فرمودند: چه گفتی؟ او سوال خود را تکرار کرد، رسول الله ﷺ برایش فرمودند: بلی هرگاه تو در راه الله عزوجل کشته شدی درحالی که صابر بودی و نیت ثواب را داشتی، بر دشمن روی آورنده بودی نه فرار کننده، گناهانت بخشیده میشود مگر قرض (که بخشیده نمی شود) زیرا: جبرائیل علیه السلام (اکنون) این را برایم

گفت،^۱ - این هشدار ی در نپرداختن قرض مردمان است در حالیکه قرض به رضایت و اختیار قرض دهنده گرفته می شود، چگونه خواهد بود حال کسانی که اموال مردمان بدون رضایت شان می گیرند؟

۴: رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که نسبت به برادرش در ریختن آبروی آن و یا چیزی دیگر مرتکب ستمی شده است، از آن مظلوم طلب بخشش نموده و حق آن را بر داند، این کار را پیش از فرا رسیدن قیامت که در آن روز در هم و دینار برای انسان سودی ندارد، انجام دهد، اگر ستمگر این کار را نکند در آن روز به اندازه ستمش از اعمال نیکش گرفته می شود و برای مظلوم داده می شود و اگر نیکی نداشت از گناهان مظلوم گرفته می شود و بر ظالم افکنده می شود^۲.

۵: رسول الله ﷺ فرمودند: پنج خصلت است هرگاه شما به آن مبتلا شوید، (پیامد وخیم دارد) به الله پناه می برم که شما آنرا دریابید، (صحابه رضی الله عنهم زمان آن را در نیافتند) - و این پنج خصلت عبارت اند از:

۱- آشکار نمی شود زنا و بی حیایی در میان قومی مگر اینکه طاعون و مرض های که در گذشتگان آنها وجود نداشته است (مثل : امراض جنسی، تناسلی، ایدز، کولیرا و...) در میان شان منتشر می شود،

۲- کم نمی سازند پیمان و ترازو را مگر اینکه به قحطی، دشواری، و ظلم حاکم گرفتار می شوند،

۳- باز نمی دارند زکات اموال خود را مگر اینکه باران از آنها باز داشته می شود، اگر چهار پایان نباشد باران بر آنها نمی بارد،

۴- پیمان شکنی با الله عزوجل و پیامبرش نمی کنند مگر اینکه الله عزوجل، دشمنانی غیر از ایشان بر آنها مسلط می کند که آنچه را در دست داشته باشند می گیرند،

۵- حاکمان آنها بین شان به کتاب الله عزوجل حکم نمی کنند (بلکه بر اساس خواهشات نفسانی وقوانین وضعی بشری حکم می کنند) مگر اینکه الله عزوجل جنگشان را در بین خود شان قرار می دهد^۱ -

موضوع: نکوهش حرص

قرآن کریم: {الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ} {۲}

(کسانی که چون برای خود پیمانه زنند از مردم به تمام در یافت دارند)

تفسیر: آنها کسانی اند که هنگامیکه در معاملات حقوق خود را در پیمانه از مردم مطالبه مینمایند به تمام و کمال، بدون کم و کاست آنرا می گیرند و در یافت میکنند.

موضوع: نکوهش بخل

قرآن کریم: {وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ} {۳}

(و چون برای آنان پیمانه زنند یا برای آنان وزن کنند کم می گذارند)

تفسیر: وهنگامیکه در معاملات برای مردم پیمانه ویا وزن می نمایند، کم می پردازند ودر حصه معین شان نقص وارد می کنند، یعنی: این افراد آنچه از حقوق آنها که بر ذمه دیگران تعلق داشته باشد، با شدت حرصی که دارند همه آنرا اخذ می دارند و هیچ چیزی را از آن فرو گزار نمی شوند و تسامح نمی کنند، ولی نسبت به پرداخت حقوق دیگران بخل، اهمال و بی توجهی می نمایند، الله عزوجل پیمانه و وزن را به عنوان مثال ذکر نموده است ، هرآنچه به آنها همانندی داشته باشد در حکم به آنها قیاس می شود، مثلاً: شوهر از زوجه خود می خواهد که حقوقش را به شکل کامل ادا کند، ولی در ادا کردن حق زوجه اش بی توجهی و اهمال می کند در این هشدار داخل است، همچنان کارگر و کار فرما، استاد، داکتر و مامور یک اداره که وظایف خود را درست انجام ندهند مشمول این هشدار می گردند. این آیات دلالت می کند که این دین: ۱- موافق با فطرت بشر است. ۲- تمام ابعاد اعتقادی و عملی زندگی بشر را در برگیر است. ۳- بر اساس اخلاق پسندیده و اصیل استوار است. ۴- تامین کننده امنیت و عدالت اجتماعی است. ۵- بیان کننده مراقبت الله عزوجل است.

۱ سنن ابن ماجه (۴۰۱۹)، صحيح الترغيب والترهيب (۷۶۴)، السلسله الصحيحه (۱۰۶)

موضوع: اثبات روز رستاخیز

قرآن کریم: {أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ} {۴} (آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند)

تفسیر: آیا این گروهی که حقوق دیگران را کم می کنند و اضافه ستانی می نمایند، گمان نمی برند که دوباره جهت محاسبه اعمالشان زنده می گردند، یعنی: این عمل شنیع از کسی که به زنده شدن بعد از مرگ حتی گمان هم که داشته باشد صادر نمی شود، بنابراین: مسلمانان باید از آن به طور کامل خود داری کنند.

موضوع: صفت روز قیامت

قرآن کریم: {لَيَوْمٍ عَظِيمٍ} {۵} (در روزی بس بزرگ).

تفسیر: برای حساب و کتاب و کتاب در روزی بس بزرگ برانگیخته می شوند، الله عزوجل روز قیامت را باعتبار دشواری ها و امور بزرگی که در آن واقع می شود به روز بزرگ صفت نموده است، يك فرد بادیه نشینی برای عبد الملك پسر مروان گفت: تو هشدار الله عزوجل را در مورد کسانی که از حقوق مردم در وزن و پیمانه می کاهند شنیده، درباره خودت چه فکر می کنی درحالی که اموال مردم را بدون پیمانه و وزن از ایشان (ظالمانه) می گیری؟^۱

موضوع: حالت مردم در روز بعث

قرآن کریم: {يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ} {۶} (روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند)

تفسیر: روزی که همه مردمان جهت محاسبه اعمال کوچک و بزرگ شان در پیشگاه پروردگار جهانیان بر پا می ایستند، رسول الله ﷺ فرمودند: در روز قیامت آفتاب بر مخلوقات به اندازه یک میل نزدیک می شود^۲، مردم به مقدار اعمال بد خود در عرق واقع می شوند، برخی از آنها تا شتالنگ ها، برخی تا زانو، برخی تا جای بستن بند ازار و برخی تا دهان در میان عرق قرار می گیرند^۳.

۱ به تفسیر امام نسفی رحمه الله در همین سوره مراجعه شود.

۲ سلیم پسر عامر که یکی از رواة است می گوید: من نمی دانم که کدام میل مراد است، مسافت زمین (واحد مسافت معادل چهارهزار ذراع) و یا میلی که به آن چشم ها را سرمه میکنند، در فتاوی الشبکه الاسلامیه «میل» را به (۱۸۸۴) متر اندازه نموده است. منظور: نهایت نزدیکی آفتاب است.

۳ صحیح مسلم، ۶۲ (۲۸۶۴)

حکم ایستاد شدن به استقبال کسی:

از ایستاد شدن به استقبال کسی که به خانه و یا مجلسی وارد می شود خود داری شود مگر برای فرد غایب و مهمان، و آن شخصی که دیگران به استقبال او ایستاد می شوند به این عمل آنها خوشحال نشود و قلباً محبتی به آن نداشته باشد، زیرا: رسول الله ﷺ فرمودند: کسیکه از ایستاد شدن مردم برایش خوشحال شود جایگاهش را در دوزخ بگیرد^۱ - انس پسر مالک می گوید: هیچ فردی نزد اصحاب رضی الله عنهم، محبوب تر از رسول الله ﷺ نبود ولی با این حال هرگاه اصحاب ؛ رسول الله ﷺ را می دیدند برایشان قیام نمی کردند و ایستاد نمی شدند، زیرا: ناخوشی و نارضایتی رسول الله ﷺ را نسبت به این کار (ایستاد شدن بخاطر ایشان) می دانستند^۲

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- حرمت کاستن از حقوق مردم در پیمان و وزن و غیره

۲- کاستن از حقوق مردم و کم فروشی یک نوع سرقت به حساب آمده و نظام اقتصادی دنیا را مختل و فاسد می سازد.

۳- اساس اخلاق زشت؛ تحصیل مال از غیر طریق مشروع آن می باشد.

۳- اثبات رستاخیز و جزا

بخش دوم: هشدار بدکاران به عذاب دردناک

موضوع: محل پرونده بدکاران

قرآن کریم: {كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سَجِّينٍ} {۷}

(چنین نیست که می پندارند، به راستی نامه اعمال بدکاران در «سجین» است)

تفسیر: در این آیه مبارکه تنبیه و زجر است برای کم فروشان و غفلت کنندگان از قیامت و محاسبه، صاحب تفسیر الوسیط مینویسد: آنچه این بدکاران از کفر و کاستن در پیمان و وزن انجام می دهند در صحیفه های اعمال آنها نوشته می شود و در دیوان شری که آنها را به طرف عمق جهنم می کشاند، ثبت می گردد.

۱ سنن ترمذی (۲۷۵۵)

۲ سنن ترمذی (۲۷۵۴).

امام طبری رحمه الله به سند صحیح از امام مجاهد رحمه الله درمورد تفسیر (سجین) چنین روایت میکند: (پرونده اعمال آنها) در زیر زمین هفتم قرار میگیرد و بلند نمی رود. امام بغوی رحمه الله هم در تفسیرش می نویسد: «سجین» محل اقامت ابلیس و لشکریانش می باشد.^۱

موضوع: عدم آگاهی رسول الله ﷺ از امور غیبی

قرآن کریم: { وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَجِّينٌ } { ۸ } (و تو چی می دانی که «سجین» چیست؟)

تفسیر: الله عزوجل برای پیامبرش ﷺ می فرماید: تو چه می دانی که «سجین» چیست؟

موضوع: ۱- صفت پرونده بدکاران، ۲- تفسیر کتاب بدکاران

قرآن کریم: { كِتَابٌ مَرْقُومٌ } { ۹ } (کتابی است که در آن اعمال بدکاران نوشته شده است)

تفسیر: کردار و گفتار زشت بدکاران در کتابی نوشته شده است و به علایم واضح نشانی گردیده است که بیننده با نخستین نگاه به زشتی های مندرج آن آگاهی حاصل می کند، در آن کتاب چیزی کم و زیاد نمی شود و در پست ترین موقعیت، که زیر زمین هفتم است قرار دارد، این پرونده صاحبش را به محبس همیشگی که جهنم است سوق می دهد. امام ابن کثیر رحمه الله و امام بغوی رحمه الله در تفسیرهایشان چنین می نویسند: این آیه مبارکه تفسیر برای سجین نیست، بلکه این آیه بیان کتاب بدکاران را می نماید. بر این اساس «کتاب» خبر مبتدا محذوف است، تقدیر چنین می شود: کتاب فجار کتاب مرقوم است^۲، یعنی: کتاب بدکاران کتاب نوشته شده است.

موضوع: پیامد تکذیب

قرآن کریم: { وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ } { ۱۰ } (در آن روز وای به حال تکذیب کنندگان!)

۱ به تفاسیر امام ابن جریر طبری و امام بغوی در همین سوره و کتاب الصحيح المسبور...مراجعه شود
۲ امام نسفی و امام شوکانی رحمه الله _ کتاب مرقوم - را تفسیر برای - سجین - می دانند.

تفسیر: برای دروغ شمارندگان رستاخیز، حساب و جزا که از اوصاف آنها کاستن از حقوق مردم می باشد، عذاب دردناک و حبس همیشگی در جهنم در نظر گرفته شده است، امام ابن کثیر در تفسیرش چنین می نویسد: مقصود از (ویل)، هلاکت است. رسول الله ﷺ فرمودند: هلاک باد کسی که در جریان سخن گفتن دروغ بگوید تا مردم را بخنداند، هلاک باد، هلاک باد^۱ - یعنی: در این حدیث مبارکه نیز مقصود از (ویل) دعا بر هلاکت و نابودی چنین انسانی است. در این حدیث توبیخ و هشدار می باشد برای کسی که در گفتن دروغ مردمان را بخنداند تا در این کار خود را درگفتار با کافران تشبیه نکند و شعایر دین را حرمت شکنی نکند. زیرا: دروغ گفتن، دروغ شمردن دین و تمسخر به احکام و شعایر آن بخشی از طبیعت و سرشت کافران گردیده است.

موضوع: اثبات روز جزا

قرآن کریم: (الَّذِينَ يُكْذِبُونَ بَيَّومِ الدِّينِ) {۱۱} (آنان که روز جزا را انکار می کنند)

تفسیر: آن کسانی که روز قیامت را که مشتمل بر ثواب و عذاب است دروغ می شمارند، وقوع آنرا تصدیق نمی کنند و به آن باورمند نیستند، تکذیب روز جزا عامل اقدام بر ارتکاب گناه و جرم است، سپس سه صفت زشت دیگر آنها را دو آیه بعدی چنین بیان می کند:

موضوع: ۱- پیامد تجاوز از حد و ارتکاب گناه، ۲- برخی از اوصاف تکذیب کنندگان روز جزا.

قرآن کریم: (وَمَا يُكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ) {۱۲} (و جز ستمگر گنهکار کسی آنرا دروغ نمی انگارد)

تفسیر: تکذیب نمی کند آن روز را مگر کسی که بر محارم الله عزوجل تجاوز کرده و پا را از حلال فراتر گذاشته و بسیار گنه پیشه باشد، امام قرطبی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: این اشخاص در معامله که با مخلوق و نفس خود دارند از حد تجاوز می

امام ابن کثیر در تفسیرش می نویسد: مقصود از (ویل) هلاکت و نابودی است چنانچه در این حدیث مبارکه نیز معنا همین است، این حدیث در سنن ابوداود به شماره (۴۹۹۰) و سنن ترمذی به شماره (۲۳۱۵) صحیح الترغیب والترهیب (۲۹۴۴) موجود است.

کنند، و در ترک کردن فرمان الله عزوجل گناه کار میباشند، پایان نقل، استمرار بر تجاوز از حد و ارتکاب گناه انسان را تدریجاً به طرف تکذیب روز جزا می کشاند.

موضوع: ۱- وجوب دعوت از مردم به سوی شنیدن قرآن، ۲- بیان نوعی از سخنان کفر آمیز

قرآن کریم: { إِذَا تُلِّيَ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ } { ۱۳ }

(و چون آیات ما بر او خوانده شود، می گوید: افسانه های پیشینیان است)

تفسیر: هرگاه بروی آیات ما که دلالت کننده بروحدانیت، قدرت و راستگویی پیامبر ما می باشد، خوانده شود، می گوید: اینها افسانه های پیشینیان است که رونویسی شده بر او هر صبح و شام خوانده می شود، الله عزوجل این تکذیب کنندگان را موصوف به سه صفت زشت نمود، ۱- تجاوز برحق، ۲- مبالغه در ارتکاب گناه، ۳- جرأت در افترا و دروغ.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- بیان محل پرونده بدکاران

۲- هشدار سخت برای تکذیب کنندگان قیامت

۳- وجوب ابلاغ لفظ و معنای قرآن کریم

۴- تجاوز از حد و ارتکاب گناه انسان را تدریجاً به طرف تکذیب قیامت می کشاند

۴- اثبات عقیده رستاخیز و جزا

موضوع: پیامد گناه

قرآن کریم: { كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ } { ۱۴ }

(هرگز چنین نیست؛ بلکه گناهی که همواره مرتکب می شوند، بر دل های شان زنگار بسته است)

تفسیر: سپس الله عزوجل سببی را که باعث کفر آنها گردید ذکر نمود، و فرمود: نخیر این کتاب افسانه نیست، کسی که انصاف داشته باشد روز جزا را دروغ نمی شمارد، زیرا: الله عزوجل چنان دلایل واضح و قطعی را برای اثبات زنده شدن بعد از مرگ بیان نموده که وقوع آنها به حق و یقین تبدیل کرده است، همانطوریکه خورشید به چشم سر دیده میشود، حقانیت زنده شدن بعد از مرگ و محاسبه نیز در هر لحظه به چشم دیده می شود، ولی کردارها، پندارها و گفتارهای زشت این اشخاص بردل‌های آنها زنگار بسته و راه‌های هدایت را بر روی شان بسته است که در نتیجه آن حق را نمی بینند و از رسیدن به آن خود را محروم ساختند، رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه بنده مرتکب گناهی شود، در قلبش نقطه سیاهی کوبیده میشود، اگر از آن گناه توبه کرد و آمرزش خواست، قلبش صیقل زده می شود و پاک می گردد، و اگر آمرزش طلب نکرد و به گناه بازگشت، آن نقطه سیاه افزوده می شود تا آنکه قلب وی را در غلاف و پوشه فرو می برد، پس این همان زنگاری است که الله عزوجل در کتابش یاد کرده است^۱ - در این آیات از پیامد ناگوار گناه هشدار داده شده است، زیرا گناه به تدریج دل را زنگار می زند تا اینکه نور آن نابود شود که در نتیجه؛ مرتکب آن حقایق را وارونه می بیند، باطل را حق و حق را باطل فکر می کند و این از بزرگترین مجازات گناه در دنیا می باشد.

موضوع: ۱- پیامد گناه، ۲- اثبات دیدن الله عزوجل در روز قیامت به چشم سر برای مومنان

قرآن کریم: {كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ} {۱۵}

(چنین نیست که می پندارند؛ بلکه آنان در آن روز از دیدار پروردگار شان، محروم و در پرده اند)

تفسیر: امام آلوسی رحمه الله - در مورد «کلا» چنین می گوید: این کلمه توبیخ و سرزنشی از ارتکاب آنچه سبب زنگار قلب گردد می باشد، ... آنان در آن روز از دیدار پروردگارشان محروم، ممنوع و در پرده اند، مانند مومنان به سوی الله عزوجل نگاه کرده نمی توانند، و این عذاب و جزای آنان می باشد، امام ابن کثیر رحمه الله - در تفسیرش چنین می نویسد: امام ابو عبد الله شافعی رحمه الله می گوید: این آیه مبارکه

۱ سنن ابن ماجه (۴۲۴۴)، صحیح الجامع الصغیر و زیاده (۱۶۷۰)

دلیل بر آنست که: مومنان در روز قیامت الله عزوجل را به چشم سر می بینند، احادیث صحیح متواتر دلالت براین دارد که مومنان در عرصات قیامت و در جنت، الله عزوجل را به چشم سرمشاهده می کنند، پایان نقل، یا الله! در روز آخرت دیدار خود را نصیب نویسنده، خواننده، نشرکننده این تفسیر وسایر مسلمین بگردان، یاحی و یاقیوم!

موضوع: پیامد گناه و اثبات جهنم

قرآن کریم: {ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ} {۱۶} (سپس آنها به یقین وارد دوزخ می گردند) تفسیر: سپس آنان به همراهی محرومیت از دیدار الله عزوجل به یقین وارد دوزخ می گردند، و هرگز از آن بیرون ساخته نمی شوند

موضوع: ۱- سرزنش کافران در قیامت، ۲ پیامد وخیم تکذیب

قرآن کریم: {ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ} {۱۷}

(و آنگاه گفته می شود: این همان چیزی است که انکارش می کردید)

تفسیر: سپس ماموران دوزخ برای آنها می گوید: این همان عذابی است که در دنیا برای تان اخبار می شد ولی شما انکارش می کردید، پس امروز آن را بجیشید، بناءً: سه نوع عذاب برای آنها ذکر گردید، ۱- عذاب جحیم، ۲- عذاب توبیخ، سرزنش و ملامتی، ۳- عذاب محرومیت از دیدار رب العالمین

بخش سوم: بشارت نیکوکاران به پاداش بزرگ

موضوع: محل پرونده اعمال نیکوکاران

قرآن کریم: {كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيِّينَ} {۱۸}

(هرگز چنین نیست که می پندارند، به راستی نامه اعمال نیکان در «علیین» است)

تفسیر: یقیناً آنچه فرشتگان از کردارهای نیک صالحان نوشته اند در دیوان خیر که از بلند ترین و بهترین موقعیت برخوردار می باشد قرار دارد و در آنجا ثبت و ضبط است امام طبری از مجاهد در تفسیر «علیین» مینویسد: موقعیتی در آسمان هفتم است، یعنی: پرونده اعمال شان در آسمان هفتم قرار دارد،

همچنان امام طبری از ابن عباس به سند صحیح در تفسیر «إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيِّينَ» می نویسد: جنت، یعنی: پرونده اعمال نیکان در جنت است. علامه سعدی رحمه الله می گوید: «علیون» نام بالا ترین جای بهشت میباشد.

موضوع: عدم آگاهی رسول الله ﷺ از امور غیبی

قرآن کریم: {وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلَيُّونَ} {۱۹} (و تو چه می دانی که «علیین» چیست) تفسیر: الله عزوجل برای پیامبرش می گوید: ای رسول ما! تو چه می دانی که علیین چیست؟

موضوع: صفت پرونده اعمال نیکان

قرآن کریم: {كِتَابٌ مَرْفُومٌ} {۲۰} (کتابی که در آن اعمال نیکوکاران نوشته شده است) تفسیر: آن کتاب نوشته شده، واضح و روشن که صاحبانش به آسانی آنرا می خوانند، با دیدن مطالب آن شادمان می گردند و در آن کتاب امان الله عزوجل برای صالحان از عذاب روز قیامت و رستگاری به دخول جنت نوشته شده است.^۱

موضوع: ارزش پرونده اعمال نیکان

قرآن کریم: {يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ} {۲۱} (و فرشتگان مقرب شاهد آن هستند) تفسیر: ارواح انبیا، راستگویان و فرشتگان مقرب ازهر آسمان در نزد این کتاب حاضر می شوند و بر آنچه در آن ثبت و ضبط است آگاهی حاصل می کنند و سپس گواهی بر این می دهند که: این صالحان سزاوار رضایت الله عزوجل و ثوابش می باشند.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- بیان محل پرونده نیکان و آنچه الله عزوجل برای شان آمده کرده است

۲- اثبات عقیده رستاخیز و جزا

۳- بیان پیامد ناگوار گناه

۴- ترغیب در انجام اعمال نیکو

۱ به تفسیر امام ابن جریر طبری مراجعه شود در همین سوره

۵- بیان محرومیت کافران از دیدار الله عزوجل و این از بزرگترین عقوبت ها است

۶- اثبات دیدار الله عزوجل برای مومنان

موضوع: جایگاه نیکوکاران:

قرآن کریم: { إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ } { ۲۲ } (بی شک نیکان در نعمت خواهند بود)

تفسیر: یقیناً نیکوکاران، یعنی: (اهل اخلاص و فرمان برداری) از نعمت های قلبی، روحی و جسمی در هر سه دار: (دنیا، برزخ، و آخرت) بر خور دار می شوند، آرامش روحی و لذت بردن از عبادات را نباید از شمار نعمت های دنیوی حذف کرد، چنانچه اضطراب و تعلق قلب به غیرالله عزوجل در شمار عذابهای دنیوی جای دارد، این صفت اول نیکان است.

موضوع: اکرام نیکوکاران:

قرآن کریم: { عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ } { ۲۳ } (بر تخت ها نشسته و می نگرند)

تفسیر: برتختهای بهشتی که از مروارید و یاقوت ساخته شده و با فرشها و پرده های زیبا آراسته گردیده است تکیه می زنند و به سوی سیمای الله عزوجل و سایر نعمت ها و مناظر زیبای جنت می نگرند، این صفت دوم نیکان است.

موضوع: سرور و خوشحالی اهل جنت

قرآن کریم: { تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ } { ۲۴ } (خرمی نعمت را در چهره های شان می بینی)

تفسیر: ای مخاطب! هرگاه به سوی چهره این نیکان نگاه کنی خوشحالی، شادمانی، شادابی، نشاط نعمت ها، درخشش نور و حسن منظر را مشاهده می کنی، این صفت سوم نیکان است.

موضوع: نوعی از نوشابه های جنت

قرآن کریم: { يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ } { ۲۵ } (از شراب ناب مهر شده به آنان می نوشانند)

تفسیر: وبه آنان از شراب ناب، زلال، وخالصی که دست نخورده، سربسته و مهر شده است می نوشانند، که نه در آن نشانه از تبه کاری، سر دردی وزوال عقل است و نه از نوشیدن آن مست می شوند. آیه مبارکه بر این مطلب نیز دلالت می کند که: اهل جنت مخدوم هستند، مخلوقاتی خدمت آنها را در آنجا می کنند، این صفت چهارم نیکان است.

موضوع: ترغیب بر اعمال نیک:

قرآن کریم: (خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ) {۲۶}

(مهرش از مشک است، مشتاقان چنین نعمت های باید در طلبش بر یکدیگر پیشی بگیرند)

تفسیر: مزه لذیذ و بوی عطر و مشک از اول نوشیدنش تا اخیر آن یکسان احساس می شود، بنابراین: برای تحصیل چنین نعمتی دوطلبان در عرصه فرمان برداری از دستورات الله عزوجل با همدیگر مسابقه کنند و از یک دیگر پیشی بگیرند، این صفت دوم آن شراب است.

موضوع: تعدد نوشیدنی ها در جنت و تفاضل آنها

قرآن کریم: {وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ} {۲۷} (شرابی ناب که آمیخته با آب «تسنیم» است)

تفسیر: آمیزه آن شراب (رحیق) ناب مهر شده لذیذ و معطر از تسنیم است،

امام طبری به سند صحیح از عبد الله روایت میکند که: «تسنیم» چشمه است در جنت که از آن مقربان (بهترین های اهل جنت) مینوشند، این بهترین نوشابه جنت است، برای اصحاب یمین (نیکبختان) هم از همین چشمه (تسنیم) نوشانیده می شود ولی با آمیزش و مخلوطی از دیگر نوشیدنی های لذیذ، این صفت سوم شراب (رحیق) است که همراه با آمیزه از تسنیم برای نیکان داده می شود.

موضوع: فضیلت مقربان (بهترین های اهل جنت)

قرآن کریم: {عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ} {۲۸} (همان چشمه که مقربان از آن می نوشند)

تفسیر: تسنیم چشمه است در جنت که تنها مقربان (بهترین های اهل جنت) به طور خالص وبدون آمیزه از آن می نوشند و «تسنیم» به طور مطلق، بهترین ولذیذ ترین نوشیدنی در جنت است. امام ابن جریر طبری در تفسیرش از ابن زید چنین روایت می کند که: این چشمه (تسنیم) از زیر عرش بیرون می شود.

بخش چهارم: اهانت مجرمان و اکرام مومنان در روز جزا
در ادامه الله عزوجل برای کافران چهار صفت زشت را ذکر نمود:
صفت اول:

موضوع: حرمت ریشخند (خنده به استهزا) به مومنان.
قرآن کریم: { إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ } { ۲۹ }
(بی گمان گنهکاران بر مومنان می خندیدند)

تفسیر: هر آینه کافران بدکار پیوسته در دنیا به مومنان می خندیدند و آنها را مسخره می کردند، امام بغوی رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد که کفار قریش: ابوجهل، ولید بن المغیره، عاص بن وایل وهمفکرانشان، فقرای مومنان را مثل: عمار، خباب، صهیب، بلال و یاران شان را به تمسخر می گرفتند، برای آنها می خندیدند و حقیر شان می شمر دند. کافران این کار را اغلباً در مجالس ومحافل خود می کردند.
صفت دوم:

موضوع: حرمت تمسخر به اشاره دست، چشم و..

قرآن کریم: { وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ } { ۳۰ }

(وهرگاه مومنان از کنار شان می گذشتند به چشم و ابرو با همدیگر اشارت می کردند)
تفسیر: وهرگاه مومنان از کنار شان عبور می کردند، کافران با اشاره سر، دست، چشم و ابرو به سوی شان آنان را به تمسخر گرفته و عیبجویی می نمودند با وجود این همه توهین وتحقیر ها، آنان (اصحاب رسول الله ﷺ) مطمئن، صابر، بردبار، وبا استقامت بودند و هیچ احساس ترس و یاس نمی کردند.

صفت سوم:

موضوع: حرمت خوشحالی و شامانی به تمسخر دیگران

قرآن کریم: {وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ} {۳۱}

(وچون به سوی خانواده خود باز می‌گشتند، شادمان و خندان باز می‌گشتند)

تفسیر: وهنگامیکه این کافران در صبح و شام نزد خانواده های خویش باز می‌گشتند با ناز و نعمتی که داشتند شادمان می‌گشتند، مسخره کردن مومنان را بیاد می‌آوردند و به سبب آن خنده و خوشحالی می‌کردند،

صفت چهارم:

موضوع: ۱- حرمت نسبت دادن گمراهی به راه یافته گان، ۲- انسان باگفتن حرف های زشت اش مواخذه می شود،

قرآن کریم: (وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ) {۳۲} (وهنگامیکه مومنان را می‌دیدند می‌گفتند بی‌گمان اینان گمراه اند)

تفسیر: کافران به تمسخر و عیبجویی مومنان اکتفا نکردند بلکه هرگاه آنان را در کوچه و بازار می‌دیدند، می‌گفتند: این گروه واقعاً گمراه اند، زیرا آنان دین پدران و نیاکان خود را ترک کردند، امروز نیز فاسقان با مومنان همین روش را در پیش گرفتند، در اجتماعات مسلمانان شبیه این گونه سخنان رد و بدل می‌شود، مسلمانان باید مجالس، محافل و معابر خود را از این امراض و قایه کنند و آنها را به سخنان سودمند مزین نموده و راه های نفوذ شیطان را ببندند، در ادوار تاریخ مجالس مجتهدین، علما و صالحین ما این گونه بود: ۱- در جلسه های امام ابو حنیفه - رحمه الله - مسایل حلال و حرام و احکام فقهی برای مردم بیان و مطرح می‌شد تا آنها احکام دین خود را بدانند، ۲- امام عبد العزیز ابن باز - رحمه الله - هرگاه به خاطر مناسبتی به خانه و یا مجلسی داخل می‌شد، بعضی از حاضرین را امر می‌کرد تا آیاتی از کتاب الله عزوجل را تلاوت کند، سپس به تفسیر آنها می‌پرداختند تا مردم پیام های کتاب الله عزوجل را بدانند، ۳- علامه ابن عثیمین - رحمه الله - حتی در مجالس خاص، مصروف فتوی و پند دادن مردم بودند، بنابراین: ای دعوت گران توحید! و ای دوست داران واقعی رسول الله ﷺ! مجالس و محافل را از دعوت به سوی کتاب الله عزوجل

وسنت صحیح رسول الله ﷺ خالی نگذارید. زیرا: هرگاه شما میدان را رها کنید، اهل شرک و بدعت وارد میدان می شوند و امت اسلامی را به فساد عقیدتی و عملی می کشانند.

موضوع: ۱ دفاع الله عزوجل از یاران رسولش ﷺ، ۲- نفی ولایت کافران بر مسلمانان
قرآن کریم: (وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ {۳۳}) (درحالی که آنان برای مراقبت و نگهبانی بر مومنان فرستاده نشده بودند)

تفسیر: کافران از جانب الله عزوجل بر مومنان به عنوان وکیل، بازرس و نگهبان گماشته نشدند تا از کارهایشان مراقبت نمایند، آنها نباید حکم بر هدایت خود و گمراهی دیگران کنند، زیرا: آنان به این کار مکلف نشدند و صلاحیت آنها ندارند، بلکه آنها مامور به پیروی از رسول الله ﷺ گردیدند،

موضوع: دفاع الله عزوجل از صحابه و شهادت بر ایمان داری ایشان
قرآن کریم: {فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ} {۳۴} (پس امروز مومنان به کافران می خندند)

تفسیر: پس امروز که روز جزا است هنگامیکه مومنان، کافران را مشاهده می کنند که به عذابهای گوناگون گرفتار اند به آنها می خندند، این نوع مجازات از جنس عملشان می باشد، مقصود این آیه مبارکه: بیان بشارت برای مومنان است که به زودی انتقام شان از کافران گرفته می شود.

موضوع: اکرام صحابه و مومنان در جنت

قرآن کریم: {عَلَى الْأَرَْائِكِ يَنْظُرُونَ} {۳۵} (بر تخت های آراسته نشسته و می نگرند)
تفسیر: درحالی که بر تخت های بهشتی که از مروارید و یاقوت ساخته شده است تکیه می زنند و به سوی سیمای پروردگار خود و زیبایی های جنت می نگرند، و یا اینکه از منازل و کاخهای بلند خویش به سوی کافران که در جهنم به انواع عذابها گرفتار اند نگاه می کنند

موضوع: قطعی بودن مجازات کافران

قرآن کریم: { هَلْ تُؤْتِبُ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ } {۳۶} (آیا کافران پاداش آنچه می کردند در یافت کرده اند؟)

تفسیر: آیا برای کافران جزای همانندکردار های زشتی که در دنیا مرتکب می شدند داده شد؟ بلی؛ همانگونه که در دنیا مومنان را به تمسخر می گرفتند، آنان را گمراه می دانستند و به حالشان می خندیدند، مومنان نیز در روز قیامت هنگامی که کافران را به عذاب و شکنجه گرفتار ببینند به آنها می خندند، این مجازات نشانه عدالت الهی و حکمت او می باشد،

امام قرطبی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: «ثواب» آنچه که بربنده در مقابل عملش باز گردد و در خیر و شر استعمال می شود.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- بیان ناسزاگویی و عیبجویی بدکاران برای مومنان

۲- بیان اکرام الله عزوجل برای دوستانش و اهانت وی برای دشمنانش

۳- بیان مجازات بدکاران از جنس عملشان در روز قیامت

۴- ترغیب بر پیشی جستن از یکدیگر در انجام اعمال نیکو، نگاه کن به سوی کسی که در صف اول نماز جماعت قرار دارد، و تو در صف دوم جماعت قرار گرفته، در نماز بعدی در این امر از او سبقت بجوی و در سایر اعمال نیکونیز به همین قسم پیشتاز باش!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: انشقاق.

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۲۵

تعداد کلمات: ۱۰۹

اعداد حروف: ۷۳۰

وجه نام گذاری این سوره: انشقاق به معنای شکافتن می باشد از جهت اینکه در این سوره از شکافتن آسمان در وقت وقوع قیامت خبر داده شده است، به این نام مسمی شده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره در برگیرنده آنست:

- ۱- بیان برخی از تغییرات کونی (هستی) خطرناک در وقت وقوع قیامت.
 - ۲- احوال انسان در موقف حساب.
 - ۳- تقسیم مردم به دوفریق، سعادت مندان و بدبختان.
 - ۴- سوگند الله عزوجل به شفق، شب و مهتاب.
 - ۵- ترغیب مومنان بر ازدیاد ایمان و عمل نیکو.
 - ۶- نکوهش مشرکان و ملحدان بر ایمان نیاوردن آنها و هشدار آنها بر عذاب دردناک.
- فضیلت این سوره:

- ۱- رسول الله ﷺ فرمودند: کسی دوست دارد که روز قیامت را به چشم ببیند، پس باید (اذا الشمس کورت) و (اذا السماء انشقت) و (اذا السماء انفطرت) را بخواند^۱

۱ سنن ترمذی (۳۳۳۳) وصححه الالبانی فی السلسله الصحیحه (۱۰۸۱)

۲- ابوهریره رضی الله عنه می گوید: ما همراه رسول الله ﷺ در سوره های (اذا السماء انشقت) و (اقرا باسم ربك) سجده نمودیم^۱ - منظور سجده تلاوتی که در این سوره ها وجود دارد.

از مقاصد این سوره:

۱ - دعوت به رستگاری در روز آخرت و این امر هم به بیان حال کافران و مومنان در آن روز تحقق می یابد

۲- ارایه تصویری از روز قیامت در فرمان برداری کاینات از پروردگارش
محور بحث این سوره مثل سوره های دیگر می ، بیان امور عقیدتی و ارایه تصویری از سختی های قیامت می باشد.

این سوره به سه بخش تقسیم می شود:

بخش اول : وحشت ها و دشواری های قیامت

موضوع: فرمان پذیری آسمان در شکافته شدنش

قرآن کریم: { إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ } { ۱ } (آنگاه که آسمان از هم بشکافت) (۱)

تفسیر: ای رسول ما ! یاد آور شو زمانیکه آسمان از هم بشکافت، در اجرام بزرگ آسمانی تغییراتی به وجود آید، امام قرطبی و امام بغوی در تفسیر های شان می نویسند: این رخداد از نشانه های وقوع قیامت است،

موضوع: فرمان پذیری آسمان در گوش فرا دادنش

قرآن کریم: { وَأَذْنَتْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ } { ۲ }

(و به فرمان پروردگارش گوش دهد و سزاوار است که چنین کند) (۲)

تفسیر: و آسمان به فرمان پروردگارش به طور کامل گوش فرا دهد و سزاوار است برایش که فرمان بر داری امر پروردگارش را بنماید، زیرا : وی مخلوقی از مخلوقاتش می باشد پیوسته در فرمان بر داری بوده است و در آن روز هم می باشد، ای بنده الله عزوجل! اثر گوش فرا دادن و فرمان برداری نمودن آسمان را در جریان هر شب در

نگاهت به سویش بیشتر مشاهده می کنی که چگونه باملیون ها سیاره اش بر اهل زمین نور افگنی می کند و فرمان پذیریش را به نمایش می گذارد؟، پس تو نیز در گوش فرا دادن و فرمان پذیری کردن از دستاتیر پروردگار کاینات غفلت نورزیده و با او مخالفت نکن، و فرمان برداری خود را برای اهل آسمان به نمایش بگذار، زیرا: اعمال صالحه تو که توأم با اخلاص و اتباع باشد به آنها عرضه می شود.

موضوع: فرمان پذیری زمین در گسترده شدنش

قرآن کریم: (وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ) {۳} (و آنگاه که زمین کشیده و هموار شود) (۳)

تفسیر: و هنگامیکه زمین کشیده و گسترده شود و به صورت دشتی هموار گردد، که در آن هیچ کجی و بلندی دیده نشود. گسترش زمین در دور ساختن کوه ها، فراخ ساختن مساحت روی زمین و کشیده شدن آن مثل چرم تحقق می یابد. زیرا چرم هنگامی که کش خورد گسترده می شود، ای بنده الله عزوجل! فرمان پذیری زمین را در بیرون ساختن گیاه، نبات و آب پیوسته مشاهده می کنی، پس تو نیز مثل زمین از پروردگارت فرمان برداری کن. خلاصه اینکه: ای انسان! فرمان برداری را از زمین یاد بگیر!

موضوع: فرمان پذیری زمین در تهی کردنش

قرآن کریم: (وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ) {۴}

(و آنچه را که در آن است بیرون افکند و تهی شود) (۴)

تفسیر: و آنچه را که زمین در درونش از گنجها، معادن و مردگان دارد بیرون اندازد و کاملاً خالی و تهی گردد،

موضوع: فرمان پذیری زمین در گوش فرا دادنش

قرآن کریم: (وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ) {۵}

(و به فرمان پروردگارش گوش دهد و سزاوار است که چنین کند) (۵)

تفسیر: و زمین به فرمان پروردگارش گوش فرا دهد و سزاوار است برایش که فرمان برداری امر پروردگارش را بنماید، زیرا: وی مخلوقی از مخلوقاتش می باشد پیوسته در فرمان برداری بوده است و در آن روز هم می باشد، آیا انسانها نمی اندیشند که این مخلوقات از آنها بزرگتراند، هیچ نوع نافرمانی نمی کنند، و پیوسته تابع اراده الله

عزوجل می باشند، بنا براین: این همه آیات تکوینی الله عزوجل در هر لحظه از شب و روز، به طور عملی درس فرمان پذیری از دستورات خالق و مدبر کاینات را برای ما می آموزاند.

موضوع: دیدن انسان نتیجه تلاش را

قرآن کریم: {يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ} {۶}

(ای انسان بی گمان تو در راه رسیدن به پروردگارت سخت تلاش و کوشش می کنی ، پس او را ملاقات خواهی کرد) (۶)

تفسیر: ای انسان! تو پیوسته با تلاش و کردار فراوان خیر باشد یا شر به طرف پروردگارت در حرکت می باشی، پس تو همراه تلاش و کردارت پروردگارت را ملاقات میکنی و به او روبه رو می شوی، بنا براین: تو تلاش و کرداری انجام بده که وسیله نجات تو در روز قیامت شود و رضایت الله عزوجل را برای تو به ارمغان آورد، نه اینکه تلاش و کردار تو در مسیری باشد که خشم پروردگارت را در پی داشته باشد.^۱ رسول الله ﷺ فرمودند: جبرئیل علیه السلام برایم گفت: ای محمد! زندگی کن آنچه می خواهی ولی مرگ به سراغ تو می آید، هرکسی را می خواهی دوست داشته باش ولی تو از او (روزی) جدایی شوی، هر نوع عمل و کرداری می خواهی انجام بده ولی تو با آن روبه روده و ملاقاتش خواهی کرد،^۲ پس در دنیا تلاش و زحمت به خاطر در یافت رضایت الله عزوجل انجام بده، رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که دیدار و ملاقات با الله عزوجل را دوست داشته باشد، الله عزوجل نیز ملاقات و دیدار با او را دوست دارد، و کسی که دیدار و ملاقات با الله عزوجل را نپسندد، الله عزوجل نیز ملاقات و دیدار با او را نمی پسندد، ام المومنین عایشه صدیقه رضی الله عنها میگوید: من گفتم: ای نبی الله! آیا مراد شما ناخوشی از مرگ است؟ مرگ برای همه ما ناخوشایند است، رسول الله ﷺ فرمودند: چنین نیست، ولی مومن هرگاه به رحمت، رضایت و جنت الله عزوجل بشارت داده شود، دیدار و ملاقات با الله

۱ امام طبری رحمه الله - به سند حسن از قتاده در تفسیر این آیه مبارکه روایت می کند که : ای فرزند آدم تلاش تو ضعیف است، کسی که دوست دارد که تلاشش در فرمان بر داری الله عزوجل باشد پس این کار را انجام دهد، لاحول ولا قوة الا بالله - الصحيح المسبور من التفسیر بالماثور، همین سوره.

کدح: کردار و تلاش انسان در خیر و یا شر را شامل می شود. «ضمیر» در فملاقیه بسوی الله عزوجل هم صحیح است که راجع شود و به سوی کدح هم راجع شود صحیح است.

۲ صحيح الجامع الصغير وزيادته (۴۳۵۵) المعجم الاوسط للطبرانی (۱۱۹) مسند ابی داود طيالسی (۱۸۶۲)

عزوجل را دوست می دارد و الله عزوجل نیز ملاقات با او را دوست می دارد، و کافر هرگاه به عذاب و خشم الله عزوجل خبر داده شود، ملاقات با الله عزوجل را نمی پسندد، و الله عزوجل نیز ملاقات با او را نمی پسندد،^۱ - الله عزوجل در آیات بعدی سرانجام این تلاش پیوسته انسان را به تفصیل بیان می کند.

بخش دوم: احوال انسان هنگام ملاقات با پروردگارش

موضوع: ۱- نشانه رستگاری، ۲- اثبات توزیع پرونده های مومنان و چگونگی آن

قرآن کریم: { فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ } { ۷ }

(اما کسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود) (۷)

تفسیر: اما هرکسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود، مراد؛ همان کتابی است که کردارها، گفتارها و باورهای نیک و بد انسان که در دنیا داشته در آن درج و ثبت گردیده است و در روز رستاخیز بدستش داده می شود تا خودش آنرا به چشم سر ببیند، بخواند و یاد آور آن اعمالش شود سپس خودش درمورد مطالب آن داوری کند، در آیه مبارکه دلیلی بر شرافت و کرامت دست راست نیز می باشد، و این فضیلت برای دست راست از احادیث صحیح زیر هم دانسته می شود،

۱- رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه یکی از شما به تشناب رفت شرمگاه هش را به دست راست مساس نکند...^۲

۲- رسول الله ﷺ شروع نمودن از راست را در حد توان در تمامی امور شان دوست داشتند، در طهارت کردن، شانه نمودن و کفش پوشیدن^۳

۳- مردی نزد رسول الله ﷺ به دست چپش چیزی را می خورد، رسول الله ﷺ برایش فرمودند: بدست راستت بخور! آن مرد (از دروغ به پیامبر ﷺ) گفت که: نمی توانم، رسول الله ﷺ برایش فرمودند: نتوانی! باز نداشت وی را از قبول حق مگر کبر، آن

۱ صحیح مسلم، ۱۵ (۲۶۸۴)

۲ صحیح البخاری (۱۵۳) و صحیح مسلم (۲۶۷)

۳ صحیح البخاری (۱۶۸) و صحیح مسلم (۲۶۸) - درمرقاة المفاتیح شرح مشکوٰه المصابیح ذکر نموده است که: استنجا از این حکم استثنا می باشد ولی مسواک نمودن، خوردن نوشیدن، مصافحه کردن، دادن، گرفتن، داخل شدن به مسجد، کم کردن بروت، تراشیدن سر، کندن موی زیر بغل، گرفتن ناخن و... مستحب است که از طرف راست باشد،

مرد دیگر نتوانست که دست راستش را به دهانش بالا کند^۱ - یعنی: دست راستش شل و خشک گردید.

موضوع: ۱- نتیجه رستگاری، ۲- نحوه محاسبه مومن

قرآن کریم: { فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا } { ۸ } (بزودی به حسابی آسان محاسبه شود) (۸)

تفسیر: زود است که با او در روز قیامت با آسانی، نرمی، مهربانی، آمرزش و عیب پوشی محاسبه شود و باوی مناقشه صورت نگیرد، ام المومنین عایشه رضی الله عنها می فرماید: هنگامیکه که رسول الله ﷺ فرمودند: هرکسی که مورد محاسبه قرار گرفت هلاک می شود، من همین دو آیه مبارکه فوق را خواندم و گفتم: الله عزوجل اینچنین می گوید، رسول الله ﷺ فرمودند: این عرض است، کسی که مورد مناقشه قرار گرفت هلاک می شود^۲، عرض عبارت از اینست که: گناهان مومنان برایشان پیش می شود و آنها نسبت به همه کردارهایشان آگاهی حاصل می کنند، سپس مورد آمرزش قرار می گیرند، تا اینکه احسان الله عزوجل را در پوشیدن گناهانشان در دنیا و عفو از آنها را در آخرت بدانند^۳ - مناقشه عبارت از اینست که: همراه انسان در کوچک و بزرگ سوال و جواب و سخت گیری شود و باوی گذشت صورت نگیرد، این کار برای اظهار عدل می باشد. - ام المومنین عایشه رضی الله عنها می گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که چنین دعا می کردند: اللَّهُمَّ حَاسِبْنِي حِسَابًا يَسِيرًا (یا الله در محاسبه با من آسان گیری کن) من گفتم: ای رسول خدا! محاسبه آسان چگونه است؟ رسول الله ﷺ فرمودند: محاسبه آسان اینست که: در کارنامه اعمال نگاه و نظر اندازی شود، سپس (صاحب آن) مورد عفو و گذشت قرار داده شود، بدون تردید کسیکه مورد مناقشه قرار گیرد هلاک می گردد^۴، به این دعای رسول الله ﷺ توجه نمودید! من و توی مسلمان روزانه چند مرتبه این گونه دعا می کنیم؟ -

۱ صحیح مسلم (۲۰۲۱) وقال القاري الهروي رحمه الله: حمله الجمهور علي الزجر والسياسة

۲ مسند احمد (۲۵۷۰۷) - صحيح البخاري (۴۹۳۹)

۳ در الكوثر الجاری الی ریاض احادیث البخاری فرق بین عرض و مناقشه را چنین بیان نموده است: عرض اینست که در کتاب و نوشته نگاه شود و بس، مثل اینکه فرمانروا در لشکر خود نگاه کند تا قدر و اندازه اش را بداند ولی مناقشه (سختگیری) مثل اینست که: سید برای غلام خود بگوید: درهم را درکجا به مصرف رساندی؟

۴ التعليقات الحسان علی صحیح ابن حبان (۷۳۲۸)، مشکوٰه المصابیح با احکام علامه البانی (۵۵۶۲)

موضوع: ۱- ثمره رستگاری، ۲- حالت مومنان هنگام دخول به جنت

قرآن کریم: {وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا} {۹}

(و شادومسرور به سوی خانواده اش باز میگردد) (۹)

تفسیر: واین انسان شادمان به سوی خانواده اش باز می گردد، از قتاده به سند حسن روایت شده است که: این شخص شادمان به سوی خانواده که در جنت الله عزوجل برایش آماده ساخته می رود^۱- د. ناصر بن سلیمان العمر درتفسیرش می نویسد: مراد به «اهله» زوجه، فرزندان مومن وزوجه اش از حورالعین می باشد که در جنت با آنها یکجا می شود. رسول الله ﷺ درمورد مومنانی که از دوزخ نجات پیدا می کنند و به جنت داخل می شوند، فرمودند: ... سوگند به آن ذاتی که نفس من به دست او است هریکی از آنها هنگامیکه داخل جنت می شود از موقعیت منزل وقصر خود در جنت نسبت به خانه که در دنیا داشت بهتر آگاهی دارد^۲ - یعنی: ضرورت به پرسیان از موقعیت قصرش را در جنت ندارد، خودش جای آنرا خوب و از همه بهتر می داند وبلد است. یا الله! جنت را نصیب من و تمامی مردان مومن و زنان مومنه بگردان، یا حی، یا قیوم.

موضوع: ۱- نشانه بدبختی، ۲- اثبات توزیع پرونده های کافران وچگونگی آن

قرآن کریم: (وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ) {۱۰}

(و اما کسی که کارنامه اش از پشت سرش به او داده شود) (۱۰)

تفسیر: واما کسی که درآن روز از پشت سر نامه اعمالش به او داده شود، در تفسیر «الوسیط» چنین ذکر نموده است: اما کسی که نامه اعمالش بخاطر سیاهی و زشتی کردارش از پشت سر به دست چپش داده شود، این نحوه برخورد در روز قیامت با شخص کافر است،

سوال: چه حکمتی وجود دارد که نامه اعمال کافر از پشت سرش به او داده می شود؟
جواب: واللہ اعلم، حکمت های زیر می تواند وجود داشته باشد:

۱ الصحیح المسبور
۲ صحیح البخاری (۶۵۳۵)

۱- فرشتگانی که کار نامه اعمال کافران را می دهند، توانایی دیدن آنها را ندارند، زیرا: کافران خیلی چهره های زشتی در آن روز دارند.

۲- از جهت شدت بغض و نفرتی که نسبت به کافران دارند به چهره های آنها نگاه نمی کنند از پشت سر نامه های اعمال آنها را می دهند،

۳- کافران در دنیا کتاب الله عزوجل را پشت سر خود انداختند و به آن عمل نکردند، به همین خاطر در روز قیامت نامه اعمال آنها از پشت سرشان داده می شود. تا جزای شان از جنس عمل شان گردد.

موضوع: ۱- پیامد بدبختی، ۲- از نداها و فریادهای کافر در قیامت:

قرآن کریم: { فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا } { ۱۱ } { پس به زودی مرگ و نابودی را می طلبد } (۱۱)

تفسیر: این کافر به زودی نابودی را می طلبد و ندا می کند: ای وای به حال من، حال این شخص آن قدر بد میشود که یگانه آرزویش نابودی وی می گردد. «ثبور» به معنای نابودی است و این کلمه بود که در فرود آمدن اندوه ها، پریشانیها و واقع شدن در بدبختیها استعمال می کردند. آیه مبارکه (۱۳) سوره فرقان از احوال منکران قیامت در بین جهنم چنین خبری دهد: هنگامیکه منکران وقوع قیامت با غل و زنجیر به جای تنگی از آتش جهنم انداخته شوند. آنجاست که واویلا سری دهند و در خواست نابودی را می کنند. وی گویند: ای نابودی! کجایی چرا به سراغ ما نمی آیی؟

موضوع: ۱- پیامد بدبختی، ۲- اثبات جهنم

قرآن کریم: { وَيَصْلَى سَعِيرًا } { ۱۲ } { و در آتش افروخته درآید } (۱۲)

تفسیر: و به آتش سوزان جهنم در می آید و برای همیشه می سوزد

موضوع: ۱- نکوهش شیفته شدن به دنیا، ۲- از اسباب ورود به جهنم

قرآن کریم: { إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا } { ۱۳ } { بیگمان اودر دنیا میان خانواده خود شادمان بود } (۱۳)

تفسیر: بیگمان این کافر در میان خانواده خود در اجرای خلاف آنچه الله عزوجل فرمان داده بود شادمانی می کرد، و در پیروی از خواهشات نفسش مسرور بود، از

عواقب کار هایش بیم نداشت و نمی ترسید، بعد از شادمانی اندک وی در دنیا، پریشانی و اندوه همیشگی او را درمی نوردد.

موضوع: از اسباب ورود به جهنم (جهنم پیامد انکار رستاخیز)

قرآن کریم: {إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ} {۱۴} {به راستی او می پنداشت که هرگز برنخواهد گشت} (۱۴)

تفسیر: این کافر می پنداشت که هرگز بعد از مرگ به سوی پروردگارش باز نخواهد گشت و دوباره زنده نخواهد شد.

موضوع: مراقبت الله عزوجل از بنده اش

قرآن کریم: بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا {۱۵} {آری در حقیقت پروردگارش به او بینا بود} (۱۵)

تفسیر: بیگمان این کافر دوباره زنده گردیده و جهت محاسبه و مجازات به سوی پروردگارش باز می گردد و پروردگارش به تمام گفتار و کردار او بینا است.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱- اثبات عقیده رستاخیز و جزا ببیان مقدمات آن در دیگرگونی های گونی (هستی)

۲- مثل اینکه آسمان و زمین از پروردگارشان فرمان برداری می کنند، انسانها و جنیات هم باید همین گونه از پروردگار خود فرمان برداری کنند و از آنها درس بگیرند

۳- دنیا سراسر دار خستگی، دشواری و تلاش می باشد، نیکبخت کسی است که این دشواری ها و تلاش ها را در فرمان برداری الله عزوجل سپری کند.

۴- اهل ایمان و تقوی به حساب آسان مورد محاسبه قرار می گیرند، و آن عبارت از پیش نمودن اعمال شان است و بس، ولی با کسانیکه مناقشه شود به عذاب گرفتار می شوند.

۵- دعای ماثور رسول الله ﷺ را بخاطریکه در محاسبه ات آسان گیری شود ترک نکن.

۶- امورات نیک و پاکیزه خود را از طرف راست شروع کن.

بخش سوم: احوال انسان در این دنیا

موضوع: ۱- از دلایل قدرت الله عزوجل، ۲- اهمیت روز

قرآن کریم: { فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ } { ۱۶ } (نه نه! سوگند به شفق) (۱۶)

تفسیر: به « شفق » سرخی که بعد از غروب آفتاب است سوگند یاد می کنم، این سرخی بعد از غروب آفتاب به وجود می آید که به انتهای آن وقت نماز شام پایان می یابد و وقت نماز خفتن شروع می شود.

علامه سعدی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: الله عزوجل در اینجا به «شفق» که باقی مانده نورخورشید و آغاز گرشب است سوگند یاد نموده است، امام طبری رحمه الله از امام مجاهد رحمه الله به سند صحیح روایت نموده است که: «شفق» همه روز است^۱، یعنی: الله عزوجل به همه روز سوگند یاد نموده است.

موضوع: اهمیت شب

قرآن کریم: { وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ } { ۱۷ } (سوگند به شب و آنچه را فرومی پوشد) (۱۷)

تفسیر: و سوگند به شب و به هر آنچه که از مخلوقات را زیر چادر خود فرا می گیرد، شب آن حیوانات وحشراتی را که در جریان روز پراکنده بودند یکجا می سازد و فرو می پوشاند. تا در تحرک بیش از حد قوا و نیروی شان را هدر ندهند.

موضوع: ۱- از دلایل قدرت الله عزوجل، ۲- اهمیت مهتاب

قرآن کریم: { وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ } { ۱۸ } (سوگند به ماه چون فروغش کامل شود) (۱۸)

تفسیر: و به مهتاب سوگند یاد می کنم هنگامیکه در شب چهاردهم^۲ نورش کامل گردد و درخشش آن در آفاق منتشر شود، هر یک از این اشیای که الله عزوجل به آنها در این سوره سوگند یاد نمود، دلیل روشنی بر قدرت الله عزوجل، علم و تدبیر او می باشد، زیرا: پیدایش این اشیاء، تغییر منظم آنها از یک حالت و هیئت به حالت و هیئت دیگر، مصالح و منافع دینی و دنیوی که در آنها گذاشته شده، به حکم شرع

۱ الصحيح المسبور من التفسير بالماثور، همین سوره

۲ وسایر شب های بیض (۱۳-۱۴-۱۵)

وعقل انسان را به سوی آفریدگارشان رهنمایی می کند و نمایشی از فرمان برداری آنها را در هر ساعت برای انسانها و جنیات تقدیم می نماید.

موضوع: دیگرگونی ها در زندگی دنیوی و اخروی انسان

قرآن کریم: { لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ } { ۱۹ } (که شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید) (۱۹)

تفسیر: قطعاً شما دیگرگونی ها، مراتب، و حالات مختلفی را یکی پس از دیگر پشت سر می نهید، علامه سعدی رحمه الله در تفسیر این آیه مبارکه چنین می نویسد: شما ای انسانها حالات مختلفی را سپری می کنید، از نطفه به خونی بسته و از خون بسته به تکه گوشتی تبدیل می شوید، سپس روح در وجود شما دمیده می شود، بعد از آن دوران طفولیت و کودکی را پشت سر می گذارید و به سن تکلیف می رسید، سپس می میرید و بعد از مرگ زنده گردیده و در برابر اعمال خود مکافات و مجازات می شوید، هر یک از این مراحل مختلف دلیلی بر قدرت، علم، حکمت، و تدبیر الله عزوجل می باشد، و اینکه بنده ضعیف و ناتوان است و تحت تدبیر الله توانا و مهربان قرار دارد.

موضوع: اظهار تعجب از عدم ایمان کافران

قرآن کریم: { فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ } { ۲۰ } (پس آنان را چه شده که ایمان نمی آورند) (۲۰)

تفسیر: این مشرکان را چه شده که با وجود این همه دلایل، بر توحید الله عزوجل تصدیق نمی کنند، و بر زنده شدن بعد از مرگ اقرار نمی نمایند؟، درحالیکه رستاخیز نیز مثل همین دیگرگونی های ذکر شده است که در هر ساعت در اطراف خود به چشم سر مشاهده می کنند،

موضوع: ۱- وجوب سجده برای الله عزوجل، ۲- وجوب ابلاغ لفظ و معنای قرآن

قرآن کریم: { وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ } { ۲۱ } و چون بر آنان قرآن تلاوت شود سجده نمی کنند (۲۱)

تفسیر: وهنگامیکه قرآن کریم بر آنان خوانده شود فروتنی و یقین نکرده، اوامر و نواهی آنرا فرمان برداری نمی کنند و برای الله عزوجل سجده نمی نمایند، ترک سجده همیشه زیان را به همراه داشته است، ابلیس را به چه ذلتی کشانید؟ ولی برعکس؛ سجده کنندگان اهل درجات والا درجنت گردیدند، ربیعۃ اسلمی از رسول الله ﷺ می خواهد تا در جنت همراه ایشان قرارگیرد، رسول الله ﷺ وی را به زیاد سجده کردن دستور دادند^۱، اما در مورد حکم سجده تلاوت در این آیه مبارکه: امام آلوسی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: به سند صحیح ثابت شده است که رسول الله ﷺ هنگام تلاوت این آیه سجده نمودند، و این سجده در نزد امام شافعی رحمه الله سنت است و در نزد امام ابوحنیفه رحمه الله واجب می باشد. ابو هریره رضي الله عنه می گوید: ما همراه رسول الله ﷺ در (اذا السماء انشقت...) و (اقرا باسم ربک...) سجده نمودیم^۲.

موضوع: ۱- لزوم تصریح بر کفرکافر، ۲- تکذیب آنچه رسول الله ﷺ آوردند، کفر است قرآن کریم: {بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ} {۲۲}

{ نه ! بلکه آنان که کفر ورزیده اند تکذیب می کنند } (۲۲)

تفسیر: بلکه کافران همواره قرآن کریم، و آخرت را انکار می کنند، این اظهار تعجب است که کافران با توجه به وجود دلایل متعدد روشن تکوینی و تنزیلی دیدنی و شنیدنی بروجوب ایمان، باز هم این افراد بر کفر خود اصرار می ورزند.

موضوع: ۱- هشدار از اعمال زشت قلبی، ۲- مراقبت الله عزوجل از تمام احوال بندگان قرآن کریم: {وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ} {۲۳} (و خدا به آنچه در سینه دارند دا نا تر است) (۲۳)

تفسیر: الله عزوجل آگاه تر است به آنچه این مشرکان از تکذیب به قرآن کریم و دشمنی با پیامبر ﷺ و مومنان در دل دارند.

موضوع: ۱- پیامد کفر و تکذیب، ۲- وجوب ابلاغ اعمالیکه سبب ورود به جهنم می شود.

۱ صحیح مسلم (۴۸۹)

۲ سنن ابن ماجه (۱۰۵۸)، سنن ابی داود (۱۴۰۷)، سنن ترمذی (۵۷۳)

قرآن کریم: {فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ} {۲۴} (پس آنان را به عذابی دردناک بشارت بده)
(۲۴)

تفسیر: ای رسول ما! این کافران را که حقانیت قرآن کریم و رسالت ترا تکذیب کردند به عذاب درد آوری که در انتظارشان است خبر بده.

موضوع: ۱ - لزوم تصریح برایمان مومن: ۲ - ثمره ایمان

قرآن کریم: {إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ} {۲۵}
(مگر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند که برای آنان پاداشی پایان ناپذیر است.) (۲۵)

تفسیر: مگر کسانی که بر توحید اقرار نمودند و نبوت ترا تصدیق کردند و بر زنده شدن بعد از مرگ یقین کردند و اعمال نیک را مطابق روش تو انجام دادند، برای ایشان پاداشی بی شمار، پایان ناپذیر و ناکاسته مهیا شده است.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱ - عدم ایمان انسان کار تعجب آور، غیر عاقلانه، غیر منصفانه و غیر منطقی است، زیرا: بروجوب آن کتاب نازل شده، رسول فرستاده شده و دلایل قطعی شرعی و عقلی اقامه گردیده است.

۲ - هشدار عذاب بر کافران.

۳ - مشروعیت سجده تلاوت و حکم آن.

۴ - هشدار از داشتن نیت فاسد و پنهان ساختن شر در قلب.

۵ - بشارت پاداش برای مومنان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: بروج

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۲۲

تعداد کلمات: ۱۰۹

اعداد حروف: ۴۵۸

وجه نام گذاری این سوره: منازل ستارگان را بروج می نامند، از جهت اینکه در آغاز این سوره، الله عزوجل به آسمان دارنده برج ها سوگند یاد نموده این سوره به این نام مسمی شده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره دربرگیرنده آنست:

۱: این سوره مکی جهت مهمی را از جهات عقیده که عبارت از قربانی دادن در راه الله عزوجل می باشد به تصویر می کشاند، در آغاز این سوره به آسمان دارنده برجهای روز قیامت، روز جمعه و روز عرفه سوگند یاد شده است براینکه ستمکاران در دنیا هلاک شدند و در روز آخرت نیز آتش جهنم آنها را درمی نوردد،

۲: بیان گرفتن انتقام از دشمنان الله عزوجل

۳: وجوب پندگرفتن از قصه فرعون و ثمود

۴: بزرگی قرآن مجید و حفاظت آن

از مقاصد این سوره:

۱: اظهار قدرت الله عزوجل

۲: بیان اینکه: سرانجام نیک از آن مومنان است.

۳: بیان فضیلت صبر بر آزار مشرکان و قربانی دادن بخاطر دین الله عزوجل.

این سوره به چهاربخش تقسیم می شود:

بخش اول: سوگند الله عزوجل بر برخی از اشیا جهت بیان ارزش آنها

موضوع: ارزش آسمان

قرآن کریم: {وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ} {۱} (سوگند به آسمان دارنده برجها) (۱)

تفسیر: سوگند به آسمان که دارنده برجها است، امام قرطبی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: الله عزوجل به بروج قسم یاد نموده است، و در تفسیر «بروج» چهار دیدگاه وجود دارد، ۱: دارنده ستارگان است، ۲: قصرهای در آسمان است، ۳: آفرینش زیبای آسمان، ۴: دارنده منازل می باشد و این همان منازل ستارگان، آفتاب و مهتاب است^۱ - بنده ضعیف، دیدگاه اول را ترجیح می دهد، زیرا امام طبری رحمه الله، از امام مجاهد رحمه الله، به سند صحیح روایت نموده است که: «بروج» به معنای: ستارگان می باشد، ۲- بلی، الله عزوجل به آسمان که دارنده ستارگانی به شمول آفتاب و مهتاب است سوگند یاد نمود که تعداد آنها از میلیاردها می گذرد، و هرکدام از آنها دلیلی بر کمال قدرت، علم و تدبیر الله عزوجل است.

موضوع: اهمیت روز قیامت و اثبات آن

قرآن کریم: (وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ) {۲} (سوگند به روز موعود) (قیامت) (۲)

تفسیر: سوگند به روزی که جهت حکم و فیصله بین جهانیان مقرر و تعیین شده است، که با رسیدن زمانش حتماً به وقوع می پیوندد و آن روز، روز قیامت می باشد، موضوع: اهمیت روز جمعه و روز عرفه:

قرآن کریم: {وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ} {۳} (سوگند به گواه و مورد گواهی) (۳)

تفسیر: سوگند به روز جمعه و سوگند به روز عرفه، رسول الله ﷺ فرمودند: «یوم موعود» روز قیامت، «یوم مشهود» روز عرفه، و «شاهد» روز جمعه می باشد،...^۳

۱ تفسیر امام قرطبی رحمه الله - همین سوره ،

۲ الصحیح المسبور من التفسیر بالمأثور، تفسیر همین سوره بروج- ولی امام ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیرش می نویسد: دیدگاه صحیح تر اینست که معنا چنین باشد: سوگند به آسمان دارنده منازل آفتاب و مهتاب. و آنها منازل بلندی در آسمان است...

۳ سنن ترمذی (۳۳۳۹)، المعجم الاوسط (۱۰۸۷)، صحیح الجامع الصغیر و زیاده (۸۲۰۱)، السلسله الصحیحه (۱۵۰۲)

روز جمعه گواه است، بر آنچه عمل کنندگان در آن عمل کنند گواهی می دهد، روز عرفه مشهود است، زیرا: مردم و فرشتگان شاهد و حاضران مراسم می شوند،

فضیلت روز جمعه:

۱: رسول الله ﷺ فرمودند: بهترین روزی که آفتاب بر آن طلوع نموده روز جمعه است، در آن روز آدم علیه السلام آفریده شده و به جنت داخل شده است و در همین روز از جنت بیرون شده است و قیامت برپانی شود مگر در روز جمعه^۱

۲: رسول الله ﷺ فرمودند: در جمعه ساعتی است، مصادف نمی شود به آن بنده مسلمانانی که از الله عزوجل خیری را بخواهد مگر اینکه برایش می دهد^۲

فضیلت روز عرفه:

۱: رسول الله ﷺ در مورد فضیلت روزه روز عرفه فرمودند: گناهان یک سال گذشته و یک سال آینده را از بین می برد...^۳

۲: رسول الله ﷺ فرمودند: بهترین دعاء؛ دعاء روز عرفه است و بهترین چیزی که من و پیامبران پیش از من در این روز گفتیم: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، میباشد.^۴

بخش دوم: داستان خندق داران

موضوع: نفرین شدن اصحاب اخدود (خندق داران)

قرآن کریم: { قَتَلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ { ۴ } } (خندق داران به هلاکت و نابودی رسیدند)
(۴)

مناسبت بین قسم و جواب آن: برجهای که بر آنها سوگند یاد شده است به قولی منازل ستارگان در آسمان می باشد، و موقعیت آنها نهایت بلند است، مومنانیکه در فتنه واقع شدند و مورد شکنجه و قتل کافران قرار گرفتند، در نزد الله عزوجل مثل منازل ستارگان دارای منزلت بلند و والا می باشند

۱ صحیح مسلم، ۱۷ (۸۵۴)

۲ صحیح مسلم، ۱۵۰ (۸۵۲)

۳ صحیح مسلم، ۱۹۷- (۱۱۶۲)

۴ سنن ترمذی (۳۵۸۵)، وحسنه الالبانی.

تفسیر: صاحبان گودالهای آتش به لعنت و عذاب الهی گرفتار شدند، امام طبری رحمه الله به سند حسن از امام مجاهد رحمه الله روایت می کند که: خندقهای در سرزمین نجران موجود بود که مردم را در آنها عذاب می کردند^۱، کافران در سرزمین یمن گودال مستطیل شکلی را حفر نموده بودند و در آن آتش زیادی را روشن کرده بودند، آنها کسانی را که ایمان آورده بودند جمع آوری می کردند و در کنار این کوره^۲ آدم سوزی دو گزینه برایشان پیشنهاد می نمودند، ۱: کفر به الله عزوجل، ۲: افگنده شدن به این کوره بزرگ آدم سوزی، ولی مومنان از ایمان خود دست بر نمی داشتند و گزینه دوم را اختیار می کردند، و این کافران آنها را دسته دسته به این کوره می انداختند^۳، رسول الله ﷺ فرمودند: پیش از شما فرمانروایی بود و ساحری داشت، زمانی که این ساحر به کهن سالی رسید برای فرمانروا گفت: من کهن سال شدم پس یک پسر نو جوان برای من بفرست تا برایش سحر را تعلیم دهم، آن فرمانروا پسر نوجوانی را بسوی ساحر فرستاد تا برایش سحر را تعلیم دهد، در مسیری که این پسر نوجوان می پیمود راهبی^۴ وجود داشت، این پسر نوجوان نزد راهب رفت و از کلام آن شنوید و حرفهای این راهب برای آن پسر خوش آیند واقع می شد و بروی تاثیر می گذاشت، هر باری که نزد ساحر می رفت راهب را نیز در مسیرش ملاقات می نمود و نزد آن می نشست، هرگاه نزد ساحر می رفت وی پسر نوجوان را (به خاطر تاخیرش) شکنجه می نمود، این پسر نوجوان از شکنجه ساحر بسوی راهب شکایت نمود، راهب برایش گفت: وقتی از ساحر ترسیدی، پس بگو: خانواده ام من را باز داشت و هرگاه از خانواده ات ترسیدی بگو: ساحر مرا باز داشت^۵ - این پسر نوجوان بر جانور بزرگی (شیری) مواجه شد که مردم را از مسیر شان باز داشته بود، وی گفت: امروز می دانم که ساحر بهتر است یا راهب، سنگی را گرفت و گفت: یا الله! اگر امر این راهب بسوی تو محبوب تر است با این سنگ؛ جانور را به قتل می رسانم تا مردم را اذیت نکند با آن سنگ زد و آن را کشت، سپس نزد راهب آمد داستان را برایش بازگو کرد، راهب برایش گفت: ای پسرکم! امروز تو از من بهتری و به زودی مورد ابتلا واقع می شوی اگر در ابتلا واقع شدی از حال من برای هیچ کس خبر نده،

۱ صحیح المسبور من التفسیر بالمأثور، همین سوره

۲ امام ابن کثیر رحمه الله به نقل از مقاتل می نویسد: گودال ها سه تا بودند ۱: به نجران یمن، ۲: به شام، ۳: به فارس...

۳ زاهد و گوشه نشین، عالم دین مسیح که به ریاضت بپردازد.

۴ دراکم ل المعلم بفوائد مسلم، در شرح این حدیث چنین بیان شده است: از این روایت جواز گفتن دروغ در وقت ضرورت و به خاطر دفاع از ایمان دانسته می شود

و این پسر نوجوان (با دعایش) نابینا و پیس را - باذن الله عزوجل - بهبودی می بخشید و از سایر مریضی ها نیز مردم را تداوی می نمود، یکی از همنشینان فرمانروا نابینا شد، برای این پسر نوجوان تحفه های زیادی آورد، این پسر گفت: من کسی را شفا نمی دهم، الله عزوجل شفا می دهد، اگر تو ایمان به الله عزوجل بیاوری من دعا می کنم، الله عزوجل ترا شفا می دهد، این شخص به الله ایمان آورد و الله آن را شفا داد، این شخص نزد فرمانروا آمد و در حضورش نشست، چنانچه که قبلا می نشست، فرمانروا برایش گفت: چه کسی چشم های ترا باز گردانده است؟ وی گفت: پروردگار من، فرمانروا گفت: آیا برای تو پروردگاری غیر از من هست؟ این شخص گفت: پروردگار من و تو الله هست، فرمانروا این شخص را گرفت و پیوسته شکنجه مینمود، تا آنکه آنان را به سوی پسر نوجوان رهنمایی کرد، پسر نوجوان را حاضر کردند، فرمانروا برایش گفت: ای پسرکم! سحر تو بجای رسیده که نابینا و پیس را بهبودی می بخشی، و به وسیله آن چنین و چنان میکنی، آن نوجوان گفت: من کسی را شفا نمی دهم، الله عزوجل هست که شفا میدهد، فرمانروا این نوجوان را گرفت و پیوسته شکنجه می نمود تا آنکه آنان را بسوی راهب رهنمایی کرد، راهب آورده شد، و برایش گفته شد: از دین خود برگرد! وی نپذیرفت، فرمانروا وی را با اره دو نیم کرد، سپس جوان آورده شد، برایش گفته شد: از دین خود برگرد! وی نپذیرفت، آن را به دست یک گروهی تحویل داد و گفت این را بسوی فلان کوه ببرید و بالای کوه بلندش کنید، هرگاه در قله کوه رسیدید اگر از دینش باز نگشت آن را بیفکنید، آن را بسوی کوه بردند و بر کوه بالایش نمودند، این پسر نوجوان گفت: یا الله! به آنچه می خواهی از شر اینها نجاتم ده! کوه با غرش و صدا آنها را جنبانید؛ همه آنها از بلندی کوه به پایین سقوط کردند (و مردند) و این جوان سالم بسوی فرمانروا آمد، فرمانروا برایش گفت: همراهانت چه شد؟ این نوجوان گفت: الله عزوجل از شرشان امانم داد، سپس این جوان را به گروهی از لشکریانش سپرد و گفت: این را ببرید در کشتی سوارش کنید، هنگامیکه در وسط دریا قرار گرفتید اگر از دینش باز نگشت آنها در دریا بیفکنید، آنها بردند، و این نوجوان چنین دعا کرد: یا الله به آنچه می خواهی از شر اینها نجاتم ده، همه آنها با کشتی غرق شدند و این جوان سالم نزد فرمانروا باز گشت، وی گفت: همراهانت چه شد؟ جوان گفت: الله عزوجل من را از شرشان نجات داد، این نوجوان برای فرمانروا گفت: تو نمی توانی من را به قتل برسانی مگر اینکه آنچه را برایت می گویم به اجرا بگذاری، فرمانروا

گفت: آن چیست؟ نوجوان گفت: مردم راهمه در یک مکان یکجا بساز، من را بر شاخهٔ درخت خرما به دار آویزان کن، سپس تیری را از تیردان من بگیر و چنین بگو: به نام پروردگار این جوان، سپس آنرا به طرف من شلیک کن، وی چنین کرد و تیر در بین چشم و گوش نوجوان اصابت کرد و وفات یافت، وقتی مردم این حالت را دیدند همه گفتند: ما به پروردگار این نوجوان ایمان آوردیم، ما به پروردگار این نوجوان ایمان آوردیم، ما به پروردگار این نوجوان ایمان آوردیم، برای فرمانروا گفته شد: آنچه را که بیم داشتی بر تو فرود آمد و همه مردم ایمان آوردند، فرمانروا دستور به کندن گودال داد، گودال حفر شد و آتش را در آن بر افروختند، فرمانروا گفت: هر کس از دینش برنگشت آنرا در آن گودال و کورهٔ انسان سوزی بیفکنید، سر بازانش چنین کردند، تا اینکه یک زن را همراه طفلش حاضر نمودند، این زن خود را عقب کشید، طفلش برایش گفت: ای مادر! صبر و شکیبایی داشته باش که تو برحق هستی^۱

برخی از فواید این قصه:

۱: هر طفل نوزادی بر فطرت (ایمان و سرشت دین پذیری که الله عزوجل در وجودش قرار داده است) تولد می شود و فطرت سالمش او را به طرف حق می کشاند، چنانچه این نوجوان را کشاند،

۲: گفتن دروغ جهت رهایی از کید کافر و ظلم ظالم جواز دارد

۳: فضیلت دور ساختن اشیای که سبب اذیت و آزار مردم از مسیر و معبرشان شود.

۴: مومن صادق فعل کرامت را به الله عزوجل نسبت می دهد نه به خود

۵: هر کسی که به معروف امر کند و یا از منکر نهی کند مورد ابتلا واقع می شود، پس باید در این حال صابر باشد،

۶: هرگاه کسی در تعبیرش خطا کند بر آن حالت باقی گذاشته نشود، بلکه روش صحیح برایش بیان گردد، مخصوصاً در بحث عقیده؛ طوریکه این نوجوان گفت: من شفا نمی دهم، الله شفا می دهد، بنابراین: هرگاه داروی را که یک داکتر تجویز کرد و سبب

۱ صحیح مسلم، ۷۳- (۳۰۰۵) باب قصه اصحاب الاخدود و الساحر و الراهب و الغلام

شفای مریض گردید، این طور گفته نشود که: داکتر ویا دوا شفا داد، بلکه گفته شود: الله عزوجل شفا داد.

۷: دارندگان ایمان قوی تمام تهدید ها، سختیها و دشواری ها را بخاطر ایمان شان قبول میکنند و تحت هیچ فشاری از آن دست بردارنیستند.

۸: قربانی نمودن نوجوان نفسش را بخاطر ایمان آوردن دیگران، این روش مومنان مخلص به خاطر نجات امت شان است. از این حدیث مشروعیت عملیات شهادت طلبانه بخاطر دریافت مصلحتی دانسته می شود. تفصیل این موضوع در آیه (۱۹۵) سوره بقره گذشت.

۹: مصیر مومنان به سوی جنت و مصیر کافران به سوی جهنم است.

موضوع: وسیله تعذیب مومنان توسط خندق داران

قرآن کریم: {النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ} {۵} (خندقهای پر از آتش دارای هیزم بسیار) (۵)
تفسیر: آن آتشی که هیزم فراوان داشت، بلی: کافران جهت تعذیب مومنان گودال و کوره انسان سوزی را پر از آتش و هیزم ترتیب داده بودند.
موضوع: نکوهش نشستن در مجلس گناه:

قرآن کریم: {إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ} {۶} (آنگاه که برکناره آن نشسته بودند) (۶)
تفسیر: هنگامیکه آنان به اطراف آن گودال در صندلی ها نشسته بودند، سوختن و بریان شدن مومنان را تماشا می کردند.

موضوع: ۱- نکوهش حاضر شدن بدون انکار در مجلس گناه، ۲- گواهی الله عزوجل بر ایمان داری کسانی که خندق داران آنها را عذاب نمودند.

قرآن کریم: {وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ} {۷} (وآنان آنچه را با مومنان انجام می دادند تماشا می کردند) (۷)

تفسیر: آنها کفر را بر مومنان پیش می کردند، کسی که نمی پذیرفت، در آتش می افکندند و نگاه می کردند که چگونه به آتش بریان می شوند و از تماشای این حالت فجیع و درد آور لذت می بردند و شادمان می شدند، و همچنان بعضی از آنها به نفع بعضی دیگر در نزد فرمانروا گواهی می دادند تا ثابت بسازند که در کار آنها کوتاهی

نشده است، وظیفه و ماموریت خود را طوریکه فرمان یافته بودند به اجرا گذاشتند، یهودیان، نصرانیان، روسها، آمریکایی ها و هم پیمانان آنها، عین همین روش اصحاب اخدود را بر سر مومنان در افغانستان، سوریه، عراق، فلسطین، چیچن، افریقای وسطی، بورما، کشمیر و... ایجاد نمودند، الله عزوجل صلیبی های غربی و ناتو را در افغانستان شکست داد و با رسوایی آشکار فرار کردند، ولی بخش دیگر پیکر امت اسلامی در آتش شان هنوز هم می سوزد. ثبات و استقامت این مومنان در دین شان - ان شاء الله - کمتر از مومنانی که اصحاب اخدود آنها را عذاب کردند نیست، و همچنان پاداش آنها - ان شاء الله - کمتر نخواهد بود،

موضوع:

۱- عیب دانستن ایمان و اعمال نیک از اوصاف اصحاب اخدود بود

۲- سبب تعذیب

۳- وعده برگرفتن انتقام از کافران

۴- گواهی الله عزوجل به صحت ایمان کسانی که خندق داران آنها را عذاب کردند

قرآن کریم: {وَمَا نَقْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ} {۸}

(و هیچ ایرادی از آنان نگرفتند، جز اینکه به الله پیروز مند ستوده ایمان آوردند) (۸)

تفسیر: شکنجه گران بر مومنان جز ایمان به الله توانا و ستوده دیگر هیچ ایراد و عیبی نگرفتند، وقتی شیطان بر نفس انسان چیره شود، نیکی در نظرش بدی جلوه می کند، از همین جهت ایمان داشتن در نزد آنان جرمی بود که مستحق افکندن در آتش می گردید،- الله عزوجل در گفتار، اوصاف و کارهایش ستوده شده است، در ذکر «العزیز» اشاره بر اینست: الله عزوجل انتقام اولیایش (مومنان) را دشمنانشان می گیرد و بر این کار توانا است. هرگاه مسلمان در بلا و مصیبتی هم که گرفتار می شود در کنار صبر و شکیبایی و استقامت در دین؛ ستایش الله عزوجل نیز را بنماید، رسول الله ﷺ هرگاه با امری مواجه می شدند که ایشانرا خوشحال میکرد می فرمودند: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ) (ستایش مخصوص الله عزوجل است ذاتی که به فضل و کرم او نعمت های زیبا تکمیل می شود) «پس ای مسلمان! هر لحظه که در زندگی احساس نعمت و خوشحالی نمودی در خواندن دعای ذکر شده به پیامبرت ﷺ

اقتداکن» و هرگاه رسول الله ﷺ با امری مواجه می شدند که ایشان را نا راحت و پریشان می کرد می فرمودند: (الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ)^۱ (ستایش بر هر حال مخصوص الله عزوجل است)، «پس ای مسلمان! هر لحظه که در زندگی دچار رنج، بلا و مصیبتی شدی در کنار صبر و پایداری در دین در خواندن دعای ذکر شده به پیامبرت ﷺ اقتداکن»

موضوع: ۱- بزرگی و عظمت الله عزوجل، ۲- در فرمان روایی بر ذرات زمین و آسمان با الله کسی شریک نیست، ۳- مراقبت الله عزوجل از همه اشخاص و همه اشیا
قرآن کریم: {الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ} {۹}
(همان کسی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست والله بر هر چیز گواه است)
(۹)

تفسیر: این اشخاص به پروردگاری که فرمانروایی آسمان و زمین از آن اوست ایمان آوردند، والله عزوجل بر همه چیز گواه است، براو هیچ امری از امور پوشیده نیست، و از مقتضای حکمت و عدالت او اینست که: این ظالمان را در برابر ظلم آنها مجازات می کند، انتقام مومنان را از ایشان گرفته و ستمکاران را به حال خودشان رها نمی نکند^۲

بخش سوم: تفاوت بین فرمان بردارندگان و نافرمانان و سرانجام هر کدام آنها

موضوع: ۱- اسباب ورود به جهنم، ۲- توبه مانع نزول عذاب است، ۳- اثبات وجود جهنم، ۴- دفاع الله عزوجل از مومنان.

قرآن کریم: {إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ} {۱۰}

(کسانی که مردان و زنان مؤمن را شکنجه دادند سپس توبه نکرده اند. عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان برای شان آماده است) (۱۰)

۱ سنن ابن ماجه (۳۸۰۳)، باب فضل حامدين - صحيح الجامع الصغير وزيادته (۴۷۲۷)
۲ صفاتی که در آیه (۸) و (۹) این سوره برای الله عزوجل ذکر شده انسان را به سوی ایمان به الله عزوجل، فرمان برداری، محبت، و خشیت اومی کشاند، ولی کافران با فاسد ساختن فطرت خود آنچه را سبب ایمان شان می گردید، سبب گناه قرار دادند.

تفسیر: بی گمان ستمکارا نیکه مردان مومن وزنان مومنه را از عمل به دین شان باز داشتند، تعذیب کردند و به آتش سوختاندند، سپس توبه هم نکردند و از کردار زشت و باور پلشت خود دست بردار نشدند، برای آنها در آخرت عذاب جهنم است و در دنیا عذاب سوزان^۱ - امام بغوی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: گفته شده که الله عزوجل اصحاب اخدود را به همان آتشی که برای مومنان بر افروخته بودند سوختاند، - حسن بصری - رحمه الله - می گوید: به سوی این کرم و بخشش الله عزوجل بنگرید! دوستان او را کشتند ولی او آنها را به توبه و آمرزش دعوت می کند، بلی: رحمت الله عزوجل فراخ است، بنده از هر گناهی که توبه کند وعده آمرزش برایش داده شده است،

چهار جمله آموزنده، موثر و مفید در مورد توبه:

۱: دروازه توبه بر روی عموم کافران باز است اگر توبه کنند،

زیرا: الله عزوجل فرموده است: (قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ...) ^۲ (به آنانیکه کفر ورزیدند بگو: اگر از کفر و عناد دست بردارند، آمرزیده شود برای شان آنچه گذشته است)

۲: دروازه توبه بر روی کسیکه می گفت: من پروردگار بزرگ شما هستم اگر درحالت اختیار توبه می کرد باز بود^۳، زیرا: الله عزوجل فرموده است: {فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى} ^۴ (پس ای موسی و هارون! برای او (فرعون) سخن نرمی بگوئید، باشد که او پند گیرد یا بترسد)

۳: نصرانیان اگر توبه کنند دروازه توبه بر روی شان باز است،

زیرا: الله عزوجل فرموده است: {لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۳) أَقَلَّا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ} ^۵ (۷۴) همانا کفرورزیدند کسانی که گفتند: الله سوم سه تا است، در صورتیکه معبودی جز معبود یگانه وجود

۱ اگر به تفسیر امام ابن جریر طبری رحمه الله مراجعه شود، همین معنا افاده می شود.

۲ الانفال (۳۸)

۳ یعنی: بر روی فرعون نیز دروازه توبه باز بود اگر درحالت اختیار توبه می کرد، الله عزوجل قبول می کرد، ولی فرعون کافرازد دنیا رفت.

۴ طه (۴۴)

۵ مایده (۷۴)

ندارد، اگر خود را از آنچه می گویند باز ندارند، قطعاً خواهد رسید به کسانی که کفرورزیدند از آنان عذابی درد ناک، آیا به سوی الله عزوجل باز نمی گردند، و از او آمرزش نمی خواهند، والله آمرزنده مهربان است)

۴: اگر منافقان توبه کنند دروازه توبه بر روی آنها باز است،

زیرا: الله عزوجل فرموده است: { إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا (۱۴۵) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا }^۱ (۱۴۶) (همانا منافقان در طبقه پایین تر از آتش اند و هرگز نمی یابی برای آنان یآوری مگر کسانی که توبه کردند و کارشان را اصلاح کردند و چنگ زدند به الله عزوجل و خالص گردانند دین شان را برای الله عزوجل پس آنان با مومنان اند و به زودی می دهد الله عزوجل به مومنان پاداشی بزرگ را).

شروط صحت توبه:

برای صحت توبه وجود پنج شرط لازمی است

۱- اخلاص، یعنی: چیزی که انسان را به توبه وادار نموده است ترس از الله عزوجل و امید به ثوابش بوده باشد.

۲- اظهار پشیمانی بر ارتکاب گناه و آمرزش خواستن از الله عزوجل.

۳- تصمیم قاطع داشته باشد که دوباره به ارتکاب گناه روی نمی آورد، یعنی: اگر شخص توبه کرد ولی پیش خود می گفت: در صورتی که فرصتی بر ارتکاب فلان گناه مساعد شود، به ارتکابش باز میگردم، اینچنین توبه صحیح نیست،

۴- دست برداشتن از گناه، زیرا توبه همراه اصرار برگناه صحیح نمی شود

۵- توبه در زمانی که برایش تعیین شده باید صورت بگیرد، زیرا: اوقاتی پیش می شود که توبه در آن صحیح نمی شود، و این دو حالت دارد،

۱- هنگام مشاهده مرگ، سپری شدن حالت اختیار و پیش شدن حالت اضطرار، در این وقت توبه صحیح نمی شود، مثل اینکه توبه فرعون در این زمان قبول نشد.

۲- هنگامیکه آفتاب از طرف مغرب طلوع کند،

ای برادر و خواهر مسلمان! همه ما بیاییم، پیش از فرارسیدن زمانی که توبه در آن قبول نمی شود، از ارتکاب تمامی گناهان دست بردار شویم و توبه کنیم. زیرا ما ادامه زندگی خود را نمی دانیم، شاید امروز آخرین روز از زندگی ما باشد، و فردا جهت محاسبه اعمال نزد الله عزوجل احضار شویم.

موضوع: پاداش مومنان:

قرآن کریم: {إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ} {۱۱}

(کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند برای آنان باغهایی است که از زیر [درختان] آن جویها روان است این است [همان] رستگاری بزرگ) (۱۱)

تفسیر: بیگمان کسانی که ایمان آوردند و به توحید اقرار نمودند، و مطابق روش پیامبرشان کارهای شایسته انجام دادند، باغهای بهشت از آن ایشان است که از زیر کاخها و درختان آن جویبارهای از آب، شیر، شراب و غسل روان می باشد، این کامیابی بزرگ است، این بشارت شامل حال این صابرائی که بردین حق استقامت ورزیدند و تسلیم فرمان الله عزوجل شدند می شود و همچنان هر کس دیگر که مسیر ایشان را در ثبات بردین حق تعقیب کند مشمول این بشارت میگردد.

بخش چهارم: مشیت الله عزوجل و جاری بودن قدرتش در همه چیز

موضوع: شدت کیفر دادن الله عزوجل

قرآن کریم: {إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ} {۱۲}

(به راستی مجازات و درهم کوبیدن پروردگارت سخت و شدید است) (۱۲)

تفسیر: یقیناً درهم کوبیدن، فروگرفتن و به کیفر رساندن پروردگارت سخت و شدید است، انتقام دوستان خود را از دشمنان شان می گیرد، گرفتن و تعذیب کافران در مقابل گرفتن و تعذیب پروردگار ناچیز است، امام طبری رحمه الله در تفسیرش می نویسد: این آیه مبارکه هشداری بر قوم رسول الله ﷺ می باشد که بسبب کفر آنها

به الله عزوجل وتکذیب رسول الله ﷺ وتعذیب مومنان، عذابی بر آنها فرود می آید مثل عذابی که بر اصحاب اخدود فرود آمد.

موضوع: ۱- اثبات رستاخیز، ۲: علاوه بر مجازات دنیوی، مجازات اخروی نیز در انتظار کافران است

قرآن کریم: { إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ } { ۱۳ }

(همانا اوست که [آفرینش را] آغاز می کند و دوباره بعد از مرگ بازمی گرداند) (۱۳)
تفسیر: امام ابن کثیر در تفسیر این آیه می نویسد: از قوت و قدرت کامل الله عزوجل اینست که بی گمان او آفرینش مخلوق را در دنیا آغاز نموده است و او آنرا دوباره در قیامت بدون موانع باز می گرداند، امام ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیرش می نویسد: الله عزوجل عذاب را برا صاحب اخدود آغاز نمود و در آخرت هم عذاب را بر آنها باز می گرداند^۱

موضوع: ۱- اثبات دو اسم برای الله عزوجل، ۲- ترغیب بر توبه

قرآن کریم: { وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ } { ۱۴ } (و اوست آن آمرزنده دوستدار [مؤمنان]) (۱۴)

تفسیر: الله عزوجل بسیار آمرزنده میباشد برای کسانی که توبه می کنند و دوست دار بندگان فرمان بردار و تایب است

موضوع: موجودیت عرش و بزرگی آن

قرآن کریم: { ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ } { ۱۵ } (اوست صاحب عرش بزرگ) (۱۵)

تفسیر: الله عزوجل صاحب عرش و دارای مجد و بزرگی است^۲، رسول الله ﷺ فرمودند: نیست آسمانهای هفتگانه در مقابل بزرگی کرسی مگر مثل حلقه که در یک بیابان افکنده شده باشد، و همچنان برتری و بزرگی عرش در مقابل کرسی مثل بزرگی همان بیابان بر حلقه افکنده شده در آن می باشد^۳

۱ این دیدگاه را امام ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیرش ترجیح داده است

۲ مجید می تواند صفت برای الله عزوجل باشد و می تواند صفت برای عرش هم باشد ولی اولی اینست که صفت الله عزوجل است، ابن کثیر می گوید هر دو معنا صحیح است

۳ رواه محمد ابن ابی شیبہ فی کتاب العرش، ۱- (۱۱۴) وهو فی السلسله الصحيحه (۱۰۹)

موضوع: الله عزوجل در انجام کارهایش به چیزی و کسی ضرورت ندارد

قرآن کریم: {فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ} {۱۶} هر چه را بخواهد انجام می دهد (۱۶)

تفسیر: الله تبارک و تعالی انجام دهنده است هر آنچه را که اراده کند، هیچ مقاومتی در برابر فرمانش وجود ندارد، امام طبری رحمه الله در تفسیرش می نویسد: او آمرزنده است گناهان کسانی را که به سوی او توبه کنند و باز گردند و عذاب کننده است کسانی را که بر گناهانشان اصرار ورزند، الله عزوجل را هیچ باز دارنده از انجام آنچه ارا ده کند باز داشته نمی تواند، زیرا: فرمانروای آسمانها و زمین از آن اواست^۱، امام نسفی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: آیه مبارکه دلیل بر اینست که: خالق افعال بندگان الله عزوجل است^۲،

موضوع: ۱- تربیت به داستانها قرآنی: ۲- اثبات معجزه برای رسول الله ﷺ در بیان قصه های قرآنی.

قرآن کریم: { هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ } {۱۷}

(آیا داستان لشکرها به تو رسیده است) (۱۷)

تفسیر: ای رسول ما! آیا خبر سپاهیان کافران از اقوام سرکش گذشته به تو رسیده است؟ پس در برابر اذیت قوم خود صابر باش، و به دعوت شان دوام بده، زیرا: سر انجام کسانی که رسالت تو را تصدیق نکنند مثل سپاهیان سرکشی است که به کیفر اعمال زشت شان گرفتار شدند،

موضوع: ۱- بیان آن سپاهیان، ۲- مشروعیت گرفتن نام افراد کافر جهت پند

قرآن کریم: { فِرْعَوْنٌ وَثَمُودَ } {۱۸} داستان فرعون و ثمود بر تو آمد { ۱۸ }

تفسیر: آنها لشکرهای فرعون سرکش و قوم ثمود بودند، آنان گمراهی را بر هدایت و باطل را بر حق برگزیده بودند، چگونه پروردگارت آنها را درهم کوبید و درس عبرتی برای تمامی کسانی که مسیر شان را تعقیب نمایند داد؟

۱ به تفسیر امام ابن جریر طبری رحمه الله در همین سوره مراجعه شود،

۲ به تفسیر امام نسفی رحمه الله در همین سوره مراجعه شود- این صفت از صفاتی است که جامع برای عظمت ذات و بزرگی نعمت های او می باشد

این آیات دلالت بر این دارد که: درهم کوبیدن و به کیفر رساندن پروردگارت شدید و سخت است و هیچ قدرتی مانع اجرای فرمانش شده نمی تواند.

موضوع: ۱- لزوم تصریح بر کفر کافر، ۲- تکذیب وحی کفر است

قرآن کریم: {بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ} {۱۹}

(بلکه آنان که کافر شده اند پیوسته در تکذیب حق اند) (۱۹)

تفسیر: حقیقت این است که این گروه کافران غرق در تکذیب وحی الهی وانکار او هستند، آنها در پیروی از خواهشات نفسانی و روش پدران خود تلاش می کنند و از سرانجام کفار پیشین نیز پند نمی گیرند،

موضوع: قدرت نافذه و بی مثال الله عزوجل:

قرآن کریم: {وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ} {۲۰} (و الله از هر سو بر آنها احاطه دارد)
(۲۰)

تفسیر: والله عزوجل به علم و قدرت خود از هر جهت بر آنان احاطه داشته و تمام اعمال آنها را می شمارد و هیچ چیزی بر او پنهان نیست، مقصود این آیه مبارکه بیان این خبر است که: ای رسول ما! بر این مشرکانی که از هلاکت قوم فرعون و ثمود پند نگرفتند و در نبرد با تو ادامه می دهند، به زودی عذاب بر آنها فرود می آید.

موضوع: رد سخن مشرکان در مورد قرآن

قرآن کریم: {بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ} {۲۱} { بلکه آن ، قرآنی ارزشمند و گرانقدر است }
(۲۱)

تفسیر: در حقیقت آن قرآن بزرگوار و گرانقدر می باشد، این کتاب قانون زندگی است و در آن بیان تمام آنچه مردم در دین و دنیای ایشان ضرورت داشته باشند موجود است، در این آیه مبارکه سخن مشرکانیکه قرآن کریم را تکذیب می کردند و آنرا شعر و کهانیت می گفتند به بلیغ ترین شیوه رد گردیده است.

موضوع: ضمانت حفاظت از قرآن کریم

قرآن کریم: { فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ } {۲۲} (که در لوح محفوظ نگاشته شده و ثبت است) تفسیر: این قرآن در لوحی که از هر گونه زیادت، کاستی، و تغییر محفوظ است، ثبت می باشد. همچنان آنچه در کاینات رخ داده و یا خواهد داد در آن نوشته است، ما ایمان براین داریم که قرآن کریم در لوح محفوظ ثبت است، حقیقت و کیفیت آن لوح را به علم الله عزوجل مفوض می کنیم، زیرا این از امور غیبی است که تنها الله عزوجل از حقیقت آن آگاهی دارد، و آنچه در وصف و کیفیت آن لوح وارد گردیده به حدیث صحیح ثابت نیست،^۱ - امام ابن جریر طبری رحمه الله براساس سند حسن به نقل از قتاده در تفسیر این آیه می نویسد: لوح محفوظ نزد الله عزوجل است.^۲ والله اعلم

رهنمایی ها، احکام و عمل

- ۱: اهمیت آسمان، ستارگان و منازل آنها
- ۲: مومن باید مثل آیات تکوینی تابع اراده الله عزوجل باشد
- ۳: مومن در ایمانش توافقی را با کاینات به نمایش می گذارد
- ۴: فضیلت روز جمعه و عرفه
- ۵: فضیلت استقامت در دین
- ۶: کفر سبب سنگدلی در وجود انسان می گردد
- ۷: جنگ دشمنان الله عزوجل با مومنان بخاطر ایمان ایشان است
- ۸: باز بودن دروازه توبه بر روی همگان
- ۹: ابتلا در دنیا سنت الهی است
- ۱۰: کافران در دنیا و آخرت به جزای اعمال خود می رسند

۱ تفسیر الوسيط لطنطاوي، همین سوره

۲ موسوعة الصحيح المسبور من التفسير بالمأثور المؤلف: أ. د. حکمت بن بشیر بن یاسین الناشر: دار المآثر للنشر والتوزيع والطباعة- المدينة النبوية الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ معدد الأجزاء: ۴

- ۱۱: با قدرت الله عزوجل هیچ قدرتی برابری نمی کند.
- ۱۲: قرآن مجید از جانب الله عزوجل است و هیچ شکی در حقانیت آن نیست
- ۱۳: الله عزوجل قادر است که برکفار مکه و همفکران آنها عذابی را فرود بیاورد مثل عذابی که بفرعون و ثمود فرود آورد،
- ۱۴: از آزار و اذیت نمودن مسلمان نیز توبه کردن لازم است
- ۱۵: الله عزوجل برای دوستانش از دشمنانش انتقام می گیرد
- ۱۷: وجوب پند پذیری از احوال امت های گذشته
- ۱۸: مسلمان مستضعفی را همکاری کن
- ۱۹: برای بندگان یاد آوری کن که الله عزوجل آمرزنده و دوست دار مومنان است
- ۲۰: درهم کوبیدن، فروگرفتن، و به کیفر رساندن پروردگار بسیار سخت است، همچنان آتش مخلوق و آتش خالق باهم قابل مقایسه نیست، آتش دنیا پایان پذیر است و آتش آخرت همیشگی میباشد.
- ۲۱: ترغیب بر قربانی دادن بخاطر دین الله عزوجل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: طارق

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۱۷

تعداد کلمات: ۷۲

اعداد حروف: ۲۷۱

وجه نام گذاری این سوره: «طارق» نام ستاره می باشد که در شب پدید می آید، بخاطر اینکه الله عزوجل در آغاز این سوره به طارق سوگند یاد نموده به این نام مسمی شده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره مبارکه در برگیرنده آنست:

محور بحث این سوره مثل سوره های دیگر مکی وجوب ایمان به رستاخیز، حساب و جزا و اثبات وقوع رستاخیز از طریق استدلال در آفرینش انسان از عدم، می باشد. زیرا ذاتی که قادر بر آفرینش نخستین باشد بر دو باره آفریدن نیز قادر است، در شروع این سوره به آسمان و ستارگان درخشنده آن سوگند یاد شده است، در اینکه بر هر انسان نگرهبانی گماشته شده تا اعمال نیک و بد او را ثبت کند، بعد از آن بر اثبات زنده شدن پس از مرگ دلیل ذکر گردیده است، سپس از آشکار شدن تمام رازها و امور پنهان انسانها در آخرت خبر داده شده، درحالی که انسانها نزد الله عزوجل را نو می زنند و منتظر داوری و حکمش در مورد خودشان میباشند، این سوره به سوگند الهی بر آسمان و زمین بر اینکه قرآن کتابی جدا کننده بین حق و باطل می باشد و هشدار بر کافران پایان یافته است،

از مقاصد این سوره:

- ۱- اثبات شمارش اعمال و جزا در مقابل آن
- ۲- بیان اینکه : الله عزوجل انتقام پیامبرش را از دشمنانش می گیرد،

۳- برپا ساختن دلایل بروحدانیت، کمال قدرت و فراخی علم الله عزوجل

۴- اثبات این موضوع که قرآن از جانب الله عزوجل است.

این سوره به سه بخش تقسیم می شود:

بخش اول: بیان نشانه های شگفت آور قدرت و علم الله عزوجل در آفرینش انسان و اثبات زنده شدن بعد از مرگ.

موضوع: اهمیت آسمان و ستارگان

قرآن کریم: {وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ} {۱} (سوگند به آسمان و سوگند به آنچه در شب پدیدار می شود) (۱)

تفسیر: به آسمان و به ستاره گان که در شب پدیدار می شوند سوگند یاد می کنم، در ادامه الله عزوجل، طارق را تفسیر می کند^۱

موضوع: بیان اهمیت این ستارگان:

قرآن کریم: {وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ} {۲} و تو چه دانی که طارق چیست (۲)

تفسیر: ای رسول ما! تو چه می دانی که طارق چه می باشد؟ اکنون برای تو در مورد آن آگاهی می دهم، بشنو!

موضوع: تفسیر طارق:

قرآن کریم: {النَّجْمُ الثَّاقِبُ} {۳} (ستارگان درخشان هستند) (۳)

تفسیر: ستارگان درخشانی اند که با روشنائی خود تاریکی شب را در هم دریده (سوراخ می کنند و می شکافند) و با درخشش نور خود بر اهل زمین، قدرت الله عزوجل، علم و حکمت او را به نمایش می گذارند و از این ناحیه انسانها و جنیات را به سوی الله عزوجل هدایت می کنند^۲، طارق آنچه در شب پدیدار شود، در یک شبی شیاطین از وادی ها و دره ها یکجا شدند تا بر رسول الله ﷺ یورش آوردند، در میان آنها شیطانی بود که شعله آتشی را به دست خود گرفته بود تا چهره رسول الله ﷺ را آتش زند

۱ امام قرطبی در تفسیرش می نویسد: طارق وثاقب اسم جنس است و اراده عموم از آنها می شود.

۲ النجم: احتمال دارد که (ال) برای جنس باشد، بنابراین تمام ستارگان مراد می شود، و می تواند مراد همان ستاره درخشان باشد، هر دو معنا صحیح است.

وبسوزاند، در همین زمان جبرائیل علیه السلام فرود آمد و گفت: ای محمد! بگو: رسول الله ﷺ فرمودند: چه بگویم؟ گفت: بگو: (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَذَرَأًا وَبَرًّا، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَعْزُجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ، يَا رَحْمَنُ) "، قَالَ: فَطَفِئْتُ نَارَهُمْ، وَهَزَمَهُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى" (به نامهای نیک الله عزوجل پناه می برم از شر هر آنچه آفریده، منتشر ساخته و پدید آورده است و از شر آنچه از آسمان فرود می آید و از شر آنچه به آسمان بلند می رود و از شر فتنه های شب و روز و از شر هر آنچه در شب پدید می آید مگر شباینده که با خیرپدیدار می گردد، یا رحمن!) با گفتن این دعای بابرکت و موثر آتش شیاطین خاموش شد والله تبارک و تعالی آنها را شکست داد. شایان ذکر است که در این دعای مبارک توسل به نامهای الله عزوجل صورت گرفته و مورد اجابت الله تبارک و تعالی قرار گرفت. بنابراین: بیایید همه ما باخواندن این دعای فوق در جریان شب و روز خود را از آسیب شیاطین و جنیات در پناه الله عزوجل قرار دهیم.

موضوع: شمارش و ثبت اعمال انسان

قرآن کریم: {إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ} {۴}

(هیچ کس نیست مگر اینکه نگهبانی بر او [گماشته شده] است) (۴)

تفسیر: هیچ نفسی موجود نمی باشد مگر اینکه نگهبانی بر او گماشته شده است، و او را همراهی میکند، این نگهبان تمام کردارها و گفتارهای او را جهت محاسبه ثبت و ضبط میکند، وظیفه این فرشتگان در آیات (۱۰، الی: ۱۲)، سورة انفطار ذکر گردیده است،^۲

مناسبت بین قسم و جواب آن: بسیاری از مردم از شمارش اعمال نا آگاه می باشند از همین جهت دیده می شود که هر کاری خواسته باشند انجام می دهند، بنابراین قرآن کریم بیان نمود که حقیقت شمارش اعمال واضح و روشن است، مثل اینکه ستارگان آسمان در شب تاریک درخشش دارند، پس باید انسان مراقب اعمال و اقوالش باشد. وقتی الله تبارک و تعالی انسان را به شکل زیبا آفرید، منافع زمین

۱ مسند احمد (۱۵۴۶۰) - مصنف ابن ابی شیبہ (۲۳۶۰۱) - الجامع الصحیح للسنن والمسند، ج: ۳۳، ص: ۲۰۲ - صحیح الترغیب والترہیب (۱۶۰۲)

۲ همچنان به آیه (۱۴) سورة اسراء - وآیه (۱۶، الی، ۱۸) سورة: ق، وآیه (۱۱)، سورة رعد، نگاه شود.

۳ قسم: سوگند الله عزوجل به آسمان و آنچه در شب پدیدار می شود، جواب قسم: همین آیه مبارکه (۴) است

و آسمان را در خدمتش قرارداد، و قدرت استفاده از این منافع را برایش عنایت فرمود، در این حال شرع و عقل حکم می کنند که این انسان باید پاسخگوی اعمالش باشد، و از کارهایش نظارت شود، بنابراین: فرشتگانی جهت ثبت کارهایش ماموریت یافتند، این روش بین بشریت هم امر معقول، مقبول و معمول است، هرگاه یک کارفرما امکاناتی را در اختیار کارگری قرار دهد، از کارش نظارت می کند،

موضوع: وجوب تامل در اصل آفرینش انسان

قرآن کریم: {فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ} {۵}

(پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است) (۵)

تفسیر: پس انسان باید با پند پذیری بنگرد و بیندیشد که از چه چیز آفریده شده است، مقصد این آیه مبارکه رهنمایی به سوی زنده شدن بعد از مرگ می باشد، که آنرا مشرکان انکار می کنند، گویا برای آنها چنین گفته شده است: اگر شما زنده شدن بعد از مرگ را محال می پندارید، پس بنگرید که از چه چیزی آفریده شده اید؟ بعد از تامل صحیح به وضاحت خواهید دانست که آفرینش دوم شگفت آور تر از آفرینش اول نیست، و این را هر فرد منصف می پذیرد، پس چرا قیامت را انکار می کنید؟

موضوع: بیان عنصر آفرینش انسان

قرآن کریم: {خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ} {۶} (از آب جهنده ای خلق شده) (۶)

تفسیر: او از آب جهنده^۱ بی ارزش (منی مرد و نطفه زن) آفریده شده است، «دفع» ریختن چیزی با قوت و سرعت، مراد در اینجا آبیست که از مرد بیرون می شود و در رحم زن می ریزد.

موضوع: بیان محل ساخت عنصر آفرینش انسان

قرآن کریم: {يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ} {۷}

([که] از پشت مرد و میان سینه های زن بیرون می آید) (۷)

۱ صفت آب منی است که هنگام بیرون شدن جهش و پرش دارد. امام طبری به سند صحیح از مجاهد در تفسیر {ترائب} چنین می نویسد: پایین تر از چنبره گردن.

تفسیر: این آب بی ارزش از پشت مرد واستخوانهای سینه زن بیرون می شود، صاحب تفسیر فی ظلال القرآن می نویسد: این رازی پنهان شده در علم الله عزوجل بود، تا اینکه در نیمه قرن اخیر، علم جدید به این حقیقت پی برد که آب مرد (منی) در مهره های پشت مرد تولید می شود، و آب زن در استخوانهای بلند سینه او به وجود می آید، سپس در رحم باهم یکجا می شوند و انسان از آن باذن الله عزوجل آفریده می شود. این موضوع از جمله اعجاز علمی قرآن مجید وثابت کننده رسالت رسول الله ﷺ است، زیرا: بیان آن از جانب انسان عادی ممکن نیست.

موضوع: اثبات بعث (زنده شدن بعد از مرگ)

قرآن کریم: {إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ} {۸}

(در حقیقت او (الله عزوجل) بر بازگردانیدن وی بعد از مرگ تواناست) (۸)

تفسیر: ذاتی که منی را آفرید و آنرا از میان بافت های پرخم و پیچ بدن بدون آمیزش با چیزی دیگر از اجزای وجود بیرون آورد و انسان را از آن آفرید، بی گمان بر باز گرداندن، باز آفریدن و زنده کردن دوباره انسان از زمین توانا است.

موضوع:

۱: زمان رستاخیز و قیامت

۲: آیا در مورد عاقبت پنهان کاری هایت تفکر کرده ای؟ این موضوع خیلی مهم است.

قرآن کریم: {يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ} {۹} (آن روز که رازها همه فاش شود) (۹)

تفسیر: این باز آفریدن روزی به وقوع می پیوندد که رازها و اسرار از باورها، کردارها و گفتارهای که انسان در دنیا پنهان داشته، همه فاش شود و آشکار گردد، و آن روز، روز قیامت است که نیکی نیکوکاران و بدی بدکاران علنی می شود، بنابراین، در قلب؛ نیت خیر داشته باش، کردار و گفتار تو خیر باشد، در غیر این صورت چه رسوایی در حضور همگان پیش خواهد شد؟، رسول الله ﷺ فرمودند: در روز قیامت برای هر فریبکار پرچمی نصب می گردد و بوسیله آن شناخته می شود^۱

۱ صحیح البخاری (۱۶۶۶)، صحیح مسلم (۱۷۳۵)

موضوع: بیچارگی انسان در آن روز

قرآن کریم: {فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ} {۱۰} (پس او را هیچ نیرو و یاری نیست) (۱۰)

تفسیر: در آن روز برای این انسان کافر نه توانایی می باشد که بر روی پلیدی ها و پلشتی های باورها، کردارها و گفتارهایش پرده بیندازد و آنها را بپوشاند و نه هم برای او یاری می باشد که او را از عذاب الله عزوجل نجات دهد، این روز برای این شخص مثل روزهای دنیا نیست که در وقت سختی به سوی قبیله و هم پیمان خود مراجعه می کرد، و از آنها درخواست کمک می نمود،

بخش دوم: حقانیت قرآن مجید

موضوع: اهمیت آسمان و فرمان پذیری او

قرآن کریم: {وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ} {۱۱} (سوگند به آسمان پر باران) (۱۱)

تفسیر: سوگند به آسمان صاحب ابر و باران، که هر سال از آن باران می بارد^۱-برخی دانشمندان از آیه مبارکه علاوه بر مورد ذکر شده تفسیر دیگری هم دارند که از این تفسیر ایشان اعجاز علمی دیگری دانسته می شود، آنان چنین می گویند: هر اندازه که علم پیشرفت می کند حقایق جدیدی یافته می شود که این تعریف کوتاه، جامع و معجزه آمیز الله عزوجل از آسمان که فرموده: (والسما ذات الرجع) را تایید می نماید، برای «رجع» دو معنا می باشد، ۱: باران، ۲: برگرداندن، مهتاب را در نظر می گیریم که در مدار خود به دور زمین می چرخد پس از یک دور، دوباره به همان مکان اولیه برمی گردند، خورشید را می نگریم که به محور خویش در گردش است و پس از هر بار گردش دوباره به مکان اولیه خویش باز می گردد، به همین صورت، ستارگان دنباله دار، از جمله (ستاره هالی) که در سال (۱۹۱۰) میلادی از کنار زمین عبور کرد و سپس در سال (۱۹۸۶) میلادی، دوباره باز گشت، و هر بار گردش این ستاره به دور زمین (۷۶) سال طول می کشد پس می بینیم که زمین، مهتاب، خورشید، ستارگان دنباله دار و هر چه که در مدارهای بیضی شکل و یادایره ای هستی قرار دارد، دور می زند و برمی گردد،

۱ امام قرطبی رحمه الله در تفسیرش نقل می کند که گفته شده، مراد فرشتگانی اند که همراه اعمال بندگان به سوی آسمان بازگشت می کنند، در تفسیر ابن جریر رحمه الله روایتی نیز موجود است که مراد می تواند آفتاب، مهتاب و ستارگان باشد، که می روند و باز می گردند، ولی آنچه در متن تفسیر تحریر یافته که باران است ترجیح دارد، به کتاب: الصحيح المسبور من التفسیر بالماثور، همین سوره، مراجعه شود، - والله اعلم

پس اگر الله عزوجل آسمان را به (ذات الرجع) وصف نموده و صف کاملاً حقیقی است، و همچنان گازهای موجود در هوا برگشت پذیر اند، مانند اکسیژن که پس از تنفس انسان به دی اکسیدکربن تبدیل شده آنگاه مورد استفاده گیاهان قرار گرفته و دوباره به صورت اکسیژن به طبیعت باز می گردد، آسمان بخار آب را به صورت باران، امواج الکترو مغناطیسی را به صورت امواج رادیویی، گازها را طی تغییراتی به ماهیت اولیه شان باز می گرداند، اساس کار همه امواج مورد استفاده بشر همین امر است، که آسمان صفت باز گرداندن را دارد، همچنان آسمان بخاری را که از اوقیانوس ها و دریا ها به سواش بالا می رود دوباره به سوی زمین به شکل باران و برف باز می گرداند، و همچنان آسمان اشعه های کیهانی را از رسیدن به زمین باز می گرداند مگر به اندازه نیاز زمین و اهل آن، پس آیه فوق به این معنا است که این قرآن از جانب خالق هستی نازل شده است، امام طبری به سند حسن از مجاهد در تفسیر «والسما ذات الرجع» می نویسد: مقصود؛ ابری باشد که از آن باران می بارد، سپس دوباره ابر باز می گردد و باران می بارد.

موضوع: اهمیت زمین و فرمان پذیری او

قرآن کریم: {وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ} {۱۲} (سوگند به زمین پر شکاف) (۱۲)

تفسیر: و سوگند به زمین صاحب شکاف که جهت بیرون آمدن گیاهان و درختان شکافته می شود^۱ - میدانیم که قاره های کنونی زمین به هم متصل بوده و سپس شکاف برداشته و از هم جدا شدند، زیرا: کوه ها و سنگ ها و حتی اجزای بسیار کوچک نیز شکاف بر میدارند، پس اگر قصد توصیف زمین را به گونه داشته باشی که خصوصیات ثابت آن را از ابتدا تا اکنون دربر گیرد، به ناچار باید بگویی: زمین شکاف بردار است،

موضوع: ۱- مرجع فیصله تمام امور، قرآن مجید است. ۲- حقانیت قرآن مجید.

قرآن کریم: {إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ} {۱۳} (در حقیقت قرآن سخن جداکننده حق از باطل است) (۱۳)

۱ امام طبری رحمه الله - به سند حسن از قتاده روایت می کند که مراد: شکاف از میوه و گیاه است

تفسیر: این آیه مبارکه جواب قسم می باشد، بیگمان قرآن مجید سخنی است که بین حق و باطل، هدایت و گمراهی، ظلم و عدالت جداکننده است، امام طبری به سند حسن به نقل از ابن عباس در تفسیر این آیه مبارکه می نویسد: این سخن نیست حق، بلی؛ هر کدام از ما باید از خود سوال کنیم که: آیا ما در تمام امور خود به قرآن کریم مراجعه می کنیم؟ بدبخت و گمراه انسانی است که قرآن کریم را رها می کند به سوی قوانین وضعی بشری می رود، رسول الله ﷺ فرمودند: در میان شما دو چیز را باقی گذاشتم، تا زمانیکه به این دو چنگ بزنید هرگز گمراه نمی شوید و آنها عبارت اند از: کتاب الله عزوجل و سنت من^۱ - بنابراین: اجرای امور چهارگانه زیر جهت اداکردن حق قرآن مجید بر ما لازم است:

۱: این کتاب را زیاد تلاوت کنیم و بخاطر فهمیدن معنای صحیح از آن مطابق فهم سلف صالح، تلاشهای پی گیری و وقفه نموده و برنامه ریزی های دقیق روی دست داشته باشیم، تا اینکه به این هدف والا و بزرگ دستیاب گردیم.

۲: به حفظ آن اهتمام بیشتر بورزیم،

۳: به آن عمل نماییم،

۴: وبه سوی آن مردم را دعوت کنیم.

برای طالب العلمان توصیه می شود که پیش از فراگیری دیگر علوم و فنون، به خواندن، حفظ، فهم و عمل به قرآن کریم توجه نمایند، بعداً به آموختن دیگر علوم نافع پردازند. به حال کسی که پیش از فراگیری قرآن کریم به اشتغال دیگر علوم می پردازد باید تاسف خورد و این از علامات بدبختی او میباشد. سنت صحیح هم مثل قرآن مجید است، رسول الله ﷺ فرمودند: هرگز از شما کسی را نیابم که بر اریکه (صندلی) خود تکیه زده باشد، امری از آنچه من مامور به اجرای آن شده باشم به وی برسد و یا نهی از آنچه من به ترک آن فرمان داده شده ام، به وی برسد ولی آن شخص بگوید: من نمی دانم، آنچه ما در کتاب الله عزوجل یافتیم پیروی می کنیم، رسول الله ﷺ در ادامه فرمودند: با خبر! برای من کتاب (قرآن کریم) و مثل آن (سنت) داده شده است و بیگمان آنچه را که رسول الله ﷺ حرام قرار داده است

۱ رواه الحاكم ، ۱- (۱۷۲)، (۳۱۹)، وصححه الالبانی رحمه الله - فی صحیح الجامع (۲۹۳۷)

مثل آن است که الله تبارک و تعالی حرام کرده است^۱ - دیدگاه ابوبکر و عمر رضی الله عنهما براساس اجتهادشان برای مدتی این بود که: برای حج و عمره باید سفرهای جداگانه صورت گیرد تا اینکه زائرین خانه کعبه شریفه زیاد شود ولی دیدگاه عبد الله پسر عباس براساس سنت این بود که: در یک سفر با حج عمره نیز به جا آورده می شود، وقتی افرادی در این امر با ابن عباس مناقشه کردند. وی چنین گفت: نزدیک است که از آسمان بر سر شما سنگ فرود آید، زیرا من می گویم: پیامبر ﷺ چنین فرموده اند ولی شما می گوید: ابوبکر و عمر چنین گفته است، بنابراین: سخن رسول الله ﷺ را به خاطر فتوی و سخن هیچ عالم و فقیه نباید ترک کرد.^۲

مناسبت بین قسم و جواب آن: الله عزوجل به آسمان صاحب باران قسم یاد نمود براینکه قرآن سخن جداکننده بین حق و باطل می باشد، سوال اینجا است که مناسبت بین قسم و جواب آن چیست؟ جواب: قسم برای این آگاهی دهنده است که: آبی که از آسمان نازل می شود سبب زندگانی زمین می شود، و ارتباط جواب قسم با قسم اینست که: نزول وحی نیز سبب زندگانی قلب ها می گردد، و قرآن مثل باران حیات بخش است، باران آیه بزرگ تکوینی است، و قرآن آیه بزرگ تشریعی می باشد، برخی قلوب از قرآن فایده نمی گیرند چنانچه که برخی زمین ها از باران فایده نمی گیرند، آیات قرآن کریم بر اثبات زنده شدن بعد از مرگ نیز دلالت میکند، چنانچه نزول باران زمین خشک، بی گیاه و مرده را به اذن الله عزوجل زنده می سازد، پس هردوی این آیات خواندنی و دیدنی باتوافق هم بندگان را به سوی پروردگارشان رهنمایی می کنند.

موضوع: حرمت شوخی و بازی با قرآن

قرآن کریم: (وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ) {۱۴} (وَأَن سَخَنَ شُوحَىٰ نِیْسَتْ) (۱۴)

۱ مسند احمد (۱۷۱۷۴) - و صححه العلامة شعيب الارنؤوط (۲۸-۴۱۰)

۲ شرح کتاب الحج من صحیح مسلم مؤلف الأصل: الإمام مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: ۲۶۱ هـ) الشارح: عبد الكريم بن عبد الله بن عبد الرحمن بن حمد الخضير دروس مفرغة من موقع الشيخ الخضير، ج: ۹، ص: ۱۸ - شرح رياض الصالحين للعثيمين ج: ۱۷، ص: ۳۵، شرح سنن ابن ماجه المؤلف: عبد العزيز بن عبد الله بن عبد الرحمن الراجحي مصدر الكتاب: دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، ج: ۳، ص: ۲

تفسیر: واین قرآن کریم هرگز سخن شوخی، بازی، بیهوده و باطل نمی باشد،

بخش سوم: احوال کافران

موضوع: نیرنگ بازی جهت مقابله بادیّن از اوصاف کافران است

قرآن کریم (إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا) { ۱۵ }

(آنان دست به نیرنگ می زنند) { ۱۵ }

تفسیر: بیگمان این کافران همواره برای جلو گیری از دعوت تو نیرنگ می ورزند و مردم را برخلاف قرآن دعوت می کنند، امام بغوی در تفسیرش می نویسد: الله عزوجل برای پیامبرش از احوال مشرکان مکه خبر می دهد که : آنان دست به نیرنگ می زنند، از رسول الله ﷺ می ترسند، چیزی را آشکار می کنند و خلاف آنرا نیت و قصد دارند.

موضوع: ۱- اثبات صفت کید (بدون تشبیه و تعطیل) برای الله عزوجل

۲- هشدار بفریبکاران

قرآن کریم: { وَأَكِيدُ كَيْدًا } { ۱۶ } { و من نیز دست به نیرنگ می زنم } { ۱۶ }

تفسیر: و من هم در مقابل آنان همیشه نیرنگ می کنم^۱، تدبیر می سنجم و چاره سازی می نمایم، آنها را برای مدتی مهلت می دهم، سپس ایشان را گرفتار عذاب شدید می کنم.

موضوع: ۱- زمان گرفتن انتقام از کافران نزدیک است (تهدید کافران)

۲- گشایش در راه است (دلجویی رسول الله ﷺ)

قرآن کریم: { فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُؤْيَا } { ۱۷ } { پس کافران را مهلت بده اندک زمانی آنها را رها کن } { ۱۷ }

۱ از عقیده اهل سنت و جماعت اینست که هرآنچه الله عزوجل برای خود ثابت نموده است، بدون تشبیه و تعطیل به الله عزوجل ثابت می کنند، علامه عثیمین رحمه الله در مجموع فتاوی و رسالیش می گوید: مکر، کید، و محال هرگاه به خاطر اثبات حق و ابطال باطل باشد صفت مدح است... به موضوع: (والله يغضب ويرضى لا كأحد من الوری) در شرح العقيدة الطحاوية المؤلف: ابن أبي العز الحنفي الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت الطبعة الرابعة، ۱۳۹۱ - مراجعه شود. ص: (۴۶۳).

تفسیر: پس ای رسول ما! عذاب را برای این مشرکان به شتاب طلب نکن، به آنان مهلت بده، مهلت اندک برای شان بده، به زودی مشاهده میکنی که چه بلای بزرگی بر سر شان فرود می آید، و خود شان نیز به زودی سرانجام باورزشت و کردار پلشت خود را در دنیا و آخرت خواهند دانست. بلی؛ وعده الله عزوجل بعد از مدت اندکی در نصرت مومنان و نابودی کافران تحقق یافت، طوریکه در مکه مکرمه غیر از فرمان الله عزوجل اجرا نمی شد و غیر از الله عزوجل عبادت نمی شد.

رهنمایی ها، احکام و عمل

- ۱: اثبات عقیده بعث و جزا
- ۲: اثبات شمارش و ثبت اعمال
- ۳: بیان محل ماده ساخت انسان به قدرت الله عزوجل
- ۴: بیان برخی از وظایف فرشتگان
- ۵: نفس انسان، ماده و کیفیت ترکیبش از جمله بزرگترین دلایل بر قدرت الله عزوجل و علم او می باشد
- ۶: هرگز انسان بر قوت و قدرت خود مغرور نشود
- ۷: مجازات کافران اگر توبه نکنند حتمی است
- ۸: اثبات حقانیت قرآن کریم و رسالت رسول الله ﷺ
- ۹: وجوب اصلاح اعمال قلبی و باطنی
- ۱۰: گناهی را یاد آور شو که تو مرتکب آن شدی ولی هیچ بشری از آن آگاهی حاصل نکرده است، از الله عزوجل آمرزش آن را بخواه!
- ۱۱: بخاطر اینکه تکبر نکنی یاد آور شو که از نطفه آفریده شدی!
- ۱۲: بیان ضعف کید و مکر کافران در مقابل کید الله عزوجل.
- ۱۳: دفاع الله عزوجل از پیامبرش ﷺ و صحابه رضی الله عنهم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(به نام الله مهر گستر مهربان)

سورة اعلی

نام سوره: اعلی

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۱۹

تعداد کلمات: ۷۲

اعداد حروف: ۲۸۴

وجه نام گذاری این سوره: در این سوره؛ الله عزوجل به «الاعلی» (بسیار والامقام و بلند مرتبه) صفت شده است، از همین جهت به این نام مسمی گردیده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره مبارکه در برگیرنده آنست:

۱: دستور به پاک دانستن الله عزوجل از تمامی آنچه مناسب به ذات، نامها، صفات، افعال و احکامش نیست.

۲: موصوف بودن الله عزوجل به صفات بزرگ مثل: آفریننده مخلوقات، بیرون سازنده گیاهان و نباتات از زمین و...

۲: بیان آسان ساختن حفظ قرآن مجید و استوار نمودن آن در قلب رسول الله ﷺ به نحوی که هیچ وقت فراموش نکنند، تا آنرا به انسانها و جنیات جهت اصلاح نفوس شان انتقال دهند.

۳: بیان رستگاری کسانی که که نفسهای خود را از کفر، شرک و گناه پاک ساخته و همیشه یادآور بزرگی الله عزوجل در قلبشان میباشند و محبت دنیا را بر آخرت ترجیح نمی دهند، و تصریح بر اینکه موارد فوق از اصول اعتقادی و اخلاقی ادیان سماوی در گذشته نیز بوده است.

تقسیم این سوره به سه بخش آتی ممکن است:

۱: امر به تسبیح و تعظیم رب العالمین که قلوب مکلفان را از عظمت پروردگار مملو و پر می سازد.

۲: اثبات رسالت رسول الله ﷺ

۳: وجوب تزکیه نفس، ادای نماز، زهد و بیان اشتراک عقیدتی و اخلاقی شرایع آسمانی از مقاصد این سوره: تعظیم الله عزوجل، رهنمایی به سوی تزکیه نفس، متعلق ساختن نفوس به زندگی اخروی و خلاصی آن از تعلقات شدید دنیوی فضیلت آن:

۱: نعمان پسر بشیر رضی الله عنه می گوید: رسول الله ﷺ در نمازهای هردو عید و نماز جمعه (سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى) و (هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ) را می خواندند^۱

۲: عقبه پسر عامر می گوید: هنگامیکه نازل شد: (فسبح باسم ربك العظيم)^۲، رسول الله ﷺ فرمودند: این را در رکوع خود قرار دهید، یعنی: در رکوع (سبحان ربی العظيم) بگویید- و هنگامیکه نازل شد: (سبح اسم ربك الاعلی)، رسول الله ﷺ فرمودند: این را در سجده خود قرار دهید^۳- یعنی: در سجده (سبحان ربی الاعلی) بگویید.

۳: عبد الله پسر عباس رضی الله عنه میگوید: رسول الله ﷺ هرگاه می خواندند: (سبح اسم ربك الاعلی) می فرمودند: (سبحان ربی الاعلی)^۴

۴: عبد الله پسر عباس رضی الله عنه میگوید: رسول الله ﷺ در رکعت اول نماز وتر: (سبح اسم ربك الاعلی) در رکعت دوم: (قل یا ایها الکافرون) و در رکعت سوم: (قل هو الله احد) را می خواند^۵

۱ صحیح مسلم (۸۷۸)

۲ الواقعه (۷۴)

۳ سنن ابی داود (۸۶۹)- وحسنه الالبانی فی تخریج المشکوه (۸۷۹)

۴ سنن ابی داود (۸۸۳) و صححه الالبانی رحمه الله - فی صفة صلاة النبي ﷺ - ۱ (۴۰۷)- بنده ضعیف گفتن: (سبحان ربی الاعلی) را بعد از خواندن (سبح اسم ربك الاعلی) در جریان نمازهای نافله و تلاوت در غیر نماز، مشروع و مستحب می دانم و ترک آنرا در جریان نماز فرض ترجیح می دهم - زیرا: نه راوی حدیث به صراحت و نه هم شخص دیگر از اصحاب رضی الله عنهم گفته است که این جمله را رسول الله ﷺ در نماز فرض خواندند با توجه به کثرت شان والله اعلم - و به دیدگاه علمای که گفتن آنرا در جریان نمازهای فرض با استدلال از همین حدیث مشروع می دانند نیز احترام دارم و برای ایشان دعا می کنم (رحمهم الله رحمة واسعة) آنها گفتن این جمله را مثل گفتن آمین بعد از خواندن فاتحه می دانند

۵ سنن الترمذی (۴۶۲)

بخش اول: امر به گفتن تسبیح پروردگار، و بیان موجبات آن موضوع:

۱- امر به گفتن تسبیح به زبان و قلب

۲- اثبات صفت علو برای الله عزوجل

قرآن کریم: { سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى } { ۱ }

(نام پروردگار بلند مرتبه ات را به پاکی یاد کن) (۱)

تفسیر: ذات، نامها، افعال، اوصاف و احکام پروردگار بلند مرتبه ات را از هر عیب و نقص که سزاوار او نیست منزّه و پاک بدان! امام ابوبکر الجزایری رحمه الله در تفسیر این آیه مبارکه می نویسد: ... نام او به تمسخر و شوخی گرفته نشود، و در جای پلید و نجس خوانده نشود، هر وقتی که نام الله عزوجل گرفته می شود به بزرگی و احترام گرفته شود...^۲ - همچنان الله عزوجل از شریک، فرزند، زوجه، و همتا منزّه دانسته شود.

احادیث صحیح در مورد فضیلت گفتن تسبیح:

۱: رسول الله ﷺ فرمودند: محبوب ترین سخن نزد الله عزوجل چهار چیز است:

(گفتن): سبحان الله، والحمد لله، ولا اله الا الله، والله اکبر^۳

۲: رسول الله ﷺ فرمودند: کسی در روزی یکصد مرتبه بگوید: سبحان الله و بحمده - گناهانش اگرچه مثل کف در یاهم که باشد نابود می شود^۴

۳: رسول الله ﷺ فرمودند: آیا یکی از شما از انجام یک هزار نیکی در جریان هر روز عاجز است؟ کسی از همنشینان شان سوال کرد که چگونه یکی از ما یک هزار نیکی حاصل کرده می توانیم؟ رسول الله ﷺ فرمودند: یکصد مرتبه بگوید: سبحان الله، (با گفتن این عدد) برایش یک هزار نیکی نوشته می شود...^۵ - کلمه: (الاعلی) اسمی

۱ هرگاه بگویی (سبحان الله) یعنی: من منزّه می دانم الله عزوجل را از هر بدی، عیب و نقص

۲ به تفسیر ایسر التفاسیر از ابو بکر الجزایری در همین سوره مراجعه شود

۳ صحیح مسلم (۲۱۳۷)

۴ صحیح البخاری (۶۴۰۵)، صحیح مسلم (۲۶۹۱)

۵ صحیح مسلم (۲۶۹۸)

میباشد که فایده زیادت را در صفت علو می دهد، دلایل بر اثبات این صفت در قرآن کریم زیاد است، عقیده ما اهل سنت و جماعت اینست که : الله عزوجل در آسمان برفوق عرش است، بدون تشبیه و تعطیل، چنانچه که شایسته او است این صفت را براو اثبات می کنیم، رسول الله ﷺ برای کنیزی چنین فرمودند: الله کجاست؟ او گفت: در آسمان، رسول الله ﷺ برایش فرمودند: من کی هستم؟ وی گفت: تو رسول الله هستی، رسول الله ﷺ برای مولایش فرمودند: آزادش کن زیرا وی ایمان دار است^۱ - کسانی که می خواهند در همین مورد تحقیق بیشتری بنمایند، کتابی بنام: مختصر العلو للعلی العظیم، از امام ذهبی متوفی (۷۴۸)، با تحقیق آلبانی - رحمه الله - را مطالعه کنند،

موضوع: بیان نشانه های قدرت الله عزوجل در آفرینش هر چیز و نظم و نظام آن
قرآن کریم: {الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى} {۲}

(همان که آفرید پس درست و استوار ساخت) (۲)

تفسیر: به پاکی یادکن ذاتی را که همه چیزها را می آفریند سپس آنها را منظم، و مرتب می گرداند و به آنها سامان می بخشد، چنانچه انسان را آفرید، شکل او را زیبا گردانید، قامتش را برابر و اعضای ظاهری و باطنی او را متناسب ساخت، بنابراین: به وضاحت دانسته می شود که این آفرینش شگفت آور از ذاتی صادر می شود که دانا، توانا، زنده، سنجیده کار، تدبیرکننده، و رقیب است، و هرگز تصادفی و خود بخودی نمی تواند باشد، و اگر مثل انسان به دیگر مخلوقات نیز همین قسم تفکر شود نتیجه همان می شود که ذکر گردید، بعد از اینکه الله عزوجل در آیه اول این سوره ذات خود را به (الاعلی) صفت نمود، در این آیه و آیات بعدی به صفات کریمه دیگری نیز خود را توصیف نمود

موضوع: بیان نشانه های قدرت الله عزوجل در اندازه گیری چیزها و رهنمایی آنها
به منافع شان

قرآن کریم: {وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى} {۳} (و آنکه اندازه گیری کرد پس هدایت نمود) (۳)

تفسیر: به پاکی یادکنید ذاتی را که هر چیز را در کتاب مقادیر از خیر و شر اندازه گیری نمود و نوشت و هر مخلوق را به نیاز هایش رهنمایی کرد، امام ابن کثیر رحمه الله - در تفسیرش می نویسد: الله عزوجل برای انسان راه نیکبختی و بدبختی را نشان داد و چهار پایان را به چراگاه های آنها رهنمایی نمود، الله عزوجل انسان را از لحاظ بافت، پیکر استخوانی، ترکیب اعضا، دقیق اندازه گیری نموده است، طور مثال: حنجره؛ دستگاه صوتی انسان است، دریچه حنجره با دقت و اندازه بسیار دقیقی طرح ریزی شده است، به طوری که اگر بیش از آنچه اکنون هست گشاده تر می بود صدای انسان آشکار نمی شد، و اگر باریک تر و تنگ تر از آنچه که اکنون هست می بود، نفس کشیدن مشکل می شد، بنابراین: الله عزوجل آنرا به شیوه اندازه گیری کرده که هم صدا واضح باشد و هم نفس راحت کشیده شود، مثال دیگر: اگر قدرت کارگوش در سطح بالا تری می بود کسی نمی توانست شب بخوابد، زیرا گوش همه نوع سروصداها را که در اطرافش وجود دارد می ربود، بلکه سروصداهای دستگاه ها و کارخانه های وجود خود را می شنوید و این به مصلحت و منفعت انسان نبود، اگر حس بویایی از این حالت موجود در بدن انسان بیشتر می بود و به اندازه حس بینایی قدرت می داشت، زندگی انسان مختل می شد، بطور مثال: اگر بینی و حس شامه از فاصله ده کیلومتری بوییدنی ها و آلودگی های اطراف را دریافت کرده می توانست، انسان هرگز زندگی راحتی را در جریان شب و روز به خاطر متاثر شدن از بدبویها و نجاست ها نمی داشت، همچنان توازن و تعادل را بین تعداد مردان و زنان برحالتی که مصلحت بشر است قرار داده و حقیقت این امر از مسلمات و بدیهیات می باشد، اکسیجنی که انسان در هر لحظه به شکل رایگان بخاطر زنده ماندن خود می گیرد، دقیق اندازه گیری شده و پخش می شود، اگر از این اندازه معین آن که فعلاً هست، کمتر تولید، پخش و منتشر شود، انسانها و حیوانات خفه می شوند،

۱ هدایت به دئوع تقسیم می شود، ۱: هدایت گونی: مثل مثال فوق و مثالهای دیگر: اینکه طفل را به پستان مادر هدایت نموده است، گنجشک را هدایت نموده که برای خود در کدام موقعیت آشیانه و خانه بسازد، الله عزوجل مورچه را هدایت نموده است طوری که خانه خود را در جای بلند بسازد تا سیل و باران آنرا خراب نکند، به هر جا که برود دوباره به خانه اش باز می گردد، غلجیات و دانه جات را که در خانه خود ذخیره می کند از جای شروع به خوردن می کند تا باقی آن فاسد نشود، یعنی: از اطراف آن، بعضاً طعام داخل خانه خود را در وقت طلوع آفتاب به بیرون انتقال می دهد تا بد بوی و فاسد نشود، خلاصه اینکه تمام مخلوقات زنده را به سوی آنچه ضرورت و مصلحت آنها می باشد هدایت نموده است، ۲: هدایت شرعی: همان است که الله عزوجل به وسیله کتاب و پیامبر هدایت می کند، سبحان الله! آیا به این شگفتی های الله عزوجل در کائنات تا اکنون تفکر کرده اید؟ چرا تفکر ننموده اید؟

موضوع: ۱- دلیل اقناعی بر اثبات رستاخیز. ۲- بیان نشانه های قدرت الله عزوجل در بیرون ساختن چراگاه ها وروئیدن آنها

قرآن کریم: {وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى} {۴} (و آن کسی که چراگاه را رویانید) (۴)

تفسیر: الله عزوجل ذاتی است که چراگاه ها ، چمن زارها ، گیاهان، کشت زارها وعلفها را جهت تغذیه حیوانات بیرون می آورد، امام ابن کثیر رحمه الله درتفسیرش می نویسد: در این آیه مبارکه تمامی انواع نباتات وکشت زارها داخل است، بلی؛ ذاتی که بر بیرون ساختن گیاهان از زمین بعد از خشک شدن آنها قادر باشد، آن ذات بر بیرون نمودن مردگان از زمین وزنده ساختن آنها نیز قادر است، موضوع:

۱: گیاهان تابع اراده الله عزوجل اند

۲: تازگی وجود انسان باسرعت تمام به طرف پژمرده شدن روان است

۳: بیان نشانه های قدرت الله عزوجل در دگرگون ساختن گیاهان

قرآن کریم: {فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى} {۵} (وسپس آنرا خشک وسیاه گردانید) (۵)

تفسیر: سپس آنرا خشک وسیاه می گرداند، مقصود از این آیات رهنمایی به سوی کمال قدرت وتنوع نعمت های الله عزوجل است وهمچنان دلایلی بر اثبات زنده شدن بعد از مرگ نیز می باشد، تادر ایمان مومنان قوت وفزونی ایجاد شود وکافران هدایت گردند واز کفر دست بردار شوند،

رهنمایی ها، احکام وعمل

۱: وجوب تعظیم الله عزوجل وتمجیدآن واثبات علوذات، علوشأن وعلو قدرت برا الله عزوجل.

۲: چنانچه واجب است که ذات الله عزوجل از هر عیب ونقص منزّه دانسته شود، همچنان واجب است که نامها، اوصاف، افعال، واحکامش نیز از هرعیب ونقص منزّه دانسته شود

۳: مشروعیت واستحباب گفتن: (سبحان الله) هنگام خواندن: (سبح اسم ربك الاعلی)، برای قاری.

۴: استحباب خواندن این سوره در نمازهای وتر، عید و جمعه.

۵: تفکر در آیات تکوینی سبب زیادت قوت ایمان می شود.

بخش دوم: اثبات رسالت رسول الله ﷺ، ضمانت حفاظت از قرآن مجید و وجوب پند دادن بوسیله قرآن کریم

موضوع:

۱: از نشانه های فضل الله عزوجل بر پیامبرش ﷺ

۲: اثبات معجزه دیگر

قرآن کریم: {سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَى} {۶} (ما به زودی قرآن را بر تو می خوانیم، پس هرگز فراموش نخواهی کرد).

تفسیر: ای رسول ما! زود است که ما قرآن کریم را برای تو بر زبان امین وحی خود جبرئیل - علیه السلام - بخوانیم و آموزش بدهیم، و تو دیگر آن را فراموش نخواهی کرد، علامه سعدی - رحمه الله - در تفسیرش می نویسد: این مژده بزرگی از جانب الله عزوجل بر پیامبرش ﷺ می باشد مبنی بر اینکه برای رسولش ﷺ دانشی می دهد که آنرا فراموش نمی کند^۱

موضوع: فراخی علم الله عزوجل.

قرآن کریم: {إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى} {۷}

(مگر آنچه را که الله عزوجل بخواهد، همانا او آشکار و نهان را می داند).

تفسیر: مگر آنچه که حکمت الله عزوجل اقتضا کند و اراده نسخ و رفع آنرا داشته باشد که تو آنرا فراموش کنی، در آن وقت آیه که تلاوت و حکمش منسوخ شده را از یاد تو می بریم، در غیر آن هیچ چیزی را از وحی فراموش نمی کنی، بی گمان الله عزوجل امور آشکار و پوشیده را می داند و به مصالح بندگان آگاه تر است، امام طبری رحمه

۱ تیسیر الکرمین فی تفسیر کلام المنان، المؤلف: عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي (المتوفى: ۱۳۷۶ هـ)

الله در تفسیرش می نویسد: ... الله تمام کردارهای آشکار و پنهان ترا می داند و از او بیم داشته باش که مبادا کاری را انجام دهی که برای تاجزه نداده باشد و در همین حالت ترا مشاهده کند^۱

موضوع:

۱: آینده درخشان از آن رسول الله ﷺ و امت شان است.

۲ - گشایش در امور، رفع پریشانی ها و توفیق در عبادات از الله عزوجل خواسته شود

قرآن کریم: { وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ } { ۸ } (و ما تو را به راه آسان توفیق می دهیم) (۸)

تفسیر: ای رسول ما! ما برای تو ذاکره قوی می دهیم که قرآن کریم را حفظ کنی و فراموش نکنی، انجام کارها و گفتارهای خیر را برای تو آسان می سازیم، اسباب ورود جنت را برای تو و پیروان تو مهیا میکنیم، تمام موانع را از سر راه تو برمی داریم، آسان گیری و مهربانی را جزو سرشت و طبیعت تو قرار می دهیم پس تو پیروانت را به آسان گیری و مهربانی با مردمان و حتی حیوانات ترغیب بده! زیرا: تو رحمتی برای جهانیان هستی.

موضوع: و جوب دعوت بسوی قرآن کریم

قرآن کریم: { فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ } { ۹ } (پس پند ده اگر پند سود بخشد) (۹)

تفسیر: ای رسول ما! اگر پند و نصیحت مفید باشد، به شریعت الله عزوجل پند بده، مردم را به سوی باورها، کردارها و گفتارهای نیکو رهنمائی کن و از باورها، کردارها و گفتارهای بد بترسان، قابل تذکر است که: ترک دعوت در صورتیکه مفید نباشد در امر تکرار دعوت می باشد، ولی در دعوت نخستین تمامی مردم باید به طور عام به طرف دین الله عزوجل دعوت داده شوند، چه کسانی که قبول می کنند و چه کسانی که رد می کنند، وعده از علما (إِنْ) را شرطیه نمی دانند، بنابراین دیدگاه: پند دادن و نصیحت کردن همه مردم چه پند پذیر باشند و چه پند گریز دستوریست از

۱ با اختصار و تصرف بسیر از تفسیر امام طبری رحمه الله

جانب دین^۱ - طنطاوی رحمه الله در تفسیرش (الوسیط) می نویسد: مقصود آیه مبارکه ترغیب دادن پیامبر ﷺ بر همیشگی در دعوت همه مردم به سوی پذیرش حق است، اگر از این پند دادن همه مردم فایده نگیرند، بعضی از آنها فایده می گیرند، زیرا سنت الله عزوجل اینست که: زمین خالی نمی ماند از کسانی که به سوی حق گوش فرا می دهند و اجابت می کنند.

موضوع: ترس از الله عزوجل بنده را پند پذیر می گرداند

قرآن کریم: {سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى} {۱۰} (آن کس که ترسد بزودی پند می پذیرد).

تفسیر: هرکسی که از عذاب الله عزوجل بترسد و امید وار ثوابش باشد به آنچه برایش از شریعت پند دهی قبول می کند، از گناه دست بردار می شود و بسوی اعمال نیکو روی می آورد.

موضوع: پیامد دوری گزیدن از پند پذیری، بدبختی است

قرآن کریم: {وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى} {۱۱} (بدبخت ترین مردم از آن دوری می گزیند) (۱۱)

تفسیر: و بدبخت ترین مردمان از پند، اندرز و نصیحت دوری می گزینند، برکفر و گناه همیشگی می ورزد^۲

موضوع: مقرر بدبختان در آخرت.

قرآن کریم: {الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى} {۱۲} (همان کس که در آتشی بزرگ در آید).

تفسیر: همان کسی که وارد بزرگترین، وحشتناکترین و هولناکترین آتش (جهنم) می گردد و در آن می سوزد، امام قرطبی رحمه الله در تفسیرش به نقل از حسن رحمه الله می نویسد: آتش دنیا کوچک است، آتش جهنم بزرگ می باشد، امام ابن جریر رحمه الله در تفسیرش می نویسد: آتش دوزخ به خاطر شدت گرمی و درد آن، آتش بزرگ نامیده شده است.

۱ امام قرطبی رحمه الله - در تفسیرش می نویسد: جرجانی می گوید: پند دادن واجب است اگرچه مفید نباشد، برخی می گویند: این قضیه به یک قوم مخصوص بوده است، ... انتهی کلامه - امام ابن قیم رحمه الله - می گوید: در (ان) سه دیدگاه است، ۱: شرطی میباشد، ۲: به معنای (قد) می باشد، ۳: به معنای (ما) است... زاد المسیر بتصرف یسیر، ۴-۴۳۲

۲ مراد به اشقی: جنس است، یعنی: بد بختان از فایده گرفتن دوری می گزینند و آنها کافران اند، برخی علما می گویند: آنها کسانی می باشند که در کفر توغل می ورزند مثل ابو جهل و ولید بن مغیره و همانند های آنها

موضوع: همیشه بودن عذاب جهنم در آخرت

قرآن کریم: {ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ} {۱۳} (آنگاه نه در آن می میرد و نه زنده می ماند) (۱۳)

تفسیر: سپس این شخص در آن آتش هولناک نه می میرد و نه هم زنده بشمار می آید، حیاتی که برایش فایده برساند ندارد، بلکه حیاتی دارد که سراسر ضرر، مصیبت و عذاب است، امام طبری رحمه الله می گوید: نَفْس این افراد (به داخل جهنم) در گروی شان قید می گردد، نه بیرون می شود تا بمیرند و نه هم به موضع خود در جسم باز می گردد تا راحت شوند^۱ - رسول الله ﷺ فرمودند: (در روز قیامت) مرگ به مثل قوچ کبود رنگی^۲ آورده می شود، ندا کننده ندا می کند، ای اهل جنت! همه به سوی آن صدا توجه می کنند، سپس می گوید: آیا این را می شناسید؟ اهل جنت می گویند: بلی، این مرگ است، سپس ندا می کند: ای اهل دوزخ! همه به سوی آن می نگرند و توجه می کنند، ندا کننده می گوید: آیا این را می شناسید؟ اهل دوزخ می گویند: بلی، این مرگ است، سپس مرگ ذبح می شود، بعداً ندا کننده می گوید: ای اهل جنت شما برای همیشه اینجا هستید دیگر مرگ نیست! وای اهل دوزخ شما (نیز) برای همیشه اینجا می باشید دیگر مرگ نیست! ...^۳

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱: بیان ضمانت حفظ قرآن مجید،

۲: بشارت توفیق بر اعمال نیک برای رسول الله ﷺ و امت شان

۳- وجوب آسان گیری بر امتان رسول الله ﷺ، رسول الله ﷺ برای کسی که جهت پیشبرد امری از امور امت ایشان گماشته شده باشد و با ایشان آسان گیری، نرمی و مهربانی نماید. از الله عزوجل خواستند تا با او آسان گیری و مهربانی کند! و بر کسی که بر امت شان گماشته شده تا منافع و مصالح ایشان را تامین کند ولی او بر آنها سخت گیری میکند و آنها را به دشواری می افکند، نفرین نمودند و از الله عزوجل

۱ هرگاه کسی در دشواری سختی واقع می شد، عربها درموردش می گفتند: او نه زنده است و نه هم مرده، الله عزوجل هم بر اساس آنچه در کلام شان جاری بود مخاطب شان ساخت، والله اعلم - جهت تحقیق بیشتر به تفسیر امام ابن جریر در همین سوره مراجعه شود،

۲ املح، در متن حدیث: قوچی که پشمش سفید و سیاه به هم آمیخته باشد معنا گردیده است و همچنان به معنای کبود رنگ نیز معنی شده است.

۳ صحیح البخاری (۴۷۳۰)، صحیح مسلم، - ۴۰ (۲۸۴۹)

خواستند تا با او سخت گیری نماید!^۱ - بنابراین: با همه امتان رسول الله ﷺ مهربانی داشته باش، با آنها سخت گیری نکن و آنها را به رنج و مشقت نیفکن. تا آسان گیری الله عزوجل نصیب تو شود و از سخت گیری الله عزوجل نجات پیدا کنی و در امان باشی. زیرا: دعای رسول الله ﷺ اجابت شدنی است.

۳: برای هر نعمتی شکر لازم است، شکر نعمت رسالت و علم، تبلیغ و انتشار آن بین مردم می باشد.

۴: دعوتگر مکلف به تبلیغ است از نتیجه آن سوال نمی شود، زیرا قلب ها به دست الله عزوجل است.

۵: روزانه افرادی را پند بده و نصیحت کن

۶: ترس از الله عزوجل انسان را پند پذیر میسازد

۷: پند گریزی از اسباب ورود به جهنم می باشد

بخش سوم: این بخش مشتمل است بر: بیان وجوب تزکیه نفس، ادای نماز، زهد و اشتراک اعتقادی و اخلاقی شرایع آسمانی

موضوع: وجوب تزکیه نفس

قرآن کریم: { قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى } { ۱۴ } (یقیناً کسی که خود را پاک و تزکیه کند رستگار شد) (۱۴)

تفسیر: قطعاً کامیاب و رستگار شد کسی که نفسش را از شرک، ظلم و اخلاق رذیله پاک ساخت و پیروی نمود آنچه را که الله عزوجل بر پیامبرش ﷺ نازل فرمود.

موضوع: وجوب ذکر الله عزوجل (الله اکبر) در شروع نماز

قرآن کریم: { وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى } { ۱۵ } (و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد) (۱۵)

تفسیر: و نام پروردگار خود را یاد کند و نماز را در وقتش جهت رضای الله عزوجل بخواند، امام ابن جریر طبری - رحمه الله - به سند حسن در تفسیر این آیه مبارکه

۱ صحیح مسلم، (۱۸۲۸) لفظ حدیث اینجنین است: اللَّهُمَّ، مَنْ وَلِيَ مِنْ أُمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ، فَاشْفُقْ عَلَيْهِ، وَمَنْ وَلِيَ مِنْ أُمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَفَرَّقَ بِهِمْ، فَازْفُقْ بِهِ.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت می کند که : الله عزوجل را یگانه دانسته و نماز های پنج وقت را بخواند^۱ - امام نسفی رحمه الله در تفسیرش مینویسد: تکبیر افتتاح (شروع نماز) را بگوید و نماز های پنجگانه را بخواند، از این آیه کریمه استدلال بر وجوب تکبیر افتتاح در نماز می شود...^۲ -، مردی از رسول الله ﷺ سوال نمود: بهترین اعمال کدام است؟ رسول الله ﷺ فرمودند: نماز، آن مرد گفت: بعد از آن چیست؟ فرمودند: سپس نماز، آن مرد گفت: بعد از آن چیست؟ رسول الله ﷺ فرمودند: سپس نماز، آن مرد گفت: بعد از آن چیست؟ رسول الله ﷺ فرمودند: جهاد،^۳ - همچنان در حدیث صحیح دیگر رسول الله ﷺ خواندن نماز را در وقتش از بهترین اعمال معرفی کردند^۴ - و از خواندن نماز به جماعت غفلت صورت نگیرد، تلاش شود تا بخاطر مشغولیت و مصروفیت در امر زراعت، صنعت، تجارت، طبابت و امارت ادای نماز باجماعت ترک نشود.

موضوع: ۱ - نکوهش از برتری دادن دنیا بر آخرت: ۲ - وجوب زهد.

قرآن کریم: { بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا } { ۱۶ }

(لیکن شما زندگی دنیا را بر می گزینید) (۱۶)

تفسیر: بلکه شما عمل به آخرت را ترک نموده زندگی دنیا و نعمت های از بین رونده آنرا بر آخرت ترجیح می دهید و بر می گزینید^۵،

هشدار از فریفته شدن به دنیا در احادیث صحیح:

۱ - رسول الله ﷺ از کنار بزغاله مرده که گوشهای کوچکی داشت عبور کردند، و فرمودند: کدام یک از شما دوست دارد که این را به یک درهم خریداری کند؟ صحابه رضی الله عنهم گفتند: ما آنرا در مقابل هیچ چیزی نمی خواهیم، رسول الله ﷺ

۱ صحیح المسبور من التفسیر بالمأثور، همین سوره

۲ جهت تفصیل بیشتر به تفسیر امام نسفی - رحمه الله - مراجعه شود، در همین سوره.

۳ مسند احمد (۶۶۰۲) - صحیح ابن حبان (۱۷۲۲) وحسنه شعيب الارنؤوط - صحیح الترغیب والترهیب (۳۷۸) - آرشيف ملتقى اهل الحديث، ج: ۱۸، ص: ۹

۴ صحیح البخاری (۵۲۷) - صحیح الترغیب والترهیب (۳۹۸) - السلسلة الصحيحة (۱۴۸۹)

۵ امام طبری رحمه الله در تفسیرش مخاطب این آیه مبارکه را انسانها قرار داده است و در ادامه می نویسد: مردم زندگی دنیوی را اختیار کردند مگر کسی که الله عزوجل آنرا حفظ نمود

فرمودند: به الله سوگند که دنیا به نزد الله عزوجل از این پست تر و حقیر تر می باشد^۱ -

۲- رسول الله ﷺ فرمودند:.. اگر دنیا نزد الله عزوجل به اندازهٔ بال پشهٔ ارزش می داشت، هرگز کافر را از آن یک قطرهٔ آبی هم نمی نوشانید^۲ -

۳- رسول الله ﷺ فرمودند: هرکس دنیای خود را دوست داشته باشد به آخرتش ضرر رسانیده است و هرکس آخرت خود را دوست داشته باشد به دنیایش ضرر رسانیده است، پس اختیار کنید آنچه را که باقی می ماند بر آنچه فانی میشود^۳، بنابراین: نباید دنیا برای مسلمان هدف باشد. بلکه از دنیا به عنوان وسیله برای رسیدن به هدف باید استفاده گردد،

موضوع: ترغیب بر پاداش آخرت

قرآن کریم: {وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى} {۱۷} (در حالیکه آخرت نیکوتر و پایدارتر است) (۱۷)

تفسیر: در حالیکه پاداش الله عزوجل در سرای آخرت از دنیا بهتر و ماندگارتر می باشد، زیرا دنیا فانی است و آخرت همیشگی و باقی می باشد و هرگز فنا نمی شود، چگونه انسان عاقل فانی را بر باقی بر می گزیند،

موضوع: اتفاق شرایع آسمانی در اصول اعتقادی و اخلاقی.

قرآن کریم: {إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى} {۱۸}

(قطعاً در صحیفه های گذشته این [معنی] هست) (۱۸)

تفسیر: بیگمان اوا مر نیکو و اخبار زیبای که در این سوره برای شما بیان گردیده تنها در قرآن کریم ذکر نگردیده است، بلکه مضمون آن در کتاب های گذشته نیز آمده است،^۴

۱ صحیح مسلم (۲۹۵۷)

۲ سنن ابن ماجه (۴۱۰۰) - صحیح الترغیب والترهیب (۳۲۴۰)

۳ مسند احمد (۱۹۶۹۷) - صحیح ابن حبان (۷۰۹) - شعب الایمان (۹۸۵۴) - صحیح الترغیب والترهیب (۳۲۴۷) - تراجعات علامه البانی رحمه الله ،

ج: ۱، ص: ۴۰ - وحسنه شعيب الارنؤوط رحمه الله

۴ به تفسیر سعدی رحمه الله مراجعه شود، طبری به سند حسن از قتاده روایت می کند که در کتاب های الله عزوجل یکی بعد از دیگری این مطلب ذکر گردیده است که: آخرت بهتر از دنیا می باشد، ولی ترجیح امام طبری - رحمه الله - اینست: قد افلح من تزکی ... لفی الصحف الاولی صحف ابراهیم وموسی ، - الله عزوجل چیزهای را در (۱۸) آیه از محتوای صحف ابراهیم وموسی در سورهٔ نجم از آیه (۳۶) الی (۵۴) ذکر نموده است.

موضوع: اثبات دو کتاب و دو پیامبر

قرآن کریم: {صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى} {۱۹} (صحیفه های ابراهیم و موسی) (۱۹)

تفسیر: کتابهای ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام که از جانب الله عزوجل به سوی شان نازل شده است، حاوی و شامل دساتیر فوق و داستانهای و پند آموز بودند، بلی؛ فرامین این سوره در تمام شرایع آسمانی موجود بوده است، زیرا منافع و مصالح هر دو جهان به آن ارتباط می گیرد.^۱ این دو پیامبر بعد از محمد ﷺ گرامی ترین پیامبران اند.

رهنمای ها، احکام و عمل

- ۱: وجوب تزکیه نفس از شرک، بدعت و سایر معاصی
- ۲: کلمات اذان را همراه مؤذن مطابق حدیث نبوی تکرار کن^۲، سپس دعای بعد از اذان را بگو و به طرف مسجد جهت ادای نماز با جماعت حرکت کن.
- ۳: وجوب توصیه بر حقیر شمردن دنیا و ترغیب بسوی آخرت به خاطر فنای دنیا و بقای آخرت
- ۴: ضرورت آمدگی برای آخرت و اختیار نمودن ثواب آن بر لذت های دنیا
- ۵: اتفاق شرایع آسمانی در اصول اعتقادی و اخلاقی دلیلی بر این می باشد که همه آنها وحی الله عزوجل می باشد
- ۶: بنگر که در دنیا چه چیزی را بیشتر دوست داری؟ از همان چیز اگر چه اندک هم باشد جهت رضای الله عزوجل صدقه بده!

۱ به تفسیر سعدی مراجعه شود در همین سوره و آیه.

۲ هنگامیکه مؤذن می گوید: (حی الصلاة وحی علی الفلاح)، تو بگو: (لاحول ولا قوة الا بالله) باقی کلمات اذان را مثل مؤذن بگو، به صحیح مسلم شماره حدیث: ۱۲- (۳۸۵) مراجعه شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: غاشیه.

مکان نزول: مکه مکرمه.

شمار آیات: ۲۶

تعداد کلمات: ۹۲

اعداد حروف: ۳۸۱

وجه نام گذاری این سوره: این سوره غاشیه (پوشاننده و فرا گیر) نامیده شده است و این نامی از نام های روز قیامت می باشد، زیرا: مردمان را زیر دشواری ها و سختی های خود می پوشاند و همچنان عقل های شانرا از تفکر کردن در غیر آنچه به او روبه رو شدند نیز فرومی پوشاند.

اجمالاً مطالبی که این سوره مبارکه در برگیرنده آنست:

محور بحث این سوره مکی بیان اصول اعتقادی در سه موضوع می باشد

۱: بیان دشواری های قیامت و آنچه کافر و مومن در آن از بدبختی و نیک بختی مواجه می شوند.

۲: اثبات توحید، قدرت، حکمت و علم الله عزوجل در آفرینش آسمان، کوه ها، شتران، زمین و غیره از شگفتی هایش در مخلوقات

۳: پند دادن برای مردم بخاطر بازگشت شان به سوی الله عزوجل جهت حساب و جزا و ماموریت رسول الله ﷺ در رسانیدن دین و احکامش،

فضیلت آن:

رسول الله ﷺ سوره های « سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى » و « هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ » را در نماز جمعه و هردو عید می خواندند^۱ - و همچنین در نماز پیشین و عصر نیز این دو سوره مبارکه را می خواندند^۲

از مقاصد این سوره:

۱- یاد آور ساختن نفسها به مشاهده قدرت الله عزوجل در عذاب و نعمت تا اینکه قلبها از ترس و شوق مملو و پرگردد،

۲- استوار قرار دادن رسول الله ﷺ در دعوت به سوی ایمان به الله عزوجل و روز آخرت به بیان حال مومنان و کافران.

تقسیم این سوره به سه بخش زیر ممکن است:

۱: بیان عذاب و ثواب

۲: بیان آیات قدرت (نشانه های قدرت) برزنده ساختن بعد از مرگ

۳: بیان وظیفه و ماموریت رسول الله ﷺ

بخش اول: بیان عذاب و ثواب میباشد که بیشتر از دوثلث (دو سوم) آیات این سوره را در برگرفته است

موضوع: ۱- اثبات رسالت رسول الله ﷺ، ۲- قیامت مملو از دشواری است

قرآن کریم: { هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ } { ۱ }

(آیا خبر غاشیه (قیامت فراگیر) به تو رسیده است؟) (۱)

تفسیر: ای رسول ما! آیا خبروداستان قیامت به تو رسیده است که مردم را با دشواریها و هراسهای خود فرا می گیرد و فرو می پوشاند، امام طبری به سند حسن از

۱ صحیح مسلم، ۶۲- (۸۷۸)

۲ مسند البزار (۴۲۶۰) و صححه الالبانی فی السلسله (۱۱۶۰)

ابن عباس روایت می کند که « غاشیه » اسمی از اسم های روز قیامت است که الله عزوجل امر آنها بزرگ قرار داده و بندگان را از آن ترسانیده است.^۱

موضوع: بیان خواری کافران در آن روز

قرآن کریم: { وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ } {۲} (چهره های در آن روز خوار و ذلیل خواهند بود) (۳)

تفسیر: چهره های (اهل کفر)^۲ - در آن روز (قیامت) خوار، سرافکنده، شرمنده، و پریشان خواهند بود، زیرا: آنها در دنیا برای الله عزوجل خشوع، فروتنی و شکستگی نکردند، پس در آخرت به خواری و درهم شکستگی مجازات میشوند، در آیه مبارکه از « ذوات » به « وجوه » تعبیر شده است، زیرا: چهره زیباترین و بزرگوارترین بخش وجود انسان میباشد، همچنان سر و چهره مرکز حواس انسان است، از همین جهت رسول الله ﷺ از زدن بر چهره نهی نمودند^۳،

موضوع: کار و تلاش کافران در قیامت

قرآن کریم: { عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ } {۳}

(آنانیکه بر پایه غیر توحیدی کار کرده و رنج کشیده اند)

تفسیر: آنها در جهنم مکلف به انجام کارهای دشوار، سنگین و طاقت فرسا می شوند، و برخی این کارها عبارت اند از: کش کردن زنجیرها، طوقها، و فرورفتن در قعر جهنم و تلاشهای ناکام جهت خارج شدن از آن، امام طبری به سند حسن به نقل از قتاده در تفسیر این آیه مبارکه چنین مینویسد: این چهره ها در دنیا از فرمان برداری الله عزوجل تکبر و ورزیدند، الله عزوجل آنها را در جهنم مکلف به انجام کارهای سنگین و دشوار نمود.^۴ - امیرالمومنین عمر رضی الله عنه هنگامیکه وارد شام شدند، راهب^۵ سالخورده نزدشان آمد وقتی عمر رضی الله عنه آنها دیدند به گریه افتادند، برایشان گفته شد: چه چیزی شما را به گریه واداشت؟ فرمودند: حال این مسکین؛ او چیزی را جستجو نمود ولی آنها در نیافت، هدف ایشان این بود که این راهب عبادت کرده

۱ صحیح المسبور من التفسیر بالماثور - تفسیر همین سوره و تفسیر امام ابن جریر طبری همین سوره
۲ به تفسیر امام ابن جریر طبری رحمه الله - مراجعه شود که (وجوه) را به اهل کفر تفسیر نموده است
۳ سنن ابی داود (۲۱۴۲) و صححه الالبانی فی الارواء (۲۰۳۱)

۴ الصحیح المسبور... همین سوره

۵ روحانی تارک دنیای عیسوی - زاهد و گوشه نشین ترسایان را نیز راهب گویند

است ولی از این عبادت ثوابی را در یافت نمی کند، زیرا: این عبادت وی بر روش رسول الله ﷺ عیار نیست، سپس همین آیه مبارکه فوق را تلاوت نمودند^۱ -

متأسفانه امروز در بین مسلمانان نیز طریقه های مختلفی را جهت گمراه ساختن شان به وجود آوردند که انواع بدعت ها و خرافات و حتی شرکیات در آنها جای دارد، لازم است که مسلمانان به هیچ یک از این طریقه ها داخل نشوند و از همه آنها بیزاری بجویند و تنها در توحید خالص و روش رسول الله ﷺ تا هنگام مرگ ثابت قدم باشند.

مفسران در تفسیر «عامله ناصبه» سه دیدگاه دارند:

۱: کافران در آخرت تلاشگر، رنجبر و محنت کش اند تا گریزگاهی را از آتش جهنم پیدا کنند و فرار نمایند ولی زیان می کنند هیچ راه نجات برای شان وجود ندارد.

۲: مراد کسانی اند از راهبان (پارسایان نصرانی ها که جهت عبادت گوشه گیری می کنند) که در دنیا کوشش به انجام عبادت میکردند ولی به پیامبر ما ﷺ ایمان نیاوردند، همچنان هر کسی دیگری که الله عزوجل را بر روشی عبادت کند که مشروع نساخته باشد شامل می شود،

۳: آنها در قعر جهنم دچار کش کردن زنجیر ها و طوقهای آهنین می باشند
تعارضی بین این سه دیدگاه نیست، مدلول آیه مبارکه شامل همه می شود، این یک قاعده مفیدی در علم تفسیر می باشد.
موضوع: مقرر همیشگی کافران.

قرآن کریم: {تَصْلَى نَارًا حَامِيَةً} {۴} (در آتشی سوزان درآیند) (۴)

تفسیر: کافران به آتش سوزان دوزخ در خواهند آمد، آتشی که پوست بدن را بریان می کند و اعضای وجود را می گدازد، و از هر جهت بر آنها احاطه دارد.

موضوع: نوشیدنی کافران در جهنم.

قرآن کریم: {تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ} {۵} (از چشمه ای بسیار داغ نوشانیده شوند) (۵)

۱ گرفته شده از تفاسیر امام ابن کثیر و امام قرطبی رحمهما الله

تفسیر: ونوشانده می شوند از چشمه بی نهایت داغ وجوشنده که به مجرد نزدیک شدن این نوشیدنی به ایشان، پوست سر و چهره برکنده می شود، وبا خوردن آن تمام روده ها قطع می گردد، زیرا: از روزیکه جهنم آفریده شده آن آب را می جوشانند.

موضوع: خوراک کافران در جهنم

قرآن کریم: {لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ} {۶} (خوراکی جز خار خشک و تلخ ندارند)

تفسیر: در آیه قبل آنچه اهل جهنم می نوشند بیان شد، در این آیه آنچه می خورند ذکر گردید، چنانچه الله عزوجل فرمود: برای آنها در جهنم خوراکی جز ضریع نمی باشد، ضریع: نوعی از خار تلخ، بدبوی، گلوگیر، و تهوع آور است که هیچ حیوانی آنرا نمی چرد،^۱ - امام طبري به سند حسن از ابن عباس رضي الله عنه روایت می کند که ضریع: درختیست از آتش^۲ - امام بغوی رحمه الله در تفسیرش مینویسد: الله عزوجل بر دوزخیان گرسنگی را مسلط می کند که با عذاب موجود آنها برابری دارد، در این حال درخواست غذا می کنند که به «ضریع» پاسخ داده می شوند.

موضوع: پیامد خوراکشان.

قرآن کریم: {لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ} {۷} (که نه فربه کند و نه گرسنگی را باز دارد).

تفسیر: خوراکی که خوردنش فربه نمی کند و نه هم رفع گرسنگی می نماید، زیرا مقصود از خوردن طعام حصول یکی از دو امر ذکر شده است.

موضوع: شادمانی مومنان در آن روز

قرآن کریم: {وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ} {۸} (در آن روز چهره هایی شادابند) (۸)

تفسیر: الله عزوجل بعد از بیان احوال اهل جهنم، احوال اهل جنت را ذکر نمود و فرمود: چهره های در آن روز شادمان، روشن، خرم، تازه، خوشنما و دارای نعمت

۱ دو زخیان گروه های مختلف میباشند و خوراک آنها نیز مختلف است، برای بعضی، ضریع، برای عده زقوم، و شماری هم غسلین می باشد، به تفسیر سوره های، واقعه و حاقه آیات، ۵۲ و ۳۶ مراجعه شود. همچنان به تفسیر امام نسفی رحمه الله - مراجعه شود

۲ الصحيح المسبور من التفسير بالماثور، تفسیر همین سوره

می باشند، اینها کسانی اند که: الله عزوجل از ایشان راضی می باشد، از همین جهت اثر نعمتش در چهره های آنها آشکار است.

موضوع: خشنودی در قیامت بستگی به تلاش دنیوی دارد

قرآن کریم: {لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ} {۹} (از کوشش خود خشنودند) (۹)

تفسیر: آنها از تلاش و کوششی که در انجام اعمال نیکو در دنیا نمودند، کاملاً خشنود و راضی می باشند، زیرا در مقابل این اعمال پاداش های بیشتر از توقع و امید به دست آورده اند.

موضوع: مقرر همیشگی مومنان

قرآن کریم: {فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ} {۱۰} (در بهشت برین و عالیقدر اند) (۱۰)

تفسیر: در بهشتی که از نگاه حسی و معنوی دارای جایگاه های عالی و مقامهای بلند می باشد مسکن اختیار می کنند، در جنت درجات متفاوتی وجود دارد: رسول الله ﷺ فرمودند: جنت دارای یکصد درجه بوده و بین هر درجه مثل بین زمین و آسمان می باشد،^۱

موضوع: ۱- در جنت سخن بیهوده نیست: ۲- بیهوده گویی از اوصاف اهل جنت نیست

قرآن کریم: {لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً} {۱۱} (سخن بیهوده ای در آنجا نشنوند).

تفسیر: اهل جنت هیچ سخن بی خیر و بیهوده را نمی شنوند، از آنها سخن باطل و بیهوده صادر نمی شود، امام طبری به سند حسن از قتاده روایت می کند که: در جنت سخن باطل و دشنام نمی شنوند^۲ - جنتیان حمد، ذکر و تسبیح می گویند ولی نه از باب تکلیف بلکه از باب تلذذ.

۱ سنن ترمذی (۲۵۳۱)

۲ الصحيح المسبور من التفسير بالمأثور، همین سوره

موضوع: نوشیدنی مومنان در جنت

قرآن کریم: { فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ } { ۱۲ } (در آن چشمه ای روان باشد).

تفسیر: در جنت چشمه های روان با آب زلال و گوارا می باشد و همچنان رودهای از شیر، شراب و عسل نیز در آنجا وجود دارد، این نعمت ها برای همیشه است و هرگز قطع نمی شود.

موضوع: تخت های والای جنت.

قرآن کریم: { فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ } { ۱۳ } (تختهایی بلند در آنجا است).

تفسیر: در جنت تختهای بلندی برای نشستن و برپهلوی قرار گرفتن وجود دارد، این تخت ها هم بلندی حسی دارند و هم بلندی معنوی و بر روی آنها فرش های نرم قرار داده شده است، زنانی از حوریان سیه چشم بر آنها نشسته و انتظار آمدن مومن را می کشند، هرگاه مومن اراده نشستن بر آنها را داشته باشد، این تخت های بلند برایش تواضع می کنند.

موضوع: برخی از ظروف جنت

قرآن کریم: { وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ } { ۱۴ } (جامه های در کنار هم نهاده شده)

تفسیر: و در جنت کوزه های زیبا و پاکیزه از طلا و نقره در کنار این چشمه ها گذاشته شده اند.

موضوع: بالش های جنت.

قرآن کریم: { وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ } { ۱۵ } (و بالشهایی پهلوی هم چیده).

تفسیر: و بالش ها و پشتیهای منظمی به پهلوی هم چیده شده اند که بر آنها تکیه می زنند و لذت می برند، در جنت خستگی و خواب نیست، رسول الله ﷺ فرمودند: خواب برادر مرگ است اهل جنت خواب نمی شوند^۱

۱ شعب الایمان (۴۴۱۶) - المعجم الاوسط (۸۸۱۶) - صحیح الجامع الصغیر و زیاده (۶۸۰۸) - آرشیف ملتی اهل التفسیر، (۲۰۹۲۸)

موضوع: فرشهای جنت

قرآن کریم: (وَرَزَائِيْ مَبْثُوْثَةٌ { ۱۶ }) و فرشهایی گرانبها گسترده شده است (۱۶)

تفسیر: و فرش های گرانبها ونفیزی در هر مجلسی برای شان گسترده شده است.

رهنمایی ها احکام و عمل

۱: قیامت روز وحشناکی است که مردم را به سختی هایش فرومی پوشاند.

۲: بیان خواری و ذلت کافران در آن روز.

۳: اعمالی که بر اساس توحید و اخلاص نباشد هیچ ارزشی ندارد.

۴: بیان پاداش مومنان در آن روز.

۵: وجوب پرهیز از لغو و بیهوده گویی، از اوصاف رستگاران و وارثان جنت فردوس اینست که: از بیهوده گویی روی میگردانند، یا به تعبیر دیگر؛ پرهیز از بیهوده گویی از اسباب رستگاری و داخل شدن به جنت فردوس می باشد، بنابراین: با این مرض اجتماعی که بیهودگویی است، مبارزه صورت گیرد تا کاملاً نابود شود.

بخش سوم: بیان نشانه های قدرت الله عزوجل بر زنده ساختن بعد از مرگ

موضوع: وجوب تدبیر در آفرینش شتر.

قرآن کریم: {أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ} { ۱۷ } (آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده).

تفسیر: آیا کافران یا همه بینندگان به سوی شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است، این حیوان جزو عجیب ترین حیوانات از نظر ساختار بدن می باشد،

این حیوان چهار ویژگی دارد:

۱: گوشتش خورده می شود.

۲: شیرش نوشیده می شود.

۳: سواری می شود.

۴: برای حمل و نقل در مناطق خشک و پهناور وسیله بسیار ارزش مندی به شمار می آید، مسافت های دور را با تحمل گرسنگی و تشنگی می پیماید، بیابان های بی آب و علف را پشت سر می گذارد، همه وجود شتر به بهترین شیوه برای هماهنگی و سازگاری با شرایط دشوار آب و هوا آفریده شده است، چشمان شتر دارای دوپلک است که مانع ورود شن ها و ریگ های بسیار ریز فراوان بیابان به چشم شتر می شود، لب های شتر دارای انعطاف و استحکام هستند و خارهای تیز را خورد می کند و می خورد، لب بالای آن متحرک و حساس می باشد و یک قدرت ویژه جهت جدا سازی غذا از ریگها برایش داده شده است، دندانهایش دراز و تیز می باشد، از جمله ویژگی ها و مزایای شتر نیاز کم آن به آب می باشد با وجود اینکه شتر می تواند به اندازه وان^۱ حمام آب بنوشد اما می تواند ده ها روز بلکه چند ماه بدون آب به زندگی خود ادامه دهد به طوری که می تواند آب مورد نیاز بدن خود را از بافت های بدنش تامین کند، شتر در کوهان خود معادل یک پنجم وزن بدنش چربی ذخیره کرده می تواند، چنانچه غذای بدست نیاورد، غذای مورد نیاز خود را از آن تامین میکند، این حیوان بزرگ، نیرومند و پر قدرتی است که الله عزوجل آنرا برای طفل خورد سالی هم رام نموده طوریکه آنرا می راند، می زند و می خواباند، در هیچ حیوان دیگر این صفات جمع نشده است، بنابر این: نشانه های قدرت الله عزوجل در آن آشکار و منفعتش بر فرزندان آدم بیشمار است، پس سزاوار است که فرمان داده شود تا جهت مشاهده نشانه های قدرت الله عزوجل در شتر، به سوی آن نگاه پند آمیز شود، شریح قاضی می گفت: بیرون شوید تا بسوی شتر بنگریم که چگونه آفریده شده است؟

موضوع: وجوب تدبیر در آفرینش آسمان

قرآن کریم: {وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ} {۱۸}

(و به آسمان نمی نگرند که چگونه برافراشته شده است).

تفسیر: و آیا به سوی آسمان نمی نگرند که چگونه این سقف بزرگ، بلند و مستحکم بدون هیچ ستونی بر افراشته شده است، الله عزوجل جو (فضا) را یک محافظ واقعی برای زمین قرارداد داده است که سبب متوقف ساختن اشعه های مضر و سوزاندن شهاب ها شده و به اذن الله عزوجل از حیات دنیوی ما حفاظت می کند، و هر آنچه

۱ ظرف بزرگی که در حمام نصب می کنند و در آن بدن را شستشو می دهند

را به سوی زمین در حرکت باشد برگشت می دهد مگر آنچه برای انسان سود مند باشد مثل باران، جو (فضا) از رسیدن گلوله های آتشین، شهاب سنگها، فلزات، صخره های آسمانی، سیاره های کوچک، اشعه های کشنده و هر آنچه موجب رساندن آسیب به زمین شود، ممانعت می کند،

موضوع: وجوب تدبیر در آفرینش کوه ها

قرآن کریم: {وَالِی الْجِبَالِ کَیْفَ نُصِبَتْ} {۱۹} (و به کوه ها که چگونه برپا داشته شده) (۱۹)

تفسیر: و به سوی کوه ها نظر نمی اندازند که بر بالای زمین نصب وپا برجای شده اند، در اینجا دو ویژگی کوه ها را به توفیق الله عزوجل ذکر می کنیم،

ویژگی اول: کوه ها همانند میخ هستند که دو سوم آنها در دل و عمق زمین قرار داشته و از میان لایه های مختلف آن می گذرد و باعث می شود تا این لایه ها به هنگام چرخش زمین از هم دور نشوند و باهم در ارتباط مستحکمی باشند.

ویژگی دوم: این کره خاکی زمین با حرکت سریع خود که در هر ثانیه بیش از (۳۰) کیلو متر سنجش شده است می بایست پیوسته دچار لرزش و تکان می بود، اما با توزیع و پخش شدن مناسب کوه ها در نقاط مختلف آن از لرزش و تکان آن جلوگیری شده است، و به زمین ثبات و استقرار کاملی بخشیده است، با در نظر گرفتن کوه ها مساحت زمین چهار برابر کنونی می شود، یعنی: اگر مساحت اشغال شده توسط کوه را با مساحت خود کوه مقایسه کنیم می بینیم که پنج برابر از آن کمتر است، پس این کوه ها مساحت زمین را افزایش داده، هوا را پاکیزه و لطیف ساخته و وظایف دیگری نیز دارند، برخی از فواید کوه ها در آیه (۷) سورة (نبا) ذکر شد.

موضوع: وجوب تدبیر در آفرینش زمین

قرآن کریم: {وَالِی الْأَرْضِ کَیْفَ سُطِحَتْ} {۲۰} (و به زمین که چگونه گسترده شده است) (۲۰)

تفسیر: و به سوی زمین نمی نگرند که چگونه مثل فرش برای اقامت ساکنانش پهن و گسترانیده شده است، منافع و مصالح بشریت در آن به ودیعت گذاشته شده است،

چرا از میان همه سیاره های منظومه شمسی (عطارد، زهره، مریخ، مشتری، و...) تنها زمین برای زندگی مناسب است؟

پاسخ: سیاره عطارد را در نظر می گیریم: این سیاره دارای (۸۸) روز در سال، یعنی: (۴۴) شب و (۴۴) روز پی در پی است، آیا چنین شرایطی برای زندگی مناسب است، هر اندازه که بخوابی و بیدارشوی بازهم شب به انتها نمی رسد، علاوه بر آن این سیاره فاقد جو (فضا) می باشد بنا براین شایسته زندگی نیست،

۲: سیاره زهره دارای (۲۲۵) روز است که نصف آن، یعنی: حدود صد روز آن شب و بقیه روز می باشد، اما دمای سطح آن در روز (۲۰) درجه بالای صفر می رسد و شب ها (۲۰) درجه زیر صفر تنزل پیدا می کند، آیا چنین شرایطی و جای که نه هوا و نه آب وجود دارد برای زندگی مناسب است؟

۳: اما سیاره مریخ، اگر چه دارای روزی بیست و چهار ساعته است اما هر سال آن برابر (۶۸۷) سال زمینی است یعنی اگر انسان در آنجا زندگی کند حتی پس از گذشت عمر خود نمی تواند فصل جدیدی را ببیند و نمی تواند از زیبایی ها و تغییرات متنوع که حاصل تغییر فصول است بهره مند شود، این سیاره در مدت (۶۸۷) سال به دور خورشید می چرخد و دمای برابر (۷۰) درجه زیر صفر دارد و از آب و هوا نیز خبری نیست آیا چنین مکانی شایسته زندگی است؟

۴: سیاره مشتری که روزهای آن با گذشت (۵) ساعت به انتها می رسد و هر سال آن (۱۲) سال زمینی است و دمای برابر (۱۳۰) درجه زیر صفر دارد در واقع سیاره متشکل از گازها است، آیا آنجا برای زندگی مناسب است؟^۱ -خیر- اگر روزی بشریت در سیاره دیگر غیر از زمین زندگی را آغاز کرد بازهم به سبب فهم، عقل و درکی است که الله عزوجل در وجودش به ودیعت گذاشته و توان استفاده از آن را برایش داده است، اگر سیستم های پیچیده و سنجیده تعقل، تمرکز و کنترل در کنار ملیاردها سیستم دیگر در وجود انسان نصب و فعال نمی بود، این انسان از ناحیه بی خبری و بی دانشی در ریختن بدون وقفه ای پیشاب از وجودش رسوا، بدبو و مطرود می گردید، چه رسد از بی خبری در موضوعات و مسایل دیگر، بنابراین: از آیات تکوینی نیز برای همگان دلایل قاطعه محسوسه معلومه مشهوده بر توحید الله عزوجل،

۱ اعجاز علمی در قرآن و سنت از دکتر راتب نابلوسی.

علم و قدرتش نصب شده است، ذاتی که بر آفرینش این چیزها : (شتر، آسمان، کوه ها، و زمین همراه اوصاف شگفت آور آنها) توانا باشد بر آفرینش موارد زیر نیز قادر و توانا است:

- ۱- برآفرینش مجدد انسان که زنده ساختن بعد از مرگ است،
 - ۲- بر آفرینش آنچه برای کفار از عذاب در جهنم ذکر شده است،
 - ۳- برآفرینش آنچه برای مسلمانان از نعمت در جنت بیان گردیده است،
- پس عقلاً نیز جای برای انکار از زنده شدن بعد از مرگ، عذاب دوزخ و نعمت های جنت باقی نمی ماند. اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شرک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱: اثبات زنده شدن بعد از مرگ با بیان دلایل موجبه ایمان.

۲: وجوب تدبیر در آیات تکوینی.

بخش سوم: بیان وظیفه و ماموریت رسول الله ﷺ

موضوع: وجوب دعوت به سوی الله عزوجل.

قرآن کریم: {فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ} {۲۱} (پس پند بده که تو تنها پند دهنده ای) (۲۱)

تفسیر: ای رسول ما! بندگانم را به آیات تنزیلی و تکوینی، دیدنی و شنیدنی ام پند بده، پیام من را به آنان برسان، و آنان را در روشنی دلایل نصیحت نموده و بر این امر همیشگی کن! زیرا: تو جهت دعوت مردم به سوی پروردگارشان فرستاده شدی.

موضوع: رسول الله قدرت و ادار ساختن افراد را به ایمان نداشتند، این قدرت تنها به دست الله عزوجل می باشد،

قرآن کریم: {لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ} {۲۲} (بر آنان تسلطی نداری) (۲۲)

تفسیر: تو بر ایشان مسلط نیستی و نگهبان کارهای آنها نمی باشی، کار آنها را به من واگذار کن! تو بخاطر اعمال آنها مورد سرزنش واقع نمی شوی، و از تو در این مورد

سوال نمی شود، رسول الله ﷺ فرمودند: من ماموریت یافتم تا با مردم^۱ قتال و جهاد نمایم تا اینکه بگویند: لا اله الا الله - هنگامیکه این (کلمه) را گفتند، خونها و مالهای خود را از جانب من حفاظت نمودند مگر به حق آن و حساب آنان بر الله عزوجل است، سپس این آیه مبارکه را خواندند: إنما أنت مذكر لست عليهم بمصيطر^۲

موضوع: ۱- لزوم تصریح بر کفر کافر، ۲- این افراد در امان نیستند: ۳- تکرار پند برای اینها موثر نیست:

قرآن کریم: {إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ} (۲۳) (مگر کسی که روی بگرداند و کفر ورزد) (۲۳)

تفسیر: ای رسول ما! تو برپند دادن خود همیشگی کن؛ ولی کسیکه از نصیحت و رهنمایی تو روی گردانید و برگرفش اصرار ورزید، چنین کسی مستحق عذاب می گردد.^۳

موضوع: مجازات اعراض و کفر

قرآن کریم: فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ {۲۴} (الله او را به آن عذاب بزرگتر مجازات میکند) (۲۴)

تفسیر: الله عزوجل شدید ترین عذاب را در روز قیامت به او می رساند، امام قرطبی رحمه الله در ادامه تفسیر این آیه مبارکه می نویسد: تو بر علیه کسی که روی بگرداند و کفر بورزد مکلف به جهاد می باشی والله عزوجل او را به عذاب بزرگ عذاب می کند...^۴

موضوع: بازگشتگاه همگان

قرآن کریم: {إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ} {۲۵} (در حقیقت بازگشت آنان به سوی ماست) (۲۵)

تفسیر: بدون شک بازگشت آنان بعد از مرگ به سوی ما است نه بسوی غیر ما

۱ در مرقاة المفاتیح شرح مشکوٰه المصابیح ذکر نموده است که مراد به (مردم) بت پرستان غیر اهل کتاب می باشند، زیرا: آنها لا اله الا الله می گویند و شمشیر از آنها برداشته نمی شود مگر زمانیکه بر نبوت رسول الله ﷺ اقرار کنند یا اینکه جزیه بپردازند. ج: ۱؛ ص: ۸۰- البته این را نباید فراموش کرد که هرکسی مانع انتشار دین الله عزوجل شود باید از سر راه برداشته شود و باید در تمام دنیا دین الله عزوجل و حاکم ساخته شود.

۲ سنن ترمذی (۳۳۴۱) قال الشيخ الالبانی رحمه الله -: صحیح متواتر.

۳ امام ابن کثیر: «تولی» را به ترک اعمال بدنی و «کفر» را به انکار حق به قلب و زبان تفسیر نموده است.

۴ به تفسیر امام قرطبی مراجعه شود

موضوع: محاسبه حتمی است

قرآن کریم: { ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ } { ۲۶ } (سپس بی گمان حساب شان نیز با ما است) (۲۶)

تفسیر: بعد از اینکه همه شان در روز قیامت به سوی ما باز گشتند آنها را فرد در برابر اعمالشان مورد محاسبه قرار می دهیم، اگر عمل نیک بود و آنرا باطل نکرده بود برایش پاداش داده می شود و اگر عمل بد بود و آمرزیده نشده بود مجازات می گردد، بنابراین: محاسبه روز آخرت در برابر تمامی کردارها، گفتارها و باورها حتمی بوده و گریز از آن ممکن نیست، از این دو آیه اخیر این مطلب دانسته می شود: تاخیر عذاب کافران مهلتی است که برای آنان داده شده است، این را نپندارند که از عذاب گریخته اند و یا از آن دور زده اند.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱: وجوب دعوت به سوی الله عزوجل

۲: وظیفه دعوتگر دعوت بوده و هدایت به دست الله عزوجل می باشد

۳: بیان اینکه باز گشت بشریت تنها به سوی الله عزوجل است، و این می تواند هم بشارت وهم هشدار باشد.

۴: قطعی بودن محاسبه اعمال در قیامت و وجوب محاسبه نفس.

بیاید پیش از اینکه از نفس های ما حساب گرفته شود خود ما از نفس های خود حساب بگیریم!

تعریف محاسبه نفس: محاسبه عبارت از بررسی انسان در شب اعمال را که در جریان روز انجام داده است، همچنان ارزیابی در روز اعمال را که در شب انجام داده است تا اگر آن اعمال نیکو باشد ستایش الله عزوجل را بنماید و در آن راه استقامت نماید، ولی اگر آن اعمال زشت و ناپسند بود بدون درنگ از ارتکاب آن خود را باز داشته و از الله عزوجل آمرزش بخواهد و گذشته را جبران کند.

برخی از فواید محاسبه نفس:

- ۱- آگاهی حاصل کردن بر عیب های نفس، کسیکه از عیب های نفس خود آگاهی نداشته باشد چگونه می تواند آنها را از خود دور به سازد؟
- ۲- توبه و پشیمانی و به قدر امکان به دست آوردن آنچه از فضایی که از دست رفته باشد.
- ۳- ترک گناه؛ تا محاسبه بعدی که از خود می گیرد بر وی آسان شود
- ۴- رد حقوق بر اهل آن تا در قیامت صاحبان حقوق نیکی های وی را نگیرند و در آنجا مفلس و ور شکسته نگردد.
- ۵- شناخت حقوق الله عزوجل و خلاصی از تکبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(به نام الله مهر گستر مهربان)

سورة فجر

نام سوره: الفجر.

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۲۹

تعداد کلمات: ۱۳۹

اعداد حروف: ۵۹۷

وجه نام گذاری این سوره: این سوره فجر (صبحگاه) نامیده شده، زیرا در آغاز این سوره به این وقت پربرکت قسم یاد شده است.

اجملاً مطالبی که این سوره در برگیرنده آنست:

این سوره مبارکه دربرگیرنده شش غرض می باشد

۱: در آغاز این سوره به پنج چیز سوگند یاد شده است و در آنها فواید دینی و دنیوی نهفته است و همچنان هر کدام ایشان بر قدرت الله عزوجل دلالت می کند، و آنها عبارت اند از:

۱- صبحگاه، ۲- شب های ده گانه، ۳- جفت (زوج)، ۴- طاق و تک (فرد)، ۵- سپری شدن شب، به این چیزها سوگند یاد شده بر اینکه عذاب کفار حتمی است و هیچ گریزی از آن وجود ندارد.

۲: ذکر داستان برخی از اقوام ظالم و ستمگر، مثل: عاد، ثمود و فرعون، و بیان عذابی که به سبب سرکشی آنها بر ایشان فرود آمد.

۳: بیان این مطلب که انسان در دنیا به خیر و شر، فقر و غنی مورد ابتلا و امتحان واقع می باشد، و توضیح این امر که: زیادتی نعمت برای انسان دلیلی بر اکرامش نیست، و همچنان فقر و تنگدسی دلیلی بر اهانته وی نمی باشد.

۴: بیان برخی از دشواری ها و سختی های روز قیامت

۵: تقسیم مردم در روز قیامت به دو گروه نیکبختان و بد بختان،

۶: آگاهی دادن از رستگاری بزرگ نیکبختان

از مقاصد این سوره:

۱: بیان اثبات زنده ساختن بعد از مرگ از طریق نشان دادن آیات تکوینی در هر روز

۲: بیان احوال فریب خوردگان

۳: اثبات عذاب برای کافران و بشارت برای مومنان

مناسبت بین اسم سوره و مقصد آن: صبح بزرگترین دلیلی بر اثبات بعث و زنده شدن بعد از مرگ می باشد، هر شبی که صبح می شود و مردم از خواب بیدار می شوند گویا رستاخیز جدیدی شده است که مردم بعد از مردن زنده شدند از همین جهت در آیات این سوره مبارکه با تاکید از وقوع قیامت خبر داده شده است،

این سوره به دو بخش تقسیم می شود،

بخش اول: در مورد تاریخ پند و اندرز می باشد.

موضوع: اهمیت صبحگاه

قرآن کریم: {وَالْفَجْرِ} {۱} (سوگند به سپیده دم) (۱)

تفسیر: الله عزوجل به صبح که آخر شب و آغاز روز است سوگند یاد نموده است، زیرا در رفتن شب و آمدن روز نشانه های بزرگی برکمال قدرت، علم و حکمت الله عزوجل می باشد، و همچنان در این وقت عبادت بزرگی که نماز صبح است ادا می شود، بنابراین شایسته است که الله عزوجل به آن سوگند یاد کند،^۱

۱ امام قرطبی رحمه الله- می گوید: الله عزوجل به اسما و صفات خود سوگند یاد می کند، و به افعال خود هم سوگند یاد می کند - مثل: وما خلق الذکر والانثی- بخاطر قدرتش، و به مفعولات خود نیز سوگند یاد می کند، مثل: والشمس وضحاها- والسماء وما بناها، بخاطر شگفتی های صنعتش،

برخی احادیث در مورد فضیلت صبح:

۱: رسول الله ﷺ فرمودند: کسی نماز (بردین) یعنی: صبح و عصر را بخواند داخل جنت می شود^۱

۲: رسول الله ﷺ فرمودند: کسی نماز خفتن را به جماعت بخواند گویا نیمی از شب را در عبادت سپری نموده است و کسی نماز صبح را به جماعت بخواند گویا تمام شب را در عبادت گذرانیده است^۲

۳: رسول الله ﷺ فرمودند: فرشتگانی در شب و فرشتگانی در روز پشت سر هم بر شما فرود می آیند و در نماز صبح و عصر با هم یکجا می شوند، سپس فرشتگانی که شب در کنار شما بودند به آسمان بلند می روند، پروردگار ایشان از آنها سوال می کند، درحالیکه از احوال ایشان آگاه است، بندگانم را در چه حالتی ترک کردید؟ فرشتگان می گویند: هنگامیکه آنها را ترک نمودیم (در وقت صبح) نماز می خواندند، و هنگامیکه نزدشان رفتیم (در وقت عصر) نیز نماز می خواندند،^۳

۴: رسول الله ﷺ برای امتشان در این وقت دعای برکت کردند و فرمودند: یا الله! برای امت من در صبحگاه و اول روز شان برکت بده و خیر را در آن زیاد به فرما!- صخر؛ راوی حدیث، تاجر بود. وی در اول روز تجارت و معامله خود را آغاز می کرد (به همین خاطر) زیاد ثروتمند شده بود^۴- برکت هایکه الله عزوجل برای صبح قرار داده به همگان معلوم، مشهود، محسوس و مجرب است. و این از اثر اجابت دعای رسول الله ﷺ می باشد^۵.

موضوع: اهمیت دهه مبارکه ذی الحجه:

قرآن کریم: { وَلَيَالٍ عَشْرٍ } { ۲ } (و به شبهای دهگانه) (۲)

تفسیر: و به شب های دهگانه سوگند یاد می کنم، فرق نمی کند که مراد از این آیه مبارکه شب های دهه اخیر ماه مبارک رمضان باشد و یا روزهای دهه اول ماه مبارک

۱ صحیح البخاری (۵۷۴)

۲ صحیح مسلم ۲۶۰- (۶۵۶)

۳ صحیح البخاری (۵۵۵)- صحیح مسلم (۶۳۲)

۴ سنن ترمذی (۱۲۱۲)- صحیح الترغیب والترهیب (۱۶۹۳)

۵ اگر از محصلان، متعلمان و قاریان پرسان کنی که چه زمانی خواندن درس و تکرار آن برای تو مفید تر است؟ می گویند: هنگام صبح، همچنان هرگاه از دهقانان و تاجران پرسان کنی، همین پاسخ را برای تو می دهند.

ذی الحجه، ارزش وجایگاه بزرگی که هریک از اینها دارند سزاوار است که الله عزوجل به آنها سوگند یاد نماید، امام ابن جریر رحمه الله در تفسیرش می نویسد: دیدگاه صحیح تر در نزد ما اینست که: مراد از این آیه مبارکه: دهه ذی الحجه می باشد، ۱- رسول الله ﷺ فرمودند: نیست روزهای که عمل صالح در آنها نزد الله عزوجل پسندیده تر و محبوبتر باشد از روزهای دهه ذی الحجه، اصحاب رضی الله عنهم گفتند: جهاد در راه الله عزوجل هم (مثل) فضیلت عمل در این دهه را ندارد؟ رسول الله ﷺ فرمودند: جهاد در راه الله عزوجل هم (که در روزهای دیگر غیر از این دهه انجام یابد مثل) فضیلت عمل در این دهه را ندارد، مگر کسی که به نفس و مالش در راه الله عزوجل بیرون شود و باز نگردد^۲ - باز این نوع جهاد به نزد الله عزوجل در غیر این دهه هم از عمل صالح (غیر از چنین جهادی) در این روزهای دهه ذی الحجه محبوبتر است (مرقاة المفاتیح شرح مشکوة المصابیح با تصرف مختصر)

موضوع: اهمیت و شگفتی در آفرینش زوج و فرد

قرآن کریم: {وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ} {۳} (و به جفت و تاق) (۳)

تفسیر: امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیر شفع و وتر چنین می نویسد:

۱- شفع: روز نحر: (عید قربان) است، وتر: روز عرفه،

۲- وتر: الله عزوجل، شفع: مخلوق.

۳- شفع: نماز خفتن، وتر: نماز شام^۳

امام ابن جریر طبری رحمه الله می نویسد: دیدگاه صحیح تر اینست که: الله عزوجل به جفت (زوج) و طاق (تک و فرد) سوگند یاد نموده است و هیچ نوعی از آنها را خاص نساخته است، بنا براین، همه انواع زوج و فرد را شامل می شود،^۴ - بلی، شگفتی های که الله عزوجل در جفت و طاق از مخلوقات آفریده دلیلی بر قدرت، علم و حکمتش می باشد.

۱ امام طبری به سند صحیح از امام مجاهد روایت می کند که مراد به (لیال عشر) دهه ذی الحجه می باشد - برخی مفسران مراد به (لیال عشر) را دهه اخیر رمضان می دانند - به تفسیر امام نسفی رحمه الله مراجعه شود

۲ مسند احمد (۱۹۶۸)، سنن دارمی (۱۸۱۴) سنن ابن ماجه (۱۷۲۷) سنن ابی داود (۲۴۳۸) سنن ترمذی (۷۵۷) صحیح ابن خزیمه (۲۸۶۵) صحیح ابن حبان (۳۲۴) المعجم الاوسط (۱۷۵۶) السنن الکبری (۸۳۹۲) شعب الایمان (۳۴۷۶) - یعنی: مالش گرفته شود و خونش هم ریخته شود.

۳ با اختصار از تفسیر امام ابن کثیر رحمه الله

۴ جهت تفصیل بیشتر به تفسیر امام ابن جریر رحمه الله - مراجعه شود

موضوع: اهمیت شب و حرکت آن

قرآن کریم: {وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ} {۴} (و به شب وقتی سپری شود) (۴)

تفسیر: و به شب قسم یاد می کنم هنگامیکه تاریکی خود را پشت سر می گذارد، شب نیز مثل دیگر مخلوقات تابع اراده الله عزوجل می باشد، شب در این حرکت دقیق و منظم، فرمان برداری خود را به نمایش گذاشته و منافع بندگان را تامین می کند.

موضوع: انسان عاقل به آیات تنزیلی و تکوینی می اندیشد، پند پذیر می شود و در برابر آنها کر و کور نمی ماند.

قرآن کریم: {هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ} {۵}

(آیا در این چیزها سوگندی برای صاحب خرد نیست؟!) (۵)

تفسیر: آیا سوگندی که به این مخلوقات پنجگانه یاد نمودم برای افراد خردمند کفایت کننده و قناعت بخش نمی باشد؟! بلی، تنها بخشی از آنچه ذکر شد برای کسانی که آیات الله عزوجل را با گوش دل بشنوند کافی است، جواب قسم اینست که: ای کفار مکه! شما عذاب می شوید. یا اینکه همه شما بر حسب اعمالتان مورد مجازات و مکافات قرار می گیرید.

موضوع:

۱: سنت الهی در مورد مجازات سرکشان غیر قابل تغییر است

۲: دفاع الله عزوجل از هود علیه السلام و مومنان

۳- اثبات معجزه دیگری برای رسول الله ﷺ در بیان داستان قوم عاد برای مردمان.

قرآن کریم: {أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ} {۶} (مگر ندانسته ای که پروردگارت با عاد چه کرد) (۶)

تفسیر: ای رسول ما! آیا ندانسته ای و نیندیشیده ای که پروردگارت تو با قبیله عاد (قوم هود) چگونه رفتار کرد و چه مصیبتی بر سر آنها آورد؟ آنها هنگامیکه هود علیه السلام را تکذیب کردند و با او مخالفت ورزیدند، باتند بادی سرد، سرکش، پر سر و صدا و ویرانگری هلاک و نابود شدند، مانند تنه های پوسیده و تو خالی خرما به زمین

افتادند^۱. اینست پیامد مخالفت با انبیا، پس ای رسول ما! کسانی که با تو مخالفت کنند به چنین سرنوشتی گرفتار می گردند.

موضوع: ۱- قدرت و تنومندی مانع عذاب الله عزوجل شده نمی تواند، ۲- بیان صفت اول قوم عاد

قرآن کریم: (إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ) {۷}

(همان عاد ارم که دارای ستون ها (وقامت بلند بودند) (۷))

تفسیر: همان قوم ارم (عاد نخستین) که صاحب قامت های دراز، مثل: ستون بودند^۲ «ارم» اسم دیگر قوم عاد می باشد، لازمه قامت های بلند، داشتن منازل و کاخهای بلند و ستون دار می باشد، که این قوم هردو مورد ذکر شده را داشتند، ولی به همراه همین قوت و قدرت، الله عزوجل آنها را هلاک کرد.

علامه سعدی رحمه الله در تفسیرش چنین می نویسد: «ارم» قبیله مشهوری بود که در یمن زندگی می کردند. والله اعلم.

موضوع: ۱- بیان صفت دوم قوم عاد، ۲- موجودیت شهرها از دیرزمان

قرآن کریم: {الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ} {۸} (که مانندش در شهرها ساخته نشده بود) (۸)

تفسیر: کسانی که همانند شان از نظر هیکل، قوتمندی، قدرتمندی، تنومندی و ثروتمندی در هیچ یک از شهرها آفریده نشده بود، امام بغوی رحمه الله- در تفسیرش می نویسد: درازی قامتشان دوازده ذراع^۳ (گز) می شد، وهود علیه السلام به عنوان پیامبر به سوی آنها فرستاده شده بود. والله اعلم.

۱ در مورد مکان آنها - والله اعلم- قوم عاد در احقاف زندگی می کردند و آن از شهرهای جنوب جزیره عربی بوده است، و ثمود در شمال مملکت ازراهی که از مدینه به طرف تبوک می باشد و رسول الله ﷺ از آن عبور کردند و همین فعلا به مداین صالح شناخته می شود، اما فرعون در مصر بود و اهرامات آن مشهور است و پیامبر ﷺ آنرا ندیدند.

۲ همین تفسیر اختیار امام ابن جریر رحمه الله می باشد و صحیح تر هم هست، والله اعلم

۳ مقدار ذراع: از آرنج تا نوک انگشت میانی

موضوع:

۱- دفاع الله عزوجل از صالح علیه السلام، ۲- توانایی قوم ثمود، ۳- اثبات معجزه دیگری برای رسول الله ﷺ در بیان داستان قوم ثمود برای مردمان.

قرآن کریم: {وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ {۹}}

(و نیز قوم ثمود آن ها ی که صخره های سخت را از کنار وادی می تراشیدند) (۹)
تفسیر: و ای رسول ما! آیا ندانسته ای و نیندیشیده ای که پروردگارت با قبیله ثمود چه کرد؟ آنها قومی بودند در وادی القری (بین مدینه و شام) زندگی می کردند، صخره های بزرگ را می بریدند و می تراشیدند و از آنها ساختمانها و کاخها بنا می نمودند، و صالح علیه السلام به عنوان پیامبر در میان ایشان مبعوث شدند، امام بغوی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: کوه ها را می بریدند و در آنها خانه می ساختند. امام نسفی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: این قبیله هزار و هفصد شهر را همه از سنگ ساخته بودند، آنها پیامبر خود (صالح علیه السلام) را تکذیب نموده و با او مخالفت ورزیدند، این قبیله با صدای بزرگ و وحشتناکی که قلب های آنها را پاره پاره کرد هلاک شدند، جز صالح علیه السلام و مومنان هیچ کسی از آنها باقی نماند و نجات نیافتند.

موضوع: ۱- دفاع الله عزوجل از موسی علیه السلام، ۲- تصویری از ستم فرعون
۳- اثبات معجزه دیگری برای رسول الله ﷺ در بیان داستان قوم فرعون برای مردمان
قرآن کریم: {وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ {۱۰}} (و با فرعون صاحب میخ ها و بناهای بلند)
تفسیر: وای رسول ما! آیا خبر نشدی و ما برایت بازگو نکردیم که پروردگارت با فرعون چه کرده است؟ فرعون دارای لشکریانی بود که فرمان روایی او را پا برجا داشتند، مثل اینکه اشیا به میخ ها محکم می شود، این عساکر قدرت فرعون را استحکام می بخشیدند و همچنان فرعون دست ها و پا های مخالفان خود را به میخ های آهنین بسته می کرد و به این شکل آنها را عذاب می نمود، چنانچه آسیه دختر مزاحم رضی الله عنها را که خانمش بود هنگامیکه به موسی علیه السلام ایمان آورد،

به چهار میخ بسته کرد و بر پشتش سنگ بزرگی نیز گذاشت تا اینکه بر اثر آن وفات یافت^۱،

موضوع: سرکشی از اوصاف کافران است

قرآن کریم: {الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ} {۱۱} (همانان که در شهرها سر به طغیان برداشتند) (۱۱)

تفسیر: این اقوام (عاد، ثمود و فرعون) در شهرها سرکشی و ستم کردند و مستحق عذاب گردیدند.

موضوع: تبه کاری از اوصاف کافران است

قرآن کریم: {فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ} {۱۲} (و در آنها بسیار تبهکاری کردند) (۱۲)

تفسیر: و آنها در شهرها خیلی فساد و تباهی به راه انداختند، در تفسیر سعدی فساد چنین توضیح داده شده است: ارتکاب کفر و ورود به شاخه های آن، انواع گناهان، درگیری با پیامبران، بازداشتن مردم از راه الله عزوجل، این اقوام همه این جرایم را مرتکب شدند.

موضوع: پیامد مخالفت با انبیا علیهم السلام

قرآن کریم: {فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ} {۱۳}

(تا آنکه پروردگارت بر سر آنان تازیانه عذاب را فرود آورد) (۱۳)

تفسیر: پس پروردگارت تازیانه و شلاق عذاب را بر سر ایشان پیاف فرود آورد، بنابراین: کجاست عاد قوم هود؟ آیا قوتشان برایشان فایده رسانید؟ کجاست ثمود قوم صالح؟ و کجاست فرعون که غرور و تکبرش باعث شد تا ادعای ربوبیت نماید؟ پیش از اینکه عذاب آخرت به سراغ آنها بشتابد، عذاب شدید در دنیا همه آنها را در نوردید و نابود شان کرد^۲

۱ به تفسیر ابن کثیر مراجعه شود. - الله عزوجل جهت پند و تسلیم رسولش، سه قوم را در اینجا ذکر نمود، زیرا: آنها در قوت، شدت، تکبر و ظلم مشهور بودند.

۲ امام طبری به سند صحیح در تفسیر "سوط عذاب" می نویسد: آنچه به آن عذاب شدند

موضوع: ۱- دفاع الله عزوجل از رسولش محمد ﷺ: ۲- بیان نظارت الله عزوجل بر اعمال.

قرآن کریم: { إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ } { ۱۴ } (یقیناً پروردگار تو در کمین گاه است) (۱۴)

تفسیر: ای رسول ما! یقیناً پروردگار تو در کمین کسانی می باشد که او را نافرمانی می کنند، تمام اعمال آنان را بر می شمارد و براو هیچ چیز در آسمان و زمین پوشیده نیست، امام طبری به سند حسن به نقل از ابن عباس در تفسیر این آیه چنین می نویسد: پروردگارتو می بیند و می شنود.

رهنمایی ها احکام و عمل

۱: بیان ارزش و اهمیت اوقات مخصوصاً صبح و دهه ذی الحجه

۲: بیان اینکه در تاریخ پند و عبرت می باشد.

۳: نشانه های قدرت الله عزوجل در هلاک ساختن امتان سرکش

۴: بیان مراقبت الله عزوجل

۵: هرچند رتبه بنده بالا شود از مقام عبودیت بلند تر نمی شود، هرگاه این حقیقت را بنده در نظر نگرفت، سزاوار سرزنش می گردد تا حد خود را بشناسد و بازگردد

۶: هشدار از عذاب الله عزوجل برای کسانی که بغیر شریعت الله عزوجل حکم می کنند و بغیر رهنمایی او عمل می نمایند.

بیان برخی از فسادهای نفسانی (معنوی) فردی، خانوادگی و اجتماعی و راه علاج از آنها

موضوع: ۱- نعمت؛ امتحانی از جانب الله عزوجل است، و هر نعمت نشانه رضایت وی نیست. ۲- از انواع فسادهای نفسانی فردی

قرآن کریم: { فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ } { ۱۵ }

(اما انسان هنگامی که پروردگارش وی را می آزماید و عزیزش می دارد و نعمت فراوان به او می دهد مغرور گردیده و میگوید: پروردگارم مرا گرامی داشته است) (۱۵)

تفسیر: علامه سعدی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: الله عزوجل از طبیعت انسان از حیث انسانیتش خبر می دهد که : نا آگاه و ستم کننده است از سرانجام کارها چیزی نمی داند، برحالی که قرار دارد فکر می کند که همیشه است زایل نمی شود، احسان الله عزوجل را برخورد دلیل نزدیکی اش به الله عزوجل گمان می کند، در تفاسیر قرطبی و ایسرالتفاسیر ذکر شده که مراد به انسان در اینجا، شخص کافر می باشد^۱، همینکه الله عزوجل او را با نعمت مال، ثروت و قدرت آزمایش کند، مغرور شده و به آن با دیگران فخر می کند و می گوید: پروردگارم من را گرامی داشته و محترم دیده است، این عزت و نعمت حق من است و من شایسته آنم، شادمان می شود و ستایش الله عزوجل را نمی کند، امام نسفی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: قصد این انسان در بیان عبارتش این بوده است که: آنچه الله عزوجل برایش داده مستحقش بوده است، در حالیکه آنچه الله عزوجل برایش داده ابتلاء می باشد وی مستحق آن نیست^۲

موضوع: ۱- بیان موقف نادرست برخی از انسانها هنگام فقرشان، ۲- فقر ابتلاء است نشانه اهانت نیست. ۳- از انواع فسادهای عقیدتی، ۴- وجوب اجتناب از گفتن الفاظ کفری. ۵-

قرآن کریم: {وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ} {۱۶}

(و اما چون وی را می آزماید و روزی اش را بر او تنگ می گرداند می گوید پروردگارم مرا خوار کرده است) (۱۶)

تفسیر: اما زمانی که پروردگارش او را با فقر و تنگدستی آزمایش کند، زندگی او را تنگ گرداند، می گوید: پروردگارم من را خوار نموده است، این انسان باید بی تابی نمی کرد و صابر می بود و همچنان این شخص ناسپاس، سپاسگزاری نعمت سلامت اعضا و عافیت را نمی کند، امام ابن جریر طبری رحمه الله - در تفسیر این آیه می نویسد: چه قدر زود فرزند آدم در کفر واقع می شود^۳- بنابراین: مسلمان باید مراقب حرف

۱ جهت تفصیل بیشتر به تفاسیر امام قرطبی و امام ابو بکر الجزایری-ایسرالتفاسیر- مراجعه شود، در تفسیر الوسیط مراد جنس انسان را می داند، من بنده ضعیف می گویم: مگر کسی که الله آنرا حفظ کند.

۲ از تفسیر امام نسفی مختصراً نقل شده است

۳ به تفسیر امام ابن جریر طبری رحمه الله - مراجعه شود، همچنان در کتاب: الصحيح المسبور من التفسیر بالمأثور- ذکر شده که تفسیر فوق به سند صحیح ثابت است

زدنش باشد، تا نشود با گفتن الفاظ کفری اعمال نیکوی چندین ساله خود را نابود کند و هدر دهد.

موضوع: ۱- بیان موقف نادرست برخی از انسانها در نحوه تعامل شان با یتیمان، ۲- نکوهش کسانیکه یتیمان را اکرام نمی کنند. ۳- از انواع ستم ها و فسادهای خانوادگی و اجتماعی. ۴- رد دیدگاه مادیگرایان.

قرآن کریم: {كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ} {۱۷}

(هرگز چنین نیست که شما می پندارید، بلکه یتیم را گرامی نمی دارید) (۱۷)

تفسیر: هرگز چنین نیست که نشانه کرامت به ثروت و نشانه اهانت به فقر باشد، زیرا: کرامت انسان به فرمان برداری از الله عزوجل و اهانتش به نافرمانی او گره خورده است، رسول الله ﷺ فرمودند: ... الله عزوجل دنیا و ثروت را برای کسی که دوست داشته باشد هم می دهد و برای کسی که دوست نداشته باشد هم می دهد ولی ایمان را تنها برای کسی می دهد که دوستش دارد^۱ - بلکه شما علاوه از گفتارهای ناپسند و کردارهای ناخوشایندی که دارید، یتیم را نیز گرامی نمی دارید، زیرا: قلب های شما از رحمت و عطوفت خالی میباشد، رسول الله ﷺ فرمودند: درجنت من و کافل یتیم (کسیکه خوراک، پوشاک، مصارف و تربیه یتیم را بر ذمه خود گیرد) مثل این دو انگشت (سبابه و وسطی) باهم نزدیک میباشدیم^۲ - و ثابت است کسانیکه مالهای یتیمان را از روی ستم می خورند در شکمشان آتش را فرو می برند. این آیه مبارکه بر این امور نیز دلالت می کند:

۱- ترحم، مهربانی و عطوفت از قلب های شما کوچ کرده است

۲- شما هیچ رغبت و علاقه در کارهای خیر ندارید.

۱ مسند احمد (۳۶۷۲) - الجامع الصحيح للسنن والمسند، ج: ۳، ص: ۳۳۰ - انظر الصحيحه (۲۷۱۴) - آرشیف ملتقى اهل الحديث، ج: ۲۸، ص: ۳۱ - همچنان درجند: ۴۶، صفحه: ۲۱۲ - همان منبع - مسند ابن ابی شیبہ (۳۴۴) - المستدرک علی الصحيحین (۹۴) - مسند البزار (۲۰۲۶) - صحيح است ان شاء الله - تحقيق: محمد گل ده شکری هروی سلمه الله الولي القوي ۲ صحيح البخاري، شماره حديث: (۶۰۰۵)

موضوع: ۱- بیان موقف نادرست برخی از انسانها در نحوه تعامل شان با مساکین،
 ۲- نکوهش کسانی که در همکاری با مساکین یکدیگر را ترغیب نمی دهند. ۳- از انواع فسادهای اجتماعی

قرآن کریم: {وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينَ} {۱۸}

(و بر خوراک دادن مستمندان همدیگر را تشویق و ترغیب نمی کنید) (۱۸)

تفسیر: و همدیگر را به خوراک دادن مساکین و فقرا تشویق و ترغیب نمی کنید، رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که می کوشد تا بر بیوه زنان و مساکین همکاری داشته باشد در پاداش مثل مجاهدی است که در راه الله عزوجل جهاد میکند...^۱ - رسول الله ﷺ طعام دادن (برای مساکین، یتیمان، مهمانان) را از جمله اسباب دخول جنت ذکر نمودند^۲ - در نسبت دادن طعام به مسکین، اشاره بر این است که: این طعام حق مسکین است، تادر دادن آن به مسکین منت گذاشته نشده و به رُخ آن کشیده نشود

موضوع: ۱- بیان موقف نادرست برخی از انسانها در نحوه تعامل با اقارب شان، ۲- از انواع فسادهای خانوادگی و فامیلی:

قرآن کریم: (وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا) {۱۹}

(و به شدت مال میراث را می خورید و حق دیگران را نمی دهید) (۱۹)

تفسیر: و میراث (مال و دارایی برجای مانده از رفتگان) را حریصانه و شتابانه یکجا می خورید و چیزی از آن باقی نمی گذارید، بین حلال و حرام فرق نمی کنید، حقوق غیر خود را از یتیمان و زنان یکجا صرف می کنید و حق دیگران را نمی دهید، از جهت مهم بودن موضوع میراث، الله عزوجل سهام وارثین را در قرآن مجید مشخص ساخته است، تا افراد ضعیف مورد ستم واقع نشوند و حصه معینه هر یک از ورثه برایش داده شود^۳ -

^۲ صحیح البخاری، شماره حدیث: (۵۳۵۳)

^۱ سنن دارمی، شماره حدیث: (۱۵۰۱) - سنن ابن ماجه، شماره حدیث: (۳۲۵۱) - صحیح ابن حبان، شماره حدیث: (۴۸۹) - السلسلة الصحيحة، (۵۶۹)
^۳ بنده ضعیف: محمد گل ده شکری، بتوفیق الله عزوجل، کتابی در میراث به نام: فرائض (معاصر) تألیف نمودم، خواندن آنرا برای طلاب علوم دینی توصیه می کنم.

موضوع: ۱- رد دیدگاه مادیگرایان، ۲- پرهیز از شیفته شدن به مال از اسباب علاج و درمان هر سه نوع فساد ذکر شده است.

قرآن کریم: (وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا) {۲۰} (و مال را دوست دارید دوست داشتنی بسیار) (۲۰)

تفسیر: و مال و ثروت را بسیار دوست می دارید، به شدت شیفته و دلباخته مال و متاع دنیا هستید، فرق بین مشروع و نامشروع نمی کنید، دنیا را بر آخرت ترجیح می دهید، در حالیکه شما باید برای آخرت کار و تلاش بیشتری نسبت به دنیا انجام دهید، بنگرید: در دنیا قانونی وجود نداشته و ندارد که در آن مریضیها و فساد های نفسانی، معنوی، اجتماعی و فامیلی به این شکل شناسایی شده باشد و راه علاج آن نیز بیان گردیده باشد، تا به حال هیچ قانونی این فساد ها و بی عدالتی ها را در جوامع غربی و شرقی نتوانسته از بین ببرد، ولی تنها قرآن مجید است که دساتیرش تمام ابعاد زندگی بشریت را در بر گرفته است و برای هربخشی از زندگی برنامه های منظم، دقیق، سنجیده، تربیوی، اصلاحی و منصفانه دارد، تطبیق احکامش تزکیه نفس ها، عدالت اجتماعی و امنیت را به ارمغان می آورد. و از ظلم و بی عدالتی های خانوادگی، فامیلی و اجتماعی جلوگیری کرده و از حقوق ضعیفان حمایت جدی می نماید، اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله، ناگفته نباید گذاشت که : نفس تلاش برای زیاد ساختن مال از طریق مشروع آن ممنوع نیست، زیرا مال برای مسلمان وسیله است هدف نیست، بلکه در حصول مال از روشهای مشروع ترغیب هم داده شده است، مشروط بر اینکه:

۱- این مال در دست باشد نه در قلب.

۲- مال در جای استعمال شود که الله عزوجل را راضی نماید.

۳- انسان را به سرکشی و طغیان نکشاند و از عبادت الله عزوجل غافل نسازد.

ترغیب برکسب مال در احادیث صحیح:

۱- انس رضی الله عنه می گوید: مادر من گفت: ای رسول الله! برای خادم خود (انس) دعا کن! رسول الله ﷺ برای من چنین دعا کردند: اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالَهُ، وَوَلَدَهُ، وَبَارِكْ لَهُ فِيمَا أَعْطَيْتَهُ^۱ - (یا الله! مال و فرزندان را زیاد کن و در آنچه برایش دادی برکت بده)، یعنی: یکی از روش های مشروع در حصول وکسب مال دعا است.

۲- رسول الله ﷺ برای کسی که می خواست تا ثلث (یک سوم) مال خود را صدقه دهد، فرمودند: ثلث خیلی است، اگر تو ورثه خود را بعد از خود ثروت مند باقی گذاری بهتر است برای تو از اینکه آنها را فقیر باقی گذاری و از مردم سوال کنند، و تو هرگز نفقه نمی کنی نفقه را که هدف تو رضای الله عزوجل باشد مگر اینکه پاداش حاصل می کنی حتی در لقمه که به دهان زوجه خود قرار می دهی (نیز پاداش به دست می آوری)...^۲

۳- رسول الله ﷺ در مورد صدقه دادن فرمودند: دست بالا بهتر از دست پایین است، دست بالا دهنده است و دست پایین سوال کننده و گیرنده میباشد^۳.

۴- رسول الله ﷺ فرمودند: تاجر راستگوی امین، همراه انبیا صدیقان و شهدا قرار می گیرد^۴ - مسلمان ثروتمند می تواند مالش را در جوه خیری به مصرف برساند که منفعتش بعد از مرگ وی نیز برایش برسد.

رهنمایی ها احکام و عمل

۱: نعمت نشانه رضایت الله عزوجل از بنده نیست و فقر نشانه اهانت وی نمی باشد، بنا براین هر دو ابتلا و امتحان است.

۲: وجوب اکرام یتیمان و ترغیب برخورد کردن مسکینان و فقرا

۳: وجوب دادن میراث برای مستحقان آن: (مردان، زنان، اطفال و بزرگان)

۱ صحیح البخاری (۶۳۴۴) - صحیح مسلم - ۱۴۱ (۲۴۸۰)

۲ صحیح البخاری (۲۷۴۲)

۳ صحیح البخاری (۱۴۲۹)

۴ المعجم الاوسط (۷۳۹۴) - المستدرک علی الصحیحین (۲۱۴۲) - شعب الایمان (۱۱۷۵) - سنن دارمی (۲۵۸۱) - صحیح الترغیب والترهیب (۱۷۸۲)

۴- مادی گرایی دیدگاه جدیدی نیست، مشرکان مکه (۱۴) قرن پیش از امروز آنرا شناخته بودند.

۵: نهی از شیفته شدن به مال و مادی گرایی

موضوع: ۱- خبر از درهم کوبیده شدن زمین، ۲- بیان اینکه ترک غفلت و یاد آوری از آخرت از اسباب علاج هرسه نوع فساد ذکر شده است.

قرآن کریم: (كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا) {۲۱}

(نه چنان است آنگاه که زمین سخت در هم کوبیده شود) (۲۱)

تفسیر: از گفتارها، پندارها و کردارهای زشت ذکر شده پرهیزید. زیرا: شماروز وحشتناکی در پیش رو دارید که در آن روز زمین به شدت درهم کوبیده می شود، چنان پیایی بلرزد که هر بنا و ساختمانی که بر روی آن وجود دارد ویران و نابود شود، کوه ها و زمین در هم کوبیده می شود تا اینکه زمین به میدان صاف تبدیل می گردد.

موضوع: اثبات آمدن برای الله عزوجل چنانچه شایسته او است^۱ و آمدن فرشتگان

قرآن کریم (وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا) {۲۲}

(و پروردگارت برای داد رسی بیاید و نیز فرشتگان صف در صف بیایند) (۲۲)

تفسیر: و پروردگار تو جهت داوری بین مردم طوری که سزاوار او می باشد می آید و فرشتگان نیز صف در صف حاضر می شوند.

موضوع: ۱- خبر از آورده شدن جهنم در آن روز، ۲- زمان پند پذیری محدود است،

قرآن کریم: (وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى) {۲۳}

(و در آن روز جهنم آورده شود در آن روز انسان پند گیرد و اما این پند گرفتن چه فایده به حال او دارد) (۲۳)

^۱ بدون تشبیه و تعطیل و بدون تکیف و تمثیل، به موضوع: (والله يغضب ويرضى لاأحد من الوری) در شرح العقيدة الطحاوية المؤلف: ابن أبي العز الحنفی الناشر: المكتب الإسلامي - بیروت الطبعة الرابعة، ۱۳۹۱ - مراجعه شود. ص: (۴۶۳).

تفسیر: در آن روز جهنم را حاضر سازند، رسول الله ﷺ فرمودند: جهنم در روز قیامت حاضر ساخته می شود و برای آن هفتاد هزار مهار (ریسمان و تناب) است، و به همراه هر مهاری هفتاد هزار فرشته است که آنرا می کشند، در آن روز انسان کوتاهی و تقصیری که در دنیا در فرمان برداری الله عزوجل نموده بیاد آورده، توبه می کند و پند می گیرد، ولی این یاد آوری و پند گرفتن هیچ سودی برایش ندارد، باید این انسان پیش از مرگ و در حالت اختیار گناهانش را به یاد می آورد و از آنها توبه می کرد و از سر انجام گناه کاران پند می گرفت، امروز وقت محاسبه بر اعمال است نه وقت توبه از گناه و نه وقت پند گرفتن، امام قرطبی در تفسیرش می نویسد: مراد به انسان در این آیه مبارکه: شخص کافر است و یا کسی است که بیشتر توجه آن به دنیا باشد، امام بغوی در تفسیرش مراد از انسان را شخص کافر ذکر می کند.

موضوع: آرزوی انسان در آن روز-

قرآن کریم: (يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي) { ۲۴ }

(می گوید: ای کاش در دنیا برای این زندگی ام چیزی را پیش می فرستادم) (۲۴)

تفسیر: الله عزوجل از پشیمانی و حسرت خوردن فرزندان آدم در روز قیامت خبر می دهد بخاطر کوتاهی که در انجام اعمال صالح نمودند و می فرماید: انسان خواهد گفت: کاش در زندگی فانی خود (دنیا) برای این زندگی همیشگی (آخرت) اعمال نیکو پیشاپیش می فرستادم، این نوع آرزوها را هر انسان به شمول مسلمان حتی در عالم برزخ می نماید، رسول الله ﷺ از کنار قبری عبور می کردند، فرمودند: صاحب این قبر کیست؟ یاران شان که از آن اطلاع داشتند گفتند: فلان شخص است، رسول الله ﷺ فرمودند: صاحب این قبر خواندن دو رکعت نماز را (اگر برایش اجازه داده شود) از بقیه دنیای شما بهتر می شمارد^۱، یعنی: این شخص آرزو میکند که: ای کاش زنده ساخته شود تا در دنیا دو رکعت نماز بخواند. ای برادر و خواهر مسلمان! ارزش این لحظات زندگی ات را بدان و آنها را ضایع نکن.

۱ صحیح الترغیب والترهیب (۳۹۱)

موضوع: شدت عذاب الله عزوجل

قرآن کریم: (فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ) {۲۵}

(پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او عذاب نکند) (۲۵)

تفسیر: پس در آن روز الله عزوجل مجرمان و ستمکاران را طوری عذاب می کند که هیچ کسی آنچنان عذاب نمی کند.

موضوع: شدت بستن الله عزوجل

قرآن کریم: (وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ) {۲۶}

(و هیچ کس چون در بند کشیدن او در بند نکشد) (۲۶)

تفسیر: وبه حالتی که الله عزوجل مجرمان و ستمکاران را در جهنم به غل و زنجیر بسته می کند هیچ کسی نمی بندد، دوزخیان را با زنجیرها می بندند و برچهره های شان به طرف جهنم کشانیده می شوند، الله عزوجل در سوره غافر می فرماید: ترجمه اش چنین است: در آن روز که طوقهای آتشین در گردن های کافران انداخته شود و دست های آنان به زنجیر کشیده شود. در آب جوش سپس در آتش جهنم افروخته می شوند^۱

موضوع: ۱- آنچه برای مومن هنگام مرگ و در قیامت گفته می شود، ۲- نفس های خود را با ذکر الله عزوجل آرام بسازید

قرآن کریم: (يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ) {۲۷} (ای روح آرام یافته) (۲۷)

تفسیر: اما برای مومن چنین گفته می شود: ای بنده که به حکم و قضای الله عزوجل راضی بودی، احکامش را به حد توان به اجرا می گذاشتی به پاداش او آرامش حاصل می نمودی و نفس تو به وعده های او آرام می گرفت، اعمال خود را مطابق روش پیامبرش انجام می دادی، از مشرکان و اعمال شرکی آنها بیزرای می جستی. امام بغوی رحمه الله در تفسیرش چنین می نویسد: برخی از مفسران می گویند: این بشارت در هنگام مرگ برای مومن داده می شود. بنده ضعیف همین دیدگاه را ترجیح می دهد.

۱ سوره غافره های (۷۱) و (۷۲)

جهت تحقیق بیشتر به حدیث شماره (۱۶۷۶) صحیح الجامع الصغیر و زیاده مراجعه شود.

موضوع: از آنچه برای مومن هنگام مرگ و در قیامت گفته می شود

قرآن کریم: { اَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً } { ۲۸ }

(به سوی پروردگارت باز گرد درحالی که تو از او خشنودی و او از تو خشنود است.)
تفسیر: به سوی پروردگارت و پاداشی که برای تو مهیا کرده است باز گرد درحالی که تو از پروردگارت خوشنود هستی و او از تو خشنود می باشد، رسول الله ﷺ در حدیث قدسی فرمودند: الله عزوجل برای اهل جنت می گوید: ... آیا خوشنود هستید؟ اهل جنت میگویند: چگونه خشنود نباشیم درحالی که آنچه را که برای ما دادی برای هیچ یک از مخلوق خود ندادی، الله عزوجل می فرماید: برای شما بهتر از این می دهم، اهل جنت می گویند: چه چیزی از این بهتر می باشد؟ الله عزوجل می فرماید: رضایت خود را بر شما فرود آوردم از این به بعد هرگز بر شما خشم نمی گیرم^۱ - یعنی: رضایت الله عزوجل از تمام نعمت های جنت بهتر و بزرگتر است. امام ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیرش چنین می نویسد: دیدگاه صحیح اینست که این بشارت { يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ - اَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً } در روز قیامت داده میشود هنگامیکه ارواح به اجسام بازمی گردد.

موضوع:

۱: از آنچه برای مومن هنگام مرگ و در قیامت گفته می شود:

۲: همراهی با صالحان نعمت نیست بزرگ

۳: بندگی کردن برای الله عزوجل از اسباب ورود به جنت می باشد

۴: خطاب مستقیم الله عزوجل برای بنده مومن

۵: الله عزوجل بنده را به خود نسبت داد و این یک نوع شرافت نیست برایش

قرآن کریم: (فَأَدْخِلْنِي عِبَادِي) { ۲۹ } و در میان بندگان خاص من در آی (۲۹)

۱ صحیح البخاری (۶۵۴۹)، و صحیح مسلم (۲۸۲۹)

تفسیر: و در میان بندگانم داخل شو و در کنار صالحان برای همیشه قرار بگیر.
موضوع:

۱: از آنچه برای مومن هنگام مرگ و در قیامت گفته می شود

۲: جنت ملک الله عزوجل می باشد

۳-دخول در جنت به فرمان الله عزوجل صورت می گیرد

قرآن کریم: (وَادْخُلِيْ جَنَّتِيْ) {۳۰} (و در بهشت من وارد شو) (۳۰)

تفسیر: و به جنت من وارد شو، امام ابن کثیر - رحمه الله- در تفسیرش می نویسد:
این بشارت برای نفس مطمئنة (روح آرام یافته) در هنگام نزاع روح (حال جان کندن)
و همچنان در روز قیامت گفته میشود،

یا الله! من بنده ضعیف را همراه پدرم، مادرم، زوجه ام، فرزندانم، برادرم، استادانم،
شاگردانم و همه مردان و زنان مسلمان و مخصوصاً هرخواننده، شنونده و نشرکننده
مومن و مومنه این تفسیر را مشمول این بشارت بگردان، یاحی، یاقیوم.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱: بیان سه حالت آتی در روز قیامت :

الف. درهم کوبیده شدن شدید زمین

ب. اثبات آمدن برای الله عزوجل (چنانچه شایسته او می باشد، نه آمدن آنرا مثل
گروه مشبه به مخلوق تشبیه می کنیم و نه هم مثل گروه معطله آمدن را از او نفی
می کنیم) به خاطر فیصله بین مخلوقات

ج. آشکار ساختن جهنم برای مردم و حاضر ساختن آن

۲: در روز قیامت کافرپشیمان می شود و توبه می کند ولی این توبه برایش هیچ سودی
ندارد زیرا زمان پند پذیری و توبه محدود است

۳: بیان شدت عذاب الله عزوجل.

۴: بشارت به جنت برای نفس مطمئنة هنگام موت و زنده شدن در روز قیامت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: بلد

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۲۰

تعداد کلمات: ۸۲

اعداد حروف: ۳۲۰

وجه نام گذاری این سوره: الله عزوجل در این سوره به «بلد» (شهر مکه مکرمه) قسم یاد نموده است، از همین جهت به این نام مسمی گردیده است. این شهر را الله عزوجل با موجودیت مکه مکرمه فضیلت داده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره در برگیرنده آنست:

۱: سوگند به شهر حرام (مکه مکرمه) که نشان دهنده شرافت و کرامت آن می باشد.

۲: جایگاه رسول الله ﷺ

۳: نکوهش غرور در انسان

۴: بیان برخی از نعمت ها بر انسان

۵: بیان منهج نیک بختان و بدبختان و سرانجام آنها

از مقاصد این سوره:

۱- بیان حال انسان بین دشواری کفر و عذاب، و بین بالا رفتن به نردبان رحمت و ایمان در دنیا و آخرت.

۲- استوار ساختن ایمان به الله عزوجل و روز آخرت در قلبها به بیان حال مومنان و دروغ شمارندگان.

موضوع: اهمیت مکه مکرمه

قرآن کریم: { لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ } { ۱ } (سوگند به این شهر) (۱)

تفسیر: قسم به این شهر با شرافت (مکه مکرمه) که کعبه (قبله مسلمانان و مولد رسول الله ﷺ) در آن وجود دارد، امام طبری به سند صحیح از مجاهد روایت می کند که: مراد به: (البلد) مکه است،^۱ - رسول الله ﷺ در مورد فضیلت مکه مکرمه فرمودند: سوگند به الله که تو بهترین زمین زمین الله عزوجل هستی و محبوبترین زمین زمین الله به سوی الله هستی اگرمن بیرون کرده نمی شدم از تو خارج نمی شدم^۲

موضوع: جایگاه رسول الله ﷺ

قرآن کریم: { وَأَنْتَ حَلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ } { ۲ } (و تودر این شهر ساکنی و جنگ برای تو در این شهر حلال خواهد شد) (۲)

تفسیر: و تو ای رسول ما! به این شهری که اقامت گزیده ای وجود پربرکت بر شرافتش افزوده است، امام بغوی- رحمه الله- در تفسیرش می نویسد: این وعده از جانب الله عزوجل در فتح مکه مکرمه برای پیامبرش ﷺ می باشد، بنابراین معنا چنین است: ای رسول ما! تو انجام بده در این شهر آنچه می خواهی از کشتن و به اسارت گرفتن، آنچه انجام آن برای مردم گناه باشد برای تو گناه نیست، الله عزوجل برای پیامبرش ﷺ مکه را در روز فتح حلال ساخت طوری که قتال نمودند و مشرکین را کشتند، امام ابن جریر طبری در تفسیرش به نقل از عطاء می نویسد: الله عزوجل مکه را حرام (مورد احترام) قرار داد برای هیچ پیامبری قتال را در آن حلال نساخت مگر ساعتی برای پیامبرشما، رسول الله ﷺ به کشتن شخصی به نام ابن خطل دستور دادند، اگرچه به پرده های کعبه خود را آویزان کرده باشد^۳ - و فرمودند: کسی که به خانه ابو سفیان داخل شود در امان است، کسی که دروازه خانه خود را برخود ببندد در امان است، کسی که به مسجد الحرام داخل شود در امان است^۴، سپس فرمودند: الله عزوجل روزی که آسمانها و زمین را آفرید مکه را حرام (محترم) قرار داد، و حلال

۱ (لا) دراین جا (لا اقسام) برای استفتاح کلام و توكید آن می باشد و نافیہ نیست زیرا مراد اثبات قسم می باشد

۲ صحیح ابن حبان (۳۷۰۸) المعجم الاوسط (۴۵۴) التعليقات الحسان علی صحیح ابن حبان (۳۷۰۰)

۳ صحیح البخاری، (۱۸۴۶) - اسم آن عبد الله بود، اول مسلمان شده بود، رسول الله ﷺ آنرا همراه مردی از انصار برای جمع آوری زکات به جای فرستادند، مرد انصاری را در مسیر راه به قتل رسانید و مرتد شد دو کنیز آواز خوان خریداری کرد تا پیامبر ﷺ را بدگوی کند و دشنام دهد، الله عزوجل چگونه دشمنان پیامبر خود را نابود و رسوا می سازد.

۴ سنن ابی داود، (۳۰۲۲) صحیح لغیره -

نه ساخت برای کسی پیش از من و نه هم برای کسی بعد از من و برای من ساعتی از روز (قتال را) حلال ساخت، بنا براین: مکه به حرمتی که الله عزوجل برایش داده تا روز قیامت حرام (ومورد احترام) است

موضوع: اهمیت توالد و تناسل

قرآن کریم: { وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ } {۳} (سوگند به پدر (آدم) و فرزندانش) (۳)

تفسیر: سوگند به پدر و آنچه از او تولد یافته از مخلوقات زنده، این عمومیت را امام ابن جریر طبری در تفسیرش ترجیح داده است^۱، حکمت در این سوگند- والله اعلم- اینست که: توالد و تناسل سبب بقای موجودات زنده بوده و نشانه بزرگی بر قدرت و علم الله عزوجل می باشد،^۲-

موضوع: ابتلاء انسان در دشواری ها

قرآن کریم: { لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ } {۴} (براستی که انسان را در رنج آفریده ایم)

تفسیر: به یقین؛ ما انسان را طوری آفریده ایم که در دشواری ها رنج می کشد و به مشکلات گرفتار است، در این دنیا انسانی یافته نمی شود مگر اینکه معروض به اندوه و پریشانی می باشد، هر یک از انسانها فرقی نمی کند تنگدست باشد یا ثروتمند، حاکم باشد یا محکوم، نیک بخت باشد یا بدبخت همه تلاش می کنند و انواع سختی ها را بخاطر رسیدن به اهدافشان تحمل می کنند.^۳ در کتاب «القرآن تدبر وعمل» در تفسیر این آیه مبارکه چنین ذکر گردیده است: مراد رنج های است که انسان در دنیا، برزخ و روز قیامت می کشد، و لازم است که انسان اعمالی انجام دهد تا از این سختی ها و رنج ها رهایی حاصل کند و به خوشحالی همیشگی دست یابد،

موضوع: ۱- هشد ار از گمان بد، ۲- هشدار از غرور و تکبر

قرآن کریم: { أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ } {۵}

(آیا می پندارد که هیچ کس بر او توانا و قادر نیست) (۵)

۱ به تفسیر امام ابن جریر طبری رحمه الله - درهمین سوره مراجعه شود

۲ یا اینکه مراد به والد: آدم علیه السلام، و به ماولد: نسل ایشان می باشد، حکمت سوگند - والله اعلم- اینست که: انسانها شگفت ترین مخلوق الله عزوجل اند، زیرا الله عزوجل به انسان بیان، عقل، و تدبیربخشیده و درمیان آنها انبیا و علمای صالحین قرار داده است.

۳ امام نسفی رحمه الله میگوید: انسان رنج مصیبت های دنیا و سختی های آخرت را می کشد،----- همچنان انسان سختی های دنیا را از قبیل طلب رزق، و مجاهده نفس می کشد و تحمل می کند.

تفسیر: آیا این انسان با وجود این همه درد و مصیبتی که به او پیش می شود و توان مقابله با آنها را ندارد، چنین می پندارد که: هرگز کسی توان ندارد از او انتقام بگیرد و بر او غالب شود، اگر این گمان را داشته باشد پس او در گمراهی آشکاری واقع شده است، ذاتی که او را آفریده است در یک چشم برهم زدن او را هلاک و نابود می کند، این هشداری می باشد برای مشرکانیکه در قوت و قدرت خود مغرور بودند، رسول الله ﷺ و یاران شان را اذیت می نمودند^۱ - ولی مسلمان بر این باور نیست، مسلمان باور مند است که الله عزوجل قادر و توانا بر انجام هر کاری می باشد، ابو مسعود بدری می گوید: من برده خود را تازیانه می زدم، آوازی از پشت سرم شنیدم ولی از شدت خشم مفهوم آنرا ندانستم، زمانی که آواز نزدیک شد، دانستم که رسول الله ﷺ است، و ایشان می فرمودند: بدان ای ابامسعود! بدان ای ابامسعود! ابومسعود می گوید: من تازیانه را ازدست خود بر زمین افگندم، سپس رسول الله ﷺ فرمودند: بدان ای ابامسعود! الله عزوجل بر تو توانا تر است، از تو نسبت به این برده، من گفتم: این برده جهت رضای الله عزوجل آزاد است، رسول الله ﷺ فرمودند: اگرچنین نمی کردی (اورا آزاد نمی کردی)^۲ آتش جهنم ترا مساس می کرد^۳ - زیرا این يك نوع ظلم می باشد.

موضوع ۱: نمونه از سخنان این مغرور، ۲- نکوهش تفاخر، خودبینی و خودستایی

۳- نهی از مصرف بیجای مال

قرآن کریم {يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا} {۶} (گوید: مال فراوانی را تباه و خرج کرده ام) (۶)

تفسیر: این انسانی که به قوتش فریب خورده و به مالش در فتنه واقع شده است می گوید: من مال و سرمایه زیادی را در دشمنی با رسول الله ﷺ، اذیت نمودن یارانش و سایر وجوهی که اهل جاهلیت مصرف را در آن خیر می دانستند به مصرف رسانیدم، و به این کارش افتخار می کند، الله عزوجل مصرف مال را در شهوات انسانی و گناه، هلاکت و تباهی مال نامیده است، زیرا: مصرف کننده هیچ فایده جز

۱ برخی مفسران مثل: امام ابن جریر طبری رحمه الله - امام نسفی رحمه الله - و امام بغوی رحمه الله - می نویسند: کسی از بنی جمح، ابو الاشد مسمی می شد که خیلی قوی و نیرومند بود، وی پوست چرمی را زیر پای خود قرار می داد و می گفت: هر کس من را از روی این پوست دور سازد برایش جایزه بزرگ می دهم، ده نفر او را از روی آن پوست دور کرده نمی توانستند، او چنین پنداری داشت که کسی با او توان مقابله را ندارد و او ازد شمنان رسول الله ﷺ بود، این موضوع در التفسیر الموضوعی لسور القرآن به شرح فوق ذکر گردیده است، برخی می گویند: این شخص ولید ابن مغیره بود، والله اعلم - نباید فراموش کرد که: به عموم لفظ اعتبار داده می شود نه به خصوص سبب

۲ جهت تفصیل بیشتر و حکم آزادی برده به مرقاة المفاتیح شرح مشکوة المصابیح، ج: ۶، ص: ۲۱۹۶ - مراجعه شود،

۳ صحیح مسلم، ۳۵- (۱۶۵۹) سنن ابی داود (۵۱۵۹)

پشیمانی و حسرت نمی گیرد، ولی الله عزوجل برای شخصی که مال را در و جوه خیر انفاق می کند وعده دادن عوض و برکت را نموده است^۱

موضوع: هشدار برپنداری که الله عزوجل را مراقب خود نداند

قرآن کریم: {أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ} {۷} {آیا می پندارد که هیچ کس او را ندیده است}

تفسیر: آیا این انسان مغرور هنگامیکه مال را در موارد گناه به مصرف رسانده گمانش بر این بوده که کسی او را ندیده است، این یک محاسبه غلط است، زیرا: الله عزوجل از پندار، گفتار و کردار او آگاه بوده و می باشد، به زودی این شخص در مورد مالش محاسبه می شود که: مال را از کجا به دست آورده و به کجا به مصرف رسانیده است.^۲ واجب است که انسان همیشه و در تمام احوالش، الله عزوجل را مراقب خود بداند و باور داشته باشد که وی می بیند، مخصوصاً در سه وقت،

۱: پیش از انجام عبادات تا اینکه عبادت خالص برای الله عزوجل صورت گیرد و آمادگی کاملی برای عبادت گرفته شود.

۲: در جریان عبادت، تا اینکه عبادت کامل تر و نیکوتر انجام شود.

۳: پیش از ارتکاب گناه تا اینکه شخص خود را از گناه باز دارد.

رسول الله ﷺ در مورد کسی که اراده گناه را دارد فرمودند: فرشتگان میگویند: پروردگارا! این بنده تو اراده ارتکاب گناه را دارد،- در حالیکه الله عزوجل آگاه تر است- الله عزوجل میگوید: مراقب او باشید، اگر مرتکب آن گناه شد برایش مثل آنرا (یک گناه) بنویسد، اگر گناه را مرتکب نشد برایش نیکی بنویسد، زیرا او گناه را به خاطر من ترک کرده است،^۳- سبحان الله! چه قدر رحمت الله عزوجل فراخ است! و چه قدر به بندگانش مهربان است!

۱ سورة مبارکه سبا، آیه (۳۹)

۲ امام طبری رحمه الله - به سند حسن، این آیه مبارکه را چنین تفسیر نموده است با تصرف مختصر،

۳ صحیح مسلم، ۲۰۵- (۱۲۹)

موضوع: نعمت هردو چشم.

قرآن کریم: {أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ} {۸} {آیا برای او دو چشم قرار ندادیم} (۸)

تفسیر: آیا برای او دو چشم قرار ندادیم ، آیا تا به حال به این اندیشیده اید که با این چشم کوچک چگونه اشیا را با اندازه واقعی آن می بینید؟ چطور کوه را کوه، دریا را دریا ، و خورشید را خورشید می بینید؟ تاکنون هیچ دانشمندی نتوانسته به این سوال پاسخ بدهد. وقتی تصویر چیزی بر چشم می افتد، بر آن نقش می بندد و اگر یک ثانیه را به سه جزء تقسیم کنیم، چشم در کمتر از یک جز ثانیه تصویر آن شی را با ویژگی های آن به مغز انتقال می دهد، بر این اساس چشم می تواند در یک ثانیه ده ها تصویر را با ویژگی های آن به مغز برساند و مغز نیز معنی و مفهوم آن را درک می کند، چشمها در تصویر برداری سریع ایشان اشتباه نمی کنند و در کنترل انسان قرار دارد، برای اینکه انسان اهمیت نعمت دید را بیشتر بداند برای لحظه چشم های خود را ببندد، بعداً به ارزش نعمت چشمها بیشتر متوجه می شود، و این نعمت ها را در معصیت استعمال نمی کند، و آنها را از جمله بزرگترین نشانه های قدرت الله عزوجل در وجود خود می داند. امام ابن کثیر در تفسیر این آیه مبارکه می نویسد: (ای انسان!) تو با این چشم ها به سوی چیزی که برای تو حلال ساختیم نگاه کن و چشمانت را از نگاه بسوی حرام ببند، پایان نقل، حکمت آفرینش چشم ها در اینست:

۱- برای دیدن.

۲- برای زیبایی و جود انسان.

۳- نشانه از نشانه های قدرت الله عزوجل است که در هر لحظه به وسیله اینها به سوی ملایکات و فرشتگان از نشانه های دیگر قدرت الله عزوجل در اطراف خود می نگریم. این امر هرگز نمی تواند تصادفی و خود به خودی به وجود بیاید و به این نظم فعالیت کند. اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله.

موضوع: نعمت زبان و لب ها

قرآن کریم: {وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ} {۹} {یک زبان و دو لب} (۹)

تفسیر: و برای انسان زبان گویا (دستگاه گفتار) را بخشیده ایم که به وسیله آن آنچه را در ضمیرش دارد بیان می کند، سخن زدن از شگفتی های قدرت الله عزوجل در وجود انسان می باشد، هوا و بادی از ششها بیرون می شود، بر هر مخرجی که عبور کند یک حرف خاص به وجود می آید، به همین قسم در تحرک زبان و لب ها حروف و آوازهای مشخصی ایجاد می شود و همچنان برایش دو لب داده ایم که جمالش را زیبایی بخشیده و در سخن گفتن، خوردن، نوشیدن و پُف کردن از آنها کمک می گیرد، این هرسه به طور منظم در کنترل انسان اند، بنابراین: انسان باید این نعمت ها را در معصیت استعمال نکند و نشانه بزرگی از قدرت الله عزوجل در وجود خود بداند، و سپاسگزاری او را بنماید و به عنوان واعظ، ناصح و پند دهنده همیشه همراه انسان می باشد، اگر انسان آفریده می شد ولی توانایی سخن زدن را نمی داشت، حالتش چگونه می بود؟ هرگز وجود این امر و فعالیت منظم آن نمی تواند تصادفی و خود بخودی باشد؛ اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله

موضوع: بیان نعمت دینی

قرآن کریم: (وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ) { ۱۰ } (و او را به دو راه خیر و شر رهنمایی کردیم)

تفسیر: امام ابن جریر طبری به سند حسن از ابن عباس رضی الله عنه روایت می کند که: مراد به «نجدین» راه هدایت و گمراهی است، یعنی: برای انسان راه هدایت و گمراهی را واضح ساختیم، الله عزوجل به وسیله سرشت دین پذیری و تعقل که در وجود انسان قرار داده و همچنان بافرستادن پیامبر و کتاب، راه های نجات و هلاکت را روشن ساخته است. اکنون انتخاب برای انسان است که به کدام مسیر حرکت می کند.

رهنمایی ها احکام و عمل

۱: بیان شرافت، کرامت و حرمت مکه مکرمه

۲: بیان بلندی مقام رسول الله ﷺ طوری که مکه مکرمه را برای ایشان مدتی حلال ساخت و برای کسی دیگر حلال نگردانید

۳: واجب است که بنده در تمام کردارها، گفتارها، وپندارهایش، الله عزوجل را مراقب بداند.

۴- حرمت تلف نمودن مال

۵- وجوب تدبیر در آفرینش چشم ها، زبان، و لب ها.

۶- وجوب سپاسگزاری از نعمت های چشم، زبان و لب ها در بکارگیری آنها در دیدار، کردار و گفتاری که الله عزوجل را راضی می سازد.

۷- حرمت بکارگیری چشم ها، زبان و لب ها در دیدار، کردار و گفتاری که الله عزوجل را خشمگین می سازد.

بلی؛ صلاح و سلامت فرد، خانواده و جامعه در گروه صلاح و سلامت چشمها و زبان نهفته است.

مناسبت بین آیات: زمانیکه الله عزوجل برخی از نعمت هایش را بر انسان برشمرد، سپس ناسپاسی عده را در مقابل این نعمت ها ذکر نمود،

موضوع: جهت رسیدن به هدف دشواری ها را باید تحمل نمود

قرآن کریم: (فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ) { ۱۱ } (پس به گردنه سخت قدم نگذاشت) { ۱۱ }

تفسیر: این انسان از گردنه عبور نکرده است، زیرا وی از شهواتش پیروی می کند، امام ابن جریر طبری رحمه الله به نقل از ابن زید در تفسیر این آیه مبارکه چنین روایت می کند: آیا این انسان به راه نجات و خیر داخل نشد؟

اصل عقبه: راه سر بالا و سخت کوهستان می باشد، سپس الله عزوجل گردنه را در آیت بعدی که انجام اعمال صالح می باشد تفسیر نمود، این اعمال، عقبه نامیده شده است، زیرا: انجام آن بر نفوس دشوار می باشد، یا کسی که مالش را در وجوه خیر به مصرف رساند و عمل نیکو انجام دهد از گذرگاه سخت آخرت عبور نموده و نجات پیدا می کند، و این اسباب نجات قرار زیر است:

۱- آزادی برده.

۲- خوراک دادن.

۳- ایمان صحیح به الله عزوجل، رسولان و آیات او.

۴- وصیت و سفارش به صبر و شکیبایی که تفسیر آن ان شاء الله در ادامه می آید.
 امام نسفی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: این انسان نعمت های ذکر شده (در همین سوره) را با انجام اعمال نیکوی که فوقاً تذکر یافت سپاسگزاری نکرد.
 امام بغوی رحمه الله در تفسیر این آیه مبارکه می نویسد: چرا این انسان مال خود را در آزاد ساختن برده و... به مصرف نرسانید این کار برایش خیر می بود، از اینکه مالش را در دشمنی با رسول الله ﷺ به مصرف رسانید و هیچ منفعتی هم به دست نیاورد.
 موضوع:

۱: عدم آگاهی رسول الله ﷺ از مسایل غیبی.

۲: وجوب شناخت راه های توفیق و نجات.

قرآن کریم: {وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ} {۱۲} (و توجه دانی که آن گردنه [سخت] چیست)
 تفسیر: ای رسول ما! توجه می دانی که این گردنه و راه دشوار چیست؟

موضوع: ۱- تفسیر عقبه، ۲- ترغیب بر آزادی برده. ۳- از اسباب حصول توفیق و نجات:

قرآن کریم: (فَكُ رَقَبَةً) {۱۳} (برده ای را آزاد کردن) {۱۳}

تفسیر: سپس این آیه مبارکه عقبه را چنین تفسیر نمود: برده را آزاد کردن، یعنی: آزاد کردن برده سبب می شود که انسان از گذرگاه سخت قیامت به آسانی عبور کند،^۱- آزاد کردن مسلمانی که نزد کافران اسیر است بهتر و مهمتر می باشد. رسول الله ﷺ فرمودند: کسی برده مسلمانی را آزاد کند، الله عزوجل در مقابل هر عضو این شخص آزاد شده، عضوی از اعضای آزاد کننده را از جهنم آزاد می کند...^۲

رسول الله ﷺ فرمودند: کسیکه برده مسلمانی را آزاد کند، از جهنم آزاد می شود^۳

بیان برخی اعمالیکه ثواب آزادی برده بر آنها مرتب است:

۱: رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که در روز یکصد مرتبه بگوید: لا إله إلا الله، وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ به اندازه آزادی ده برده

۱ همچنان انسان باید نفس خود را از یردگی گناه، معصیت و شهوت آزاد کند

۲ صحیح البخاری (۶۷۱۵)

۳ مسند احمد (۱۷۳۲۶) - صحیح الترغیب والترهیب (۱۸۹۳)

برایش ثواب داده میشود، برای او یکصد ثواب نوشته می شود، یکصد گناه از او نابود میشود، از وسوسه های شیطان تا شام همان روز حفاظت میشود، کسی عملی بهتر از او انجام نداده است مگر کسی که این کلمه را بیشتر بگوید^۱

۲: رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه من همراه قومی که مصروف ذکر الله عزوجل باشند، بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب بنشینم محبوب تر است نزد من از آزاد ساختن چهار نفر از فرزندان اسماعیل، و هرگاه من همراه قومی که مصروف ذکر الله عزوجل باشند، بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب بنشینم محبوب تر است نزد من از آزاد ساختن چهار نفر (از فرزندان اسماعیل)^۲

موضوع: ۱- ترغیب بر خوراک دادن در شرایط دشوار. ۲- از اسباب حصول توفیق و نجات:

قرآن کریم: (أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ) { ۱۴ } (یا در روز گرسنگی طعام دادن)

تفسیر: یا در وقت گرسنگی و قحطی خوراک دادن برای کسانی که به شدت نیاز مند آن اند، عبد الله پسر سلام رضی الله عنه می گوید: هنگامیکه رسول الله ﷺ به مدینه تشریف آوردند من که انتظار قدوم مبارک شان را داشتم به نزد شان رفتم وقتی که ایشان را دیدم شناختم - زیرا صفات شان را به شکل واضح در تورات دیده بود- وی میگوید: اولین سخن رسول الله ﷺ این بود: ای مردم! سلام دادن را بین خود زیاد بسازید، خوراک بدهید (برای گرسنگان)، نماز شب (تهجد) بخوانید در حالیکه مردم در خواب اند (که به سبب این اعمال) داخل جنت می شوید در حالیکه فرشتگان (جهت حرمت گذاری) برای شما سلام می دهند^۳

موضوع: ۱- ترغیب بر رسیدگی در امور یتیمان خویشاوند. ۲- از اسباب حصول توفیق و نجات:

قرآن کریم: { يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ } { ۱۵ } (به یتیمی خویشاوند) (۱۵)

۱ مختصر صحیح البخاری (۲۴۴۶) - سنن ابن ماجه (۳۷۹۸)

۲ سنن ابی داود، شماره حدیث: ۳۶۶۷ - المعجم الاوسط للطبرانی، شماره حدیث: ۶۰۲۲ - صحیح الترغیب والترهیب، حدیث: ۴۶۵-

۳ سنن ابن ماجه (۱۳۳۴)

تفسیر: خوراک دادن و رسیدگی به امور یتیمی که از نزدیکان و خویشاوندان باشد، رسول الله ﷺ فرمودند: دادن صدقه و خیرات برمسکین، یک صدقه است (از یک نوع فضیلت برخوردار است) و دادن صدقه بر خویشاوند دو چیز می باشد (از دو نوع فضیلت برخوردار است)، ۱: صدقه، ۲: برقرار ساختن پیوند خویشاوندی^۱

موضوع: ۱- ترغیب بر رسیدگی در امور مسکینان و فقرا. از اسباب حصول توفیق و نجات قرآن کریم: {أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ} {۱۶} (یا بینوایی خاك نشین) (۱۶)

تفسیر: یا خوراك دادن به مستمندی خاك نشین، یعنی: خوراک دادن به مساکین سبب عبور از گذرگاه دشوار و نجات از سختی های روز آخرت می گردد.

موضوع: ۱- ایمان شرط صحت اعمال: ۲- رابطه امر به معروف و نهی از منکر با ایمان قرآن کریم: {ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ} {۱۷} (علاوه بر این؛ از زمره کسانی باشد که ایمان آورده اند و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده اند) (۱۷)

تفسیر: علاوه از موارد ذکر شده او باید از جمله کسانی باشد که به آیات و پیامبران ما ایمان آوردند و همدیگر را بر صبر و شکیبایی در فرمان برداری الله عزوجل، دوری از گناه و شکیبایی در مقابل حوادث دردناکی که به وقوع می پیوندند، توصیه و سفارش می کنند. و همچنان او باید از زمره کسانی باشد که همدیگر خود را به مهربانی و ترحم با مخلوقات الله عزوجل سفارش می کنند، امر به معروف و نهی از منکر نیز از شاخه های اعمال می باشد^۲، از جهت اهمیت آن در این آیه مبارکه به ایمان پیوست شده است، در اینجا کلمه (ثم) برای تراخی رتبی است و دلالت بر این می کند که ما بعد آن اصل برای قبول ماقبل آن می باشد.

موضوع: فایده ایمان، صبر و امر به معروف

قرآن کریم: {أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ} {۱۸} (اینانند سعادت‌مندان) (۱۸)

۱ سنن ابن ماجه (۱۸۴۴) - سنن نسائي (۲۵۸۲) - صحيح الترغيب والترهيب (۸۹۲)
۲ جواب سوال مقدر، یعنی: چرا مثل آیات دیگر (آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) گفته نشده است.

تفسیر: صاحبان صفات یاد شده کسانی اند که الله عزوجل برای آنها توفیق داده تا ازگردنه عبور کنند و آنها اهل سعادت اند، ایشان حقوق الله عزوجل و حقوق بندگان را ادا کردند، و از آنچه نهی شده بودند خود را بازداشتند، و همچنان آنها کسانی اند که نعمتهای الله عزوجل را سپاسگزاری نموده اند^۱،

امام ابن جریر طبری - رحمه الله - در تفسیرش می نویسد: کسانی که اعمال ذکر شده را انجام دادند، اصحاب الیمین اند و در روز قیامت از طرف راست به سوی جنت برده می شوند،

موضوع: ۱- کفر و پیامد آن: ۲- لزوم تصریح بر کفر کافر

قرآن کریم: { وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ } { ۱۹ }

(و کسانی که به نشانه های ما کفر ورزیدند آنان اهل شقاوت اند) (۱۹)

تفسیر: ولی کسانی که به آیات و پیامبران ما کفر ورزیدند، اصحاب شمال اند و در روز قیامت نامه اعمال شان به دست چپ شان داده می شود و از طرف چپ به سوی جهنم رانده می شوند. زیرا: آنها به الله عزوجل ایمان نیاوردند و به بندگان الله عزوجل ترحم نکردند.

موضوع: جزای اخروی کفر

قرآن کریم: { عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ } { ۲۰ } (بر آنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد) (۲۰)

تفسیر: آتشی آنانرا فرا می گیرد که سرپوشیده و در بسته است و هیچ راه فراری برای شان وجود ندارد، امام طبری به سند حسن به نقل از قتاده در تفسیر این آیه مبارکه می نویسد: الله عزوجل آتش را بر آنها فراگیر می سازد، نه در آنجا روشنی می باشد و نه گشایشی در ره است و نه هم راه خروجی برای شان وجود دارد و این آتش برای همیشه و ابدی بر آنها گماشته شده است^۲ - امام ابن کثیر در تفسیر این آیه مبارکه چنین می نویسد: در روز قیامت ستمکاران، شیاطین و هرکسی که مردم درد دنیا از شرش در امان نبوده است جمع آوری می کنند و در آهن ها بسته شان می نمایند و آنها را به جهنم افکنند، سپس بر آنها از آتش سرپوش گذاشته می شود، به الله سوگند قدم

۱ به تفسیر امام نسفی رحمه الله در همین سوره مراجعه شود
۲ الصحيح المسبور من التفسیر بالمأثور ، همین سوره

های شان برجای قرار نمی گیر، به الله سوگند به سوی آسمان نگاه نمی کنند، به الله سوگند خواب برچشمانشان پیش نمی شود، به الله سوگند هیچ نوع آرامشی را در نمی یابند.^۱

رهنمایی ها ، احکام و عمل

۱: هشدار برای کسی که مالش را در معصیت به مصرف می رساند

۲: بیان چهار سببی که انسان به وسیله آنها از سختی های قیامت نجات پیدا می کند و از عبورگاه دشوار می گذرد

۳: هشدار بر باور کفری و اهل آن

۴: پاداش نیکی برای نزدیکان و خویشاوندان نسبت به دیگران بیشتر است

۵: هنگامیکه کافر عقل خود را از تدبیر در آیات الله عزوجل قفل کند و دروازه های خیر را بر روی خود ببندد، الله عزوجل دروازه های جهنم را بروی قفل می کند، در آتش سرپوشیده و دربسته افکنده می شود تا مجازاتش از جنس عملش قرار گیرد.

۱ به تفسیر امام ابن کثیر و تفسیر القرآن العظیم لابن أبي حاتم المؤلف: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم (المتوفى: ۳۲۷هـ) المحقق: أسعد محمد الطيب الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز - المملكة العربية السعودية الطبعة: الثالثة - ۱۴۱۹ هـ [ترقيم الكتاب موافق للمطبوع، وهو ضمن خدمة مقارنة التفاسير. در همین سوره به روايت ابو عمران جوني به شماره (۱۹۳۲۶) مراجعه شود. با تصرف يسير در ترجمه.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: شمس.

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۱۵

تعداد کلمات: ۴۵

اعداد حروف: ۲۴۷

وجه نام گذاری این سوره: این سوره شمس (آفتاب) نامیده شده، زیرا در اول آن الله عزوجل به آفتاب سوگند یاد نموده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره مبارکه در برگیرنده آنست:

۱: سوگند الله عزوجل به مخلوقات بزرگ در عالم بالا و پایین (آفتاب، مهتاب، روز، شب، آسمان، زمین و احوال نفس انسانی)

۲: رستگاری نفس در گرو تزکیه آن میباشد

۳: کسانی که نفس های خود را آلوده نموده و سرکشی می کنند همانند قوم ثمود اند که عذاب بر سرایشان فرود آمد، بنابراین: نزول این سوره تهدیدی برای مشرکین می باشد تا دست از شرک و تکذیب بردارند.

از مقاصد این سوره: ترغیب بر تزکیه نفس و هشدار از ترک آن.

موضوع: اهمیت آفتاب،

قرآن کریم: { وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا } { ۱ } (قسم به آفتاب و روشنی آن)

تفسیر: امام ابن کثیر رحمه الله - به نقل از امام ابن جریر طبری رحمه الله - در تفسیرش می نویسد: صحیح اینست که گفته شود: الله عزوجل به آفتاب و روز آن سوگند یاد نموده است.

علامه سعدی رحمه الله - در تفسیرش می نویسد: سوگند به آفتاب و روشنائی آن و فایده‌ای که از آن صادر می شود.^۱ - خورشید یکی از نشانه های روشنی بخش است و با درخشش خود، جهانیان را به سوی الله عزوجل هدایت می کند، اگر زمین به دور خورشید انداخته شود در اندک مدتی تبخیر و ذوب می شود، زبانه های آتش اطراف خورشید بیشتر از یک میلیون کیلومتر طول دارد، حرارت آن به شکلی است که در هرتانیه به اندازه دو تریلیون ذغال سنگ حرارت تولید می کند، اگر خورشید نمی بود، روزها، ماه ها، و سالها نظم پیدا نمی کرد و در شمارش نمی آمد، میان زمین و مهتاب یک ثانیه نوری فاصله است، یعنی: معادل (۳۶۰،۰۰۰ کیلومتر) و بین زمین و آفتاب هشت دقیقه نوری فاصله می باشد، و سیاراتی وجود دارد که ملیناردها سال نوری از زمین فاصله دارد، سرعت نور در ثانیه (۳۰۰،۰۰۰ کیلومتر است، از طرف دیگر منافع ناشماری که بطور منظم و سنجیده از آفتاب در جریان هر روز برای زمین و اهل آن از انسانها، حیوانات و نباتات می رسد تمام بشریت را شگفت زده کرده است، خلاصه اینکه: زندگی بدون موجودیت آفتاب ممکن نیست، سبحان الله! این امور هرگز تصادفی و خود بخودی نمی تواند به وجود بیاید و به طور منظم تداوم پیدا کند، اشهدان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله

موضوع: اهمیت مهتاب،

قرآن کریم: { وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا } { ۲ } (و سوگند به ماه هنگامیکه بعد از آن در آید)
تفسیر: و سوگند به مهتاب هنگامی که در منازل آسمان و در تابش نور به دنبال خورشید در حرکت است،

امام ابن جریر طبری رحمه الله و امام ابن کثیر رحمه الله به نقل از ابن زید در تفسیرها ایشان چنین می نویسند: مهتاب در نیمه اول (پانزده شب اول) خود به دنبال خورشید می رود، سپس در نیمه دوم خورشید به دنبال مهتاب می رود. آفتاب یکی از آیات بزرگ روز است و مهتاب یکی از آیات بزرگ شب می باشد، مهتاب در جریان شب قدرت خالق و مدبرش را به نمایش می گذارد، ابن عاشور رحمه الله در تفسیر این آیه مبارکه مینویسد: در آیه مبارکه اشاره بر اینست که : نور مهتاب گرفته شده از

۱ مراد به : ضحاها - ۱: روشنائی آن، یعنی: قسم به آفتاب و روشنائی آن، این دیدگاه مجاهد و زجاج می باشد، - ۲: همه روز، این دیدگاه قتاده و ابن قتیبه است، - ۳: گرمی آن

نور آفتاب است و به ذات خود روشنی ندارد، و این اعجاز علمی از اعجاز قرآن مجید است^۱

موضوع: اهمیت روز.

قرآن کریم: (وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰهَا) {۳} (سوگند به روز هنگامیکه خورشید را نمایان کند. تفسیر: و سوگند به روز هنگامیکه خورشید را روشن سازد،^۲ در این آیه مبارکه اعجاز علمی نهفته شده است، و آن عبارت از این است که: زمین بر مدار خود می چرخد، این روز است که خورشید را آشکار می کند. آشکار شدن روز از نشانه های قدرت الله عزوجل بوده و دلیلی بر اثبات رستاخیز است. زیرا: در هر صبحش مردم را از خواب (موت کوچک) برمی انگیزد و محشری را به اذن الله عزوجل به نمایش می گذارد. و هر روز عملاً برای مردم درس زنده شدن بعد از مرگ را تعلیم می دهد و آنها به چشم سر آنرا می بینند.

موضوع: اهمیت شب.

قرآن کریم: {وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا} {۴} (سوگند به شب هنگامیکه آفتاب را بپوشاند) تفسیر: سوگند به شب هنگامیکه خورشید را در چادرش می پوشاند، و آفاق تاریک می شود،^۳ بلی، شب از نشانه های قدرت الله عزوجل است.

موضوع: - اهمیت آسمان ،

قرآن کریم: {وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا} {۵} (سوگند به آسمان و به آنکه آن را بنا کرده است) (۵)

تفسیر: جایز است که: (ما) در هر سه جمله (وما بناها) (وما طحاها) (وما سواها) مصدری باشد، پس در این صورت، معنا چنین می شود: سوگند به آسمان و بنا نمودن الله عزوجل آنرا، سوگند به زمین و گستردن الله عزوجل آنرا، سوگند به نفس و برا بر ساختن الله عزوجل آنرا، ترجیح امام ابن جریر رحمه الله - اینست که: (ما)

۱ جهت تفصیل بیشتر به تفسیر ابن عاشور مراجعه شود در همین سوره
 ۲ اختیار امام ابن جریر رحمه الله - اینست که: ضمیر در همه موارد به آفتاب بازگردانده شود - علامه سعدی رحمه الله - در تفسیرش می نویسد: سوگند به روز هنگامیکه آنچه روی زمین است را روشن می سازد. س
 ۳ در مورد مرجع ضمیر (ها) در (یغشاها) - سه دیدگاه است، ۱: به آفتاب باز می گردد چنانچه فوقاً همین دیدگاه اختیار شد، ۲: به دنیا باز می گردد، ۳: به زمین باز می گردد.

به معنای: (من) یعنی: موصوله می باشد، بنابراین معنای آن اینطور می شود: سوگند به آسمان و به آن ذاتی که آنرا آفریده است، آسمان از نشانه های قدرت الله عزوجل است.

موضوع: اهمیت زمین

قرآن کریم: {وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاها} {۶} (سوگند به زمین و به آنکه آن را گسترانید)

تفسیر: سوگند به زمین و آن ذاتی که آنرا، پهن نمود، گسترانید و هموار کرد. منافع و مصالح بشریت را در آن قرار داد، و همه نیازمندی های انسان را در زمین پدید آورد، بلی؛ الله عزوجل زمین را مانند فرشی هموار شده و گهواره برای زندگی قرارداد، الله عزوجل زمین را محل استقرار قرارداد است که ساختمانها روی آن ایستاده و فرو نمی ریزند درحالیکه زمین در هرثانیه (۳۰) کیلومتر از مدارخویش را می پیماید، اگر شروع به لرزیدن کند، هیچ ساختمانی بر روی آن دوام نمی آورد، فاصله آنرا باخورشید متعادل ساخته است، دمایش را با وجود انسان تنظیم کرده، نیروی جاذبه، و سرعت روزانه او را باحیات و جسم انسان سازگار نموده است، اگر سرعت زمین بیشتر از دو برابر شود همه چیز را به آسمان پرتاب می کند، و چیزی روی آن باقی نمی ماند، چه کسی سرعت زمین را در مسیرش نگه داشته است؟ بنگر که چگونه آنرا در اندازه و سرعتی مناسب آفریده و با آب، هوا، خورشید، گیاهان، حیوانات، حرکت و جاذبه، سازگار و بانیاذهای بشر هماهنگ کرده است!، پس سعادت مند کسی است که از آنها پند گیرد و بدبخت کسی است که خود سر و خود رای باشد، زیرا: هرگاه آیات الله عزوجل نزد مردم کم اهمیت و سبک شمرده شد، ذات الله عزوجل نیز مورد بی توجهی قرار می گیرد که عاقبت بدی را به دنبال دارد. اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله.

موضوع: اهمیت نفوس و سامان دادن آن

قرآن کریم: {وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا} {۷} (سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد).

تفسیر: سوگند به نفس و آنکه به او سامان داده، منظم و نیکو ساخت، احتمال دارد که منظور از نفس، نفس سایر مخلوقات زنده باشد، و احتمال دارد که مراد از نفس؛ انسان باشد به دلیل، آیات بعدی، آفرینش نفس نشانه از نشانه های بزرگ

الله عزوجل می باشد، الله عزوجل علاوه برآفرینش جوارح و اعضای ظاهری در وجود انسان، ملیارد ها دستگاه وسیستم دیگر را به طور منظم نصب وفعال نموده است که انسان را به سوی الله عزوجل رهنمایی می کنند، وبرخی از این دستگاه ها عبارت اند از:

- ۱- دستگاه تنفس.
- ۲- دستگاه گردش خون.
- ۳- دستگاه تشکیل دهنده خون.
- ۴- دستگاه گوارش.
- ۵- دستگاه تناسلی.
- ۶- دستگاه دفع ادرار.
- ۷- دستگاه تعریق.
- ۸- دستگاه تهویه وخنک کردن بدن.
- ۹- پیکراستخوانی واسکلایت بدن.

۱۰- حواس پنجگانه، قلب، عروق، گرده، شش، معده، سپرز، ملیارد ها سلول، رگها وموی رگها، سیستم دفاعی بدن، فعالیت منظم همه آنها از نشانه ها و دلایل روشنی بروجود الله عزوجل، علم وقدرتش می باشد. وهمچنان الله عزوجل در وجود انسان، انفعالات نفسانی را از قبیل اراده، دوستی و دشمنی قرار داده است، اگر این موارد ذکرشده در انسان وجود نمی داشت، انسان یک مجسمه بیش نبود که در آفرینشش هیچ فایده تصور نمی شد، الله عزوجل سرشت دین پذیری را در وجود انسان نصب نموده است که اگر آنها فاسد وآلوده نکند او را به سوی حق رهنمایی می کند، پس از دیدگاه عقلی نیز آفرینش این امور و فعالیت منظم آنها در انسان تصادفی و خود بخودی نمی تواند باشد، ذاتی که بار اول اینها را در وجود انسان آفریده وهر لحظه از آنها مراقبت می کند از دوباره آفریدن آنها عاجز نیست- اشهد ان لا اله الا الله وحده لاشریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله.

موضوع: معرفی راه خوب و بد برای انسان

قرآن کریم: {فَالْتَمِهْمَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا} {۸} (سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد) (۸)

تفسیر: سپس به انسان راه شر و خیر، نافرمانی و فرمان برداری، حق و باطل را بیان نمود و واضح ساخت، «فجور» سخن ها، کردارها و باورهای که انسان را به زیان و بدبختی بیفگند، «تقوا» سخن ها، کردارها و باورهای که الله عزوجل را از انسان راضی بسازد. این همه موارد را الله عزوجل برای انسان بیان نموده است.

امام قرطبی -رحمه الله- در تفسیرش می نویسد: محمد پسر کعب می گوید: هرگاه الله عزوجل برای بنده اراده خیر را داشته باشد برایش خیر را نشان می دهد و این بنده به آن عمل میکند، و هرگاه الله عزوجل برای شخصی اراده بدی را داشته باشد برایش شر را نشان می دهد و این شخص به آن عمل می کند.^۱

موضوع: وجوب تزکیه نفس.

قرآن کریم: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا) {۹}

(هر کس که نفس خود را پاک گردانید قطعاً رستگار شد) (۹)

تفسیر: این جواب قسم است، یقیناً کسی که نفس خود را از گناهان، عیب ها و اخلاق پست، پاک نماید و آنرا با فرمان برداری الله عزوجل، علم نافع و عمل صالح مزین کند رستگار شده است، «تزکیه» عبارت است از: پاک ساختن نفس از گناهان و اصلاح آن به اعمال شایسته، کسی از رسول الله سوال نمود که تزکیه نفس چیست؟ رسول الله ﷺ فرمودند: اینکه بداند در هر جا الله عزوجل (به علم و قدرت خود) با او همراه است^۲، کسی این باور را داشته باشد که الله عزوجل مراقب او می باشد، تمام دساتیرش را به اجرا می گذارد و از تمام آنچه نهی فرموده اجتناب می کند،

۱ به تفسیر امام قرطبی رحمه الله در همین سوره مراجعه شود.

۲ السلسله الصحیحه (۱۰۴۶) - شعب الایمان (۳۰۲۶)

رسول الله ﷺ جهت تزکیه نفس شان اینگونه دعای کردند: {...اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَزَكَّهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا...}¹

(یا الله! برای نفس من پرهیزگاری آن را عنایت فرما و آنرا از آلودگی ها پاک ساز تو بهترین پاکنده آن هستی تو دوست و بهترین کمک کننده نفسم می باشی)

باخبر! : جریاناتی باتغییر لفظ ومعنای تزکیه؛ مردمان را به طرف بدعت و حتی به سوی شرک عملی واعتقادی کشانیده اند، طوریکه باور ها و کردار های زشت و نامشروع زیر را برای پیروانان خود تحویل دادند:

۱: به جای اینکه در قلبشان از الله عزوجل ترس داشته باشند از انسانهای به نام پیر(مرشد) وولی ترس دارند.

۲: به جای امید از الله عزوجل، از انسانهای بنام پیر، ولی وامام زمان امید دارند.

۳: به جای توکل بر الله عزوجل بر پیر، ولی وامام توکل می کنند،

۴: به جای محبت وتعظیم الله عزوجل به پیر، ولی وامام محبت وتعظیم می کنند،

۵: به جای نذر به الله عزوجل به پیران، مردگان، وامامان نذر تقدیم می کنند.

۶: به جای اینکه در وقت سختی ها ومشکلات، یاالله! بگویند، یاپیر، یاغوث ویاعلی میگویند واز آنان کمک ومدد می خواهند.

۷: سخن پیر وامام نزد آنها از سخن الله عزوجل و رسول الله ﷺ با ارزش تر است.

۸: برخی ها پیران، امامان وسایر مردگان را مالک نفع وضرر و متصرف در کاینات می دانند.

۹: برخی ها پیران، امامان ومردگان را از تمامی احوال خود آگاه می دانند.

۱۰: ذکر کردن آنها با کلمه ها، عبارت ها وجمله های است که: رسول الله ﷺ، الله عزوجل را با آن کلمه ها وجمله ها ذکر وعبادت نکرده اند.

۱۱: به جای عمل به سنت صحیح رسول الله ﷺ مردم را به طرف بدعت دعوت می کنند، وبا برخی احادیث صحیح اظهار بغض و تنفر می کنند، آنها این روش خود

را تزکیه می نامند، این روش تزکیه نبوده بلکه مخالف روش رسول الله ﷺ، خلفای راشدین، باقی صحابه رضی الله عنهم و امام های چهار گانه (امام ابو حنیفه رحمه الله - امام شافعی رحمه الله - امام مالک رحمه الله - امام احمد رحمه الله) در تزکیه می باشد، واضح است که موارد ذکر شده از بزرگترین منکرات است، روشن است که توحید محور دعوت تمام انبیای الله عزوجل بوده است، رسول الله ﷺ امت را از زیاده روی در حق اش نهی کرده است، به این احادیث صحیح زیرتوجه کنید:

۱- رسول الله ﷺ فرمودند: در مورد من از حدگذری، زیاده روی و گزافه گویی نکنید! چنانچه نصرانیها در مورد عیسی پسر مریم زیاده روی کردند، یقیناً من بنده الله عزوجل هستم، پس بگویید: (محمد) بنده الله و رسول او (می باشد) ^۱،

۲- مردی برای رسول الله ﷺ گفت: ای رسول خدا! آنچه الله و تو بخواهی می شود، رسول الله ﷺ فرمودند: آیا من را مساوی و همتا با الله قرار می دهی؟ پس بگو: آنچه تنها الله خواسته باشد (میشود) ^۲، وی را از گفتن این گونه الفاظ در مورد خود نهی کردند، بنابراین: از مکلفیت های شرعی اولیة داعیان مسلمان و نظام اسلامی اینست: به اصلاح این جریانات اقدام عملی نموده تا از یک طرف کردار، گفتار و پندار اینها موافق قرآن و حدیث صحیح گردد و اهل نجات شوند و از طرف دیگر جامعه از شرشان در امان بماند،

موضوع: پیامد آلوده ساختن نفس به گناه

قرآن کریم: (وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا) {۱۰} (و هرکس که نفسش را با گناه آلوده ساخت زیانکار شد) {۱۰}

تفسیر: یقیناً زیانکار شد کسیکه: نفس خود را به ارتکاب گناهان آلوده ساخت و از فضایل محروم شد گردانید، مزایای نفسش را در میان گناهان پنهان نمود، با عمل به کارهای زشت و باورهای پلشت آن را به گور دفن کرد، امام طبری به سند حسن از قتاده در تفسیر این آیه مبارکه می نویسد: بدون شک زیانکار شد کسی که نفسش را گناه آلود و بدکار ساخت. ^۳

۱ مسند احمد (۱۴۵) صحیح البخاری (۳۴۴۵) صحیح ابن حبان (۱۲۳۹)

۲ المعجم الکبیر للطبرانی (۱۲۸۳۰) السلسله الصحیحه (۱۳۹) مصنف ابن ابی شیبہ (۲۶۶۹۱) مسند احمد (۲۵۶۱)

۳ الصحیح المسبور من التفسیر بالمأثور - همین سوره و همین آیه

رهنمایی ها، احکام و عمل

- ۱: بیان هفت نشانه از نشانه های قدرت الله عزوجل که به آنها قسم یاد نمود
- ۲: وجوب تزکیه نفس به فرمان برداری الله عزوجل و حرمت آلوده ساختن آن به نافرمانی و گناه
- ۳: ترغیب برخواندن دعای: اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا وَزَكِّهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا أَنْتَ وَلِيِّهَا وَمَوْلَاهَا^۱
- ۴: خواندن دعای: اللَّهُمَّ أَلْهِمْنِي رُشْدِي وَأَعِزَّنِي مِنْ شَرِّ نَفْسِي^۲
- ۵: الله عزوجل خالق افعال بندگان است و بندگان کاسب افعال خود می باشند.
- ۶: دو رکعت نماز چاشت را بخوان.

مناسبت بین آیات: بعد از اینکه بیان شد که رستگاری نفس در گرو تزکیه نفس است و تزکیه نفس هم در پیروی از رسول الله ﷺ تحقق می یابد، الله عزوجل مثل قومی را بیان می کند که نفس های خود را در پیروی از پیامبر شان تزکیه نکرده و مستحق عذاب گردیدند.

موضوع: پیامد سرکشی تکذیب است

قرآن کریم: { كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا } { ۱۱ } (قوم ثمود از روی سرکشی پیامبرشان را تکذیب کردند) (۱۱)

تفسیر: قوم ثمود با سرکشی خود رسالت پیامبرشان (صالح علیه السلام) را تکذیب نموده و وی را دروغگو شمردند،^۳ امام ابن کثیر در تفسیر این آیه می نویسد: این سرکشی در قلب های شان تکذیب آنچه پیامبر آنها از هدایت و یقین آورده بود ایجاد نمود.

۱ صحیح مسلم، ۷۳- (۲۷۲۲)

۲ سنن ترمذی، (۳۴۸۳) - المعجم الاوسط (۱۹۸۵) علامه البانی رحمه الله - آنرا درضعیف الجامع الصغیر (۴۰۹۸) ضعیف دانسته است، - آرشیف ملتقى اهل الحديث، جزء: ۱۲۱ - صفحه (۹۱) - و جزء (۱۲۵) ص: ۶۷ - شماره (۱۰۲) و اسناده عند احمد جید - مجموع فتاوی امام ابن باز رحمه الله - جزء (۱۶) صفحه (۷۲) - فتاوی واستشارات الاسلام - ج: (۲۰) ص: (۱۱۱) - فتاوی الشبکه الاسلامیه - ج: ۱، ص: ۴۲۵ - موقع الاسلام سوال وجواب - ج: ۷، ص: ۳۲۱ - امام ابن قیم رحمه الله هـ - دروایل الصیْب - ص: ۲۳۰، حکم به صحت آن نموده است. بنده ضعیف آنرا حسن لغیره می داند والله اعلم -

۳ امام ابن جریر رحمه الله درتفسیرش، به نقل از ابن عباس (طغوی) را - اسم برای عذابی که برسرایشان فرود آمد نیز ذکر کرده است

موضوع: کسانی که جلو دعوت انبیا را می گیرند از بدبخت ترین ها اند

قرآن کریم: { إِذِ انْتَبَعَثَ أَشْقَاهَا } { ۱۲ } (آنگاه که شقی ترینشان بر [پا] خاست) (۱۲)

تفسیر: هنگامیکه بدبخت ترین آن قوم (قدار پسر سالف) جهت پی کردن و کشتن شتر برپا خاست، داوطلب و نامزد شد و خواستار پیشی گرفتن بر دیگران گردید، امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیرش می نویسد: این مرد در بین قوم خود، عزتمند، شرافتمند و رئیس بود، دیگران از او فرمان برداری می کردند^۱

موضوع: ۱- خیرخواهی صالح علیه السلام، ۲- وجوب نهی از منکر.

قرآن کریم: { فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا } { ۱۳ }

(پس فرستاده خدا به آنان گفت: ماده شتر الله و نوبت آب خوردنش را حرمت نهید) (۱۳).

تفسیر: فرستاده الله عزوجل (صالح علیه السلام) برای آنها فرمود: به ماده شتر الله عزوجل کاری نداشته باشید و از ضرر رسانیدن به او بپرهیزید و او را از نوبت آبش که از دو روز یک روز سهم آب متعلق به او است، باز ندارید، و روز دیگر سهم آب متعلق به شماست، یعنی: یک روز این شتر آب چاه را می نوشد و شما شیر آنرا می نوشید و روز دیگر شما آب چاه را بنوشید.

موضوع: پیامد تکذیب و گناه

قرآن کریم: { فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَذَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا } { ۱۴ }

(ولی آنها او را تکذیب کردند آنگاه ماده شتر را پی کردند پس پروردگارشان به سبب گناهان شان بر سرشان عذاب آورد و با خاک یکسان شان کرد) (۱۴)

تفسیر: پس قوم ثمود رسالت صالح علیه السلام را تکذیب کردند و دروغ شمردند، پس ماده شتر را پی نمودند و کشتند، پس الله عزوجل به سبب گناهانشان بر آنان خشم گرفت، عذاب را بر آنان فراگیر کرد، بنیاد همه شان را برکند، و با خاک

۱ منبع: تفسیر ابن کثیر رحمه الله - و تفسیر ابن جریر رحمه الله - همین سوره

یکسانشان ساخت،^۱ نسبت فعل پی^۲ و کشتن شتر به همه قوم داده شده است، در حالیکه انجام دهنده این کار تنها قدار پسر سالف بود، زیرا: همه قوم به کاروی راضی بودند و آنرا تشویق نمودند. رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه در زمین گناهی انجام شود کسیکه حاضر باشد، اظهار نا رضایتی کند مثل کسی است که از آنجا غایب می باشد و کسیکه غایب باشد و راضی باشد مثل کسی است که حاضر باشد^۳ - ابن عاشور در تفسیرش می نویسد: «عقر» کنایه از نحر است، زیرا: بین آنها تلازم و جود دارد.

موضوع: نفی ترس از الله عزوجل.

قرآن کریم: {وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا} {۱۵} (و الله از سر انجام آن بیم ندارد) (۱۵)

تفسیر: الله عزوجل از پیامد مجازات ستمکاران و سرکشان بیم و باکی ندارد، هیچ قدرتی در برابرش مقاومت کرده نمی تواند. مثل انسان نیست که کسی را عذاب کند از پیامد آن در ترس و وحشت واقع شود.^۴

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱: تزکیه نفس در اتباع پیامبر الله عزوجل تحقق می یابد

۲: بیان داستان قوم ثمود دلجویی برای رسول الله ﷺ و هشدار برای کافران و سرکشان می باشد.

۳: ترك اصلاح و نهی نکردن از منکر سبب نزول بلا برای همگان می شود

۴: بیان داستانهای گذشتگان تاثیر خاصی در نفوس انسانها دارد

۵: گناه سبب نزول عذاب در دنیا و آخرت می گردد.

۱ قدمدم عليهم ربهم بذنبهم: اهلكهم واطبق عليهم العذاب- قال الفراء: دمدم: ارجف- وفي الصحاح: دمدمت الشيء: اذا الزقته بالارض وقيل دمدمت على الميت التراب: اي سويته عليه.

۲ پی نمودن - اصل عقر: قطع پس زانوی شتر می باشد، سپس در قتلش استعمال شده است، برخی می گویند: عقر: قطع عضوی که درکشتن موثر باشد، عربها میگفتند: (عقرت الفرس) زمانیکه دست وبای آنرا به شمشیر قطع می نمود، برای نحر عقرگرفته می شود، زیرا: غالبا عقر سبب نحر می شود.

۳ سنن ابوداود (۴۳۴۵) - صحيح الجامع (۶۸۹).

۴ ضحاک، سدی وکلی آیه مبارکه را چنین ترجمه می کند: پی کننده از سر انجام کار خود نترسید، ولی آنچه در تفسیر نوشته شد اختیار امام ابن کثیر است و راجح می باشد. به تفسیر بغوی مراجعه شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(به نام الله مهر گستر مهربان)

سوره لیل

نام سوره: لیل.

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۲۱

تعداد کلمات: ۷۱

اعداد حروف: ۳۲۰

وجه نام گذاری این سوره: این سوره؛ لیل (شب) نامیده شده است، زیرا در اول آن الله عزوجل به شب سوگند یاد نموده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره دربرگیرنده آنست:

در این سوره به شب، روز و آفریدگار نروماده سوگند یاد شده است که کار و تلاش انسانها مختلف است، برخی نیکو کار اند و برخی بدکار، برخی مومن اند و برخی کافر می باشند، منهج و روش هرفریق واضح ساخته میشود، سپس ثمره و نتیجه عمل هر فریق ذکر می گردد، براین طریق:

۱: اهل ایمان و جنت نیک بختانی اند که: مال را بخاطر رضای الله عزوجل صرف می کنند، پرهیزگاری نموده و وعده الله عزوجل را تصدیق می نمایند،

۲: اهل کفر و جهنم بدبختانی اند که: بخل می ورزند، و خود را از پاداش الله عزوجل بی نیاز می شمرد و آنچه را که الله عزوجل وعده داده است انکار می کنند و همچنان در ادامه سوره این موضوعات زیر واضح میگردد:

۱: مال و ثروت کافر، مانع عذاب از وی شده نمی تواند.

۲: مالک دنیا و آخرت الله عزوجل دانسته شود.

۳: مصدر هدایت الله عزوجل است.

۴: در انجام اعمال رضایت الله عزوجل طلب شود.

از مقاصد این سوره:

۱- بیان شرافت مومنان و فضایل اعمالشان.

۲- بیان نکوهش مشرکان و زشتی کردارشان.

۳- ستایش صفت سخاوت و نکوهش صفت بخل.

موضوع: اهمیت شب:

قرآن کریم: { وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى } { ۱ }

(سوگند به شب هنگامیکه همه چیز را بپوشاند) (۱)

تفسیر: الله عزوجل در آغاز این سوره (سه آیه اول) بر سه چیز قسم یاد نموده است که: اعمال انسانها مختلف است،- چنانچه در آیه اول فرموده است: سوگند به شب چون فرو پوشاند، یعنی: آنگاه که شب جهان را با سیاهی اش زیر پوشش قرار می دهد و همه اشیا را با تاریکی خود می پوشاند، انسانها و جانوران را به استراحت می کشاند، تا اینکه در تحرک بیش از حد لزوم قوا و نیروی شان هدر نرود، همچنان شب نشانه از قدرت الله عزوجل و فرصتی برای رازگویی و مناجات با او می باشد.

موضوع: اهمیت روز:

قرآن کریم: { وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى } (۲) (سوگند به روز هنگامیکه آشکار شود) (۲)

تفسیر: و سوگند به روز در آن وقت که روشن میگردد و برای آفریدگان پدیدار میشود، تاریکی شب را دور ساخته، انسانها و جانداران را به فعالیت و تلاش وادار می سازد، تا در روی زمین پراکنده شوند و از فضل الله عزوجل طلب کنند. و نشانه از نشانه های قدرت الله عزوجل و دلیلی بر اثبات زنده شدن بعد از مرگ نیز می باشد.

ذاتی که چنین دگرگونیهای را در جهان پدید آورد، بر زنده ساختن مردگان نیز توانا است، مثل اینکه این تغییر شب و روز عبث و بیهوده نیست، آفرینش انسان نیز عبث و بیهوده نمی باشد، همچنان: ای رسول ما! مثل اینکه الله عزوجل بعد از تاریکی شب روشنائی روز را می آورد، بعد از این دشواری ها و سختی ها ، برای تو

وامت گشایش درامور، فتح و پیروزی می آورد. امام طبری در تفسیرش به نقل از قتاده می نویسد: سوگند یاد نمودن الله عزوجل به اشیا دلیل بزرگی امر آنها در نزد وی می باشد.

موضوع: اهمیت آفرینش نروماده (از انسانها، حیوانات و نباتات)

قرآن کریم: {وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ} {۳} (و سوگند به آنکه نر و ماده را آفرید)

تفسیر: و سوگند یاد می کنم به آنکه دو زوج؛ نر و ماده را از انسانها، حیوانات، و نباتات می آفریند^۱ - در این آیه کریمه الله عزوجل به نفس کریم خودش سوگند یاد نمود.

موضوع: تلاش برای نجات و یاهلاکت:

قرآن کریم: {إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ} {۴} (همانا تلاش شما پراکنده است (۴))

تفسیر: ای مکلفان! یقیناً تلاش شما در این دنیا در فرمان برداری و نافرمانی، خیر و شر، سخاوت، بخالت، هدایت و گمراهی متفاوت است، پس مکافات و مجازات شما نیز مختلف می باشد.

رسول الله ﷺ فرمودند: انسانها در هنگام صبح به دو گروه (جنتیان و دوزخیان) تقسیم می شوند، یک گروه نفس خود را (به انجام عملی نیکو خریداری می کنند و از آتش جهنم) آزاد می کنند و گروه دیگر نفس خود را (به ارتکاب عملی که در نتیجه آن از جنت محروم می شوند) به فروش می رسانند و هلاک میکنند^۲

سبب نزول: امام ابن جریر و امام ابن کثیر رحمهما الله در تفسیرهایشان می نویسند: ابوبکر صدیق رضی الله عنه بردگان را به خاطر مسلمان شدن شان آزاد می کرد، وی مردها و زنان ناتوان را هنگامیکه مسلمان می شدند آزاد می کرد، پدرش ابو قحافه گفت: ای فرزندم! من می بینم که تو انسانهای ضعیفی را از بردگی آزاد می کنی، چرا مردان قوی و نیرومند را آزاد نمی کنی تا در کنار تو ایستاد شوند و از تو حمایت و

۱ این قسم سوم است، الله عزوجل به ذات خود قسم یاد نموده است و همچنان صحیح است که به فعلی از افعال خود قسم یاد نموده باشد.
۲ المعجم الکبیر للطبرانی (۳۱۸) - شعب الایمان (۵۳۷۷) - مسند احمد (۱۵۲۸۴) - صحیح الترغیب والترهیب (۲۲۴۲) - التعلیقات الحسان علی صحیح ابن حبان (۴۴۹۷)

دفاع کنند، ابو بکر رضی الله عنه گفت: ای پدر! تنها هدفم از آزادی این بردگان رضای الله عزوجل است، سپس این آیات بعدی نازل شد.

موضوع:

۱: از آثار انفاق مال در راه الله عزوجل حصول پرهیزگاریست:

۲: بیان دومورد از اسباب گشایش در امور وآسان سازی کارها:

قرآن کریم: { فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى } { ۵ }

(اما آنکه در راه الله عزوجل بخشید و پرهیزگاری کرد) (۵)

تفسیر: پس هرکسی که عبادات مالی مثل: زکات، کفارات، و نفقات انجام دهد و از ثروتش در راه های خیر و مشروع به مصرف برساند، مثل اینکه: ابوبکر صدیق رضی الله عنه از مالش در آزاد کردن بردگان استفاده می جست و عبادات بدنی را مثل: نماز، روزه و غیره را چنانچه ماموریت یافته انجام دهد، علمی را که الله عزوجل برایش داده است نشرو پخش کند و همچنان در صورت توان عبادات مرکب از مالی و بدنی، مثل: حج و عمره را مطابق دستور شرع به انجام برساند، و از ارتکاب گناه بپرهیزد.

موضوع: از اسباب گشایش در امور وآسان سازی کارها:

قرآن کریم: { وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى } { ۶ } (و سخنان نیک را تصدیق کرد) (۶)

تفسیر: ضحاک رحمه الله - می گویند: این کس به کلمه نیکوتر که: لا اله الا الله - می باشد باور داشته باشد، مجاهد رحمه الله - می گوید: به جنت باور داشته باشد، ابن عباس میگوید: به عوضی که الله عزوجل به او در مقابل صدقاتش می دهد باورمند باشد، همین دیدگاه اخیرا امام ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیرش ترجیح داده است،^۱ - رسول الله ﷺ فرمودند: روزی نیست که بندگان در آن صبح کنند مگر اینکه دوفرشته فرود می آیند، (ودعا می کنند) یکی از آنها می گوید: یا الله کسی که (به جهت حصول رضای تو) نفقه میکند برایش (در دنیا و آخرت) عوض

۱ به تفاسیر امام ابن جریر، امام قرطبی، امام ابن کثیر در همین سوره مراجعه شود

(بهتر) عنایت فرما!، فرشته دیگر میگوید: یا الله کسیکه خود را از نفقه کردن (وانجام عمل خیر) باز می دارد (و بخل می ورزد) به او زیان برسان!^۱

موضوع: فواید اعمال فوق:

قرآن کریم: { فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى } { ۷ } (بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت. تفسیر: پس به زودی راه رسیدن به آسایش را برای کسی که اوصاف نیکوی آن درآیات قبلی ذکر شد آسان می گردانیم، او را توفیق بر انجام عمل صالح می دهیم، ترک کردن از گناه را نیز برایش آسان می گردانیم، مشکلات و موانع را از سر راهش برمی داریم، امام ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیرش می نویسد: برای این انسان عمل کردن به آنچه الله عزوجل را راضی بسازد آسان می سازیم تا اینکه این امر در آخرت جنت را برایش واجب نماید، الله عزوجل مومنان را موصوف به سه صفت نمود که این صفات اساس همه فضایل می باشد، و عبارت اند از: سخاوت، ترس از الله عزوجل، داشتن عقیده وبا و رصیح، و پاداشی را برآن مرتب ساخت.

سبب نزول: از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که این آیات بعدی در مورد امیه پسر خلف نازل گردیده است^۲، ولی قاعده اساسی این است که عموم لفظ اعتبار دارد نه خصوص سبب.

موضوع: از اسباب دشواری در امور و سلب توفیق:

قرآن کریم: { وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى } { ۸ } (و اما آنکه بخل ورزید و بی نیازی طلبید) تفسیر: و اما کسی که از انفاق در راه الله عزوجل بخل ورزد و خود را از عبادت الله عزوجل و پاداش او بی نیاز بداند، بندگی او را ترک کند. و خود را به سوی او محتاج نداند.

موضوع: از اسباب دشواری در امور و سلب توفیق:

قرآن کریم: { وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى } { ۹ } (و سخنان نیک را تکذیب کرد) (۹)

۱ صحیح البخاری (۱۴۴۲)

۲ به تفسیر امام قرطبی مراجعه شود

تفسیر: امام ابن جریر - رحمه الله - در تفسیر این آیه چنین می نویسد: ابن عباس رضی الله عنه - می گوید: عوض نیکوتری را که الله عزوجل به او در برابر انفاقش می بخشد دروغ پنداشت، ضحاک رحمه الله میگوید: لا اله الا الله را دروغ شمرد، مجاهد رحمه الله - می گوید: جنت را دروغ پنداشت، امام ابن کثیر رحمه الله - چنین می نویسد: پاداش دار آخرت را تکذیب کرد، امام نسفی رحمه الله - می گوید: اسلام یا جنت را دروغ شمرد.

موضوع: پیامد اعمال فوق:

قرآن کریم: { فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى } { ۱۰ } (پس بزودی او را به راه دشوار سوق می دهیم. تفسیر: پس ما برای او راه دوزخ را هموار می کنیم، سنت الله عزوجل بر اینست که: هرکس در مسیر هدایت روان باشد توفیق خود را نصیب او می کند و هرکس مسیر معصیت را تعقیب کند توفیق خود را از او می گیرد، که در نتیجه؛ ارتکاب گناه برایش آسان شده و انجام عمل خیر برایش سنگین و دشوار تمام می شود، این مجازات؛ ظلم نبوده بلکه در برابر عمل زشتش می باشد، الله عزوجل سه صفت از اوصاف زشت فاسقان و بدکاران را به معرفی گرفت که اساس بلاء و منبع فساد می باشد، و این سه صفت زشت عبارت است از: بخل، غرور و تکذیب باور صحیح و مجازاتی را بر آن مرتب ساخت.

موضوع: ثروت مانع عذاب نمی شود

قرآن کریم: { وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى } { ۱۱ }

(و هنگامیکه سرازیر جهنم شود مالش به حال او سودی نخواهد داشت) (۱۱)

تفسیر: هنگامیکه در دنیا به دشواری و بلاء گرفتار شود، و یا وقتی که در قبر افکنده شود و یا در آخرت زمانیکه به قعر جهنم سقوط کند، ثروت و قدرتش به دفاعش نمی پردازد و به حالش سودی نمی بخشد، امام ابن جریر طبری رحمه الله دیدگاه اخیر را ترجیح داده است.

رهنمایی ها احکام و عمل

۱: بیان اهمیت شب و روز و ارزش وقت، زیرا: به آنها سوگند یاد شده است، هرگاه الله عزوجل به چیزی سوگند یاد کند ما باید در مقابل آن بی تفاوت نباشیم.

۲: شب و روز از جمله نشانه های قدرت، علم و حکمت الله عزوجل است

۳: آفرینش نور و ماده از انسانها و حیوانات به اندازه اش، دلیلی بر قدرت و حکمت الله عزوجل است، طورمثال: اگرالله عزوجل به عبد الله، سه پسر و یک دختر داده ولی برعکس، به عبدالرحمن - سه دختر و یک پسر داده است، انسان عمیق پیرامون این موضوع فکر کند، این تنظیم دقیق و برحسب ضرورت و مصلحت، انسان را به شگفت آورده و باورمند به الله عزوجل می سازد، زیرا: هرگز این امر؛ تصادفی و خود بخودی نمی تواند باشد.

۴: بیان اسباب گشایش در امور

۵: بیان اسباب وقوع دشواری در امور و سلب توفیق

موضوع: بیان حق از باطل تعهد شده است.

قرآن کریم: { إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ } { ۱۲ } (همانا رهنمایی بر عهده ماست) (۱۲)

تفسیر: یقیناً نشان دادن راه هدایت و گمراهی، حق و باطل، فرمان برداری و نافرمانی، حلال و حرام با فرستادن کتاب و رسول و بیان دلایل برعهده ما است. و این فضل و رحمتی است از جانب ما.

موضوع: ۱- مالک و متصرف در دنیا و آخرت تنها الله عزوجل است: ۲- در دنیا و آخرت تنها فرمان الله عزوجل جاری است.

۳- خیر دنیا و آخرت را تنها از الله عزوجل بخواه و از شر هردو تنها به الله عزوجل پناه ببر!

قرآن کریم: { وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ } { ۱۳ } (و درحقیقت دنیا و آخرت از آن ماست)

تفسیر: آخرت و دنیا تنها ملک ما است و درتصرف ما قرار دارد، و از آن براساس حکمت خود برای هرکس که بخواهیم همان اندازه که بخواهیم می دهیم و از هرکس

که خواسته باشیم می گیریم، امام قرطبی در تفسیرش می نویسد: از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که: پاداش دنیا و آخرت نزد ماست...^۱ کسی که دنیا و آخرت را از غیرما طلب کند در خطا واقع شده است. امام ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیرش می نویسد: مقصد آیه مبارکه اینست: الله عزوجل کسی را که از مخلوق خود دوست داشته باشد توفیق عبادتش را نصیب او می کند و او را به سبب فرمان برداری اش در دنیا گرامی می دارد، و در آخرت نیز پاداش و کرامت را برایش می دهد، و از مخلوق خود خوار می سازد کسی را که ذلتش را در سلب توفیق و محرومیت از عبادت، خواسته باشد. پس آنرا در دنیا بسبب ارتکاب گناهش خوار نموده و در آخرت نیز به عذاب خود آنرا ذلیل و خوار می سازد.

موضوع: ۱- رسالت پیامبر برای همه ، ۲- موجودیت جهنم

قرآن کریم: (فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى) { ۱۴ } (پس من شما را از آتشی شعله ور بیم دادم) تفسیر: پس شما را از آتشی که شعله ور است و زبانه می کشد ترساندم، تا نافرمانی پروردگار خود را نکنید و کفر نورزید، نعمان پسر بشیر رضی الله عنه میگوید: از رسول الله ﷺ در هنگام خطبه ایشان شنیدم که با صدای بلند می فرمودند: شما را از آتش جهنم بیم دادم، شما را از آتش جهنم بیم دادم،^۲ - از فاصله زیادی صدای ایشان شنیده میشد، رسول الله ﷺ فرمودند: آسان ترین و خفیف ترین عذاب جهنم متعلق به ابو طالب است دو کفش آتشین بر او میپوشانند که بر اثر آن مغزش به جوش می آید.^۳

موضوع: هدف از آفرینش جهنم

قرآن کریم: { لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى } { ۱۵ } (به آن آتش جز بد بخت ترین مردم درنیايد)

تفسیر: هیچ کس بر آن آتش شعله ور و زبانه کش برای همیشه داخل نمی شود مگر بدبخت ترین ها (کافر) این بدبخت ترین ها دارای دو صفت زشت اند که از آیه بعدی دانسته می شوند.

۱ جهت تفصیل بیشتر به تفسیر امام قرطبی در همین سوره مراجعه شود.

۲ مسند احمد (۱۸۳۹۸) - سنن داری (۲۸۵۴) - صحیح الترغیب والترهیب (۳۶۵۹)

۳ صحیح مسلم، ۳۶۲- (۲۱۲)

موضوع: از اسباب ورود به جهنم:

قرآن کریم: {الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى} {۱۶} (همان کسی که تکذیب کرد و روی گرداند)

تفسیر: این بدبخت تر از همه کسی است که حق را تکذیب می کند و از فرمان برداری پروردگارش روی می گرداند، امام نسفی رحمه الله می گوید: او کافری است که انبیا را تکذیب می کند و از ایمان اعراض می نماید.

موضوع: از موانع ورود به جهنم:

قرآن کریم: (وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى) {۱۷} (بزودی پرهیزگارترین مردم از آن دور داشته می شود) (۱۷)

تفسیر: به زودی مومن از آن دور ساخته می شود، این مومن موصوف به صفتی می باشد که در آیه بعدی بیان می شود. امام قرطبی رحمه الله به نقل از ابن عباس رضی الله عنه می نویسد: این پرهیزگارتر از همه ابوبکر است، رضی الله عنه - که از جهنم دور داشته می شود. «اتقی» کسیست که: بی نهایت کوشش می کند تا نفس خود را از ارتکاب آنچه خشم الله عزوجل را به وجود می آورد، باز دارد. و همچنان بی نهایت تلاش خود را در انجام آنچه رضایت الله عزوجل را به ارمغان می آورد، به خرج می دهد.

موضوع: از موانع ورود به جهنم:

قرآن کریم (الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى) {۱۸} (همان کسیکه مال خود را در راه الله می دهد تا پاک شود) (۱۸)

تفسیر: کسی که مالش را با اخلاص و بدون ریا، افتخار و منت گذاری در وجوه خیر و مشروع آن به مصرف می رساند، تا نفس و مال او پاک شود،

موضوع: مومن تلاش کند تاحق و احسان کسی را بالای خود باقی نگذارد، تا نیکی هایش به دیگران تنها به خاطر رضای الله عزوجل انجام یابد.

قرآن کریم: (وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى) {۱۹}

۱ تکذیب درمقابل خبری شود و تولى درمقابل امر و نهی. نویسنده: محمدگل سلمه الله - شب ۱۴ شعبان - ۱۴۴۵ - ساعت ۷-۱۰
۲ امام طبری اتقی را به تقی تفسیر نموده است، افعّل به معنای فعیل.

(و هیچ کس را بر او نعمت و حق نیست تا بخواهد با انفاق پاداش دهد) (۱۹)

تفسیر: برای هیچ کس از انسانها برعهده این مومن پرهیزگار نیکی نمی باشد تا قصد جبران آنرا بنماید، در مورد سبب نزول این آیات گفته می شود که: مشرکان، بلال رضی الله عنه را عذاب می کردند، هنگامیکه ابوبکر صدیق رضی الله عنه این حالت را دید، به خانه خود رفت مقداری طلا را گرفته نزد امیه پسر خلف رفت، و گفت: آیا بلال را می فروشی! گفت: آری! ابوبکر صدیق رضی الله عنه بلال رضی الله عنه را خرید و آزاد کرد، مشرکان گفتند: بخاطر نیکی که بلال به ابوبکر کرده بوده است، ابوبکر بلال را از قید بردگی آزاد کرد، سپس نازل شد: (وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى)^۱

موضوع: ۱- بیان شرط قبولیت عمل، ۲- اثبات صفت علو برای الله عزوجل
قرآن کریم (إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى) {۲۰} (مگر برای بدست آوردن رضا و خوشنودی پروردگار برترش) (۲۰)

تفسیر: این مومن در انجام عملش رضای الله عزوجل و طلب دیدار او را در آخرت دارد.

موضوع: وعده الله عزوجل به راضی ساختن این مومن و کسانی که مسیر او را تعقیب می کنند.

قرآن کریم (وَلَسَوْفَ يَرْضَى) {۲۱} (و قطعاً بزودی خشنود خواهد شد) (۲۱)
تفسیر: و سوگند به الله عزوجل که دارنده صفات ذکر شده به زودی با دریافت کرامت و پاداش بزرگ راضی و خشنود می گردد. حکم این آیات مبارکات عام می باشد، زیرا عموم لفظ اعتبار دارد نه خصوص سبب^۲- بلی؛ ابوبکر صدیق رضی الله عنه از سزاوارترین این امت اند که در مصداق این آیات داخل اند، هرکسی دیگری که دارنده این صفات نیک ذکر شده باشد نیز در این بشارت داخل می گردد.

۱ جهت تحقیق بیشتر به تفاسیر، امام قرطبی رحمه الله، امام ابن جریر طبری رحمه الله - و امام بغوی رحمه الله مراجعه شود در تفسیر همین سوره
۲ برخی علما حکایت از اجماع مفسران می کنند که این آیات در مورد ابوبکر صدیق رضی الله عنه نازل شده است. به تفسیر امام ابن کثیر رحمه الله - مراجعه فرمایید، اگرچه در کتاب: الصحيح المسند من أسباب النزول، المؤلف: مُقْبِلُ بْنُ هَادِي بْنِ مُقْبِلِ بْنِ قَائِدَةَ الْهَمْدَانِي الْوَادِعِي (المتوفى: ۱۴۲۲ هـ) برای این سوره سبب نزولی ذکر نشده است، والله اعلم- محمد گل دهشکری هروی

رهنمایی ها، احکام و عمل

- ۱: هر عمل و عقیده که انسان را به رضای الله عزوجل و جنت پیوست می کند الله عزوجل بیان نموده است،
- ۲: مالک و متصرف در دنیا و آخرت تنها الله عزوجل است، بنابراین: خیر دنیا و آخرت از او طلب شود و از شردنیا و آخرت به او پناه برده شود.
- ۳: بیان برخی از اسباب ورود به جهنم
- ۴: بیان برخی از موانع ورود به جهنم
- ۵: بیان اخلاص عمل برای الله عزوجل
- ۶: اثبات صفت علو برای الله عزوجل و شرط قبولیت عمل
- ۷: بیان وعده الله عزوجل بر راضی ساختن مومن
- ۸: بیان فضیلت ابوبکر صدیق رضی الله عنه
- ۹- بیان اعمالیکه انجام آنها سبب جلب رضایت الله عزوجل می گردد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

سوره ضحی.

نام سوره: ضحی

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۱۱

تعداد کلمات: ۴۰

اعداد حروف: ۱۷۰

وجه نام گذاری این سوره: این سوره ضحی (چاشگاه) نامیده شده است، زیرا: در آغازش؛ الله عزوجل به آن سوگند یاد نموده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره دربرگیرنده آنست: در این سوره بحث از شخصیت رسول الله ﷺ میباشد و متضمن چهار مطلب است:

۱: در آغاز این سوره الله عزوجل سوگند یاد نموده است که پیامبرش ﷺ را ترک نکرده و با او بغض نورزیده است، بلکه مورد لطف و عنایت اوست.

۲: الله عزوجل در این سوره برای پیامبرش ﷺ مژده بزرگی می دهد که عبارت از شفاعت بزرگ در روز قیامت میباشد.

۳: بیان برخی نعمت های که الله عزوجل بر پیامبرش ﷺ در هنگام کوچکی ایشان عنایت فرمود.

۴: ختم این سوره با سه توصیه صورت گرفته که عبارت است از:

الف: شفقت بریتیم- ب: نیکی بامساکین- ج: یاد آوری و سپاسگزاری نعمت

سبب نزول: رسول الله ﷺ مریض شدند، در یک و یا دو شب (برای تهجد) برخاسته نتوانستند، زنی (ام جمیل زن ابولهب) نزد ایشان آمد و گفت: شیطان تورا رها ساخته است، الله عزوجل نازل فرمود: (والضحی واللیل اذا سجدی ما ودعک ربک وما قلی^۱).

از مقاصد این سوره: بیان دوام نعمت و حی بر رسول الله ﷺ و وعده الله عزوجل بر راضی ساختن ایشان.

موضوع: اهمیت چاشتگاه و یاروز

قرآن کریم: { وَالْضُّحَى } { ۱ } (سوگند به روشنائی روز) (۱)

تفسیر: الله عزوجل به وقت بلند شدن خورشید در آغاز روز سوگند یاد نموده است، حکمت قسم به اول روز می تواند- والله اعلم- هریک از موارد زیر باشد،

۱: این وقتی است که الله عزوجل باموسی علیه السلام در آن سخن گفته است،
۲: در این زمان ساحرانی که جهت مقابله با موسی علیه السلام قرار گرفته بودند، همه ایمان آوردند و برای الله عزوجل سجده کردند^۲،

۳: وقت تلاش در کار و کسب می باشد،

۴: در این وقت تابش روز جهان را روشن می سازد، و در زیبایی اش نشانه از نشانه های قدرت الله عزوجل میباشد،

ابوبکر الجزیری در شرح کلمات تفسیرش در مورد (ضحی) می گوید: (این وقت) از زمان طلوع و برآمدن آفتاب به اندازه یک نیزه تا به هنگام زوال امتداد دارد^۳

رسول الله ﷺ فرمودند: در هر روز بخاطر (نعمت) هربند و مفصلی از بدن شما؛ بر شما صدقه لازم است، پس گفتن هر: سبحان الله، الحمد لله، لا اله الا الله، الله اکبر، صدقه است و همچنان امر به خوبی ها و نهی از بدی ها نیز صدقه محسوب می شود، و خواندن دو رکعت نماز (ضحی) جای همه را می گیرد و کفایت می کند.^۴

۱ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۴۶۰۰

۲ به تفسیر امام قرطبی مراجعه شود

۳ به شرح کلمات در تفسیر ایسر التفاسیر از ابوبکر الجزیری در همین سوره مراجعه شود.

۴ صحیح مسلم، ۸۴- (۷۲۰)

ابو هريره رضي الله عنه ميگويد: دوست و محبوبم رسول الله ﷺ من را به سه چيز توصيه و سفارش کردند: به روزه گرفتن سه روز در هرماه و دو رکعت نماز (ضحی) و خواندن نماز وتر پيش از خواب^۱، صاحب مرقاة المفاتيح در مورد حکمت فرمان در جز اخير حديث مبارکه چنين می نويسد: گفته شده که ايشان در اول شب محفوظات خود را از احاديث که خيلي زياد بود تکرار می کردند، بنابراين بخش زيادی از شب سپری می شد و اطمینان بيدار شدن در اخير شب برايش کم می گرديد، به همين جهت به او اين دستور داده شد. - والله اعلم - در غير چنين صورتی خواندن وتر در اخير شب بهتر است^۲

موضوع: اهميت شب

قرآن کریم: (وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى {۲}) (سوگند به شب چون آرام گیرد) (۲)

تفسير: الله عزوجل به شب سوگند ياد نمود هنگامي که با اهلش آرام می گيرد و همه چيز را با تاريخی خود می پوشاند، و فرمان پذيری اش را برای جنيات و انسانها به نمايش می گذارد، بلی؛ شب نشانه از نشانه های قدرت الله عزوجل میباشد، و شب زمان استراحت بدن و روح و راز گفتن با پديد آورنده اين کائنات است.

موضوع: ۱- عنایت و محبت الله عزوجل بارسولش ﷺ، ۲: احوال پیامبر ﷺ در گذشته

قرآن کریم: { مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى {۳} } (که پروردگارت تو را وانگذاشته و بر تو خشم نگرفته است) (۳)

تفسير: الله عزوجل تو را رها نکرده و با تو خشم نگرفته، بلکه تو را پرورش داده و جایگاه تو را بلند نموده است و پیوسته تو را مورد عنایت و توجه خود قرار داده است، اين آیه مبارکه بيان کننده احوال پیامبر ﷺ در گذشته می باشد و همچنان رد رسای برگمان مشرکان میباشد، انقطاع وحی از رسول الله ﷺ به سبب کدام کوتاهی و تقصیری از جانب خود ايشان نبود با آن هم به اين خاطر بی نهايت غمگين و پريشان شدند، سوالی: چرا مسلمانی که به اختيار خود از قرآن کریم فاصله می گيرد، در هفته ها و ماه ها آنرا تلاوت نمی کند و به دنبال فهم صحيح معنای آن هم نیست، غمگين نگردیده و پريشان نمی شود؟ آيا اين شخص قرآن کریم را ترک نکرده و از اين بیم

۱ صحيح البخاري (۱۹۸۱)

۲ به مرقاة المفاتيح شرح مشکوة المصابيح- باب الوتر، ج: ۳، ص: ۹۴۴- مراجعه شود.

ندارد که در روز قیامت رسول الله ﷺ نزد الله عزوجل از وی شکایت کنند؟ آنچه که تأسف آور است این می باشد که: خیلی از افراد جامعه ما ساعت های طولانی را در جریان روز و شب مصروف شبکه های اجتماعی از قبیل واتساب، یوتیوپ و... اند ولی یک دهم این زمان را همراه کتاب الله عزوجل سپری نمی کنند، این بزرگترین محرومیت و ذلتی می باشد که آنها برای خود خریده اند، انا لله و انا الیه راجعون.

موضوع: ۱- مقام پیامبر ﷺ در آخرت، ۲: احوال پیامبر ﷺ در آینده

قرآن کریم: { وَلَآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ } {۴} (و قطعاً آخرت برای تو از دنیا نیکوتر خواهد بود) (۴)

تفسیر: بی تردید آنچه برای تو در آخرت از مقام محمود، حوض کوثر، جنت و خیر فراوان وعده داده شده بهتر از دنیا است، علامه سعدی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: حالت های آینده تو از گذشته بهتر است، پیوسته مقام پیامبر ﷺ بلند می رفت، الله عزوجل دین او را نصرت می داد و او را بردشمنانش پیروز می گردانید و حالات او را سامان می داد، تا اینکه چشم از جهان فروبست و به مقام و حالتی از فضایل و در جات رسیده بودند که گذشتگان و آیندگان نرسیدند و نمی رسند، و در آخرت نیز به فضایل و نعمت های دست می یابند که هیچ کسی به آنها دست نمی یابد.

موضوع: مژده بزرگ برای رسول الله ﷺ

قرآن کریم: { وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ } {۵} (و به زودی پروردگارت به تو آن قدر عطا کند که خشنود گردی) (۵)

تفسیر: و پروردگارت به زودی برای تو آن قدر نعمت می دهد که تو خشنود می شوی، نعمتی که الله عزوجل برای پیامبرش ﷺ می دهد تنها با این جمله ذکرشده کامل و فراگیر قابل تعبیر و بیان است،- الله اکبر - رسول الله ﷺ آیه (۳۶) سوره ابراهیم و آیه (۱۸۸) سوره مائده را تلاوت نمودند و دست های خود را بلند کردند و گفتند: یا الله امت من، امت من- و به گریه شدند، الله عزوجل فرمود: ای جبرئیل! به سوی محمد برو - درحالی که پروردگار تو آگاه تراست- از اوپرسان کن که چه چیز ترا به گریه وادار نمود؟ جبرئیل علیه السلام نزد رسول الله ﷺ آمد و از او سوال

کرد، رسول الله ﷺ موضوع (سبب گریه را که پریشانی به خاطر امت بود) را برایش گفتند، الله عزوجل فرمود: ای جبرئیل! بسوی محمد برو! و برایش بگو: ماتورا در حق امت راضی می سازیم و وغمگین ات نمی کنیم^۱

موضوع: مراقبت الله عزوجل از رسولش ﷺ در حال یتیمی ایشان

قرآن کریم: (اَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى) {۶} (آیا تو را یتیم نیافت، پس پناه داد) (۶)

تفسیر: ای رسول ما! آیا پروردگارت تو را پیش از نبوت ات یتیمی نیافت که بعداً برای تو به فضل و کرم خود جایگاه بخشید و پناهت داد، پیش از هجرت و بعد از آن تو را باعزت حفظ کرد؛ رسول الله ﷺ هنوز در شکم مادر بودند که پدرشان عبدالله وفات نمود و در سن شش سالگی مادر ایشان آمنه نیز وفات یافت و در هشت سالگی پدرکلان شان عبدالمطلب که سرپرستی شان را عهده دار بود وفات کرد.

موضوع: مراقبت الله عزوجل رسولش ﷺ را از باور ها و اعمال دوران جاهلیت:

قرآن کریم: (وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى) {۷} (و تو را سرگشته یافت پس هدایت کرد) (۷)

تفسیر: و تو را چنان یافت که از امور نبوت و احکام شریعت چیزی را نمی دانستی ، سپس قرآن و شریعت را برای توتعلیم داد، شایان ذکر است که رسول الله ﷺ پیش از نبوت هم بر عقیده توحید قرار داشتند از عبادت بتان و خبثات های اهل فسق و عصیان نیز معصوم بودند. ولی علم به تفصیل احکامیکه در عمل به آنها به الله عزوجل تقرب جسته شود را نداشتند، چنانچه الله عزوجل در سوره شوری آیه (۵۲) فرموده است که ترجمه اش چنین است: (و این گونه بر تو وحی را به فرمان خود فرستادیم و تو پیش از این نمی دانستی که کتاب و ایمان چیست، ولی ما آنرا نوری قرار دادیم با آن هرکس از بندگان مان را که می خواهیم هدایت می کنیم و بی گمان تو بر راه راست هدایت می کنی) این موضوع ما را به این امر رهنمایی میکند که: عقل به تنهایی خود بدون وحی نمی تواند انسان را به سوی هدایت و احکام شریعت سوق دهد، اگر این کار ممکن می بود از رسول الله ﷺ کامل تر در عقل کسی نبود.

۱ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۳۴۶- (۲۰۲)

موضوع: ۱- امتحان پیامبر ﷺ به تنگدستی و توانگری. ۲- یادآوری از وضعیت اقتصادی گذشته رسول الله ﷺ برای ایشان.

قرآن کریم: (وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ) {۸} (و تو را تنگدست یافت و توانگر ساخت) (۸)

تفسیر: ای رسول ما! تو فقیر بودی، پدرت و فات نمود و از آن مال زیاد باقی نماند سپس در کنار پدرکلان و کاکای خود زندگی می کردی و از خود ثروتی نداشتی، تا اینکه الله عزوجل برای تو به فضل و کرم خود دو نوع ثروت بخشید:

۱- ثروت معنوی که عبارت از قناعت است، رسول الله ﷺ فرمودند: یقیناً رستگار شد کسی که فرمان برداری پروردگار خود را نمود، رزق کفاف برایش داده شد و الله

عزوجل آنرا قانع ساخت به آنچه که برایش داد^۱

۲- ثروت مادی به سبب تجارت در مال ام المومنین خدیجه رضی الله عنها و همچنان به فتح شهرها و غنائم بنابراین: ذاتی که این نعمت ها را همه برایت عنایت فرموده سزاوار سپاسگزاری است. رسول الله ﷺ درمورد خدیجه رضی الله عنها فرمودند: او برایم ایمان آورد هنگامیکه مردم به من کفر ورزیدند، من را تصدیق نمود هنگامیکه مردم من را تکذیب کردند، با مال خود من را همکاری کرد هنگامیکه مردم من را محروم ساختند...^۲

موضوع: نهی از بد رفتاری با یتیمان

قرآن کریم: {فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ} {۹} (پس توهم یتیم را میازار) (۹)

تفسیر: پس بایتیم ستم و بد رفتاری مکن، با او چنان رفتار کن که دوست داری بعد از مرگ تو با فرزندت همان گونه رفتار شود، قتاده می گوید: بایتیم مثل پدر مهربان باش^۳- این آیه مبارکه از همه مکلفان به ویژه از حاکمان مسلمانهای خواهد تا در جهت رسیدگی به امور یتیمان و بهبود وضعیت زندگی شان تلاش کنند و در این مورد برنامه های منظمی مطابق به مقتضیات زمان بکارگیرند.

۱ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۱۲۵- (۱۰۵۴)

۲ احمد (۲۴۸۶۴) و صححه شعیب الارنؤوط فی تخریج المسند (۴۱- ۳۵۶) المعجم الکبیر للطبرانی (۲۲)، آرشیف ملتقی اهل التفسیر، ج: ۱، ص:

۱۵۰۹- آرشیف ملتقی اهل الحدیث، ج: ۶۰، ص: ۴۲۸، مجله الجامعه الاسلامیه بالمدينه المنوره، ج: ۸، ص: ۴۴۷،

۳ تفسیر امام ابن کثیر در همین سوره

موضوع: نهی از خشونت با سوال کنندگان و گدایان

قرآن کریم: {وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ} {۱۰} (و گدا را مران) (۱۰)

تفسیر: برگدا وسائل بانگ مزین، او را تهدید نکن و از نزدت مران! بلکه طعامش بده و حاجتش را برآورده ساز^۱ - همچنان برسوال کننده از دین و طالب علم نیز بانگ مزین، او را ازخود مران و با او درشتی نکن. این آیه مبارکه از همه مکلفان به ویژه از حاکمان مسلمانها می خواهد تا در جهت زدودن فقر از جامعه تلاش بورزند تا وضعیت اقتصادی گدایان بهبود یابد. نظام اسلامی وظیفه دارد که با استفاده از امکانات مادی اش جهت بهبود وضعیت زندگی یتیمان و گدایان جلوبد رفتاری و توهین با آنها را بگیرد.

موضوع: امر به یاد آوری نعمت و سپاسگزاری از آن

قرآن کریم: {وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ} {۱۱} (و از نعمت پروردگار خویش با مردم سخن گوی) (۱۱)

تفسیر: نعمت های دینی و دنیوی پروردگار خود را به یاد آورده، و آنها را بطور مشخص برای دیگران بازگوکن اگر در بیانش مصلحتی بود، والله عزوجل را در مقابل این نعمت ها به زبان و عمل سپاسگزاری کن، البته یاد آوری ثروت و قدرت بخاطر تفاخر بر دیگران نباشد که جایز نیست، دعوت به سوی الله عزوجل و تعلیم امت نیز از جمله تحدت به نعمت بشمار می رود، رسول الله ﷺ فرمودند: الله عزوجل دوست دارد که اثر و نشانه نعمت خود را بربنده اش ببیند^۲ -

نحوه تعامل با نیکی کنندگان و سپاسگزاری از ایشان در احادیث صحیح:

۱ - انس رضی الله عنه می گوید: مهاجران گفتند: انصار همه پاداشها را (در نیکی کردن به ما) از آن خود کرده اند، رسول الله ﷺ فرمودند: نه خیر! تاهنگامیکه شما برای شان دعا کرده و سپاسگزار نیکی های آنها باشید^۳ - یعنی: هرگاه شما برای آنها دعای

۱ به تفسیر امام طبری مراجعه شود درهمین سوره

۲ سنن ترمذی (۲۸۱۹)

۳ ادب المفرد للبخاری (۲۱۷) المستدرک علی الصحیحین (۲۳۲۹)

خیر کنید و از آنها سپاسگزاری داشته باشید، حق آنها را ادا نموده و برای شما نیز پاداش داده می شود.

۲- رسول الله ﷺ فرمودند: ...هرگاه کسی به شما نیکی کرد آنرا جبران کنید اگر چیزی نیافتید برایش آن قدر دعا کنید که بدانید جبران نیکی اش را نمودید،^۱

۳- رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه به کسی نیکی شد و شخصی که برایش نیکی شده برای نیکی کننده گفت: (جزاک الله خیرا) (الله عزوجل پاداش بهتر برای تو بدهد) در سپاسگزاری از آن بسنده و کفایت کننده است.^۲

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱: بیان اهمیت و ارزش روز و شب که از آنها استفاده درست صورت گیرد و این اوقات در اموری فایده ضایع نشود.

۲: بیان فضیلت نماز (ضحی)

۳: بیان بلندی مقام رسول الله ﷺ و وعده الله عزوجل به راضی ساختن ایشان

۴: بیان حرمت خشونت بایتیمان

۵: فقر و تنگدستی مصیبتی است مثل مریضی، پس مسلمان باید در وقت ابتلاء به آن شکیبایی و صبر نموده و طلب ثواب کند، و رفع آن را از الله عزوجل بخواهد، ابو مالک از پدرش چنین روایت می کند: ما صبح به سوی رسول الله ﷺ می رفتیم، مرد وزن نزد شان حضور می یافتند و می گفتند: هنگامیکه نماز خواندیم چه بگویم؟ فرمودند: بگو: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي، وَعَافِنِي، وَارْزُقْنِي^۳

(یا الله! گناه من را ببامرز، و به حالم رحم نموده و هدایت من کن، عافیت من ده و روزی برای من عنایت) بفرما) سپس فرمودند: خواندن این کلمات (خیر) دنیا و آخرت را برای تو به ارمغان می آورد،

۶: حرمت درشتی همراه مسکینان و طالب العلمان

۱ صحیح الادب المفرد (۲۱۶-۱۵۸)

۲ صحیح الترغیب والترهیب (۹۶۹)

۳ صحیح ابن خزیمه، شماره حدیث: ۷۴۴- صحیح الترغیب والترهیب (۳۳۸۹)

۷: الله عزوجل در این سوره برای پیامبر ﷺ ادبی را می آموزاند و آن عبارت از اینست که: باید تعامل و بر خورد تو با مردم مثل تعامل و برخورد الله عزوجل با تو باشد.

۸- وجوب شکر نعمت در صرف آن به جا های که الله عزوجل را راضی بسازد.

۹- تحمل دشواری های زندگی، صبر بر آنها و طلب ثواب از آنها از بزرگترین اسبابی اند که مومن را -باذن الله عزوجل- به بلندترین درجات عزت و سعادت در دنیا و آخرت می رساند، داستانهای یوسف علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام و محمد ﷺ برای ما این حقیقت را به اثبات می رساند.

۱۰- برای کسی که با تو نیکی می کند گفتن: (جزاک الله خیرا) را فراموش نکن!

۱۱- آیه {فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ} و آیه {وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ} از حاکمان و والیان امور و سایر مکلفان امت اسلامی چنین می طلبد:

۱- امنیت و آرامش را در جامعه اسلامی تامین کنند تا از قتل و کشتار جلوگیری صورت گیرد و از این ناحیه کسی یتیم نشود.

۲- برنامه های منظمی را جهت بهبود وضعیت اقتصادی و تربیتی یتیمان در جامعه اسلامی بکار گیرند.

۳- جهت زدودن فقر تلاشهای پیگیر و همه جانبه داشته باشند.

فرد اول این امت از ناحیه خطاب در این آیات فوق؛ فرمانروایان مومنان اند. زیرا: آنان جانشینان رسول الله ﷺ میباشند. گویا: الله عزوجل همین اکنون آنها را در موارد فوق مخاطب می سازد. این افراد همین حالا با خود یک محاسبه بنمایند که در اجرای این فرمانها تا این لحظه چه تلاشهای داشته اند و در آینده چه پلانی دارند؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

سورة انشراح

نام سوره: انشراح

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۸

تعداد کلمات: ۲۹

اعداد حروف: ۱۰۳

وجه نامگذاری این سوره: این سوره انشراح (گشادگی) نامیده شده است، زیرا در آن از گشادگی و روشن سازی سینه پیامبر ﷺ به ایمان و هدایت خبر داده شده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره دربرگیرنده آنست: در این سوره بحث از شخصیت رسول الله ﷺ و نعمت های بزرگی که الله عزوجل برای شان عنایت فرموده، صورت گرفته است و متضمن امور چهارگانه زیر است:

۱: بیان سه نعمتی که الله عزوجل بر پیامبرش ﷺ داده است و آنها عبارت اند از:

الف: گشادگی سینه مبارک شان و مملو ساختنش از ایمان و هدایت

ب: عصمت و حفاظت ایشان از آلودگی های گناه

ج: بلند ساختن شهرت، مقام و منزلت ایشان

۲: وعده الله عزوجل به آسان ساختن کارهای دشوار، گشایش امور و دور ساختن سختی ها و مزده نزدیکی نصرت بر دشمنان

۳: فرمان بر انجام عبادت و وقت دادن به آن بعد از تبلیغ رسالت جهت شکرگزاری

۴: تنها بر الله عزوجل توکل نمودن و امیدوار آنچه نزد الله عزوجل است بودن

از مقاصد این سوره: بیان تکمیل ساختن نعمت الله عزوجل بر رسولش ﷺ در دور ساختن اندوها، و دشواریها از ایشان.

موضوع: گشادگی قلب رسول الله ﷺ جهت پذیرش حق

قرآن کریم: { أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ } { ۱ } (آیا برای تو سینه ات را نگشاده ایم) (۱)

تفسیر: ای رسول ما! ما سینه ات را برای پذیرش دساتیر دینی، و اخلاق نیکوگشوده ایم، و فراخ ساخته ایم، این گشادگی سینه به دو قسم تقسیم می شود.

۱: گشادگی جسمی، از انس رضی الله عنه روایت است که: جبرئیل علیه السلام نزد رسول الله ﷺ آمد درحالیکه با بچه های دیگر بازی می کردند، او را از جای برگرفت و بر زمین خواباند و سینه او را برشگافت و قلب او را خارج کرد و از داخل آن لخته خونی بیرون کشید، وگفت: این بهره شیطان است از وجود تو! آنگاه قلب او را درطشتی زرین با آب زمزم شست و سپس به جایش گذاشت، و سینه اش را دوخت، بچه ها بسوی دایه اش حلیمه سعدیه شتافتند و گفتند: محمد کشته شد! همگی درپی یافتن او شتافتند، وقتی او را یافتند، رنگ چهره اش دگرگون شده بود، انس رضی الله عنه می گوید: من جای آن دوخت جبرئیل را روی سینه رسول الله ﷺ دیدم^۱ - براساس دیدگاه محققان درس چهارسالگی ماجرای شکافته شدن سینه ایشان اتفاق افتاد

۲: گشادگی معنوی، اینست که: الله عزوجل در آن ایمان، نور، هدایت، علم، حق پذیری، تحمل سختی های دعوت به سوی الله عزوجل، روی آوردن به طرف آخرت و فضایل را قرار داد.

موضوع: عصمت (حفاظت) رسول الله ﷺ از گناه

قرآن کریم: { وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ } { ۲ } (و بار گرانت را از دوش تو برداشتیم) (۲)

تفسیر: ای رسول ما! ما بارسنگین (گناه) را از دوش تو برداشتیم، گناهان گذشته و آینده ات را آمرزیده ایم، رسول الله ﷺ از ارتکاب گناه معصوم و محفوظ بودند.

۱ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۶۱- (۱۶۲)

ایشان برای غیر الله عزوجل سجده نکردند، شراب ننوشتند، سخنی را نگفتند که در آن گناه مرتب باشد.^۱

موضوع: ۱- تحمل رسول الله ﷺ امواجی از فشارها را، ۲- گناه کمرشکن است قرآن کریم: { الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ } { ۳ } (همان باری که بر پشت تو سنگینی می کرد) تفسیر: امام طبری رحمه الله از قتاده رضی الله عنه در تفسیر این آیه چنین روایت می کند: برای رسول الله ﷺ گناهانی بود ولی الله عزوجل آنها را مورد بخشش خود قرارداد.

دیدگاه راجح در تفسیر این آیه اینست: آن بارگرانی که پشت تورا سنگین کرده بود و بر تو فشار آورده بود از دوش تو برداشتیم، و آن بار سنگین بر داشته شده از ایشان عبارت بود از:

- ۱- موانعی که مشرکان جلو دعوت ایشان گذاشته بودند، یقیناً الله عزوجل همه آن موانع را برطرف کرد،
- ۲- پیش از بعثت تحیری داشتند که چگونه مردم به عبادت خالق این کاینات دعوت داده شوند و قناعت آنها را حاصل سازند، بی گمان؛ الله عزوجل با بعثت ایشان این حیرت را دور ساخت.

۳- از فشارهای ناشی از گفتارها و کردارهای زشت کافران ایشان را رهانید.

بلی؛ بحث در اینجا از نعمت های نیز می باشد که الله عزوجل برای رسول اش ﷺ داده است که برخی از آنها عبارت اند از:

- ۱- توفیق دادن ایشان به تبلیغ رسالت.
- ۲- قناعت دادن مردمان و رهنمایی آنها به سوی حق.
- ۳- پذیرش آنها از دعوت شان.

از طرف دیگر این آیه مبارکه برای امت درس بزرگی است که گناه را دست کم نگرفته و از ارتکاب آن خود داری کنند که گناه کمرشکن است.

موضوع: بلندی مقام و آوازه رسول الله ﷺ

قرآن کریم: { وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ } { ۴ } (و نامت را برای تو بلند گردانیدیم) (۴)

تفسیر: آوازه، شهرت نیکو، و نام نیک تورا در دنیا و آخرت بلند نمودیم، الله عزوجل نام رسول الله ﷺ را در دنیا به اذان، اقامت، خطبه ها، نماز، در دعوت به سویش و در کتابهای آسمانی گذشته بلند نموده است، به تمام دنیا در جریان شب و روز لحظه نیست مگر اینکه نام مبارک رسول الله ﷺ به طرز نیکو گرفته می شود و به اندازه که رسالت ایشان مورد تایید و تصدیق بشریت قرارگرفت از هیچ پیامبر دیگری قرار نگرفت و در آخرت نیز ایشان اولین کسی هستند که از قبر بیرون می شوند، اولین شفاعت کننده در شفاعت بزرگی که همه انبیا علیهم السلام از آن اعتذار می کنند، ایشان هستند. جناب ایشان اولین کسی هستند که شفاعتش قبول می شود و اولین کسی که در واژه جنت را می گوید نیز ایشان هستند. و...

موضوع: ۱- تناوب سختی و آسانی در زندگی، ۲- گشایش در راه است

قرآن کریم: { فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا } { ۵ } (پس بی گمان با هر دشواری آسانی است)

تفسیر: بی تردید بعد از هر دشواری آسانی، و بعد از هرتنگدستی فراخی و بعد از هرغم شادمانی می آید، در این دو آیه مبارکه دلجویی برای رسول الله ﷺ و پیروانان شان می باشد که در آزار کفار قرار داشتند، و از طرف دیگر آشکارکننده حقیقت دنیا نیز می باشد که دشواری ها، غم ها و شادمانی ها در آن همیشگی نیست

موضوع: به عقیب هر سختی دو آسانی

قرآن کریم: { إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا } { ۶ } (بی گمان با هر دشواری آسانی است) (۶)

تفسیر: آیه مبارکه با تاکید برای مردم بیان می کند که در هر زمان و مکان بعد از سختی آسانیهای فرا می رسد، این مژده بزرگی برای رسول الله ﷺ و امت ایشان می

باشد، براینکه: در برابر هر دشواری، دو آسانی قرار دارد،^۱ هرگز یک دشواری بردو آسانی چیره، غالب و پیروز نمی شود.

برخی از اسبابی که آسانی و گشایش در امور را در هنگام سختی برای انسان ایجاد می کند:

۱- دعا؛ مخصوصاً دعای یونس علیه السلام (لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ). این دعا؛ در دفع و رفع اندوه، پریشانی و غم بی نهایت موثر است.

۲- آسان گیری بر مردمان مشروط براینکه حرمت دین الله عزوجل شکسته نشود، بنابراین: در رفتارت با پدر، مادر، زوجه، فرزندان و سایر مردمان آسان گیرباش تا اینکه الله عزوجل در دنیا و آخرت همراه تو آسان گیری نماید، زیرا جزا از جنس عمل است.

موضوع: نقشه زندگی مسلمان

قرآن کریم: (فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ {۷}) (پس چون فراغت یافتی به طاعت بکوش)

تفسیر: امام قرطبی رحمه الله - در تفسیر این آیه مبارکه می نویسد:

۱: ابن عباس وقتاده رضی الله عنهما میگویند: هرگاه از نماز فارغ شدی در دعا و خواست نیاز از الله عزوجل بکوش! (بطور انفرادی)

۲: ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: هرگاه از ادای فرایض فارغ شدی در نماز شب تلاش کن!

۳: کلبی می گوید: هرگاه از رسانیدن دعوت فارغ شدی، برای خود، مردان و زنان مسلمان آمرزش بخواه!

۴: حسن وقتاده می گویند: هرگاه از جهاد با دشمن فارغ شدی بسوی عبادت (دیگر) پروردگار روی بیاور! - ابوبکر الجزایری رحمه الله در تفسیر این آیه مبارکه چنین می نویسد: این آیه مبارکه بیان کننده نقشه زندگی مسلمان است، بنابراین معنا چنین است: هرگاه از عمل دینی فارغ شدی برای عمل دنیوی تلاش کن، و هرگاه از عمل

۱ امام نسفی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: دشواری معرفه تکرار شده است، پس یکی می باشد، زیرا: معرفه هرگاه معرفه تکرار شود دومی عین اولی است ولی آسانی نکره تکرار شده است، نکره هرگاه نکره تکرار شود، دومی غیراولی است، پس معنی چنین می شود: همراه هر سختی دو آسانی میباشد.

دنیوی فارغ شدی برعمل دینی دیگری بکوش، مثلاً: هرگاه از نماز فارغ شدی برخواندن اذکار (مسنونه و ماثوره) ودعا تلاش کن، هرگاه از این فارغ شدی برای انجام امور دنیوی تلاش کن، هرگاه از جهاد فارغ شدی برای ادای حج کوشش کن، یعنی: زندگی مسلمان باید سراسر تلاش و کوشش باشد وقتی را برای هوسرانی، کسالت و تنبلی نمی شناسد...^۱ بلی؛ مسلمان باید همیشه به دنبال کاری باشد که برایش فایده دینی یابدنیوی داشته باشد، از ضایع نمودن وقتش پرهیز کند.

موضوع: دل و امید تنها به الله عزوجل بسته شود

قرآن کریم: (وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَأَرْغَبْ) {۸} (و با اشتیاق به سوی پروردگارت روی آور) (۸)

تفسیر: و تنها به سوی پروردگارت زاری کن و تنها به او دل و امید ببند، تمام اعمال را به خاطر رضای او انجام بده، پروردگارت تو را به تمام آرزو هایت می رساند، ابن جریر طبری به سند صحیح از مجاهد در تفسیر این آیه مبارکه چنین روایت می کند: هرگاه به ادای نماز برخواستی، خالصانه بسوی پروردگارت روی بیاور! توجه خود را تنها به سوی الله عزوجل کن، رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه برای شخص تنگدستی و ناداری برسد، آنرا از باب شکایت برای مردم بیان کند، تنگدستی و نیازمندی او برطرف نمی گردد، و کسی که نیازمندی و حاجتش را به سوی الله عزوجل پیش کند و رفع آنرا از او بخواهد پس به زودی و یا بعد از مدتی (اندک) الله عزوجل برایش دارایی و ثروت می بخشد^۲ - بنابراین: هرآنچه می خواهی از الله عزوجل بخواه! نه از غیر او از مردگان و زندگان، نه از اولیا، نه از فرشتگان، و نه از رسول الله ﷺ، بلکه تنها الله عزوجل را عبادت کن، و از او بخواه!

۱: أيسر التفاسير لكلام علي الكبير، المؤلف: جابر بن موسى بن عبد القادر بن جابر أبو بكر الجزائري، ناشر: مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة لطبعة: الخامسة، ١٤٢٤

۲ سنن ترمذی (٢٤٩٦) وهو في سلسلة الاحاديث الصحيحة (٢٧٨٧) صحيح الجامع الصغير (٦٥٦٦)، صحيح الترغيب والترهيب (١٦٣٧)

رهنمایی ها، احکام و عمل

- ۱: بیان گرامیداشت الله عزوجل پیامبرش ﷺ را به شگافتن و فراخ ساختن سینه، آمرزش گناهان، و بلند نمودن آوازه شان
- ۲: فراخ بودن سینه مومن در پذیرش حق نعمت نیست برایش بزرگ.
- ۳: در زندگی مسلمان تنبلی، کسالت، بیهودگی، وهوسرانی جای ندارد.
- ۴: ترغیب بر انتظارگشایش در امور و رفع دشواری های زندگی از الله عزوجل.
- ۵: ترغیب بر توکل و تضرع به سوی الله عزوجل.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: تین

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۸

تعداد کلمات: ۳۴

اعداد حروف: ۱۵۰

وجه نام گذاری این سوره: این سوره تین (انجیر) نامیده شده است، زیرا در آغازش الله عزوجل به آن سوگند یاد نموده و در آن منافع و برکات قرار داده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره دربرگیرنده آنست:

۱: اکرام انسان در نحوه آفرینش او به بهترین شکل و زیباترین ترکیب

۲: به پستی گراییدن انسان (مثل کودک بی تمیز ناتوان و نادان)

۳: هرگاه انسان در منهجی که الله عزوجل برای وی مقرر کرده سیر نماید به بلند ترین قله ها عروج می کند و هرگاه از منهج الهی منحرف شود جایگاه اش پست تر از همه می گردد.

۴: اعلان انصاف مطلق درپاداش مومنان و مجازات کافران

فضیلت آن: براء پسر عازب می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم در یکی از دو رکعت نماز خفتن خواندند: (والتین والزیتون)، من صدای را زیبا تر از ایشان نشنیدم^۱

از مقاصد این سوره: بیان اینکه: ارزش و شرافت انسان در دین داری او می باشد و ذلت وی در بی دینی او نهفته شده است، از همین جهت است که الله عزوجل در این سوره به اماکن نزول وحی سوگند یاد نموده است.

۱ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۷۵۴۶

موضوع: ۱- اهمیت انجیر و زیتون: ۲- اهمیت جای فرود آمدن وحی بر عیسی علیه السلام

قرآن کریم: {وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ} {۱} (سوگند به انجیر و زیتون) (۱)

تفسیر: به انجیر و زیتون قسم یاد می کنم، الله عزوجل به این دو درخت سوگند خورده است^۱، علامه سعدی رحمه الله - در ادامه تفسیر این آیه می نویسد: الله عزوجل به این دو درخت قسم یاد نموده است، چون این درختان و میوه های آنها منفعت های زیادی دارند و در اراضی شام بسیار می باشند، سرزمینی که عیسی علیه السلام در آن به پیامبری مبعوث شدند^۲ - در تفسیر المنیر چنین ذکر شده است که : به همین انجیری که مردم می خورند و به همین زیتونی که مردم از آن روغن می گیرند قسم یاد شده است، انجیر ویژگی های غذا، میوه و دوا را دارد، نرم می باشد، به زودی هضم می شود، بلغم را از وجود کم می کند، گرده ها و مthane را پاک می سازد، همچنان زیتون نیز ویژگی های نان خورش و میوه را دارد، و در ترکیب خیلی از دواها نیز وجود دارد.^۳

موضوع: اهمیت کوه طور

قرآن کریم: {وَطُورِ سَيْنٍ} {۲} (و به طور سینا) (۲)

تفسیر: و سوگند به طور سینین، یعنی : به کوهی که در صحرای سیناء قرار دارد، و محل نبوت موسی علیه السلام می باشد، امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیرش می نویسد: این کوهی است که الله عزوجل بر بالای آن باموسی علیه السلام سخن زد،^۴

موضوع: اهمیت مکه مکرمه

قرآن کریم: {وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ} {۳} (و این شهر امن و امان) (۳)

۱ امام قرطبی و امام نسفی در تفسیر: تین، وزیتون، دیدگاه های دیگری نیز نقل نمودند، به روایتی از ابن عباس، تین: مسجد نوح که بر جودی است وزیتون: مسجد بیت المقدس، ضحاک میگوید: تین : مسجد الحرام وزیتون مسجد الاقصی ، کعب الاحبار قتاده، عکرمه و ابن زید می گویند: تین: دمشق وزیتون: بیت المقدس، و برخی می گویند هردو نام کوه های به شام است، ولی صحیح آنست که در متن تفسیر نوشته شد، والله اعلم
۲ تیسیر الکرمین الرحمن فی تفسیر کلام المنان، المؤلف: عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي (المتوفی: ۱۳۷۶ هـ). سورة تین.
۳ این مطلب در تفسیر (المنیر فی العقيدة والشریعة والمنهج)، المؤلف: دوهبة بن مصطفى الزحيلي، ج (۳۰) ص (۳۰۴) ذکر شده است.
۴ در صورت لزوم به تفسیر این آیه مبارکه در تفسیر امام ابن کثیر رحمه الله - مراجعه شود. در تفسیر امام ابن جریر رحمه الله - این آیه به : مسجد موسی، کوه موسی، مسجد طور تفسیر شده است، همچنان ، سینین به معنای : مبارک و زیبا نیز تفسیر شده است.

تفسیر: سوگند به مکه مکرمه، این شهر ایمن، محبوبترین سرزمینها نزد الله عزوجل، مکان نزول وحی بر محمد ﷺ، الله عزوجل بر این اماکن سه گانه (سرزمین شام جای روییدن انجیروزیتون، کوه طور، مکه مکرمه) قسم یاد نمود، زیرا: آنها محل فرود آمدن وحی الله عزوجل بر سه تن از انبیای اولوا العزم (عیسی، موسی، محمد علیهم السلام) میباشد. باتوجه به موارد ذکرشده برای مسلمانان مشروع نیست که به قصد عبادت و حصول ثواب به کوه طور و یا شام غیر از مسجد الاقصی سفر نمایند و همچنان به خاک، سنگ و ریگ آن تبرک جستن مشروع نمی باشد، تنها سفر به قصد ثواب به مساجد سه گانه (مسجد الحرام در مکه مکرمه، مسجد رسول الله ﷺ در مدینه منوره، و مسجد الاقصی) مشروع میباشد، نه در غیر آنها.

موضوع: نعمت زیبایی در آفرینش انسان

قرآن کریم: {لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ} {۴} (که برآستی انسان را در نیکوترین صورت آفریدیم) (۴)

تفسیر: این جواب قسم است، الله عزوجل براین امر سوگند خورده است: ما انسان را از نظر جسم و روح در بهترین شکل و زیباترین سیما آفریدیم، با اعضای متناسب و قامت راست او را گرامی داشته ایم، و این آفرینش واجب کننده ایمان به الله عزوجل و توحید او میباشد.

موضوع: سرانجام انسان:

قرآن کریم: {ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ} {۵} (سپس او را به پایین ترین مرحله برگردانیدیم) (۵)

تفسیر اول: سپس انسان را که به زیباترین صورت، قیافه، سیما، و شکل آفریدیم به سبب نافرمانی اش از او امر الله عزوجل، به بدترین شکل و صورت به سوی جهنم باز می گردانیم^۱ - اهل جهنم از کافران زشت ترین شکل و بدترین قیافه و هیكل را دارند.

۱ این تفسیر را امام ابن کثیر رحمه الله - در تفسیرش اختیار نموده است. امام نسفی رحمه الله - نیز آنرا در تفسیرش ذکر کرده است، با تصرف مختصر از هردو تفسیر گرفته شد

تفسیر دوم: سپس بعضی از افراد جنس انسان را بعد از دادن قوت جسمی و نیروی فکری به پست ترین مراحل زندگی باز می گردانیم، دوره که در آن انسان، مثل کودک نادان و ناتوان می شود.^۱ - انسان در این مرحله از عمر؛ موی های سیاه اوسفید، پوست درخشان بدن او درهم کشیده، قامت راست او خمیده، قدرت بینایی و شنوایی او ضعیف و حتی معدوم می شود و رفتارش نا متوازن می گردد.

موضوع: نتیجه ایمان و اعمال نیکو:

قرآن کریم: {إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ} {۶}

(مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پس برای آنها پاداشهای پایان ناپذیری است)

تفسیر اول: کافران را به بدترین شکل و هیكل به جهنم بازمی گردانیم، مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند که برای آنان پاداش قطع ناشدنی و پایان ناپذیر آماده شده است.^۲

تفسیر دوم: انسان را به پست ترین مراحل زندگی قرار می دهیم، که مرحله ضعف و ناتوانی جسمی و فکری او میباشد، مگر کسانی که ایمان آوردند و اعمال نیکو انجام دادند، که برای آنان بعد از پیری، و ناتوانی نیز پاداش کامل داده می شود، یعنی: برای این کسان پاداش اعمال نیکو در هنگام پیری و ضعیفی، مثل پاداش اعمالی که در دوران جوانی و توانمندی انجام می دادند، داده می شود.^۳ - ضحاک رحمه الله - از ابن عباس رضی الله عنه روایت میکند که: هرگاه بنده در هنگام جوانی زیاد نماز می خواند و بسیار روزه می گرفت، سپس ضعیف و ناتوان گردید، الله عزوجل همان پاداشی را که در دوران جوانی برایش می داد در مرحله پیری و ناتوانی نیز کامل برایش می دهد.^۴ رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه بنده مسلمان مریض یا مسافر شود، مثل پاداش اعمالی که در حالت صحتمندی و اقامت انجام می داد، برایش نوشته می شود^۵

۱ این تفسیر را امام ابن جریر رحمه الله - در تفسیرش اختیار نموده است. امام نسفی رحمه الله - نیز در تفسیرش آنرا ذکر کرده است، با تصرف مختصر از هر دو تفسیر گرفته شد. محمد گل دهشکری سلمه الله الولی.

۲ ترجیح امام ابن کثیر - رحمه الله.

۳ ترجیح امام ابن جریر طبری - رحمه الله.

۴ تفسیر امام قرطبی - رحمه الله - همین سوره

۵ صحیح امام بخاری - رحمه الله - شماره حیث: ۲۹۹۶

موضوع: ۱- تکذیب روز جزا بی معنا است: ۲- اظهار تعجب براندیشه که روز جزا را دروغ شمارد.

قرآن کریم: {فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ} {۷} (پس چه چیز تو را بعد از این به تکذیب جزا وامی دارد) (۷)

تفسیر: ای فرزند آدم! بعد از اینکه برایت نمایان شد که تورا در بهترین شکل و سیما آفریدیم و دلایل روشن زیادی را بر اثبات حقانیت دین اسلام و زنده شدن بعد از مرگ ذکر نمودیم، چه چیز تورا باعث شد که روز قیامت، جزا و محاسبه را انکار و تکذیب میکنی؟ ذاتی که تو را یک مرتبه آفرید، از آفرینش مرتبه دوم تو ناتوان نیست.

موضوع: فیصله در راه است

قرآن کریم: {أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ} {۸} (آیا الله نیکوترین داوران نیست) (۸)

تفسیر: آیا الله عزوجل فرمانروا ترین فرمانروایان و داورترین داوران نیست؟ بی تردید که هست، از عدل او اینست که: قیامت را برپا می کند، انتقام مظلوم را از ظالم می گیرد، مکلفان در دنیا اعمال متفاوتی انجام می دهند، هرگاه آنها براین اعمال بمیرند و هیچ ثواب و جزای در برابر اعمالشان نبیند، این کار از دیدگاه عقلی نیز یک ستم بسیار بزرگ به حال آنها می باشد، پس موضوع قطعیت تحقق روز جزا علاوه از طریق دلایل شرعی؛ از دیدگاه دلایل عقلی نیز آن قدر آشکار و واضح است که نیازی به بگو مگو و کشمکش پیرامون آن نیست. مستحب است که بعد از ختم این سوره چنین گفته شود: سُبْحَانَكَ قَبْلَى!

۱: صحیح ابی داود شماره: (۸۲۷) گفتن این جمله فوق بعد از آخرین آیه این سوره از رسول الله ﷺ شنیده شده است.

رهنمایی ها احکام و عمل

- ۱: بیان منافع انجیر و زیتون و مستحب بودن غرس این درختان و توجه به آنها
- ۲: بیان شرف مکة مکرمه
- ۳: وجوب یاد آوری نعمت آفرینش در انسان که به بهترین شکل و سیما آفریده شده است
- ۴: بیان فضیلت مومن که در هنگام پیری و ناتوانی مثل پاداش جوانی و صحتمندی را دریافت می کند.
- ۵: استفاده از انجیر و روغن اصلی زیتون جهت درمان یبوست و بواسیر ان شاء الله بسیار موثر است، طریقه استفاده آن: ده دانه انجیر خشک در شب به داخل یک گیلان آب قرارداده شود، هنگام صبح انجیرها با فشار دست میده شود و دو قاشق روغن زیتون نیز با آنها مخلوط گردد سپس پیش از غذا نوشیده شود، این عملیه حد اقل برای بیست روز تکرار شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: علق

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۱۹

تعداد کلمات: ۷۲

اعداد حروف: ۲۷۰

وجه نامگذاری این سوره به علق: «علق» به معنای خون بسته است، بخاطر این که در این سوره از آفرینش انسان از علق تذکر رفته است، این سوره به این نام مسمی شده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره دربرگیرنده آنست:

۱: بیان حکمت الله عزوجل در آفرینش انسان از ضعف به سوی قوت، همچنان ترغیب انسان برخواندن، نوشتن، یادگرفتن و یاد دادن.

۲: بیان سرکشی برخی از انسانها از فرمان های الله عزوجل، و انکار نعمت هایش

۳: رسوایی فرعون این امت ابوجهل پسر هشام و هشدار برکسانیکه در برابر دعوت رسول الله ﷺ ایستادگی میکنند.

بعثت رسول الله ﷺ:

رسول الله ﷺ در غار حرا به حالت کامل بیداری و هوشیاری قرار داشتند که: فرشته (جبرئیل علیه السلام) حاضر شد و برای رسول الله ﷺ گفت: بخوان! رسول الله ﷺ فرمودند: توانایی خواندن را ندارم، سپس رسول الله ﷺ فرمودند: فرشته مرا در بغل گرفت و فشار داد تا اینکه احساس مشقت نمودم، سپس من را رها کرد و گفت: بخوان! گفتم: نمی توانم بخوانم، فرشته بار دوم مرا در بغل گرفت و فشار داد تا اینکه احساس مشقت نمودم،

سپس من را رها کرد وگفت: بخوان! گفتم: قدرت خواندن را ندارم، فرشته بار سوم من را گرفت و فشار داد، سپس رهایم ساخت وگفت: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵) به همین دلیل رسول الله ﷺ برجان خود احساس بیم کردند و در حالی به خانه بازگشتند که بدنشان می لرزید و فرمودند: من را بپوشانید! من را بپوشانید! بر نفس خود بیم ناک شده ام، رسول الله ﷺ را پوشانیدند تا اینکه ترس از ایشان رفت، داستان را برای زوجه شان خدیجه تعریف کردند، خدیجه زنی خردمند و فهمیده بود در باره نبوت انبیا و فرشتگان چیزهای را شنیده بود، اینجا بود که با کمال اعتماد و اطمینان چنین گفت: نه! ممکن نیست، قسم به خدا، الله عزوجل شما را هرگز ذلیل و خوار نخواهد کرد، زیرا: شما پیوند خویشاوندی را پیوست می سازید، بار دیگران را بر می دارید، به مستمندان کمک می کنید، خدمت مهمانان را انجام می دهید و کسانی را که در راه حق دچار مصایب و مشکلات می شوند یاری می کنید.^۱

از مقاصد این سوره:

۱: اثبات رسالت رسول الله ﷺ

۲: کمال انسان در گرو علم و فروتنی برای پروردگارش می باشد

این سوره مبارکه دارای چهار بخش می باشد:

بخش اول: در آن به بیان دو نعمت آفرینش و آموزش انسان که از نشانه های قدرت الله عزوجل بوده و واجب کننده شکر می باشد، اشاره شده است.

موضوع: اهمیت خواندن در زندگی مسلمان و وجوب آن

قرآن کریم: { اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ } { ۱ }

(بخوان به نام پروردگارت که هستی را آفرید) (۱)

۱ جهت تفصیل بیشتر به صحیح البخاری ، شماره: ۳، و صحیح مسلم شماره: ۲۵۲ - (۱۶۰) مراجعه شود.

تفسیر: ای رسول ما! آنچه را از وحی که به سوی تو نازل شده با آغاز به نام پروردگارت که در آفرینش یگانه است، بخوان! بلی؛ حقیقت و واقعیت امر اینست که تو خواننده نیستی ولی ذاتی که سراسر هستی را آفریده توانا است که تورا خواننده بگرداند، بلی؛ رسول الله ﷺ در این آیه ماموریت یافتند تا آیات شنیدنی و دیدنی پروردگار را برای عموم مردم بخوانند، پنج آیه اول این سوره نخستین آیاتی از قرآن کریم میباشد که بر رسول الله ﷺ نازل شده است. و نزول قرآن کریم از بزرگترین نعمت های الله عزوجل بر مخلوقات است.

موضوع: ۱- وحدانیت و قدرت الله عزوجل، ۲- عنصر آفرینش انسان

قرآن کریم: { خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ } { ۲ } (انسان را از خون بسته آفرید) (۲)

تفسیر: الله عزوجل ذاتی است که انسان را از خون بسته آفرید، برایش قلب، چشم، گوش، زبان، و... داد و بعد از سپری شدن مراحل آفرینش به او زندگی بخشید، پس کسی که انسان را پدید آورده و از تمام احوال وی آگاه است برحسب علم خود به او قانون زندگی نازل می کند که موافق با فطرت آن باشد، مصالح و منافع دینی و دنیوی این انسان در آن موجود می باشد، فرود آمدن این دستور زندگی و رساندن آن به مردم از طریق فرستادن رسول تحقق می یابد، بنابراین: الله عزوجل رسولش محمد ﷺ را به عنوان پیامبر فرستاد و برایش فرمان داد که: ای پیامبر ما! تو به عنوان رسول جهت رهنمایی انسانها و جنیات فرستاده شدی، و این قانون زندگی (قرآن مجید) که اکنون بر تو فرود آمد، برای خودت، انسانها و جنیات بخوان و به مقتضای آن عمل کنی.

موضوع: تاکید بر وجوب خواندن

قرآن کریم: { اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ } { ۳ } (بخوان و پروردگارت از همه بزرگوارتر است)

تفسیر: الله عزوجل بخاطر مهم بودن کار و انس گیری و آرامش پیامبرش ﷺ، با تکرار می فرماید: بخوان پروردگارتو از آنچه تصویری کنی بزرگوارتر و بخشنده تر است و از بزرگواری او اینست که: برای توی ناخوان، توانایی خواندن را می دهد.

موضوع: ۱- اهمیت نوشتن در زندگی مسلمان. ۲- ارزش قلم و فضیلت علم

قرآن کریم: { الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ } { ۴ } (همان کس که به وسیله قلم آموخت) (۴)

تفسیر: از کرم الله عزوجل اینست که: به وسیله قلم برای بشریت نویسنده‌گی و دانش آموزش داد، اگر قلم نمی بود، دینی باقی نمی ماند، و زندگی انسانها هم کاملاً بی نظم می گشت، انسان برای یک لحظه جهانی را بدون قلم، نوشتن، و کتاب، تصور کند، بعداً نتیجه گیری نماید که زندگی در چنین جهانی چگونه ادامه خواهد یافت، بنابراین: قلم نعمت بزرگی از نعمت های الله عزوجل است، در بیان مطالب و موضوعات بین بشریت کمتر از زبان نمی باشد، خلاصه اینکه: اگر نوشتن نمی بود علوم همه نابود می شد.

موضوع: اکرام الله عزوجل انسان را به وسیله علم

قرآن کریم: { عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ } { ۵ } (به انسان آنچه را که نمی دانست آموخت) (۵)

تفسیر: الله عزوجل برای انسان چیزهای را که نمی دانست آموزش داد، هنگامیکه آنرا از شکم مادر بیرون آورد هیچ چیزی را نمی فهمید، ولی به وسیله علم او را از کرامت، شرافت، و هدایت برخوردار گردانید، به او قرآن، حدیث، و حکمت را تعلیم داد و به وسیله قلم اموری را به انسان آموخت که از آنها هیچ آگاهی نداشت، اگر الله عزوجل ظرفیت و سیستم تفکر، اندیشیدن و دستگاه فراگیری مسایل و حفظ آن را در وجود انسان به و دیعت نمی گذاشت و نصب نمی نمود، هرگز این انسان توانایی درک حقایق و موضوعات علمی و حتی پیش پا افتاده را نمی داشت، نصب سیستم درک و فهم هم مثل ملیون ها سیستم دیگری است که در بدن انسان آفریده شده و منظم فعالیت می کنند، الله عزوجل این نعمت و قدرت خود را در نشان دادن انسانهای که اختلالات عقلی و عصبی دارند برای انسانهای که از این ناحیه صحتمند می باشند. روزانه به اثبات می رساند، تا آنها پند و درس گیرند، بنابراین: انسان باید همه داشته های علمی خود را در هربخش از الله عزوجل بداند. مغزش را قبرستان داشته های علمی اش قرار ندهد و آنها را زنده بگور نکند و از آنها بخاطر بهبود وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی امت اسلامی استفاده نماید.

رهنمایی ها، احکام و عمل

- ۱: اثبات وحی الهی و نبوت رسول الله صلی الله علیه وسلم
 - ۲: کارهای مانرا به نام الله عزوجل آغاز بنماییم، نه بنام کس دیگری از مخلوقات
 - ۳: وجوب فراگیری خواندن و نوشتن به اندازه توان، زیرا: این دو، از اسباب برپایی دین است،^۱
 - ۴: خواندن و نوشتن اساس پیشرفت صناعت، تجارت، طبابت، زراعت، اقتصاد، و اختراع می باشد. دین اسلام پیروان خود را به فراگیری خواندن و نوشتن جهت رشد، انکشاف، بهبود وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی امت اسلامی ترغیب داده است.
 - ۵: انسان باید تمامی داشته های علمی خود را در هربخش، از الله عزوجل بداند و سپاسگزار او باشد.
 - ۶: از الله عزوجل از دیاد علم را بخواه! وبگو: (رب زدنی علما)
- بخش دوم: بیان صنفی از بشر که در امور زیر کج روی کردند:
- ۱: در آفرینش خود تفکر نکردند و از آن به علم، قدرت و حکمت پروردگارشان استدلال ننمودند.
 - ۲: از علم و آگاهی که الله عزوجل به آنها بخشید فایده نگرفتند.
 - ۳: از سپاسگزاری ذاتیکه آنها را آفریده و تعلیم داده روی گردانیدند و سرکشی نمودند.
- سبب نزول: امام مسلم - رحمه الله - در صحیح خود می نویسد: ابوجهل گفت: آیا محمد پیشانی خود را در میان شما (به مسجد الحرام) به خاک می گذارد (نمازی خواند و سجده می کند) گفتند: بلی! گفت: سوگند به لات و عزی که اگر ببینم او این عمل را انجام داد گردنش را زیر لگدهای خود پایمال کرده و چهره اش را بر خاک می مالم، وی نزد رسول الله ﷺ رفت و ایشان مصروف خواندن نماز بودند، قصد کرد تاپای خود را برگردن رسول الله ﷺ قرار دهد، ناگهان به عقب خود بازگشت و به دستان خود داشت چیزی را از خود دفع می کرد، برایش گفته شد: تراچه شده است؟ چرا

۱ قایده فقهی هم در این مورد نیز وجود دارد که: هرآنچه که واجب به سبب او برپاشود آن هم واجب است.

برای اجرای کارت اقدام نکردی و فرار نمودی؟ ابوجهل گفت: بین من و محمد خندقی از آتش، ترسی و بالهای (از فرشتگان) واقع شد، رسول الله ﷺ فرمودند: اگر به من نزدیک می شد فرشتگان (عذاب) او را می رباییدند و هر فرشته عضوی از اعضای او را می گرفتند، (این معجزه روشنی برای رسول الله ﷺ میباشد) سپس الله عزوجل آیات بعدی را نازل فرمود:^۱

موضوع:

۱: نکوهش انسان سرکش

۲: ثروت و قدرتی که انسان را به تکبر و دوری از حق بکشاند بی نهایت خطرناک است.

قرآن کریم: { كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغَى } { ۶ } (حقا که انسان سرکشی می کند) (۶)

تفسیر: مسلماً هنگامیکه انسان ایمان نداشته باشد، ثروت، قدرت، شوکت، افزایش اولاد و قبیله او را سرکش می سازد و درستمگری از حد می گذرد، امام نسفی - رحمه الله - در تفسیر (کلا) می نویسد: این سرزنشی است برای کسی که با سرکشی اش به نعمت های الله عزوجل کفر ورزد، و امام نسفی رحمه الله - در ادامه می نویسد: به شمول این آیه؛ تا اخیر سوره آیات در مورد ابوجهل نازل شده است.

موضوع: ۱- علت سرکشی، ۲- نکوهش غرور و تکبر،

قرآن کریم: { أُنْ رَّاهُ اسْتَغْنَى } { ۷ } (چون خود را بی نیاز ببیند) (۷)

تفسیر: انسان اگر خود را به ثروت، قدرت، و قبیله توانگر ببیند از حد می گذرد، سرکشی می کند و از هدایت روی می گرداند، مگر کسانیکه الله عزوجل ایشان را از این اخلاق زشت حفاظت کند، باز این بندگان حفاظت شده؛ الله عزوجل را سپاسگزاری میکنند و نعمت های او را در طاعتش به کار می گیرند.

موضوع: بازگشتگاه انسان:

قرآن کریم: { إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى } { ۸ } (در حقیقت بازگشت به سوی پروردگار توست) (۸)

۱ صحیح مسلم، شماره: ۳۸ - (۲۷۹۷) مسند احمد (۸۸۳۱)

تفسیر: سپس این آیه مبارکه انسان سرکش را از پیامد عمل بد اش چنین بیم داد: یقیناً بازگشت در روز حساب تنها به سوی پروردگارت میباشد، و هرگاه مخاطب پیامبر ﷺ باشد معنا چنین می شود: ای رسول ما! تو از عمل این انسان و همفکران او غمگین مباش، زیرا: جهت محاسبه نزد ما حاضری شوند و به چشم سر عذاب خوار کننده را مشاهده خواهند کرد و این قدرت، ثروت و شوکت مانع عذاب الهی از آنها شده نمی تواند،

بخش سوم: بیان نوعی از سرکشی این انسان ناسپاس و نمک ناشناس که تنها به ستم نمودن بر نفس خود در ترک عبادت اکتفا نمی کند، بلکه دیگران را نیز از عبادت الله عزوجل مانع می شود.

موضوع: نهی از معروف از اوصاف ابو جهل و ابو جهل صفتان است

قرآن کریم: (أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى) { ۹ } (آیا دیدی آن کس را که باز می داشت) (۹)

تفسیر: ای رسول ما! آیا شگفت زده نمی شوی از آن کسی که بندگان الله عزوجل را از انجام عبادت باز می دارد؟ شایان ذکر است هرگاه کسی عملی را بنام عبادت انجام دهد که موافق روش رسول الله ﷺ نباشد، این شخص از انجام بدعتش باز داشته شود، برایش طریق درست عبادت مطابق رهنمود های صحیح رسول الله ﷺ به معرفی گرفته شود، تا از انتشار فتنه بدعت در جامعه اسلامی جلوگیری صورت گیرد و امت اسلامی از این ناحیه به گمراهی کشانیده نشود.

موضوع: ۱- نماز نشانه بندگی، ۲- بندگی کردن و نماز خواندن از اوصاف رسول الله ﷺ و پیروانهای شان است.

قرآن کریم: { عَبْدًا إِذَا صَلَّى } { ۱۰ } (بنده ای را آنگاه که نماز می گزارد) (۱۰)

تفسیر: بنده را از خواندن نماز برای پروردگارش باز می دارد، و از وی ارا ده عبادت به غیر الله عزوجل را دارد، طوری که عمل و تصمیم ابوجهل با رسول الله ﷺ چنین بود، همچنان هرکس مانع انتشار عمل خیری شود در این هشدار نوعاً داخل بوده و همانندی با ابوجهل دارد.^۱ - کسانی که دروس تفسیر و ترجمه قرآن کریم را که مبتنی

۱ بازداشتن شوهر زوجه اش را از روزة نفلی در این هشدار داخل نیست، زیرا: در آن رعایت مصلحت شوهر باساس حدیث صحیح شده است، به سنن ابن ماجه، شماره حدیث: ۱۷۶۱-مسند احمد (۷۳۳۸)- صحیح ابن خزیمه (۲۱۶۸) - صحیح ابن حبان (۴۱۷۰) - المعجم الاوسط (۲۸۲) سنن ترمذی (۷۸۲) مراجعه شود، این مساله هم ماندهای هم دارد.

برفهم سلف صالح باشد، به بهانه های مختلف تعطیل می کنند مرتکب گناه کبیره میشوند، اگر توبه نکنند، فرشتگان عذاب امروز یا فردا به سرعت و شدت به سراغ شان می آیند. و در روز قیامت طرف مقابل آنها قرآن کریم است، و رسول الله ﷺ از آنها در پیشگاه پروردگار شکایت خواهد نمود. یا الله! آنها را پیش از نزول عذاب هدایت کن! زیرا ایشان نمی دانند.

موضوع: از اوصاف رسول الله ﷺ:

قرآن کریم: {أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى} {۱۱}

(به من خبر بده اگر این بنده بر راه هدایت باشد) (۱۱)

تفسیر: ای رسول ما! خبر بده، اگر بنده که از خواندن نماز باز داشته میشود، بر هدایت، شناخت حق و عمل بر آن استوار باشد و باز دارنده او در گمراهی و نادانی قرار داشته باشد، آیا برای چنین باز دارنده شایسته است که با چنان رهیاب شده مخالفت کند و از عبادتش جلوگیری نماید؟ آیا جلوگیری از عبادتی که به فرمان الله عزوجل انجام می شود برای عاقلان و منصفان غیر قابل قبول و جای شگفتی نیست؟ امام قرطبی رحمه الله در تفسیر {أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى} و {أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى} مینویسد: ای ابا جهل خبر بده! اگر محمد بر داشتن صفاتی چون: پرهیزگاری و خواندن نماز موصوف باشد، آیا باز دارنده آن هلاک نمی شود؟^۱ بلی؛ یقیناً این باز دارنده به زودی هلاک می گردد و هلاک هم شد.

موضوع: از اوصاف رسول الله ﷺ:

قرآن کریم: {أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى} {۱۲} (یا مردم را به پرهیزگاری فرمان دهد) (۱۲)
تفسیر: هرگاه آن بنده (رسول الله ﷺ) دیگران را به سوی پرهیزگاری، توحید، اخلاق نیکو امر کند، چگونه این سرکش (ابوجهل و همفکرانش) او را مانع می شود؟ لازم است که همراه این دعوت گر (محمد ﷺ) در پذیرش و انتشار خوبی ها همکاری صورت گیرد، نه اینکه باوی دشمنی شود.

۱ تفسیر امام قرطبی با تصرف مختصر و اندک

موضوع: از اوصاف ابو جهل:

قرآن کریم: { أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى } { ۱۳ } (به من خبرده اگر این سرکش حق را تکذیب کرد و از آن روی گردان شد) (۱۳)

تفسیر: ای رسول ما! خبریده، اگر آن انسان مغرور باز دارنده (ابوجهل)، قرآن را تکذیب کند و از فرمان تو روی گرداند، سر انجامش به هلاکت و زیان می انجامد، مقصود از این آیات کریمه که لفظ : (أَرَأَيْتَ) در آنها سه مرتبه تکرار شده است: دلجویی از رسول الله ﷺ و همچنان برای آن کافر و همراهانش تهدیدی بر عذاب دنیوی و اخروی است، چنانچه این تهدید از آیه بعدی نیز دانسته می شود.

بخش چهارم: بیان هشدار که برای این سرکش ناسپاس و همفکرانش داده شده است.

موضوع:

۱- مراقبت الله عزوجل از بندگان در کردار، گفتار، و پندار ایشان

۲- آیا تا اکنون در مورد سر انجام پنهان کاری هایت تفکر کرده ای؟

قرآن کریم: { أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى } { ۱۴ } (مگر ندانسته که الله می بیند) (۱۴)

تفسیر: آیا این انسان ندانسته که الله عزوجل روی گردانیدن او را می بیند، و دروغ شمردن او را می شنود، و او را در برابر کردارهایش محاسبه و مجازات می کند.

موضوع:

۱: هشدار به عذاب در صورت اصرار بر عدم ترک گناه

۲: دفاع الله عزوجل از پیامبرش ﷺ

قرآن کریم: (كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ) { ۱۵ }

(چنین نیست که او گمان می کند، اگر دست از شرارت بر ندارد محققاً موی پیشانی اش را خواهیم گرفت) (۱۵)

تفسیر: قضیه آنچنان نیست که او فکرمی کند، هرگز توانایی ضرر رساندن برای تو را ندارد، اگر او از کردارهای زشت و پندارهای شرکی خود دست بردار نشود، بدون

تردید پیشانی‌ش را جهت مجازات با شدت تمام می‌گیریم، و آنرا سیاه و بد شکل می‌سازیم، بلی؛ در غزوه بدر پیشانی او برای کشتنش کشیده شد و به قتل رسید و در روز قیامت نیز پیشانی او گرفته می‌شود و به طرف جهنم کشان کشان برده می‌شود.

موضوع: ۱- از او صاف ابو جهل: ۲- دروغ و گناه از اسباب نزول بلاء

قرآن کریم: { نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ } { ۱۶ } (همان پیشانی دروغ‌گو خطا کار را) (۱۶)

تفسیر: صاحب این پیشانی در سخنانش دروغ می‌گوید و در کارهایش قصداً اشتباه و گناه را مرتکب می‌شود^۱، پیشانی برای برخی انسانها مظهر غرور و تکبر است، و این یک واقعیت معلوم و مشهود بین مردم می‌باشد،

موضوع:

۱: هم مسلکان و اقوام مانع عذاب الله عزوجل شده نمی‌توانند

۲: اخطار برهم مسلکان ابوجهل، ۳- هشدار از همنشینی با بدکاران.

قرآن کریم: { فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ } { ۱۷ } (پس باید اهل مجلسش را بخواند) (۱۷)

تفسیر: بگذار این شقاوت پیشه، هم مجلسان، هم مسلکان و اقوام خود را فرا بخواند تا او را در دفع و رفع بلا یاری کنند، به زودی می‌داند که هیچ‌کسی مانع عذاب الله عزوجل از وی شده نمی‌تواند.

موضوع: ۱- فرشتگان عذاب منتظر فرمان اند، ۲- دفاع الله عزوجل از رسولش ﷺ

قرآن کریم: (سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ) { ۱۸ } (بزودی ماموران آتش را فرا می‌خوانیم) (۱۸)

تفسیر: ماهم به زودی فرشتگان عذاب را که بسیار سخت دل و توانمند اند برای مجازات او فرا می‌خوانیم، رسول الله ﷺ فرمودند: اگر ابوجهل بر تصمیمش اقدام می‌کرد، فرشتگان (عذاب) آشکارا او را می‌گرفتند^۲

۱ خاطئه: کسی که قصداً مرتکب خطا شود، بنابراین بین خاطی و مخطی فرق است، خاطی کسی که قصداً مرتکب گناه شود و مخطی کسی که از روی نادانی مرتکب خطا شود، دومی معذور است و اولی معذور نیست. به سورة الحاقه، آیه: ۳۷- و بقره- ۲۸۶- تأمل دقیق شود فرق دانسته می‌شود.

۲ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۴۵۷۶

موضوع: ۱- سجده وسیله نزدیکی به الله عزوجل. ۲- وجوب نهی از تعقیب نمودن کردارها، گفتارها و پندارهای ابوجهل و ابو جهل صفتان

قرآن کریم: { كَلَّا لَا تُطَعُّهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ } { ۱۹ }

(چنین نیست که او می پندارد، هرگز او را اطاعت نکن، و سجده کن و به الله تقرب بجوی) (۱۹)

تفسیر: ای رسول ما! حقیقت آن طوریکه این کافر فکر می کند نیست، این سرکش و همفکرانش هیچ آسیبی برای تو رسانده نمی تواند، زیرا: الله عزوجل ترا از گزند انسانها و جنایات حفاظت نموده است، پس تو و امتت در ترک نماز و سایر عبادات و ارتکاب منکرات از او و همراهانش پیروی نکنید، زیرا او و هم نظرانش شمارا به چیزی امر می کنند که زیان دنیا و آخرت در آن نهفته است، پس همه شما به وسیله سجده و نماز به پروردگار تان نزدیکی جسته و از این طریق از او بخواهید تا دشواری ها و سختی ها را از شما دفع و رفع نماید،

رسول الله ﷺ فرمودند: نزدیک ترین زمان و حالت بنده با الله عزوجل در هنگام سجده می باشد، پس در این وقت زیاد دعا کنید^۱
برخی از دعاهای سجده و فضیلت آن:

۱: رسول الله ﷺ (احیاناً) در هنگام سجده این دعا را می خواندند: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ دِقَّةً، وَجَلَّةً، وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَعَلَانِيَتَهُ وَسِرَّهُ^۲ (یا الله! تمامی گناهان کوچک و بزرگ، اول و آخر، آشکار و پنهانم را ببامرز)

۲: رسول الله ﷺ در سجده های قرآن کریم این دعا را می خواندند: (سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ، وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ، بِحَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ)^۳ (چهره ام برای ذاتی سجده نمود که آنرا آفرید، باتوان و قدرت خود حس بینایی و شنوایی به او داد)

۳: رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه فرزند آدم (آیه) سجده را بخواند و سجده کند، شیطان از او گوشه گیری نموده و به گریه شروع می کند، و می گوید: وای برای من!

۱ مسند احمد، شماره حدیث: ۹۴۶۱- صحیح مسلم، ۲۱۵- (۴۸۲)

۲ صحیح مسلم، ۲۱۶- (۴۸۳)

۳ صحیح ابن خزیمه (۵۶۳) مسند احمد (۲۵۸۲۱)

فرزند آدم به سجده کردن امر شد و سجده نمود، جنت از آن او شد، من به سجده کردن امر شدم و سرباز زدم مستحق دوزخ گردیدم^۱

کیفیت ادای سجده تلاوت: کسی که اراده سجده تلاوت را داشته باشد، با داشتن طهارت روی خود را به طرف قبله نموده تکبیر بگوید و سجده نماید، بعد از گفتن سه تسبیح سجده، تکبیر بگوید و بلند شود، سلامی ندارد،

زمان آن: در این اوقات سه گانه نباشد: ۱- هنگام طلوع آفتاب. ۲- هنگام غروب آفتاب. ۳- وقتی که آفتاب در وسط آسمان قرار بگیرد تا اینکه شروع به زوال کند. وقت کمی است حدوداً ده دقیقه قبل از اذان ظهر می باشد.

حکم آن: بر تلاوت کننده و شنونده واجب است، جهت تفصیل بیشتر به کتب فقه مراجعه شود.

جاهای آن: سجده تلاوت در چهارده سوره قرآن کریم است:

- ۱: اعراف، - ۲: رعد، - ۳: نحل، - ۴: بنی اسرائیل، - ۵: مریم، - ۶: حج، - ۷: فرقان، - ۸: نمل، - ۹: الم تنزیل، - ۱۰: ص، - ۱۱: حم السجده، - ۱۲: نجم، - ۱۳: انشقاق، - ۱۴: علق،^۲

۱ صحیح مسلم، ۱۳۳- (۸۱) مسند احمد (۹۷۱۳)

۲ مطالعه کتاب تحقیقی درباره سجده تلاوت بنام: سجود التلاوة وأحكامه، المؤلف: د صالح بن عبد الله اللاحم، برای طالب العلمان مفید است.

رهنمایی ها، احکام و عمل

- ۱: سبب نزول آیه ششم سورة علق یک مرتبه دیگر هم خوانده شود.
- ۲: دفاع الله عزوجل از پیامبرش ﷺ در مسجد الحرام
- ۳: نهی از معروف از اوصاف فرعون این امت (ابوجهل پسر هشام) بود، مسلمان از داشتن چنین صفتی پرهیز کند.
- ۴: اگر فرعون این امت هم توبه می کرد توبه اش پذیرفته می شد (کلا لئن لم ینته ...)
- ۵: بیان خطر ثروت و قدرت هرگاه انسان را به تکبر و دوری از حق بکشاند
- ۶: یکی از راه های نزدیک شدن به الله عزوجل نماز و سجده می باشد.
- ۷: دعاها یکی در هنگام سجده گفته می شود حفظ گردد و در بعضی از نماز های فرض، سنت، و نفل خوانده شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

سورة قدر

نام سوره: قدر

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: (۵)

تعداد کلمات: (۳۰)

اعداد حروف: (۱۲۱) - ۱

وجه نامگذاری این سوره: قدر به معنای اندازه، بزرگی و شرافت می باشد، به جهت اینکه در این سوره بزرگی شب مبارکه قدر بیان شده به این نام مسمی گردیده است.

فضیلت شب مبارکه قدر و دهه اخیر رمضان مبارک در احادیث صحیح:

۱: هرگاه دهه اخیر ماه مبارک رمضان داخل می شد، رسول الله ﷺ کمر همت را برای انجام عبادات بیشتر می بستند، شبهای آنرا به عبادت سپری می کردند، و خانواده خود را بیدار می نمودند^۲ - برادر و خواهر مسلمان! جهت اقتدا به رسول الله ﷺ، در رمضان های باقی عمر خود، دهه اخیر آن را خواب نشو، و تمام شبهای آنرا را به عبادت سپری کن، و در انجام این کار فضیلت شب مبارکه قدر را ان شاء الله حاصل میکنی،

۲: رسول الله ﷺ فرمودند: شب قدر را در دهه اخیر ماه رمضان جستجو کنید^۳

۳: رسول الله ﷺ فرمودند: ... کسی که شب قدر را از روی ایمان داری و طلب ثواب جهت عبادت به پاخاست، گناهان گذشته او آمرزیده می شود^۴

۱ مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید

۲ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۲۰۲۴ - صحیح مسلم (۱۱۷۴)

۳ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۲۰۲۰ - صحیح مسلم (۱۱۶۹)

۴ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۲۰۱۴ - صحیح مسلم (۷۶۰)

۴: رسول الله ﷺ فرمودند: ... در این ماه (رمضان) شبی وجود دارد، بهتر از هزار ماه کسی که از آن محروم شود از تمام خیر محروم شده است...^۱

۵: رسول الله ﷺ فرمودند: شب قدر را در شب های طاق (۲۱-۲۳-۲۵-۲۷-۲۹) دههٔ اخیر رمضان جستجو کنید^۲

۶: رسول الله ﷺ کوشش و تلاشی که در زیاد ساختن طاعت و عبادت در دههٔ اخیر رمضان می کردند در غیر این دهه به این اندازه کوشش نمی نمودند،^۳

۷: عایشه صدیقه -رضی الله عنها- برای رسول الله ﷺ گفت: هرگاه شب قدر را در یافتن چه بگویم؟ رسول الله ﷺ فرمودند: بگو: (اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي) (یا الله! تو عفو کنندهٔ عفو و گذشت را دوست داری از گناهان من درگذر)^۴

در این شب مبارک علاوه بر دعای فوق، جمع نمودن عبادات متنوع؛ مثل: نماز، اذکار صحیحه، استغفار، صدقه، تلاوت قرآن مجید، و... بهتر است.

۸: رسول الله ﷺ دههٔ اخیر ماه مبارک رمضان را به اعتکاف می نشستند^۵

۹: رسول الله ﷺ دههٔ اخیر رمضان را تاهنگام وفات خود به اعتکاف نشستند و بعد از ایشان همسرانشان (مادران مومنان) به اعتکاف می نشستند^۶

اجمالاً مطالبی که این سورهٔ مبارکه در برگیرندهٔ آنست:

۱: بیان تاریخ آغاز نزول قرآن کریم،

۲: بیان فضیلت شب مبارکهٔ قدر بر سایر شبهای سال،

۳: بیان نزول فرشتگان و جبرئیل همراه با خیر و برکت بر مومنان از جانب ارحم الراحمین.

۱ سنن ابن ماجه، شمارهٔ حدیث: ۱۶۴۴- صحیح الترغیب والترهیب، (۱۰۰۰)

۲ صحیح البخاری، شمارهٔ حدیث: ۲۰۱۷- صحیح مسلم (۱۱۶۵)

۳ صحیح مسلم، شمارهٔ حدیث: ۱۱۷۵

۴ سنن ابن ماجه، شمارهٔ حدیث: ۳۸۵۰- مسند احمد، (۲۵۳۸۴)- صحیح الترغیب والترهیب (۳۳۹۱)

۵ صحیح البخاری، شمارهٔ حدیث: ۲۰۲۵

۶ صحیح مسلم، شمارهٔ حدیث: ۱۱۷۲

از مقاصد این سوره:

- ۱: بلند ساختن همت مومنان جهت توجه به کتاب رب العالمین
 - ۲: بیان بزرگی شب قدر و فضیلت آنچه در آن نازل شده است.
- موضوع: ۱- بیان حقانیت قرآن مجید به عنوان کتاب الله عزوجل و جایگاه رفیع اش
۲- بیان بزرگی شب قدر.
- قرآن کریم: { إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ } { ۱ } (ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم) (۱)
- تفسیر: ما قرآن کریم را در شبی بزرگ و دارای شرافت و منزلت عظیم از ماه مبارک رمضان نازل کردیم، قرآن کریم دو نزول دارد.
- نزول اول: قرآن کریم همگی در این شب مبارک (قدر) از لوح محفوظ به بیت العزت در آسمان دنیا نازل گردید.
- نزول دوم: این نزول از آسمان دنیا به شکل تدریجی بوده که برحسب نیازها و ضرورت ها در مدت بیست و سه سال بر رسول الله ﷺ نازل گردیده است.^۱
- موضوع: ۱- بزرگی و جایگاه رفیع شب قدر، ۲- عدم آگهی رسول الله ﷺ از امورات غیبی
- قرآن کریم: (وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ) { ۲ } (و تو چه دانی شب قدر چیست ؟) (۲)
- تفسیر: سپس الله عزوجل اهمیت و بزرگی آنرا بیان نمود و فرمود: ای رسول ما! توجه می دانی که فضیلت، شرافت و بزرگی شب قدر چه اندازه می باشد؟
- موضوع: فضیلت شب قدر:
- قرآن کریم: (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ) { ۳ } (شب قدر بهتر از هزار ماه است)
- تفسیر: عبادتیکه در شب با فضیلت و پر برکت قدر انجام شود، بهتر است از عبادتیکه در هزار ماهی (هشتاد و سه سال و چهارماه) که در آن شب قدری وجود نداشته باشد انجام یابد، پس شب قدر از نعمت های بزرگی است که الله عزوجل برای این امت عطا فرموده است، انسان از بیان این نوع ثواب شگفت زده می شود که عبادت

۱ در این مورد اثر صحیح، در المستدرک علی الصحیحین، به شماره: (۳۹۵۸) - و در سنن الکبری للبیهقی، به شماره: (۸۵۲۱) - وجود دارد.

در این شب از عبادت در هزار ما بهتر باشد و ثواب بیشتری داشته باشد. حتی گفته نمی شود: عبادت در این شب معادل و برابر با عبادت در هزار ماه می شود، بلکه این امر ثابت و واضح است: عمل نیکی که با اخلاص و پیروی از رسول الله ﷺ در این شب انجام یابد، بهتر است از عمل نیکی که در هزار ماه انجام یافته باشد، انسانی که هزار ماه زندگی کرده باشد عمرش طولانی شده است. پس هرگاه مرد وزن مسلمانی که تمام شب قدر را به عبادت پروردگارش سپری کند، پروردگارش برایش بیشتر از اندازه عمر طولانی یک انسان ثواب می دهد. یا الله! فضیلت شب قدر را نصیب من بنده ضعیف و همه امت مسلمه بگردان و همه ما را از آتش جهنم آزاد بساز و جنت فردوس را جایگاه مان کن! یا حی یا قیوم.

ای برادر و خواهر مسلمان! ارزش تمام شب های دهه اخیر رمضان امسال را بدان و خواب نشو، شاید این آخرین رمضان در عمر تو باشد.

موضوع: ۱- از ویژه گی های این شب: ۲- از بهترین مهمانانی که همراه با ارزشمندترین هدیه، تحفه و دستاویز در این شب به نزد شما می آیند به خوبی استقبال کنید!

قرآن کریم: { تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ } { ۴ }

(فرشتگان و جبرئیل در آن شب به فرمان پروردگار شان برای اجرای هرکاری که الله حکم کرده باشد فرود می آیند) (۴)

تفسیر: فرشتگان و جبرئیل در آن شب به فرمان الله عزوجل همراه رحمت و برکت پیای به سوی بندگان شب زنده دار در زمین فرود می آیند و برای اجرای هر امری از روزی، عزت، ذلت و سایر حوادث جهان که الله عزوجل تا سال آینده فرمان داده برنامه ریزی و ابلاغ می کنند،^۱ بر مردان و زنان مسلمان که رو برو می شوند سلام می دهند و به دعایشان آمین می گویند، گریه، ناله و استغفار مومنان شب زنده دار را در حضور الله عزوجل مشاهده و تحسین می کنند^۲

۱ مقادیر اشیا در لوح محفوظ مسجل است، الله عزوجل در این شب آنچه را در این سال ایجاد شود برای فرشتگان ظاهر می سازد، تفسیر الوسیط.

۲ جهت تفصیل بیشتر به تفاسیر: ابن جریر، ابن کثیر و آلوسی - رحمهم الله، نیز مراجعه شود.

موضوع: امتیاز دیگر این شب با ذکر پایان زمان آن

قرآن کریم: (سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ) {۵} (آن شب تا طلوع صبح سلامتی و رحمت است) {۵}

تفسیر: طاعت در آن شب از غروب آفتاب تا هنگام طلوع صبح سبب می شود که مومن از هر عذاب و فتنه دینی و دنیوی در امان بماند، و همچنان این شبی است که همه آن سلامتی می باشد و هیچ خطری در آن نیست، و فرشتگان براهل ایمان زیاد سلام می کنند، یعنی: این شب با این ویژگی صفت جنت را برای خود گرفته است. امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیرش می نویسد: در این شب شیطان توانایی انجام عمل زشت را ندارد، یا الله! باتوسل به اسماء و صفات تو از تومی خواهیم که همه ما را از جمله فایده گیرندگان و آمرزیده شدگان در این شب بگردان،

حکمت درپنهان بودن این شب مبارک:

حکمت در پنهان بودن شب مبارکه قدر مثل حکمت در پنهان بودن وفات انسان، روز قیامت، ساعت اجابت دعا در روزجمعه و... والله اعلم - اینست که: انسان در انجام عباداتی که بخاطر آن آفریده شده است تلاش بیشتر کند، غفلت نرزد، از هر لحظه حیات برای آخرتش توشه جمع آوری نماید، کسالت و تنبلی را کنارزند، و برای عبادت نمودن پروردگارش که وظیفه عمر است، تنها در یک شب و زمان معین اکتفا ننماید. و تصور کند که امروز یا امشب آخرین مرحله زندگی اش می باشد و فرصتی برای فردا که بتواند در انجام اعمال نیکو خود را از آتش جهنم و قایه کند در اختیارش قرار داده نخواهد شد. به این سفارشات رسول الله ﷺ توجه کنید: کسی که نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت: ای رسول خدا! من را با الفاظ کوتاه نصیحت کن! رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه برای ادای نماز برخواستی چنان نمازی بخوان که گویا آخرین نماز تو می باشد، سخنی نزن که فردا (در قیامت) از آن عذر خواهی کنی، و از آنچه در دست مردمان است مایوس باش^۱، یعنی: از مردم طمع نداشته باش که برای چیزی بدهند و به تقسیم الله عزوجل قناعت داشته باش! بلی؛ هرگاه مسلمان به یقین بداند که این آخرین نمازی است که در زندگی می خواند، چگونه نمازی خواهد خواند؟ شکی نیست که این شخص علاوه بر مراعات شروط و ارکان این نماز؛ آنرا از

۱ مسند احمد (۲۳۴۹۸) سنن ابن ماجه (۴۱۷۱) صحیح الترغیب والترهیب (۳۳۵۰) حسن لغیره.

اول تا اخیرش باحضور قلب، ترس از عذاب الهی، تعظیم و محبت با او سپری می کند. و هرگاه مسلمان بداند که این آخرین رمضانی است که زنده خواهد بود هرگز تنبلی را بر خود راه نمی دهد و با خوشحالی و شادمانی از رمضان استقبال می کند و در انجام انواع عبادت ها تلاش بیشتر می ورزد، مخصوصاً شب های دهه اخیر رمضان به عبادت الله عزوجل زنده می دارد و هرگز خواب نمی شود.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱: اثبات وحی و نبوت، بنابراین: قرآن کریم کتاب الله عزوجل است و محمد ﷺ رسول او میباشد.

۲: فضیلت شب قدر و فضیلت عبادت در آن

۳: ترغیب بر زنده داشتن شب های دهه اخیر رمضان، مخصوصاً شب های (۲۱-۲۳-۲۵-۲۷-۲۹)

۴: ای برادر و خواهر مسلمان! از همین امروز نیت واراده کن براین که: شب های دهه اخیر رمضان های باقی عمرم را اگر زنده باشم ان شاء الله کاملاً در عبادت الله عزوجل سپری میکنم و خواب نمی شوم، مخصوصاً رمضانی که در حال آمدن است، شاید این آخرین رمضان از عمر تو باشد و سال بعدی تو آنرا در نیابی.

۵: آنچه از محافلی که در برخی مساجد در شبهای (۲۱-۲۳-۲۵-۲۷-۲۹) دهه اخیر رمضان بخاطر زنده داشتن شب قدر و تجلیل از آن ترتیب داده می شود، و در آنها شعر، قصیده و غزل می خوانند، شرعاً اساسی برایش وجود ندارد، از اشتراک در این محافل خود داری شود، زیرا روش درست بجا آوردن عبادات تنها در پیروی نمودن از رسول الله ﷺ منحصر است، رسول الله ﷺ فرمودند: هر بدعت و نوآوری (در دین) گمراهی است...^۱

۱ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۸۶۷

۶: رسول الله ﷺ فرمودند: در هر شب (ماه رمضان) الله عزوجل آزاد شدگانی را از جهنم دارد^۱ - من وتوتلاش کنیم تا در این رمضان ان شاء الله از این آزادشدگان از جهنم قرار بگیریم.

۷: مقدار ثواب در عبادات تنها از جانب الله عزوجل تعیین گردیده و رسول الله ﷺ آنرا ابلاغ می کنند، بنابراین: هرکسی بر عبادتی مقدار ثوابی را تعیین نماید که از جانب رسول الله ﷺ بیان نگردیده باشد، از جمله افترا کنندگان بر الله عزوجل است.

۱ سنن ابن ماجه، شماره حدیث: ۱۶۴۲ - مرقاة المفاتیح شرح مشکوة المصابیح - کتاب الصوم - ج: ۴، ص: ۱۳۶۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(به نام الله مهر گستر مهربان)

نام سوره: بینه

مکان نزول: مدینه منوره

شمار آیات: ۸

تعداد کلمات: ۹۴

اعداد حروف: ۳۹۰

وجه نام گذاری این سوره: این سوره بینه (دلیل آشکار) نامیده شده زیرا در آن یاد آوری از دلیل روشن شده است که در تفسیر آن ان شاء الله توضیح داده خواهد شد.

اجمالاً مطالبی که این سوره در برگیرنده آنست:

- ۱: بیان موقف اهل کتاب (یهود و نصاری) و مشرکین در برابر دعوت رسول الله ﷺ
- ۲: نمایان کردن هدف اساسی دین که آن عبارت از اخلاص عبادت برای الله عزوجل میباشد

۳: توضیح سرنوشت کافران و مومنان.

این سوره مبارکه به بیان چهار حقیقت زیر اشاره دارد:

- ۱- بعثت رسول الله ﷺ جهت آشکار ساختن گمراهی های اهل کتاب و مشرکان و مبارزه با آنها امر ضروری بود.
- ۲- پراکندگی اهل کتاب سبب سلب توفیق از آنها گردید
- ۳- دین اصل آن یکی است، بندگان در تمام شرایع آسمانی مأموریت یافته بودند تا مخلصانه و حقگرایانه الله عزوجل را بپرستند.
- ۴- بیان احوال مردمان در برابر این پیامبر ﷺ.

فضیلت آن :

رسول الله ﷺ برای ابی پسرکعب فرمودند: الله عزوجل برای من دستور داد تا : (لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ...) را بر تو بخوانم، ابی پسرکعب گفت: آیا الله عزوجل نام من را گرفت؟ رسول الله ﷺ فرمودند: بلی؛ ابی شروع به گریه نمودن کرد،^۱

از مقاصد این سوره:

۱: بیم دادن مومنان از رفتن در مسیر یهودیان، نصرانیان و مشرکان

۲: منزلت رسالت رسول الله ﷺ و روشن بودن آن

موضوع: ۱- سرزنش اهل کتاب و مشرکان، ۲- لزوم تصریح بر کفر کافران و شرک مشرکان، قرآن کریم: { لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ } {۱}

(کافران اهل کتاب و مشرکان از آیین کفر دست بردار نبودند تا دلیلی آشکار بر ایشان آمد) (۱)

تفسیر: کافران اهل کتاب، (یهود و نصاری) و مشرکان از سایر ملت ها همیشه بر کفر خود ثابت بودند و گذر زمان جز کفر و گمراهی بر آنان نیفزود تا اینکه دلیل روشنی به آنها رسید، مراد به دلیل روشن، رسول الله ﷺ میباشد، زمانی که ایشان به رسالت مبعوث شدند، بعضی از آنها مسلمان شدند و بعضی دیگر بر کفر خود اصرار ورزیدند، در آیت بعدی این دلیل روشن تفسیر میگردد. امام ابن کثیر در تفسیرش می نویسد: «اهل الکتاب» یعنی: یهودیان و نصرانیان، «المشرکین» یعنی: بت پرستان و آتش پرستان از عربها و عجم ها، پایان نقل، «البینه» آنچه که حق به وسیله آن واضح شود و مراد از آن در این جا رسول الله ﷺ است.

موضوع: ۱- تفسیر بینه (دلیل روشن)، ۲- اثبات رسالت رسول الله ﷺ، ۳-

فضیلت تلاوت قرآن کریم، ۴- جایگاه رفیع قرآن کریم،

قرآن کریم: { رَسُوْلٌ مِّنَ اللّٰهِ يَتْلُوْ صُحُفًا مُّطَهَّرَةً } {۲}

۱ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۴۹۵۹- ۴۹۶۰

(فرستاده ای از جانب خدا که [بر آنان] صحیفه های پاک را تلاوت کند)

تفسیر: این دلیل روشن؛ بعثت پیامبر ما محمد رسول الله ﷺ است، که قرآن کریم را بر آنها می خواند، قرآنی را که در صحیفه ها نوشته شده و از ناپاکی، پلیدی، کفر، باطل و دستبرد شیاطین محفوظ است، رسول الله ﷺ قرآن کریم را از حافظه ذهنی و قلبی خود بر گوشهای آنان می خواند، نه از روی نوشته،^۱

موضوع: نبود انحراف و کجی در قرآن کریم

قرآن کریم: { فِيهَا كُتِبَ قَيِّمَةٌ } {۳} (که در آنها نوشته های استوار و درست است)

تفسیر: در آن صحیفه ها خبرهای راستین، احکام منصفانه، داستانهای پند آمیز و دستورهای که مصالح و منافع دنیا و آخرت بشریت در تطبیق آنها نهفته است، قرار دارد. و در آنها هیچ کجی و انحرافی از حق وجود ندارد، بلکه همگی صواب، نور، برکت، و هدایت است، که مردمان را به سوی حق و راه راست رهنمایی می کند.

موضوع: ۱- نکوهش پراکندگی و اختلاف در دین، ۲- اثبات کتب دیگر آسمانی

قرآن کریم: { وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ } {۴}

(و اهل کتاب دستخوش پراکندگی نشدند مگر پس از آنکه برهان آشکار برای آنان آمد) (۴)

تفسیر: اهل کتاب بعد از بعثت رسول الله ﷺ و شناختن حق دچار اختلاف و پراکندگی شدند و به دسته ها، و گروه های متعدد تقسیم شدند، درحالیکه پیش از بعث ایشان، همه انتظار نبی آخرالزمان (محمد ﷺ) را می کشیدند که در کتب ایشان خبر داده شده بود، این بار نخست آنها نیست که بعد از آشکار شدن حق پراکنده شده و در دین اختلاف می ورزند، بلکه این عناد و سرکشی بارها و بارها در گذشته ها از آنها تکرار شده است، بعد از اینکه پیامبری برای شان فرستاده می شد، باهم اختلاف می ورزیدند، دین الله عزوجل را تحریف، تغییر و تبدیل می نمودند مگر آنچه موافق خواسته های آنها می بود، البته از اهل کتاب کسانی هم بودند که به مجرد دیدن رسول الله ﷺ ایمان آوردند، مثل: عبدالله بن سلام رضی الله عنه و یارانش و

۱ در آیه مبارکه « رسول » ذکر شد، به این خاطر: ۱: تا در مورد ایشان کوتاهی صورت نگیرد و حرمت گذاری شوند، ۲: غلو و زیاده روی با ایشان نشود چنانچه با عیسی علیه السلام زیاد روی، از حد گذری و گزافه گویی صورت گرفت که وی را مثل خدا قراردادند.

این شخصیت از جمله علمای طراز اول یهود بود، همچنان از نصاری؛ نجاشی فرمانروای حبشه نیز به رسول الله ﷺ ایمان آورد. از مشرکان قریش هم شمار زیادی ایمان آوردند.

وجوب پرهیز از پراکندگی و تفرق:

رسول الله ﷺ فرمودند: بني اسرائيل به هفتاد و دو فرقه متفرق و پراکنده شدند و امت من به هفتاد و سه فرقه پراکنده میشوند، همه در جهنم داخل می گردند مگر یک ملت، صحابه رضی الله عنهم گفتند: این کدام ملت است؟ رسول الله ﷺ فرمودند: آنچه (از عقیده و عملی) که من و اصحاب من بر آن استوار می باشیم^۱ یعنی: فرقه نجات یابنده از جهنم کسانی می باشند که در عقیده و عمل پیروی از رسول الله ﷺ می کنند،

موضوع: آنچه که از اهل کتاب خواسته شده بود:

قرآن کریم: { وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ } {۵}

(و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را پرستند در حالیکه دین خود را برای او خالص گردانند و از شرک و بت پرستی به توحید و دین ابراهیم روی آورند، و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند و این است آیین راستین) (۵)

تفسیر: اهل کتاب در تورات و انجیل فرمان نیافته بودند جز آنکه الله عزوجل را مخلصانه پرستند، و تنها شریعت او را آیین و منهج در زندگی خود بدانند، در همه عبادات هدف شان رضایت الله عزوجل باشد، و از تمام ادیانی که مخالف توحید رب العالمین باشد بیزاری بجویند، و فرمان نیافته بودند جز اینکه نماز را بروشی که از آنها خواسته شده بود برپا بدارند و همچنان زکات را طوریکه ماموریت یافته بودند بپردازند.

۱ سنن ترمذی، شماره حدیث: ۲۶۴۱- تراجمات الالبانی، ج: ۱، ص: ۲۱- المعجم الکبیر للطبرانی (۶۲)- شرح السنه للبیہقی (۱۰۴)- الجامع الصحیح للسنن والمسند، المؤلف: صہیب عبد الجبار- ج: ۲، ص: ۳۲۲- أرشیف ملتقى أهل الحديث - ۲- ج: ۴۲، ص: ۲۵۱

این توحید، بیزاری از شرک و اخلاص در عبادت، اساس دین همه انبیای الله عزوجل بوده است و تنها همین آیین مستقیمی میباشد که رضایت پروردگار به وسیله تطبیق آن حاصل می شود و انسان را به جنت وصل می کند.^۱

این آیه مبارکه دلیلی بروجوب نیت در عبادات می باشد، زیرا اخلاصی که به آن فرمان یافته بودند، عمل قلبی است.

امام طبری از امام قتاده در تفسیر: (وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ) چنین روایت نموده است: این دینی است که الله عزوجل پیامبر خود را به آن فرستاده، شریعت خود قرار داده، و آنرا پسندیده است.

امام ابن کثیر در ادامه تفسیر این آیه کریمه می نویسد: بسیاری از ایمه مثل زهری و شافعی از این آیه استدلال می کنند که اعمال در ایمان داخل است.

موضوع: بدترین مخلوق:

قرآن کریم: { إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ } {۶}

(کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند [و] در آن همواره می مانند آنان بدترین آفریدگان هستند) (۶)

تفسیر: به یقین کسانی که از یهودیان، نصرانیان و مشرکان که بعد از بعثت رسول الله ﷺ به ایشان ایمان نیاوردند و کافر شدند، مجازات اخروی همه آنها اینست که: در آتش جهنم برای همیشه ماندگار خواهند بود، و این ها بدترین مخلوق هستند، یعنی: از خوک ها، سگ ها، مارها و... بدتراند، این گروه ها و کسانی که مسیر آنها را تعقیب می کنند اگر توبه نکنند، مستحق سه نوع عقوبت می شوند،

۱: آتش جهنم، ۲: همیشه ماندن در آن، ۳: موصوف شدن به بدترین مخلوق الله عزوجل، بنابراین: از آنها غیر از شرارت، بدکرداری، بدخواهی و فتنه انگیزی دیگر چیزی توقع نداشته باشید، جهنم: اسمی از اسم های آتش است.

۱ ولی اهل کتاب این منهج را ترک کردند، طوریکه یهود عزیر را پسر الله عزوجل دانستند و نصاری عیسی را خدا گرفتند

موضوع: بهترین مخلوق:

قرآن کریم: { إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ } {۷}

(در حقیقت کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند آنان بهترین آفریدگان هستند) (۷)

تفسیر: یقیناً کسانی که به الله عزوجل و آنچه نازل فرموده ایمان آوردند و با اخلاص مندی و پیروی از رسول مبعوث ﷺ کردارهای شایسته انجام دادند، بهترین مخلوقات می باشند. امام ابن کثیر در ادامه تفسیر این آیه کریمه چنین می نویسد: ابوهریره و گروهی از علما از این آیه استدلال میکنند که: فضیلت مومنان از ملائکه بیشتر است. امام نسفی رحمه الله نیز در تفسیر این آیه مبارکه می نویسد: « خَيْرُ الْبَرِيَّةِ » دلالت بر این امر می کند: مومنان از بشر بر فرشتگان فضیلت دارند.^۱

موضوع: ۱- پاداش بهترین مخلوق، ۲- فضیلت ترس از الله عزوجل، ۳- رضایت الله عزوجل به وسیله ایمان و عمل صالح حاصل می شود.

قرآن کریم: { جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ } {۸}

(پاداش آنان نزد پروردگارشان باغهای همیشگی است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است جاودانه در آن می مانند الله از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنود این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد) (۸)

تفسیر: پاداش این مومنان در نزد پروردگارشان باغهای بهشتی است ورود بارهای از آب، شیر، شراب و عسل که در زیر قصرها و درختهای آن جریان دارد، و آنها برای همیشه در آنجا ساکن می شوند، الله عزوجل از این مومنان بخاطر این عقیده و اعمال نیک شان خشنود است، و آنها هم بخاطر نعمت های که الله عزوجل به آنان داده از او خشنود می باشند. این پاداش های نیک، خوشی ها، و نعمت ها برای هرکسی که از الله عزوجل بترسد و از او فرمان برداری نماید، آماده شده است، بنابراین: برای کسانی که ایمان آوردند و کردارهای نیک انجام دادند، چهار نوع امتیاز

۱ خواص بشر که انبیا می باشند از خواص فرشتگان که جبرئیل، میکائیل و اسرافیل می باشند بهتر اند، خواص فرشتگان از عوام مومنان از بشر بهتر اند و عوام مومنان از بشر از عوام فرشتگان بهتر می باشند، والله اعلم. به تفسیر النسفی (مدارك التنزيل وحقائق التأويل) المؤلف: أبو البركات عبد الله بن أحمد بن محمود حافظ الدين النسفی (المتوفى: ۷۱۰هـ) سورة النساء آية (۱۷۲)، مراجعه شود.

و عده داده است، ۱: بهتر شدن از همه مخلوقات، ۲: دخول جنت، ۳: همیشه ماندن در جنت، ۴: رضایت الله عزوجل،

خشية: ترس از الله عزوجل همراه محبت و تعظیم.

رهنمائی ها، احکام و عمل

۱: لزوم تصریح بر کفریهودیان، نصرانیان، و مشرکان

۲: بعثت رسول الله ﷺ جهت رهنمائی مردم امر ضروری بود

۳: پراکندگی و اختلاف در دین از اوصاف زشت یهود و نصاری بود، بنابراین: بندگان الله عزوجل ترغیب داده شوند تا بر قرآن مجید و احادیث صحیح پیامبر ﷺ جمع شوند، از پراکندگی و اختلاف بیم داده شوند.

۴: در تمام شرایع آسمانی دستور به اخلاص و یکتاپرستی داده شده است

۵: ستیزه، و حسادت سبب سلب توفیق از بنی اسرائیل شد

۶: بیان جزای کسی که به الله عزوجل کفر ورزد،

۷: بیان پاداش مومنان

۸: فضیلت ترس از الله عزوجل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

سورة زلزال

نام سوره: زلزال

مکان نزول: مدینه منوره

شمار آیات: ۹

تعداد کلمات: ۳۵

اعداد حروف: ۱۴۹

وجه نام گذاری این سوره: این سوره را زلزله و زلزال می نامند، زیرا: در آغاز آن خبر از وقوع زلزله بزرگی که جهت برپاساختن قیامت می شود، داده شده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره مبارکه در برگیرنده آنست:

اسلوب و موضوع این سوره مدنی با اسلوب و موضوع سوره های مکی در بیان وحشت های قیامت و سختی های آن همانندی دارد^۱، این سوره دو مطلب را بیان می کند

۱: بیان وقوع زلزله بزرگ و اضطراب شدید زمین در روز قیامت که هر چیز را درهم می شکند و نابود میکند، بیرون شدن مردگان از قبرهای شان، گواهی دادن زمین از تمام اعمالی که بررویش انجام یافته است،

۲: خبر از رفتن انسانها به موقف محشر جهت محاسبه و مجازات بر اعمالشان و تقسیم آنها به نیک بختان و بدبختان.

۱ امام آلوسی در تفسیرش میگوید: دیدگاه ابن عباس، مجاهد و عطاء - رحمهم الله - اینست که این سوره مکی است- و دیدگاه قتاده و مقاتل- رحمهما الله - بر اینست که این سوره مدنی است.

سبب نزول: کافران در مورد قیامت واحوال آن زیاد سوال می کردند، در نزول این سوره برخی از علامات آن روز بیان شد.

از مقاصد این سوره:

۱: ترغیب بر انجام اعمال نیک و پرهیز از اعمال بد

۲: کوبیدن قلب های غافل جهت یقین به محاسبه اعمال و شمارش آن

موضوع: خبر از وقوع بزرگترین حادثه (بخاطر برپا ساختن قیامت)

قرآن کریم: { إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا } { ۱ }

(وقتی که زمین به لرزش شدید خود لرزانده شود)

تفسیر: این آیه مبارکه از آنچه در روز قیامت اتفاق می افتد چنین خبر میدهد: هنگامیکه لرزانده شود زمین بالرزش سخت خود، هیچ زلزله با این برابری نمی کند، این زلزله مثل زلزله های معمولی در دنیا نیست که در یک بخش از زمین رخ دهد و در بخش دیگر از آن رخ ندهد، زلزله که بعد از آن دیگر هیچ زلزله نمی باشد، امام ابن جریر طبری و امام بغوی رحمهما الله در تفاسیر خود می نویسند: این زلزله برای برپا ساختن قیامت است.

موضوع: فرمان پذیری زمین

قرآن کریم: { وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا } { ۲ } (وزمین بارهای سنگین خود را بیرون کند) تفسیر: زمین موجوداتی را که در میانش دارد؛ مثل: مردگان و گنج های که در شکمش قرار داده همه را بررویش بیرون می افکند تا برای روز قیامت آماده شوند.

رسول الله ﷺ فرمودند: زمین پاره های جیگر خود را از طلا و نقره مثل ستونها بیرون می افکند، دزد می آید و میگوید: بخاطر این (مال) دست من بریده شد، شخص قاتل می آید و میگوید: به خاطر این (مال) انسان بیگناهی را کشتم، قطع کننده صله رحم می آید و میگوید: به خاطر این (مال) پیوند خویشاوندی را قطع کردم، این افراد همه

این ثروتها را باقی می گذارند و چیزی از آن نمی گیرند.^۱ در مرقاة المفاتیح شرح مشکوة المصابیح چنین ذکر شده است: شاید در این حدیث اشاره به سورة زلزال باشد.^۲

موضوع: وحشت انسان در آن روز

قرآن کریم: { وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا } {۳} (وانسان گوید: این زمین را چه شده است؟)

تفسیر: در آن روز انسان را حیرت و وحشت فرا می گیرد و در آن وقت هر انسانی می گوید: زمین برای چه به لرزه در آمده و بارهای سنگین خود را بیرون افکنده است،^۳ امام نسفی - رحمه الله - در تفسیرش میگوید: بیان این سخن از مردم در وقت نفخة دوم است که زمین به لرزه افتد و مردگان را زنده بیرون افکنند...

موضوع: ۱- گواهی دادن زمین. ۲- پاسخ زمین به سوال انسان.

قرآن کریم: { يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا } {۴} (در آن روز زمین خبر های خود را اظهار کند)

تفسیر: زمین در آن روز که سرآغاز قیامت است به همه اعمال خوب و بد، حق و باطلی که بررویش انجام یافته خبر می دهد تا بر نفع و یا ضرر هریک از مکلفان گواه باشد همانگونه که الله عزوجل برای زبان در دنیا قدرت تکلم را بخشیده است، همان طور پوست و جود انسان را در روز قیامت به سخن در می آورد، و برای زمین نیز قدرت سخن زدن را می دهد. تا بعد از ختم دوره ماموریتش گزارشات خود را به طور کامل نزد الله عزوجل تقدیم بدارد، آیا سخن زدن برای زمین از رویانیدن گیاهان، غلجیات، میوه جات، بیرون شدن چشمه ها و... دشوار تر و عجیب تر می باشد؟ نه خیر! همین اکنون زمین در فراهم ساختن تمام منافع و مصالح بشریت دارد با بشریت به اذن الله عزوجل سخن می زند.

(۱) سنن ترمذی، حدیث شماره: ۲۲۰۸- صحیح ابن حبان، ۶۶۹۷- التعليقات الحسان علی صحیح ابن حبان، ۶۶۶۲

(۲) جهت تحقیق بیشتر به: اکمال المعلم بفوائد مسلم، ج- ۳- ص- ۵۳۳، مراجعه شود.

(۳) امام قرطبی رحمه الله- در تفسیرش می نویسد: گفته شده که مقصد از این آیه مبارکه هر انسانی که در وقت نفخة اول از مسلمان و یا کافر این حالت را مشاهده می کنند، این سوال را می کند و این در صورتی است که این زلزله از جمله علامات قیامت قرار داده شود، دیدگاه دوم اینست که: این زلزله قیامت است، مومن به این باورمند است سوال نمی کند، کافر منکر است و سوال می کند. به تفسیر امام نسفی - رحمه الله - نیز مراجعه شود همین گونه مطلب را افاده میکند. مولوی محمد گل ده شکری سلمه الله الولی. پنجشنبه (۹) رجب (۱۴۴۶) ساعت؛ ۵:۵۳ بعد از نماز شام.

بر انسان چهار گواه وجود دارد:

گواه اول: زمین

همین زمینی که انسان بر رویش راه می رود، می خورد، می نوشد، می خوابد، ظلم میکند، غصب می کند، رشوت می خورد، می زند، میکشد، دزدی میکند، عدالت می کند، نماز می خواند، جهاد میکند، حج میکند، بر نفع و یا ضرر وی شهادت می دهد، بلی روزی فرا می رسد که این زمین تمام اسرار انسان فاسق را فاش میکند و او را رسوا می سازد. چنانکه در شهادتش به نفع انسان فرمان بر دار وی را سر بلند می گرداند.

گواه دوم: فرشتگانی که همیشه در کنار انسان قرار دارند، اعمال نیک و بد او را می بینند و می نویسند، پس باید هر انسان مکلف، خواهر و برادر متوجه و مراقب گفتار و کردار خود باشد.

گواه سوم:

اعضای وجود انسان (زبان، چشمها، گوشها، دستها، پاها، و...) از نعمت های میباشد که الله عزوجل برایش عنایت فرموده است، و این اعضا در روز قیامت به نفع و یا ضرر انسان شهادت داده و گزارشات شانرا بعد از ختم دوره مأموریت به نزد الله عزوجل تقدیم می کنند، بر حال آن انسانی تاسف باید خورد که در قیامت دستش بگوید: ای پروردگار! به وسیله من زن بیگانه را مساس نمود، یا چشمش بگوید: ای پروردگار! به وسیله من به طرف زن نامحرم نگاه کرد. و...

گواه چهارم: الله عزوجل

الله عزوجل بر هر حالت انسان آگاه و گواه میباشد، چنانچه در کتابش فرموده است: **...إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا**^۱ (بیگمان الله عزوجل بر هر چیزی حاضر و ناظر و مراقب رفتار و کردار شما بوده و می باشد)^۲.

(۱) سورة نساء آیه: (۳۳)

(۲) جهت توضیح بیشتر: آرشیف منتدى الألوكة - ص ۵۶۵۱۶ - مراجعه شود- تم تحمیل فی: المحرم ۱۴۳۲ هـ = دسامبر ۲۰۱۰ م هذا الجزء یضم: أخبار الكتب مكتبة المجلس مجلس المخطوطات • مجلس الصوتيات والمرئيات العلمية مجلس طالبات العلم • استراحة المجلس ملاحظة: [تجد رابط الموضوع الذي تتصفح، أسفل يسار شاشة عرض الكتاب، إذا ضغطت على الرابط ينقلك للموضوع على الإنترنت لتطالع ما قد يكون جد فيه من مشاركات بعد تاريخ تحميل الأرشيف .. ويمكنك إضافة ما تختاره منها لخانة التعليق في هذا الكتاب الإلكتروني إن أردت]

رابط الموقع: <http://majles.alukah.net>

موضوع:

۱: فرمان برداری زمین از دستور الله عزوجل

۲: وقوع این رخداد تصادفی و خود به خودی نیست:

قرآن کریم: { بَانَ رَبِّكَ أَوْحَىٰ لَهَا } {۵} (چرا که پروردگارت به او وحی کرده است).

تفسیر: چون پروردگار تو به زمین دستور داده تا آنچه روی آن انجام یافته را گواهی دهد و زمین هم از فرمان الله عزوجل سرپیچی نکرده و آنرا به اجرا می گذارد. مثلیکه پیش از این در دنیا ماموریت خود را مطابق فرمان به شکل منظم، سنجیده و بدون تاخیر انجام می داد.

موضوع: ۱- احوال مردم در این روز: ۲- سبب زنده شدن بعد از مرگ:

قرآن کریم: { يَوْمَئِذٍ يَصُدُّ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّیُرَوْا أَعْمَالَهُمْ } {۶}

(در آن روز مردم گروه های متفرق از قبر ها بیرون می آیند، تا اعمال شان به آنان نشان داده شود).

تفسیر: در آن روز گروه های مختلف مردم بعد از داوری الله عزوجل در بین شان از موقف حساب به سوی جنت و دوزخ باز می گردند، تا نتایج کردارها، گفتارها و باور های نیک و بد خود را بدانند.

موضوع: در یافت پاداش طاعت (اگرچه اندک باشد)

قرآن کریم: { فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ } {۷}

(پس هر کس به اندازه ذره ای نیکی کرده باشد آن را می بیند).

تفسیر: پس هر کس همسنگ ذره (مورکوچکی، ویا غباری) کار نیک کرده باشد آن کار نیک برایش نشان داده می شود و پاداش آن را در نزد پروردگارش در می یابد، مشروط براینکه ایمان و اعمال نیک خود را به سبب کفر و شرک باطل نکرده باشد، زیرا: شرک ورزیدن، اعمال نیک انسان را نابود میکند. ولی شایان ذکر است که: الله عزوجل در دنیا برای کافر در برابر اعمال نیکش رزق او را فراخ می سازد، رسول الله ﷺ فرمودند: الله عزوجل از پاداش عمل نیکی که مومن انجام داده کم نمی کند، در دنیا به سبب

آن عمل به وی روزی (وبرکت) می دهد و در آخرت نیز برایش پاداش می دهد، اما کافر به سبب کارهای نیکش به او روزی داده میشود و در آخرت هیچ نیکی و ثوابی برایش نمی باشد.^۱

(برخی) مسلمانان فکر می کردند که در برابر اعمال نیک کوچک ایشان مثل چیز اندکی که از طعام به مساکین می دهند پاداش در یافت نخواهند کرد، ولی نزول این آیه آنها را به ثواب این اعمال امید وار کرد^۲

برخی احادیث صحیح در تفسیر این آیه:

۱: رسول الله ﷺ فرمودند: هرگز از انجام اعمال نیک چیزی را حقیر و اندک نشمار ...^۳

۲: رسول الله ﷺ فرمودند: تبسم تو در چهره برادر مسلمانان صدقه است، آب دادن تو به مسلمان صدقه است، امر به معروف ونهی از منکر برای تو صدقه است، دور ساختن سنگ، خارو استخوان از عبورگاه مردم برای تو صدقه است ...^۴

۳: رسول الله ﷺ فرمودند: ... با صدقه دادن نصف خرما وجود خود را از آتش جهنم حفاظت کنید...^۵

موضوع: در یافت مجازات گناه (اگرچه اندک باشد)

قرآن کریم: { وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ } { ۸ }

(و هر کس به اندازه ذره ای بدی کرده باشد آن را می بیند.)

تفسیر: و هر کس همسنگ ذره (مورکوچکی، ویا غباری) کار بد کرده باشد، آن کاربرد برایش نشان داده می شود و جزای آن را نزد پروردگارش (اگر بخشیده نشده باشد) در می یابد^۶ - کعب احبار میگوید: الله عزوجل بر محمد ﷺ دو آیه نازل فرمود که تمام آنچه را که در تورات، انجیل، زبور و صحیفه ها و جود داشت در بر می گیرد، سپس

۱ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۸۰۸ - صحیح ابن حبان، ۳۷۷ - مسند احمد، ۱۲۲۶.

۲ جهت توضیح بیشتر به تفسیر امام ابن کثیر - رحمه الله - مراجعه شود.

۳ صحیح ابن حبان، شماره حدیث: ۵۲۳ - صحیح الترغیب والترهیب؛ شماره حدیث: ۲۶۸۷

۴ صحیح ابن حبان، شماره حدیث: ۵۲۹ - ۴۷۴ - صحیح ادب المفرد، شماره حدیث: ۶۸۸ / ۸۹۱

۵ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۱۴۱۳

۶ امام نسفی رحمه الله در تفسیرش می نویسد: گفته شده این آیه در مورد کافران است و آیه قبل آن در مورد مومنان است...

دو آیه اخیر این سوره را خواند، برخی مسلمانان گمان می کردند که آنها در برابر گناهان کوچک شان مثل یک نگاهی به زن نامحرم کردن و یا یک مرتبه غیبت کسی را نمودن و یا گفتن یک دروغی مورد سرزنش قرار نخواهند گرفت، ولی نزول آیه آنها را از ارتکاب این اعمال هشدار داد.^۱

برخی از احادیث و آثار صحیح در تفسیر این آیه:

۱: رسول الله ﷺ برای ام المومنین عایشه رضي الله عنها فرمودند: از گناهان کوچک پرهیز کن! زیرا: بنده در ارتکاب آن مورد بازخواست قرار می گیرد.^۲ - در مرقاة المفاتیح در شرح این حدیث چنین ذکر گردیده است: ارتکاب صغایر (گناهان کوچک) نوعی از عذاب را به دنبال دارد...^۳

۲: رسول الله ﷺ فرمودند: از گناهان کوچک پرهیز کنید، صفت گناهان کوچک مثل قومی است که در یک وادی بخاطر پختن غذا فرود آمدند، هرکدام از آنها چوبی را برای روشن کردن آتش جمع آوری نمود (که بعد از جمع آوری مقدار زیادی از چوبها، آتش را روشن کردند و غذای خود را پخته نمودند) و یقیناً در گناهان کوچک هرگاه مرتکب آن مورد مواخذه قرار گیرد وی را هلاک می سازد^۴ (چنانچه که از یکجا شدن چوبها آتشی روشن میشود همچنان جمع شدن گناهان صغیره سبب هلاکت انسان می گردد)

۳: انس رضي الله عنه می گوید: شما اعمالی را انجام می دهید و (مثل موی) بی ارزش می دانید، در حالیکه ما آنرا در زمان رسول الله ﷺ از جمله اشیای هلاک کننده می دانستیم،^۵ - در فتح الربانی به نقل از محمد بن سیرین در شرح این حدیث، اسباب ازار (دراز کردن پیراهن و تنبان تا بجلک پاهای مردان) را از اسباب هلاکت می داند^۶ - هدف انس رضي الله عنه نهی از ارتکاب گناهان صغیره می باشد، زیرا کوه ها از سنگ ریزه ها ساخته شده است، وقتی از ابراهیم علیه السلام در قیامت

۱ این مطلب برگرفته شده از تفسیر امام ابن کثیر و تفسیر امام آلوسی - رحمهما الله - میباشد.

۲ سنن ابن ماجه، شماره حدیث: ۴۲۴۳ - السلسلة الصحيحة - ۲۷۳۱

۳ مرقاة المفاتیح شرح مشکوة المصابیح، باب البكاء والخوف، ج ۸ ص ۳۳۵۷

۴ مسند احمد، شماره حدیث: ۲۲۸۰۸ - السلسلة الصحيحة : ۳۱۰۲

۵ صحیح البخاری، باب ما یتقی من محقرات الذنوب، شماره اثر: ۶۴۹۲

۶ الفتح الربانی لترتیب مسند الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی ومعه بلوغ الأمانی من أسرار الفتح الربانی، المؤلف: أحمد بن عبد الرحمن بن محمد البنا الساعاتی (المتوفی: ۱۳۷۸ هـ) ج ۱۷ ص ۲۹۱ -

درخواست شفاعت میشود ایشان بخاطر سه دروغی که در زندگی خود گفته بودند اگرچه برای آنها وجه صحیح هم وجود داشت، از شفاعت کردن کناره گیری می ورزند.

رهنمایی ها احکام و عمل

۱: خبر از دیگرگون شدن کاینات، و بیان نشانه های قیامت: در تفسیر المنیر چنین ذکر شده است: در نفخة اول زلزله می شود و زمین گنج ها و معادن خود را بیرون می افکند، و در نفخة دوم زلزله میشود و زمین مردگان خود را زنده بیرون می اندازد، مثل اینکه فرزندان از مادر زنده تولد شود^۱

۲: سخن زدن جمادات از نشانه های قدرت الله عزوجل میباشد

۳: رسیدن فایده برای کافر به سبب عمل نیکش در دنیا و محرومیت آن در آخرت

۴: تایید حدیث: با صدقه دادن نصف خرما وجود خود را از جهنم محافظت کنید

۴: اثبات وزن عمل، عامل و صحیفه عمل در روز جزا.

۵: آگاهی حاصل نمودن به سنجش کردارها و گفتارها و شمارش آنها، انسان را به انجام هرنوع عبادت تشویق نموده و از ارتکاب هرنوع معصیت بیم می دهد، یکی از طالبان علوم دینی میگوید: هرگاه از انجام عبادت نفلی احساس تنبلی می کنم، برای خود می گویم: شاید این ذره باشد که در قیامت پله میزان من را سنگین کند، پس با علاقمندی کامل آن عبادت را انجام می دهم، اگر با ارتکاب گناه کوچکی هم روبه رو شوم با خود می گویم: شاید این ذره باشد که پله میزان گناهان من را سنگین کند، پس می ترسم و دست به ارتکاب آن گناه کوچک نیز نمی زنم. این طالب العلم چه قدر زیبا و عمیق درآیه: (۷) و (۸) این سوره تدبر نموده است!

۱ التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، المؤلف: دوهبة بن مصطفى الزحيلي، سورة مباركة: زلزال،

۶: قلب مومن از ارتکاب گناه کوچک می ترسد، زیرا قلب های فاسقان، و منافقان را کوه ها و جزیره های گناه تکان نمی دهد، چنانچه عبد الله ابن مسعود رضی الله عنه میگوید: مومن وقتی متوجه گناهانش می گردد تصور می کند که در زیر کوهی قرار دارد و ترس از سقوط کوه بر بالایش را دارد، ولی فاسق و بدکار، گناهانش را مثل مگسی می داند که بربینی آن می گذرد و آن را دور می کند^۱، بنا براین مومن از پیامد گناه می ترسد و فاسق ضرر گناه را مثل ضرر مگس ناچیز می داند.

۷- از ترسناک ترین و وحشتناک ترین حال در روز قیامت این می باشد که انسان را برانند تا تصویر اعمال زشت وی را به او نشان دهند.

۹- ای برادر و خواهر مسلمان! تو همین امروز بعد از خواندن تفسیر کتاب الله عزوجل با توبه^۲ مخلصانه از گناهانت، می توانی همه آنها را نابود کنی و حتی گناهانت را به نیکی تبدیل نمایی. پس بسوی توبه بشتاب و تاخیر نکن که دیر می شود. الله عزوجل تورا از درگاه اش نمی راند، بلکه همین اکنون دارد تورا ندا و صدا می کند که به سویش روی بیاوری. الله اکبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(به نام الله مهر گستر مهربان)

سورة عادیات

نام سوره: عادیات

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۱۱

تعداد کلمات: ۴۰

اعداد حروف: ۱۶۳

وجه نام گذاری این سوره: این سوره عادیات (اسبان دونده مجاهدین) نامیده شده است، زیرا در آغازش الله عزوجل به آنها سوگند یاد نموده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره مبارکه در برگیرنده آنست:

۱: سوگند یاد نمودن الله عزوجل براسبان مجاهدان که دلیلی بر شرافت آنها است،
۲: بیان اینکه انسان در برابر نعمت های پروردگارش ناسپاس است، درحالیکه خود این انسان نیز براین روش نادر ستش گواه میباشد.

۳: بحث از سرشت محبت مال در انسان

۴: بیان آگاهی الله عزوجل از تمام باورها و تفکرات انسانها و آشکار ساختن آنها در قیامت

۵: ترغیب بر انجام اعمال صالحه که برای انسان در روز بازگشت مخلوق به سوی الله عزوجل مفید و مثمر باشد.

بزار، ابن ابی حاتم و حاکم از ابن عباس رضی الله عنهما روایت میکنند که رسول الله ﷺ اسب سوارا نی را به یک منطقه فرستادند، تا مدت یک ماه از آنها کدام خبری

نرسید، سپس (والعادیات...) نازل شد و برای پیامبر ﷺ بشارت داده شد که این فوج بردشمن یورش بردند و سالم اند^۱ - والله اعلم

از مقاصد این سوره:

۱- ارزش جهاد در راه الله عزوجل

۲- هشدار از انکار نعمت، بخل و غفلت از روز آخرت. این سه خصلت زشت غالباً در وجود کافران و منافقان یافته می شود و مسلمانان باید از آن بدور باشند.

موضوع: ارزش اسبان دونده مجاهدین

قرآن کریم: { وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا } { ۱ } (سوگند به اسبهای دونده که نفس زنان پیش می روند)

تفسیر: قسم به اسبان دونده که به سوی میدان جهاد؛ نفس زنان پیش می روند، قسم یاد نمودن الله عزوجل به اسبانی که برای جهاد آماده شده باشد دلیلی بر فضیلت آنها و فضیلت صاحبان آنها می باشد، فواید دینی و دنیوی در وجود اسبها نهفته شده است، رسول الله ﷺ فرمودند: خیر در پیشانی اسبها تا روز قیامت بسته شده است و این خیر عبارت از ثواب و غنیمت میباشد^۲

موضوع: ۱- ارزش جرقه های سم اسبان در مسیر جهاد، ۲- ارزش آتش نبرد با کافران

قرآن کریم: { فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا } { ۲ } (سوگند به اسبهایی که جرقه ها برمی افروزند)

تفسیر: سوگند به آن اسبانی که بر اثر بر خورد سمها و نعل های ایشان به سنگها و سنگریزه ها هنگام دویدن آنها در مسیر راه جهاد جرقه ها بر می افروزند، دیدگاه صحیح اینست: الله عزوجل بر این بر افروزندگان آتش سوگند یاد نموده است:

۱- اسبانی که در مسیر راه جهاد بر اثر سم های شان آتش برمی افروزند

۲- اسبان مجاهدان که هنگام برابر شدن با کافران آتش نبرد را بر می افروزند،

۱ جهت توضیح بیشتر به تفسیر الالوسی = روح المعانی، و تفسیر قرطبی در تفسیر همین سوره مراجعه شود- از علی رضی الله عنه روایت است که مراد از عادیات شترانی که در حج دوش میکنند، از عرفه به سوی مزدلفه از مزدلفه به سوی منی، ولی عامه مفسران این دیدگاه را ندارند جهت تفصیل بیشتر به تفسیر ابن جریر طبری مراجعه شود... برخی علما این سوره را مدنی می دانند. همچنان به اسباب النزول للواحیدی: ص: ۳۳۶، والتحریر والتنوير: ۳۰ - ۴۹۷. مراجعه شود. والله اعلم.

۲ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۲۸۵۲-صحیح مسلم، شماره حدیث: ۱۸۷۳

۳- مردمانیکه به زبان ایشان آتش پیکار را بردشمن بر می افروزند و آنها را آتشبار می کنند،

۴- مردمان مجاهدی که از ناحیه تاکتیک جنگی بر کافران آسیب می رسانند و آنها را آتشبار می کنند.^۱

موضوع: ارزش یورش اسبان مجاهدان بردشمن

قرآن کریم: { فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا } {۳} (باز سوگند به اسبهایی که در صبحگاهان یورش برند)

تفسیر: همان اسبانی که هنگام صبح بر لشکریان دشمن یورش می برند، این یورش و هجوم شامل هر نوع آن را می شود. در تفسیر سعدی ذکر شده است که: یورش در هنگام صبح امر اغلبی می باشد، یعنی: یورش بر دشمن در غیر از صبح نیز می تواند تحقق یابد.

موضوع: ارزش غباری که اسبان مجاهدان بر می انگیزند

قرآن کریم: { فَأَثَرُنَ بِهِ نَقْعًا } {۴} (پس در آن هنگام گرد و غبار برانگیزد)

تفسیر: پس این اسبان در آن وقت (هنگام صبح) و در آنجا غبار زیادی را بر می انگیزند. غباری که در راه الله عزوجل بر مسلمان بنشیند ارزشمند است، رسول الله ﷺ فرمودند: بر قدم های بنده که در راه الله عزوجل غبار آلود شود آتش جهنم نمی رسد^۲ - ملا علی قاری - رحمه الله - در مرقاة المفاتیح چنین می نویسد: هرگاه غباری که در راه الله عزوجل بر وجود انسان می نشیند مانع رسیدن آتش جهنم شود؛ درجه کسی که در این راه تلاش می کند، دشمن را می کشد یا کشته می شود، چه اندازه خواهد بود؟ مراد از راه الله عزوجل که در حدیث مبارکه ذکر شده است، هر راهی که رضای الله عزوجل در آن مطلوب و مقصود باشد شامل است، مثل:

۱: راه جهاد

۲: راه طلب علم

۱ عمومیت این لفظ از تفسیر امام ابن جریر دانسته می شود به آن مراجعه شود
۲ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۲۸۱۱

۳: راه نماز جماعت

۴: راه حج

۵: راه عیادت مریض

۶: راه جستجوی رزق حلال و غیره^۱

موضوع: ارزش یورش اسبان مجاهدان در میان صفوف دشمن

قرآن کریم: (فَوَسَّطْنَاهُ بِهٖ جَمْعًا {۵}) (آنگاه به میان جمع درآیند)

تفسیر: پس این اسبان همراه سواران خود به میان سپاه دشمنان می تازند، انسجام ایشان را درهم شکسته، آنها را متلاشی و تارو مار می کنند. مجاهدانیکه در این عصر با استفاده از وسایل و ابزار جنگی امروز؛ مثل: تانکها، نفربرها، کشتیها و ناوهای جنگی بسوی کافران، مشرکان، یهودیان و نصرانیان حربی هجوم ببرند، صفوف آنها را درهم بشکنند و آنها را تارو مار کنند درمصادق این آیات داخل اند و از این فضیلت بر خوردار می باشند.

موضوع: ناسپاسی انسان

قرآن کریم: { إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ } {۶}

(محققاً انسان در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس است)

تفسیر: (این جواب قسم است) به چنین اسبانی سوگند که انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس و حق ناشناس است، مگر کسی را که الله عزوجل هدایت و حفظ کند، صاحب ایسر التفاسیر در تفسیر این آیه مبارکه چنین می نویسد: مراد از انسان کافرو جاهلی است که روح خود را به شناخت پروردگارش پرورش نداده است و نفس خود را به انجام آنچه الله عزوجل دوست دارد و ترک آنچه دوست ندارد تزکیه نکرده است^۲ - امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیرش می نویسد: این ناسپاس کسی است که دشواری های زندگی را برمی شمارد و نعمت های پروردگارش را

۱ مرقاة المفاتیح شرح مشکوٰۃ المصابیح، کتاب الجهاد، جزء (۶) صفحه (۲۴۵۸)

۲ ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر المؤلف: جابر بن موسی بن عبد القادر بن جابر أبو بکر الجزائري الناشر: مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، المملكة العربية السعودية الطبعة: الخامسة، ۱۴۲۴هـ/۲۰۰۳م عدد الأجزاء: ۵-

فراموش میکند، مناسبت این آیه مبارکه با آیات قبلی دراینست: اسب همراه صاحبش و فاداری دارد و نمک ناشناس نیست، ولی برخی انسانها با پروردگارشان بی وفایی نموده و نمک ناشناس اند.

موضوع: ۱- اعتراف انسان بر ناسپاسی اش، ۲- مراقبت الله عزوجل از انسان

قرآن کریم: { وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ } {۷} (و بی گمان او بر این گواه است)

تفسیر اول: و خود انسان نیز بخل و ناسپاسی خود را می داند و بر آن به زبان حال گواه است چون این چیز روشن و واضح است.

تفسیر دوم: الله عزوجل بر این ناسپاسی او گواه است، پس در اینجا انسان به شدت مورد تهدید قرار گرفته است طوریکه که تمام کردار و گفتارش زیر نظر می باشد.

موضوع: ۱- سرشت دوستی مال در انسان. ۲- نکوهش بخل و فریفته شدن به مال
قرآن کریم: (وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ) {۸} (و همانا او علاقه فراوان و شدیدی به مال دارد)

تفسیر: این انسان محبت زیادی به مال و ثروت دارد، این نوع محبت باعث می شود تا حقوقی که بروی واجب گردیده است را ادا ننماید، خواسته های خود را بر رضایت الله عزوجل مقدم کند، زیرا: اوناگاهش را تنها به همین جهان دوخته است^۱، به همین جهت الله عزوجل او را در آیه بعدی متوجه روز آخرت می سازد، تا از این صفات دست بردار شود. امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیرش می نویسد: مراد به «الخير» مال است، و در تفسیر این آیه دو دیدگاه وجود دارد، ۱- این انسان محبت زیادی به مال دارد، ۲- از اثر محبت با مال حریص و بخیل می باشد، و این هر دو دیدگاه در تفسیر این آیه مبارکه صحیح است^۲. امام نسفی و امام بغوی رحمهما الله در تفسیر این آیه مبارکه چنین می نویسند: انسان از جهت دوستی که با مال و ثروت دارد بخیل است^۳. امام نسفی رحمه الله در ادامه می نویسد: این انسان برای دوستی مال قوی (و علاقه مند) است و برای دوستی عبادت الله ضعیف (و کم علاقه) می باشد.

۱ قبلاً برای طلاب علوم دینی خواندن کتاب: المال فی القرآن، المؤلف: محمود محمد غریب، تو صیه شد - بلی، مسلمان از به دست آوردن مال باز داشته نشده است، بلکه از این باز داشته شده است که: مال را جمع کند و حق آنر نپردازد و این مال او را از یاد آخرت غافل سازد؛

۲ به تفسیر امام ابن کثیر در تفسیر همین سوره مراجعه شود.

۳ به تفسیر امام نسفی و امام بغوی در همین سوره مراجعه شود، این دو امام «شدید» را به (بخیل) تفسیر نموده اند.

ولی هرگاه مال برای انسان هدف نباشد بلکه وسیله باشد، اشتغال به آن انسان را از یاد آخرت غافل نسازد، مقصد کسب کننده مال این باشد که از آن به خدمت مقاصد دین کار می گیرد، در این صورت برای حصول مال از طریق مشروع در نصوص متعددی ترغیب هم داده شده است. زیرا: اگر مال نباشد؛ اسبی برای جهاد از کجا بدست می آید؟ فضیلت صدقه و قرض الحسنه از کجا حاصل می شود؟ مساجد، مدارس، معابر، بیمارستانها چگونه ساخته می شود؟ فضیلت حج و عمره چگونه در یافت می گردد، تحصیل علوم بدون مال چگونه ممکن است؟ و...

موضوع:

۱: هشدار بر این انسان ناسپاس و شیفته مال

۲: اثبات زنده شدن بعد از مرگ

۳: راه علاج از مریضی های ناسپاسی و بخل، بیداری از غفلت و آمادگی برای مرگ است.

قرآن کریم: { أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعِثَ رَمًا فِي الْقُبُورِ } { ۹ }

(آیا او نمیداند که چون آنچه در گور هاست بر انگيخته میشود)

تفسیر: آیا این انسان ناسپاس؛ نمک ناشناس و شیفته مال نمی داند که الله عزوجل مردگان را از گور های شان برای مکافات و مجازات بیرون می آورد و زنده می گرداند.

موضوع: ۱- آشکار شدن تمام اعمال قلوب، ۲- اهمیت اعمال قلوب

قرآن کریم: { وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ } { ۱۰ } (و آنچه در سینه هاست آشکار گردد)

تفسیر: و در آن وقت آنچه در سینه ها از کفر، نفاق، ایمان، خوف، رجا، توکل، نیت خوب و بد پنهان باشد آشکار می گردد، در آیه مبارکه اعمال قلوب خاص گردیده است، زیرا اعمال بقیه اعضای بدن در خوب و بد خود تابع اعمال قلوب است،

موضوع:- بشارت وهشدار

قرآن کریم: { إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ } { ۱۱ } (یقیناً در آن روز پروردگارشان به آنها کاملاً آگاه است)

تفسیر: همانا الله عزوجل به تمام اعمال پنهان و آشکار، خیر و شر همه بر انگیزته شدگان از قبور آگاه است و در برابر این اعمال پاداش و کیفرشان می دهد، با توجه بر اینکه الله عزوجل در همه اوقات از کردار و گفتار بندگان آگاه است اما به طور خاص فرمود: در آن روز از احوال آنها آگاه است، زیرا: منظور؛ دادن مکافات و مجازات برای ایشان در برابر اعمال آنها است، و این کار هم در همین روز تحقق می یابد^۱، پس این افراد ناسپاس و دلباخته مال پیش از فرا رسیدن این روز توبه کنند.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱: ترغیب در جهاد و آمادگی به آن مطابق به مقتضای زمان، مسلمانان به اندازه توانشان مکلفیت شرعی دارند تا در هر عصر تسلیحاتی بسازند که به وسیله آن از جغرافیا و سرزمین امت اسلامی (نه تنها از یک منطقه و یک کشور) پاسداری نمایند، کسانی را که مانع انتشار اسلام و دعوت به سوی آن میشوند از سر راه بردارند و دشمنان الله عزوجل را بترسانند^۲،

۲: نکوهش از ناسپاسی نعمت های الله عزوجل

۳: لزوم توجه به اصلاح اعمال قلوب (اخلاص، ترس، امید، توکل، محبت)

۴: اثبات زنده شدن بعد از مرگ و آشکار شدن راز های پنهان شده در انسان

۵: خبر دادن بر اینکه الله عزوجل از تمام کردارها، گفتارها و پندارهای ما آگاه است

۶: اثبات دواسم (رب، خیر) برای الله عزوجل.

۱ وجوه دیگر در تخصیص، اینست: ۱- یاد آوری بر این میباشد که الله عزوجل فراموش نمی کند- ۲: این آگاهی است که به دنبال خود حساب و جزا دارد- ۳: این عبارت برای تاکید شمول علم الله عزوجل در گذشته، حال و آینده میباشد.
۲ به تفسیر آیه (۶۰) سورة انفال مراجعه شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

سوره قارعه

نام سوره: قارعه

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۱۰

تعداد کلمات: ۳۶

اعداد حروف: ۱۵۲

وجه نام گذاری این سوره: این سوره قارعه (کوبنده) نامیده شده است، زیرا: قلب هارا با ذکر احوال قیامت می کوبد.

اجمالاً مطالبی که این سوره دربرگیرنده آنست:

این سوره مکی متضمن بیان بیم دادن از سختی های قیامت، پراکنده شدن مردم مثل پروانه ها، از بیخ برکندن کوها، سنجش اعمال و فرجام هرگروه از اهل سعادت و شقاوت میباشد.

از مقاصد این سوره:

بیان برخی از احوال قیامت و کوبیدن قلبها جهت آمادگی بر آن

موضوع: خبر از وقوع قیامت و بیان نامی از نامهایش

قرآن کریم: { الْقَارِعَةُ } { ۱ } (فرو کوبنده)

تفسیر: لحظه که وحشت و هیبت آن قلبهای مردمان را میکوبد.

موضوع: تفخیم و بزرگی شان قیامت (عقل از توانایی درک حقیقت آن عاجز است)

قرآن کریم: { مَا الْقَارِعَةُ } { ۲ } (چیست فرو کوبنده؟)

تفسیر: لحظه که وحشت و هیبت آن قلبهای مردمان را فرو میکوبد چگونه لحظه ایست؟

موضوع: ۱- تاکید بر بزرگی شأن قیامت، ۲- عدم آگهی رسول الله ﷺ از امورات غیبی.

قرآن کریم: { وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ } {۳} (و توجه می دانی که فرو کوبنده چیست؟) تفسیر: چه چیز آگاه کرد ترا ای رسول ما که چیست آن لحظه که وحشت و هیبت آن قلبها را فرو میکوبد؟ بلی؛ آن روز قیامت است.

موضوع: احوال انسانها در آن روز:

قرآن کریم: (يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ {۴}) (روزی که مردم مانند پروانه های پراکنده خواهند بود)

تفسیر: آن روزی است که مردمان از وحشت و هیبت آن مانند پروانگان پراکنده در این طرف و آن طرف حیران و سرگردان می گردند. چنانچه الله عزوجل در همین مورد در سوره قمر آیه (۷) فرموده که ترجمه اش چنین است: در حالیکه چشمانشان از ترس فرو افتاده همانند ملخ های پراکنده از قبرها بیرون می آیند. «فراش» حیواناتی که در شب بعضی بر بالای بعض دیگر می افتند و نمی دانند که به کدام طرف می روند، هرگاه آتشی روشن شود خود را در آن می افکنند، زیرا ادراک آنها نهایت ضعیف است، حالت انسانهای صاحب عقل در روز قیامت مثل این پروانگان است.

موضوع: احوال کوه ها در آن روز

قرآن کریم: (وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ {۵}) (وکوهها مانند پشم رنگین حلاجی شده خواهند بود)

تفسیر: وکوه های سخت و پیر صلابت همسان پشم رنگارنگ حلاجی شده می شوند پشمی که بسیار ضعیف است و آرام ترین بادی آن را به هوا می پراند. الله عزوجل در مورد سرانجام کوه ها در آیه های (۵) و (۶) سوره واقعه می فرماید که ترجمه

(۱) در قرآن کریم هر سوالی که به : ما ادراک - شده باشد ، جواب آن بیان گردیده است، جواب این از: يوم يكون الناس ... شروع می شود. ولی هرگاه سوال به : وما يدريك - باشد، جواب آن بیان نشده است ، موضوع آن از جمله غیب است، مفوض به الله عزوجل می باشد.

اش چنین است: در آن روز کوه ها سخت درهم کوبیده شده، ریزه ریزه می گردند و به صورت گرد و غبار پراکنده در می آیند.

موضوع: سنجش اعمال نیک

قرآن کریم: { فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ } { ۶ } (پس اما هرکس که کفه میزانش سنگین باشد)

تفسیر: الله عزوجل در ادامه احوال نیک بختان را بیان می کند و می فرماید: کسی که به سبب اخلاص و پیروی از رسول الله ﷺ پله های ترازوی حسنات و نیکی های اوسنگین شود. آیه مبارکه دلالت بر این می کند که: عمل در روز قیامت وزن میشود.

موضوع: ثمره اعمال نیک

قرآن کریم: { فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ } { ۷ } (در یک زندگی خوشنود خواهد بود)

تفسیر: پس او در زندگی رضایت بخشی در بهشت پرناز و نعمت برای همیشه قرار می گیرد، اعمال انسان زمانی صحیح، ارزشمند و وزین می شود که در آن دو شرط وجود داشته باشد، شرط اول: اخلاص عمل برای الله عزوجل است، زیرا شرک ثواب عمل را باطل می سازد، شرط دوم: متابعت رسول الله ﷺ میباشد، هرگاه کسی عملی را انجام داد ولی موافق روش رسول الله ﷺ نبود، این عمل سبب نجات شخص در روز قیامت نمی شود و مردود است، هیچ ثوابی بر آن مرتب نمی گردد. طورمثال کسی نماز فرض شام را قصدا بخاطر ثواب چهار رکعت بخواند درحالیکه حضور قلب و خشوع هم داشته باشد، این نماز نزد الله عزوجل هیچ ارزش و وزنی ندارد، زیرا مطابق روش رسول الله ﷺ ادا نشده است، تمام عبادات همین قسم میباشد.^۱

برخی اعمالیکه پله میزان نیکیهای انسان را سنگین میکند:

۱: بزرگی، لا اله الا الله محمد رسول الله، محبت به آن، و عمل به آنچه این کلمه از انسان می طلبد،

۱ امروز در دنیا یهودیان و نصرانیان هم در عبادتگاه های خود و خارج از آنها اعمالی را بنام عبادت انجام می دهند و باورهای را عبادت می نامند و آنها را وسیله تقرب به سوی الله عزوجل می دانند، ولی آن اعمال و باور ها عبادت نیست اگرچه در آنها اخلاص هم وجود داشته باشد و گریه هم بکنند، زیرا در این اعمال و باورها از رسول الله ﷺ پیروی نمی شود

در حدیث صحیح وارد است که: در روز قیامت این کلمه مبارکه پله میزان حسنات انسانی را سنگین می کند که قطعاً امید نجات خود را ندارد^۱

۲: رسول الله ﷺ فرمودند: دو کلمه است که گفتن آنها به زیان آسان، در ترازوی سنجش اعمال سنگین، و نزد الله عزوجل دوست داشتنی میباشد، این دو کلمه عبارت اند از: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ^۲

۳: رسول الله ﷺ فرمودند: (گفتن): الحمد لله، پله میزان اعمال را از ثواب پر میسازد، (وگفتن): سبحان الله والحمد لله، (مقدار) بین آسمان و زمین را (از ثواب) پر میکند.^۳

۴: رسول الله ﷺ فرمودند: چیزی سنگین تر در میزان؛ از اخلاق نیکو نیست،^۴

۵: رسول الله ﷺ فرمودند: کسیکه در جنازه اشتراک ورزد و تادفن آن حضور داشته باشد برایش به اندازه دو قیراط پاداش داده میشود و کسی که تنها در نماز جنازه شرکت داشته باشد برایش به اندازه یک قیراط پاداش داده میشود، سپس فرمودند: سوگند به آن ذاتی که نفس محمد به دست اوست این قیراط در میزان او از (کوه) احد سنگین تر است.^۵

۶: رسول الله ﷺ فرمودند: به به ! پنج مورد هستند که در میزان زیاد سنگین می باشند و عبارت اند از (گفتن)، ۱: سبحان الله - ۲: الحمد لله - ۳: لا اله الا الله - ۴: الله اکبر - ۵: فرزند صالحی که از مسلمان وفات میکند و این مسلمان از الله عزوجل طلب ثواب می نماید (بی تابی نمی کند)^۶

۷: خود عمل کننده نیز در آخرت وزن میشود، رسول الله ﷺ فرمودند: در روز قیامت یک انسان بزرگ و فربه حاضر می شود در حالیکه در نزد الله عزوجل به اندازه بال پشه ارزش و وزن ندارد...^۷

۱ سنن ابن ماجه، شماره حدیث: ۴۳۰۰ - سنن ترمذی - ۲۶۳۹ - این حدیث دلالت براین میکند که صحیفه اعمال نیز وزن می شود.

۲ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۷۵۶۳-۶۶۸۲.

۳ مسند احمد، شماره حدیث: ۲۲۹۰۸ - صحیح مسلم - ۲۲۳ - درمسند احمد: سبحان الله والحمد لله والله اکبر ذکر شده است.

۴ سنن ابی داود، شماره حدیث: ۴۷۹۹ و صححه الالبانی

۵ مسند احمد، شماره حدیث: ۲۱۲۰۱

۶ شعب الایمان، شماره حدیث: ۹۲۹۹ - صحیح الترغیب والترهیب - ۱۵۵۷

۷ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۴۳۶۰

روزی نزد رسول الله ﷺ افرادی بخاطر باریک بودن ساقهای پاهای ابن مسعود رضی الله عنه به او خنده کردند، رسول الله ﷺ فرمودند: قسم به آن ذاتی که نفس من به دست او است، این ساقها در میزان، از کوه احد سنگین تر است^۱ - از این حدیث مبارکه دانسته میشود که: خود عامل نیز وزن می شود.

موضوع: سنجش اعمال بد

قرآن کریم: { وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ } { ۸ } (و اما هرکس کفه میزانش سبک باشد) تفسیر: و اما کسی که به سبب پیروی از باطل پله های ترازوی حسنات و نیکی های او سبک شود.

موضوع: پیامد اعمال بد

قرآن کریم: (فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ { ۹ }) (پس پناهگاهش هاویه است) تفسیر: جایگاه و مسکن او آتش دوزخ است، به مثل مادر برای در آغوش کشیدن او دهان خود را به سویش باز نموده منتظرش است.

موضوع: ۱- بزرگی شان هاویه، ۲- عدم آگاهی رسول الله ﷺ از امورات غیبی

قرآن کریم: { وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ } { ۱۰ } (و تو چه می دانی که آن چیست؟)

تفسیر: چه چیز آگاه کرد ترا ای رسول ما که (هاویه) چیست؟

موضوع: تفسیر هاویه

قرآن کریم: { نَارٌ حَامِيَةٌ } { ۱۱ } (آتشی سوزان است)

تفسیر: آتش بزرگ بسیار گرم و سوزان که از آتش دنیا هفتاد برابر گرم تر و سوزنده تر است، رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه زمان قبض روح مومن فرا رسد، فرشتگان رحمت با ابریشم سفید نزد وی می آیند و میگویند: (ای نفس مطمئنه) بسوی رحمت و نعمت الله عزوجل بیرون شو! پس بیرون می شود در حالیکه از بوی مشک خوش بوی تر است، فرشتگان آنرا دست به دست کرده و به آسمانها می برند و می بویند تا

۱ مسند احمد، شماره حدیث: ۳۹۹۱- غایة المرام فی تخریج أحادیث الحلال والحرام، المؤلف: محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفی: ۱۴۲۰هـ) شماره حدیث: ۴۱۶- وحسنه الشیخ شعیب الارنؤوط.

اینکه او را به دروازه آسمان می برند، فرشتگان آنجا می گویند: چیست این بوی خوش که از طرف زمین آمده؟ به هر آسمانی که آنرا بالا می برند، فرشتگان آنجا این سخن را می زنند، تا اینکه آنرا بجای می برند که ارواح مومنین آنجا است آنها با آمدن این روح نزدشان از کسانیکه مسافرشان به خانه بازگشته خوشحال تر می شوند، بعضی از ارواح مومنان از این قادم (نفس تازه وارد) سوال میکنند: فلان چه کرد (او در چه حالتی قرار دارد)؟... این قادم می گوید: او مرده است اینجا نیامده است؟ بعضی دیگر از ارواح مومنان می گویند: او به سوی مادرش هاویه برده شده است...^۱

رهنمایی ها احکام و عمل

۱: اثبات عقیده به روز قیامت و هشدار از سختی های آن روز که حتماً فرامی رسد

۲: فرا رسیدن تغییر بزرگ در کاینات و نابود شدن کوه ها

۳: اثبات عقیده سنجش اعمال نیک و بد

۴: بیان دو شرط صحت اعمال (اخلاص و اتباع رسول الله ﷺ)

۵: اثبات این باور که: مردم در آن روز به دو فرقه (جنتیان و دوزخیان) تقسیم می شوند.

۶: شدت گرمی آتش سوزان جهنم

۱ التعلیقات الحسان علی صحیح ابن حبان و تمییز سقیمه من صحیحه، وشاذه من محفوظه، شماره حدیث: ۳۰۰۳
مؤلف الأصل: محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مقبذ، التمیمی، أبو حاتم، الدارمی، البستی (المتوفی: ۳۵۴هـ) ترتیب: الأمير أبو الحسن علی بن بلبان بن عبد الله، علاء الدین الفارسی الحنفی (المتوفی: ۷۳۹هـ) مؤلف التعلیقات الحسان: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتی بن آدم، الأشقودری الألبانی (المتوفی: ۱۴۲۰هـ) همچنان در توضیح مختصر این حدیث از مرقاة المفاتیح شرح مشکوة المصابیح نیز استفاده شده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

سورة تکاثر

نام سوره: تکاثر

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۸

تعداد کلمات: ۲۸

اعداد حروف: ۱۲۰

وجه نام گذاری این سوره: این سوره «تکاثر» یعنی: با یکدیگر فخر کردن، مسمی گردیده است، زیرا: در اولش این واژه ذکر شده است،

اجمالاً مطالبی که این سوره دربرگیرنده آنست:

۱: نکوهش از سرگرم شدن به لذتهای دنیا و غفلت از مرگ

۲- هشدار از به خود بالیدن، خود را ستودن و بایکدیگر فخرکردن

۳- وجوب آمادگی برای مرگ درایمان و عمل صالح

۴: بیم دادن از دیدن جهنم به چشم سر

۵- بیم دادن از سوال شدن تمامی نعمت های دنیا

سبب نزول: ابن ابی حاتم از ابی بریده روایت نموده است که این سوره در باره دو قبیله از انصار (بنی حارثه و بنی حارث) که بین هم در زیادتی نفوس شان فخر می کردند نازل شد^۱، مقاتل و قتاده می گویند: این سوره در مورد یهود نازل شد که به کثرت قبایل خود افتخار می کردند، ابن عباس می گوید: در مورد دو قبیله از قریش که بابزرگان خود افتخار می کردند نازل شد، امام ابن جریر طبری در تفسیرش به نقل از علی رضی الله عنه می نویسد: ما در مورد عذاب قبر تردید داشتیم تا اینکه این آیه

۱ امام آلوسی در تفسیرش می نویسد: از جهت قوت ادله درمندی بودن این سوره بعضی از بزرگان همین دیدگاه را ترجیح دادند.

(الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ... الى (كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ) نازل شد ^۱ (واحدی میگوید: (كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ) در مورد اثبات عذاب قبر است. والله اعلم

از مقاصد این سوره:

۱- نهی از فخر نمودن و افزون طلبی کردن

۲- ترغیب بر انجام عمل نیکو جهت رهایی از عذاب

۳- اثبات روز رستاخیز و جهنم

۴- اثبات محاسبه و جزا

موضوع: ۱- نهی از خود ستایی و فخربا دیگران. ۲: نهی از اشتغالی که مانع عبادت شود

قرآن کریم: { الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ } { ۱ } (افزون طلبی شما را به خود مشغول ساخته است)

تفسیر: آیه مبارکه بندگان را سرزنش میکند که هدف و کاری که برای آن آفریده شده بودند رها کردند و رفتن به مسیر دیگری را انتخاب نمودند، این آیه حال آنها را چنین به تصویر می کشد: شما را دوستی با دنیا و نعمت هایش از طلب آخرت به خودش مشغول نمود، خطاب این آیه مبارکه بر کسانی است که افزون طلبی و افتخار در مال، فرزندان، یاوران، لشکریان، خدمت گزاران، مقام، قبیله و... آنها را به خود مشغول و سرگرم ساخته است و از فرمان برداری امر الله عزوجل و رسول الله ﷺ غافل شدند، عبد الله پسر شخیر می گوید: من نزد رسول الله ﷺ آمدم درحالی که ایشان (الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ) را می خواندند و می فرمودند: فرزند آدم می گوید: مال من، مال من، (نسبت مال را برای خود داده و به آن افتخار می کند) از مال تو برای تو نیست مگر آنچه را که صدقه دادی و ثواب آنرا به روز جزا برای خود ذخیره کردی، یا خوردی و فنا کردی، و یا پوشیدی و کهنه کردی. ^۲ در این زمان کم نیستند کسانی که به داشتن موترها، خانه های زیبا و زمین داری شان بر دیگران افتخار می کنند، تنها توجه به همین امور، مصروفیت زندگی آنها شده است و همچنان شمار زیادی را انتر نت،

۱ جهت تفصیل بیشتر به تفسیر ابن جریر طبری رحمه الله - سورة تکاثر مراجعه شود. این اثر را علامه ناصرالدین الالبانی رحمه الله - در سنن ترمذی به شماره : ۳۳۵۵ - ضعیف دانسته است، امام بیهقی رحمه الله - در اثبات عذاب قبر به شماره ۲۲۴- ذکر نموده است. شرح مشکل الآثار شماره ۵۱۷۷- السنه لابن ابی عاصم شماره ۸۷۷- آرشیف ملتقی اهل الحدیث: تفسیر موجز لسورة تکاثر من کلام ابن القیم رحمه الله - جزء (۲۲) صفحه (۳۹۳)- آرشیف ملتقی اهل التفسیر، صفحه (۴۲۳۷).
۲ سنن ترمذی، شماره حدیث: ۲۳۴۲

فیس بوک، واتساب و غیره از یاد آخرت به خود مشغول ساخته است. این آیه مبارکه هشداری برای همه این اشخاص است. رسول الله ﷺ فرمودند: از جمله زیبایی های اسلام شخص و کمال ایمان داری او ترک نمودن آنچه است که: نیاز و ضرورتی به انجام آن نیست و فایده دینی و دنیوی در عمل به آن مرتب نباشد.^۱ - یعنی: کمال ایمان داری شخص در اینست که: گفتار، کردار، نگاه و فکری که در آن فایده در دنیا و یا آخرت برایش نداشته باشد آنرا ترک کند.

موضوع: ۱- وجوب توبه از تفاخر و افزون طلبی پیش از موت، ۲- نهی از زیارت قبور مگر بر روش مشروع،

قرآن کریم: (حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ } ۲) (تا اینکه به گورستانها رسیدید)

تفسیر اول: بر افزون طلبی و افتخار با دیگران ادامه داده و توبه نمی کنید تا بدانگاه که می میرید و به گورستانها گذاشته می شوید و کار از کار می گذرد، در آن زمان پی بردن به بی وفایی دنیا برای شما هیچ سودی ندارد،

تفسیر دوم: بایکدیگر فخر کردن تان بر زیادتی نفوس و افتخار ورزیدن تان به بزرگان قبیله ها، شما را جهت شمارش مردگان به قبرستانها کشانید و با این کار با یکدیگر می بالید و می نازید، امام بغوی رحمه الله می گوید: این آیات در مورد دو قبیله از قریش بنامهای بنی عبد مناف ابن قصی و بنی سهم ابن عمرو نازل شد، طوریکه بنی عبد مناف برای بنی سهم می گفت: هم بزرگان و اشراف ما بیشتر از شما است و هم شمار افراد عادی ما از شما بیشتر می باشد، ولی بنی سهم می گفت: قبیله ما بیشتر است، هنگامیکه افراد زنده از هر دو قبیله مورد شمارش قرار گرفت، بنی عبد مناف بر بنی سهم غالب شد، چون شمار افراد زنده شان بیشتر بود، سپس هر دو قبیله گفتند: مردگان خود را نیز شمارش می کنیم کار به جای رسید که بر سر قبرستانها شتافتند و قبرهای مردگان خود را نیز شمارش نمودند که در این جا؛ شمار بنی سهم بیشتر شد، سپس الله عزوجل این آیات را نازل فرمود، و گویا برای شان چنین گوش زد شد که: زیارت قبوریکه باید برای پند گرفتن و یادآوری از مرگ باشد، شما آنرا معکوس ساخته و سبب غفلت قرار دادید.

۱ سنن ابن ماجه (۳۹۷۶) سنن ترمذی (۲۳۱۸)

حکم رفتن به زیارت قبور: رفتن به زیارت قبور مشروع و مستحب میباشد، رسول الله ﷺ فرمودند: .. قبرهارا زیارت کنید چون زیارت آنها شما را به یاد آخرت می اندزد^۱

دعا برای اهل قبرستان: رسول الله ﷺ برای یارانش خواندن این دعا را در هنگام زیارت قبور توصیه نمودند: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَإِنَّا، إِنْ شَاءَ اللَّهُ لِلْآحِقُونَ، أَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ^۲

(سلام بر شما ای مومنان و مسلمانان این دیار! وما هم ان شاء الله به شما پیوست خواهیم شد. از الله عزوجل برای خود و شما طلب عافیت می کنم)

ارشادات، توصیه ها و فرمان های رسول الله ﷺ برای امت در مورد قبور

- ۱: امام مسلم در صحیح خود بابی را تحت عنوان: نهی از قرار دادن مساجد بر قبور ... ذکر نموده و در آن چنین روایت نموده است: ام سلمه وام حبیبه، از کنیسه (عبادتگاه نصرانیان) با تصاویر داخل آن که در سرزمین حبشه موقعیت داشت برای رسول الله ﷺ یاد آوری نمودند، رسول الله ﷺ فرمودند: این گروه هرگاه مرد صالح از ایشان وفات می کرد، بر قبر وی مسجدی بنا می کردند، تصاویر آن نیکان را (جهت یاد آوری از آنها) در مسجد (عبادتگاه) نصب می کردند، آنها بدترین مخلوق اند^۳
- ۲: رسول الله ﷺ فرمودند: لعنت الله بر یهود و نصاری باد! چون آنها قبرهای پیامبران شان را مسجد قرار دادند^۴ (آنها بر قبر های پیامبران خود سجده می کردند و قبر های شان را به مثل بت قبله برای نماز و دعا گردانیده بودند، از همین جهت مورد لعنت واقع شدند و مسلمانان از همانندی و مشابهت با آنان منع شدند)
- ۳: رسول الله ﷺ چنین دعا می کردند: یا الله! قبر من را بتی قرار نده تا مورد عبادت قرار گیرد^۵

۱ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۹۷۶

۲ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۹۷۵

۳ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۵۲۸

۴ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۴۳۵ - صحیح مسلم، شماره حدیث: ۵۲۹ - ۵۳۰ - ۵۳۱ - متأسفانه امروز برخی مسلمانان با آنها همانندی دارند.

۵ این حیث را امام مالک به شماره: (۸۵) درموطا روایت کرده است و امام احمد درمسندش به شماره: (۷۳۵۲) روایت کرده است. در الجامع الصحیح للسنن والمسانید به جزء (۵) صفحه (۴۲) ذکر شده است

۴: رسول الله ﷺ از گچ کاری قبرها نهی کردند: جابر رضي الله عنه روایت نموده است که: رسول الله ﷺ از گچ کاری قبرها نهی کردند^۱

۵: رسول الله ﷺ از نوشتن چیزی بر قبرها نهی کردند:

جابر رضي الله عنه روایت نموده است که: رسول الله ﷺ از نوشتن چیزی بر قبرها نهی کردند^۲

۶: رسول الله ﷺ از بنا کردن (ساخت و ساز) بر قبرها نهی کردند:

ابو سعید روایت نموده است که: رسول الله ﷺ از بنا (ی گنبد و ساختمان) بر قبر نهی کردند^۳

در مراقی الفلاح شرح نور الایضاح نیز دفن کردن میت را به داخل خانه ها از خواص انبیا علیهم السلام ذکر کرده و دفن غیر از ایشان را در خانه ها مکروه دانسته است.

۷: فرمان رسول الله ﷺ در هموار ساختن قبرها هرگاه بلند ساخته شود.

رسول الله ﷺ به هموار ساختن قبرهای (بلند) فرمان دادند^۴

رسول الله ﷺ برای علي رضي الله عنه فرمان دادند که: هیچ مجسمه و قبر بلندی را فروگذار مشو، مگر اینکه همه آنها را واژگون ساخته و با خاک یکسان کن^۵ - این دستورات و فرمان های صحیح و صریح رسول الله ﷺ را ببینید و روش برخی از مسلمانان امروز را در این باب مشاهده کنید، سپس داوری کنید که تفاوت راه از کجا تا به کجا است؟ آیا ایمان داشتن به این احادیث واجب نیست؟ آیا انکار عملی

۱ سنن ابن ماجه، شماره حدیث: ۱۵۶۲ - سنن نسائی، شماره حدیث: ۲۰۲۹ - درالمبسوط للسرخسی، اشاره بر این است که از استحمام قبور خود داری شود. باب غسل الميت، جزء (۲) صفحه (۶۲) در مراقی الفلاح دفن کردن میت را در خانه ها از خواص انبیا علیهم السلام ذکر کرده و دفن غیر ایشان را در خانه ها مکروه دانسته است، بلند کردن آوازه تلاوت قرآن کریم و ذکر را هنگام انتقال میت مکروه می داند، همچنان به دنبال جنازه گفتن این عبارت: هرزنده می میرد و مثل آن (چنانچه امروز از طریق بلند گوها از موت های آمبولانس مثل این عبارات شنیده می شود) را بدعت خوانده است، فصل فی حملها و دفنها - رسول الله ﷺ از بلند کردن آواز در جنازه نهی کردند، سنن ابوداود و مسند احمد با تحقیق شعیب الارنوط - فتوی الشبکه الاسلامیه - ج ۱۰ ص ۱۵۶۲، اصحاب رسول الله ﷺ بلند نمودن آواز را در سه مکان دوست نداشتند، ۱: هنگام قتال، ۲: در جنازه، ۳: در ذکر، این اثر را امام بیهقی در سنن الکبری به شماره: ۱۸۴۶۶ - روایت کرده است، همچنان در مصنف ابن ابی شیبه به شماره: ۳۳۴۲۰ - موجود است. علامه البانی رحمه الله، در - احکام الجنایز - بعد از ذکر این اثر، میگوید: بلند آوازی در وقت جنازه اگرچه به ذکر هم که باشد از روش نصرانی ها است، زیرا: آنها در همین وقت با آواز بلند از اناجیل و اذکار خود می خوانند؛ امام نووی رحمه الله میگوید: دیدگاه صحیح اینست که: در هنگام رفتن با همراه جنازه سکوت شود... الاذکار للنووی ص (۲۰۳). تحقیق: مولوی محمد گل ده شکری هروی سلمه الله القوی.

۲ سنن ابن ماجه، شماره حدیث: ۱۵۶۳

۳ سنن ابن ماجه، شماره حدیث: ۱۵۶۴

۴ سنن نسائی شماره حدیث: ۲۰۳۰ - باب تسویه القبور اذ رفعت -

۵ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۹۶۹

و اعتقادی این احادیث ذکر شده نهایت خطرناک نیست؟ بلی؛ از نشانه های ایمان به این احادیث صحیح که وحی الهی است، عمل نمودن به مقتضای آنها میباشد، هرگز رستگار نمی شود امتی که همراه پیامبر خود در مخالفت باشد، معاویه رضی الله عنه میگوید: سنت اینست که قبرها (ی مسلمانان) هموار باشد، زیرا: یهودیان و نصرانیان قبر های خود را بلند کردند، با آنها مشابهت نکنید^۱ - بنابراین: پیروان این حدیث و دوستدارانش؛ گنبدها، بناها و ساختمانهای که در بالای قبرهای مشهور ولایت هرات و سایر مناطق جهان قرار دارند را به شکل حکیمانه بر می کنند و آنها را چپه و منهدم می سازند، این حکم فتوای فرد عادی نیست، بلکه فتوای رسول الله ﷺ است، اگر قبر به اندازه عادی آن بلند شود بخاطریکه دانسته شود که آنجا جا قبری وجود دارد، کدام ممانعتی وجود ندارد به شرطی که کج کاری و سمنت نشود و از حالت عادی اش بلند تر نگردد، زیرا: رسول الله ﷺ از نشستن بر قبر و نماز خواندن به سوی آن نهی کردند^۲ - متأسفانه امروز خیلی از قبرهای موجود در افغانستان با احادیث صحیح فوق در مخالفت واقع شده است، همچنان آنچه امروز از اعمال و باورهای شرکی و کفری که در برخی اماکن نسبت به قبور دیده میشود، مثل درخواست حاجت از مردگان و متصرف دانستن آنها در امور، ناجایز و حرام میباشد، در این مورد بنده ضعیف برای طلاب علوم دینی خواندن کتاب: (جهود العلماء الحنفیه فی ابطال عقاید القبوریه)^۳ و کتاب: (الآیات البینات فی عدم سماع الأموات علی مذهب الحنفیه السادات)^۴ را توصیه میکنم - فهم درست از قرآن کریم سبب میشود که انسان از همه اعمال و باورهای زشت دست بردار شود.

موضوع: ۱- اثبات عذاب قبر. ۲- هشدار از افتخار با دیگران در مال، اولاد و...

قرآن کریم: {كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ} {۳} (هرگز چنین نیست! بزودی خواهید دانست) تفسیر: این کار را بس کنید! به زودی در وقت نزاع روح (جان کندن) و در قبر خواهید دانست که چه بلایی بر سر خود آورده اید!

۱ المعجم الكبير للطبرانی، شماره اثر: ۸۲۳

۲ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۹۷۲ - سنن ترمذی، باب ماجاء فی کراهیه المشی علی القبور... جزء (۳) صفحه (۳۵۸)

۳ المؤلف: ابو عبد الله شمس الدین بن محمد بن اشرف ابن قیصر الافغانی المتوفی (۱۴۲۰) الناشر: درالصمعی

۴ المؤلف: نعمان بن محمود بن عبد الله، أبو البرکات خیر الدین، الألوسی (المتوفی: ۱۳۱۷هـ)

موضوع: ۱- هشدار بعد از هشدار، ۲- نهی از منکر

قرآن کریم: {ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ} {۴}

(باز چنین نیست! بزودی خواهید دانست)

تفسیر: بازهم میگویم: بس کنید و از این کار دست بردارید! سرانجام این مسابقه افزون طلبی و تفاخر خود را به زودی در آخرت خواهید دانست.

موضوع: وجوب فراگیری علم صحیح در دین و عمل به مقتضای آن

قرآن کریم: {كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ} {۵} (چنین نیست! اگر شما به علم یقین می دانستید)

تفسیر: بس کنید و چنین نکنید! اگر فهم صحیح داشته باشید از این مسابقه افزون طلبی و تفاخر به اموال، فرزندان، خدمت گزاران، مقام و قبيله دست می کشید و به فرمان برداری امر الله عزوجل روی می آورید.

موضوع: ۱- جایگاه شما اگر توبه نکنید، ۲- اثبات جهنم، ۳- اثبات بعث.

قرآن کریم: {لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ} {۶} (قطعاً جهنم را خواهید دید)

تفسیر: عدم فهم صحیح از دین، شما را به جای کشانید که مشاهده می کنید، پس حتماً جهنمی را که الله عزوجل برای کافران آماده کرده است به چشم سر مشاهده خواهید نمود، این آیه مبارکه تفسیری برای هشدار قبلی است. امام قرطبی رحمه الله - در تفسیرش می نویسد: در این آیه مبارکه مخاطب کافرانی است که آتش جهنم بر آنها واجب گردیده است، برخی دیگر از مفسران می گویند: خطاب در این آیه عام است، چنانچه الله عزوجل فرموده است: {وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا} (و هیچ یک از شما نیست مگر اینکه بر دوزخ وارد می شود این وعده بر پروردگارت فرمانی حتمی و شدنی است) بنا براین: جهنم اقامتگاه همیشگی برای کافران می باشد و جهنم عبورگاه مومنان نیز هست که از بالای آن به طرف جنت می گذرند.^۲

۱ سورة مريم: آية (۷۱)

۲ به تفسیر قرطبی مراجعه شود. همچنان به صحیح البخاری حدیث شماره: (۷۴۳۷) نیز نظر اندازی گردد، صحیح مسلم (۲۶۷)

رویت (دیدن) به دونوع تقسیم می شود: ۱: آگاهی یافتن و باور نمودن، ۲- مشاهده کردن.

مراتب علم و ادراک:

۱: علم الیقین- آنست که: بر مبنای دلایل برای شخص حاصل شده باشد،

۲: عین الیقین- آنست که: بر مبنای مشاهده به وجود آماده باشد،

۳: حق الیقین- آنست که: همراه آمیزش و اتصال باشد، مثال: هرگاه براساس دلایل دانسته شود که کعبه موجود است این را علم الیقین میگویند، هنگامیکه کعبه به چشم سر نیز دیده شود این عین الیقین می گردد، زمانی که شخص به آن داخل شد، حق الیقین میشود. بنابراین: این اصطلاحات سه گانه فوق درجات برای ادراک و فهم است که در قوت خود نسبت به یکدیگر متفاوت می باشند^۱،

موضوع: ۱- قطعی بودن رستاخیز، ۲- هشدار بر اصرار در گناه، ۳- اثبات جهنم.

قرآن کریم: {ثُمَّ لَتَرُونَهَا عَيْنَ الْيَقِينِ} {۷} (سپس محققا آنرا به دیده یقین خواهید دید) تفسیر: بازهم می گویم شما آشکارا خود دوزخ را خواهید دید و این زمانی است که جهنم را فرشتگان با هفتاد هزار لجام در حالیکه هر لجام آن به دست هفتاد هزار فرشته است حاضر می سازند و همه اهل موقف آنرا مشاهده می کنند، مشرک آنرا می بیند و به آن افکنده می شود، مسلمان آنرا می بیند و الله عزوجل او را نجات می دهد،

موضوع: ۱- اثبات بعث، ۲- وجوب شکر نعمت ها، ۳- وجوب آمادگی برای قیامت

قرآن کریم: {ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ} {۸}

(آنگاه حتما در آن روز از همه نعمت ها باز خواست خواهید شد)

تفسیر: سپس در روز قیامت از نعمت های که در دنیا از آن لذت می بردید پرسیده می شوید که: آیا شکر آن را به جای آورده اید؟ آیا حق الله عزوجل را از آن ادا کرده اید؟ آیا از آنها برای ارتکاب گناه کمک نگرفته اید؟ یا اینکه فریب نعمت ها را

۱ مثال دیگری برای درجات ادراک: اگر کافری وجود آتش جهنم را تصدیق کند و منقاد نشود، تصدیق آن علم الیقین می باشد، هنگامیکه آنرا مشاهده کند این عین الیقین می شود، و وقتی که به آن داخل شود حق الیقین میگردد

خورده و شکر آن را به جای نیا ورده اید، بلکه از نعمت ها برای ارتکاب گناهان استفاده کرده اید، بنابراین هر انسان از نعمت های: قرآن کریم، احادیث صحیح، صحت، امنیت، فراغت، شنوایی، بینایی، لذت های خوردنی ها، نوشیدنی ها، لذت خواب، خانه، آب یخ، و... سوال می شود، این سوالات از کفار تو بیخی و از مسلمانان تشریفی است. بلی؛ انسانها سوال می شوند که در برابر نعمت ها شکر و سپاسگزاری نموده اند و یا کفر و ناسپاسی ورزیده اند، رسول الله ﷺ فرمودند: اولین سوالی که در روز قیامت از انسان در مورد نعمت ها می شود اینست: آیا صحتمندی برای تو ندادم؟ آیا ترا از آب سرد ننوشانیدم؟^۱

رسول الله ﷺ فرمودند: انسان در موقف حساب باقی می ماند تا به این پنج سوال پاسخ دهد،

سوال اول: عُمر را در چه فنا نمودی؟

سوال دوم: جوانی و قوت آنرا در چه ضایع کردی؟

سوال سوم: مال را از کجا به دست آوردی (از حلال یا از حرام)؟

سوال چهارم: مال را در کجا مصرف نمودی (در طاعت یا معصیت)؟

سوال پنجم: چه اندازه عمل نمودی در آنچه می دانستی؟^۲

امام ابن جریر طبری از امام مجاهد چنین روایت می کند: انسان از هر لذتی که در دنیا حاصل نموده سوال می شود.^۳

۱ سنن ترمذی، شماره حدیث: ۳۳۵۸ - المعجم الاوسط - ۶۲ - شعب الایمان، ۴۲۸۷

۲ سنن ترمذی، شماره حدیث: ۲۴۱۶

۳ جهت تفصیل بیشتر به تفا سیر امام ابن جریر طبری رحمه الله و امام قرطبی رحمه الله مراجعه شود.

رهنمایی ها احکام و عمل

- ۱: هشدار برانسانی که او را دنیا از دین مشغول و مصروف بسازد.
- ۲: خطر فخر نمودن با دیگران در مال، جمال، قدرت، شجاعت، فرزندی، علم، مقام، قبيله، خویشاوندان و...
- ۳: اثبات عذاب قبر و عذاب آخرت.
- ۴: حتمی بودن سوال از تمام نعمتها و لذتهاي که انسان در دنیا از آن بهره برده است
- ۵: اثبات عقیده زنده شدن بعد از مرگ و محاسبه
- ۶: زیارت مشروع قبور مسلمین سبب یاد آوری از احوال آخرت می گردد.
- ۷: از بنای مسجد بر قبور، گچ کاری قبور، بنای گنبد بر قبور، نوشتن بر قبور، بلند نمودن قبور و ساخت و ساز آن پرهیز شود، زیرا رسول الله ﷺ از همه این موارد امت شان را نهی کردند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

نام سوره: عصر.

مکان نزول: مکه مکرمه.

شمار آیات: ۳

تعداد کلمات: ۱۴

اعداد حروف: ۶۸

وجه نام گذاری این سوره: این سوره عصرنامیده شده، زیرا: در آغاز آن به عصر (زمان) سوگند یاد شده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره دربرگیرنده آنست:

این سوره کوتاه بیان کننده اصول اساسی اسلام وقانون زندگی انسانها میباشد.

در اول این سوره مبارکه الله عزوجل جهت واضح ساختن ارزش واهمیت وقت به آن قسم یاد کرده است سپس حکم بر زیان و خسران تمام انسانها نمود مگر کسی متصف به چهار صفت زیر باشد.

۱: ایمان دار باشد، ۲: عمل صالح انجام دهد، ۳: توصیه وسفارش به حق نماید، ۴: توصیه وسفارش به شکیبایی کند،

فضیلت آن: (برخی) اصحاب رسول الله ﷺ بعد از ملاقات از هم جدا نمی شدند مگر اینکه این سوره (عصر) را یکی بردیگرش می خواند سپس یکی بردیگرش سلام می دادند^۱ (و از هم جدا می شدند).

۱ المعجم الاوسط للطبرانی، شماره حدیث: ۵۱۲۴ - السلسلة الصحيحة، ۲۶۴۸، شعب الايمان، شماره حدیث: ۸۶۳۹

از مقاصد این سوره:

- ۱- بیان حقیقت فایده و زیان در زندگی و آگاهی دادن بر اهمیت وقت
 - ۲- اثبات زیان شدید برای غیر مومنان و بیان صفاتی که رستگاری درگرو آنها میباشد
- موضوع: ارزش و اهمیت وقت

قرآن کریم: { وَالْعَصْرِ } { ۱ } (سوگند به زمان) (۱)

تفسیر: سوگند به زمان که سرمایه زندگی انسان می باشد و این زمان است که محل افعال و اعمال انسان بوده و فرصت تلاش او برای رسیدن به رستگاری دو جهان است. پس زمان و وقت از ارزش بسیار بزرگ برخوردار است.

دیدگاه مفسران در مورد "عصری" که الله عزجل بر آن سوگند یاد کرده است:

۱- مطلق زمان (شب، روز، صبح، شام)^۱

۲- نماز عصر^۲

۳- عصر نبوت^۳

۴- بعد از ختم وقت پیشین تا غروب آفتاب^۴

امام ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیرش دیدگاه اول را ترجیح داده است.

الله عزوجل به برخی از مخلوقات اش جهت بیان ارزش آنها سوگند یاد میکند ولی برای انسانها جایز نیست که به غیر از الله عزوجل قسم بخورند، زیرا: سوگند خوردن

۱ به زمان قسم یاد شده است، زیرا: زمان برای کسانی که بفهمند از بزرگترین نعمت ها میباشد، زمان بهترین درسها و عبرت ها را از صحت مندی، مرضی، غنا، فقر، عزت، ذلت و انقسام آن به اجزاء سال، ماه، هفته، روز، ساعت، دقیقه، و ثانیه، برای انسان می دهد-

۲ به نماز عصر قسم یاد شده است، زیرا: هنگام مصروفیت مردم است عده در این وقت به نماز توجه کمتری دارند تا متوجه ساخته شوند از طرف دیگر نماز عصر نماز وسطی میباشد فضیلت خاص خود را دارد و رسول الله ﷺ فرمودند: هر آنکس که نماز عصرش فوت شد گویا اهل و مالش نابود شد - صحیح البخاری، شماره حدیث: ۵۱۹ - رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که نماز عصر را ترك کند قطعاً عمل آن باطل می شود، صحیح البخاری (۵۵۳)

۳ زیرا: در این زمان هدایت بزرگی برای بشریت به وجود آمد

۴ رسول الله ﷺ فرمودند: ... هرگاه من همراه قومی که مصروف ذکر الله عزوجل باشند بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب بنشینم محبوب تر است نزد من از آزاد ساختن چهار نفر (از فرزندان اسماعیل) - سنن ابی داود، شماره حدیث: ۳۶۶۷ - المعجم الاوسط للطبرانی، شماره حدیث: ۶۰۲۲ - السلسلة الصحيحة، حدیث: ۲۹۱۶ - باتوجه فضیلت موارد ذکر شده، دیدگاه صحیح اینست که: پروردگار به زمان قسم یاد نموده است، امام طبری هم این نظر را در تفسیرش ترجیح داده است. والله اعلم-- نویسنده مولوی محمد گل دهشکری هروی سلمه الله القوي

بغیر الله عزوجل شرک کوچک است، بنابراین: از قسم خوردن به کعبه، پیامبر، پدر، مادرو... جداً پرهیز شود،

موضوع: بیان خسارت و زیان در زندگی انسانها

قرآن کریم: { إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ } {۲} (واقعاً انسان دستخوش زیان است) {۲}

تفسیر: انسانها همه زیانمند اند، زیرا: سرمایه زندگی ایشان دارد بر باد می رود و لحظه به لحظه از آن کاسته میشود ولی آنها در لذت های ناپایدار دنیا غرق اند و هنوز درک نکردند که این دنیا وفا و بقا ندارد، برای اثبات این مطلب به احوال گذشتگان فکرکنند، کجا هستند آنانیکه از ثروت و قدرت برخوردار بودند؟

موضوع: اوصافی که انسان را از واقع شدن در خسارت و زیان نجات می دهد:

قرآن کریم: { إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ } {۳} (مگر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش نموده و به شکیبایی توصیه کرده اند) {۳}

تفسیر: الله عزوجل کسانی را که متصف به این صفات چهارگانه زیر می باشند از زیانمندان جدا ساخت، بنابراین: این گروه در خسارت و زیان قرار ندارند بلکه آنها اهل نجات و رستگاری میباشند،

صفت اول: ایمان دارندگان، آنها کسانی اند که الله عزوجل و پیامبر او ﷺ را تصدیق نموده و به هر آنچه که الله عزوجل از هدایت و دین حق نازل فرموده باورمند می باشند. بندگی کردن برای معبود یگانه انسان را ارزشمند می سازد و برایش کرامت می بخشد. ایمان دلیل صحت فطرت و سلامت ساختار انسان است، ایمان نشانه است که موافقت انسان ایماندار را همراه کاینات در فرمان پذیری از پروردگارشان نشان می دهد، و هرگاه کسی عملی را انجام دهد ولی به الله عزوجل و شریعتش ایمان نداشته باشد، عملش مثل خاکستری می گردد که در یک روز طوفانی، باد به تندی بر آن بوزد و آن را در هوا پخش و منتشر نماید و چیزی از آن برجای نگذارد. بلی؛ گردباد کفر برخاکستر اعمال آن شخص می وزد و آنرا به غارت می برد. پس از بی ایمانی خسارانی بزرگتر یافت نمی شود.

صفت دوم: شایستگاران، کسانی اند که فرایض، واجبات، سنت ها، ونوافل را همراه اخلاص و روش رسول الله ﷺ ادا می کنند. همچنان این افراد مزین به اعمال باطنی مثل: ترس و امید از الله عزوجل، محبت، تعظیم وتوکل به او نیز می باشند. عمل ثمره طبیعی ایمان است. از آغازین لحظه که حقیقت ولذت ایمان در قلب جای بگیرد، این قلب آرام نمی گیرد وساکن نمی نشیند. بلکه بلا فاصله اعضا را در حرکت به سوی عمل وتلاش وادار می کند، زیرا: ایمان حقیقت ثبوتی متحرک است، موجودیت خود را در بیرون از ذات مومن به صورت عمل پیوسته نمایش می دهد. بنابراین: از همین جا ارزش ایمان دانسته می شود که ایمان؛ باوری همراه حرکت وعمل، ساختن وسازندگی است. همین طبیعت مسلمان می باشد که بخاطر احیای نظام اسلامی وحفاظت از آن در تمام روی زمین الله عزوجل در حرکت وتلاش است. وتازمانی که مرگ به سراغش نیاید از حرکت باز نمی استند وتوقف را نمی پذیرد. اگر انسان در این عرصه توقف نمود بزرگترین خسارت را شامل حال خود می سازد.

صفت سوم: توصیه کنندگان به حق، کسانی اند که: یکدیگر خود را بر پندار، کردار وگفتاری که بر اساس قرآن و سنت صحیح باشد، رهنمایی، توصیه وسفارش می نمایند، آنچه را که دین نیست صبغه دینی برایش نمی دهند، زیرا دین کامل است، در دین بدعت و نوآوری ایجاد نمی کنند، زیرا هر نوآوری در دین گمراهی است. ارزش والا وفضیلت این امت در توصیه نمودن به انجام خوبیها ونهی نمودن از ارتکاب زشتی ها نهفته شده است. حفاظت وحراست دین به امر به معروف ونهی از منکر بستگی دارد. انجام این مسئولیت دشوار است. زیرا: موانع زیادی چون: هوای نفس، انواع تهدیدات، ستم ستمگران وظالمان در سر راه دعوتگران وجود دارد. پس مسلمان جهت پاس داری از دین وامانتی که به او سپرده شده است باید پیوسته در انتشار این دین بکوشد وتا توان دارد جلو کسانی را که به این دین بی حرمتی می کنند بگیرد. هرگاه کسی در این وظیفه غفلت نماید خود را در زیان می افکند.

صفت چهارم: توصیه کنندگان به صبر؛ پایداری به ایمان، عمل نیکو وحفاظت از دین ممکن نیست جز به صبر. بنابراین از مکلفیت های همه مسلمانان اینست که خودشان ودیگران را در این سه مورد زیر به شکیبایی، وصبر توصیه نمایند.

۱- صبر وشکیبایی برانجام عبادات.

۲- صبر بر عدم ارتکاب گناهان.

۳- صبر بر بلاهای دردناکی که بر انسان فرود می آید.

بلی؛ بنده با داشتن دو صفت اول که ایمان و اعمال نیکو است خودش را کامل میگرداند و با داشتن دو صفت آخر که توصیه به حق و شکیبایی است، دیگران را به کمال می رساند و با کامل شدن این چهار صفت، بنده از زیان سالم مانده و فایده بزرگی را به دست می آورد، بنابراین: دارنده صفات آتی به نهایت درجه کمال قرار میگیرد:

۱: شناخت حق.

۲: عمل به حق.

۳: تعلیم دادن حق به دیگران.

۴: صبر نمودن در فراگیری حق، عمل به آن و تعلیم دادنش به دیگران.

بیان برخی از فواید صبر:

۱- کمال ایمان بنده در گرو صبر است

۲- فروتنی و تواضع زمانی برای بنده حاصل می شود که صابر باشد

۳- صبر از اسباب جلب کننده پرهیزگاری است

۴- صبر از اسباب جلب کننده رحمت الله عزوجل است

۵- صبر از اسباب جلب کننده همراهی الله عزوجل برای بنده است

۶- صبر از اسباب جلب کننده محبت الله عزوجل است

۷- رهایی برای بنده زمانی حاصل می شود که صبر داشته باشد

۸- مدد الله عزوجل همراه صابران است

۹- گشایش کارهای پیچیده و دشوار به صبر گره خورده است

۱۰- پاداش صابران نا شمار است

رهنمایی ها، احکام و عمل

- ۱: سوگند یاد نمودن الله عزوجل به زمان دلالت کننده بر ارزش واهمیت آن میباشد.
 - ۲: انسانی که برای آخرتش کار درستی نکرد درزبان است اگر چه از ثروت و قدرت بزرگی هم برخوردار باشد.
 - ۳: واجب بودن امر به معروف ونهی از منکر.
 - ۴: فضیلت سورة عصر که در سه آیه اش راه نجات ورستگاری را بیان نموده است.
 - ۵: کسی از سلف میگوید: من معنای سورة عصر را ازحالت یک یخ فروش دانستم، وی آواز می کرد: به حال کسی رحم کنید که سرمایه اش دارد نابود میشود، گفتم: این معنای: والعصر... است، زیرا: زمان بر انسان به سرعت میگذرد، عمرش دارد نابود میشود. ولی کارسودمندی را انجام نمی دهد.
 - ۶: همین امروز کسی را که در نفس، مال ویا اولادش مورد ابتلاء قرارگرفته است ضمن تعاون وهمکاری با او- درحد توان - وی را به صبر نمودن توصیه کن.^۱
- توصیه:

جوانان ما باخود تفکر کنند که مصروفیت های بیجا و بی فایده درگوشی موبایل وشبکه های اجتماعی تا چه وقت؟ کار های را انجام دهند که به نفع دین ودنیای ایشان باشد، از هدر دادن وقت جداً پرهیزند، زیرا: ضایع نمودن وقت ضررهای دینی، روحی، جسمی، فردی، اجتماعی، واقتصادی را برای ایشان به همراه دارد.^۲

۱ جهت تفصیل بیشتر به موضوع ، تفسیرورهنمایی ها، احکام وعمل آیات (۴۵)و(۴۶) سورة بقره- تفسیردهشکری مراجعه شود.
 ۲ برای طلاب علوم دینی خواندن کتاب: الوقت وأهميته في حياة المسلم جمعه وأعده : علي بن نايف الشحود الباحث في القرآن والسنة- را توصیه میکنم. ده شکری هروی حفظه الله الولی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

نام سوره: همزه

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۹

تعداد کلمات: ۸۴

اعداد حروف: ۱۶۱

وجه نام گذاری این سوره: «هماز» کسی است که با اشاره و عملش مردم را مورد عیب جویی و تمسخر قرار میدهد و به آنان طعنه میزند. از جهت ذکر این صفت و نکوهش آن در این سوره، این سوره به این نام (همزه) مسمی گردیده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره مبارکه در برگیرنده آنست:

این سوره مبارکه مکی راه علاج مصایب و مشکلات اخلاقی بزرگی را در جوامع انسانی بیان میکند، این آفت های اخلاقی و امراض اجتماعی عبارت از طعنه زدن، تمسخر کردن، غیبت نمودن و سخن چینی کردن میباشد، در این سوره از این عیوب زشت نکوهش به عمل آمده و برای مرتکبان آن مجازات سختی بیان شده است، تا اینکه شخصیت، کرامت و عزت افراد جامعه بشری حفظ شود و هیچ کسی در این مجتمع مورد تو هین و تحقیر قرار نگیرد، همچنان در این سوره برای کسانی که مغرور دنیا شده باشند و هدفشان از زندگی تنها جمع آوری مال باشد هشدار به عذاب جهنم داده شده است.

سبب نزول: امام عطاء و سدی رحمهما الله میگویند: این سوره در باره اخنس پسر شریق نازل شده است، زیرا وی عیب جویی و غیبت رسول الله ﷺ و مومنان را می کرد، امام مقاتل رحمه الله - میگوید: این سوره در باره ولید پسر مغیره نازل شده است، عده دیگر از مفسران می نویسند که در مورد جمیل پسر عامر و امیه پسر خلف نازل گردیده است. (تفسیر قرطبی)

ولی به عموم لفظ اعتبار داده میشود، نه به خصوص سبب، بنابراین: تمام مسلمانان اعم از برادر و خواهر باید خود را از این صفات زشت و امراض مهلک که پیامد خطرناک دارد، محافظت نمایند.^۱

از مقاصد این سوره:

۱: هشدار از برخی اوصاف زشت

۲: هشدار بر تمسخر کنندگان به دین و اهل آن

موضوع: جزای عیبجویان، طعنه زنان، سخن چینان، وغیبت کنان

قرآن کریم: { وَیْلٌ ۲ لِّکُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ } { ۱ } (وای بر هر عیب جوی غیبت کنند ای)

تفسیر: «ویل» عذاب سخت، و وادی که در جهنم می باشد و از زرد آب، چرک و عرق اهل جهنم سیلان میکند، «همزه»^۳ غیبت کننده، عیبجو، سخنچین، «لمزه» طعنه زننده، یا اینکه «هماز» کسیکه با اشاره و عمل مردم را مورد عیب جویی و تمسخر قرار می دهد و «لماز» کسیکه با گفتار خود از مردم عیب می گیرد، و آنها را تحقیر و توهین میکند، این آیه مبارکه چنین بیان می کند که: عذاب فوق در انتظار افراد ذکر شده است. کسانی که نحوه گفتار، کردار، و خلقت انسانها را به تمسخر می گیرند تا افرادی را به خنده آورند در این تهدید داخل اند.

۱ به تفاسیر امام ابن جریر طبری، امام بغوی، امام ابن کثیر، امام قرطبی و امام نسفی - رحمهم الله - در تفسیر همین سوره مراجعه شود.
۲ امام ابن جریر طبری رحمه الله در مورد ویل مینویسد: عذاب، زرد آبیکه از جهنم جاری شود، وادی از زرد آب در جهنم است، نام کوهی در جهنم است، این تفسیر را در سوره بقره از ویل نموده است، امام قرطبی و امام آلوسی در تفسیرهای شان ویل را به معنای: مشقت، دروازه ازدروازه های جهنم، اندوه، هلاکت، پشیمانی ... ذکر نموده اند. پایان نقل. مصداق این کلمه نسبت به حالات، اعمال و افراد میتواند متفاوت باشد.
۳ هُمَزَةٌ وَلُمَزَةٌ بَرُوزُن (فُعْلَةٌ) است و این صیغه میباشد که دلالت بر کثرت میکند، چنانچه برای کسی که زیاد خنده کند گفته میشود: ضَحَکَةٌ، همچنان برای کسی که زیاد نفرین کند گفته میشود: لُعْنَةٌ، بنابراین اوصاف ذکر شده برای این اشخاص ملکه و عادت شده است. نکته: هُمَزَةٌ وَلُمَزَةٌ در حُظْمَه که با هم هم وزن اند افکنده میشوند تا جزا مطابق عمل شان داده شود حتی در حق لفظ این مراعات شده است. سبحان الله. مولوی محمد گل دهشکری هروی

برخی احادیث وارده در نهی از غیبت، عیب جویی، سخن چینی، و طعنه زدن:

۱: رسول الله ﷺ فرمودند: شبی که من به آسمانها برده شدم با قومی مواجه شدم که ناخن های آنها از فلز بود به وسیله آنها چهره ها و سینه های خود را زخم (قطع) می نمودند، از جبرائیل علیه السلام سوال کردم: این ها چه کسانی اند؟ وی گفت: این ها کسانی اند که غیبت مردمان را میکردند و آبروی آنها را می ریختند^۱

۲: رسول الله ﷺ فرمودند:.. مسلمانان را اذیت و آزار نرسانید، آنها را سرزنش ننموده و عیوب آنها را تجسس نکنید، زیرا کسی که عیب مسلمانی را تجسس نماید، الله عزوجل عیوب (اعمال بد) او را آشکار می سازد، کسی که الله عزوجل زشتی های او را آشکار نمود او را رسوا می سازد اگر چه این شخص از دید مردمان پنهان باشد و در خانه خود هم که قرار گیرد.^۲

رسول الله ﷺ سخن چینی را از جمله اسباب عذاب قبر معرفی نمودند^۳

۳: رسول الله ﷺ طعنه زدن در نسب های مردمان را از روشهای جاهلیت بر شمردند^۴

۴: رسول الله ﷺ فرمودند: بهترین های شما کسانی اند که دیدن ایشان سبب یاد الله عزوجل شود، بدترین های شما وزشت ترین های شما به نزد من کسانی اند که سخن چینی می کنند، بین دوستان فساد ایجاد می نمایند و آنها را از یکدیگر جدا می سازند، و برای بیگناهان ضرر می رسانند و در جستجوی عیب تراشی برای شان می باشند.^۵

موضوع:- هشدار از شیفته شدن به دنیا:

قرآن کریم: { الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ } { ۲ }

(همان کسی که مال فروانی را گرد آورد و شمارش کرد) (۲)

۱ مسند احمد، شماره حدیث: ۱۳۳۴۰- سنن ابی داود، شماره حدیث: ۴۸۷۸- صحیح الترغیب والترهیب، شماره حدیث: ۲۸۳۹- مرقاة المفاتیح شرح مشکوٰۃ المصابیح ۸-ص- ۳۱۵۸

۲ مسند احمد، شماره حدیث: ۲۲۴۰۲- سنن ترمذی، شماره حدیث: ۲۰۳۲- صحیح الترغیب والترهیب، شماره حدیث: ۲۳۳۹- مرقاة المفاتیح شرح مشکوٰۃ المصابیح -ج- ۸ ص ۳۱۵۷- باب ماینهی عنه من التهاجر..

۳ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۲۱۶

۴ السلسله الصحیحه ، شماره حدیث: ۷۳۴- المعجم الکبیر للطبرانی شماره حدیث: ۲۰

۵ مسند احمد (۱۷۹۹۸) صحیح الادب المفرد (۳۲- ۲۴۶- حسن) مسند البزار (۲۷۱۹) صحیح الترغیب والترهیب (۲۶۵۸) رواه الطبرانی فی الصغیر والوسط.

تفسیر: این انسان عیب جو و طعنه زننده اساس بر تری جویی را مال و ثروت می داند، بنابر این: این شخص سرمایه فراوانی را از حلال و حرام گردآورده و آنرا بارها و بارها می شمارد و از شمارش آن کیف میکند و لذت می برد، حق الله عزوجل را از آن نمی پردازد، علاقه به انفاق مال در راه های خیر و در برقرار داشتن پیوند خویشاوندی و امثال آن را ندارد، مقصد و هدف اش در دنیا به دست آوردن مال است طوریکه گویا به همین خاطر آفریده شده است و فکر می کند که با این اموال می تواند جلو حوادث، آفت ها و بلاها را بگیرد.

بلی؛ دیدگاه اسلام در مورد مال واضح است و در یک جمله خلاصه می شود: مال برای مسلمان وسیله است هدف نیست.^۱

موضوع: ۱- هشدار برآن پنداری که بقایش را در مالش بداند. ۲- از اسباب نزول عذاب:

قرآن کریم: {يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ} {۳} (گمان می کند که مالش او را جاویدانه می سازد) (۳)

تفسیر: این شخص موصوف گمان می برد که سرمایه اش به او زندگی همیشگی می بخشد و او را از حوادث زمان ایمنی می دهد و این مالش هست که زندگی او را بیمه و تضمین می کند، و هرگاه به طرف این مال نظری افکند مغرور شده و خود را از دیگران بهتر می داند.

این پنداروی از دیدگاه شرع، عقل و تجربه کاملاً اشتباه است، آیا این شخص ندانسته است که ثروتمندی به زودی به فقر تبدیل میشود؟ آیا تا اکنون درک نکرده است که صحتمندی به زودی به مریضی تبدیل می گردد و ثروت جلو مریضی را گرفته نمی تواند؟ و آیا این موضوع را نفهمیده است که بخل برکت مال و عمر را از بین می برد؟

موضوع: قرارگاه این شخص موصوف (اگر توبه نکند)

۱ برای طلاب علوم دینی خواندن کتاب: القال فی القرآن، المؤلف: محمود محمد غریب، - را توصیه مینمایم. ده شکری هروی سلمه الله الولی

قرآن کریم: {كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ} {۴}

(هرگز چنین نیست که او گمان می کند، مسلماً در حطمه انداخته خواهد شد) (۴)
تفسیر: هرگز! (چنین نیست که او می پندارد) او بدون شک و به زودی در آتشی افکنده می شود که وجودش را در هم می شکند، امام ابن کثیر در تفسیرش چنین می نویسد: «حطمه» اسم طبقه از اسم های آتش می باشد ...

موضوع: بزرگی شأن آن قرارگاه (عقل بشر از شناخت حقیقت آن عاجز است)

قرآن کریم: {وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ} {۵} (و توجه دانی که حطمه چیست) (۵)

تفسیر: توجه می دانی که حقیقت هول انگیز و هراس ناک عذاب شکننده چیست؟
موضوع: بیان حطمه و صفت اول آن

قرآن کریم: {نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ} {۶} (آتش بر افروخته الهی است) (۶)

تفسیر: آتش بر افروخته الله عزوجل است، مثل آتش مخلوق نیست، هیزم آن مردمان و سنگها است و فعلاً نیز موجود میباشد.

موضوع: صفت دوم آن آتش

قرآن کریم: {الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ} {۷} (آتشی که بر دلها چیره گردد و بسوزاند)

تفسیر: این آتش بر قلبهای نفوذ می کند که جایگاه کفر، بزرگ منشی، برتری جویی ثروت دوستی و منزلت طلبی، بوده است، آتش بر این دلها مسلط میشود، بیرون و درون جسم را می سوزاند. در این قلب ها ترس، محبت و تعظیم الله عزوجل وجود نداشته است، زیرا: هرگاه در قلب اعمال باطنی ذکر شده وجود داشته باشد؛ زبان، دست، چشم و ابرو جهت تمسخر کسی اقدام نمی کند.

موضوع: صفت سوم آن آتش

قرآن کریم: {إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّصَدَّةٌ} {۸}

(بی گمان آن آتش بر آنها فرو بسته و آنها را از هر سو محاصره کرده است) (۸)

تفسیر: آن آتشی که عیبجویان، طعنه زنان، سخن چینان، غیبت کنان، تمسخر کنندگان، تحقیرکنندگان و شیفتگان اموال را در برمی گیرد سرپوشیده و در بسته است.

موضوع: صفت چهارم آن آتش

قرآن کریم: { فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ } { ۹ } (در ستونهای کشیده و طولانی!) (۹)

تفسیر: درحالیکه آنها درستونهای درازی با زنجیرها بسته میشوند و توانایی خروج را ندارند، فرض کنید اگر انسانی در داخل خانه یا موتری قرار داشته باشد و دروازه ها هم مسدود باشد، شعله های آتش از هرطرف وی را احاطه کند و هیچ راه گریزی هم و جود نداشته باشد، این شخص در چه حالتی قرار خواهد داشت؟! همه ما از عذاب جهنم به الله عزوجل پناه می بریم.

رهنمایی ها احکام و عمل

۱: بیان خواری و عذاب برای غیبت کنندگان سخن چینان، و عیبجویان

۲: بیان سرانجام شیفته شدن به دنیا، برتری جویی و تحقیر دیگران

۳: بیان شدت عذاب جهنم

۴: هرگاه کسی را مورد غیبت، عیبجویی و تمسخر قرار دادی از الله عزوجل آمرزش بخواه!

۵- غیبت، سخن چینی و عیب تراشی نظم و آرامش جامعه را مختل نموده و سبب ایجاد خصومت ها و دشمنی ها بین مردمان می گردد.

۶: خبر دادن ازحالت بد آنانیکه بر رسول الله ﷺ، امهات مومنین، واصحاب کرام طعنه می زنند.

۷: چیزی از مال خود را در راه الله عزوجل صدقه بده!

۸: به داشتن مال و ثروت مغرور نشو و مادیات تو را از عبادت الله عزوجل مشغول نسازد.

۹: بیان ضرورت تلاش و کوشش همیشگی برای نجات از سختی های قیامت و جهنم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

نام سوره: فیل

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۵

تعداد کلمات: ۲۳

اعداد حروف: ۹۶

وجه نام گذاری این سوره: این سوره فیل نامیده شده، زیرا: در آن داستان اصحاب فیل بیان شده است.

واقعه اصحاب فیل

ابرهه اشرم- والی یمن ازطرف نجاشی پادشاه حبشه، کلیسای بزرگی درصنعا بنا کرد ونام آنرا (القلیس) گذاشت وتصمیم گرفت عربها را به حج آن فرا خواند، او از این بابت خیلی نا راحت بود که کعبه مرجع خلائق قرار گرفته ومردم از راه های دور بسوی آن مسافرت میکنند او می خواست این شرف و مرکزیت به کلیسای ساخته شده او اختصاص یابد، این موضوع برعربها خیلی دشوار تمام شد، زیرا محبت کعبه با دل وجان آنها پیوند یافته بود، آنان هیچ مکان ومعبدی را برابر باکعبه نمی دانستند لذا از این جهت خیلی نگران شدند واین موضوع هر کجا مورد بحث قرار گرفت تا اینکه در همین دوران مرد کنانی^۱ برای اهانت این کلیسا وارد آن شده وآنرا با نجاست کثیف کرد، ابرهه از این واقعه خیلی خشمگین شده وسوگند یادکرد که شخصاً به خانه کعبه حمله کند و آن را با خاک یکسان کند. ممکن علت اصلی تهاجم ابرهه صرفاً این نبوده باشد او در واقع می خواست به این بهانه مکه را اشغال نماید وارتباط سوریه را با یمن برقرار سازد واز طرفی راه را برای گسترش مسیحیت هموار سازد. این کاروی به نفع روم وحبشه بود زیرا هردو وابسته به مسیحیت بودند، این طرح (انگیزه اش هر چه باشد) تنها با از میان برداشتن کعبه می توانست عملی شود، اما

۱ رجل من بني مالك بن كنانة فخرج اليها مستخفياً فدخلها ليلاً فقعدها فيها وتغوط بها ولطخها بعذرة قبلتها (تفسير البغوي)

مسلماً الله عزوجل این را دوست نداشت، ابرهه برای رسیدن به این هدف با تعدادی از فیل های بزرگ ولشکری نیرومند به سوی مکه حرکت کرد همینکه این خبر به عربها رسید همچون صاعقه بر آنها اثر گذاشت همگی احساس ترس و وحشت کردند و به فکر افتادند که چگونه جلوی این لشکر را بگیرند، سرانجام محافظت از کعبه را به الله عزوجل سپردند، زیرا کاملاً یقین داشتند که پروردگار کعبه خودش از آن محافظت و دفاع خواهد کرد، قریش از ترس ظلم و غارت گریهای این لشکر به کوه ها و دره ها پناه بردند و منتظر شدند تا مشاهده کنند که الله عزوجل چگونه با تجاوزگران حریم خانه خودش رفتار میکند، از آن سو ابرهه داشت خود را برای ورود به مکه و تخریب بیت الله آماده می کرد، فیل مخصوص خود را که محمود نام داشت و برای حمله اش آماده ساخته بود حرکت داد اما فیل در راه مکه بر زمین نشست، هر چه او را شلاق می زد حرکت نمی کرد، اما همینکه چهره اش را بسوی یمن بر می گردانیدند، بلند شده شروع به دویدن میکرد، در این هنگام؛ الله عزوجل از جانب دریا دسته های از پرندگان را برای نابودی آنها فرستاد، هرپرنده سنگ های با خود حمل میکرد این سنگها به هر کسی که اصابت می کرد او را هلاک می ساخت، اهل حبشه با دیدن این منظره شروع به گریختن کردند و در مسیر راه به اثر اصابت سنگ ریزه ها بر زمین افتاده می مردند، خود ابرهه نیز شدیداً زخمی شد، بند های انگشتان او یکی بعد از دیگری می افتاد تا اینکه به صنعا رسید و به بدترین وضعیت مُرد^۱

دیدگاه صحیح اینست که رسول الله ﷺ نیز در همین سال (سال فیل)

تولد شدند^۲

۱ جهت تفصیل بیشتر به کتاب : السيرة النبوية لابن هشام المؤلف : عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري المعافري أبو محمد] ت : ۲۱۳هـ [المحقق : طه عبد الرؤوف سعد الناشر : دار الجيل - بيروت الطبعة : الأولى ، ۱۴۱۱ عدد الأجزاء : ۶ * ۳ --- جز (۱) صفحة (۱۶۳) مراجعه شود.

۲ به تفسیر سورة فیل در تفاسیر: بغوی، روح البیان، قرطبی، شوکانی، فی ظلال القرآن، المنیر، وسعدی، مراجعه شود همین تاریخ را صحیح تر می دانند.

از مقاصد این سوره :

۱: بیان جایگاه خانه کعبه مبارکه در نزد الله عزوجل

۲: اظهار قدرت الله عزوجل در حمایت از خانه اش جهت پند پذیری و یاد آوری احسانش

موضوع: ۱- دفاع الله عزوجل از خانه اش. ۲- مجازات کافران و سرکشان در هر زمان و مکان سنت الله عزوجل است.

قرآن کریم: { أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ } { ۱ } (مگر ندیدی پروردگارت با اهل فیل چه کرد) (۱)

تفسیر: دیگر از نعمت های الله عزوجل بر قریش بازداشتن و مجازات فیلدارانی بود که قصد تخریب کعبه معظمه را داشتند، این مجازات بخاطر حمایت بیت الله الحرام بود نه بواسطه کردارها و باورهای قریش، خبر این واقعه در بین تمام اعراب مشهور و معروف بود، طوریکه عربها وقوع این حادثه را اساس تقویم و تاریخ برای خود قرار داده بودند، چنانچه میگفتند: این کار در سال فیل واقع شد، این حادثه یکسال قبل از سال فیل رخ داد، این موضوع یک سال بعد از سال فیل به وجود آمد، بنابر این: آیه مبارکه چنین بیان داشت: آیا ندیده و ندانسته که پروردگارتو با فیلداران چه کرد و چه برسر ایشان آورد؟

موضوع: ابطال نقشه کافران

قرآن کریم: { أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ } { ۲ } (آیا نیرنگشان را بر باد نداد) (۲)

تفسیر: الله عزوجل تلاش اصحاب فیل را در تخریب کعبه ناکام ساخت و نیرنگ ایشان را برخود آنها بازگردانید، امام قرطبی رحمه الله در تفسیرش مینویسد: عبد المطلب پسرش عبدالله را روان نمود تا از حملات پرنده ها برفیلداران، خبری برایش بیاورد، هنگامیکه عبد الله آنجا رفت دید که جسد های فیلداران بر روی زمین افتاده و گردن های شان بریده شده است، بابشارت نزد پدرش آمد و داستان را گزارش کرد،

عبد المطلب همراه یاران خود بیرون شد و مالهای آنها را گرفت و به سبب همین اموال ریاست وی تکامل یافت...^۱

موضوع: چگونگی ابطال نقشه کافران

قرآن کریم: {وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ} {۳} {وگروه گروه پرندگان را بر آنان فرستاد} تفسیر: دسته های بزرگی از پرنده ها را پی در پی بر آنها فرستاد، این یک روش خاصی بود که جهت ابطال کید آنها به کار گرفته شد.

موضوع: ۱- فرمان برداری پرندگان: ۲- تجهیزات، ووسایل جنگی این لشکر

قرآن کریم: {تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ} {۴}

(که بر آنان سنگ ریزه های از سنگ گِل می افکندند) (۴)

تفسیر: هریک از آنها سه سنگ ریزه را باخود حمل می کردند یکی به منقار ودوی دیگر در چنگالهای شان قرارداشت این سنگ ریزه ها مشابهت به سفال ویا گِل پخته شده را داشتند، این پرندگان مثل بم افکن این سنگها را برفیلداران نشانه می گرفتند و نابود شان میکردند.

موضوع: سرانجام این کافران به کجا انجامید؟

قرآن کریم: {فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ} {۵} (پس آنها را مانند کاه جویده شده گردانید)

تفسیر: مراد تشبیه این لشکر هلاک شده به باقی مانده برگ گیاهان ویا کاه است که بعد از خوردن حیوان ها به زیر دست وپای شان لگد مال شده باشد ویا آنها مثل برگ آفت زده کشتزار سوراخ و نابود شدند، امام طبری در تفسیرش به نقل از ابن زید چنین مینویسد: آنها مثل برگ کشتزار و گیاهی که حیوانات بخورند و سپس بصورت سرگین بیرون افکنند، گردیدند. یعنی: مثل سرگین حیوانات شدند، این واقعه یکی از مقدمات دعوت ورسالت رسول الله ﷺ بود.

۱ جهت تفصیل بیشتر به تفسیر سورة فیل در تفسیر قرطبی مراجعه شود.

رهنمایی ها احکام و عمل

۱: تسلی دادن قلب رسول الله ﷺ (ودعوتگران امت شان) در برابر اذیت و آزار مشرکان

۲: بیم دادن قریش (وهمفکران شان) از عذاب الله عزوجل تا از انکار دین اسلام دست بردارند. زیرا: همانطوریکه الله عزوجل دست کسانی که قصد بد به خانه اش را داشتند قطع نمود همانطور دست کسانی که به پیامبرش قصد بد داشته باشند را نیز قطع می کند.

۳: اظهار قدرت بی پایان الله عزوجل.

۴: مسلمانان نباید از نیروی ظاهری دشمن به وحشت افتند و از نصرت الله عزوجل نا امید شوند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

سوره قریش

نام سوره: قریش

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۴

تعداد کلمات: ۱۷

اعداد حروف: ۷۳

وجه نام گذاری این سوره: الله عزوجل در آغاز این سوره از نعمت های که برقریش ارزانی فرموده یاد آوری میکند، ازهمین جهت به این نام مسمی شده است

فضیلت این سوره:

رسول الله ﷺ درباره فضایل قریش فرمودند: ... الله عزوجل آنها را برعلیه اصحاب فیل یاری نمود ودر مورد ایشان سوره از قرآن نازل فرمود که در آن سوره غیر از قریش کسی ذکرنشده.^۱

اجمالاً مطالبی که این سوره در برگیرنده آنست:

یادآوری ازنعمت های که برای قبیله قریش داده شده بود وآنها عبارت بودند از:

۱: الله عزوجل آنها را یکپارچه و متحد ساخته بود

۲: محبت را در بین آنها ایجاد کرده بود

۳: قدرت برسیاحت در زمین وتجارت آزاد را برای آنها بخشیده بود

۴: آنها را در مکه مکرمه اسکان داده بود

۵: برای آنها نعمت امنیت وآرامش را عنایت فرموده بود

۱ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ۳۹۷۵ - المعجم الاوسط، ۹۱۷۳ - صحیح الجامع الصغیر وزیادته، ۴۲۰۹

۶: رزق آنها را فراخ ساخته بود

۷: مردم جزیره العرب برای آنها احترام والفت خاصی داشتند.

از آنها خواسته شد تا خود را مشمول نعمت دیگری که تنها عبادت الله عزوجل است بنمایند، ذاتی که همه این نعمت را برای شان بخشیده است او را پرستند از مقاصد این سوره: ۱- امر به عبادت و بیان ثمرات آن: ۲- بیان احسان برقریش

موضوع: بیان نعمت اتحاد و اقتدار^۱

قرآن کریم: (لِإِيلَافٍ قُرَيْشٍ {۱}) (برای الفت دادن قریش {۱})

تفسیر: ۲ آنچه با اصحاب فیل کردیم به خاطر حفظ امنیت قریش، متحد ساختن ایشان، پایدار کردن منافعشان و الفت دادن آنها بود، آیت بعدی این الفت را مشخص میکند که مراد از آن همان الفت شان به سفر تجار قری زمستان و تابستان است، «قریش» نام قبیله بزرگی در بین عربها است که از اولاد نضر پسر کنانه بودند و رسول الله ﷺ از نسل هاشم به آن قبیله منتسب می باشد و به همین خاطر به ایشان قریشی می گویند.^۳

موضوع:

۱: ترغیب بر فعالیت، تلاش و کوشش^۴

۲: بیان نعمت دفع تعرض دشمنان

۳: نعمت قدرت برسیر و تجارت

قرآن کریم: {إِلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ {۲}} (الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان)

۱ تفرش بمعنای، تجمع ذکر شده است، زیرا قریش بعد از پراکنده شدن متحد و متفق شدند. به تفسیر آلوسی مراجعه شود.
۲ در تفسیر طبری ذکر شده، صواب اینست که: لام به معنای تعجب باشد، پس معنای کلام چنین میشود: اظهار شگفتی نمایید بخاطر الفت و عادت قریش، الفت و عادت آنها به سفر زمستان و تابستان و ترک نمودن آنها عبادت صاحب این خانه را کسی که آنها را در گرسنگی طعام داد و در وقت ترس امن و امان بخشید. اجماع مسلمین بر این است که این دو سوره مستقل و جدا از یکدیگر میباشد.
۳ امام ابن جریر طبری در تفسیر این آیه بسند حسن به نقل از قتاده می نویسد: عادت قریش، عادت آنها در دو سفر زمستان و تابستان. الصحيح المسبور من التفسیر بالمأثور.
۴ در تفسیر الوسیط لطنطاوی، تفرش بمعنای: تکسب نیز ذکر شده است و قریش در تلاش کسب و کار بودند.

تفسیر: مردم قریش در هر سال دوسفر مهم تجارتي داشتند که در پيشبرد امور اقتصادي آنها نقش اساسي داشت يکي در زمستان بطرف يمن و ديکري در تابستان بطرف شام، الله عزوجل کساني را که به قریش قصد بد داشتند هلاک کرد، حرم و اهل آنرا در نزد عربها عزت داد و در هيچ مسافرتي دست تعرض به سوي آنها کسي دراز نمي کرد، بنابر اين: قریش بايد به خاطر شکرگزارى نعمت اين دوسفر، پروردگار خود را عبادت کنند و از پرستش غيروا پرهيز کنند.^۱

موضوع: ۱- امر به انجام عبادت تنها برای الله عزوجل: ۲- بيان شرافت وعظمت بيت الله الحرام

قرآن کریم: { فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ } { ۳ } (پس بايد پروردگار اين خانه را بپرستند)

تفسیر: پس بايد پروردگار اين خانه (کعبه) را پرستش کنند، اورا يگانه بدانند، عبادات را خالصانه براي او انجام دهند، کسي را با او شريک نسازند، با او محبت داشته باشند او اين سفرها را براي شان پر دست آورد و آسان ساخته است. امام ابن کثير رحمه الله مینويسد: هرکس اين فرمان را اجابت کند، الله عزوجل ايمنى دنيا و آخرت را نصيب او ميکند و هرکس در اين امر او را نافرمانى کند، هردو ايمنى را ازوى ميگيرد.

موضوع: ۱- فراخى رزق وامنىت دو نعمت بزرگ اند. ۲: ايجاد و بقاى نعمت طعام وامنىت از ثمرات عبادت است.

قرآن کریم: { الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ } { ۴ }

(همان [خدايى] که در گرسنگى غذايشان داد و از بيم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد) (۴)

تفسیر: پروردگارى که از گرسنگى شديد ايشان را رهانيده و خوراک شان داد و آنان را از ترس بزرگ راهزنان قبائل در راه ها و ستمگران در شهرها رهايى بخشيد و ايمنى ساخت. فراخى در رزق و ايمنى از ترس از بزرگترين نعمت هاى دنيوى بوده و شکر آن برانسان لازم مى باشد.

۱ امام ابن جرير به سند صحيح به نقل از مجاهد در تفسير اين آيه مبارکه مي نويسد: اين دو سفر براي قریش عادت شده بود بر آنها سنگين و دشوار تمام نمى شد. الصحيح المسبور من التفسير بالمأثور همین سوره.

رهنمایی ها احکام و عمل

۱- بیان انعام الله عزوجل برقریش، (نعمت اتحاد، نعمت رزق، نعمت امنیت، نعمت وجود بیت الله، نعمت حرمت گذاری مردم به آنها) ولی آنها ناسپاسی نمودند که در نتیجه؛ الله عزوجل نعمتها را از آنها سلب کرد.

۲- وجوب شکر نعمت؛ شکر نعمت به ستایش الله عزوجل و صرفش در جاهای که رضای او باشد انجام می یابد.

۳- وجوب عبادت تنها برای الله عزوجل و ترک عبادت غیر او،

۴- فراهم سازی نان و غذا و تامین امنیت کامل، از بزرگترین شعارها و اهداف پیشرفته ترین کشورهای جهان میباشد که در تحقق کامل این اهداف ناکام شدند، کافران فکر میکنند که مبتکرین این برنامه (فراهم سازی غذا و تامین امنیت) و تطبیق کننده آن جهت بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و امنیتی برای مردم شان آنها هستند، ولی آنچه معلوم است احوال مردم در این کشور ها اینگونه می باشد:

الف - سیستم ظالمانه طبقاتی و وضعیت منحط اجتماعی شکاف های زیادی را بین مردم آن کشورها به وجود آورده است.

ب - میزان بیکاری، بی سرپناهی، موجودیت شمار زیادی از گدایان و فقیران در آن کشورها کم نیست.

ج - آرامش روحی و روانی برای بخش بزرگی از اتباع این کشورها وجود ندارد.

د - روزانه مردم به میزان قابل توجهی در این کشورها به اسباب مختلفی چون: استعمال مواد مخدر، مشروبات، سرقت، زنا، لواط و سایر ارتباط های نامشروع یکدیگر را به رگبار می بندند و می کشند.

جرامی که کمتر از قتل است و در کشور های کفری روزانه دارد به وقوع می پیوندد شمار آن از هزارها بیشتر میباشد.

علاوه بر اینها: به علت کشته شدن شمار زیاد از کافران متجاوز تنها توسط مجاهدان افغان در جنگ های صلیبی از سال (۲۰۰۱م)، به این طرف، کمتر فامیلی از کافران می باشد که داغدار نشده باشد، آیا تامین امنیت و بهبود وضعیت اجتماعی همین طور

است؟ نه خیر! آنها امنیت کامل و مجتمع سالم ندارند، قرآن کریم در دو آیه اخیر این سوره بیش از (۱۴۴۵) سال قبل برای بشریت، فراهم سازی نان و غذا و تامین امنیت کامل را وعده داد در صورتیکه آنان عبادت را تنها برای الله عزوجل خالص بسازند و درمنهج قرآن کریم سیر نمایند، و این وعده خود را برای مسلمانان به اثبات رسانید، چنانچه: درطول بیش از (۱۲۰۰)، مسلمانان از این دو نعمت بزرگ برخوردار بودند، و این حقیقت را هیچ کسی انکار کرده نمی تواند.

۵- در اینجا قریش فرمان یافته بودند که ایمان بیاورند، در این فرمان اشاره براین بود: گویا: در وجود قریش یک نوع خیری نهفته است. و کفر آنها به پیمانۀ نرسیده است که بیم دادن برای هیچ یک از آنها فایده نداشته باشد، از همین جهت مورد ندا واقع شدند، مخاطب قرار گرفتند و از آنها درخواست پذیرش اسلام شد. گذشت زمان نقش اساسی که قریش در پذیرش و انتشار دین اسلام ایفا کردند برای همگان آشکار نمود، بنابراین: قریشیان سزاواری این را داشتند که اینگونه مورد ندا و فرمان واقع شوند. این فرمان و اثر آن از نشانه های اعجاز آور قرآن مجید است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

نام سوره: ماعون.

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۷

تعداد کلمات: ۲۵

اعداد حروف: ۱۲۳

وجه نام گذاری این سوره: این سوره ماعون (نیکویی، احسان، همکاری با دیگری) نامیده شده است، زیرا: در این سوره از جامعه نکوهش شده که در آن نیکوکاری نباشد.

تقسیم این سوره:

سه آیه نخست این سوره جهت نکوهش وهشدار برعاص پسر وایل، ولید پسر مغیره، وهمفکران آنها از سرکشان قریش، به مکه مکرمه نازل شده است.

وچهار آیه اخیر جهت سرزنش وهشدار بر منافقان، به مدینه منوره نازل گردیده است^۱

اجمالاً مطالبی که این سوره در برگیرنده آنست:

بخش مکی این سوره؛ کافران تکذیب کننده را با دو صفت زشت دیگر آنها بیشتر به معرفی میگیرد و مسلمانان را از داشتن این اوصاف بیم میدهد. و این دو صفت زشت عبارت اند از:

۱: خشونت نمودن همراه یتیمان.

۱ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی المؤلف: شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی الألوسی (المتوفی: ۱۲۷۰هـ) جزء (۱۵) ص (۴۷۴) أیسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر المؤلف: جابر بن موسی بن عبد القادر بن جابر أبو بکر الجزائري جزء (۵) ص (۶۲۰) التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج المؤلف: د وهبة بن مصطفى الزحيلي جزء (۳۰) ص (۴۱۹)

۲: بخل ورزیدن و ترغیب نکردن خود و دیگران را برطعام دادن مستمندان.

بخش مدنی این سوره؛ منافقان را نکوهش کرده و آنها را با سه صفت قبیح معرفی میکند و مسلمانان را از داشتن این صفات هشدار میدهد. و این اوصاف عبارت اند از:

۱: غفلت و بی پروایی در امر نماز.

۲: ریاکاری، ظاهرسازی و خود نمایی.

۳: خود داری از دادن وسایل کمکی ناچیز منزل برای دیگران.

این سوره مبارکه اوصافی را نکوهش می کند که وجود آنها؛ دیانت، اتحاد، محبت و امنیت بین را جامعه تهدید می کند.

از مقاصد این سوره:

تکذیب روز قیامت انسان را به هر عمل زشت و اخلاق بد می کشاند

موضوع: اظهار تعجب از تکذیب کننده روز جزا

قرآن کریم: {أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ} {۱} {آیا کسی را که روز جزا را دروغ می خواند دیدی} (۱)

تفسیر: الله عزوجل کسانی را که حقوق او و بندگانش را مراعات نمی کنند، نکوهش نموده و می فرماید: آیا نگرسته ای به سوی کسی که زنده شدن پس از مرگ و جزا را دروغ می شمارد و به آنچه پیامبران آورده اند ایمان ندارد.

«رؤیت» در «أَرَأَيْتَ» می تواند بصری باشد، پس معنا چنین میشود: آیا دیده ای؟ و می تواند علمی باشد در این صورت معنا چنین می شود: آیا شناخته ای؟

موضوع: ۱- صفت اول تکذیب کننده فوق: ۲- نهی از خشونت بایتیمان. ۳- از پیامدهای تکذیب به روز جزا:

قرآن کریم: {فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ} {۲}

(این همان کس است که یتیم را با خشونت می راند) (۲)

تفسیر: چنین کسی یتیم^۱ را با خشونت از خود می راند و حق آن را ضایع می سازد و با سنگدلی که دارد براو رحم نمی کند، در وازه های خیر را بر روی او می بندد، چون به ثواب و جزا باورمند نیست، در زمان جاهلیت زنان و یتیمان را از میراث هم محروم می کردند، ولی دین اسلام تمام این عادات و روش های جاهلانه و ظالمانه را ممنوع و حرام ساخت.

فضیلت کفالت یتیم در حدیث صحیح:

رسول الله ﷺ فرمودند: در جنت من و کافل یتیم (کسی که خوراک، پوشاک، مصارف و تربیه یتیم را بر ذمه خود گیرد) مثل این دوانگشت (سبابه و وسطی) با هم نزدیک میباشیم^۲

این فضیلت برای کفالت کننده هر یتیمی ثابت است، فرق نمیکند که آن یتیم با انسان قرابت و نزدیکی داشته باشد یا نداشته باشد.

موضوع: ۱- صفت دوم تکذیب کننده فوق: ۲- هشدار از عدم تعاون با مستمندان: ۳- هشدار از ترک امر به معروف، ۴- از پیامدهای تکذیب روز جزا:

قرآن کریم: { وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ } {۳} و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی کند (۳)

تفسیر: این شخص موصوف از جهت فساداندیشه، و شدت بخلی که دارد، خود وی که هیچ تعاون و همکاری با مساکین نمی کند به سرجایش، حتی دیگران را بر طعام دادن مستمندان تشویق و ترغیب نمی نماید. بنا براین: نفسی که نه خودش فاعل خیر باشد و نه دیگران را بر انجام خیر ترغیب دهد، خبیث است.

یا اینکه نتیجه عدم ایمان به روز جزا سبب میشود که: انسان خود و دیگران را بر طعام دادن فقرا ترغیب نمی دهد، زیرا گناه تولید مثل میکند، اینست صفت هر ظالمی که مانع حق باشد، ترحم، شفقت، مهربانی و خیرخواهی با مساکین نمی کند. هرگاه کسی خواسته باشد تکذیب کننده روز جزا را مشاهده کند آنرا در بین ستمکاران و سنگدلان می بیند.

۱ یتیم: طفلی (پسر یا دختری) است که پیش از بلوغ آن پدرش وفات نموده باشد و آن محل شفقت و رحمت میباشد.
۲ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۶۰۰۵

فضیلت طعام دادن مساکین:

- ۱: رسول الله ﷺ فرمودند: کسیکه می‌کوشد تا بر بیوه زنان و مساکین همکاری داشته باشد در پاداش مثل مجاهدی است که در راه الله عزوجل جهاد میکند...^۱
- ۲: رسول الله ﷺ طعام دادن (برای مساکین، یتیمان، مهمانان) را از جمله اسباب دخول جنت ذکر نمودند^۲

رهنمایی‌ها، احکام و عمل

- ۱: هر قلبی که از عقیده زنده شدن بعد از مرگ خالی باشد صاحب آن بدترین مخلوق بوده و هیچ خیری در آن نمی‌باشد.
- ۲: هشدار و توبیخ بر کسانی که یتیم‌ها را سخت از پیش خود می‌رانند و یا مالهای آنها را به ناحق و ستمگرانه می‌خورند، شکی نیست که آنها به این کار در شکم‌های خود آتش میریزند و اگر توبه نکنند با آتش سوزانی خواهند سوخت.
- ۳: کسانی را که در اطراف تو قرار دارند بر طعام دادن مساکین ترغیب بده
- ۴- باید از مومن پیوسته اعمال نیک و خیر خواهی صادر شود تا این کارش بر حقیقت تصدیق قلبی او دلیل و گواهی باشد.
- ۵- هشدار از ترک امر به معروف.
- موضوع: ۱- هشدار سخت بر کسانی که در امر نماز بی‌پروایی و بی‌باکی می‌کنند-۲-

قرآن کریم: {فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ} {۴} {الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ} {۵}

(پس وای بر نمازگزارانی (۴) که از نمازشان غافلند) (۵)

تفسیر: امام ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیرش می‌نویسد: وادی ای در جهنم که از آن زرد آب، چرک و عرق اهل جهنم سیلان میکند در انتظار منافقین است که

۲ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۵۳۵۳

۲ سنن دارمی، شماره حدیث: ۱۵۰۱- سنن ابن ماجه، شماره حدیث: ۳۲۵۱- صحیح ابن حبان، شماره حدیث: ۴۸۹- السلسلة الصحيحة، ۵۶۹

نماز می خواندند ولی در ادای آن رضای الله عزوجل را اراده نداشتند و در جریان ادای آن نیز در غفلت و بی پروایی قرار داشتند.

امام قرطبی - رحمه الله - در تفسیر این آیه مبارکه مینویسد:

۱: اینها کسانی اند که در خواندن نماز امید ثواب و در ترک آن ترس از عذاب را ندارند.

۲: کسانی اند که نماز را در وقت معین آن نمی خوانند.

۳: کسانی اند که رکوع و سجده را کامل نمی سازند (از نماز شان سرقت می کند) پایان نقل^۱

امام ابن کثیر - رحمه الله - در تفسیر این آیه مبارکه مینویسد: اینها کسانی اند که: همیشه و یا اغلباً ادای نماز را به تأخیر می اندازند و یا اینکه نماز را با شروط و ارکانی که مامور شدند نمی خوانند، یا اینکه در نماز خشوع و حضور قلب نداشته و در معانی آیات - به حد توان - تدبر نمی کنند، این لفظ شامل همه موارد فوق را میشود، هر کس یکی از این صفات در وجود او باشد بخشی از این هشدار متوجه او میشود و اگر کسی به همه این صفات متصف بود همه هشدار متوجه او گردیده و بطور کامل در نفاق عملی واقع می شود. ۲- کسی که از نمازش غافل باشد سزاوار مذمت و سرزنش است، اما دچار فراموشی شدن در نماز چیزی است که هر شخص در آن واقع میشود، حتی رسول الله ﷺ در نماز سهو شدند^۳ - بنابراین: به عارض شدن سهو در نماز کدام ملامتی و سرزنشی برای نماز گزار نیست. احکام سهو در نماز از کتب حدیث و فقه دانسته می شود.

حکم ترک کننده نماز:

علما اتفاق نظر دارند که اگر کسی نماز فرض را فرض نداند و آنرا انکار کند، آن شخص کافر و مرتد میباشد.

علما اتفاق نظر دارند که اگر کسی به فرضیت نماز اعتقاد داشته باشد ولی آنرا قصداً نخواند، مرتکب گناه کبیره شده است. مثل اینکه دزدی، زنا، نوشیدن شراب، قتل

۱ تفسیر قرطبی .

۲ تفسیر ابن کثیر، سورة ماعون.

۳ به صحیح البخاری، شماره حدیث: ۱۲۲۴ - مسند احمد - ۲۲۹۲۹ - صحیح مسلم - ۵۷۰ - سنن ابی داود - ۱۰۳۴ - سنن نسائی - ۱۲۲۲ - مراجعه شود

نفس بغیر حق... از جمله گناهان کبیره میباشد و فاعل آن فاسق می گردد، ترک نماز نیز از جمله گناهان کبیره است و ترک کننده آن فاسق می شود،

شماری از علما تارک نماز را کافر میدانند:

امام ابوحنیفه - رحمه الله، امام شافعی رحمه الله - و امام مالک رحمه الله - بر این نظراند که: ترک کننده نماز فاسق است ولی کافر نیست. در شرح السنة؛ المؤلف: الحسين بن مسعود البغوي - شماره اثر: (۳۴۷) به نقل از امام مالک رحمه الله و امام شافعی رحمه الله ذکر نموده است که: ترک کننده نماز مثل مرتد کشته شود ولی از اسلام خارج نیست.

امام احمد - رحمه الله - بر این نظراند که: ترک کننده نماز کافر و از ملت اسلام بیرون شده است.

برخی هشدارها، و توبیخ های که در احادیث و آثار بر ترک کننده نماز وارد شده است:

۱: رسول الله ﷺ فرمودند: یقیناً بین مسلمان و کفر و شرك، ترک نماز است^۱ یعنی: هرگاه انسان مکلفی که نماز را ترک کرد در کفر و شرك واقع میشود.

۲: رسول الله ﷺ فرمودند: پیمانی که بین ما و آنها (منافقان در محافظت از ریختن خونهای آنها) انعقاد یافته است، ادای نماز میباشد، کسی که آنرا ترک کند کافر میشود.^۲

۳: ابوهریره رضي الله عنه میگوید: اصحاب رسول الله ﷺ ترک عملی را غیر از نماز کفر نمی دانستند^۳

۴: رسول الله ﷺ فرمودند:.. کسیکه نماز فرض را قصداً ترك کند در امان الله نیست...^۴

۱ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۱۳۴-شعب الایمان، شماره حدیث: ۲۵۳۶

۲ مسند احمد، شماره حدیث: ۲۲۹۳۷-سنن ابن ماجه، ۱۰۷۹- سنن ترمذی، ۲۶۲۱- سنن نسائی، شماره حدیث: ۴۶۳-صحیح ابن حبان، شماره حدیث: ۱۴۵۴- سنن دارقطنی، شماره حدیث: ۱۷۵۱- شعب الایمان، شماره حدیث: ۲۵۳۸- مصنف ابن ابی شیبه، شماره حدیث: ۳۱۰۳۵- المستدرک علی الصحیحین للحاکم، شماره حدیث: ۱۱

۳ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، شماره اثر: ۱۲-صحیح الترغیب والترهیب، شماره اثر: ۵۶۵-سنن ترمذی، شماره اثر: ۲۶۲۲- به روایت عبد الله ابن شقیق- شرح السنه، شماره اثر: ۳۴۷

۴ سنن ابن ماجه، شماره حدیث: ۴۰۳۴-صحیح الترغیب والترهیب، شماره حدیث: ۵۶۷

جزای ترک کننده نماز در برخی از کتب فقهی:

۱: کسیکه نماز را از روی تهاون و تنبلی نمی خواند زندانی شود^۱

۲: کسی که قصداً نماز را ترك میکند زده شود تا خون از وی جاری گردد^۲

ناگفته نباید گذاشت که اجرای این مجازات از صلاحیت های حاکم مسلمان است. ولی پدران و مادران فرزندان شان را بخاطر ترک نماز تادیب کنند (بزنند)، زیرا: رسول الله ﷺ فرمودند: فرزندان تا نرا به سن هفت سالگی به ادی نماز فرمان دهید و به سن ده سالگی در ترک نماز تادیب شان کنید و خوابگاه های شانرا نیز جدا بسازید^۳.

در این تا دیب باید از زدن بر چهره و صورت پر هیز شود و همچنان این تا دیب سبب شکستن استخوان و مجروح شدن جسم نگردد، امام شوکانی در نیل الاوطار می نویسد: اجرای این امر بر بالای پدران در نزد، احناف، شوافع و حنابله واجب است،^۴ در عون المعبود شرح سنن ابی داود چنین ذکر شده است: اجرای این فرمان بعد از تعلیم شروط وارکان نماز برای طفل است^۵، یعنی: پیش از اینکه طفل به سن هفت سالگی برسد باید به او شروط وارکان نماز تعلیم داده شود.

موضوع: ۱- هشدار از ریا کاری. ۲- از پیامدهای عدم یقین به روز جزا:

قرآن کریم: { الَّذِينَ هُمْ يُرْءُونَ } { ۶ } (آنان که ریا می کنند) (۶)

تفسیر: همان کسانی که در خواندن نماز، دادن صدقه و انجام سایر اعمال ریا کاری و خود نمایی میکنند. ریا عبارت است از: ظاهر سازی و خود را به مردم نیک جلوه دادن و کاری را بخاطر طلب منزلت در قلب های مردم انجام دادن. منافقان نماز می خواندند و صدقه می دادند تا برای مسلمانان نشان دهند که آنها نیز مسلمان میباشند و با انجام این اعمال خود را از کشته شدن و بردگی نجات می دادند و از غنایم نیز سهمی

۱ اللباب فی الجمع بین السنة والكتاب المؤلف: جمال الدین أبو محمد علی بن ابی یحیی زکریا بن مسعود الأنصاری الخزرجی المنبجی (المتوفی: ۶۸۶هـ) جزء (۱) صفحه (۱۵۷)

۲ - نور الإيضاح ونجاة الأرواح فی الفقه الحنفی المؤلف: حسن بن عمار بن علی الشرنبلالی المصري الحنفی (المتوفی: ۱۰۶۹هـ) جزء (۱) ص (۷۶) مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر المؤلف: عبد الرحمن بن محمد بن سلیمان المدعو بـ شیخی زاده، يعرف بـ داماد أفندي (المتوفی: ۱۰۷۸هـ) جزء (۱) ص (۱۴۶)

۳ سنن ابی داود (۴۹۵) صحیح الجامع الصغیر (۵۸۶۸) ارواء الغلیل (۲۴۷) صحیح ابی داود - الام (۵۰۹).

۴ فتاوی الشبکه الاسلامیه رقم الفتوی (۲۸۷۸۹)، عنوان: امر الاولیاء ابناءهم بالصلاة علی سبیل الوجوب ام الندب؟- مجمع الانهر فی شرح ملتقى الأبحر، ج: ۱، ص: ۲۱۸، درر الحکام شرح غرر الاحکام، ج: ۱، ص: ۲۱۷، رد المحتار، ج: ۳، ص: ۸۲، ... وَجِبَ ضَرْبُ ابْنِ عَشْرِ عَلَيْهَا بِتِدْ لَا بِخَشْتَةٍ ۵ عون المعبود شرح سنن ابی داود، ج: ۲، ص: ۱۶۲، - البته این مکلفیت شرعی بر عهده اولیا به خاطر عادت دادن طفل به نماز است و هیچ منافاتی با حدیث بر داشته شدن قلم از کودک تا سن بلوغ را ندارد.

برای خود می‌گرفتند. ولی اگر مسلمان عمل نیکی را انجام دهد قصدش این باشد تا دیگران ببینند و به او اقتدا کنند کار خوبی می‌باشد.

قباحت و زشتی ریا در احادیث صحیح:

۱: رسول الله ﷺ از ریا به الله عزوجل پناه می‌جستند^۱

۲: رسول الله ﷺ فرمودند: از بیشترین چیزی که من در امت خود بیم دارم شرک کوچک است، یاران گفتند: شرک کوچک چیست؟ رسول الله ﷺ فرمودند: ریا کاری و خود نمایی، هنگامیکه پاداش مردم در برابر اعمال شان داده شود الله عزوجل برای ریا کاران می‌گوید: بروید به سوی کسانی که در دنیا اعمال خود را به آنان نشان می‌دادید و خود نمایی می‌کردید، بنگرید: آیا پاداشی را نزد آنها دریافت می‌کنید؟^۲

۳: الله عزوجل در حدیث قدسی فرموده است: ... کسی عملی را انجام دهد و در آن عمل غیر من را شریک سازد آن شخص را همراه عملش ترک می‌کنم^۳ بنابراین: ریا ثواب عمل را نابود می‌کند.

موضوع: ۱- هشدار از خود داری در تعاون اشیای کمکی: ۲- از پیامدهای عدم یقین به روز جزا:

قرآن کریم: { وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ } {۷}

(واز دادن ابزار ضروری و عادی ناچیز زندگی به دیگران دریغ می‌ورزند) (۷)

تفسیر: ماعون: هر آنچه عادت بر عاریت دادن و بخشش کردن آن جاری باشد. منافقان از دادن و سایل و اشیای کمکی ناچیز که معمولاً همسایگان به یکدیگر عاریت و بخشش می‌دهند خود داری می‌نمودند، و این اشیای عبارت اند از: سوزن، تبر، تیشه، دیگ، کاسه، بشقاب، چکش، دلو، ریسمان، بیل، آلات کشاورزی، آتش، آب، نمک، و... برخی مفسران، خود داری از پرداخت زکات، جلوگیری از رسیدن مردمان به حقوق شان، ترک نیکی، همکاری و خیرخواهی برای مردمان را در مفهوم آیه مبارکه داخل می‌دانند.^۴ بنابراین: موارد ذکر شده از اوصاف منافقان است و

۱ الجامع الصغیر و زیاده، شماره حدیث: ۲۱۶۵

۲ مسند احمد، شماره حدیث: ۲۳۶۳۰- صحیح الترغیب والترهیب، شماره حدیث: ۳۲- شعب الایمان؛ ۶۵۶۳

۳ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۵۳۰۰

۴ به تفاسیر، نسفی، قرطبی، ابن جریر و ابن کثیر رحمهم الله - مراجعه شود. با تصرف بسیر

مسلمانان باید از این صفات پرهیز نمایند. تادر نفاق عملی واقع نشوند وبا آنها همانندی نداشته باشند.

رهنمایی ها، احکام، وعمل

۱: بی پروایی و تنبلی در امر نماز از اوصاف منافقان است.

۲: ریاکاری و خودنمایی از مرض های قلبی میباشد که اعمال را باطل می سازد و این امر از اوصاف منافقان نیز هست.

۳: کسیکه نماز را ادا نکرد؛ توفیق، شفقت و ترحم بر مخلوقات از وی سلب میشود.

۴: از تاخیر و تنبلی در ادای نماز و کم توجهی در به جای آوردن ارکان، واجبات و مستحبات آن پرهیزکن!

۵: منع ماعون نیز از اوصاف منافقان میباشد.

۶- آنچه را در توان داری برای برادران و همسایه گان ات به عاریت بده.

۷- وجوب احیای روحیه تعاون و همکاری در تمام بخش ها بین افراد جامعه اسلامی.

۸- بیان میزان توجه دین اسلام در ریشه کن ساختن فقر و بر آورده ساختن نیازهای اقتصادی مردمان

۹- برحاکمان مسلمانان لازم است که جهت بر آورده ساختن نیازهای اقتصادی و فرهنگی مردمشان تلاش و رسیدگی کنند، برنامه های منظمی را بخاطر زدودن فقر از جامعه اسلامی روی دست گیرند، در غیر این صورت در هشدارهای این سوره داخل می شوند. پیامد فقر فرهنگی هم کمتر از پیامد فقرمادی برای جامعه نیست.

۱۰- از نظام اسلامی آیین و قانونی بهتر پیدا نمی شود که در فرامین اش به این اندازه به حقوق ضعیفان و نیازمندان رسیدگی شود، چنانچه دیده شد شدید ترین هشدار برای کسانی داده شده است که جهت بهبود وضعیت اقتصادی نیازمندان کاری از دست شان بیاید ولی آنرا انجام ندهند.

۱۱- هرگاه نماز بر روش رسول الله ﷺ ادا شود انسان را از ریاکاری بازمی دارد و در تعاون با افراد جامعه ترغیب می دهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

نام سوره: کوثر

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۳

تعداد کلمات: ۱۰

اعداد حروف: ۴۲

وجه نام گذاری این سوره: این سوره کوثر (خیر و خوبی فراوان) نامیده شده، زیرا در این سوره الله عزوجل برای پیامبرش ﷺ خبر از اعطای خیر کثیر داده است. فضیلت آن:

روزی رسول الله ﷺ به خواب سبک رفتند، بعداً سرمبارک خود را بلند کردند در حالیکه تبسم می نمودند، هنگامیکه از سبب خوشحالی ایشان سوال شد، فرمودند: همین پیشتر سوره بر من نازل شد، بعد از تسمیه این سوره را تا آخر خواندند و در ادامه فرمودند: آیا میدانید که کوثر چیست؟ گفتیم: الله ورسولش بهتر میداند، سپس فرمودند: نهی (رود بزرگی) است که آنرا پروردگارم برای من وعده داده است، در آن خیر فراوانی نهفته شده و امت من در روز قیامت بر آن وارد میشوند...^۱

رسول الله ﷺ فرمودند: من در حوض بر شما پیشی میگیرم (و در انتظار شما می باشم) هرکس بر من وارد شود و از نزد من عبور کند از آن حوض مینوشد و هرکس بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد، در آن روز گروهی که من آنها را می شناسم و آنها نیز من را می شناسند میخواهند که بر (حوض) من وارد شوند ولی از ورودشان جلوگیری میشود، من میگویم: اینها از امت من هستند، گفته میشود: تو نمی دانی که آنها بعد از تو چه کارها کرده اند؟ من میگویم: نابود باد کسی که بعد از من منحرف شد و در دین تغییر به وجود آورد^۲

۱ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۴۰۰

۲ صحیح البخاری، (۶۵۸۴-۶۵۸۳)

در «موقع الاسلام سوال وجواب» به نقل از امام نووی - رحمه الله - دیدگاه های علما را در مورد گروه های که از ورود آنها به حوض جلوگیری میشوند، چنین بیان نموده است:^۱

۱: منافقان

۲: مرتدین

۳: اهل کبایری که بر توحید وفات نمودند

۴: اهل بدعتی که از اسلام خارج نشده باشد

امام قرطبی - رحمه الله - در کتاب (التذکره) میگوید: دانشمندان اسلامی راجع به احادیث مربوط به حوض میگویند: کسانی که از دین برگشته اند یا اینکه بدعت های در دین به وجود آوردند که الله عزوجل به آنها راضی نیست، تمامی اینها از ورود به حوض جلوگیری میشوند و از آن رانده میشوند، مثل: خوارج، روافض و معتزلیها که از هوی و هوس پیروی کردند و دین الله عزوجل را تغییر دادند،

همچنین ستمکارانی که زیاد ستم روا داشتند و در راستای خاموش کردن حق و کشتن پیروان آن قدم برداشته اند و کسانی که آشکارا گناهان کبیره را انجام دادند، از حوض رانده میشوند،

کسانی که تنها در اعمال مرتکب گناه شده باشند و توبه نکرده باشند اما بر عقیده درستیکه بر مبنای قرآن کریم و سنت صحیح باشد وفات کرده باشند، برای مدتی از حوض منع میشوند، سپس بعد از مغفرت الله عزوجل بر اثر نور وضویی که به آن شناخته میشوند، برای آنها اجازه ورود به حوض داده میشود. دیدگاه صحیح اینست که: برای رسول الله ﷺ دو حوض داده می شود، یکی بر موقف است پیش از صراط (پلی است که بر سر دوزخ وضع می گردد)، و یکی دیگر در جنت می باشد، هر دوی آنها کوثر نامیده می شوند،^۲

۱ موقع الاسلام سوال وجواب، وقفات مهمة مع حديث الحوض، جزء (۹) ص (۱۹۳) و شرح مسلم، ص ۱۳۷-۳، ۱۳۶ (۱۳۶)
 ۲ التذکره، المؤلف ابو عبد الله محمد ابن احمد ابن ابی بکر ابن فرح الانصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي، باب ما جاء في حوض النبي صلى الله عليه وسلم في الموقف وسعته وكثره أوانيها وذكر أركانها ومن عليها، ص: ۳۴۷، و باب ذكر من يطرد عن الحوض، ص: ۳۵۲، با تصرف يسير.

سبب نزول: اهل جاهلیت برای کسیکه پسرش وفات میکرد دُم بریده، بی نام و بی نشان میگفتند، هنگامیکه ابراهیم پسر رسول الله ﷺ وفات کرد، ابوجهل بسوی همفکران خود شتافت و برای آنها گفت: محمد دُم بریده شد، سپس این سوره نازل شد...^۱

اجمالاً مطالبی که این سوره مبارکه دربرگیرنده آنست:

۱: بیان احسان الله عزوجل بر پیامبرش ﷺ در اعطای خیر فراوان و حوض کوثر
 ۲: بیان مأموریت رسول الله ﷺ و امت شان بر خواندن نماز و اخلاص در آن و قربانی نمودن

۳: بشارت و مژده بر رسول الله ﷺ از پیروزی بردشمنانش

از مقاصد این سوره: دفاع الله عزوجل از رسول الله ﷺ

موضوع: بخشش بزرگی برای رسول الله ﷺ و امت ایشان

قرآن کریم: { إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ } { ۱ } (ای پیامبر به راستی که ما به تو کوثر عطا کردیم)

تفسیر: ای رسول ما! ما به تو خیر فراوان و فضل زیادی در دنیا و آخرت داده ایم،^۲ از جمله آن رود بزرگی در جنت می باشد که طول آن به مسافت یک ماه و عرض آن نیز به مسافت یک ماه است و آب آن از شیر سفید تر و از عسل شیرین تر میباشد، لیوانهای آن به اندازه ستارگان آسمان زیاد و همان طور درخشان میباشد، هر کس یک بار از آن بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد، آنرا برای تو و امت تو عنایت نمودیم، همچنان برای رسول الله ﷺ در عرصات قیامت حوض بزرگی داده میشود و امت شان بر آن وارد گردیده و از آن می نوشند، آب این حوض از همین رودی که صفات آن بیان شد سرچشمه می گیرد. کسی که در دنیا بر شریعت رسول الله ﷺ قرار داشته باشد در آخرت بر حوض ایشان وارد میشود و کسی که در دنیا بر شریعت ایشان نباشد در آخرت از حوض ایشان محروم میشود.

۱ تفسیر قرطبی، جزء (۲۰) ص (۲۲۲) امام ابن کثیر در ادامه تفسیر این سوره به نقل از ابن عباس، مجاهد، سعید بن جبیر، قتاده، مینویسد: عاص ابن وایل گفت: محمد دم بریده شد. سپس این سوره نازل شد-

۲ امام قرطبی رحمه الله در تفسیرش دیدگاههای دیگری از علما را در مورد کوثر ذکر نموده است که از آن جمله نبوت، قرآن، اسلام، شفاعت، لا اله الا الله محمد رسول الله، معجزات زیاد، کثرت امت، بلندی قدر و مرتبه را میتوان نام برد ... جز ۲۰ ص ۲۱۷

موضوع: ۱- وجوب اخلاص در نماز و قربانی، ۲- وجوب شکرگزاری در برابر نعمت قرآن کریم: {فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ} {۲}

(حال که چنین است تنها برای پروردگار خود نماز بخوان و قربانی بکن)

تفسیر: پس به پاس این نعمت بزرگ، نمازهای فرض، نفل، جمعه، عید را مخلصانه و خاشعانه تنها برای الله عزوجل بخوان، در ادای آنها همیشگی کن! و تنها برای او قربانی کن،^۱ و در هنگام ذبح حیوان؛ تنها نام الله عزوجل را ذکر کن! و بگو: (بسم الله والله اکبر) برخلاف روش مشرکان که آنها برای غیر الله عزوجل سجده و عبادت می کنند و به نام غیر الله عزوجل حیوانات را ذبح می نمایند. امام طبری به سند حسن از ابن عباس در تفسیر این آیه مبارکه چنین روایت می کند: در روز عید قربان (حیوانی را) ذبح کن! امتان رسول الله ﷺ نیز برای اجرای این فرامین مکلف اند.

موضوع: ۲- خطرکینه ورزی با رسول الله ﷺ: ۲- دفاع الله عزوجل از رسول الله ﷺ قرآن کریم: {إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ} {۳}

(بی گمان دشمن تو او خود بریده نسل و بی عقب است)

تفسیر: بدون شک؛ دشمن کینه توز تو در هر زمان و مکان بی خیر، بی برکت، بی نام و بی نشان خواهد بود. و بالعکس، پیروانان تو هر لحظه در دنیا بیشتر و نام نیک تو در آفاق منتشرتر و گسترده تر می گردد. این را نباید فراموش نمود که هرگاه اهل سنت فوت کند. نام نیکی از ایشان بین صالحان باقی می ماند، زیرا: آنها آنچه را رسول الله ﷺ آورده زنده ساختند پس برای شان بهره از: {وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ} (و آوازه تورا بلند نکردیم و بالا نبردیم؟) میباشد. هرگاه اهل بدعت فوت کند نام نیکی از آنها بین صالحان باقی نمی ماند، زیرا: آنها با آنچه رسول الله ﷺ آوردند بغض و کینه توزی کردند. پس برای آنها بهره از: {إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ} میباشد.

۱ بین نحر و ذبح: نحر در حلال نمودن شتر و ذبح در حلال کردن گاو و گوسفند استعمال میشود. در آیه مبارکه نحر ذکر شده است زیرا فایده آن برای مساکین بیشتر است. رسول الله ﷺ در حجة الوداع یکصد شتر را قربانی کردند که از جمله آنها (۶۳) شتر را به دست مبارک خود و باقی را به علی رضی الله عنه دستور دادند تا نحر کنند... صحیح البخاری- ۱۷۱۸ - صحیح مسلم ۱۳۱۷

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱: اکرام و بزرگداشت رسول الله ﷺ به رودی درجنت و حوضی در عرصات قیامت.

۲: وجوب اخلاص در انجام همه عبادات مخصوصاً نماز و قربانی.

۳: تقدیم نماز عید بر قربانی

۴: مشروعیت نفرین بر ظالم.

۵: سرانجام کینه توزی و بغض بارسول الله ﷺ و کینه ورزی با آنچه از جانب الله عزوجل آورده اند، هلاکت و رسوایی در دنیا و عذاب دردناک در آخرت است.

۶: ظهور اعجاز این آیه کریمه و تداوم آن، از زمان نزول این آیه مبارکه تا این عصر (۱۴۴۶-هـ ق) پیوسته راه رسول الله ﷺ پُر رهرو بوده است. ما امروز گسترش پیروان رسول الله ﷺ را به اندازه به چشم سرمشاهده می کنیم که گذشتگان ما به این اندازه ندیدند.

۷- این سوره مبارکه با کوچکی اش؛ پند دهنده، تربیه کننده، آموزنده، قانون گذارنده، مژده دهنده و جدا کننده بین حق و باطل می باشد. هرگز بشر توانایی آوردن به مثل این سوره کوتا را نیز ندارد. پس این قرآن؛ سخن بشر نیست، بلکه سخن رب العالمین است.

۸- این سوره نیز مانند سوره های «الضحی» و «الشرح» مخصوص رسول الله ﷺ است. این سوره ها پیامبر ﷺ را دلجوی می کند، برایش وعده نابودی دشمنان سرکش اش را می دهد. نعمتهای الله عزوجل را بروی برمی شمارد و او را به شکر آن نعمتها فرمان می دهد. از امتان اش می خواهد جهت دستیابی به مثل آنچه رسول الله ﷺ دستیاب گردیده اند مسیر ایشان را تعقیب کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

نام سوره: کافرون.

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۶

تعداد کلمات: ۲۶

اعداد حروف: ۷۴

وجه نام گذاری این سوره :

الله عزوجل پیامبرش محمد ﷺ را در این سوره امر نمود تا کافران را مخاطب سازد که غیر از الله عزوجل را عبادت نکنند، این سوره را سوره بیزاری از کفر، شرک و اعمال مشرکین نیز می نامند.

فضیلت این سوره:

عبد الله پسر عباس رضی الله عنهما روایت میکند که رسول الله ﷺ فرمودند: (... قل یا ایها الکافرون ...) با ربیع (یک چهارم) قرآن کریم (در فضیلت) برابری میکند.^۱ سبب نزول: گروهی از مشرکان قریش نزد رسول الله ﷺ آمدند و برای ایشان پیشنهاد دادند و از ایشان خواستند که: تو یک سال از دین ما پیروی کن در این صورت ما نیز از دین تو یکسال پیروی میکنیم وقتی از پذیرش این پیشنهاد مایوس شدند، از آن پایین آمدند و حتی گفتند: هرگاه تو بعضی از سنگها و بتهای ما را (جهت گرفتن تبرک) مساس کنی، رسالت و نبوت ترا تصدیق میکنیم، و (تنها) الله عزوجل را عبادت میکنیم، سپس این سوره نازل شد. هنگام صبح رسول الله ﷺ به سوی مسجد

۱ سنن ترمذی، شماره حدیث: ۲۸۹۴- شعب الایمان، شماره حدیث: ۲۲۸۴- المستدرک علی الصحیحین للحاکم، شماره حدیث: ۲۰۷۸- المعجم الاوسط للطبرانی، شماره حدیث: ۱۹۲- مصنف عبد الرزاق، شماره حدیث: ۶۰۰۹

الحرام رفتند درحالیکه جمعی از قریش در آنجا حضور داشتند، این سوره را برایشان خواندند و آنها نا امید شدند^۱

اجمالاً مطالبی که این سوره در برگیرنده آنست:

۱: در این سوره اعلان بیزاری از باورها و کردارهای مشرکان است.

۲: نزول این سوره طمع کافران را از بازگشت مومنان به طرف کفر و شرک قطع نمود. از مقاصد این سوره:

۱: ناامید ساختن کافران

۲: تثبیت توحید الوهیت (عبادت) و بیزاری از شرک و گمراهی

۳- بیان اخلاص در عمل برای الله عزوجل.

موضوع: لزوم تصریح بر کفر کافران:

قرآن کریم: {قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ} {۱} (بگو: ای کافران!)

تفسیر: این ندا شامل هر کافر و مشرکی را به شمول یهودیان، نصرانیان، کمونستان قبرستان و... میشود واجب است که به قلب و زبان (در حد توان) از آنها و اعمال ایشان بیزاری جسته شود. و در این نوع ندا توهین و تحقیر است برای آنها

موضوع: لزوم اعلان بیزاری از اعمال و باورهای شرکی

قرآن کریم: {لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ} {۲} (آنچه را که شما می پرستید، من نمی پرستم)

تفسیر: من و پیروانم علاوه بر اینکه پیشنهاد شمارا نمی پذیریم، آنچه را که شما و همفکران شما در حال حاضر (و آینده) از بتها، مجسمه ها، سنگها، آفتاب، مهتاب، آتش، شیاطین، جنیات، ستارگان، فرشتگان، عیسی علیه السلام و قوانین وضعی ساخته بشر عبادت میکنید، عبادت نمی کنیم. عیسی علیه السلام مانند برخی

۱ جهت تفصیل بیشتر به تفاسیر: امام ابن کثیر، امام نسفی، امام قرطبی، امام بغوی، و امام ابن جریر طبری مراجعه شود. الله عزوجل همه را به رحمت خود ببوشاند.

دیگراز صالحین مورد عبادت قرار گرفت. ولی جناب ایشان هرگز راضی نبودند که عبادت شوند.^۱

موضوع: بیان تفاوت و تغایر بین عبادت کافران و عبادت رسول الله ﷺ.

قرآن کریم: {وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ} {۳} (و شما نیز نمی پرستید آنچه را که من می پرستم).

تفسیر: شما پرستش نمی کنید پروردگار یگانه را که من پرستش می کنم. زیرا: من آگاهی یافته ام که بسبب اعراض شما از حق، توفیق ایمان نصیب تان نمی شود.

موضوع: ۱- نا امید ساختن کافران: ۲- روش عبادت مسلمانان از وحی سرچشمه می گیرد.

قرآن کریم: {وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ} {۴} (همچنین نه من به گونه شما پرستش را انجام می دهم)

تفسیر اول: در آینده نیز هرگز توقع عبادت معبودان باطل خود را از من نداشته باشید، انجام عبادت برای غیر الله عزوجل از طرف من امریست محال و ناممکن. زیرا: دین من برای من و پیروانم هرگز اجازه چنین کاری را نمی دهد، این کار را مطلقاً خروج از دین می دانم.

تفسیر دوم: من گونه و روش ساختگی شما را در عبادت تعقیب نمیکنم، بلکه من و پیروانم عبادت الله عزوجل را برطریقی که اجازه داده، پسندیده، دوست دارد، و راضی میباشد، انجام می دهیم.

موضوع: خبر از اصرار و همیشگی این کافران بر کفرشان

قرآن کریم: {وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ} {۵} (و نه شما به گونه من پرستش را انجام می دهید)

۱ این شش جمله تفسیر دیگری هم دارد به اینگونه: ۱- «قل یا ایها الکافرون» (در این آیه آنها به حقیقت حال شان نداشتند، و واضح ساخته شد که: آنها مومن نیستند بلکه کافر می باشند هیچ رابطه و پیوندی بین تو و آنها وجود ندارد) ۲- «لا اعبد ما تعبدون» (عبادت من غیر از عبادت شما است و معبود من نیز غیر از معبود شما می باشد). ۳- «ولا انتم عابدون ما اعبد» (عبادت شما غیر از عبادت من است و معبود شما نیز غیر از معبود من می باشد). ۴- «ولا انا عابد ما عبدتم» (تا کید برای فقره اول است در صیغه جمله اسمیه). ۵- «ولا انتم عابدون ما اعبد» (تکرار است برای تاکید فقره دوم تا اینکه هیچ گمان و شبهه باقی نماند). ۶- «لکم دینکم ولی دین» من در اینجا و شما در آنجا، هیچ معبر، راه و بلی بین من و شما نیست، صف من از صف شما کاملاً جدایی باشد. کتبه و حرره المولوی الدهشکری الهروی سلمه الله الولی القوی.

تفسیر اول: نه من توقع آنرا دارم که شما در آینده نیز روشی را که شیطان برای شما مزین ساخته ترک کرده و به هدایتی که من آورده ام هدایت شوید، زیرا: الله عزوجل آگاهم ساخته که شما توبه نمی کنید و به اختیار و انتخاب خود بر عقیده کفری و شرکی می میرید. الله عزوجل راست گفت، برخی از این کافران در غزوه بدر بر عقیده کفری هلاک شدند و شماری هم در مکه بر این باور مردند و توفیق ایمان نصیب هیچکدامشان نشد.

تفسیر دوم: شما به شریعت الله عزوجل در عبادتش اقتدا نمی کنید، بلکه شما روشی را به نام عبادت از پیش خود اختراع نمودید که هیچ اساسی ندارد، بنابراین: رسول الله ﷺ و پیروان ایشان امر شدند تا عبادت الله عزوجل را بر روشی که خودش مشروع ساخته است انجام دهند. زیرا: معنای کلمه اسلام «لا اله الا الله محمد رسول الله» اینست: هیچ معبودی غیر از الله عزوجل نیست و هیچ مسیری به سوی الله عزوجل وجود ندارد مگر آن مسیری که پیامبر ﷺ از جانب الله عزوجل آورده و برای بشریت نشان داده است و هیچ چیزی از آن را پنهان نکرده است. الله عزوجل از انجام هیچ نوع عبادتی راضی نمی شود و آنرا نمی پسندد مگر عبادتی را که پیامبرش ﷺ برای مردمان آموزش داده و روش آنرا بیان ساخته است. رسول الله ﷺ و پیروان شان ماموریت یافتند تا از طرز عبادتی بیزاری بجویند که الله عزوجل آنرا مشروع نساخته و به آن اجازه نداده است.^۱

موضوع: تهدید و هشدار بر کافران بخاطر اعمال و باورهای شرکی آنها:

قرآن کریم: لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ {۶} (آئین خود تان برای خود تان، و آئین خودم برای خودم!)

تفسیر: من غیر از عبادت خود نمی پذیرم و شما هم غیر از عبادت خود نمی پذیرید، من از دین شما بیزار هستم و شما از دین من بیزار میباشید و یا پاداش دین من برای من است و شما بر آئینی که دارید مجازات میشوید و میتواند این آیه برای کافران هشدار باشد. - در برخی از مباحثات، منازعات و گفتگوها استفاده از اینگونه الفاظ جهت تهدید امریست معمول و معقول، برخی از مفسران - رحمهم الله - فرمودند:

۱ در تفسیر الوسيط لطینطاوی چنین ذکر شده است: آیه سوم و چهارم این سوره اتحاد بین رسول الله ﷺ و بین کافران را در معبود نفی میکند - آیه پنجم و ششم اتحاد بین رسول الله ﷺ و بین کافران را در عبادت نفی میکند، مقصود و مطلوب: مبالغه در بیزاری از معبودات باطل و عبادت فاسد آنها می باشد، بنابراین: رسول الله ﷺ و مومنان عبادت نمی کنند جز الله عزوجل را و به سوی عبادت صحیح هم هدایت شدند.

این آیه مبارکه پیش از فرضیت جهاد نازل شده است، یعنی: حکم آنرا منسوخ میدانند،

دیدگاه صحیح اینست: این آیه مبارکه منافی با امر فرضیت جهاد نیست، در این آیه مبارکه دستور داده شده است تا مسلمانان از مشرکین، واعمال شرکی آنها اعلان بیزاری نمایند، بنا براین: حکم این آیه مبارکه نیز منسوخ نمی باشد. واللّٰه اعلم.

رهنمایی ها احکام و عمل

۱- هنگامیکه رسول الله ﷺ به رسالت مبعوث گردیدند برای مشرکان چنین فرمودند: دین من همان دین ابراهیم است. مشرکان نیز می گفتند: دین ما هم همان دین ابراهیم می باشد. پس چه ضرورتی است که ما دین خود را ترک کنیم و از محمد پیروی کنیم. بعد از مدتی به این فکر شدند تا برسریک روش خاصی با رسول الله ﷺ مصالحه و تفاهم کنند، بنابراین با رسول الله ﷺ پیشنهاد کردند تا برای بتان آنها سجده کنند و از گفتن عیب های معبودان آنها چشم پوشی نمایند، آنها نیز دساتیر رسول الله ﷺ را می پذیرند، مشرکان چنین می پنداشتند که فاصله چندان جهت رسیدن با تفاهم وجود ندارد و پیامبر ﷺ این پیشنهاد آنها را خواهد پذیرفت، پس جهت رد این پیشنهاد و قطع این شبهه و بیان تفاوت واضح بین عبادت و روش رسول الله ﷺ و عبادت و روش مشرکان این سوره با این استواری، تاکید و تکرار نازل گردید، تا اینکه اختلاف و فاصله بین توحید و شرک را بیان نماید و واضح سازد که بین این دو منهج و روش هیچ مصالحه و توافقی ممکن نیست. نه در موضوع های کوچک و نه هم در موضوع های بزرگ.

۲: هرگاه براساس نصوص قطعی از قرآن کریم و حدیث صحیح کفر عملی از اعمال و باوری از باورها ثابت گردد، توقف در مورد حکم آن تعطیل نصوص است، بنابراین: کافران و مشرکان باید کافرو مشرک شمرده شوند، چنانچه: الله عزوجل و پیامبرش ﷺ نام آنها را کافر و مشرک گذاشته است.

۳: وجوب اعلان بیزاری از کافران، معبودان باطل آنها، و عبادتشان، بناءً مسلمان باید در اظهار دین و هویت اسلامی خود از کسی ترس نداشته باشد.

۴: الله عزوجل رسولش ﷺ را از پذیرفتن پیشنهادهای باطل مشرکان در عصمت و پناه خود قرار داد.

۵: تاکید بر وجود فاصله بزرگ بین عقیده اسلام و عقیده کفر و عدم اجتماع حق و باطل.

۶: و جوب استقامت و پایداری مسلمانان در دین ایشان.

۷: کفر در مقابل اسلام یک ملت است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

سورة نصر

نام سوره: نصر

مکان نزول: مدینه منوره

شمار آیات: ۳

تعداد کلمات: ۲۳

اعداد حروف: ۷۹

وجه نامگذاری این سوره: این سوره نصر نامیده شده؛ زیرا در آغازش خبر از فرا رسیدن مدد الله عزوجل و فتح بزرگ داده شده است و آن را فتح الفتوح می نامند که عبارت از فتح مکه معظمه می باشد و این را سورة تودیع (خدا حافظی) نیز می نامند، زیرا در آن خبر از نزدیک شدن وفات رسول الله ﷺ نهفته شده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره در بر گیرنده آن است:

۱- مزده بفتح مکه معظمه.

۲- خبر از پیروزی رسول الله ﷺ بر مشرکان.

۳- خبر از انتشار دین اسلام، نابودی شرک و برچیده شدن بساط آن.

۴- خبر دادن از نزدیکی وفات پیامبر ﷺ، و دستور دادن ایشان براینکه: الله عزوجل را بیشتر ستایش نموده و ثنای او را گویند و از او آمرزش بخواهند.

سبب نزول: عمر رضی الله عنه؛ عبدالله پسر عباس رضی الله عنهما را جهت اخذ فتوی و مشوره در امور مهم در قطار بزرگان غزوه بدر قرار میداد، برای برخی این سوال ایجاد می شد که: چرا این جوان (ابن عباس) در مجلس شان حضور می یابد و از پسران آنها در این نوع مجالس دعوت نمیشود؟ یک روز عمر رضی الله عنه طبق معمول؛ بزرگان غزوه بدر را در جلسه دعوت کرد و از عبد الله پسر عباس رضی الله

عنهما نیز دعوت به عمل آورد تا در این جلسه اشتراک نماید، غرض از تدویر این جلسه نشان دادن بزرگی موقف وجایگاه عبد الله پسر عباس رضی الله عنهما برای اشتراک کنندگان بود. سپس عمر رضی الله عنه برای حاضران در مجلس فرمود: چه می گوید در مورد مقصد (إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ...)؟ عده از ایشان گفتند: الله عزوجل ما را امر نموده است که در هنگام پیروزی ستایش او را نموده و از او آمرزش بخواهیم، برخی دیگر از ایشان سکوت کردند. بعداً: عمر رضی الله عنه؛ برای عبد الله پسر عباس رضی الله عنهما گفت: تو در مورد مقصد این سوره چه نظری داری؟ عبد الله پسر عباس رضی الله عنهما گفت: الله عزوجل در این سوره، برای پیامبرش ﷺ خبر از نزدیک شدن وفات ایشان را میدهد، عمر رضی الله عنه فرمود: من نیز با تو موافق هستم و دیدگاه من هم همین است^۱ - البته این سوره مبارکه علاوه بر این خبر، مژده های نیز دارد که در موضوعات آیات و تفسیر آنها ان شاء الله بیان میشود.

فوائد این اثر صحیح:

- ۱: امیر و خلیفه مسلمین باید در قضایای مهم همراه آگاهان امور مشوره نماید.
- ۲: حق انتخاب شخصیت های دانا در جلسه شورا برای امیر و خلیفه مسلمین محفوظ است.
- ۳: حرمت گزاری امیرالمومنین عمر بن خطاب رضی الله عنه برای اهل بیت رسول الله ﷺ.
- ۴: فضیلت ابن عباس رضی الله عنهما، فراخی علم، کمال فهم و جرئت ایشان.
- ۵: بیان دیدگاه های متفاوت و استدلال بر آنها همراه مراعات ادب در مجلس خلیفه مسلمین امریست معقول و مقبول.
- ۷: هرگاه انسان پاسخ سوالی را نداند، سکوت کند و یا بگوید: نمی دانم، برایش عیب نیست، این حالت از روش اصحاب رسول الله ﷺ بوده است.

۱ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۴۲۹۴ - ۴۹۷۰

۸: این اثر صحیح بیانگر ارزش و اهمیت علم تفسیر قرآن کریم و عالم به آن در نزد اصحاب رسول الله ﷺ میباشد.

از مقاصد این سوره: مژده بر انتشار گسترده دین اسلام بعد از فتح مکه مکرمه و اشاره به نزدیکی وفات رسول الله ﷺ.

آخرین سوره که از قرآن کریم یکجا نازل گردیده است همین سوره است. عبید الله پسر عبد الله پسر عتبہ می گوید: عبد الله پسر عباس رضی الله عنه برایم گفت: آیا آخرین سوره که از قرآن کریم یکجا نازل گردیده است می دانی؟ گفتم: بلی؛ {اذا جاء نصر الله والفتح} گفت: راست گفتم.^۱

موضوع: مژده بر نزدیک شدن فتح مکه مکرمه و تحقق آن.

قرآن کریم: {إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ} {۱} (هنگامیکه یاری الله و پیروزی فرارسد)

تفسیر: ای پیامبر ما! هنگامیکه یاری و مدد الله عزوجل برای تو و پیروانت فرارسد، و بر همه دشمنانت پیروز شوی، مکه مکرمه فتح شود، بلی؛ این خبر تحقق یافت و در سال هشتم هجری مکه مکرمه فتح شد.^۲

موضوع: مژده بر انتشار گسترده دین اسلام در آینده نزدیک و تحقق آن.

قرآن کریم: {وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا} {۲}

(و مردم را می بینی که دسته دسته داخل دین خدا میشوند)

تفسیر: و مردم (عرب ها و غیر آنها) را ببینی که دسته دسته و گروه گروه داخل دین الله عزوجل میشوند و به اسلام ایمان می آورند، طوریکه بسیاری از آنان یاوران تو خواهند شد، بعد از اینکه دشمنانت بودند.

موضوع: ماموریت پیامبر ﷺ به استغفار و توبه

قرآن کریم: {فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا} {۳} (پروردگار خود را سپاس و ستایش کن، و از او آمرزش بخواه. بی گمان او بسیار توبه پذیر است)

۱ صحیح مسلم، کتاب تفسیر. شماره اثر (۵۳۴۹).

۲ مفسران - رحمهم الله - در مورد وقت نزول این سوره دو دیدگاه را ذکر نمودند: ۱- بعد از فتح مکه مکرمه در ایام تشرق به منی، (در حجة الوداع) ۲: قبل از فتح مکه مکرمه، بنا بر این: تحقق این فتح برای رسول الله ﷺ معجزه بوده و از نشانه های نبوت ایشان است.

تفسیر: پس ای رسول ما! به خاطر این نعمتها تو وامتن، الله عزوجل را سپاسگزاری نموده و او را به پاکی یاد کنید و از او آمرزش بخواهید، و براین حالت همیشگی نمایید، مادامیکه رسول الله ﷺ وامتن ایشان در کنار جهاد، الله عزوجل را ستایش کنند و از او آمرزش بخواهند دین اسلام پیروز میگردد و بر پیروزی اش افزوده میشود، زیرا: سپاس، ستایش و استغفار از مصادیق شکر است والله عزوجل می فرماید: (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ) اگر شکر گزار باشید قطعاً به شما بیشتر خواهم داد، در نتیجه عمل به مقتضای همین نوع آیات، اسلام در تسخیر قلوب و فتح سرزمینها به جای رسید که هیچ یک از ادیان به آنجا نرسید. و به اندازه زیادی که مردم به این دین ایمان آوردند به دیگر ادیان ایمان نیاوردند، علاوه بر آنچه یادآوری شد این سوره پیام دیگری هم دارد و آن عبارت از اینست: الله عزوجل پیامبرش ﷺ را خبر می دهد که دوره ماموریت ایشان رو به اختتام است و باید خودش را برای ملاقات با پروردگارش آماده سازد و باقی عمرش را با بهترین اعمال سپری نماید. فرمان برداری پیامبر ﷺ از فرمانی که در آیه اخیر این سوره در یافتند، با این الفاظ بود: (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي) ^۱ (پاک هستی پروردگارا! و تو را ستایش میکنم بار خدایا مرا بیامرزا!) و در حین رکوع و سجده به کثرت این جمله مبارکه را می خواندند.

اسباب استغفار رسول الله ﷺ:

از آنجائیکه رسول الله ﷺ از گناه معصوم بودند با آن هم از جانب الله عزوجل مامور به استغفار شدند، حکمتهای که مفسران پیرامون این موضوع بیان نمودند، قرار آتی ذکر میکنیم:

۱: رسول الله ﷺ نفس خود را بخاطر انجام ندادن شکر بیشتر و به جای نیاموردن عبادتی که شایسته الله عزوجل باشد ملامت می کردند، واضح است که ایشان در این باب شکسته نفسی می نمودند.

۲: آمرزش خواستن یک عبادت مستقل میباشد، از انجام آن هیچ کس بی نیاز نیست.

۳: آمرزش خواستن تنها بخاطر ارتکاب گناه نیست، بلکه جهت رفع درجه نیز میباشد

۴: رسول الله ﷺ مامور به استغفار شدند تا اینکه امت به ایشان اقتدا کنند.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱: فتح مکة مکرمه معجزه دیگریست که حقانیت قرآن کریم و رسالت رسول الله ﷺ را ثابت نمود.

۲: وجوب شکرگزاری به سبحان الله گفتن، الحمد لله گفتن و استغفرالله گفتن هنگام تحقق یافتن نعمت های الله عزوجل برکسی.

۳: اسلام دین الله عزوجل است و اگر کسی غیر از اسلام آئینی را برگزید هرگز از او پذیرفته نمی شود.

۴: هر مسلمان باید- به اندازه توانش- پیوسته تلاش نماید تا کافران را به سوی اسلام، گنه کاران را به طرف توبه، بدعت گذاران را به سمت سنت دعوت کند.

۵: هر مسلمان از الله عزوجل بخواهد که خاتمه آنرا نیک بگرداند، زیرا انسان بر باور و عملی که وفات یافته باشد حشر میشود.

۶: ای برادر و خواهرمسلمان! در جریان یک روز و شب چند مرتبه به سوی الله عزوجل توبه می نمایی و از او آمرزش طلب میکنی؟ رسول الله ﷺ قسم می خوردند که من در هرروز بیشتر از هفتاد مرتبه از الله عزوجل آمرزش طلب میکنم و به سوی او توبه می نمایم^۱

۷: مشروعیت خواندن این دعا: (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي) در رکوع و سجده.

۸: روزانه گفتن یکصد مرتبه: (سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ) را فرموش نکن، زیرا رسول الله ﷺ فرمودند: کسیکه روزانه (۱۰۰) مرتبه بگوید: (سبحان الله و بحمده) گناهانش اگرچه مثل کف دریا هم که باشد از بین میرود.^۲

۱ صحیح البخاری، باب استغفار رسول الله ﷺ ، در شب و روز، شماره حدیث: ۷۳۰۷

۲ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۷۴۰۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

نام سوره : مسد

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات : ۵

تعداد کلمات : ۲۳

اعداد حروف : ۷۷

وجه نام گذاری این سوره به مسد:

«مسد»: رشته به هم بافته از لیف خُرما است، ام جمیل همسر ابولهب ریسمانی از لیف خُرما داشت که با آن خار و خس را جمع می کرد، در مسیر راه رسول الله ﷺ می انداخت و ایشان را اذیت می نمود. از جهت ذکر (مسد) در این سوره به این نام مسمی گردیده است.

اجمالاً مطالبی که این سوره مبارکه در بر گیرنده آن است :

۱- در آغاز این سوره عاقبت و پایان کار ابی لهب، عبد العزی پسر عبدالمطلب کاکای پیامبر ﷺ که هلاکت در دنیا است بیان می گردد،

۲- اموال و فرزندان مانع عذاب الهی از انسان شده نمی توانند

۳- خبر از دخول ابی لهب و زوجه او ام جمیل اروی دختر حرب پسر امیه، خواهر ابو سفیان به جهنم.

۴- بیان صفات زشت زوجه ابولهب.

سبب نزول: ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده است: هنگامیکه آیه مبارکه (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ^۱) نازل شد و در آن بر رسول الله ﷺ امر شد که به ترساندن قوم و خویشاوندان نزدیک اش پردازند، رسول الله ﷺ به کوه صفا بالا شدند و با

۱ سوره شعرا، آیه: ۲۱۴

صدای بلند و رسا گفتند: وا صباحاً (به آفت فرا رسیده صبح جمع شوید) وقتی مردم این صدا را شنیدند، گفتند: این صدای کیست؟ جواب آمد: این صدای محمد است. مردم همه جمع شدند، سپس پیامبر ﷺ فرمودند: ای فرزندان عبدمناف! ای فرزندان عبدالمطلب! ای فرزندان فلان! اگر من برای تان بگویم که در پشت این کوه اسپ های تازه نفس دشمن یورش بر شما در حال حرکت اند، حرف من را تصدیق می کنید؟ همه مردم گفتند: بلی؛ زیرا: ما تا اکنون از تو دروغ نشنیده ایم، پیامبر ﷺ فرمودند: اگر چنین است پس من شما را از غذایی که در حال فرا رسیدن است بیم می دهم، با شنیدن این خبر، ابو لهب برای رسول الله ﷺ گفت: هلاک شوی، آیا برای گفتن همین مطلب ما را به گرد خود جمع نمودی؟ پس از آن این سوره نازل شد.^۱

برخی از کاکاهای رسول الله ﷺ ونحوه برخورد آنها همراه ایشان

۱: عباس و حمزه رضی الله عنهما پسران عبدالمطلب، هردوی ایشان ایمان آوردند و همراه رسول الله ﷺ جهاد کردند.

۲: ابوطالب، با رسول الله ﷺ همکاری داشت و از ایشان دفاع می کرد، ولی ایمان نیاورد و بر باور کفری وفات یافت.

۳: ابولهب، ایمان نیاورد و با رسول الله ﷺ دشمنی می کرد، الله عزوجل در مورد سر انجام کار، وزشتی حال او، یک سوره کامل نازل فرموده است که بر تلاوت کننده آن ثواب داده می شود.

از مقاصد این سوره: سرانجام کسانی که با رسول الله ﷺ دشمنی و کینه داشته باشند در دنیا رسوایی و در آخرت جهنم است.

موضوع: ۱- دفاع الله عزوجل از پیامرش ﷺ، ۲- بیان مجازات روحی و جسمی ابی لهب در دنیا

قرآن کریم: { تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ } { ۱ } (بریده باد هر دو دستان ابو لهب و هلاک باد)

۱ مسند احمد، شماره حدیث: ۲۵۴۴ - صحیح البخاری، شماره حدیث: ۴۸۰۱ - سنن ترمذی، شماره حدیث: ۳۳۶۳ - صحیح ابن حبان، شماره حدیث: ۶۵۵۰ - شرح السنه، شماره حدیث: ۳۷۴۲

تفسیر: هردو دست (ونفس) ابی لهب شقاوت پیشه هلاک باد، ابولهب نفس خود را به سبب باور فاسد و کردار زشت هلاک نمود. اول این آیت؛ نفرین بر ابو لهب است و آخرش اخبار از وقوع اثر آن (هلاکت) بر او میباشد، حکمت از اینکه فعل به صیغه ماضی ذکر شده است، اینست: وقوع این هلاکت چنان یقینی میباشد که گویا صورت گرفته و تحقق یافته است. ابولهب، تمام انرژی و توانمندی خود را برای مقابله با اسلام بکار انداخت لیکن سودی برای وی نرسید،

چگونگی هلاکت ابی لهب: بعد از اینکه اکثر بزرگان و نام آوران قریش که دوستان ابولهب بودند در غزوه بدر کشته شدند و خبر مرگ آنها به گوش ابولهب رسید چنان تکان خورد که بیش از (۷) روز زنده نماند، ابو لهب به مریضی لاعلاجی مبتلا گشت که از ترس سرایت مرض اش کسی به او نزدیک نمی شد او را به حال خودش گذاشتند تا بمیرد و بعد از مرگ تا سه روز کسی پیدا نشد که وی را دفن کند از این جهت جسدش گندیده و بد بوی شده بود تا با الاخره فرزندش با دادن مزد به یک مرد حبشی او را مکلف ساخت که با انداختن وی در گودالی او را زیر خاک سازد.

چگونگی هلاکت زن ابی لهب: روزی زن ابی لهب طبق عادتش پشته از خار را آماده کرد و بر پشتش قرار داد تا در مسیر راه رسول الله ﷺ بیفگند، در بین راه از اثر سنگینی آن خسته شد، جهت استراحت همراه آن پشته بر روی یک سنگ نشست، ناگهان فرشته از پشت سرش آمد او را (با ریسمانش) کشانید و هلاکش ساخت.^۱

موضوع: ۱- ثروت و قدرت مانع عذاب الله عزوجل نمی شود، ۲- بیان حال ابی لهب.

قرآن کریم: { مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ } {۲}

(مال و آنچه بدست آورده بود به او سودی نبخشید)

تفسیر: مالهای دست داشته و فرزندان و هرتلاشی که وی جهت زیاد ساختن شرافت و عزت برای خود انجام داد، هیچ به درد او نخورد و از هلاکت و نا بودی او جلوگیری نکرد، در آخرت هم این ثروت و فرزندان به درد او نمی خورند، عذاب الله عزوجل را از او باز داشته نمیتوانند و با او در مورد آنها محاسبه میشود، یا ثروت و فرزندان او مانع انتشار دعوت رسول الله ﷺ در زمین نشد.

۱ به تفسیر بغوی در همین سوره مراجعه شود.

امام ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیرش به نقل از مجاهد می نویسد: مراد از «وما کسب» فرزندانش می باشد. امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیرش می نویسد: هنگامیکه رسول الله ﷺ قوم خود را بسوی ایمان دعوت نمودند، ابو لهب گفت: اگر آنچه که برا در زاده ام (از وقوع قیامت، ثواب و جزا) خبر می دهد؛ حق باشد و تحقق یابد. پس من مال و فرزندانم را فدیة می دهم تا نفسم را از عذاب روز قیامت خلاص سازم، سپس این آیت نازل گردید.

موضوع: ۱- جهنم در انتظار ابو لهب، ۲- اثبات وجود جهنم

قرآن کریم: {سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ} {۳} (به زودی به آتش شعله ور در خواهد آمد) تفسیر: زود است که ابو لهب داخل آتش شعله ور جهنم که چهره ها و بدن ها را بریان میکند داخل شود.

موضوع: بیان جزای اخروی زوجه اوبا ذکر یک صفت زشتش

قرآن کریم: (وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ) {۴} (و نیز همسرش آن هیزم کش)

تفسیر: و همچنان همسرش ام جمیل داخل آتش افروخته جهنم میگردد، حالت و صفت زشت وی این بود که: خس و خاشاک را جمع میکرد و به پشتش بر میداشت تا آنرا پیش روی خانه پیامبر ﷺ بیاندازد و به این وسیله اسباب اذیت و آزار ایشان را فراهم می ساخت و شوهرش را برای انجام گناه و کفر کمک میکرد^۱.

موضوع: ۱- تحقیر زوجه ابی لهب: ۲- جزای اخروی دیگرش

قرآن کریم: {فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ} {۵} (در گردن او طنابی از لیف خرما است)

تفسیر: در گردن زن ابو لهب ریشمانی از لیف خرما است، و این یک نوع تحقیری برایش میباشد، زیرا: معمول اینست که: ریشمان را بر گردن حیوانات بسته میکنند، برای او مناسب نبود که مرتکب چنین عملی گردد، زیرا: وی از زنان شرافتمند قریش بود، یا صفت وی در حمل گناهان مثل کسی است که بر پشتش هیزم حمل میکند، یا اینکه در دوزخ ریشمانی آتشین در گردنش قرار میگیرد تا مجازات وی از جنس عملش گردد. بلی؛ در جنت زنان مسلمان به انواع زیورات آراسته میشوند ولی زیور

۱ برخی مفسران مراد از (حمالة الحطب) را سخن چینی تفسیر کرده اند ولی اختیار امام ابن جریر آنست که در متن تفسیر فوقاً ذکر گردید.

زن ابی لهب گردن بند آتشین است. در میدان محشر این ریسمان برگردن او افکنده میشود و به طرف جهنم کشانیده میشود، این سوره یکی از نشانه های آشکار الله عزوجل است، و زمانی نازل شد که هنوز ابولهب و زنش هلاک نشده بودند، این قضیه همان طوریکه الله عزوجل خبرداد اتفاق افتاد.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱: بیان حکم الله عزوجل بر هلاکت ابی لهب و تحقق آن، همین حکم بر همه کسانیکه در مسیر او تا قیامت سیر میکنند جاری است.

۲: باطل ساختن مکر و نیرنگ ابی لهب.

۳: هرگاه انسان باور شرکی داشته باشد از ثروت و فرزندش به او هیچ فایده در دفع عذاب الله عزوجل نمی رسد.

۴: حرمت اذیت و آزار مسلمان و هشدار از ارتکاب آن.

۵: قرابت و خویشاوندی با پیامبر ﷺ که همراه شرک و کفر باشد برای انسان سودمند نیست، چنانچه ابولهب کاکای پیامبر ﷺ میباشد و در آتش جهنم برای همیشه می سوزد.

۶: وجوب قطع رابطه دوستی و همکاری با دشمنان الله عزوجل و پیامبرش ﷺ.

۷: حرمت تعاون و همکاری برگناه.

۸: بیان اینکه: پیروزی نهایی از آن دعوت گران مخلص راه حق است.

۹- در این سوره درس عملی و روش نبوی جهت تربیه امت وجود دارد، واجب است که به رسول الله ﷺ در روابط اجتماعی اقتدا شود و در حالت های دشوار نیز بر دعوت بسوی الله عزوجل پایداری صورت گیرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

سورة اخلاص

اسم سوره: سورة اخلاص

مکان نزول: مکه مکرمه

شمار آیات: ۴

تعداد کلمات: ۱۵

اعداد حروف: ۴۷

سبب نزول سورة اخلاص:

مشرکان و یهودیان از رسول الله ﷺ خواستند که پروردگارش را معرفی کند این سوره نازل شد^۱

فضیلت این سوره:

برای این سوره فضیلت بزرگی در احادیث صحیح ذکر شده است:

۱: رسول الله ﷺ فرمودند: آیا یکی از شما از خواندن ثلث (یک سوم) قرآن در یک شب عاجز می باشد؟ صحابه رضي الله عنهم فرمودند: کی این توانایی را دارد که در یک شب ثلث قرآن کریم را بخواند؟ رسول الله ﷺ فرمودند: خواندن (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ...) (سوره اخلاص) با ثلث قرآن کریم برابری می کند^۲

یعنی: الله عزوجل برای خواننده این سوره ثواب خواندن ثلث (یک سوم) قرآن مجید را می دهد.

^۱ مسند احمد شماره حدیث: ۵/۱۳۳ - سنن ترمذی، شماره حدیث: ۳۳۶۴

^۲ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۸۱۱ - جامع الصغیر و زیادته، شماره حدیث: ۴۴۲۸ - صحیح الجامع، شماره: ۲۶۶۳ - سنن دارمی، ۳۴۸۰

۲: انس رضی الله عنه روایت می کند که مردی گفت: ای رسول خدا! من این سوره را دوست دارم، رسول الله ﷺ فرمودند: یقیناً دوستی تو با این سوره، ترا داخل جنت میسازد^۱

۳- ابوهریره رضی الله عنه می گوید: من همراه رسول الله بودم در همین وقت از کسی شنیدیم که می خواند: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. رسول الله ﷺ فرمودند: واجب شد، من پسران کردم: چه چیز واجب شد؟ فرمودند: جنت،^۲

۴: رسول الله ﷺ برای اصحاب شان فرمودند: جمع شوید تا برای شما ثلث قرآن کریم را بخوانم! صحابه رضی الله عنهم جمع گردیدند، رسول الله ﷺ بر آنها: (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ...) را خواندند^۳...

۵: رسول الله ﷺ فرمودند: کسیکه (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ...) را ده مرتبه بخواند، الله عزوجل برایش درجنت قصری بنا میکند، عمررضی الله عنه از روی خوشحالی گفت: سپس مایان قصرهای خود را زیاد می سازیم. (یعنی این سوره را زیاد تلاوت میکنیم) رسول الله ﷺ فرمودند: الله عزوجل بیشتری دهد...^۴

۶: رسول الله ﷺ این سوره (اخلاص) را (اغلباً) در رکعت دوم سنت صبح، شام، در رکعت دوم طواف، و در رکعت اخیر وتر می خواندند^۵ - در رکعت پیش از آن سوره کافرون را می خواندند.

وجه نام گذاری این سوره به اخلاص:

۱: این سوره از توحید خالص سخن می زند.

۲: بنده را از شرک خلاص می سازد.

۳: باورمند خود را از جهنم خلاص میکند.

۱ جامع الاصول من احادیث الرسول، شماره حدیث: ۶۲۶۸ - سنن الترمذی، شماره حدیث: ۲۹۰۱

۲ صحیح الترغیب والترهیب (۱۴۷۸)

۳ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۸۱۲

۴ السلسلة الصحيحة، شماره حدیث: ۵۸۹ - در سلسله صحیح این حدیث تا (در جنت قصری بنا میکند) ذکر شده است، مسند احمد، شماره

حدیث: ۱۵۶۱۰

۵ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۷۲۶ - سنن ترمذی، شماره حدیث: ۴۳۱ صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۱۱۸

اجمالاً مطالبی که این سوره در بر گیرنده آنست:

این سوره رد بر باورشماری از نصرانیان است که قایل بر تثلیث^۱ می باشند، همچنان رد بردیدگاه مشرکین نیز می باشد، زیرا: آنها همراه الله عزوجل معبود دیگری گرفتند. این سوره بیان کننده حق الله عزوجل است مثل اینکه سوره کوثر حق رسول الله ﷺ را بیان می کند.

از مقاصد این سوره:

اثبات یگانگی الله عزوجل، پاک و منزّه دانستن او از هر عیب و نقص

موضوع: اثبات توحید الله عزوجل

قرآن کریم: {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ} {۱} (ای پیغمبر بگو: او الله یگانه است)

تفسیر: ای رسول ما! با یقین قطعی وبا باور و شناخت درست بگو: الله عزوجل در ذات، صفات و افعال خود یگانه و یکتا است. همانندی برای او نیست، هیچگونه همکار، مشابه و وزیری برایش وجود ندارد. ویگانگی تنها در او منحصر است.

موضوع: ۱- درحاجات بسوی الله عزوجل مراجعه شود، ۲- پناه نیازمندان الله عزوجل است.

قرآن کریم: {اللَّهُ الصَّمَدُ} {۲} (الله بی نیاز است)

تفسیر: ذاتی که شما آنرا می شناسید و اقرار می کنید که آفریدگار شما و آسمان و زمین است، در الوهیت خود تنها است او بی نیاز میباشد، مخلوقات برای رفع همه نیازها و دفع همه دشواری های شان رو بسوی او می آورند، چون: او مهربانی است که رحمت اش همه چیز را فرا گرفته است، توبه پذیری است که توبه همه را می پذیرد، روزی دهنده است که روزانه برای تمام انسانها (دوستانش و دشمنانش)، حیوانات، جنیات، پرندگان، خزندگان و شناوران در خشکه و دریا روزی فراهم می سازد.

این آیه کریمه عقیده مشرکین عرب و امثال آنها را که قایل به وجود واسطه ها میان خود و الله عزوجل بودند رد می کند.

۱ سه دانستن عده از نصرانیان الله عزوجل را

موضوع: نفی وجود فرزند، پدر و مادر از الله عزوجل.

قرآن کریم: {لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ} {۳} (نه کسی را زاده و نه اوزاده شده است)

تفسیر: در جمله اول (لم یلد) باور زشت سه طایفه زیر رد گردیده است

۱: مشرکین عرب، گمان آنها بر این بود که فرشتگان دختران الله عزوجل اند.

۲: یهودیانی که می گفتند: عزیر پسر الله عزوجل است.

۳: نصرانیانی که می گفتند: عیسی پسر الله عزوجل است، نعوذ بالله.

در جمله دوم (ولم یولد) نفی وجود پدر و مادر از الله متعال شده است.

رسول الله ﷺ فرمودند: الله عزوجل فرموده است: فرزند آدم من را تکذیب نمود ولی این کار برایش شایسته نبود. من را دشنام داد ولی این کار هم برایش شایسته نبود. اما تکذیب فرزند آدم اینست: وی میگوید: من را الله عزوجل دوباره نمی آفریند چنانچه بار نخست من را آفریده است، درحالیکه آفرینش نخستین و دوباره زنده ساختن هردو در نزد من یکسان است. اما دشنام فرزند آدم اینست: وی می گوید: الله عزوجل برای خود فرزند گرفته است. درحالیکه من یگانه بی نیاز هستم، فرزندی نزادم و نه هم از کسی زاده شدم و هیچ کسی همتا و همانندم نمی باشد.^۱

رسول الله ﷺ فرمودند: هیچ کسی بر آزاری که شنیده است از الله عزوجل شکیباتر و بردبارتر نیست. (برخی) برای او همتا و همانند قرار می دهند، (برخی) برای او فرزند نسبت می دهند، ولی در همان حال؛ الله عزوجل برای آنها روزی می دهد، عافیت و صحتنمدی برای شان می بخشد و نیازمندی های شان را برآورده می سازد.^۲

موضوع: الله عزوجل در ذات، صفات و افعال خود همتای ندارد.

قرآن کریم: {وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ} {۴} (و هیچ کس مانند و همتای او نیست)

تفسیر: و هیچ کس با الله عزوجل همانند نیست. هیچ یک از انبیا، فرشتگان، جنیات و انسانها با الله عزوجل همانند، همتا و شبیه نیست. و هیچ قانونی نیز همانند و شبیه شریعت الله عزوجل نمی باشد. الله عزوجل در آیه اول این سوره؛ تعدد را از ذات

۱ صحیح البخاری، کتاب التفسیر. شماره حدیث: (۴۵۹۲).

۲ صحیح البخاری (۷۳۷۸-۶۰۹۹). صحیح مسلم، (۵۰-۲۸۰۴) صحیح ابن حبان (۶۴۲).

خود دور نمود، درآیه دوم کاستی و احتیاج را از خود نفی کرد و در آیه سوم همتایی و همانندی را از نفس خود دور ساخت. الله عزوجل موصوف به صفات کمال است و از صفات نقص و عیب منزّه می باشد.

جهت قبول شدن دعاها و برآورده شدن حاجت ها اینگونه دعا شود:

۱- روزی رسول الله ﷺ داخل مسجد شدند و در این هنگام از کسی شنیدند که چنین دعا می کند: اللهم إني أسألك يا الله الأحد الصمد، الذي لم يلد ولم يولد، ولم يكن له كفواً أحد، أن تغفر لي ذنوبي، إنك أنت الغفور الرحيم. رسول الله ﷺ فرمودند: یقیناً آمرزیده شد، یقیناً آمرزیده شد، یقیناً آمرزیده شد. ۱- بنابراین: هرکس دوست دارد که آمرزیده شود این دعا را بکند!

۲- روزی رسول الله ﷺ از مردی شنیدند که چنین دعا می کرد: اللهم إني أسألك أني أشهد أنك أنت الله، لا إله إلا أنت الأحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحد. رسول الله ﷺ برایش فرمودند: یقیناً از الله عزوجل به اسمی سوال کردی که هرگاه به این اسم ازوی چیزی سوال شود آن چیز را می دهد و هرگاه به این اسم دعا شود اجابت می کند. ۲ به اساس روایت دیگری برایش گفتند: تواز الله عزوجل به اسم اعظم اش سوال کردی. ۳-

۱ سنن ابی داود (۹۸۵) اسناد صحیح. این دعا را این شخص در هنگام تشهد می کرد و در خارج از تشهد نیز خوانده شود بی نهایت موثر است.

۲ سنن ابی داود (۱۴۹۳) اسناد صحیح.

۳ سنن ابی داود (۱۴۹۴) اسناد حسن.

رهنمایی ها، احکام و عمل

- ۱: شناخت الله عزوجل به نامها و صفات آن.
- ۲: بیان توحید و نبوت.
- ۳: ذکر بی نیازی الله عزوجل و احتیاج تمام مخلوقات به سوی او.
- ۴: بطلان نسبت دادن فرزند به الله عزوجل.
- ۵: ابطال قوانین وضعی ساخته بشر، بنابراین: برای الله عزوجل همتای در تشریع (قانون گذاری) نیز قرار داده نشود.
- ۶: وجوب عبادت برای الله عزوجل و نفی شریک و شبیه از او
- ۷: ای برادر و خواهر مسلمان! علاوه بر تلاش ات جهت در یافت فضیلت تلاوت و سعادت تدبر در سوره های اخلاص، فلق، وناس، باخواندن این سوره ها در دفع و رفع مریضی های جسمی و روحی از خود و خانواده ات کوتاهی نکن.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

سورة فلق

نام سوره: فلق

مکان نزول: مدینه منوره

شمار آیات: ۵

تعداد کلمات: ۲۳

اعداد حروف: ۷۴

سبب نزول هر دو سورة معوذتین (ناس و فلق) و فضیلت آنها:

۱: رسول الله ﷺ جادو شدند اما از جهت مسایل شرعی یا وحی برایشان تاثیری نداشته است و نهایت تاثیر آن در این حد بود که: رسول الله ﷺ تصور می کردند کاری کرده باشند در حالیکه آن کار را نکرده بودند و این سحر را لبید پسر اعصم یهودی، علیه شان انجام داده بود، الله عزوجل، رسولش ﷺ را از آن سحر نجات داد، برایشان وحی (معوذتین) نازل شد و با این دو سوره؛ دَم شدند و صحتمند گردیدند.^۱

۲: رسول الله ﷺ فرمودند: یقیناً الله عزوجل بر من آیاتی نازل فرمود که مثل آن دیده نشد. سپس هردوی این سوره (ناس و فلق) را تا آخر تلاوت کردند.^۲

در مرقاة المفاتیح این حدیث چنین شرح شده است: بهتر از این دو سوره در باب خود که پناه جستن به الله عزوجل است برای خواننده یافت نشده است.

۱ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۵۷۳۵ - صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۱۹۲ - تفسیر النسفی (مدارك التنزيل وحقائق التأويل) المؤلف: أبو البركات عبد الله بن أحمد بن محمود حافظ الدين النسفی (المتوفى: ۷۱۰هـ) - التفسير المنير في العقيدة والشرعة والمنهج، المؤلف: د. وهبة بن مصطفى الزحيلي. - برخی می گویند: دختران لبید پسر اعصم، رسول الله صلی الله علیه وسلم را سحر نمود. به تفسیر قرطبی و بغوی مراجعه شود.
۲ سنن الترمذی، شماره حدیث: ۳۳۶۷ - صحیح مسلم، شماره حدیث: ۸۱۴ - سنن النسائی، شماره حدیث: ۹۵۴ - مسند احمد، شماره حدیث: ۱۷۳۰۳ - سنن الداریمی، شماره حدیث: ۳۴۸۴ -

۳: رسول الله ﷺ برای عقبه رضی الله عنه فرمودند: آیا برای تو بهترین دو سوره که خوانده شده تعلیم ندهم؟ سپس هردو سوره (ناس و فلق) را خواندند و در ادامه فرمودند: ای عقبه! این دو سوره را هنگام خواب شدن و برخاستن از خواب بخوان، هیچ سوال کننده سوال نمیکند و هیچ پناه جوینده پناه نمی جوید به مثل این دو سوره^۱

۴: عایشه رضی الله عنها فرمودند: هرگاه رسول الله ﷺ مریض می شدند، خود ایشان معوذات (سوره های ناس و فلق) را میخواندند و برخود می دمیدند ولی هنگامیکه مریضی شان شدت گرفت. من این دو سوره را برایشان میخواندم و جسم پیامبر ﷺ را به دست خود شان مساس می نمودم...^۲

۵: رسول الله ﷺ هر شب هنگامیکه در بستر خواب قرار میگرفتند سوره های اخلاص، فلق، و ناس را میخواندند، بردستان خود می دمیدند و بر جسم خود تا آنجائیکه ممکن بود می مالیدند از سر، صورت و جلو جسم خود شروع می کردند و این عملیه خواندن، دمیدن و مسح کردن را سه مرتبه تکرار می کردند^۳

۶: عقبه رضی الله عنه روایت نموده است که رسول الله ﷺ من را دستور دادند تا معوذات (سوره های ناس و فلق) را به عقب هر نمازی بعد از سلام بخوانم^۴

این حدیث دلیل بر اینست که: در هر نمازی بعد از سلام خواندن معوذات مستحب است، برخی علما خواندن آنرا به نمازهای فرض مقید نمودند، ظاهر عبارت عموم نمازها اعم از فرایض و نوافل را شامل می شود^۵

اجمالاً مطالبی که این سوره مبارکه دربرگیرنده آنست: این سوره متضمن استعاذه به الله عزوجل از شرمخووقات میباشد. مخصوصاً از شر تاریکی شب، زنان سحرکننده، طمع ورزان و کینه توزان به الله عزوجل پناه جسته می شود. در این سوره درس رسا و تعلیم سودمند و بزرگی برای حمایت و حفاظت مردم می باشد از امراض نفسانی،

^۱ صحیح جامع الصغیر و زیاده - سنن الدارمی، شماره حدیث: ۳۴۸۳ - مصنف ابن ابی شیبہ، شماره حدیث: ۲۹۶۰۴ - سنن النسائی، شماره حدیث: ۵۴۳۸

^۲ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۵۰۱۶

^۳ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۵۰۱۷

^۴ سنن نسائی، شماره حدیث: ۱۳۳۶ - سنن ابی داود، شماره حدیث: ۱۵۲۳

^۵ شرح سنن النسائی المسمى « ذخيرة العقبی فی شرح المجتبى » المؤلف: محمد بن علی بن آدم بن موسی الاثیوبی الولوی

شرجانوران خزنده و گزنده، و شرشب تاریک، زیرا: در شب انواع ترس ها به ویژه در دشتها و غارها حتی در شهرها موجود میباشد.

از مقاصد این سوره:

محافظت مردم به سبب تلاوت این سوره از اذیت سحر، حسد و تمام آزار رسانان. موضوع:

۱: بیان تعلیم توسل به اسم: (رب) به سوی الله عزوجل در دفع و رفع آفتها و طلب حاجتها.

۲: تعلیم کیفیت استعاذه و وجوب آن.

قرآن کریم: { قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ } { ۱ } (ای پیغمبر! بگو: پناه میبرم به پروردگار صبح (سپیده دم))

تفسیر: ای رسول ما! بگو: پناه می برم به پروردگاری که دانه، هسته و سپیده دم را می شکافد. مراد به «الفلق» هر آنچه را که الله عزوجل بشکافد، و این شامل سپیده دم، روییدن گیاه از زمین و کوها، بیرون شدن چشمه ها از آنها، خروج طفل از رحم، باران از ابر و غیره را میشود. بلی؛ ذاتی که قادر بر دور ساختن تاریکی از روی زمین باشد، قادر بر دفع ظلمت شرارتها و آفتها از انسان نیز می باشد.

این آیه مبارکه حس امید را در نفس های پناه جویندگان به الله عزوجل زنده میسازد که مدد و گشایش تمام امور برای آنها در راه است و فرا می رسد.

موضوع: لزوم پناه جستن به الله عزوجل از شر هر صاحب شری از آفریدگان

قرآن کریم: { مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ } { ۲ } (از شر هر آنچه آفریده است)

تفسیر: پناه می برم به الله عزوجل از شر هر صاحب شری از مخلوقات و اذیت تمام آزار رسانان، «شر» ضد «خیر» بوده و اسمی است جامع رذایل و فسادها، امام قرطبی - رحمه الله - در تفسیر این آیه مبارکه چنین مینویسد: مراد از شر آنچه آفریده است: ۱- ابلیس و نسل او - ۲: جهنم - ۳: عام است، شر هر صاحب شری را شامل میشود. بلی؛ این آفریدگان در برگیرنده همه انسانها، جنیات و حیوانات میشود، انسان باید به آفریننده اینها از شری که در آنها وجود دارد پناه بجوید، سپس الله

عزوجل به صورت ویژه و خاص سه صنف از مخلوقات زیر را از جهت بزرگی شرارت آنها خاص میسازد.

موضوع: لزوم پناه جستن به الله عزوجل از شرشب تاریک

قرآن کریم: {وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ} {۳} (وازش تاریکی شب وقتی که همه جا را بپوشاند)

تفسیر: پناه میبرم به الله عزوجل از شری که در شب وجود دارد. و آن اغلباً زمانی است که خواب مردم را فرو می پوشاند و در این وقت بسیاری از ارواح شرور، مثل: شیطانها، فاسقان، قاتلان، دزدان و حیوانات ضرر رسان مثل: مارها، عقربها و درنده ها پخش و پراکنده می شوند.

ام المومنین عایشه صدیقه رضی الله عنها فرمودند: رسول الله ﷺ به طرف مهتاب نگاه کردند و فرمودند: ای عایشه! از شر این (شب هنگامیکه شفق آن پنهان شود و یا مهتاب هنگامیکه به سبب خسوف تاریک شود) به الله عزوجل پناه ببر.^۱

موضوع: لزوم پناه جستن به الله عزوجل از شر جادوگران

قرآن کریم: {وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ} {۴} (وازش رزنان جادوگر که با افسون درگرا می دمند)

تفسیر: از شر رزنان جادوگری که برای جادوی خود از دمیدن درگره ها کمک می گیرند. و یا از شر نفوس (مردان و زنان) که برای جادوگری خود از دمیدن درگره ها استعانت میجویند.

موضوع: لزوم پناه جستن به الله عزوجل از شر طمع و رزنده که آرزوی زوال نعمت را از دیگری میکند.

قرآن کریم: {وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ} {۵} (وازش شرر حسودی وقتی که حسد ورزد)

تفسیر: و به الله عزوجل پناه میبرم از شر هر طمع و رزنده و کینه توز هنگامیکه برای از بین بردن نعمت از دست دیگران تلاش می کند، حسود کسی است که زوال نعمت

دیگران را می طلبد. علامه عبد الرحمن سعدی در تفسیرش مینویسد: چشم بد نیز نوعی از حسادت است چون فقط کسی چشم می زند که حسود باشد.

رسول الله ﷺ فرمودند: مرضی از امت های گذشته به شما سرایت نموده است و آن عبارت از حسد و کینه میباشد، این بیماری تراشنده و قطع کننده است، نمیگویم که موی را می تراشد و قطع میکند بلکه دین را قطع میکند.^۱ در - المفاتیح شرح المصابیح - بیان شده است که: مراد به قطع و تراشیدن دین اینست که: این صفات (طمع ورزی و کینه توزی) انسانرا از انجام اعمال صالحه باز می دارد.

بلی: هرگاه حاسد (رشک برنده) مال محسود (رشک برده شده) را تلف نمود و یا به آبروی وی آسیب رساند، از نیکی هایش کاسته میشود و حتی در مواردی این حاسد از اعمال صالحه خود، مفلس (ورشکست) گردیده و وارد جهنم میشود.

رهنمایی ها، احکام و عمل

۱: وجوب استعاذه به الله عزوجل از هر ترس و وحشتی که انسان قدرت دفع آنرا ندارد

۲: تحریم دمیدن در گره ها و این نوعی از سحر است و سحر کفر می باشد

۳: اولین نافرمانی و گناه در آسمان از حسد به وجود آمد، حسد ابلیس با آدم علیه السلام نمونه معروف آن است. پس لازم است که از شر آن به الله عزوجل پناه برده شود.

۴: اولین نافرمانی در زمین نیز مبنای آن حسد بود که در نتیجه آن، اولین خون ریزی در روی زمین انجام یافت، کشتن یکی از فرزندان آدم دیگرش را و همچنان آنچه برادران یوسف علیه السلام با وی انجام دادند از روی حسد بود.

۵: تعلیم کیفیت استعاذه از شردنیا و آخرت مخصوصاً از شر جنیات، انسانها، شیاطین، درندگان، خزندگان گزنده، شرآتش، شرگناه، شرخواهشات نفسانی، شرعمل، شر فاسقان، و دزدان.

۱ مسند امام احمد، شماره حدیث: ۱۴۱۲ - سنن ترمذی، شماره حدیث: ۲۵۱۰ - صحیح الترغیب و الترہیب، شماره حدیث: ۲۸۸۸ (۴) - صحیح الجامع الصغیر و زیاده، ۱/ ۳۳۶۱

۶: رشک برنده نعمت، بخشش الله عزوجل را بر غیر خود دوست نداشته و ناراحت میشود.

۷: رشک برنده به تقسیم الله عزوجل راضی نیست، موجودیت این صفات در مسلمان کاستی در کمال ایمان وی میباشد.

۸: مرد انصاری از اصحاب رسول الله ﷺ که با کسی حسد نمی ورزید برایش بشارت جنت داده شد^۱

۹: حسادت از خصال زشت یهود میباشد.

۱۰: در این سوره درس بزرگ ورسای جهت حمایت مردم وجامعه از دشمنی بین آنها و جلوگیری از نا امنی ها وجود دارد، زیرا در جامعه که ریشه حسادت و کینه توزی خشکیده شود، جرایم و جنایات نیز محو میگردد.

۱ مسند امام احمد، شماره حدیث: ۱۲۷۲۰، تعلیق شعیب الارنؤوط، اسناد صحیح علی شرط الشیخین، آرشیف ملتقی اهل الحدیث، عنوان: الخصال الموجبه لدخول الجنة - جزء ۹۳ - ص ۱ - رواه احمد - ۱۲۲۸۶ - بسند صحیح - مجله جامعه ام القرى، جزء - ۱۰ - ص - ۲۴۷ - السنن الکبری للنسائی، شماره حدیث: ۱۰۶۳۳ - شعب الایمان، شماره حدیث: ۶۱۸۱ - مصنف عبد الرزاق، شماره حدیث: ۲۰۵۵۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله مهر گستر مهربان

نام سوره : ناس.

مکان نزول: مدینه منوره

شمار آیات: ۶

تعداد کلمات: ۲۰

اعداد حروف: ۹۹

اجمالاً آنچه که این سوره مبارکه در برگیرنده آن است:

این سوره مشتمل بر پناه جستن بسوی پروردگار مردمان می باشد که معبود حق است از شر ابلیس و لشکریانش که مردمان را گمراه می کنند. و به عبارت دیگر: این سوره متضمن پناه جستن به الله عزوجل از عیب های می باشد که اساس همه آنها وسوسه است.

از مقاصد این سوره:

محافظت نفس از شر شیطان و خلاصی از وسوسه او

موضوع: تعلیم پناه جستن به الله عزوجل با توسل به اسم: «رب»

قرآن کریم: (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ {۱}) (ای پیغمبر! بگو: پناه میبرم به پروردگار مردمان)

تفسیر: این آیه مبارکه برای پیامبر ﷺ می آموزاند که چگونه او و امت اش از شر شیطان و وسوسه گر به پروردگار شان پناه بجویند، ذاتیکه مربی، نعمت دهنده، صاحب تدبیر، کارساز، اصلاح کننده امور و احوال مردمان می باشد سزاوار است که به او از هر شری پناه جسته شود.

موضوع: تعلیم توسل به الله عزوجل با اسم: «ملک»

قرآن کریم: { مَلِكِ النَّاسِ } {۲} (وبه پادشاه حقیقی مردم)

تفسیر: فرمانروای مردمان (وسایر مخلوقات) و متصرف در امورات آنها به شکل کامل و فراگیر، قدرت، سلطه و قانون او بر همه نافذ می باشد، تمام خلائق در دایره پادشاهی الله عزوجل قرار دارد، سرنوشت هر جنبنده در دست الله عزوجل می باشد. پس تنها او سزاوار تعظیم، عبادت، و پناه جستن است. نه غیر او

موضوع: تعلیم توسل به الله عزوجل با اسم: «اله»

قرآن کریم: { إِلَهِ النَّاسِ } {۳} (وبه معبود حقیقی مردم)

تفسیر: معبود حقیقی مردمان که جز او هیچ معبودی سزاوار عبادت نیست، عبادات با تمام انواع آن، باید تنها برای او انجام شود. نه برای غیر او.

موضوع: بیان وصف و لقب وسوسه گری که از شرآن به الله پناه برده شود

قرآن کریم: { مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ } {۴} (از شر وسوسه کننده ای که واپس می رود)

تفسیر: از گزند آن شیطان وسوسه گر پنهان شونده، به الله عزوجل پناه میبرم، از جمله فتنه و شر او اینست که: در سینه های مردم وسوسه می کند، طوریکه زشتی ها و گناهان را به آنان زیبا جلوه میدهد و مردم را به ارتکاب آنها تحریک می کند، شیطان همیشه وسوسه می کند، ولی هنگامیکه بنده پروردگار را یاد کند و از الله عزوجل برای دور ساختن شیطان کمک بگیرد واپس می رود، یعنی: خود را از وسوسه کردن عقب می کشد، هنگامیکه انسان در غفلت قرار بگیرد، شیطان دوباره باز می گردد و به وسوسه خود ادامه میدهد،

موضوع: بیان محل وسوسه

قرآن کریم: (الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ } {۵} (آن که در دلهای مردم وسوسه می اندازد)

تفسیر: وسوسه: آنچه در قلب از افکار و اوهامی افکنده شود که حقیقت ندارد، شیطانها زشتی ها و گناهان را در سینه های مردمان زیبا جلوه می دهند.

شیطان و بدن انسان:

رسول الله ﷺ فرمودند: شیطان مثل خون در بدن فرزندان آدم در جریان است...^۱ - فرار شیطان:

رسول الله ﷺ فرمودند:.. شیطان هنگام اذان (در حالیکه ترس و وحشت بر او غلبه نموده) فرار می کند و در ختم اذان دو باره باز می گردد تا اینکه بین شخص نماز گزار و نماز او وسوسه ایجاد کند و برای نماز گزار می گوید: فلان شی را یاد آور شو! فلان شی را یاد آور شو! آنچه را که یاد آور نبوده است به او یاد آوری میکند، طوریکه شخص نماز گزار نمی داند چند رکعت نماز خوانده است^۲ و وسوسه های دیگری از این قبیل در خارج از نماز نیز مینماید. از فعالیت و تلاش خسته نمی شود.

وقایه و درمان ازهمه وسوسه های شیطانی و امراض نفسانی: خواندن این دو سوره (ناس و فلق) و اذکار ماثوره صحیحه در دفع وسوسه های شیطانی و رفع امراض نفسانی بسنده است.

مهربانی الله عزوجل براین امت:

رسول الله ﷺ فرمودند: الله عزوجل از امت من وسوسه های را که در سینه های شان ایجاد می شود عفو نموده است تا هنگامیکه به مقتضای آن وسوسه ها عمل صورت نگیرد و سخن زده نشود^۳ یعنی: حدیث نفس و خطرات قلبی که خالی از عمل و سخن زبان باشد عفو است، انسان در این نوع وسوسه مورد مواخذه قرار نمی گیرد. الحمد لله، این احسان دیگر الله عزوجل بر امت محمد ﷺ میباشد. ولی انسان باید مراقب کردار و گفتار خود باشد، زیرا در مقابل آنها مجازات و مکافات مرتب است، و خود را پیوسته در پناه الله عزوجل قرار داده و راه های نفوذ شیطان را برخورد مسدود نماید.

۱ صحیح البخاری (۵۷۵۱)

۲ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۶۰۸ - صحیح مسلم، شماره حدیث: ۳۸۹ - سنن ابی داود، شماره حدیث ۵۱۶

۳ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۲۵۲۸

موضوع: بیان انواع وسوسه گران

قرآن کریم: {مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ} {۶} (ازجنس جن باشد ویا ازجنس انسان).

تفسیر: وسوسه گران دونوع اند.

نوع اول: شیطانها میباشند که مثل خون در بدن انسان ها در جریان اند،

نوع دوم: انسانهای میباشند که در زیبا جلوه دادن گناهان ودعوت دادن مردم به ارتکاب آنها کارهای شیطانها را انجام میدهند. این نوع از انسانها از لشکریان ابلیس اند، انسانها مکلف هستند که از شر همه آنها به الله عزوجل پناه ببرند.

انواع وسوسه شیطان در سینه انسان:

۱: ایجاد شبهات در عقیده.

۲: زیبا جلوه دادن گناه.

۳: باز داشتن از طاعت.

۴: داخل نمودن ریا در اعمال.

۵: عجب وخود بینی را برانسان داخل ساختن.

۶: آتش حسد، کینه و غضب را بر قلب انسان روشن نمودن.

۷: کردارها، باورها، وگفتارهای که مخالف قرآن کریم وحديث صحيح باشد بر مردم تلقین نمودن.

تفاوت بین استعاذه که در سورة ناس و فلق ذکر شده است:

در سورة فلق از ضررهای بدنی وجسمی به الله عزوجل پناه جسته میشود ولی در سورة ناس از ضرر دینی وعقیدتی به الله عزوجل پناه جسته میشود که تنها در نفوس بشریت پیش میشود، به عبارت دیگر: مقصد از استعاذه در سورة فلق؛ سلامت نفس وبدن است، ولی مقصد از استعاذه در سورة ناس؛ سلامت دین است و همچنان در ذکر اسم های «ملک» و «اله» در سورة ناس وتوسل به آنها جهت در امان قرار گرفتن از شر وسوسه های شیطان، اهمیت این موضوع دانسته می شود که: انسان باید با جدیت کامل جلو کوچکترین خطری که دینش را تهدید می کند با

استفاده از قوی ترین اسلحه بگیرد، زیرا: ضرری که برای شخص در دینش برسد اگر چه کوچک هم که باشد، خطرناک تر است از ضرری که در دنیای وی برسد اگر چه بزرگ باشد.

اسباب تکرار لفظ ناس (انسانها) در این سوره:

۱: یک نوع بزرگداشتی برای انسانها است.

۲: انسانها در حق الله عزوجل مرتکب خطا شدند، چنانچه بعضی از آنها بت، عده آتش برخی آفتاب و... را عبادت نمودند.

حکمت در ترتیب نام های (رب، ملک واله) برای الله عزوجل در این سوره:

انسان در آغاز دوران درک اشیا، متوجه نعمت ترکیب و تنظیم شگفت آور آفرینش وجود خود می شود و بنده که سرشت دین پذیری در وجود او فاسد نشده باشد در همین بخش از عمر، به ربوبیت الله عزوجل اقرار و اعتراف میکند، زیرا: پرورش دادن از نخستین نعمت های آشکار الله عزوجل برانسان می باشد، پس از همین جهت اسم «رب» مقدم شده است.

انسان بعد از تعقل ودقت بیشتر، به این اعتراف می کند که این مربی و آفریننده، فرمانروا و بی نیاز است، پس به همین خاطر اسم «ملک» بعد از اسم «رب» ذکر گردیده است.

این انسان بعد از تأمل و تفکر بیشتر، باورمند می شود که همین پرورش دهنده و فرمانروا مستحق عبادت و پرستش است، نه غیر آن. بنابر این: اسم «اله» بعد از اسم «ملک» ذکر شده است. والله اعلم.

رهنمایی ها، احکام و عمل

- ۱: وجوب استعاذه به الله عزوجل از شرشیطان های جنی وانسی.
- ۲: تقریر ربوبیت، حاکمیت والوهیت برای الله عزوجل.
- ۳: الله عزوجل برای بندگان تعلیم می دهد که با توسل به نامهایش که: (رب، ملک، واله) است به او از شرشیطان های جنی وانسی پناه بجویند تا عقیده ودین شان سالم بماند.
- ۴: بیان خطر شیطان های جنی وانسی.
- ۵: هرگاه مطالب سورة فاتحه در اول مصحف وسورة ناس در اخیر آن بررسی شود رابطه شگفت آوری میان اول و آخر قرآن کریم یافت می شود، به این معنا: درسورة فاتحه؛ صفت الوهیت که مستفاد از لفظ «الله» است، صفت ربوبیت، که مستفاد از «رب» است و صفت مالکیت که مستفاد از «مالک» است ذکر گردیده است. همچنین این صفات (رب، ملک، واله) درسورة (ناس) نیز موجود میباشد، بنابراین: بین اول مصحف و اخیر آن به این شیوه موافقت جالبی وجود دارد.
- ۶: مهربانی الله عزوجل بر بندگان در نازل نمودن این دو سورة مبارکه، تا اینکه بندگان به وسیله این سوره ها شیطانها را از خود برانند. جسم، روح، دین و دنیای خود را از آسیب شیطان ها در امان الله عزوجل قرار دهند.
- ۷: هرگاه انسانها از ذکر الله عزوجل اعراض کنند، شیطان ها بر آنها مسلط می شوند
- ۸: الله عزوجل با مهربانی اش وسوسه که در قلوب افراد این امت بوجود می آید عفو نموده است و امت پیامبر ﷺ را در آن مواخذه نمی کند، البته اگر به مقتضای وسوسه عمل نادرستی را انجام داد، یا حرف زشتی را به زبان آورد مواخذه می شود، بنابراین: مومنان با تلاوت این دو سوره مبارکه، تدبر در آنها و عمل به مقتضای آنها خود را در حفاظت الله عزوجل قرار دهند.
- ۹: انسان به هر درجه از تقوی و پرهیزگاری که برسد ضرورت به استعاذه دارد.
- ۱۰: استعاذه تنها به الله عزوجل صورت گیرد، نه به فرشته، نبی، ولی و... زیرا: رسول الله ﷺ مأمور به استعاذه به الله عزوجل شدند.

۱۱: لازم است که خواننده این سوره از پیامد عمل به وسوسه شیطان توسط آدم و حوا علیهما السلام غافل نباشد، و خطر عمل به وسوسه شیطان را بداند، تادینش را سالم نگهدارد، زیرا: اولین آسیب و ضرری که بر انسان اول (آدم علیه السلام) واقع شد از ناحیه عمل به مقتضای وسوسه انجام یافت.

۱۲: خطرناک ترین سلاح علیه انسان شک می باشد و شک از وسوسه شیطان به و جود می آید، بنابراین: این دو سوره سپری می باشد که به وسیله آنها جلو شک گرفته می شود.

۱۳: تفسیر استعاذه، و مواردیکه استعاذه سنت است در آغاز این تفسیر بیان شده است. خواندن و عمل به آنرا برای برادران ایمانی خود توصیه می نمایم^۱ - واللّٰه اعلم.

۱۴: این هر سه سوره را در هنگام خواب و حد اقل بعد از هر نماز فرض بخوان!

۱۵: هرگاه تو و یا از یکی از اعضای فامیل ات مریض شدید این دو سوره معوذتین را بخوانید و بر خود بدمید.

منابعی که در این تفسیر علاوه از کتب حدیث از آنها استفاده شده است، عبارت اند از:

۱: تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان المؤلف: عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي (المتوفى: ۱۳۷۶هـ)

۲: تفسیر النسفی (مدارك التنزيل وحقائق التأويل) المؤلف: أبو البركات عبد الله بن أحمد بن محمود حافظ الدين النسفی (المتوفى: ۷۱۰هـ)

۳: تفسیر الألوسي = روح المعاني فی تفسیر القرآن العظيم والسبع المثاني المؤلف: شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني الألوسي (المتوفى: ۱۲۷۰هـ)

۴: تفسیر القرآن العظيم المؤلف: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ۷۷۴هـ)

۵: الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبي المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: ۶۷۱هـ)

۶: التفسیر الوسيط للقرآن الكريم المؤلف: محمد سيد طنطاوي الناشر: دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، القاهرة - القاهرة

۷: جامع البيان فی تأويل القرآن المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: ۳۱۰هـ)

۸: أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير المؤلف: جابر بن موسى بن عبد القادر بن جابر أبو بكر الجزائري الناشر: مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، الطبعة: الخامسة، ۱۴۲۴هـ/ ۲۰۰۳م

۹: التفسیر المنير فی العقيدة والشریعة والمنهج المؤلف: دوهبة بن مصطفى الزحيلي

۱۰: القرآن تدبر وعمل، هو منهج متكامل محكم ومتخصص فی التدريب علی تدبر القرآن الكريم والعمل به علی وفق منهج اهل السنة والجماعة.

۱۱- موسوعة الصحيح المسبور من التفسیر بالمأثور المؤلف: أ. د. حكمت بن بشير بن ياسين. الناشر: دار المآثر للنشر والتوزيع والطباعة- المدينة النبوية الطبعة الأولى، ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م عدد الأجزاء: ۴.

۱۲- تفسیر القرآن العظیم لابن ابي حاتم المؤلف: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم (المتوفى: ۳۲۷هـ) المحقق: أسعد محمد الطيب الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز - المملكة العربية السعودية الطبعة: الثالثة - ۱۴۱۹ هـ [ترقيم الكتاب موافق للمطبوع، وهو ضمن خدمة مقارنة التفاسير.

به کمک الله عزوجل تفسیر جزء (سی ام) تمام شد، وان شاء الله عزوجل این روند ادامه دارد،

نویسند: مولوی محمد گل حقدوست دهشکری، استاد دارالعلوم عالی جامع شریف، امام و خطیب مسجد جامع خاتم الانبیا، ناحیه چهارم، هرات، افغانستان.

تاریخ: عصر پنجشنبه، ۱۴- ذو الحجة- ۱۴۴۵ هـ- ق.

من بنده ضعیف به عجز معترف، به خطا، تقصیر، نسیان و نقصان متصف می باشم؛ آنچه در نوشتن این تفسیر حق باشد از جانب الله رحمن است و آنچه سهو، خطا و نقصان باشد از نفس من و شیطان است. شریعت الله منان از آن مبراء و درامان است. { ... إِنَّ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتِطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ } (سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ) ۲

کتاب های دیگر مولف:

۱- کتاب فرائض (معاصر).

۲- کتاب روش خواب رسول الله ﷺ (جامع احکام و اذکار خواب شدن و بیدار شدن در احادیث صحیح).

۳- تفسیر جزء اول بر اساس همین منهج.

چاپ و نشر: بدون تغییر و تصرف برای هر مسلمان مجاز است، اجرکم علی الله -

۱ سورة هود آية (۸۸)

۲ سنن ابی داود (۴۸۵۷) الی (۴۸۵۹) این حدیث صحیح در مورد کفارة مجلس می باشد، لازم است که این دعا در ختم هر مجلس خوانده شود، تا اینکه اگر خطا های که در آن مجلس صورت می گیرد مورد مغفرت و آمرزش الله عزوجل قرار گیرد. و خواندن آن در مجلس خیر و ذکر سبب می شود که این اعمال نیکو مهر شود و مورد قبول الله عزوجل قرار گیرد و برای مومن در آخرت ذخیره گردد.